

فصلنامه علمی

راهبرد اجتماعی فرهنگی

۴۷

سال دوازدهم - شماره دوم - پیاپی چهل و هفتم - تابستان ۱۴۰۲

اعضاء هیئت تحریریه

دکتر غلامرضا جمشیدیها
دکتر محمدباقر خرمشاد
دکتر سیدمحمد حسینی
دکتر بهرام بیات
دکتر ابراهیم فیاض
دکتر حمید پارسانیا
دکتر سید سعید زاهد زاهدانی
دکتر حسین بستان (نجفی)
دکتر عبدالحسین کلانتری
دکتر غلامرضا تاجبخش

نشانی: میرداماد، مصدق (نفت) شمالی، بین کوچه چهارم و ششم، پلاک ۱۰.

کدپستی: ۱۵۹۱۸۱۶۹۱۱ تلفن: ۲۲۲۵۸۹۲۱ شماره: ۲۲۲۵۸۹۲۱

وبسایت: <http://rahbordfarhangi.csr.i>

پست الکترونیک: rahmagiran@gmail.com

قیمت: ۲۰۰۰۰۰ ریال

این فصلنامه به استناد نامه شماره ۹۰/۲۵۵۹۵ مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۴ هیئت نظارت بر مطبوعات منتشر می‌شود.

به استناد نامه شماره ۳۵۱۱/۱۸/۲ مورخ ۹۲/۰۲/۱۲ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی دارای مرتبه علمی - پژوهشی است.

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی در پایگاه‌های زیر نمایه می‌شود:

www.isc.gov.ir

پایگاه استنادی علوم جهان

www.sid.ir

مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی

www.magiran.com

بانک اطلاعات نشریات کشور

www.csr.ir

پژوهشکده تحقیقات راهبردی

www.ensani.ir

پرتال جامع علوم انسانی

www.civilica.com

مرجع دانش

www.noomags.ir

پایگاه مجلات تخصصی نور

پژوهشکده تحقیقات راهبردی



پژوهشکده تحقیقات راهبردی

صاحب امتیاز

پژوهشکده تحقیقات راهبردی
مجمع تشخیص مصلحت نظام

مدیر مسئول

دکتر محمدرضا مجیدی

سر دبیر

دکتر غلامرضا جمشیدیها

جانشین سر دبیر

دکتر ایمان عرفان منش

مدیر داخلی

دکتر مریم فخری

صفحه‌آرا

رضا عبداللهی بجندی

ویراستار

رضا دبیا

شاپا: ۷۰۸۱-۲۲۵۱

شاپای الکترونیک: ۲۵۸۸-۶۵۵X

تیراژ چاپی: ۱۵۰ نسخه

انتشارات

پژوهشکده تحقیقات راهبردی

اهداف فصلنامه

۱. ایجاد زمینه برای انتشار مقالات علمی - پژوهشی در حوزه مسائل فرهنگی - اجتماعی کشور؛
۲. مساعدت به نظام سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری فرهنگی - اجتماعی کشور؛
۳. اشاعه و توسعه ادبیات مطالعات راهبردی و سیاست‌گذاری در میان محققان و پژوهشگران علوم اجتماعی؛
۴. ایجاد زمینه برای پیوند تحقیقات و مطالعات اجتماعی و فرهنگی با حوزه سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری کشور؛
۵. ارتقای کیفیت راهبردها و سیاست کلان کشور در حوزه‌های فرهنگی - اجتماعی

راهنمای تدوین مقاله و شرایط پذیرش آن در فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی به‌منظور ایجاد زمینه برای انتشار مقالات علمی - پژوهشی در حوزه مسائل اجتماعی و فرهنگی کشور، تازه‌های پژوهشی صاحب‌نظران این حوزه را منتشر می‌کند تا در دسترس علاقه‌مندان قرار گیرد.

مقالات ارسالی باید شرایط زیر را دارا باشند:

الف) شرایط علمی

۱. مقاله باید دارای اصالت و نوآوری (Original research)، تحلیلی و نتیجه‌کاوش‌های نویسنده یا نویسندگان باشد.
۲. در نگارش مقاله باید روش تحقیق علمی رعایت شود و از منابع معتبر و اصیل نیز استفاده شده باشد.
- توضیح: مقاله پس از دریافت، نخست در هیئت تحریریه بررسی و ارزیابی می‌شود و در صورت داشتن شرایط لازم، برای داوران ارسال می‌گردد. پس از وصول دیدگاه‌های داوران، نتایج و امتیازات کسب شده، در هیئت تحریریه مطرح می‌شود و در صورت کسب امتیازات کافی و پذیرش آن، در نوبت چاپ قرار می‌گیرد.

ب) شرایط نگارش

۱. مقاله باید از جهت نگارش، ساختاری محکم و استوار داشته باشد و اصول فصاحت و بلاغت در آن رعایت شود.
۲. عنوان مقاله باید کوتاه و گویا باشد.
۳. نام مؤلف یا مؤلفان همراه با درجه علمی، نشانی محل کار و نشانی اینترنتی (Email) ذکر شود (ذکر شماره تلفن مسئول مکاتبات نیز لازم است).
۴. چکیده فارسی حداکثر پانزده سطر (۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه) باشد.
۵. کلیدواژه فارسی حداکثر شش کلمه باشد.
۶. مقاله باید دارای مقدمه روشن و دقیق باشد چنانکه خواننده را برای ورود به مبحث اصلی آماده سازد.
۷. بیان پیشینه تحقیق از شرایط مقاله است.
۸. در متن اصلی مقاله باید موضوع به‌طور روشن تحلیل شود.
۹. مقاله باید دارای نتیجه‌گیری دقیق باشد.
۱۰. چکیده انگلیسی حداکثر پانزده سطر (۱۵۰ تا ۲۰۰) کلمه باشد.
۱۱. کلیدواژه انگلیسی حداکثر پنج کلمه باشد.
۱۲. نام نویسنده و درجه علمی و محل کار به لاتین ذکر شود.
۱۳. ارجاعات متن باید داخل پرانتز به ترتیب نام نویسنده، سال و صفحه ذکر شود؛ مثال: (زرین کوب، ۱۳۷۲، ص. ۲۵۴) (Giddens, 2009, p. 14).
۱۴. منابع و مأخذ پایانی باید به ترتیب زیر ذکر شود:

الف: کتاب: نام خانوادگی (شهرت)، نام (سال انتشار)، نام کتاب. نام مترجم یا مصحح، شهر محل نشر: نام ناشر.

ب: نشریه: نام خانوادگی (شهرت)، نام (سال انتشار)، عنوان مقاله، نام نشریه، دوره (شماره)، صفحات مقاله (۲۵-۴۵).

ج: مجموعه مقالات: نام خانوادگی، نام (سال انتشار)، عنوان مقاله، نام گردآورنده یا ویراستار، نام مجموعه مقالات، محل نشر: نام ناشر، شماره صفحات مقاله (۲۵-۴۵).

د: سایت‌های اینترنتی: نام خانوادگی، نام (آخرین تاریخ)، عنوان موضوع: نام و نشانی اینترنتی به صورت ایتالیک.

ه: لوح فشرده: نام خانوادگی، نام (سال انتشار)، عنوان، نام لوح فشرده، محل نشر، نام ناشر

۱۵. مقاله باید حداکثر ۲۵ صفحه و هر صفحه در ۲۳ سطر تنظیم شود.

۱۶. مقاله باید از طریق سایت فصلنامه ارسال شود.

۱۷. اسامی خاص و اصطلاحات لاتین و ترکیبات خارجی بلافاصله پس از فارسی آن داخل پرانتز در متن مقاله ذکر شود.

۱۸. مقالات مستخرج از پایان‌نامه باید تأیید استاد راهنما را همراه داشته باشد.

۱۹. مقالات ارسالی به‌هیچ‌وجه برگردانده نمی‌شود.

۲۰. مقاله نباید در هیچ مجله یا همایشی ارائه شده باشد.

یادآوری: مجله در پذیرش یا نپذیرفتن مقاله همچنین ویراستاری آن آزاد است.

دریافت مقاله از طریق سایت فصلنامه انجام می‌گیرد.

یادآوری: مشخصات تمامی نویسندگان در بخش مورد نظر در سایت ذکر شود.

راهبرد اجتماعی فرهنگی

سال دوازدهم - شماره دوم - پیاپی چهل و هفتم - تابستان ۱۴۰۲

فهرست مطالب

مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی پیشگیرانه از ارتکاب به جرایم سبز (مطالعه موردی: شهر کاشان)
زهرا نوری و محسن نیازی / ۳۷۲

بازشناسی معنی و مفهوم نفایس ملی در اصل هشتادوسوم قانون اساسی
شهاب طلایی شگری و سعید شفیعا / ۳۹۹

فرا تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی: پژوهش‌های بازه زمانی ۱۴۰۰-۱۳۹۰
اکبر ذوالفقاری و آزاده قیومی / ۴۲۳

اولویت‌بندی گزیدارهای آموزشی و مشاوره‌ای دانشگاه به نومتأهلان دانشجو: گامی همسو با
قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت
مهتاب پورآتشی / ۴۵۵

شناسایی روش‌های حکمرانی مشارکتی و ابزارهای اجتماعی فرهنگی آن با استفاده از رویکرد
تحلیل محتوا
سید محسن میرباقری / ۴۸۳

شناسایی و واکاوی عوامل مؤثر بر فرهنگ کار در بین جوانان استان ایلام
همایون مرادنژادی / ۵۲۷

بررسی وضعیت اقتصاد فرهنگ در استان ایلام و راهکارهای تقویت آن؛ با تأکید بر شناسایی
ظرفیت‌های محلی
عزیز کلانتری و علی هاشمی / ۵۶۵

ارزیابی کتاب‌های درسی دوره متوسطه دوم از نظر توجه به مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه
سیروس محمودی / ۶۰۵

شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های راهبردی مؤثر بر استقرار نظام مدیریت استعداد در سازمان (مطالعه
موردی ادارات ستادی بانک کشاورزی شهر تهران)
بهرام علیشیری، حسین صالح زاده نوبری، محمود مدبری و فرزانه بیک‌زاده عباسی / ۶۴۱

شناسایی نقش برنامه‌های تلویزیون در توسعه فرهنگی شهروندان تهرانی
زهرا راهدار، سمیه تاجیک اسماعیلی و ماندانا صنیعی / ۶۷۳

سنجش تأثیر رابطه رفتارهای غیراخلاقی بر کاهش اعتماد اجتماعی شهروندان به حکمرانی خوب؛
مطالعه موردی: کلان‌شهر مشهد
تکتم نبی‌زاده، محمد توحیدفام، علی‌اصغر داوودی و سوسن صفاوردی / ۷۱۵

راهبردهای ساخت تمدن سعادت‌مندان بر مبنای آراء فارابی
ریحانه داودی کهنکی، سید عباس ذهبی و بابک عباسی / ۷۴۵

مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی پیشگیرانه از ارتکاب به جرایم سبز (مطالعه موردی: شهر کاشان)

زهرا نوری

دانشجوی دکتری بررسی مسائل اجتماعی دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

nouri.z@grad.kashanu.ac.ir

محسن نیازی

عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه کاشان، کاشان، ایران (نویسنده مسئول).

niazim@kashanu.ac.ir

چکیده

محیط زیست و لزوم حفاظت از آن از موضوع‌های مهم و حیاتی عصر حاضر به‌شمار آمده و یکی از ابعاد دستیابی به توسعه پایدار است. آنچه بر همگان روشن است، فقدان حیات جماع بشری بدون برخورداری از محیط زیست سالم است. پژوهش حاضر با هدف شناسایی و بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی ارتکاب به جرایم محیط‌زیستی شهروندان کاشانی با روش آمیخته (کیفی-کمی) انجام شده است. در بخش کیفی با استفاده از روش مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته، تحلیل تم و با کمک نرم‌افزار MAXQDA، عوامل اجتماعی و فرهنگی مرتبط بر جرایم سبز شناسایی شدند، سپس در بخش کمی، وجود، جهت و میزان رابطه عوامل مستقل بر متغیر وابسته با استفاده از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه بررسی شدند. حداقل تعداد نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۵۸ نفر برآورد شد که با صلاح‌دید استاد راهنما به ۴۸۱ نمونه ارتقا یافت. داده‌ها، پس از جمع‌آوری به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای، توسط نرم‌افزار SPSS 22 تجزیه و تحلیل شدند. نتایج حاصل از آزمون همبستگی بیانگر آن است که متغیرهای فرهنگ شهروندی، آگاهی محیط‌زیستی، دینداری و هویت ملی با ارتکاب به جرایم محیط‌زیستی رابطه دارند. علاوه‌براین، نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون حاکی از تأثیر معنادار و معکوس متغیرهای مستقل بر جرایم سبز است. در نتیجه، با ارتقای فرهنگ شهروندی، آگاهی محیط‌زیستی، دینداری و هویت ملی، ارتکاب به جرایم محیط‌زیستی کاهش می‌یابد؛ بنابراین، آموزش‌های شهروندی و محیط‌زیست به عموم مردم و آشنایی بیشتر با هویت اسلامی و ایرانی به‌منظور پیشگیری از ارتکاب به جرایم محیط‌زیستی پیشنهاد می‌شود.

کلیدواژه‌ها: جرایم محیط‌زیستی، هویت ملی، آگاهی محیط‌زیستی، فرهنگ شهروندی، دینداری.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۳۰ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۱/۰۹/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۹

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال ۱۲، شماره ۲، پیاپی ۴۷، تابستان ۱۴۰۲، صص ۳۷۲-۳۹۸

مقدمه و بیان مسئله

بشر از ابتدای حضور خود بر روی کره خاکی، محیط زیست طبیعی را با مخاطره‌هایی جدی روبه‌رو ساخته است. تهیه خوراک و پوشاک از طریق شکار حیوانات و بهره‌برداری بیش از اندازه از منابع طبیعی صرفاً چند مورد از آسیب‌های بشر اولیه به محیط زیست است. این‌گونه به‌نظر می‌رسید که با پیشرفت جهان و برخورداری از فناوری‌های عصر حاضر، بشر آسایش بیشتری را برای خود فراهم آورده و قادر باشد از امکانات موجود به نحو مطلوب‌تری بهره‌برداری کند؛ اما با نگاهی اجمالی به وضعیت کنونی محیط زیست، این ادعا زیر سؤال رفته است. در عصر حاضر با گسترش شهرنشینی و معضل‌های ناشی از آن از قبیل مصرف‌گرایی (Lynch, 2019, p. 51) بشر نه‌تنها نتوانسته مشکلات پیشین در ارتباط با محیط زیست را رفع کند، بلکه با چالش‌های جدیدی از قبیل بحران انرژی، اتلاف و تخریب منابع طبیعی و افزایش پسماندهای خانگی و صنعتی نیز روبه‌رو شده است (فیروزجاییان گلوگاه و شفیعی، ۱۳۹۶، ص. ۲۱؛ بنی‌فاطمه و حسین‌نژاد، ۱۳۹۱، ص. ۴۰). انسان‌ها هر روز در قالب کنش‌های فردی و نیز اجتماعی و همچنین ساختاریافته، آگاهانه و یا از سر بی‌اطلاعی زمین را در معرض خطرهای جدی قرار می‌دهند. در بعضی مواقع کنشگران به آسیب‌زا بودن فعل خود در برابر محیط زیست آگاه هستند و با علم به این موضوع به کنش‌های خود ادامه می‌دهند؛ اما ناآگاهی کنشگران نسبت به محیط زیست و اعمالی که مستقیم و غیرمستقیم به محیط زیست آسیب وارد می‌کند، موضوعی جدی به‌شمار می‌روند. در نتیجه، در قوانین و مقررات ایران و سایر کشورها جرایمی به‌عنوان جرایم زیست‌محیطی وضع شده‌اند که در صورت محرز شدن جرم، فرد خطاکار، مجرم شناخته‌شده و مورد کیفر قرار می‌گیرد؛ اما برخی از مسائل زیست‌محیطی با رویکرد تخریب، به دلیل فقدان دانش کنشگر و یا کنشگران و نیز حقوق‌دانان از آسیب‌زا بودن مسئله، برای خاک، آب، هوا، حیوانات و گیاهان و به‌طور کلی محیط زیست، جرم‌انگاری نشده و در دسته جرایم فرمول‌بندی نمی‌شوند.

در پژوهش حاضر، آسیب‌های وارده به محیط زیست در قالب جرایم محیط‌زیستی و جرم‌شناسی سبز مورد توجه قرار می‌گیرند. جرایم سبز به این دلیل



که آسیب، فقدان و خشونت زیادی به بار می‌آورند یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های جامعه مدرن به‌شمار می‌روند (Stretesky & Lynch, 2014, p. 7). جرایم سبز شامل سوءاستفاده و بهره‌کشی از سیستم‌های اکولوژیکی از قبیل زندگی حیوانات، بی‌توجهی سازمان‌یافته به آسیب‌های وارده به زمین، هوا و آب، بهره‌برداری از کسب‌وکارهایی که به نسل‌های آینده آسیب می‌رسانند، عملیات نظامی در جنگ که به تنوع محیط زیست و حیوانات خدشه وارد می‌کند، چالش‌های جدید با معاهده‌های بین‌المللی و بروز سرقت زیستی، بازارهای غیرقانونی مواد هسته‌ای، و انحصار منابع طبیعی که منجر به طبقه‌بندی منابع فقیر و غنی و تضاد میان این دو می‌شود و همچنین هر گونه آسیب، جرم و غیره می‌شود. علاوه بر این جرایم سبز شامل کنش‌هایی فردی مانند بدرفتاری با حیوانات در سازمان‌ها، صنایع، کشاورزی، کشتارگاه‌ها و آزمایشگاه‌ها و نیز جرایمی که به شکلی غیرمستقیم در ورزش، دانشگاه‌ها، مدارس، باغ‌وحش‌ها، آکواریوم‌ها و سیرک‌ها علیه حیوانات انجام می‌گیرند نیز می‌شوند (Beirne & South, 2013, xiv).

با به‌صدا درآمدن زنگ خطر آسیب‌های زیست‌محیطی در جهان و طی چند سال اخیر، ایران نیز از تبعات آسیب‌های مذکور در امان نبوده و با مشکلاتی روبه‌رو شده است. در این میان شهر کاشان به‌مثابه یکی از مقاصد گردشگری از منظر بوم‌شناختی و نیز برخورداری از کارخانه‌های صنعتی با مسائل زیست‌محیطی متنوع‌تری روبه‌روست. وقوع ریزگردها به‌مثابه مهم‌ترین علل آلاینده‌گی شهرستان کاشان که موافق وزش بادهای شمال - جنوب از منطقه بیابانی شمال کاشان وارد شهر می‌شوند (رئیس اداره حفاظت از محیط‌زیست کاشان، ۱۳۹۹)، آلودگی هوا به‌گونه‌ای که در هشت‌ماهه انتهایی سال ۹۸ هوای کاشان دارای پنج روز ناسالم برای عموم مردم و در همین مدت ۳۶ روز نیز برای اقشار حساس، ناسالم بود (خیربان، ۱۳۹۹)، ترافیک و پیشروی شهرک‌های صنعتی به سمت بخش مسکونی، ساخت‌وساز واحدهای تولیدی و مسکونی در اراضی کشاورزی، تهدید جانوران، گیاهان و چشمه‌های اطراف معادن (ایلنا، ۱۳۹۹)، تأمین نامناسب آب، کیفیت پایین آب آشامیدنی، وضعیت نامناسب بهداشت محیط سایت پسماند کاشان و فرآوری نامناسب کود (باقری، ۱۳۹۹)، فرسایش خاک، استقرار نامناسب صنایع در محل‌های غیرمجاز (تسنیم، ۱۳۹۹)، آلاینده‌گی فاضلاب واحدهای کوچک و بزرگ تولید عرقیات گیاهی که COD فاضلاب این واحدها ۲۰۰ برابر و BOD آنها ۱۰۰ برابر حد مجاز اندازه‌گیری شده که در زمان حاضر از سوی بیشتر واحدها به‌صورت غیرحرفه‌ای

دفع می‌شود (ایرنا، ۱۳۹۸).

آسیب‌های محیط‌زیستی اغلب دلیل و نیز عامل افزایش‌دهنده آسیب‌های اجتماعی به‌شمار می‌روند. ازسویی، با توجه به رویکرد علوم اجتماعی، جهان اجتماعی باید همراه با جهان طبیعی بررسی شود (Spapens; White & Kluin, 2016, p. 7). ازسویی دیگر، به‌دلیل اینکه انسان‌ها در ظهور این مسئله دخیل بوده و نیز پیامد آسیب‌های مذکور ارتباط مستقیمی با زندگی افراد جامعه و نیز موجودات زنده دیگر دارد، به‌جاست مسائل زیست محیطی در زمره مسائل جامعه‌شناسی قرار گرفته و از این منظر مورد بررسی و مذاقه بیشتری قرار گیرند.

نظر به اجتماعی قلمداد شدن مسئله محیط زیست، توجه به برخی عوامل فرهنگی و اجتماعی می‌تواند به کاهش جرایم و آسیب‌های وارده به محیط زیست خواه از جانب کنشگران فردی و خواه از جانب کنشگران اجتماعی و نیز بروز رفتارهای مسئولانه زیست‌محیطی در مواجهه با محیط زیست کمک کنند.

به‌طور کلی، اهمیت محیط زیست به‌مثابه یکی از ابعاد توسعه پایدار، ارتباط تنگاتنگ آن با تداوم زندگی بشر و دیگر موجودات زنده، و درنهایت نقش افراد جامعه در برخورداری از محیط زیست سالم، و به‌طور جزئی‌تر، مشکلات محیط‌زیستی ایران و به‌طور خاص شهر کاشان به‌عنوان یکی از شهرهای مواصلاتی، توریستی و صنعتی از دلایل پرداختن به موضوع حاضر است.

۱. هدف پژوهش

هدف اصلی پژوهش حاضر شناسایی عوامل فرهنگی و اجتماعی ارتکاب به جرایم محیط‌زیستی در شهر کاشان است.

۲. سؤال‌های پژوهش

با عنایت به پیشینه مطالعاتی و مبانی نظری پرسش‌هایی با مضامین زیر ارائه می‌شوند:

- ۱- عوامل اجتماعی مؤثر بر ارتکاب به جرایم محیط‌زیستی چه هستند؟
- ۲- عوامل فرهنگی مؤثر بر ارتکاب به جرایم محیط‌زیستی چه هستند؟

۳. پیشینه پژوهش

ادهمی و اکبرزاده در پژوهش شناخت میزان تأثیر عوامل فرهنگی بر حفظ محیط زیست و رفتارهای زیست‌محیطی به این نتیجه رسیدند که متغیرهای احساس



مسئولیت، اخلاق اجتماعی، آموزش و ارزش‌های سنتی و دینی بر حفظ محیط زیست و رفتارهای محیط‌زیستی مؤثرند (ادهمی و اکبرزاده، ۱۳۹۰، صص. ۲۷ و ۵۵). همچنین، کیانی سلیمی و شاطریان در سال ۱۳۹۶ در پژوهشی با عنوان شناسایی عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر حفظ محیط زیست (مطالعه موری شهروندان کاشان) به نقش معنادار عوامل سرمایه فرهنگی، همبستگی اجتماعی، مشارکت اجتماعی، دانش زیست‌محیطی، آموزش‌های اجتماعی - فرهنگی زیست‌محیطی، دینداری و هویت فرهنگی بر حفاظت از محیط زیست اشاره کرده‌اند (کیانی سلمی و شاطریان، ۱۳۹۶، ص. ۱۰۱). علاوه بر این، علیرضا ربیعی در سال ۱۳۹۶ در پژوهشی با عنوان بررسی عوامل فرهنگی - اجتماعی مؤثر بر رفتار شهروندان در حفظ محیط زیست بروجن به این نتیجه دست یافته است که متغیرهای ارزش‌های سنتی، ارزش‌های دینی، اخلاق اجتماعی، مسئولیت‌پذیری، پیروی شهروندان از الگوهای ارائه شده، استفاده از رسانه‌های گروهی بر رفتار شهروندان در حفظ محیط زیست (متغیر وابسته) به‌وسیله متغیرهای مستقل تبیین می‌شود (ربیعی، ۱۳۹۶، ص. ۵۱). در ادامه، بازآفرینی دورریزها، با توجه به هویت ملی و ارزش‌های محیط‌زیستی عنوان پژوهش سلمان است. نتیجه حاصل از پژوهش بیانگر ارتباط مستقیم بازآفرینی دورریزها و ارزش‌های زیست‌محیطی با هویت ملی است (سلمان، ۱۳۹۸، ص. ۱). اسمیث^۱ و پانگساپا^۲ کتابی با عنوان محیط زیست و شهروندی: یکپارچگی عدالت، مسئولیت و مشارکت مدنی در سال ۲۰۱۳ منتشر کرده‌اند. به عقیده آنها زمانی که تغییر اقلیم در قالب سیاست‌گذاری، مسئولیت خود را بر دوش افراد و نهادها نهاد، شهروندی و محیط زیست به‌شدت مورد توجه قرار گرفتند. این کتاب با دستیابی به شواهد جدید از سرتاسر جهان در جستجوی واژگان جدید پیرامون شهروندی محیط‌زیستی بوده و موفقیت سیاست‌گذاری محیط‌زیستی که مبتنی بر فعالیت‌های مسئولانه شهروندان و سازمان‌های جامعه مدنی، حکومت‌ها و قراردادهای بین‌المللی را بررسی می‌کند (Smith & Pangsapa, 2013, p. 18).

به‌طور کلی، در پژوهش‌های مذکور رفتار و نگرش محیط‌زیستی به‌عنوان متغیر وابسته بررسی شده بود؛ اما، در پژوهش حاضر، پژوهشگر، جرایم محیط‌زیستی را به‌عنوان متغیر وابسته بررسی و تحلیل کرده است. از سویی دیگر، غالب پژوهش‌های مورد بررسی، صرفاً از روش کمی در پژوهش‌ها بهره برده بودند؛ اما در پژوهش

1. Smith
2. Pangsapa

حاضر، پژوهشگر از روش کیفی و کمی که پیشنهاد لینچ و همکاران (۲۰۱۷) است، استفاده کرده است.

۴. ملاحظه‌های نظری

تمرکز اصلی جرم‌شناسی سبز، جرایم محیط‌زیستی است اما جرم‌شناسان سبز نه تنها فعالیت‌هایی که در حال حاضر جرم تعریف می‌شوند بلکه تمامی کنش‌های زیان‌آور را از نظر محیط‌زیستی مورد توجه قرار می‌دهند. جرایم محیط‌زیستی در چارچوب گسترده جرم‌شناسی سبز به چندین شیوه متفاوت مفهوم‌سازی می‌شوند. برخی از دانشمندان جرم‌شناسی سبز را به صورت محدود با تعاریف قانونی توصیف می‌کنند؛ اما اندیشمندان دیگر، جرایم محیط‌زیستی را بدون در نظر گرفتن ویژگی قانونی و حقوقی، جرایم اکولوژیکی و اجتماعی قلمداد می‌کنند. در این صورت آسیب‌وارده به محیط زیست و حیوانات، از نظر جرم‌شناسان سبز انتقادی، جرم تلقی می‌گردد (White & Heckenberg, 2014, p. 8). گیبس^۱ با توجه به رویکرد فلسفی - جامعه‌شناختی گستردگی دامنه جرایم محیط‌زیستی را از سرپیچی قوانین محیط‌زیستی تا هر گونه آسیب به اکوسیستم می‌داند. او چهار رویکرد را در ارتباط با جرم‌شناسی سبز مطرح کرده است که هر یک از این چهار رویکرد با موضعی فلسفی پشتیبانی می‌شوند. اولین رویکرد، بوم‌شناسی آزادی‌خواهانه^۲ یا رویکردهای حقوقی است. برخی از دانشمندان رویکرد حقوقی سخت‌گیرانه‌ای را در پیش گرفته و جرایم محیط‌زیستی را به مثابه سرپیچی از قوانین کیفری توصیف کرده‌اند. این قوانین برای محافظت از سلامت و امنیت افراد، محیط‌زیست و یا هر دو تنظیم شده‌اند. موضع فلسفی این رویکرد انسان‌مدار است. رویکرد دوم عدالت زیست‌محیطی نامیده می‌شود. این رویکرد به مفاهیم گسترده‌ای از جرم اشاره می‌کند. دانشمندان طرفدار این رویکرد معتقدند بسیاری از خطرات محیط‌زیستی متوجه کشورهای فقیر و جوامع اقلیت هستند. این رویکرد نیز انسان‌مدار بوده و جرم سبز را به مثابه نژادپرستی زیست‌محیطی یا تبعیض طبقاتی زیست‌محیطی توصیف می‌کند. سومین رویکرد محیط‌زیست‌محور است. با توجه به این رویکرد، جرم سبز، گونه‌ای از جرایم تلقی می‌شود که در صدد سرپیچی از قوانین و مقررات محیط‌زیستی نیست بلکه هر گونه آسیب که پیامد نامطلوبی در محیط زیست داشته و از کنش

1. Gibbs

2. Liberal Ecology



بشری نشئت گرفته شده باشد را جرم تلقی می‌کند. رویکرد حاضر نیز همانند دو رویکرد پیشین انسان‌مدار بوده و بر روابط قدرت با محیط‌زیست اشاره می‌کند و درنهایت، چهارمین رویکرد جرایم محیط‌زیستی زیست‌محور نام دارد. براین‌اساس، هر گونه کنش انسانی که به سیستم زیستی آسیب وارد کند جرم تلقی می‌شود. درنتیجه، نوع بشر دلیل آسیب‌های زیست‌محیطی بوده و باید تحت کنترل قرار گیرد. این رویکرد برخلاف رویکردهای پیشین بر اولویت محیط زیست و ارزش ذاتی اکوسیستم بر منافع انسانی تأکید می‌کند (Gibbs & et al., 2010, pp. 125-127).

علاوه براین، دو رویکرد واقع‌گرایی و برساخت‌گرایی در ارتباط با جرم‌شناسی سبز قابل بررسی است. براین‌اساس، مسائل زیست‌محیطی از منظر اجتماعی از طریق دو رویکرد عینی و ذهنی برساخته می‌شوند. درحالی‌که هنوز دو گروه واقع‌گرایان و برساخت‌گرایان با هم در حال منازعه هستند، بسیاری از منتقدان معتقدند که معضله‌های اجتماعی در ترکیب عوامل فرهنگی و مادی تبیین می‌شوند. بدین ترتیب، رئالیسم به وضعیتی تحلیلی اشاره دارد که طبیعت را از نظر ذهنی در جایگاه مناسب خود دانسته و معتقد است مشکلات زیست‌محیطی زمانی ایجاد می‌شوند که مشکلی در جان طبیعت به‌وجود آید (White, 2008, pp. 32 & 33). واقع‌گرایان یا به اصطلاح جامعه‌شناسان، صرفاً به پدیده‌های عینی، ملموس و تجربی تکیه می‌کنند. دراین‌صورت، جرم علیه محیط‌زیست یا طبیعت زمانی به‌وقوع می‌پیوندد که پیامد آن قابل مشاهده بر روی افراد، گیاهان و جانوران باشد. این جرایم از دیدگاه عموم مردم قابل شناسایی است. درمقابل رویکرد برساخت‌گرایی، به وضعیتی تحلیلی اشاره دارد که طبیعت را برساخته اجتماع و به‌مثابه پدیده‌ای می‌داند که همواره از طریق لنز فرهنگ بشری ساخته، انتخاب، نامگذاری و طبقه‌بندی می‌شود. دراین‌صورت معضلات زیست‌محیطی با آنچه افراد، مهم یا اساسی تلقی می‌کنند، شناسایی می‌شود (White, 2008, pp. 32 & 33). درواقع ممکن است یک جرم، اثر یا پیامدی ملموس از منظر عموم نداشته و در کل جرم تلقی نشود. یا اینکه در آن زمان و مکان ویژه در اولویت بررسی قرار نداشته باشد. استفاده از سموم کشاورزی، افشانه‌ها، راندن خودروهای تک‌سرنشین، مصرف بیش از اندازه آب را می‌توان از جمله جرایمی برشمرد که از جانب عموم مهم به‌نظر نمی‌رسند. جرم تلقی‌نشده این‌گونه جرایم به معنی فقدان یا بی‌اثر بودن آنها نیست، در مواقعی حتی این‌گونه جرایم اثرات منفی جبران‌ناپذیری را در محیط زیست از خود به‌جای می‌گذارند؛ اما آنچه واضح است، در اولویت نبودن این جرایم یا مسئله‌نشدن آنهاست. در مواقعی هم ممکن است افراد

در نگرش به مسائل محیط‌زیستی دچار نزدیک‌بینی یا دوربینی شده و در نتیجه نسبت به آنها بی‌تفاوت شده باشند. از نظریه‌های دیگری که منجر به شکل‌گیری رویکرد سبز در جرم‌شناسی شده‌اند، تفکر سیاسی سبز دابسون^۱ است. به اعتقاد او لزوم پاسخ به تنوع و تحول نظریه پست‌مدرن منجر به شکل‌گیری این رویکرد شد. بر این اساس، نوسازی باعث شکل‌گیری پیشرفت اقتصادی و محاسبات سودانگاران از محیط زیست می‌شود (South, 1998, p. 222).

۵. روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش آمیخته (کیفی - کمی) است. لینچ^۲ و همکارانش (۲۰۱۷) معتقدند، ضروری است تا پژوهشگران در پژوهش‌هایی پیرامون جرم‌شناسی سبز علاوه بر توسیع جنبه‌ها و ابعاد این حوزه از روش‌های کمی نیز بهره گیرند. مطالعات کمی قادرند لایه‌هایی از اطلاعات را که نادیده انگاشته شده‌اند به پژوهش بیافزایند. در این صورت می‌توان گفت، یک پژوهش جرم‌شناسی سبز جامع و مطلوب به ادبیاتی تجربی نیاز دارد که با روش‌های کمی آراسته شده باشد (Lynch & et al., 2017, p. 195). بدین ترتیب در پژوهش حاضر، در ابتدا داده‌های کیفی از طریق مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته با خبرگان سازمان‌های محیط زیست، شهرداری و سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی گردآوری شده است. مبنای طراحی پروتکل مصاحبه استفاده از مرور ادبیات و فن پرسشی wh^۳ (چه مسائلی محیط‌زیستی؟ چرا به وجود آمده‌اند؟ چگونه ایجاد شده‌اند؟ چه افرادی مشکلات محیط‌زیستی را به وجود می‌آورند؟ راه‌های پیشگیری کدامند؟) می‌باشد. در این مرحله شیوه نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی بوده و نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافته است. به‌منظور تحلیل مصاحبه‌ها از تحلیل تم و نرم‌افزار MAXQDA استفاده شده است. برای بررسی قابلیت اعتماد، تأییدپذیری و انتقال داده‌ها از روش‌های مستندسازی مصاحبه‌ها، بازگشت مصاحبه‌های کدگذاری شده به افراد مصاحبه‌شونده به‌منظور تأیید آنها و استفاده از کدگذاری ثانویه استفاده شده است. ویژگی‌های جمعیتی مصاحبه‌شوندگان در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

1. Dubson
2. Lynch

۳. یکی از روش‌های مورد استفاده در مصاحبه برای دستیابی به علل مشکلات و حل آنها.



جدول (۱): ویژگی‌های جمعیتی مصاحبه‌شوندگان حوزه محیط زیست

ردیف	مصاحبه‌شونده	وضعیت شغلی	ردیف	مصاحبه‌شونده	وضعیت شغلی
۱	شماره ۱	... خدمات شهری و محیط زیست	۸	شماره ۸	مدیر سازمان مردم‌نهاد
۲	شماره ۲	کارشناس خدمات شهری	۹	شماره ۹	مدیر سازمان مردم‌نهاد
۳	شماره ۳	کارشناس محیط‌زیست	۱۰	شماره ۱۰	... روابط عمومی سازمان منابع طبیعی و آبخیز داری
۴	شماره ۴	... روابط عمومی و آموزش اداره محیط‌زیست	۱۱	شماره ۱۱	استاد دانشگاه و پژوهشگر
۵	شماره ۵	... سازمان زیباسازی فضا و منظر شهرداری	۱۲	شماره ۱۲	مسئول طرح و برنامه شهرداری
۶	شماره ۶	... اداره محیط‌زیست	۱۳	شماره ۱۳	اعضای NGO
۷	شماره ۷	زیست‌بانو (همیار شهرداری در حوزه محیط زیست)	۱۴	شماره ۱۴	اعضای NGO

پس از شناسایی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر جرایم سبز، از پرسشنامه به‌منظور سنجش همبستگی متغیرهای مستقل بر جرایم محیط‌زیستی استفاده و طراحی شدند. پس از محاسبه میزان نمونه با روش کوکران، حداقل تعداد نمونه ۳۸۲ نفر محاسبه شد که بر اساس شناخت استاد راهنما از منطقه و امکان وجود پرسشنامه‌های پرت و غیرقابل استفاده، این میزان به ۴۸۱ نمونه افزایش یافت. در مرحله بعد، با به‌کارگیری روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای که در روش احتمالی قرار دارد، نمونه‌گیری انجام شد. در این روش پژوهشگر با در دست داشتن نقشه بلوک‌بندی شهر و با تقسیم شهر به مناطق شمالی، جنوبی، مرکزی، غربی و شرقی، از هر منطقه ۴ محله و از هر محله ۴ کوچه را انتخاب کرده و پس از آن به توزیع پرسشنامه در آن کوچه‌ها پرداخت. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، داده‌های به‌دست‌آمده با نرم‌افزار SPSS 22 تجزیه و تحلیل شدند. در پژوهش حاضر جمعیت مورد بررسی تمامی افراد ۱۶ تا ۷۰ سال ساکن در شهر کاشان و در سال‌های ۱۴۰۰-۱۴۰۱ هستند.

۵-۱. تعاریف مفهومی و عملیاتی

متغیرهای زیر پس از شناسایی در بخش کیفی، در بخش کمی مورد ارزیابی و سنجش قرار می‌گیرند.

۵-۱-۱. دینداری

دینداری یکی از ویژگی‌های افراد و اجتماعات بشری به‌شمار می‌رود که اشکال متفاوتی از باورهای ماورایی و رفتارهای افراد و گروه‌های اجتماعی مرتبط با ماورالطبیعه را آشکار می‌کند. در این راستا، مفاهیم ماورایی مرتبط با معنی و هدف زندگی و خط سیر افراد و گروه‌ها ارزشمند تلقی می‌شوند (Sherkat, 2015, p. 377). هوبر^۱ (۲۰۱۲) به‌منظور سنجش اهمیت و مرکزیت مفهوم دینداری در افراد، دینداری را در پنج بُعد، عقلانی، ایدئولوژیکی، اعمال عمومی، اعمال خصوصی و تجربیات دین دسته‌بندی کرده است (Huber & Huber, 2012, p. 714). در پژوهش حاضر به‌منظور سنجش دینداری از مقیاس اهمیت دینداری (CRS)^۲ بهره گرفته شده است. مقیاس مذکور به سنجش مرکزیت، تفوق و اهمیت معنای دینداری در افراد می‌پردازد. پرسشنامه مذکور ۱۵ گویه دارد و پایایی آن بر اساس آلفای کرونباخ، ۰/۹۵ ارزیابی شده است. گویه‌ها در قالب طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای طراحی و سامان‌دهی شده‌اند.

۵-۱-۲. فرهنگ شهروندی

با عنایت به نظر فالکس^۳ پیرامون واژه «شهروند»، که او را پویا، مطالبه‌گر، مسئول و آشنا به حقوق و وظایف خود می‌داند (فالکس، ۱۳۹۹، ص. ۱۶۷)؛ شهروندی به قرارداد و حقوقی متقابل و نیز احساسی مشترک و عمومی نسبت به هویت ملی و اجتماعی در یک محدوده مشخص اشاره می‌کند (نیازی و جعفرپور، ۱۳۹۵، ص. ۱۰۰). نیازی (۱۳۹۷) طی پژوهشی که پیرامون فرهنگ شهروندی ارائه داده‌اند، آن را در دو بُعد: اول) ارزش‌های فردی و جمعی: برابری، حق و آزادی و دوم) هنجارهای شهروندی: تساهل، حمایت‌گری و رعایت حقوق دیگران برمی‌شمرد (Sandoval-Hernández & et al., 2021, p. 148). در پژوهش حاضر به‌منظور بررسی میزان فرهنگ شهروندی شهروندان از پرسشنامه نیازی (۱۳۹۷) استفاده شده است. این پرسشنامه، ۳۱ گویه را به خود اختصاص داده است و نمره‌گذاری آنان در قالب طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای است.

1. Huber
2. Centrality of Religiosity Scale
3. Faulks



۵-۱-۳. هویت ملی

هویت ملی مجموعه‌ای ناهمگون از اعمال، مناسک، گفتگوها، اصطلاحات و امکاناتی است که در زندگی سیاسی و فرهنگی جدید متداول و مداوم است. تعریف مذکور عشق به وطن، ایستادگی در برابر بیگانگان و مشارکت انتقادی را شامل می‌شود (Bart Bonikowski, 2016, p. 4). متغیر هویت ملی سه بُعد دارد که شامل تعلق قانونی، افتخار و غرور ملی است. در پژوهش حاضر، پرسشنامه‌ای که بار بونیکوسکی به‌منظور سنجش هویت ملی جامعه آمریکا در سال ۲۰۰۸ طراحی کرده بود، مورد استفاده قرار گرفته است. این پرسشنامه ۲۳ گویه دارد و سه بُعد هویت ملی را مورد سنجش قرار می‌دهد. پایایی پرسشنامه مذکور بر حسب آلفای کرونباخ ۰/۹۵ ارزیابی شده است. گویه‌ها در قالب طیف لیکرت و به‌صورت پنج‌گزینه‌ای سامان‌دهی شده‌اند.

۵-۱-۴. آگاهی زیست‌محیطی

آگاهی محیط‌زیستی، اطلاعات افراد پیرامون روابط متقابل میان فرد و محیط زیست و همچنین شناخت و درک تهدیدها، تغییرها و انتخاب‌های در دسترس است (Takala, 1991, p. 591). آگاهی محیط‌زیستی در سه بُعد آگاهی از فعالیت‌های مرتبط با توسعه، آگاهی نگرشی و رفتار، و آگاهی احساسی طبقه‌بندی شده است (Hassan; Noordin & Sulaiman, 2010, p. 1279). به‌منظور سنجش آگاهی محیط‌زیستی از پرسشنامه‌ای که حسن^۱ و همکاران در سال ۲۰۱۰ تنظیم کرده بودند، استفاده شد. میزان پایایی این پرسشنامه بر اساس آلفای کرونباخ ۰/۸۳ ارزیابی شده است. این پرسشنامه ۱۵ گویه دارد و در قالب طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای ارائه شده است.

۵-۱-۵. جرایم محیط‌زیستی

جرم محیط‌زیستی، اقدامی عمدی به‌منظور آسیب رساندن به محیط زیست است. این اقدام دارای ظرفیتی به‌منظور آسیب به سیستم‌های اکولوژیکی و بیولوژیکی است (Clifford, 1998, p. 26). از جمله جرایم محیط‌زیستی می‌توان به جرایم مربوط به خاک، جرایم مربوط به حیوانات، جرایم مربوط به گیاهان، جرایم مربوط به آب و جرایم مربوط به هوا اشاره کرد. به‌منظور سنجش جرایم محیط‌زیستی، از مقیاسی ۲۸ گویه‌ای

1. Hassan

استفاده شده است. این مقیاس محقق ساخته بوده و پس از سنجش روایی (روایی صوری) و پایایی به میزان ۰/۸۰ در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. این مقیاس در قالب طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای طراحی و تنظیم شده است.

۶. یافته‌های پژوهش

در این بخش، یافته‌های حاصل از پژوهش در دو بخش کیفی و کمی ارائه می‌شوند.

۱-۶. یافته‌های کیفی

در بخش کیفی، با دسته‌بندی داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها در قالب کدهای باز، مقولات محوری و انتخابی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر جرایم سبز از نظر خبرگان ارائه می‌شوند.

۱-۱-۶. عوامل اجتماعی مرتبط با ارتکاب به جرایم محیط‌زیستی چه هستند؟

جدول (۲): کدها و مقولات استخراج شده از مصاحبه با متخصصان درباره عوامل فرهنگی مرتبط با ارتکاب به جرایم محیط‌زیستی در شهر کاشان

ردیف	کدهای باز	کدهای محوری	مقوله انتخابی
۱	- احساس عدم تعلق نسبت به کشور - عدم مشاهده آینده‌ای روشن در ایران	کاهش میزان احساس تعلق به کشور	ضعف هویت ملی
۲	- ناتوانی رسانه ملی در بازنمایی زیبایی‌های طبیعی - ناتوانی رسانه ملی در بازنمایی هویت تاریخی	کاهش میزان احساس افتخار	
۳	- بی‌تفاوتی نسبت به مسائل کشور - قصد مهاجرت	فقدان یا ضعف احساس غرور نسبت به کشور	

کارشناسان در گفتگوهای خود بارها از احساس تعلق به کشور به‌عنوان یکی از عوامل مرتبط با پیشگیری از ارتکاب جرایم سبز اشاره کرده‌اند. احساس تعلق نسبت به کشوری که فرد در آن متولد شده و در آن زندگی می‌کند از جمله مواردی است که با حفاظت از محیط‌زیست رابطه دارد. در این ارتباط کارشناس شماره ۷ معتقد است:



«افرادی که احساس تعلق منطقه‌ای و ملی دارند بیشتر از محیط خود مراقبت می‌کنند؛ چون نسبت به آن احساس مسئولیت داشته و به آن تعلق خاطر دارند». کارشناس شماره ۱۲ ناآگاهی افراد جامعه از هویت تاریخی و کارشناس شماره ۱۴ بی‌اطلاعی از زیبایی‌های طبیعی ایران را از جمله مواردی می‌داند که در ارتکاب به جرایم محیط‌زیستی مؤثرند.

«مسئولین در بازنمایی هویتی موفق عمل نکردن، مردم از هویت خالی شدن. به ایرانی بودن خودشان افتخار نمی‌کنند. نمی‌دونند چه ریشه و اساسی دارند». «ایران بسیار زیباست، چهار فصل است، مناظرش خیلی زیباتر از آن چیزی است که عکس‌های مناظر کشورهای دیگر از خودشان نشون میدن؛ اما ما نگذاشتیم بخش خصوصی کارشو خوب انجام بده، خودمون هم که در ارائه این زیبایی‌ها توی تلویزیون و رسانه‌ها موفق نبودیم».

۶-۱-۲. عوامل فرهنگی مرتبط با ارتکاب به جرایم محیط‌زیستی چه هستند؟

جدول (۳): کدها و مقولات استخراج شده از مصاحبه با متخصصان درباره عوامل فرهنگی مرتبط با ارتکاب به جرایم محیط‌زیستی در شهر کاشان

ردیف	کدهای باز	کدهای محوری	مقوله انتخابی
۱	<ul style="list-style-type: none"> - بی‌توجهی به ارزش‌های دینی پیرامون حفاظت از محیط‌زیست - آسیب افراد مذهبی در زمینه انتقال اشتباه آموزه‌های دینی در زمینه محیط‌زیست - توجه به ظاهر و پوسته دین و در نظر نگرفتن محتوای دین در ارتباط با محیط زیست 	فقدان اعتقاد راسخ به آموزه‌های دینی	ضعف دینداری
۲	<ul style="list-style-type: none"> - بی‌توجهی به محیط‌زیست در هیئت‌های مذهبی (با استفاده از ظروف یکبار مصرف و رها کردن زباله در خیابان) - عدم اقبال سخنرانان مذهبی به 	بی‌توجهی نسبت به ابعاد عمومی دینداری	

ردیف	کدهای باز	کدهای محوری	مقوله انتخابی
	سخنرانی پیرامون اهمیت محیط‌زیست - عدم اقبال مردم به در نظر گرفتن ندرهای محیط‌زیستی		
۳	- عدم آگاهی از مسئولیت‌های شهروندی در ارتباط با محیط زیست - بی‌توجهی به قوانین محیط‌زیستی - فقدان روحیه کنشگری در ارتباط با محیط زیست شهری	عدم پایبندی به مقتضیات شهروندی	عدم برخورداری از فرهنگ شهروندی مناسب
۴	- عدم استفاده درست و دوستانه محیط‌زیست از امکانات شهری - فرار از زیر بار مسئولیت‌های محیط‌زیستی و واگذاری مسئولیت بر دوش سازمان‌های زیربط	بی‌توجهی به هنجارها و قوانین شهری	
۵	- عدم آگاهی مسئولان از پیامدهای تصمیمات محیط‌زیستی - ناتوانی دولت در آموزش محیط‌زیستی به صاحبان صنایع - ناتوانی دولت در آموزش محیط‌زیستی مرتعداران - ناتوانی دولت در آموزش محیط‌زیستی به عموم مردم - ناتوانی دولت در آموزش زیست‌محیطی به شکارچیان - ناتوانی سیستم آموزش زیست‌محیطی به دانش‌آموزان	ناتوانی در آموزش محیط‌زیست به اقشار مختلف جامعه	عدم برخورداری از دانش کافی و مؤثر پیرامون مسائل محیط‌زیستی
۶	- ناآگاهی از چگونگی رفتار با محیط‌زیست - عدم آگاهی از مسئولیت‌های فردی در قبال محیط‌زیست	عدم آگاهی از رفتار محیط‌زیستی و فقدان نگرش سازنده نسبت به محیط‌زیست	



ردیف	کدهای باز	کدهای محوری	مقوله انتخابی
۷	- ناآگاهی از پیامدهای رفتارهای نادرست زیست‌محیطی	عدم آگاهی از پیامدهای مسائل محیط‌زیستی	
۸	- عدم آگاهی از مسائل محیط‌زیستی منطقه‌ای - عدم آگاهی از مسائل محیط‌زیستی بین‌المللی	عدم آگاهی از مسائل محیط‌زیستی	

برخی از مصاحبه‌شوندگان، دینداری را از جمله عواملی می‌دانند که تأثیری مثبت بر محیط‌زیست و حفاظت از آن داشته است. آنها معتقدند در دین اسلام احکام و روایت‌های زیادی وجود دارند که انسان‌ها را به حفاظت از گیاهان و جانوران فرامی‌خواند.

«آموزه‌های دینی و عقیدتی تأثیرگذار است. کسی که دین را کاملاً باور دارد کمتر تخلفات محیط‌زیستی را انجام می‌دهد» (شماره ۸).

برخی دیگر از متخصصان و کارشناسان نیز به تأثیر منفی دینداری در حفاظت از محیط‌زیست اشاره کرده‌اند، آنها معتقدند:

«دین حتی تأثیر منفی هم داره گفته شده که در مذهب ما سگ نجس است و این باعث شده که مردم با حیواناتی مثل سگ رابطه خوبی نداشته باشند. شاید به این دلیل که ما مناسکی دیندار هستیم. هیچ‌وقت برای دینمون یه کتاب هم نخوندیم» (شماره ۳).

فرهنگ شهروندی یکی دیگر از عواملی است که کارشناسان در گفتگوهای خود به آن اشاره کرده‌اند. به نظر کارشناس شماره ۵:

«ما شهروند داریم؛ اما شهروند کمتر داریم شهروند کسی است که احساس مالکیت به شهر دارد و مسئولیت‌پذیر است او قوانین زندگی شهری را بلد است نسبت کمی از مردم آداب زندگی شهری را می‌دانند».

غالب خبرگان شهر کاشان معتقدند که در سال‌های گذشته فرهنگ شهروندی در شهر کاشان ارتقاء یافته و این امر باعث کاهش جرایم و آسیب‌های محیط‌زیستی شده است.

«نسبت به سال‌های قبل ما شاهد این بودیم که خود مردم هم احساس

مسئولیت می‌کنند و گونه‌های جانوری را که آسیب دیده‌اند را تحویل اداره [محیط‌زیست] می‌دهند تا بتوان آنها را درمان کرد و به طبیعت بازگرداند. همچنین در سال‌های گذشته قطع درختان بسیار برای مردم مهم نبوده ولی در حال حاضر مردم و تشکل‌ها وارد صحنه شده و موضوعات را گزارش می‌دهند (شماره ۱).

و در آخر، غالب کارشناسان از فرهنگ‌سازی به‌عنوان عامل پیشگیرانه جرایم محیط‌زیستی یاد کرده‌اند. منظور آنان از فرهنگ‌سازی، آموزش محیط‌زیستی در خانواده، مراکز آموزشی و رسانه است. در این باره، کارشناس شماره ۹ می‌گوید:

«آنچه از نظر من در جلوگیری از بروز بسیاری از مشکلات بسیار قابل توجه است، فرهنگ‌سازی و افزایش دانش محیط‌زیستی است. این آگاهی فقط نباید برای مردم عادی باشه، بلکه مسئولین و قانونگذاران هم باید آموزش محیط‌زیستی ببینند. اگه این اتفاق بیافته دیگه قوانینی پیشنهاد یا تصویب نمی‌کنند که به ضرر محیط زیست باشه».

مصاحبه‌شونده شماره ۲ نیز معتقد است:

«آموزش مهم‌ترین چیزی است که می‌توان به آن اشاره کرد ما باید به مردم یادآوری کنیم بدون هوا و یا محیطی که در آن زندگی می‌کنیم قادر به ادامه حیات نیستیم. آموزش و فرهنگ‌سازی بسیار مهم است. آنها باید بدانند که با پسماند خود چه کنند یا اینکه عدم تفکیک پسماند یا قرار ندادن زباله سر ساعت مقرر در کوچه منجر به چه مشکلاتی می‌شود».

در نهایت، بر اساس یافته‌های کیفی حاصل از مصاحبه، سه متغیر مستقل فرهنگی: فرهنگ شهروندی، دینداری، آگاهی محیط‌زیستی و یک متغیر مستقل اجتماعی: هویت ملی، به‌عنوان عوامل مرتبط با ارتکاب به جرایم محیط‌زیستی شناسایی شدند. در ادامه، به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌های کمی از نرم‌افزار SPSS 22 استفاده شده است.

با توجه به یافته‌های حاصل از پژوهش، (۶۸/۸) درصد پاسخگویان به پرسشنامه‌ها، زن و (۳۱/۸) درصد پاسخگویان مرد هستند. بیشترین درصد پاسخگویان (۳۴/۷) در بازه سنی بین ۳۷ تا ۴۷ سال و کمترین درصد پاسخگویان در بازه سنی ۵۹ تا ۶۹ سال و بالاتر قرار دارند. ۶۹/۲ درصد از پاسخگویان را افراد متأهل و ۲۳/۷ درصد از پاسخگویان را افراد مجرد تشکیل می‌دهند. بیشترین درصد پاسخگویان (۳۱/۶) درصد) در مشاغل دولتی مشغول به کار هستند. ۱/۷ درصد افراد نیز خود را بیکار معرفی کرده‌اند. بیشترین درصد پاسخگویان (۳۳/۷) درصد در مقطع کارشناسی و کمترین درصد پاسخگویان ۶/۲ درصد در مقطع دکترا تحصیل کرده‌اند. از میان کل جمعیت پاسخگویان (۵۳/۶) درصد وضعیت اجتماعی و



اقتصادی خود را متوسط و ۳/۷ درصد که کمترین تعداد جمعیت نمونه را شامل می‌شوند، وضعیت اقتصادی و اجتماعی خود را بسیار ضعیف معرفی کرده‌اند.

جدول (۴): شاخص‌های آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	میانگین	انحراف استاندارد	حدافل	حداکثر
فرهنگ شهروندی	۳/۸۴	۰/۴۶	۲/۴۸	۵
آگاهی محیط‌زیستی	۳/۲۲	۰/۵۴	۱/۸۱	۴/۷۴
هویت ملی	۳/۲۹	۱/۰۱	۱/۱۸	۵
دینداری	۳/۶۶	۱/۰۰	۱	۵
جرم محیط‌زیستی	۱/۸۹	۰/۴۵	۱/۰۴	۴/۳۸

پس از ارائه‌نمایی از پراکندگی داده‌های به‌دست‌آمده، وضعیت طبیعی بودن متغیرها بررسی می‌شوند.

جدول (۵): آزمون کولموگروف - اسمیرونوف متغیرهای پژوهش

متغیرها	آماره (K-S)	سطح معنی‌داری (Sig.)
آگاهی محیط‌زیستی	۰/۰۲۳	۰/۲۰۰
جرم محیط‌زیستی	۰/۰۴۰	۰/۰۶۳
هویت ملی	۰/۰۳۰	۰/۲۰۰
دینداری	۰/۰۴۰	۰/۰۵۸
فرهنگ شهروندی	۰/۰۰۸	۰/۲۰۰

نتایج آزمون کولموگروف - اسمیرونوف بیانگر آن است که سطح معنی‌داری کلیه متغیرهای مستقل و متغیر پیوسته بالاتر از ۰/۰۵ است. در نتیجه، فرض طبیعی بودن برای این شاخص‌ها مورد قبول است، و بر اساس نظر صاحب‌نظران حوزه آمار می‌توان در پژوهش حاضر از آزمون پارامتریک پیرسون استفاده کرد.

۲-۶. یافته‌های کمی

در این بخش به‌منظور بررسی ارتباط میان متغیرهای مستقل هویت ملی، آگاهی محیط‌زیستی، دینداری و فرهنگ شهروندی با متغیر وابسته جرایم محیط‌زیستی از آزمون همبستگی پیرسون بهره گرفته شده است.

جدول (۶): آزمون همبستگی پیرسون میان متغیرهای مستقل و وابسته

متغیر	مقدار آزمون	سطح معنی‌داری
هویت ملی	-۰/۳۵	۰/۰۰۱
آگاهی محیط‌زیستی	-۰/۳۳	۰/۰۰۱
دینداری	-۰/۳۸	۰/۰۰۱
فرهنگ شهروندی	-۰/۵۶	۰/۰۰۱

یافته‌های حاصل از جدول فوق با سطح معنی‌داری کوچک‌تر از ۰/۰۰۱ و سطح اطمینان ۰/۹۹ حاکی از وجود همبستگی منفی و متوسط متغیر مستقل هویت ملی (۰/۳۵)، ارتباط منفی و متوسط متغیر مستقل آگاهی محیط‌زیستی (۰/۳۳)، منفی و متوسط متغیر مستقل دینداری (۰/۳۸) و منفی و بالای متغیر مستقل فرهنگ شهروندی (۰/۵۶) با متغیر وابسته جرایم محیط‌زیستی است.

جدول (۷): خلاصه مدل رگرسیونی عوامل تأثیرگذار بر ارتکاب جرایم

محیط‌زیستی

حالت	ضریب همبستگی کل	ضریب تبیین	ضریب تبیین خالص	انحراف معیار
۴	۰/۶۰۳	۰/۳۶۴	۰/۳۵۹	۰/۳۶۹

در جدول ۷، آخرین حالت ضریب تبیین ارائه شده است. مهم‌ترین آماره جدول فوق ضریب تبیین نامیده می‌شود. میزان این ضریب در مدل ۰/۳۶ است. این میزان بیانگر آن است که مجموعه متغیرهای مستقل باقی‌مانده در مدل، ۳۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته (ارتکاب جرایم محیط‌زیستی) را تبیین می‌کنند.

جدول (۸): مجموع مربعات تحلیل رگرسیونی عوامل تأثیرگذار بر ارتکاب جرایم

محیط‌زیستی

مدل رگرسیونی	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	f	Sig.
رگرسیون	۳۷/۰۲۶	۴	۹/۲۶۲	۶۷/۹۸۴	۰/۰۰۱
باقیمانده	۶۴/۷۱۲	۴۷۷	۰/۱۳۶		
کل	۱۰۱/۷۵۹	۴۸۱			

مقدار F نشان‌دهنده آن است که آیا متغیرهای مستقل قادرند به‌خوبی تغییرهای

متغیر وابسته را توضیح دهند؟ سطح معنی‌داری کوچک‌تر از $0/05$ بیانگر انتخاب مناسب مدل رگرسیونی پژوهش است. مقدار F برابر با $67/974$ به‌دست آمده است که در سطح خطای کوچک‌تر $0/01$ معنی‌دار است. این میزان نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل فرهنگ شهروندی، دینداری، آگاهی محیط‌زیستی، سرمایه فرهنگی و هویت ملی از قدرت تبیین بالایی برخوردار بوده و قادرند به‌خوبی میزان تغییرها و واریانس متغیر وابسته ارتکاب جرایم محیط‌زیستی را توضیح دهند.

جدول (۹): مدل رگرسیونی عوامل تأثیرگذار بر ارتکاب جرایم محیط‌زیستی

Sig.	t	ضرایب - استاندارد	ضریب استاندارد نشده		مدل
		بتا	انحراف معیار	B	
0/001	28/206		0/150	4/242	مقدار ثابت
0/001	-9/377	-0/414	0/045	-0/419	فرهنگ شهروندی
0/001	-2/643	-0/126	0/023	-0/060	دینداری
0/001	-3/173	-0/128	0/034	-0/109	آگاهی محیط‌زیستی
0/01	-2/465	-0/115	0/021	-0/051	هویت ملی

ضریب رگرسیونی استاندارد شده حاصل از جدول فوق بیانگر اثرگذاری معکوس هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر ارتکاب به جرم محیط‌زیستی (متغیر وابسته) است. بدین ترتیب میزان اثرگذاری معکوس متغیرهای فرهنگ شهروندی، دینداری، آگاهی محیط‌زیستی و هویت ملی به ترتیب برابر با $-0/41$ ، $-0/12$ ، $-0/12$ و $-0/11$ هستند و نظر به این ضرایب تبیین‌گر، بیشترین اثرگذاری مربوط به متغیر فرهنگ شهروندی است. این ضرایب از نظر آماری با سطح معنی‌داری کوچک‌تر از $0/01$ و با اطمینان $0/99$ معنی‌دار هستند.

نتیجه‌گیری

با توجه به روش پژوهش حاضر که مبتنی بر روش آمیخته (کیفی - کمی) است. یافته‌های حاصل از بخش کیفی، زیربنای انجام پژوهش در بخش کمی قلمداد می‌شود. بدین ترتیب یافته‌های کیفی به‌دست‌آمده به عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر جرایم محیط‌زیستی در شهر کاشان اشاره دارند؛ متغیرهای مذکور شامل، فرهنگ شهروندی، آگاهی محیط‌زیستی، دینداری و هویت ملی می‌شوند.

در ادامه، یافته‌های به‌دست‌آمده از بخش کمی، بیانگر رابطه معکوس و معنادار متغیرهای فرهنگ شهروندی (۰/۵۶-)، آگاهی محیط‌زیستی (۰/۳۳-)، هویت ملی (۰/۳۵-) و دینداری (۰/۳۸-) با متغیر وابسته‌ی ارتکاب به جرایم محیط‌زیستی است. به این مفهوم، هر چه میزان فرهنگ شهروندی، آگاهی محیط‌زیستی، دینداری و هویت ملی افزایش یابد، ارتکاب به جرایم محیط‌زیستی کاهش می‌یابد. بدین ترتیب، فرهنگ شهروندی، بالاترین میزان همبستگی را با ارتکاب به جرایم محیط‌زیستی دارد، پس‌از آن، به‌ترتیب متغیرهای آگاهی محیط‌زیستی، دینداری و هویت ملی بر جرایم محیط‌زیستی رابطه‌ای منفی و معنادار دارند.

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، ارتقای فرهنگ شهروندی ارتباطی معکوس و بالا با ارتکاب به جرایم محیط‌زیستی دارد. فرهنگ شهروندی حضور مستمر شهروندان در تصمیم‌گیری‌های شهری و کنش آنان در ارتباط با مسائل شهر تعریف شده است. فرهنگ شهروندی اکتسابی است، بدین ترتیب افراد با زندگی در شهر رفتارهای مناسب در جهت رشد و توسعه جامعه خود را می‌آموزند؛ ازجمله این رفتارها، می‌توان به برابری، مسئولیت‌پذیری و کنشگری و پرسشگری در ارتباط با موضوع‌های محیط‌زیستی در شهر اشاره کرد. افراد با برخورداری از فرهنگ شهروندی و ارتقای آن به مسائل و معضل‌های موجود در جامعه خود حساس شده و واکنش نشان می‌دهند. مسئولیت محیط‌زیستی از طریق تجربه کنشگران، اخلاق، سیاست و فرهنگ و نیز آگاهی از بی‌عدالتی محیط‌زیستی و اجتماعی عمل کرده و منجر به کنش‌های مسئولانه و تغییرات راهبردی از طریق مشارکت مدنی می‌شود. توافقی‌های فرهنگی در یک جامعه نقشی مهم‌تر از قوانین حکومتی در توسعه پایدار بر عهده دارند. توافقی‌های فرهنگی مذکور و ایجاد تغییر در گرایش افراد نسبت به محیط زیست در سایه همکاری شهروندان با یکدیگر و نیز آموزش امکان‌پذیر است. در صورتی که قوانین در هر سطح و موضوعی بدون توجه به پیش‌زمینه‌های فرهنگی و بدون در نظر گرفتن نیازهای افراد جامعه وضع شده باشد، تضمینی برای اطاعت از آن سوی شهروندان وجود ندارد؛ بلکه باعث افزایش شکاف میان دولت و ملت و کاهش سرمایه اجتماعی نیز خواهد شد. نتایج حاصل از پژوهش حاضر با نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش اسمیت و پانگساپا (۲۰۱۳) همسو و هم‌جهت است.

متغیر دیگری که در این مطالعه به آن اشاره شده است، دینداری است، دین اعم از اسلام، مسیحیت و یهودیت، به‌منظور نشر اخلاق در میان بشریت و دستیابی به سعادت که در گروهی رفتار مسالمت‌آمیز با یکدیگر و موجودات زنده دیگر کره زمین



است شکل گرفته است. مراقبت از محیط‌زیست و نحوه برخورد با حیوانات و گیاهان مورد توجه بسیاری از ادیان آسمانی بوده است. در این میان دینداران که خود را طرفدار این ادیان می‌دانند، تلاش دارند تا با پیروی از فرامین و دستورهای دینی پیروان راستین ادیان مذکور باشند. علاوه‌براین عدالت به‌مثابه فصل مشترک پیشگیری از جرایم حقوق بشری و هدف ادیان آسمانی، باعث می‌شود تا تمامی موجودات اعم از انسان، حیوان و گیاه مورد توجه قرار گرفته و از ارتکاب جرم بر روی آنها از سوی دینداران جلوگیری شود. ازسوی‌دیگر، اخلاق اسلامی محیط‌زیست را دارای ارزش ذاتی می‌داند که وظیفه بشر به رسمیت شناختن آن و رفتار مسئولانه در قبال آن است. نتایج حاصل از پژوهش‌های ربیعی (۱۳۹۶)، کیانی سلمی و شاطریان (۱۳۹۶) و ادهمی و اکبرزاده (۱۳۹۰) نیز به اهمیت دینداری در حفاظت از محیط زیست اشاره کرده‌اند.

آگاهی محیط‌زیستی متغیر مستقل دیگری است که در این مطالعه به آن اشاره شده است. آگاهی محیط‌زیستی، دانش افراد نسبت به محیط‌زیست، تأثیر رفتارهای بشر بر محیط‌زیست و اهمیت محافظت از آن توصیف شده است. برخورداری از دانش محیط‌زیستی باعث می‌شود تا افراد نسبت به انواع آلودگی‌ها و خطرهای ناشی از آنها آگاه شوند. در نتیجه هر چه افراد آگاهی بیشتری نسبت به محیط‌زیست داشته باشند، کمتر به آن آسیب می‌رسانند. علاوه‌براین، توسعه نگرش فرد و اجتماع نسبت به محیط‌زیست منجر به تمرکز بر استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر و پیشگیری از انواع مخاطره‌های محیط‌زیستی می‌شود. کیانی سلمی و شاطریان (۱۳۹۶) هم در مطالعه خود به ارتباط میان آگاهی محیط‌زیستی و رفتارهای مسئولانه محیط‌زیستی و حفاظت از محیط‌زیست اشاره کرده‌اند.

درنهایت، متغیر هویت ملی که موضوعی مهم و راهبردی در حکمرانی به‌شمار می‌آید، رابطه معکوس و معنادار بر کاهش ارتکاب به جرایم محیط‌زیستی دارد. هویت ملی، دربردارنده واژه ملیت و ملت است. در واقع، یک کشور از منابع طبیعی و محیط زیست تشکیل شده است. تعلق خاطر به کشور، منابع طبیعی، هموطنان، افتخارات ملی و نسل آینده از عوامل تشکیل‌دهنده هویت ملی هستند. سلمان (۱۳۹۸) نیز در پژوهش خود به همبستگی هویت ملی در حفاظت از محیط زیست اشاره کرده است. در ادامه، به‌منظور پیشگیری از ارتکاب به جرایم محیط‌زیستی بهره‌گیری از ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد به‌مثابه بازوی توانمند سازمان محیط زیست در شناسایی معضل‌ها و انتشار فرهنگ محیط‌زیستی، در اولویت قرار گرفتن

موضوع‌های محیط‌زیستی و نیز راهکارهای حفاظت از آن در نظام آموزشی کشور، تلاش در جهت ارتقای دانش محیط‌زیستی از طریق رسانه‌ها، برگزاری کارزارها و جشنواره‌ها، ارتقای فرهنگ شهروندی از طریق تربیت شهروندانی مسئول و کنشگر در ارتباط با حل مشکل‌ها و معضله‌های محیط‌زیستی، تقویت دینداری افراد جامعه با عملکرد صحیح از سوی بانیان دینی و مذهبی و تمرکز بر ظرفیت دین اسلام در حفاظت از محیط زیست و کاهش ارتکاب به جرایم محیط‌زیستی و تقویت هویت ملی ایرانیان، با تکیه بر تاریخ، محیط طبیعی و دستاوردهای علمی، فرهنگی، فناورانه، سیاسی و اجتماعی پیشنهاد می‌شود.

فهرست منابع

- ادهمی، عبدالرضا و اکبرزاده، الهام (۱۳۹۰). بررسی عوامل فرهنگی مؤثر بر حفظ محیط‌زیست شهر تهران (مطالعه موردی مناطق ۵ و ۱۸ تهران). *جامعه‌شناسی مطالعات جوانان*، ۱(۱)، ۳۷-۶۲.
- باقری، ا. (۱۳۹۹). سایت پسماند کاشان بر مشکلات محیط زیست افزود. <https://pasmandiran.ir/Content/Item/5980/>
- بنی‌فاطمه، حسین و حسین‌نژاد، فهیمه (۱۳۹۱). مصرف‌گرایی در جامعه و تأثیر آن بر محیط‌زیست شهری: رویکردی نوین. *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۱(۲)، ۱۹-۶۱.
- خبربان (۱۳۹۹). *آلودگی هوای کاشان در سطح کلان شهرها است*: <https://khabarban.com/a/28209142>
- خبربان (۱۳۹۹). *کاشان در هشت ماهه سال ۹۸ دارای پنج روز ناسالم برای عموم مردم بود*: <https://khabarban.com/a/27731167>
- خبرگزاری ایرنا (۱۳۹۸). *مشکلات زیست‌محیطی تولید عرقیات گیاهی در کاشان برطرف شود*: <https://www.irna.ir/news/83557563/>
- خبرگزاری ایلنا (۱۳۹۹). *آلودگی هوا و ترافیک چالش‌های اصلی محیط زیست کاشان است*: <https://www.ilna.ir/%D8%A8>
- خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۹). *آلودگی هوای کاشان در سطح کلان شهرها است / نقش تأثیرگذار تردد خودروهای سنگین در تشدید آلودگی هوا*: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1399/03/18/2281515>
- ربیعی، علیرضا (۱۳۹۶). *بررسی عوامل فرهنگی - اجتماعی مؤثر بر رفتار شهروندان در حفظ محیط‌زیست (مطالعه موردی: شهر بروجن)*. پژوهش‌های محیط زیست،



۸(۱۵)، ۵۱-۶۴

- سلمان، صدیقه (۱۳۹۸). بازآفرینی دورریزها، با توجه به هویت ملی و ارزش‌های زیست‌محیطی. *تحقیقات جدید در علوم انسانی*، ۲(۱۹)، ۱-۵.
- فالکس، کیت (۱۳۹۹). شهروندی. ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: کویر.
- فیروزجاییان گلوگاه، علی‌اصغر و شفیعی، آزاده (۱۳۹۶). آسیب‌شناسی شهروندی زیست‌محیطی با تأکید بر بی‌تفاوتی زیست‌محیطی (مورد مطالعه: شهروندان شهر یزد). *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، ۸(۲۵)، ۱۹-۴۲.
- کیانی سلمی، صدیقه و شاطریان، محسن (۱۳۹۷). شناسایی عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر حفظ محیط‌زیست (مطالعه موردی: شهروندان کاشان). *آموزش محیط زیست و توسعه پایدار*، ۶(۲)، ۱۰۱-۱۱۶.
- نیازی، محسن و جعفرپور، مرتضی (۱۳۹۵). تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر فرهنگ شهروندی شهروندان تهرانی در سال ۱۳۹۳. *راهبرد اجتماعی و فرهنگی*، ۵(۱۹)، ۹۸-۱۰۸.
- نیازی، محسن؛ بهرامی، ولی؛ موسوی، سید محسن و سهراب‌زاده، مهران (۱۳۹۷). تحلیلی بر فرهنگ شهروندی و عوامل مؤثر بر آن (مورد مطالعه: استان لرستان). *مطالعات اجتماعی ایران*، ۱۳(۱)، ۳۱-۵۹.

- Bart Bonikowski, P. D. (2016). Varieties of American Popular Nationalism. *American Sociological Review*, 81(5), 949-980. <https://doi.org/https://doi.org/10.1177/0003122416663683>
- Beirne, P., & South, N. (2013). *Issues in Green Criminology*. Taylor & Francis.
- Clifford, M. (1998). *Environmental Crime Enforcement, Policy, and Social Responsibility*. Aspen Publishers.
- Gibbs, C.; Gore, M. L.; McGarrell, E. F. & Rivers III, L. (2010). Introducing Conservation Criminology: Towards Interdisciplinary Scholarship on Environmental Crimes and Risks. *The British Journal of Criminology*, 50(1), 124-144. <https://doi.org/10.1093/bjc/azp045>
- Hassan, A.; Noordin, T. A. & Sulaiman, S. (2010). The status on the level of environmental awareness in the concept of sustainable development amongst secondary school students. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 2(2), 1276-1280. <https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2010.03.187>
- Huber, S. & Huber, O. W. (2012). The centrality of religiosity scale (CRS). *Religions*, 3(3), 710-724.
- Lynch, M. J. (2019). Green Criminology and Environmental Crime: Criminology That Matters in the Age of Global Ecological Collapse. *Journal of White Collar and Corporate Crime*, 1(1), 50-61.

- <https://doi.org/10.1177/2631309X19876930>
- Lynch, M. J.; Barrett, K. L.; Stretesky, P. B. & Long, M. A. (2017). The Neglect of Quantitative Research in Green Criminology and Its Consequences. *Critical Criminology*, 25(2), 183-198. <https://doi.org/10.1007/s10612-017-9359-6>
- Sandoval-Hernández, A.; Claes, E.; Savvides, N. & Isac, M. M. (2021). *Citizenship Norms and Tolerance in European Adolescents BT - Good Citizenship for the Next Generation : A Global Perspective Using IEA ICCS 2016 Data* (E. Treviño, D. Carrasco, E. Claes, & K. J. Kennedy (Eds.); 147-170). Springer International Publishing. https://doi.org/10.1007/978-3-030-75746-5_9
- Sherkat, D. E. (2015). *Religiosity*, Wright (Ed.), Second Edition.; Elsevier. 377-380. <https://doi.org/https://doi.org/10.1016/B978-0-08-097086-8.84020-9>
- Smith, M. J. & Pangsapa, P. (2013). *Environment and Citizenship: Integrating Justice, Responsibility and Civic Engagement*. Zed Books.
- South, N. (1998). A green field for criminology? A proposal for a perspective. *Theoretical Criminology*, 2. <https://doi.org/10.1177/1362480698002002004>
- Spapens, T.; White, R. & Kluin, M. (2016). *Environmental Crime and its Victims: Perspectives within Green Criminology*. Taylor & Francis.
- Stretesky, P. P. B. & Lynch, M. J. (2014). *Exploring Green Criminology: Toward a Green Criminological Revolution*. Ashgate.
- Takala, M. (1991). Environmental awareness and human activity. *International Journal of Psychology*, 26(5), 585-597.
- White, R. (2008). *Crimes Against Nature Environmental criminology and ecological justice*. Willan Publishing.
- White, R. & Heckenberg, D. (2014). *Green Criminology: An Introduction to the Study of Environmental Harm*. Taylor & Francis.

References

- Adhami, A. & Akbarzadeh, A. (2011). A study of cultural factors affecting the environment in Tehran (Case study: Districts 5 and 18 of Tehran). (Sociological Studies of Youth), 1(1), 37-62. (In Persian)
- Bagheri, A. (2020). Kashan waste site added to environmental problems. <https://www.ghatreh.com/news/nn54649078/1>. (In Persian)
- Bani Fateme, H. & Hosseinnejad, F. (2012). Consumerism in society and its impact on urban environment: a new approach. (Socio-Cultural Strategy), 1(1), 39-61. (In Persian)
- Bart Bonikowski, P. D. (2016). Varieties of American Popular Nationalism. *American Sociological Review*, 81(5), 949-980. <https://doi.org/https://doi.org/10.1177/0003122416663683>
- Beirne, P. & South, N. (2013). *Issues in Green Criminology*. Taylor & Francis.
- Clifford, M. (1998). *Environmental Crime Enforcement, Policy, and Social*



- Responsibility. Aspen Publishers.
- Faulks, k. (2019). citizenship. Translation by Mohammad Taghi Delfrooz. Third edition, Tehran: Kavir. (In Persian)
- Faulks. T. (2020). Citizenship, Delfroz, M.T (trans.), third edition. Tehran: Kavir Publications. (In Persian)
- Firozjaiyan Galugah, A. A. & Shafiee, A. (2017). Pathology of environmental citizenship with emphasis on environmental apathy (Case study: Citizens of Yazd city). (Quarterly Journal of Urban Sociological Studies), 8(25), 19-42. (In Persian)
- Gibbs, C.; Gore, M. L.; McGarrell, E. F. & Rivers III, L. (2010). Introducing Conservation Criminology: Towards Interdisciplinary Scholarship on Environmental Crimes and Risks. The British Journal of Criminology, 50(1), 124-144. <https://doi.org/10.1093/bjc/azp045>
- Giddens, A. (2015). Policies against climate change, Sadegh Salehi, Sh. Mohammadi (trans.); First edition). Tehran: Agah. (In Persian)
- Hassan, A., Noordin, T. A., & Sulaiman, S. (2010). The status on the level of environmental awareness in the concept of sustainable development amongst secondary school students. Procedia - Social and Behavioral Sciences, 2(2), 1276-1280. <https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2010.03.187>
- Huber, S. & Huber, O. W. (2012). The centrality of religiosity scale (CRS). Religions, 3(3), 710-724.
- ILNA. (2020). Air pollution and traffic are the main challenges of Kashan's environment. <https://www.ilna.ir/%D8%A8>. (In Persian)
- IRNA News (2019). Environmental problems of plant distillates production in Kashan to be resolved, <https://www.irna.ir/news/83557563/> [in Persian]
- Kiani Salmi, p., & Shaterian, M. (2018). Identifying socio-cultural factors affecting environmental protection (Case study: Citizens of Kashan). (Scientific Journal of Environmental Education and Sustainable Development), 6(2), 101-116. (In Persian)
- Lynch, M. J. (2019). Green Criminology and Environmental Crime: Criminology That Matters in the Age of Global Ecological Collapse. Journal of White Collar and Corporate Crime, 1(1), 50-61. <https://doi.org/10.1177/2631309X19876930>
- Lynch, M. J.; Barrett, K. L.; Stretesky, P. B. & Long, M. A. (2017). The Neglect of Quantitative Research in Green Criminology and Its Consequences. Critical Criminology, 25(2), 183-198. <https://doi.org/10.1007/s10612-017-9359-6>
- Meshkat Online (2018), Kashan water shortage. Analytical News Site. <http://meshkatonline.ir/> (In Persian)
- Mizan News Agency (2020). Maranjab dessert. <https://www.mizanonline.com/fa/news/669212/>. (In Persian)
- Nabavi, S. A. & Shahriari, M. (2013). Religion, ethics and the environment. (Humans and environment), 12(2), 69-83. (In Persian)
- Niazi, M. & Jafarpour, M. (2016). Explaining the social and cultural factors affecting the citizenship culture of Tehran citizens in 2014. (Quarterly Journal of Social and Cultural Strategy), 5(19), 98-

108. (In Persian)
- Niazi, M.; Bahrami, V.; Mousavi, M. & Sohrabzadeh, M. (2017). An analysis of citizenship culture and factors affecting it (case study: Lorestan province). *Iran Social Studies*, 13(1), 31-59. (In Persian)
- Rabbani, H.; Jalalian, A.; Pournouri, M. (2020). Typology of Environmental Crimes in Natural Geography of Iran. (*Geographical Research Quarterly*), 35(2), 117-128. <https://doi.org/10.29252/GEORES.35.2.117>. (In Persian)
- Sandoval-Hernández, A.; Claes, E.; Savvides, N. & Isac, M. M. (2021). Citizenship Norms and Tolerance in European Adolescents BT - Good Citizenship for the Next Generation : A Global Perspective Using IEA ICCS 2016 Data (E. Treviño, D. Carrasco, E. Claes, & K. J. Kennedy (Eds.); 147-170). Springer International Publishing. https://doi.org/10.1007/978-3-030-75746-5_9
- Sherkat, D. E. (2015). *Religiosity*, Wright (Ed.), Second Edition.; Elsevier. 377-380. <https://doi.org/https://doi.org/10.1016/B978-0-08-097086-8.84020-9>
- Smith, M. J. & Pangsapa, P. (2013). *Environment and Citizenship: Integrating Justice, Responsibility and Civic Engagement*. Zed Books.
- South, N. (1998). A green field for criminology? A proposal for a perspective. *Theoretical Criminology*, 2. <https://doi.org/10.1177/1362480698002002004>
- Spapens, T.; White, R. & Kluin, M. (2016). *Environmental Crime and its Victims: Perspectives within Green Criminology*. Taylor & Francis.
- Stretesky, P. P. B. & Lynch, M. J. (2014). *Exploring Green Criminology: Toward a Green Criminological Revolution*. Ashgate.
- Takala, M. (1991). Environmental awareness and human activity. *International Journal of Psychology*, 26(5), 585-597.
- Tasnim (2019). Kashan's air pollution is at the level of big cities/the influential role of heavy vehicle traffic in aggravating air pollution. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1399/03/18/2281515/>
- Tasnim (2020). Kashan air had five unhealthy days for the public in the eight months of 2019. <https://khabarban.com/a/27731167> (In Persian)
- Tasnim (2020). Kashan air pollution is in metropolises. <https://khabarban.com/a/28209142>.
- Waste of Iran (2019). Separation of the origin of 10% of the waste produced in Kashan by the citizens of Kashan. . <https://pasmandiran.ir/Content/Item/5980/> (In Persian)
- White, R. & Heckenberg, D. (2014). *Green Criminology: An Introduction to the Study of Environmental Harm*. Taylor & Francis.
- White, R. D. (2016). *Green Criminology*. Ganjifard, H. (trans.), Tehran: Mizan Publication. (In Persian)
- White. R (2008). *Crimes Against Nature Environmental criminology and ecological justice*. Willan Publishing.

بازشناسی معنی و مفهوم نفایس ملی در اصل هشتادوسوم قانون اساسی

شهاب طلایی شکری

عضو هیئت علمی دانشکده معارف اسلامی، فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران،
ایران (نویسنده مسئول).

shahab_talaie@yahoo.com

سعید شفیعا

دکترای تخصصی مدیریت گردشگری، کارشناس گردشگری و میراث فرهنگی، مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی، تهران، ایران.

s.shafia@usc.ac.ir

چکیده

اصل ۸۳ قانون اساسی از جمله اصولی است که تا به حال در مورد آن قوانین و مقررات تکمیلی
مصوب نشده است و همچنان تعریف و معیارهای سنجش آن دارای ابهام است. طبق این اصل،
بناها و اموال دولتی که در دسته نفایس ملی هستند بدون نظر مجلس شورای اسلامی قابل انتقال
نمی‌باشند. مجریان امور میراث فرهنگی در دوره‌هایی به سه نگرش تجربی، اجماع و تکیه به
ثبتهای جهانی در مورد آن تصمیم‌گیری کرده‌اند. تصمیمات اتخاذ شده در مورد این نفایس
به واسطه نبود سازوکار مناسب تشخیص و واگذاری، می‌تواند موجب تخریب اصل یا بخشی از آثار
شوند. رویکرد نظری تعریف مفهوم میراث فرهنگی، معیارهای تشخیص نفایس ملی است. این
مطالعه کیفی با استفاده از مطالعات اسنادی، مصاحبه و از روش نمونه‌گیری گلوله برفی پس از
انجام ۲۱ مصاحبه و استفاده از مشروح مذاکرات مجلس در مورد اصل ۸۳ امکان پاسخگویی به
سؤال‌های پژوهش را فراهم کرد. این پژوهش به جمع‌بندی در خصوص تعریف نفایس ملی و
نفایسی منحصر پرداخته و پیشنهاد نمود تا برای شناخت نفایس ملی کمیته‌ای بین‌دستگاهی
تشکیل شود تا بدون جهت‌گیری و تعارض منافع زمینه تصمیم‌گیری را فراهم سازد. همچنین
گستره شمول اصل ۸۳ قانون اساسی به اموال غیردولتی و حمایت از مالکان این نفایس یا خرید
نفایس ملی توسط دولت صورت پذیرد.

کلیدواژه‌ها: نفایس ملی، منحصر به فرد، بازشناسی معنایی، میراث فرهنگی، اصل ۸۳ قانون اساسی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۸ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۱/۰۸/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۰۲
فصلنامه راهبردی اجتماعی فرهنگی، سال ۱۲، شماره ۲، پیاپی ۴۷، تابستان ۱۴۰۲، صص ۳۹۹-۴۲۲

مقدمه و بیان مسئله

میراث فرهنگی آثار با ارزش به جای مانده از گذشتگان است که پیشرفت‌های انسان در طول تاریخ را در خود دارد. آنچه در این میان بااهمیت است، توجه و تدبیر نسل بشر به این آثار تاریخی - فرهنگی به قصد پندآموزی است (مهراندیش، ۱۳۸۷)؛ بنابراین، گذر زمان و حفاظت از این میراث باارزش است که امکان تعمق در این آثار فرهنگی را ممکن می‌سازد و عملاً میراث فرهنگی به‌عنوان بازوی بااهمیت برای توسعه گردشگری نیز نقش‌آفرینی می‌کند. فرصتی که تلفیق میراث فرهنگی و فعالیت‌های گردشگری در اختیار جامعه جهانی قرار می‌دهند، امکان پندآموزی و دستیابی به نظامی از معرفت است (منصوری و شفیعا، ۱۳۹۸).

با درک اهمیت بالای این میراث، یکی از حقوق فرهنگی ملت‌ها در برابر دولت‌ها را می‌توان حق حفاظت از میراث فرهنگی ملموس و ناملموس دانست و تکالیفی بر عهده دولت‌ها گذاشته شده است تا نسل‌های آینده نیز از موهبت‌های میراثی بی‌نصیب نباشند. این تکالیف را می‌توان در قالب موافقت‌نامه‌های بین‌المللی مثل حراست از میراث فرهنگی ناملموس یا موافقت‌نامه حمایت میراث فرهنگی و طبیعی جهانی مشاهده کرد که عظم جهانی برای نگهداشت و حمایت از آنها را نشان می‌دهد (زنده‌گل، ۱۳۹۷)؛ اما مسئله مالکیت یکی از موضوع‌های بحث‌برانگیز در حیطه مدیریت میراث فرهنگی است، چراکه به‌عنوان یکی از حقوق تعرض‌ناپذیر و مقدس شناخته می‌شود و در صورتی که در تقابل با حقوق عمومی قرار گیرد، الزام‌های بسیاری در مورد آن وجود دارد. برابر اصل ۴۶ قانون اساسی، هر کس مالک حاصل کسب‌وکار مشروع خویش است و هیچ‌کس نمی‌تواند به‌عنوان مالکیت نسبت به کسب‌وکار خود امکان کسب‌وکار را از دیگران سلب کند. همچنین طبق اصل ۴۷ قانون اساسی، مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است که ضوابط آن را قانون تعیین می‌کند. همچنین طبق ماده ۳۰ قانون مدنی نیز هر مالکی نسبت به مایملک خود حق تصرف دارد مگر اینکه قانون آن را مستثنی کرده باشد (عباسی، ۱۳۹۹). آنچه مسلم و مشهود است، دولت جمهوری اسلامی ایران به‌واسطه مسئولیت حاکمیتی که در قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ بر عهده دارد، بایستی از تمام میراث فرهنگی حفاظت کند. یکی از کلیدی‌ترین گام‌هایی که در هنگام



تصویب قانون اساسی برداشته شد، توجه این قانون به میراث فرهنگی است. با توجه به چالش‌های مالکیتی که ذکر شد، قانون اساسی تلاش کرد بدون تأکید بر دارایی‌ها و اموال غیردولتی، موضع شفافی در مورد میراث فرهنگی در اختیار دولت جمهوری اسلامی ایران اتخاذ کند و سایر آثار که در اختیار غیردولت است را واگذار به قوانین و مقررات موضوعه نماید. در این اصل، واژه نفایس ملی برای اولین بار به کار برده شد که منظور و مفهوم اصلی آن تا به حال مورد واکاوی دقیق قرار نگرفته است. طبق اصل ۸۳ قانون اساسی پس از بازننگری سال ۱۳۶۸، بناهای و اموال دولتی که از نفایس ملی باشد قابل انتقال به غیر نیست مگر با تصویب مجلس شورای اسلامی، آن هم در صورتی که از نفایس منحصر به فرد نباشد. این اصل در واکنش به نقل و انتقالات بی‌قاعده اشیاء نفیس و باارزش کشور در دوران رژیم سابق به سایر کشورها طرح شد. هر چند این جابه‌جایی اموال در هر گوشه دنیا، نمایشی از فرهنگ و هنر ایران اسلامی است؛ اما خروج بی‌قاعده و بی‌اصول، شکلی از بی‌غما رفتن و سوداگری اموال عمومی است؛ بنابراین، طرح شدن چنین اصلی در قانون اساسی، میزان اهمیت و لزوم توجه به میراث فرهنگی را متذکر می‌شود. آنچه مغفول مانده است، شفاف‌سازی و توسعه مفهومی مرتبط با این اصل با اهمیت است. نکته مبهمی که در سال‌های اخیر لزوم توجه به آن محسوس است، عدم تشریح و ضمنی بودن تعریف نفیسه ملی بودن و نفیسه ملی منحصر به فرد است. اینکه این مفاهیم چه هستند نیازمند تشریح و تعریف است. هر چند بررسی گفتگوها و موضوع‌های طرح شده توسط تصویب‌کنندگان قانون اساسی راهگشا است؛ اما از قوانین و مقررات عادی انتظار می‌رود تا به شفافیت و کاربردی شدن مبانی مدنظر قانون اساسی بیافزاید. متأسفانه در هیچ قانون تخصصی، بالادستی و عادی، تعاریف، مؤلفه‌ها و معیارهای شناسایی نفیسه ملی تشریح نشده است و مسئله مذکور بدون چارچوب نظری و مبتنی به نظر کارشناسی که قابل تغییر است، تبیین شده است. تشکیل کمیته‌های مختلف در سازمان و وزارتخانه مرتبط با میراث فرهنگی در دهه‌های اخیر و تصمیم‌ها و اظهار نظرهای ثبت شده از مدیران و کارشناسان این حیطه، اسنادی است که تأییدکننده یک شکاف قانونی است. از سوی دیگر، این ماده از قانون در مورد اموال دولتی صحبت کرده است؛ اما در مورد بخش دیگری از نفایس ملی که در اختیار افراد یا سازمان‌های غیردولتی قرار دارند مسکوت باقی مانده است؛ بنابراین، بخش مهمی از نفایس ملی که در اختیار دولت قرار ندارد، در خطر تسلط منافع خصوصی به منافع عمومی قرار دارد. لذا، در این پژوهش تلاش شده است تا با استفاده از

مستندات به‌جای‌مانده از نمایندگان مصوب‌کننده اصل ۸۳ قانون اساسی، گردآوری نظرات کارشناسان و بررسی قوانین و مقررات مربوطه، ابهام‌های فوق برطرف شود.

۱. اهداف پژوهش

- ۱- تشریح و تعریف نفیسه ملی بودن و نفیسه ملی منحصربه‌فرد؛
- ۲- شناسایی مؤلفه‌ها و معیارهای شناسایی نفیسه ملی؛
- ۳- تعیین مرجع تصویب نفیسه ملی و منحصربه‌فرد؛
- ۴- تعیین سازوکاری برای مدیریت نفایس ملی در اختیار غیردولت.

۲. سؤال‌های پژوهش

- ۱- نفایس ملی و منحصربه‌فرد چه هستند؟
- ۲- معیارهای شناخت آنها چیست؛
- ۳- مرجع تصویب نفیسه ملی و منحصربه‌فرد چیست؟
- ۴- چه سازوکاری برای مدیریت نفایس ملی در اختیار غیردولت می‌توان در نظر گرفت؟

۳. پیشینه پژوهش

دبیری؛ لقایی و شیرازیان (۱۳۹۳) عملکرد ایران در موافقت‌نامه حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی (۱۹۷۲) را بررسی کرده‌اند. ایران ۱۷ اثر فرهنگی را ثبت جهانی کرده است و در بین هفت اثر طبیعی، دو اثر طبیعی پارک‌های ملی گلستان و کویر ثبت جهانی شده بودند. حمزه‌ای و حسنی باقری (۱۳۹۵) قوانین مربوط به حفظ میراث فرهنگی را مطالعه اسنادی کرده‌اند. دلایل علمی، مذهبی و فلسفی و تأکید بر مزایای اقتصادی در صنعت گردشگری حفاظت از این آثار را ضروری می‌سازد. این نویسندگان لزوم توجه جدی مسئولان میراث فرهنگی را به حفاظت از این آثار را مورد تأکید قرار دادند. عباسی (۱۳۹۹) به بررسی حقوق و تکالیف مالکان در ثبت آثار فرهنگی پرداخت. این مطالعه توصیفی - تحلیلی با روش اسنادی انجام شد. طبق نظر نویسنده مقاله، پس از ثبت یک اثر در فهرست آثار ملی، حمایت‌های متعددی قانونی شامل حفاظت فیزیکی، فنی و انواع حمایت‌های حقوقی از آن شده و حقوق، تکالیف و محدودیت‌هایی را برای مالک و متصرف خصوصی از جمله درباره حفاظت، مرمت و انتقال آن اثر به همراه دارد (شفیعا و طلایی شگری، ۱۴۰۰). طبق گزارشی درباره جایگاه دیوان عدالت اداری در خروج آثار تاریخی و فرهنگی از فهرست آثار



ملی ثبت شده پژوهشی را انجام داد. تا سال ۱۳۹۹، ۸۵ اثر ملی حکم دیوان عدالت اداری برای خروج از ثبت فهرست آثار ملی را دریافت کردند که خطر باز شدن مسیر دلالی و سوداگری را بازمی‌کند. طبق این گزارش سه ایراد کلیدی در دو قانون حفظ آثار ملی ۱۳۰۹ و ثبت آثار ملی ۱۳۵۳ نیاز به رفع شدن دارد و جلسات دیوان عدالت اداری در مورد خروج آثار ملی به صورت علنی و با حضور کارشناسان ذی‌ربط برگزار شود و رسانه‌های عمومی در این جلسات زمینه نظارت عمومی و میراث فرهنگی را فراهم کنند. حیدری و جلالی (۱۴۰۰) نظام حقوقی انگلیس و ایران در حفاظت از آثار ملی فرهنگی را بررسی کرده‌اند. در انگلستان، حفاظت از میراث فرهنگی به عهده دولت انگلیس است؛ اما بخش عمومی با به رسمیت شناختن نهادهای غیردولتی و جوامع محلی در حفاظت از اثر فرهنگی نقش مهمی دارند. در ایران حفاظت از میراث فرهنگی جز قلمرو حاکمی است و نقش کمتری برای نهادهای غیرمردمی و جوامع محلی برای مشارکت و حفاظت وجود دارد. زرنیدیان (۱۴۰۱) نیز جایگاه میراث فرهنگی را در برنامه توسعه کشور بررسی کرد و معایبی مانند تصویب غیر تخصصی، عدم نظارت بر اجرای احکام، عدم اولویت‌بندی، عدم پیش‌بینی منابع مالی و عدم تطابق ماهیت قوانین برنامه با قوانین بودجه، منوط کردن احکام به تهیه آیین‌نامه‌ها و عدم پاسخگویی ساختار برنامه‌نویسی در شرایط بحرانی و امکان تغییر اولویت‌ها در سه جنبه تدوین، اجرا و ارزیابی قوانین برنامه توسعه را بیان کرد.

در بررسی‌های انجام شده از منظر حقوقی به مسئله حفاظت از آثار فرهنگی ملی توجه شده است. اصل ۸۳ قانون اساسی از جمله اصولی است که تا به حال در مورد آن قوانین و مقررات تکمیلی مصوب نشده است و همچنان تعریف و معیارهای سنجش آن دارای ابهام است. طبق این اصل، بناها و اموال دولتی که در دسته نفایس ملی هستند بدون نظر مجلس شورای اسلامی قابل انتقال نمی‌باشند و تصمیم‌های اتخاذ شده در مورد این نفایس به واسطه نبود سازوکار مناسب تشخیص و واگذاری، می‌تواند موجب تخریب اصل یا بخشی از آثار شوند.

۴. ملاحظات نظری

۴-۱. تعریف مفاهیم

۴-۱-۱. نفایس ملی و میراث فرهنگی

از آن جهت که فرهنگ دارای دو نمود نرم و سخت است، میراث فرهنگی هم دو

جنبه ملموس و غیرملموس دارد. بُعد نرم فرهنگی اشاره به آداب، رسوم و جنبه‌های فکری - فرایندی دارد که به‌واسطه سبک زندگی و تعاملات اجتماعی - محیطی شکل می‌گیرد. بخش مهمی از بُعد سخت فرهنگی نیز از بُعد نرم حاصل می‌شود، چراکه پیش‌زمینه‌های فکری و تفکرات است که موجب ساخت و شکل‌گیری بناها و آثار فرهنگی است؛ بنابراین، میراث ملموس، همان نمودهای عینی و قابل لمس فرهنگ است که از گذشتگان به جا مانده است. ماهیت میراث فرهنگی از آن جهت که گذشته و منتسب شدن به گذشتگان، تکرارپذیر و جایگزین‌پذیر نمی‌باشد، دارای اصالت است. نگهداشت این میراث برای نسل‌های آینده اقدامی حیاتی و اساسی است. ثبت آثار ملی یکی از اقدام‌های حاکمیتی است تا امکان حفاظت و حمایت از میراث فرهنگی را ممکن سازد. قانون‌گذار لازم است تا مشخص کند، چه چیز اثر ملی است و دارای اهمیت میراثی است. با نگاه به حقوق ایران مشخص است که آثار ملی مانند جنگل دارای مفاهیم و واژگان متفاوت با همپوشانی است. اثر ملی، اموال فرهنگی، اموال تاریخی، اموال هنری، اشیای عتیقه، دفینه، آثار ملی طبیعی و نفایس ملی از جمله این مفاهیم هستند که در قوانین و مقررات کشور، بخشی از میراث فرهنگی را مورد توجه و اشاره قرار داده‌اند (کریمی و خیرخواه، ۱۳۹۹). تمام مفاهیم ذکر شده، به‌واسطه قانون‌هایی دارای تعریف است به غیر از مفهوم نفایس ملی که در قانون اساسی طرح شده است. شاید مهم‌ترین دلیل این بی‌توجهی به مفهوم‌سازی نفایس ملی، مطرح شدن آن در قانون اساسی و مسکوت ماندن قوانین تخصصی و عمومی درباره آن است. یا اینکه موضوع نفایس ملی به دلیل اولویت‌هایی که پس از انقلاب به جامعه تحمیل شد (دفاع مقدس، سازندگی و تحریم‌ها)، در فهرست موضوعات بااهمیت قرار نگرفت. در اصل ۸۳ قانون اساسی، موضوع واگذاری نفایس ملی بحث شد و قانون‌گذاری واگذاری نفایس منحصر به فرد را ممنوع اعلام کرد، همچنین واگذاری نفایس ملی غیرمنحصر به فرد را به نظر مجلس شورای اسلامی واگذار کرد (فتحی و دیگران، ۱۳۹۷). مهم‌ترین منابع برای درک و تفسیر مفهوم نفایس ملی، مشروح جلسات ۳۳ و ۳۴ مجلس برای رأی‌گیری در مورد اصل ۸۳ قانون اساسی و همچنین کارشناسان، مجریان و متخصصان میراث فرهنگی است که به‌صورت مستقیم با شناسایی نفایس ملی درگیر بوده‌اند.

۴-۱-۲. معیارهای شناسایی نفایس ملی

نبود معیار و شاخص مصوب در مورد نفایس ملی موجب شد تا کارشناسان این

حیطه از روش‌های تجربی^۱، اجماعی^۲ یا تکیه به ثبت‌های جهانی^۳ اقدام به شناسایی نفایس ملی کنند. در رویکرد تجربی تعدادی نمونه خاص که در مورد نفیسه ملی بودن آنها توافق نظر بوده است معیار قرار می‌گیرند و بر مبنای آن، نفیسه ملی بودن سایر نمونه‌ها مورد قضاوت قرار می‌گیرد. این روش می‌تواند به‌عنوان رویکرد کمکی استفاده شود. در رویکرد اجماع، نمونه‌ای منقول یا غیرمنقول در جمع کارشناسان بررسی می‌شود و در نهایت در مورد آن قضاوت جمعی می‌کنند. ساده‌ترین پیامد آن این است که اثری در یک دوره زمانی، نفیسه ملی در نظر گرفته نمی‌شود؛ اما در دوره‌ای دیگر که احتمالاً آسیب‌هایی به آن وارد شده است، نفیسه شناخته می‌شود^۴. همچنین در رویکرد تکیه به ثبت جهانی (توسط یونسکو)، معیار شناسایی نفیسه ملی نظر سازمان‌های جهانی قرار داده می‌شود و از آن جهت که سیاست‌های جهانی به ثبت تمامی آثار نفیس کشورها تأکید ندارد، بسیاری از نفایس ملی هیچ‌گاه فرصت ثبت جهانی را نخواهند داشت. در بررسی حاضر از روش تجربی استفاده می‌شود.

۲-۴. مبانی نظری

۲-۴-۱. ارتباط اصل ۸۳ با قوه مقننه

در بند ۳ از ماده ۱۷۹ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی که در مورد اقداماتی از دولت صحبت شده که بایستی قبلاً به تصویب مجلس برسد، آمده است: «فروش بناها و اموال دولتی و نفایس ملی به استثنای نفایس ملی منحصربه‌فرد که در هر

۱. به گفته ناصر پازوکی عضو سابق کمیته تشخیص نفایس ملی در مصاحبه با ایسنا، در دوره‌ای تلاش شد تا با معیار قرار دادن ۱۵ اثری که از جمله نفایس ملی هستند، ویژگی‌هایی استخراج شود و معیار قرار گیرد.

<https://www.isna.ir/news/8310-05348/>

۲. به گفته پرهام جانفشان مدیرعامل سابق و رئیس هیئت‌مدیره صندوق احیا و بهره‌برداری از اماکن تاریخی و فرهنگی در مصاحبه با ایلنا با خبرگزاری ایلنا برای تشخیص نفایس ملی به عقل جمعی مراجعه می‌شود.

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-650580>

۳. بر مبنای مصاحبه رئیس پیشین سازمان میراث فرهنگی و گردشگری با ایسنا و اظهارنظر ایشان در مورد اینکه فقط آثار جهانی نفیس ملی‌اند. رویکردی که به گفته ایشان به دلیل کمبود منابع مالی برای تملک و احیای آثار نفیس اتخاذ شده است و از اساس دارای اشکال است. چراکه ثبت‌های جهانی با تأکید بر تعداد محدودی از آثار نفیس صورت می‌گیرد و قرار نیست تمامی نفایس جهانی را شامل شود و وابسته شدن به آن به معنای رها کردن بخش با اهمیتی از نفایس ملی است. در ساده‌ترین حالت نفایس ثبت شده در جهان را می‌توان نفایس جهانی در نظر گرفت و جایگاه نفایس ملی همچنان قابل طرح با اهمیت است.

<https://www.isna.ir/news/93032815650/>

۴. پرهام جانفشان گفت: ممکن است امروز یک بنا بر مبنای خرد جمعی نفیس به حساب نیاید؛ اما مدتی بعد بر اساس خرد جمعی، همان اثر نفیس شناخته شود.

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-650580>

صورت قابل فروش نخواهد بود». درحالی‌که در اصل ۸۳ قانون اساسی از واژه انتقال استفاده شده است. واژه انتقال در علم حقوق به معنای زوال حقی از موضعی به موضع دیگر است؛ مانند حق مالک انتقال‌دهنده به موجب عقد، زائل می‌شود و به مشتری تعلق می‌گیرد. از آن جهت که انتقال، هم معنای زوال حق دانسته شده و می‌تواند هم به اعیان و هم به اعیان به همراه منافع اشاره داشته باشد، الزامی به عینی بودن و ملموس بودن انتقال وجود ندارد؛ بنابراین، دامنه شمول مفهوم انتقال بیشتر از فروش است و عملاً با تعریفی که آیین‌نامه داخلی مجلس ارائه کرده است، دایره اختیار موجود در اصل ۸۳ قانون اساسی محدود شده است.

ماهیت موضوع نقل و انتقالات بناها و اموال دولتی، از نوع اجرایی است نه قانون‌گذاری^۱ و مطرح شدن اصل ۸۳ قانون اساسی به این شکل، نشان‌دهنده اهمیت موضوع و اراده قانون‌گذار به ایجاد سازوکار و نظارتی نسبت به نفایس ملی دارد؛ بنابراین، دولت است که بایستی با ارائه لایحه به مجلس، درخواست نظر کند؛ اما مرجع تشخیص و در ادامه تصویب انتقال نفایس ملی به غیر، مجلس شورای اسلامی است نه دولت، چراکه طبق اصل ۸۳ قانون اساسی مرجعیت تشخیص نفایس ملی به عهده مجلس شورای اسلامی قرار داده است.^۲ هر چند از آن جهت که طبق اصل ۴۵ قانون اساسی آمده است: «انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات یا رها شده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نیزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث و اموال مجهول‌المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شود در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید. تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می‌کند». لذا نفایس ملی هم شامل اصل ۴۵ قانون اساسی است و این اموال در اختیار حکومت اسلامی است و تصمیم‌گیری مجلس در مورد نفایس ملی می‌تواند دارای مشکل ارزیابی شود.

۱. مطابق اصل ۷۱ قانون اساسی مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی، می‌تواند قانون وضع کند.

۲. بر خلاف اصلاح تبصره الحاقی ماده (۸) آیین‌نامه اجرایی ماده (۸۸) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت در تاریخ ۱۳۸۳/۵/۲۶ در هیئت وزیران که سازمان میراث فرهنگی را مرجع قرار داده است. البته این اقدام دولت به‌واسطه مسکوت بودن قانون‌گذار رخ داده که از آن به‌عنوان آیین‌نامه‌های مستقل یاد شده است.

۴-۲-۲. ارتباط اصل ۸۳ با قوه مجریه

به استناد اصلاح تبصره الحاقی ماده (۸) آیین‌نامه اجرایی ماده (۸۸) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت در تاریخ ۱۳۸۳/۵/۲۶ در هیئت وزیران، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری مرجع تشخیص اموال و بناهای دولتی که از نفایس ملی هستند می‌باشد. لذا بعد از این مصوبه، رئیس سازمان میراث فرهنگی و گردشگری در آن زمان دو کمیته با عناوین کمیته تشخیص نفایس ملی منقول و کمیته تشخیص نفایس ملی غیرمنقول را تشکیل داد، لکن این امر در عمل نتیجه عملیاتی خاصی در زمینه شفاف‌سازی مفهوم و معیارهای سنجش نفایس ملی دربرداشت. در سال ۱۳۹۹ مجدداً فعالیت کمیته مذکور در معاونت میراث وزارتخانه میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی آغاز به کار کرد و در قالب کمیته تشخیص نفایس ملی جلساتی را برگزار کرد. در این جلسات در مورد تشخیص نفیسه ملی بودن یا نبودن رأی‌گیری می‌شود و متناسب با آن نسبت به نحوه به‌کارگیری آثاری که از نفایس ملی شناخته نمی‌شوند، تصمیم‌گیری می‌گردد^۱. از آن جهت که تصمیم در مورد نفیسه ملی بودن یا نبودن یک اثر با تصمیم‌گیری در مورد نحوه استفاده همراه شده است، نقش ناظر و مجری در این کمیته متمرکز شده است که می‌تواند موجب آسیب به نفایس ملی شود.^۲

۴-۲-۳. قوانین و مقررات مرتبط

قانون اساسی عالی‌ترین سند حقوقی یک کشور است که زمینه‌سازی تنظیم قوانین دیگر را ممکن می‌سازد؛ بنابراین، قوانین تنظیم شده پس از آن نایستی در تضاد و

۱. گزارش جلسه‌های کمیته تشخیص نفایس ملی در سایت دولت قرار می‌گیرد و تصمیم‌ها در مورد بناها ابلاغ می‌شود؛ به‌طور مثال جلسه پنجم کمیته در تاریخ ۹ اردیبهشت ماه ۱۴۰۰ برگزار شد و ۲۸ اثر بررسی شد و نسبت به واگذاری مدرسه هدایت ارومیه که در اختیار وزارت راه و شهرسازی است تذکر داده شد.

<https://dolat.ir/detail/363059>

۲. به استناد بند ز ماده ۱۱۴ احکام دائمی قانون برنامه چهارم توسعه کشور به‌منظور تعیین و اعطای مجوز کاربری و بهره‌برداری مناسب از بناها و اماکن تاریخی و فرهنگی قابل احیا از طریق سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی داخلی و خارجی، صندوق توسعه صنایع دستی و فرش دستباف و احیاء و بهره‌برداری از اماکن تاریخی و فرهنگی به‌عنوان مؤسسه‌ای غیرانتفاعی و وابسته به وزارتخانه میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی تأسیس شده است که در راستای بهره‌برداری اقتصادی از ابله تاریخی فعال است. این صندوق یکی از پیشنهاددهنده‌های کلیدی آثار مورد بررسی در کمیته نفایس ملی است که در صورت مصوب شدن، امکان بهره‌برداری از این بناها را خواهد داشت؛ بنابراین، اظهار نظر کمیته نفایس در ارتباط با منافع مدنظر صندوق خواهد بود.

تناقض با آن باشد. موضوع مطرح شده در اصل ۸۳ قانون اساسی را می‌توان در دو بازه زمانی قبل و بعد از تنظیم قانون بررسی کرد تا مشخص شود، قوانین و مقررات مرتبط با آن چه پیام و مفهومی داشته‌اند؛ بنابراین جدول ۱ خلاصه‌ای از این قوانین است.

جدول (۱): مواد قانونی پیش از پس از تصویب قانون اساسی در ارتباط مستقیم و غیرمستقیم با نفایس ملی (منبع: نگارندگان)

ماده قانونی	تفسیر در ارتباط با موضوع
قانون مدنی ۱۳۰۷	تأیید مالکیت بر اموال پیدا شده توسط مالک غیردولتی (این مال می‌تواند از نفایس منقول باشد)
قانون راجع به حفظ آثار ملی ۱۳۰۹	دولت متولی آثار ملی است و در زمینه اکتشاف و حفر باید با او هماهنگ شد. مالکیت خصوصی به آثار فرهنگی مورد تأیید است؛ اما بایستی تحت نظارت دولت باشند.
قانون امور گمرکی ۱۳۰۷	ممنوعیت صادرات
قانون ثبت آثار ملی ۱۳۵۲	قید تا انتهای سلسله زنجیره برداشته شد و تمامی آثاری که شأن تاریخی و ملی هستند آثار ملی خواهند بود.
مصوبه شورای انقلاب درباره ممنوعیت صدور هر گونه اشیاء عتیقه و هنری و زر و سیم ۱۳۵۸	ممنوعیت صادرات
قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی ۱۳۶۹	ممنوعیت صدور
قانون تأسیس سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی و اساسنامه آن ۱۳۷۰	تنها جایی که صحبت از نفایس شده است این قانون است. دارای ارزش ویژه بودن و نشان‌دهنده هنر ملی از خصوصیات آن است. زمان عامل تعیین‌کننده به حساب نیامده است.
قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) ۱۳۷۵	نحوه استفاده بایستی تحت نظر و کنترل باشد.
قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰	امکان استفاده از نفایس وجود ندارد.
آیین‌نامه اجرایی ماده (۸۸) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت ۱۳۸۱	نفایس ملی توسط دولت قابل واگذاری نیست.
اصلاح تبصره الحاقی ماده ۸ آیین‌نامه اجرایی ماده (۸۸) قانون تنظیم بخشی از	واگذاری وظیفه تشخیص نفایس ملی به سازمان میراث فرهنگی و گردشگری بر خلاف اصل قانون



تفسیر در ارتباط با موضوع	ماده قانونی
اساسی توسط دولت	مقررات مالی دولت ۱۳۸۱
به رسمیت شناخته شدن مالکیت خصوصی ولی در فهرست قرار گرفتن آثار داری اهمیت ملی. جای توجه دارد، آثار دارای اهمیت ملی نیز تعریف مشخصی نشده است.	آیین نامه مدیریت، سامان دهی، نظارت و حمایت از مالکان و دارندگان اموال فرهنگی - تاریخی منقول مجاز ۱۳۸۴
استفاده از نفایس ملی از شمول بناها و اماکن تاریخی - فرهنگی آثار ملی مستثنا شد.	قانون احکام دائمی برنامه های توسعه ۱۳۹۶

یکی از مهم ترین مسائل مطرح شده در قوانین و مقررات، موضوع مالکیت بر میراث فرهنگی است. موضوعی که در اصل ۸۳ قانون اساسی هم جای بحث و مناقشه بین نمایندگان بود و اساساً یکی از دلایل مطرح شدن این اصل قانون اساسی است. مطابق روایات^۱ و قاعده فقهی تسلیط^۲ مطلق بودن مالکیت امری پذیرفته شده است و برای اعمال محدودیت در مورد آن بایستی ادله مشخصی داشت؛ بنابراین، محدود کردن مالکیت غیردولتی در مورد نفایس ملی بایستی با تدبیر و تحلیل صورت گیرد و در قبال آن سازوکار مناسبی در نظر گرفته شود. سیر قوانین موجود از سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۹۶ نشان می دهد، هر چند مالکیت بر اموال پیدا شده توسط یابنده ممکن است اما از آن جهت که ارزش معنوی آثار منقول و غیرمنقول نمی تواند مختص یک فرد باشد، تصمیم گیری در مورد کشف، بهره برداری و... از آن وابسته به نظارت و نظر دولت شده است. یعنی دولت به عنوان متولی در نگهداشت و حفظ ارزش معنوی برای نسل های آینده مسئول شده است و تمامی اتفاق ها بایستی با هماهنگی و اطلاع وی صورت گیرد. خط قرمز قانون، صادرات این آثار است که در برای آن ماده قانونی و جرایم مشخصی مصوب شده است. آنچه در این بین به عنوان شکاف به نظر می رسد، عدم شفاف سازی قانون گذار در مورد مفهوم نفایس ملی، عدم مشخص کردن معیارهای لازم برای شناسایی نفایس ملی، نامشخص بودن رویکرد حمایتی از مالکین خصوصی نفایس ملی و تعدد واژه های استفاده شده در مورد میراث فرهنگی است.

۱. از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده که فرمودند: «ان الناس مسلطون علی اموالهم»؛ همانا مردم بر اموال خویش مسلط هستند (مجلسی، بی تا، ج ۲، ص. ۲۷۲، کتاب العلم، باب ۳۳، حدیث ۷).
 در روایت دیگری از امام جعفر صادق (علیه السلام) آمده است: «ان لصاحب المال ان يعمل بماله ماشاء مادام حیا»؛ صاحب مال اختیار دارد تا هنگامی که زنده است اموال خویش را هر گونه که خواست به مصرف رساند (حرعاملی، بی تا، ج ۱۳، ص ۳۸۱، احکام الوصایا، باب ۱۷، حدیث ۲).
 ۲. الناسُ مُسَلِّطُونَ عَلٰی اَمْوَالِهِمْ. به عنوان یک قاعده فقهی مورد قبول شیعه و سنی است.

۵. روش پژوهش

این پژوهش به دنبال رفع ابهام از مفهوم به کار رفته در اصل ۸۳ قانون اساسی است. در این مقاله از روش پژوهش اسنادی استفاده می‌شود که در حوزه مدیریت انجام شده است. در روش اسنادی ابتدا موضوع انتخاب می‌شود که با توجه به پژوهش حاضر هدف گزارشی ساده از یک مسئله فرهنگی (نفایس ملی) است. سؤال‌های مرتبط با این موضوع پژوهش از نوع چیستی است (نفایس ملی چیست؟ معیارهای شناخت آنها چیست و چه سازوکاری برای مدیریت نفایس ملی در اختیار غیردولت می‌توان در نظر گرفت). برای بسط دیدگاه و تعیین دامنه پژوهش بررسی‌های اکتشافی انجام شد. پس از جمع‌آوری اطلاعات اولیه و مشورت‌های علمی، هم با ادیبان و واژگان تخصصی موضوع آشنایی حاصل شد (نفایس ملی منحصر به فرد، میراث فرهنگی نرم و سخت، اصل ۸۳ قانون اساسی، حفاظت از آثار ملی). جهت مسیر پژوهش و حوزه مطالعاتی مشخص شد. محل دسترسی به داده‌ها شامل کتابخانه، سازمان‌های پژوهشی مانند کتاب‌ها، تارنما‌های مرتبط با انتشارات آثار پژوهشی مانند جهاد دانشگاهی، پایگاه علوم انسانی و... بود. بعد از گردآوری اطلاعات، برای گزارش پژوهش از روش نگارش استفاده شد. برای پاسخ به این سؤال‌ها، دو منبع معتبر قابل استفاده است. اولی مشروح جلسات ۳۳ و ۳۴ که اصل ۸۳ قانون اساسی در آن مصوب شده است. دیگری افراد خبره و متخصصی که به شرح جدول (۲) می‌باشند. به این صورت که ایده‌های مستخرج در قالب هیبتی از جملات و بندهای جدید به همراه نقطه‌نظرات پژوهشگر بازنویسی شدند. برای نوشتن بندها از روش قیاسی استفاده شد. از آنجاکه واژگان کلیدی راهنمای پژوهش هستند از آنها در عنوان‌بندی و بخش‌بندی استفاده شد. این ساختاربندی به‌گونه‌ای تنظیم شد که مخاطب بتواند از سیر مباحث و مفهوم اصلی یعنی نفایس ملی و منحصر به فرد در ایران آگاهی پیدا کند.

جدول (۲): افراد مصاحبه شونده در این مطالعه

تعداد	خصوصیات	زمینه تخصصی
۶	مدیرانی که در دوره‌های مختلفی که سازمان یا وزارتخانه میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی فعالیت داشته است، در کمیته نفایس ملی حضور داشته‌اند یا نسبت به تصمیم‌های این کمیته نقش مؤثر داشته‌اند.	مدیرانی اثرگذار
۹	کارشناسانی که به‌واسطه انجام امور اجرایی در ادارات و سازمان‌های ذی‌ربط با مفهوم و نمونه‌های نفایس ملی درگیر بوده‌اند و موضوع را از زاویه	کارشناسان مطلع

تعداد	خصوصیات	زمینه تخصصی
	کاربردی می‌دانند. تجربه‌های این کارشناسان بیش از ۱۰ سال می‌باشد.	
۶	اساتید با درجه دکتری که در دانشگاه تدریس می‌کنند و در مورد مفاهیم میراث فرهنگی به کاررفته در جهان و کشور آشنایی کامل دارند. این اساتید نسبت به قوانین و مقررات موضوعه آشنایی کافی دارند و واژگان به کاررفته در متون حقوقی را می‌دانند.	اساتید دانشگاه

منبع: (نگارندگان)

از آن جهت که تعداد جامعه هدف بسیار محدود و موضوع بحث بسیار تخصصی است، روش نمونه‌گیری گلوله برفی در جهت اشباع نظری مدنظر قرار گرفت. در این روش، مصاحبه شونده‌ها با اظهار نظر در مورد مفهوم نفایس ملی، معیارهای شناسایی و نحوه مدیریت نفایس ملی در اختیار غیردولتی موجب گردآوری داده‌های اولیه برای کدگذاری خواهند شد. محقق در انتهای هر مصاحبه اقدام به کدگذاری‌های باز مبتنی بر متن مصاحبه می‌نماید. پس از انجام هر مصاحبه، کدهای باز به کدهای محوری و درنهایت کدهای گزینشی تبدیل شد تا پاسخ‌های مدنظر استخراج شود (خاکی، ۱۳۹۲). بعد از اتمام هر مصاحبه و کدگذاری‌های مرتبط، محقق بررسی می‌کند که آیا با توجه به کدهای به دست آمده، یافته‌های گزینشی به سطحی رسیده که دیگر نیاز به مصاحبه مجدد نباشد؟ در اینجا مفهوم اشباع نظری به معنای دستیابی به سطحی از پاسخ که دیگر ادامه دادن نمونه‌گیری تأثیری روی آن ندارد مطرح است (استراوس و کوربین، ۱۳۹۴). در صورتی که مصاحبه‌های انجام شده کفایت نکند و همچنان زوایای پاسخ‌ها به همگرایی نرسیده باشد، با برقراری تماس با نفر آخر از وی درخواست می‌شود که نفر دیگری که به موضوع نفایس ملی عالم است و دارای نظر نسبت به مفهوم و زوایای آن می‌باشد را معرفی کند و فرایند مصاحبه‌های تودرتو تا زمانی ادامه می‌یابد که اشباع نظری رخ دهد. در این مطالعه، پس از انجام ۱۶ مصاحبه، اشباع نظری مشاهده شد و از آن جهت که اطمینان از این اشباع نیاز به محک زدن داشت، بیش از ۲۰ درصد نمونه‌های گردآوری شده، به عنوان تعداد نمونه‌گیری تکمیلی مورد توجه قرار گرفت؛ لذا حداقل ۴ نمونه جدید برای اطمینان از پایان مطالعه در نظر گرفته شد و نمونه پنجم که دستیابی به مصاحبه ۲۱ را فراهم می‌آورد، انتهای فعالیت مصاحبه و کدگذاری همزمان تنظیم شد.

از آن جهت که طبق روش استراس و کوربین، متغیرهای مختلفی مثل علی، میانجی، زمینه‌ای و... معیار استخراج برای طراحی مدل در نظر گرفته شده است؛

ولی این پژوهش به دنبال پاسخ به سؤال‌های اصلی طرح شده است و متغیرهای هدایت‌کننده کدگذاری گزینشی را در نظر گرفته است. جدول زیر نقشه تکامل تا مصاحبه ششم را نشان می‌دهد.

جدول (۳): کدهای جدید و تکراری در فرایند انجام مصاحبه‌ها

سؤال‌ها/مصاحبه‌ها	مصاحبه اول		مصاحبه دوم		مصاحبه سوم		مصاحبه چهارم		مصاحبه پنجم		مصاحبه ششم	
	تأیید	رد	تأیید	رد	تأیید	رد	تأیید	رد	تأیید	رد	تأیید	رد
۱	۵	۰	۶	۱	۳	۲	۷	۳	۲	۱	۳	۲
۲	۴	۰	۸	۴	۱۱	۴	۸	۴	۲	۰	۶	۲
۳	۵	۰	۴	۰	۴	۱	۷	۳	۰	۰	۳	۱
۴	۶	۰	۳	۱	۶	۲	۹	۳	۰	۰	۷	۲

منبع: (نگارندگان)

۶. یافته‌ها

۶-۱. تحلیل جلسات مجلس شورای اسلامی

در جریان بحث و بررسی در مورد اصل ۸۳ قانون اساسی که با دو بار رأی‌گیری برای تصویب این اصل انجامید، موضوع‌های محوری مطرح شد که به شفافیت مفهوم نفیسه ملی، نفیسه ملی منحصر به فرد و موضوع‌های ضمنی مستتر در این مورد کمک می‌کند. جدول زیر خلاصه‌ای از موضوع‌ها و متون مباحث جلسه ۳۳ و ۳۴ برای تصویب این ماده از قانون اساسی است:

جدول (۴): تحلیل بحث‌های مجلس در زمان تصویب قانون اساسی جمهوری

اسلامی ایران

برداشت	تفسیر	مشروح مذاکره
تفاوت نفیسه ملی با نفیسه ملی منحصر به فرد	نفییس ملی بایستی در ایران نگه داشته شود. در برخی استثناها، در جای دیگری از دنیا معرف	شهید بهشتی: جامعه باید بکوشد تا نفییس ملیش را نگه دارد، اما به صورت استثنایی گاهی پیش می‌آید که یکی از نفییس ملی ما باید در گوشه‌ای از دنیا هم باشد تا معرف فرهنگ ما باشد.



موضوع مذاکره	تفسیر	برداشت
	فرهنگ ایران باشد.	
	این نفایس بایستی چند نمونه مشابه داشته باشند و نمونه منحصر به فرد نباشند تا بتوان به دیگر کشورها فرستاد.	
	شهید بهشتی: هیچ وقت چیزهای منحصر به فرد را در اختیار آنها (سایر کشورها و موزه‌ها) نمی‌گذارند. یکی از نفایس نمونه کوچک ملی ما چه بسا ده نمونه دیگرش هم در کشور هست و نمونه منحصر به فرد نیست.	
	علاقه گردشگران به دیدن نفایس ملی موجب کسب در آمد است.	کارکرد نفیسه ملی
	رئانی املشی: اگر ما این (نفایس) را به یک مملکت دیگر هم بفروشیم و از بین نمی‌رود، می‌رود در یک موزه و در بالایش می‌نویسند از مملکت ایران و در ازای فروش این ما می‌توانیم ده هزار جمعیت را خانه‌دار کنیم.	
	دانش راد: وجود این نفایس در کشور موجب جاذبه توریستی می‌شود و مردم را جلب می‌کند و از این راه علاوه بر افتخار، درآمدی برای مملکت است.	
	دکتر ضیائی: بناهای تاریخی در این اصل حذف شده و مشترکات عمومی که در پیش‌نویس بود آن‌هم نیست. شهید بهشتی: این چیزهایی است که در قانون عادی معین می‌شود.	
	رئانی شیرازی: اگر موافق باشید، بنویسیم ملی و باستانی.	لزوم تنظیم قوانین عادی در مورد سایر نفایس ملی (غیردولتی، عمومی، شخصی)
	شهید بهشتی: ما می‌خواهیم کلی بگیریم و باستانی استثناء است.	
	آقای فاتحی: ... راجع به اشیایی که در مالکیت شخص قرار دارد تصمیمی نگرفته‌اند و همچنین از حفظ آثار باستانی و حفاری تپه‌ها حرفی به میان نیامده.	
	شهید بهشتی: چیزهایی در قانون اساسی می‌آید که همیشگی و کلی است و باید زیربنای قانون‌گذاری آینده قرار گیرد.	
	آقای فاتحی: اشیایی که در مالکیت شخصی افراد مصوب کند و این سکوت به معنای بی‌اهمیتی آنها نیست.	
	شهید بهشتی: درباره آنها هم دولت قانون می‌گذارند.	
	کیاوش: برای اینکه غرض این اصل این است که یک چیز بماند و متجلی فرهنگ مملکت باشد. گاهی	اهمیت تجلی فرهنگ در

رابطه با اجتماع فرهنگی

مشروح مذاکره	تفسیر	برداشت
ممکن است شیئی باشد که تجلی دهنده هیچ چیزی از کشور نباشد و منحصر به فرد هم باشد و ضرورتی نداشته باشد. شهید بهشتی: آن وقت دیگر جزو نفایس ملی نیست.		نفیسه ملی
شهید بهشتی: ... پس باید یک ارزش فرهنگی برای کشور داشته باشد.	دارای ارزش فرهنگی برای کشور باشد	

منبع: (نگارندگان)

هر چند در اصل ۸۳ قانون اساسی مصداق‌ها و تعاریف مشخصی از نفیسه ملی بودن درج نشده است، با بررسی نظرات نمایندگان مشخص است که نفیسه ملی بایستی دارای جلوه برجسته‌ای از فرهنگ باشد و تکیه صرف به تاریخ اثر، منحصر به فرد بودن یا ساخت و سازه اثر کفایت نمی‌کند؛ بنابراین نفیسه ملی، اثری است که بایستی تجلی از فرهنگ باشد. همچنین تفاوت منحصر به فرد بودن یا نبودن آن به وجود نمونه‌های مشابه در کنار منحصر به فردی آن است. نفایس ملی بایستی در ایران نگهداری شوند و در مواردی خاص که منحصر به فرد نیستند و نمونه‌های مشابه آنها وجود دارد، با نظر مجلس شورای اسلامی برای نمایش فرهنگ ایرانی امکان انتقال آن به سایر کشورها وجود دارد.

جدول (۵): کدگذاری مفاهیم استخراجی از نظرات خبرگان میراث فرهنگی

مفهوم	نقل قول
جاذبه توریستی	وجود این نفایس در کشور موجب جاذبه توریستی می‌شود و مردم را جلب می‌کند
درآمدزایی ملی	و از این راه علاوه بر افتخار، درآمدی برای مملکت است
حفظ نفایس ملی	جامعه باید بکوشد تا نفایس ملیش را نگه دارد،
قانون‌گرایی	به قانون‌گرایی در حفظ نفایس ملی اهتمام باید داشت
ارزش‌گذاری فرهنگی	پس باید یک ارزش فرهنگی برای کشور داشته باشد.
میراث فرهنگی	برای اینکه غرض این اصل این است که یک چیز بماند و متجلی فرهنگ مملکت باشد.

۲-۶. پاسخ سؤال اول پژوهش: نفایس ملی و منحصر به فرد چه هستند؟

پس از گردآوری کدهای باز و تلفیق آنها در قالب کدهای محوری و گزینشی

مشخص شد که نفایس ملی شامل میراث فرهنگی است که در مهم‌ترین رکن تجلی فرهنگ و هنر کشور باشد. لذا، در آن یکی یا تعدادی از عوامل فرهنگی شامل دانش بومی، باورهای برجسته مذهبی، باستانی و ملی، هنرهای بومی و خاص، فنون خاص، آداب و سنن رایج یا منسوخ شده، سیاست‌ها و پویش‌های ارزشی و فرهنگی، داستان‌های تاریخی و باستانی، خاطرات جمعی مستتر باشد.

زمانی که ارزش مستتر در نفیسه به فرهنگ و هنر ملی مرتبط باشد و عملاً خاطره، داستان، هنر، فن، باور، ارزش و پویش مرتبط با ملت ایران در آن حلول کرده باشد و در نمونه‌های مشابه خود برجسته و متمایز باشد، نفیسه ملی است. وقتی از یک نفیسه ملی چند نمونه وجود داشته باشد و آن نمونه منحصربه‌فرد و خاص به حساب نیاید، نفیسه ملی منحصربه‌فرد شناخته نمی‌شود؛ اما نفیسه ملی که فقط همان یک مورد از آن موجود باشد و یا به دلیل ابداعات در فرایند ساخت تا بهره‌برداری، داستان تاریخی منصوبه، ارزش هنری مربوطه، نمونه برجسته و متفاوتی به حساب آید، نفیسه ملی منحصربه‌فرد خواهد بود. البته بهترین راه برای شناسایی نفایس ملی و منحصربه‌فرد نسبت به سایر آثار، قرار دادن مصادیق^۱ در کنار این تعریف است.

۳-۶. پاسخ سؤال دوم پژوهش: معیارهای شناسایی نفایس ملی کدام‌اند؟

طبق نظرات گردآوری شده، بناهای دارای ارزش تاریخی - فرهنگی که قابل شناسایی به‌عنوان نفایس ملی هستند را می‌توان بر مبنای پنج مؤلفه «اصیل بودن، بدیع بودن، گران‌بها بودن، منحصربه‌فرد بودن و دارای خصایص اعتباری بودن»، شناسایی کرد.

جدول (۲): مؤلفه‌ها برای شناسایی نفایس

معیار	زیر معیار	شرح
محتوایی - فرایندی	بدیع بودن	بناهایی بدیع هستند که از نظر طرح و سازه نوآوری داشته باشند و خالق اثر در آن ابداعاتی ایجاد کرده باشد؛ بنابراین اگر این اثر به شکلی نخستین یا برجسته‌ترین نوع معماری در سبک و سیاق خود باشد می‌توان آن را نفیسه ملی دانست.

۱. مشابه معیارهایی کلی ثبت آثار تاریخی و فرهنگی غیرمنقول که مصوب شورای ملی ثبت آثار در تاریخ ۱۳۹۹/۱۲/۱۲ است و پس از معرفی معیارها برای شفاف‌سازی هر کدام، مصداق‌هایی ارائه نمود؛ به‌طورمثال مسجد جامع خرمشهر را مصداق دو معیار آثاری از معماری و شهرسازی دارای شأن ملی و اماکنی که بر اساس مستندات مورد تأیید شورای ملی ثبت آثار مکان رخداد مهم سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... بوده است.

معیار	زیر معیار	شرح
	اصیل بودن	آثاری که به واسطه اینکه به یک اقلیم خاص فرهنگی - جغرافیایی تعلق داشته باشند منحصر به فرد به حساب می‌آیند و می‌توان آنها را نفیسه ملی دانست.
ارزشی	گران بها	ممکن است که اثری اصیل و بدیع نباشند، ولی دارای نوعی از مهارت‌ها باشد که گران بها شناخته شود؛ مثلاً داشتن تزئینات، نقاشی، مقرنس کاری و برش روی چوب که به این اثر ارزش گران بهایی دهد. این آثار نفایس ملی خواهند بود.
تاریخی	منحصر به فرد ملی	بناهایی که جزء فرهنگ ملی ما هستند و یک واقعه خاص به آنها مربوط می‌شود (مثل خانه مشروطه در تبریز)؛ بنابراین، ارتباط این واقعه به این بنا موجب می‌شود تا ارزش نفایس ملی را پیدا کند.
	دارای خصایص اعتباری	مرتبط شدن یک اثر به پیش از دوره یا اتفاقی خاص، خصیصه اعتباری به آن می‌دهد؛ به طور مثال، تمام آثار پیش از دوره حمله مغول نفیس و غیر قابل واگذاری محسوب می‌شوند و دارای خصایص اعتباری هستند و می‌توان از آن به نفایس ملی یاد کرد.

منبع: (نگارندگان)

بنابراین سه مؤلفه اصلی محتوایی - فرایندی، تاریخی و ارزشی را می‌توان معیاری برای شناسایی نفایس ملی دانست: از نظر محتوایی - فرایندی، دارای ابداع در سبک و سیاق باشد که بتوان آن را نخستین بدعت در نوع خود دانست یا به واسطه هم‌خوانی با اقلیم خاص فرهنگی - جغرافیایی کشور دارای اصالت و متمایز شناخته شود. از نظر تاریخی، اشاره داشتن به یک واقعه تاریخی خاص یا دارای ارزش فرهنگی که در تاریخ ایران یا جهان ثبت شده و دارای روایت معتبر است. از نظر ارزشی، با بهره‌گیری از مهارت‌های بالا و داشتن ظرافت‌های هنری، گران بها شناخته شود، هر چند که از نظر محتوا و فرایند بدعتی جدیدی ایجاد نکرده باشد.^۱

۱. مصداق‌های مورد نیاز در این بخش را می‌توان بر مبنای معیارهای ثبت آثار تاریخی و فرهنگی غیرمنقول ابلاغ شده توسط وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در تاریخ ۱۳۹۹/۱۲/۱۲ در نظر گرفت و با توجه به نمونه‌های جدیدی که به فهرست نفایس ملی افزوده می‌شود، به‌روز نمود. انجام این کار بر عهده کمیته نفایس ملی است و هر سال یکبار این مصداق به‌روز خواهد شد.

۴-۶. پاسخ سؤال سوم پژوهش: مرجع تصویب نفیسه ملی و منحصر به فرد چیست؟

لازم است کمیته‌ای مستقل با عنوان «کمیته نفایس ملی» فعال شود که دارای ماهیت فرادستگاهی^۱ باشد. این کمیته با ریاست رئیس جمهور و دبیری وزارتخانه میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در محل وزارتخانه میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی تشکیل می‌شود که با عضویت وزیران کشور، فرهنگ و ارشاد اسلامی، راه و شهرسازی، دادگستری، امور خارجه، امور اقتصاد و دارایی و رؤسای سازمان اوقاف و امور خیریه، بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی، سازمان برنامه و بودجه^۲ هم همراه است. به همراه حضور ناظر سه عضو از کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی. همچنین، هشت کارشناس حقیقی خبره که به تأیید و ابلاغ رئیس جمهور خواهند رسید. این خبرگان شامل دو کارشناس رسمی دادگستری به پیشنهاد وزیر دادگستری، دو کارشناس میراث فرهنگی به همراه دو کارشناس باستان‌شناسی و دو کارشناس تاریخ به پیشنهاد وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و دو کارشناس معماری به پیشنهاد وزیر راه و شهرسازی به این کمیته افزوده می‌شود که نظر مشاوره‌ای ارائه می‌کنند. اعضای حقیقی خبره نایستی در بازه زمانی چهار سال قبل از عضویت در این کمیته، فعالیتی مرتبط با ساخت‌وساز یا خرید و فروش صنایع فرهنگی داشته باشند، تا تضاد منافع در تصمیم‌گیری‌ها و نظرات آنها رخ ندهد. بررسی صحت این شرط به دبیرخانه دایر شده در وزارتخانه میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی واگذار می‌گردد. این دبیرخانه موظف است پس از تأیید اولیه، فعالیت‌های اعضای خبره در زمان عضویت را زیر نظر داشته باشد و در صورت مشاهده هر گونه تضاد منافع، به کمیته نفایس گزارش مستند ارائه دهد. تصمیم‌گیری در مورد عزل اعضای حقیقی خبره، به اولین جلسه کمیته نفایس ملی موکول خواهد شد.

وزارتخانه میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی مکلف است شش ماه پس از تشکیل کمیته، گزارشی از کلیه نفایس ملی و نفایس ملی منحصر به فرد احتمالی که در اختیار دولت و غیردولت است تهیه کند و در اختیار کمیته قرار دهد. این

۱. تشکیل کمیته در راستای صیانت از نفایس ملی به‌عنوان یکی از ثروت‌های عمومی (موضوع اصل ۴۵ قانون اساسی) باید به‌صورت بین‌دستگاهی انجام شود.

۲. به‌جهت دسترسی به منابع و ظرفیت میراثی که در اختیار دارند.

فهرست به صورت ۶ ماه یکبار توسط وزارتخانه به روزرسانی خواهد شد و در اختیار کمیته قرار خواهد گرفت.

کمیته نفایس ملی وظیفه دارد تا در مورد نفیسه ملی بودن و نفیسه ملی منحصر بودن بناها و اموال دولتی و غیردولتی اظهار نظر کند و به عنوان مرجع اصلی فهرست نهایی نفایس ملی را اعلام و پس از تصویب در اختیار مجلس شورای اسلامی^۱ و رسانه‌ها قرار دهد؛ بنابراین مجلس شورای اسلامی مبتنی بر اصل ۸۳ قانون اساسی در مورد انتقال نفایس ملی اظهار نقش تصمیم‌گیرنده خواهد داشت و در امور اجرایی نیز دخالت نمی‌کند.

حمایت از نفایس ملی و منحصربه‌فرد در کنار حمایت از مالکان غیردولتی آنهاست. طبق این قانون، دولت بایستی با سازوکاری مشخص^۲ در جهت تملک یا حمایت از نفایس ملی در اختیار مالکان غیردولتی اقدام‌های لازم را انجام دهد؛^۳ لذا ثبت نفایس شناسایی شده توسط کمیته نفایس ملی در فهرست مربوطه به ثبت آثار ملی اجباری است و تمامی قوانین و مقررات مربوطه به این فهرست در مورد آنها نیز صادق است. برای حمایت از حقوق مالکین خصوصی که بهره‌برداری از دارایی آنها به واسطه این قانون با مشکل مواجه می‌شود^۴ صندوقی با عنوان «صندوق انتقال حق توسعه میراث فرهنگی» تشکیل خواهد شد. این صندوق بر مبنای دریافت بخشی از ارزش افزوده‌ای که بناها، اموال منقول و غیرمنقول خارج فهرست و مرتبط با نفایس ملی برای مالکان آنها ایجاد کرده است، تأمین سرمایه می‌شود.^۵ این صندوق مکلف است هر ساله برنامه حمایتی خود از فهرست نفایس ملی با مشخص‌سازی نفایس ملی دارای اولویت برای تملک و نفایس ملی دارای اولویت برای کمک‌های مالی، مرمتی و کارشناسی را در اختیار کمیته نفایس ملی قرار دهد. کمیته نفایس ملی

۱. این تحویل گزارش مطابق اصل ۸۳ قانون اساسی و برای تصویب توسط مجلس شورای اسلامی بر انتقال نفایس و ممانعت از انتقال نفایس منحصر به فرد می‌باشد.
۲. تملک نفایس ملی منحصربه‌فرد در اولویت قرار خواهد گرفت.
۳. تعیین این اولویت به کمیته نفایس ملی واگذار می‌شود.
۴. با عنوان حق عدم انتفاع از منافع که به دلیل محدود شدن مالکین این اموال به فروش یا تخریب می‌توان تعریف کرد.
۵. مشابه برنامه‌های انتقال حق توسعه در شهر یا TDR که در آن حفاظت از یک زمین یا باغ برای مالک آن حقی ایجاد می‌کند که قابل انتقال به افرادی است که اقدام به ساخت‌وساز می‌کنند. این حق موجب می‌شود که حفاظت از این زمین یا باغ و عدم ساخت‌وساز در آن به‌صرفه باشد؛ بنابراین مالکین نفایس ملی که نمی‌توانند از فروش یا بهره‌برداری از منافع اموال خود منتفع بشوند و اموال آنها در فهرست اولویت خرید دولت قرار ندارد، از این طریق منتفع می‌شوند.

مصوب‌کننده اولویت‌های سالانه صندوق خواهد بود و در انتهای هر سال صحت فعالیت‌های این صندوق را با تطابق با اولویت‌های مصوب شده بررسی می‌نماید.

نتیجه‌گیری

مبتنی بر این گزارش مشخص است که اصل ۸۳ قانون اساسی بدون تعریف، توسعه و تفسیر باقی مانده است. از آن جهت که مسکوت ماندن در این زمینه، موجب فساد و آسیب‌های جبران‌ناپذیر عمومی است، این پژوهش به دنبال برطرف کردن این ابهام است. این مطالعه نشان داد که نفایس ملی دارای رکن اصلی فرهنگ و هنر کشور ایران است که در آن عوامل فرهنگی مثل دانش بومی، باورهای برجسته مذهبی، باستانی و ملی، هنرهای بومی و خاص، فنون خاص، آداب و سنن رایج یا منسوخ شده، سیاست‌ها و پویش‌های ارزشی و فرهنگی، داستان‌های تاریخی و باستانی، خاطرات جمعی مستتر باشد. ممیزه‌ای که نفیسه ملی را از نفیسه ملی منحصره‌فرد متفاوت می‌کند، موضوع برجسته بودن، متفاوت بودن از سایر نمونه‌ها و وجود یک نمونه از نفیسه ملی می‌باشد. برای شناسایی نفایس ملی سه معیار محتوایی - فرایندی (بدیع بودن، اصیل بودن)، ارزشی و تاریخی (منحصره‌فرد ملی و دارای خصایص اعتباری) قابل طرح است. از نظر محتوایی - فرایندی، انتظار می‌رود ابداع و سیاقی مشاهده شود که نخستین بدعت در نوع خود باشد یا به واسطه همخوانی با اقلیم، اصالت و متمایز شناخته شود. از نظر تاریخی، اشاره به موضعی تاریخی که خاص است یا به واسطه داشتن روایتی معتبر، ارزشمند تاریخی شناخته شود. از نظر ارزشی، به واسطه استفاده از مهارت‌ها و ظرافت‌های هنری بتوان آن اثر را گران‌قیمت و ارزشی دانست.

آنچه مسلم است، نفایس ملی نیازمند مصادیقی دارند که در کنار این مؤلفه‌ها امکان شناسایی و تمیز دادن نمونه‌های دیگر را ممکن نماید؛ بنابراین، تکیه به روش تجربی و توجه به ثبت‌های جهانی در شناسایی مصادیق مؤثر خواهد بود.

یکی از یافته‌های ویژه در روش مصاحبه دستیابی به سؤال‌ها و مسائلی است که پیش از انجام پژوهش نسبت به آن اطلاع کافی وجود ندارد. در این پژوهش مشخص شد که قانون آیین‌نامه مجلس شورای اسلامی دارای مشکل است. بند ۳ از ماده ۱۷۹ قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی به موضوع فروش نفایس ملی اشاره دارد، در حالی که در اصل ۸۳ به واژه انتقال که مفهومی وسیع‌تر است مشاهده می‌گردد.

در پاسخ به سؤال چهارم پژوهش «چه سازوکاری برای مدیریت نفایس ملی در

اختيار غيردولت می‌توان در نظر گرفت؟» موارد زیر قابل تأمل است.

به‌منظور اجرای هدفمند اصل ۸۳ قانون اساسی پیشنهاد می‌شود بند ۳ از ماده ۱۷۹ قانون آیین‌نامه مجلس شورای اسلامی اصلاح شود تا مجلس شورای اسلامی در مورد تصمیماتش در باب نفایس ملی اختیار عمل بیشتری داشته باشد. بند اصلاح شده به این شرح می‌باشد: انتقال بناها، اموال دولتی و نفایس ملی (بر مبنای گزارش کارشناسی کمیته نفایس ملی و صرفاً در مورد نفایس ملی غیرمنحصربه‌فرد) انجام می‌شود.

از آن جهت که بخش مهمی از نفایس ملی در اختیار غیردولت است و در مورد آن هیچ قانون و مقرراتی طرح نشده است، پیشنهاد می‌شود تا با شکل‌گیری صندوقی حمایتی با عنوان «صندوق انتقال حق توسعه میراث فرهنگی» و شمول اصل ۸۳ قانون اساسی به این اموال، امکان ثبت و حمایت از آنها فراهم شود.

همچنین کمیته‌ای فرادستگاهی با عنوان کمیته نفایس ملی لازم به تشکیل است که با عضویت وزارتخانه‌های ذی‌ربط، سازمان‌های مرتبط و خبرگان و نظارت مجلس شورای اسلامی فعالیت نماید. اعضای حقیقی خبره نبایستی فعالیتی مرتبط با ساخت‌وساز یا خرید و فروش صنایع فرهنگی داشته باشند، تا تضاد منافع در تصمیم‌گیری‌ها و نظرات آنها رخ ندهد. این کمیته به‌عنوان مرجع اصلی تصمیم‌گیرنده در مورد تشخیص نفایس ملی مشغول به کار می‌شود و مجلس شورای اسلامی مرجع تصمیم‌گیرنده در مورد واگذاری این نفایس می‌باشد.

فهرست منابع

- استراوس، آنسلم و کوربین، جولیت (۱۳۹۴). *مبانی پژوهش کیفی؛ فنون و زمینه تولید نظریه زمینه‌ای*. تهران: نشر نی.
- حراملی، محمدحسن (بی‌تا). *وسائل الشیعه*. بی‌جا: بی‌نا.
- حمزه‌ای، عقیل و حسنی باقری، مهدی (۱۳۹۵). *بررسی قوانین مربوط به حفظ میراث فرهنگی کشور ایران با توجه به میراث جهانی*. *همایش ملی جایگاه داورى در حل اختلافات*. شوشتر: پایگاه اطلاع‌رسانی سیوبلیکا.
- حیدری، فروغ و جلالی، محمد (۱۴۰۰). *حفاظت از میراث فرهنگی غیرمنقول از منظر اصول و نهادهای مؤثر؛ مطالعه تطبیقی حقوق ایران و انگلیس*. *پژوهش‌های نوین حقوق اداری*، (۷)، ۱۶۳-۲۲۶.
- خاکی، غلامرضا (۱۳۹۲). *روش تحقیق‌گراند تئوری در مدیریت*. تهران: انتشارات فوژان.



دبیری، فرهاد؛ لقایی، حسنعلی و شیرازیان، شیرین (۱۳۹۳). بررسی کنوانسیون حمایت از میراث طبیعی و فرهنگی (۱۹۷۲) و انتخاب چند نمونه از آثار طبیعی ملی ایران و تطبیق با معیارهای کنوانسیون مذکور جهت ثبت در فهرست میراث جهانی. علوم و تکنولوژی محیط زیست، (۱۶)، ۳۴-۵۶.

زرندیان، ندا (۱۴۰۱). ارزیابی قوانین برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در حوزه‌های میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.

زنده‌گل، رضا (۱۳۹۷). مجموعه قوانین و مقررات میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری. تهران: چتر دانش.

شفیعا، سعید و طلایی شکری، شهاب (تدوین) (۱۴۰۰). آسیب‌شناسی جایگاه دیوان عدالت اداری در خروج آثار تاریخی و فرهنگی از فهرست آثار ملی ثبت شده. تهران: مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهش‌های مجلس.

شورای نگهبان (۱۳۹۷). سلسله جلسات بازخوانی مشروح مذاکرات مجلس؛ بررسی نهایی قانون اساسی سال ۱۳۵۸. تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.

عباسی، بیژن (۱۳۹۹). حقوق و تکالیف مالکان خصوصی آثار ثبت شده در فهرست آثار ملی. فصلنامه پژوهش‌های نوین حقوق اداری، (۴)، ۱۱-۳۸.

فتحی، محمد و دیگران (۱۳۹۷). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به همراه نظرات تفسیری شورای نگهبان. تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.

کرمی، حامد و خیرخواه، سمیه (۱۳۹۹). مفهوم‌شناسی و تاریخچه آثار ملی در حقوق ایران. پژوهش‌های حقوقی میان‌رشته‌ای، (۳)، ۱-۱۵.

مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۴). صورت‌جلسه مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.

مجلسی، سیدمحمدباقر (بی‌تا). بحارالانوار. بی‌جا: بی‌نا.

منصوری، سید امیر و شفیعا، سعید (۱۳۹۸). آشنایی با منظر (گردشگری منظر). تهران: مه‌کامه.

مهراندیش، محمدرضا (۱۳۸۷). مفاهیم و ارزش‌های جهانی میراث فرهنگی ایران. فصلنامه پیام باستان‌شناس، (۹)، ۳۵-۴۴.

References

- Abbasi, b. (2019). Rights and duties of private owners of works registered in the list of national works. *New Administrative Law Research Quarterly*, (4), 11-38.
- Dabiri, Farhad, Laqaee, Hassan Ali & Shirazian, Shirin (2013). Examining the Convention for the Protection of Natural and Cultural Heritage (1972) and selecting some examples of Iran's national natural monuments and adapting them to the criteria of the mentioned Convention to be registered in the World Heritage List. *Environmental Science and Technology*, (16), 34-56.
- Fathi, M. & Kohi Esfahani, K. (2017). The Constitution of the Islamic Republic of Iran along with the explanatory comments of the Guardian Council. Tehran: Guardian Council Research Institute.
- Guardian Council (2017). A series of detailed review sessions of the parliament's deliberations: Final Review of the Constitution of 1358. Tehran: Guardian Council Research Institute.
- Hamzai, A. & Hosni Bagheri, M. (2015). Examining the laws related to preserving the cultural heritage of Iran according to the world heritage. National conference on the role of arbitration in dispute resolution (12-24). Shushtar: Civilica information base.
- Heydari, F.; Jalali, M. & Black, J. (2020). Protection of immovable cultural heritage from the perspective of effective principles and institutions: A comparative study of Iranian and English law. *New researches of administrative law*, number seven, 163-226.
- Kerami, H. & Khairkhan, S. (2019). Conceptology and history of national works in Iranian law. *Interdisciplinary legal research*, number three, 1-15.
- Khaki, G. (2012). Ground theory research method in management. Tehran: Fuian Publications.
- Majlis, M. P. (2020). Pathology of the position of the Court of Administrative Justice in removing historical and cultural monuments from the list of registered national monuments. Tehran: Majlis Research Center.
- Mansouri & Shafia (2018). Getting to know Manzar (landscape tourism). Tehran: Mahkame.
- Mehrandish, M. R. (2007). Concepts and global values of Iran's cultural heritage. *The Quarterly Journal of Archeologist's Message*, (9), 35-44.
- Parliament (2014). Minutes of the deliberations of the Parliament of the final review of the Constitution of the Islamic Republic of Iran. Tehran: Department of Cultural Affairs and Public Relations of the Islamic Council.
- Strauss, A. & Corbin, J. (2014). Basics of qualitative research; Techniques and field of production of grounded theory. Tehran.
- Zarandian, N. (2021). Evaluation of economic, social and cultural development program rules in the fields of cultural heritage, tourism and handicrafts. Tehran: Mailis Research Center.
- Zinde Gol, R. (2017). The set of rules and regulations of cultural heritage, handicrafts and tourism. Tehran: Chater Danesh.

فرا تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی: پژوهش‌های بازه زمانی ۱۴۰۰-۱۳۹۰

اکبر ذوالفقاری

استادیار علوم سیاسی - توسعه، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
akbarzolfaghari@pnu.ac.ir

آزاده قیومی

کارشناس ارشد، گروه برنامه‌ریزی درسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
azadehghayumi1398@gmail.com

چکیده

سلامت اجتماعی، مفهومی چندبُعدی شامل سلامت اجتماع، سلامت جسم و سلامت روان است که متأثر از عوامل گوناگونی از جمله سرمایه اجتماعی است؛ بنابراین، هدف پژوهش حاضر فراتحلیل رابطه بین سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی، جهت برآورد اندازه اثر سرمایه اجتماعی بر سلامت اجتماعی است. جامعه آماری پژوهش، پژوهش‌های انجام‌شده در بازه زمانی ۱۳۹۰-۱۴۰۰ با موضوع سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی است. ۱۲ پژوهش که دارای ویژگی‌های مناسب برای ورود به فراتحلیل بودند، با نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. به‌منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات، ویرایش دوم نرم‌افزار جامع فراتحلیل مورد استفاده قرار گرفته است. با توجه به ناهمگونی مطالعات، از مدل اثرات تصادفی برای ترکیب نتایج و رسیدن به اندازه اثر استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد اندازه اثر برآورد شده ۰,۴۹۷ و معادل سطح متوسط رو به بالا در نظام تفسیر کوهن در محدوده اطمینان است. نظر به ناهمگونی مطالعات؛ متغیرهای «واحد تحلیل، محدوده جغرافیایی و زمان انجام مطالعات» به‌عنوان متغیرهای تعدیل‌گر وارد تحلیل شدند. نتایج نشان داد اندازه اثر مدل در سطح خرد قوی‌تر از سطح کلان است و تأثیرپذیری سلامت اجتماعی از سرمایه اجتماعی در شمال کشور بیشتر از سایر مناطق بوده و تأثیر سرمایه اجتماعی بر سلامت اجتماعی در طول زمان بیشتر شده است. بهره‌مندی از پارامترهای اساسی سرمایه اجتماعی و تقویت متغیرهای آن شامل اعتماد اجتماعی، تعهد اجتماعی، مسئولیت اجتماعی و... از پیش‌شرط‌های اساسی در سلامت اجتماعی افراد و توسعه همه‌جانبه و پایدار جوامع است.

کلیدواژه‌ها: سرمایه اجتماعی، سلامت اجتماعی، فراتحلیل، اندازه اثر، متغیر تعدیل‌کننده.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۲ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۱/۱۰/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۲
فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال ۱۲، شماره ۲، پیاپی ۴۷، تابستان ۱۴۰۲، صص ۴۲۳-۴۵۴

۱. این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی دانشگاه پیام نور است که به‌وسیله دانشجوی آزاد قیومی و با راهنمایی دکتر اکبر ذوالفقاری در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ نگارش شده است.

مقدمه و بیان مسئله

سلامت؛ از متغیرهایی است که همواره در تعیین سطح توسعه مدنظر بوده و نقش مهمی در ارزیابی پویایی و کارآمدی منابع انسانی بازی کرده است. به گونه‌ای که آن را محور توسعه اقتصادی - اجتماعی معرفی کرده‌اند. بدین صورت که اگر هدف تمام سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی، رفاه باشد، کلید بهبود رفاه، امید به زندگی مناسب و سالم است و هیچ‌یک از اینها بدون سلامت ممکن نیست. بدین لحاظ، توسعه بدون سلامتی قابل درک نیست (هزارجریبی و مهری، ۱۳۹۱، ص. ۴۳). سلامت، پدیده‌ای چندبُعدی، در زمره حقوق اولیه بشر و شرط لازم برای ایفای نقش‌های اجتماعی است. فعالیت روزمره انسان‌ها در گروه سلامتی بشر و سلامتی اجتماع‌های بشری است. در چنین شرایطی؛ سلامت در ردیف ارزش‌های اجتماعی قرار می‌گیرد و متغیرهای منحصراً زیستی برای ارائه تعریف جامع از سلامت کفایت نمی‌کند. به عبارتی، توجه صرف به ابعاد زیستی و جسمانی در سلامت، ساده‌اندیشی است. برخورداری از سلامت و سلامتی از محورهای اساسی و مهم ارزیابی سلامت جوامع مختلف است که در تضمین پویایی و کارآمدی جامعه نقش مهمی دارد و تابع عوامل مختلف اجتماعی، فرهنگی، و... است. اگر جامعه سالم نباشد، شهروندان سالم نخواهد داشت. بدون توجه به سلامت اجتماعی، با توجه صرف به سلامت جسمی و روانی؛ نمی‌تواند راهگشا باشد (راد؛ محمدزاده و محمدزاده، ۱۳۹۵، ص. ۱۳۸). توجه به سلامت اجتماعی، نشاط اجتماعی را تقویت می‌کند؛ وفاق، تعامل و همبستگی اجتماعی را غنا می‌بخشد؛ رضایت اجتماعی را گسترش می‌دهد، مسئولیت‌پذیری، مشارکت و کارآمدی را اهمیت می‌بخشد؛ آسیب‌های اجتماعی را می‌کند؛ هزینه‌ها را کاهش می‌دهد و در نهایت تقویت هویت فرهنگی را به همراه دارد. به تعبیری؛ اهمیت دادن به سلامت اجتماعی؛ به شهروندان کمک می‌کند، جامعه سالمی داشته باشند. هر گاه از سلامت اجتماعی صحبت می‌شود، بیشتر به ابعاد جسمانی و مادی پرداخته شده و ابعاد اجتماعی و روانی آن مغفول مانده است. بدین سبب؛ سازمان بهداشت جهانی (Larson, 1996)، سلامت را به معنای رفاه کامل جسمی، روانی و اجتماعی تعریف و تصریح کرده است. سلامت تنها به معنای نبود بیماری یا معلولیت نیست. از نظر این سازمان، سلامت بیش از آنکه مفهوم فقدان بیماری داشته باشد،

مفهوم مثبت دارد. در این معنا؛ افراد هم در شرایط فیزیکی و هم در شرایط روانی و اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرند. این تعریف؛ نقطه آغاز مناسبی برای تفکر و اندیشیدن درباره اجزاء و عناصر ارتقاء سلامت است؛ بنابراین، سلامت ضمن توجه به ظرفیت‌های جسمی، به ظرفیت‌های اجتماعی و روانی هم توجه دارد (یحیی‌زاده و رضانی، ۱۳۹۳، ص. ۷۳). نبود فقر، فقدان خشونت، رشد کنترل‌شده جمعیت، عدالت قضائی (برابری در پیشگاه قانون)، حقوق بشر، آموزش همگانی رایگان، دسترسی همگانی به خدمات سلامت، امنیت، آزادی عقیده، احساس رضایت از زندگی، پوشش بیمه، توزیع عادلانه درآمد، اشتغال و فقدان بیکاری، عدم تبعیض قومی - نژادی و منطقه‌ای، مردم‌سالاری، مشروعیت دولت و نظارت مردم‌سالارانه بر حکومت از شاخصه‌ها و ابعاد سلامت اجتماعی به‌شمار می‌رود (توکل، ۱۳۹۳). اخلاق اجتماعی، عرف اجتماعی، آموزه‌های اخلاقی، اخلاق عملی، ادغام اجتماعی، پذیرش اجتماعی، مشارکت اجتماعی، شکوفایی اجتماعی، انسجام اجتماعی، قلمروهای ارتباطی، مهارت‌های زندگی و اجتماعی شدن نیز از دیگر مفاهیم مرتبط با سلامت اجتماعی محسوب می‌شوند (توکل، ۱۳۹۳). پنج مؤلفه اصلی سلامت اجتماعی شامل ادغام اجتماعی، پذیرش اجتماعی، مشارکت اجتماعی، شکوفایی اجتماعی و انسجام اجتماعی است (سخایی، ۱۳۹۷)، که در اکثریت پژوهش‌ها در ایران استفاده شده است. امینی رارانی؛ موسوی و رفیعی (۱۳۹۰)، معرف‌های هفت‌گانه سلامت اجتماعی در ایران را به شرح ذیل اعلام کرده‌اند:

- ۱- کسی که زیر خط فقر نباشد،
- ۲- خشونت در جامعه وجود نداشته باشد،
- ۳- رشد جمعیت کنترل شده باشد،
- ۴- آموزش تا پایان دوره راهنمایی اجباری و رایگان و سپس رایگان باشد،
- ۵- توزیع درآمدها عادلانه باشد،
- ۶- همه مردم تحت پوشش بیمه باشند،
- ۷- بیکاری وجود نداشته باشد.

در هر صورت؛ سلامت اجتماعی، بخشی از سلامت فرد است که در اجتماع نمایان می‌شود و زمانی فرد، سلامت اجتماعی دارد که بتواند نقش‌های خود در جامعه را به‌خوبی انجام دهد و با جامعه و هنجارهای اجتماعی، پیوند برقرار کند. سلامت اجتماعی را رفاه اجتماعی در روابط اجتماعی خانواده، اجتماع و ملت است.

برزونسکی^۱، تأکید کرده است افراد کم‌تعهد از سلامت اجتماعی پایینی برخوردارند؛ زیرا دیدگاه واضح و ثابتی درباره خودشان ندارند و اجتماع را مجموعه‌ای پُره‌رج‌ومرج، غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل مدیریت می‌دانند. بدین ترتیب، بُعد اجتماعی سلامت؛ مهارت، عملکرد و توانمندی‌های اجتماعی فرد را دربرمی‌گیرد. از منظر سلامت اجتماعی، هر فرد عضوی از خانواده و یک جامعه است و ضرورت دارد بر شرایط اقتصادی، اجتماعی و رفاهی او توجه و نظارت شود. سلامت اجتماعی ریشه در محیط زیست مادی و انسانی دارد و مخصوص شبکه اجتماعی معین است (پارک، ۱۳۹۰، ص. ۳۸؛ یحیی‌زاده و رضانی، ۱۳۹۳، صص. ۷۴-۷۵). سلامت اجتماعی درحقیقت، رابطه شبکه ارتباطات اجتماعی و تعادل فرد و محیط را تبیین می‌کند و ضمن اینکه، در زندگی شهروندان، نقش تعیین‌کننده‌ای دارد، خود نیز تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله سرمایه اجتماعی و موضوع پژوهش حاضر است. آثار سرمایه اجتماعی بر سلامت اجتماعی در مطالعات متعددی بررسی شده است (Campbell; Wood & Kelly, 1999; Ferlander, 2007; Pope, 2003) و امینی‌ارانی و دیگران، (۱۳۹۰). سرمایه اجتماعی و نقش آن در سلامت از قرن نوزدهم مورد توجه قرار گرفته است. دورکیم نشان داد میزان خودکشی در جوامع با انسجام پایین اجتماعی، بیشتر و در جوامع به هم پیوسته، کمتر است؛ بنابراین، سرمایه اجتماعی در پژوهش‌های سلامت اجتماعی، مفهومی کلیدی است. به همین دلیل در سال‌های اخیر درباره رابطه سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی؛ مطالعات متعددی اجرا شده؛ اما پراکندگی و گستردگی این مطالعات؛ نتایج متفاوتی را در پی داشته است و ضرورت اجرای یک مطالعه فراتحلیل را نمایان می‌سازد. فراتحلیل؛ گزارش‌های متنوع پژوهشی، نوشته‌های بلا تکلیف و بدون استفاده در آرشیو کتابخانه‌ها، مراکز پژوهشی، سازمان‌ها و دانشگاه‌ها را بررسی، ترکیب و منسجم می‌کند. ترکیب نتایج پژوهش‌های پیشین، به عنوان واحد تحلیل، برای ایجاد تصویری کلی و شفاف از موضوع، به مراتب مؤثرتر و مفیدتر از تعریف پژوهشی جدید است. با ارتباط نتایج پراکنده طرح‌های مطالعاتی، شبکه دائمی دانش به جریان می‌افتد و حل یک مشکل و مسئله را در پی دارد. مطالعات فراتحلیل، نقایص و کاستی‌های حوزه پژوهش را تبیین و چشم‌انداز جامعی از یافته‌های علمی را ارائه می‌کند؛ بنابراین، اهداف و پرسش‌های پژوهش حاضر عبارت‌اند از:

۱. اهداف پژوهش

- ۱- برآورد اندازه اثر کلی سرمایه اجتماعی بر سلامت اجتماعی به روش فراتحلیل کمی.
- ۲- بررسی همگونی یا ناهمگونی مطالعات تحت بررسی سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی.
- ۳- برآورد اندازه اثر متغیرهای تعدیل‌گر -زمینه‌ای بر سلامت اجتماعی به روش فراتحلیل کمی.

۲. سؤال‌های پژوهش

- ۱- اندازه اثر کلی سرمایه اجتماعی بر سلامت اجتماعی به روش فراتحلیل کمی چقدر است؟
- ۲- مطالعات تحت بررسی سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی همگون است یا ناهمگون؟
- ۳- اندازه اثر متغیرهای تعدیل‌گر - زمینه‌ای بر سلامت اجتماعی به روش فراتحلیل کمی چقدر است؟

۳. پیشینه پژوهش

۳-۱. نظری

تاکنون پژوهشی پیرامون فراتحلیل رابطه بین سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی در ایران انجام نشده است؛ که همین موضوع مبین نو بودن پژوهش حاضر و مهم‌ترین وجه تمایز آن با سایر مطالعات موجود، پیرامون ارتباط بین سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی است. از این رو، در پیشینه به پژوهش‌هایی اشاره شده که نزدیک به موضوع پژوهش حاضر است. نیازی و همکاران (۱۳۹۷)، در پژوهشی به فراتحلیل تأثیر سرمایه اجتماعی بر سلامت روان طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۵ پرداخته و نشان دادند اندازه اثر ترکیبی تصادفی سرمایه اجتماعی بر سلامت روان در حد متوسط یعنی به میزان ۰,۳۳۷ می‌باشد؛ ولی با وارد کردن دو متغیر کیفی «توع جامعه آماری» و «زمان انجام پژوهش» به عنوان متغیرهای تعدیل‌گر در محاسبات، میزان اندازه اثر ترکیبی به دست آمده به ترتیب تا حد ۰,۲۸۷ و ۰,۲۲ کاهش پیدا می‌کند که اندازه اثراتی ضعیف ارزیابی می‌شوند. نیازی و همکاران (۱۳۹۵)، در مطالعه دیگری مطالعات سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی را فراتحلیل و ۲۹ پژوهش انجام‌شده طی سال ۱۳۹۰ تا

۱۳۹۴ را بررسی و نشان دادند ضریب تأثیر سرمایه اجتماعی بر احساس امنیت اجتماعی معادل ۰,۵۱، معادل اندازه اثر قوی در نظام تفسیری کوهن است. در این پژوهش با در نظر گرفتن جنس به‌عنوان متغیر تعدیل‌گر مشخص شد میزان احساس امنیت در مردان (با ضریب اندازه اثر ۰,۵۲) تا حدودی بیشتر از زنان (با ضریب اندازه اثر ۰,۴۰) متأثر از سرمایه اجتماعی است. خامه‌چی و رنگریز (۱۳۹۸)، با فراتحلیل پیامدها و نتایج سرمایه اجتماعی در بازه سال ۱۳۹۳ تا سال ۱۳۹۷، ۶۸ سند را از طریق نمونه‌گیری غیرتصادفی هدمند بررسی و نتیجه گرفته‌اند از میان پیامدها و نتایج سرمایه اجتماعی در سطح و طبقه سازمان، به‌ترتیب، متغیرهای قسمت‌بندی دانش (۰,۷۰۶)، عملکرد سازمانی (۰,۶۳۵)، تعهد سازمانی (۰,۶۲۰)، تعالی سازمانی (۰,۵۸۹)، رضایت شغلی (۰,۵۱۲)، مدیریت دانش (۰,۵۱۱)، حمایت سازمانی (۰,۵۰۱) و سلامت سازمانی (۰,۵۰۰) دارای اندازه اثر بالا (۰,۵۰) است. گیلبرت و همکاران (۲۰۱۳)، با فراتحلیل سرمایه اجتماعی و سلامت، رابطه بین سرمایه اجتماعی، سلامت خود گزارش‌شده و مرگومیر ناشی از همه علل را روی ۳۹ مطالعه بررسی و نشان داده‌اند سرمایه اجتماعی احتمال سلامتی را ۲۷ درصد افزایش می‌دهد.

ایگزو و همکاران (۲۰۲۰) نیز رابطه سرمایه اجتماعی و سلامت را فراتحلیل کرده و نتیجه گرفته‌اند سرمایه اجتماعی به‌طور قابل توجهی با انواع نتایج مثبت سلامت مرتبط است؛ بنابراین این ادبیات، تاکنون در ایران درباره رابطه سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی کار فراتحلیلی انجام نشده و این پژوهش درصدد است با فراتحلیل تعامل دو مفهوم مشخص کند درمجموع مطالعات انجام‌شده، سلامت اجتماعی تا چه حد متأثر از سرمایه اجتماعی بوده است.

۲-۳. پیشینه پژوهش جهت اجرای فراتحلیل

جدول (۱): پیشینه پژوهش جهت فراتحلیل

عنوان اثر	محقق و سال	حجم نمونه	شیوه نمونه‌گیری
رابطه سرمایه اجتماعی با سلامت اجتماعی در ایران	امینی‌رانی و دیگران (۱۳۹۰)	۱۲۰۰۰	خوشه‌ای
بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی با امنیت خانواده	فقهی فرهمند و زنجانی (۱۳۹۰)	۳۷۵	طبقه‌بندی
تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و	هزارجریبی و مهری (۱۳۹۱)	۳۷۵	سه‌میه‌ای



عنوان اثر	محقق و سال	حجم نمونه	شبهه نمونه گیری
سلامت روانی و اجتماعی			
تأملی بر پیوند مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و میزان بهره‌مندی از سلامت اجتماعی	شربتیان (۱۳۹۱)	۳۷۵	طبقه‌بندی
رابطه عوامل اجتماعی با سلامت اجتماعی	نیک‌ورز و یزدان‌پناه (۱۳۹۴)	۳۷۵	طبقه‌بندی
سنجش میزان بهره‌مندی از شاخص‌های سلامت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن	شربتیان (۱۳۹۴)	۴۰۰	خوشه‌ای
تحلیل جامعه‌شناختی رابطه سرمایه اجتماعی با سلامت اجتماعی زنان	شربتیان و امینی (۱۳۹۶)	۳۸۵	خوشه‌ای
نقش سرمایه اجتماعی در ارتقای سلامت اجتماعی	افشانی و شیری محمدآباد (۱۳۹۶)	۲۸۸	خوشه‌ای
رابطه سرمایه اجتماعی با سلامت اجتماعی	همتی‌راد و دیگران (۱۳۹۷)	۴۰۰	خوشه‌ای
تعیین جامعه‌شناختی سلامت اجتماعی	سخایی (۱۳۹۷)	۵۲۰	خوشه‌ای
رابطه سرمایه اجتماعی با ارتقای سلامت	ابراهیمی؛ حسنی‌درمیان و افشانی (۱۳۹۷)	۳۸۴	خوشه‌ای
بررسی جامعه‌شناختی رابطه بین سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی	مطلبی و دیگران (۱۳۹۹)	۲۵۰	خوشه‌ای

۴. نقد و نوآوری پژوهش

سرمایه اجتماعی و رابطه آن با سلامت اجتماعی از موضوع‌های روز و مهم است که به واکاوی بیشتری نیاز دارد و به همین سبب تاکنون مقالات و مطالعاتی در این خصوص با شرایط جغرافیایی، قومی، فرهنگی و جامعه آماری متفاوت نگارش و چاپ شده؛ که ۱۵ مورد آن درباره رابطه سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی بوده است. از این ۱۵ سند پژوهشی، ۱۲ سند، پیمایشی و حائز معیارهای ورود به نرم‌افزار

فرا تحلیل بوده که در جدول ۱ این پژوهش، به آنها اشاره شده است. از آنجایی که نتایج این پژوهش‌ها نیز به لحاظ جغرافیایی، قومی، فرهنگی و جامعه آماری متفاوت بوده، این پژوهش تلاش دارد با استفاده از شیوه فراتحلیل این نتایج را تجمیع و اندازه اثر نهایی آنها و اندازه اثر متغیرهای تعدیل‌گر را برآورد و تبیین نماید.

۵. ملاحظه‌های نظری

در این بخش، متغیر وابسته (سلامت اجتماعی) و متغیر مستقل (سرمایه اجتماعی)، به لحاظ مفهومی بررسی شده و رویکردهای نظری مرتبط با این مفاهیم تشریح شده است.

۵-۱. تعریف مفاهیم

۵-۱-۱. سلامت اجتماعی

سلامت اجتماعی، مفهومی چندبُعدی شامل سلامتی اجتماع در کنار سلامتی جسمی و روانی است. سلامت اجتماعی، برگردان کلمه Social Wellbeing به معنی «زندگی خوب داشتن»، ناظر بر شادی و رضایت بوده و بر ابعاد مثبت سلامت تأکید دارد (Keyes & Shapiro, 2004, p. 5). این واژه دربرگیرنده پاسخ‌های درونی فرد مانند احساس، تفکر و رفتار است (عبدالله‌تبار و دیگران، ۱۳۸۷، ص. ۱۷۳)، که هم چگونگی احساس مردم و هم نحوه عملکرد آنان را تبیین می‌کند (راد؛ محمدزاده و محمدزاده، ۱۳۹۵، ص. ۱۴۶). برگمن (Bergman, 2007)، با اشاره به تأثیر شبکه‌های اجتماعی در سلامت اجتماعی تصریح کرده است شبکه‌های اجتماعی عامل پرورش روحیه مشارکت، درگیری افراد در فرایندهای اجتماعی، سپری کردن اوقات فراغت، مشارکت در نقش‌های اجتماعی و شغلی و گرایش به فعالیت‌های مذهبی به حساب می‌آیند. با ایجاد فرصت مشارکت افراد در رویدادهای اجتماعی، نقش‌هایی شغلی و خانوادگی برای شهروندان تعریف و موجب می‌شود، سلامت اجتماعی آنان بهبود یابد (حاتمی، ۱۳۸۹ و راد؛ محمدزاده و محمدزاده، ۱۳۹۵، ص. ۱۴۸). سلامت اجتماعی؛ با سلامتی انفرادی عجین شده؛ بدین معنی که، افرادی سلامت اجتماعی دارند؛ که نقش‌های اجتماعی را خوب ایفا نموده و با جامعه و هنجارهای اجتماعی، احساس پیوند کنند (همتی؛ مهدوی و بقایی‌سرابی، ۱۳۹۲، ص. ۴۶). سلامت اجتماعی در گرو شناخت افراد از چگونگی عملکردشان در اجتماع و کیفیت روابطشان با دیگران، نزدیکان و گروه‌های اجتماعی است (Larson, 1993; Larson, 1996). به اعتقاد کیبیز و شاپیرو (۲۰۰۴)، خویشاوندان، روابط و تجارب



مشتربند؛ که به زندگی غنا و معنا می‌بخشند. از این رو، توانایی فرد در تعامل با دیگران و اجتماع برای ایجاد روابط رضایت‌بخش و تحقق نقش‌های اجتماعی، سلامت اجتماعی، نام گرفته است. کییز و شاپیرو (۲۰۰۴)، با بیان اینکه بهزیستی، اساس و بنیان اجتماعی دارد، سلامت اجتماعی را ارزیابی شرایط و عملکرد فرد در جامعه دانسته و تأکید کرده است عملکرد اجتماعی خوب در زندگی چیزی بیش از سلامت جسمی و روانی است. به گفته وی؛ بین سلامت اجتماعی با رفتارهای اجتماع پسند، مسئولیت‌پذیری و جایگاه اجتماعی رابطه مثبتی وجود دارد (سام آرام، ۱۳۸۸). به پیشنهاد وی؛ سلامت اجتماعی از پنج جزء شکوفایی اجتماعی، مشارکت، پیوستگی، انسجام و پذیرش اجتماعی تشکیل شده و منشأ آن؛ ارزیابی فرد از نحوه نگرش و ارتباطش با جامعه است. سلامت اجتماعی؛ هنگامی محقق می‌شود که خانواده‌ها و افراد از سلامت نسبی برخوردار باشند، احساس مسئولیت کنند و سعادت خود را در سلامت اجتماع ببینند. به عبارتی، از نظر اجتماعی، فرد سالم زمانی عملکرد خوبی دارد که اجتماع را مجموعه‌ای معنادار، قابل فهم و بالقوه برای شکوفایی بداند، احساس کند متعلق به گروه‌های اجتماعی خودی است و خود را در اجتماع و پیشرفت آن سهیم بداند (Keyes & Shapiro, 2004, p. 352). سلامت اجتماعی به معنای زندگی کردن برای درک ظرفیت‌های طبیعی و ایجاد نوعی وحدت و انسجام اجتماعی است که در مقابله با فشارهای روانی نقش محافظتی دارد و از افراد در مقابل فشارهای زندگی اجتماعی حمایت می‌کند (زکی و خشوعی، ۱۳۹۲؛ صبوری، ۱۳۹۰، صص. ۱۹ و ۲۰). مجموع آراء یادشده درباره سلامت اجتماعی در قالب سه رویکرد قابل طرح است:

- ۱- سلامت اجتماعی؛ شامل سلامت فردی همراه با سلامت جسمی و روانی است: مانند: تعاریف لارسن (۱۹۹۳)، کییز و شاپیرو (۲۰۰۴)، اوستون و جیکوب (ابراهیم‌پور؛ پورجیلی و رضانی‌مقانی، ۱۳۹۱).
- ۲- سلامت اجتماعی مبین شرایط اجتماعی سلامت‌بخش است.
- ۳- سلامت اجتماعی مبین جامعه سالم شامل تعاریف راسل (۱۹۷۳) و ائتلاف جماعت‌های سالم انتاریو (۲۰۰۳) است (سمیعی و دیگران، ۱۳۸۹، صص. ۳۳-۳۹).

۵-۱-۲. سرمایه اجتماعی

کلمن (Carrillo Álvarez & Riera Romani, 2017; Josten, 2004; Schnur,)

2005)؛ سرمایه اجتماعی^۱ را منبع اجتماعی و ساختاری می‌داند که دارایی و سرمایه افراد محسوب می‌شود. به اعتقاد وی (Portes, 1998)، سرمایه اجتماعی با کارکردش تعریف می‌شود. سرمایه اجتماعی شیء واحدی نیست؛ بلکه، چیزیست که دو ویژگی مشترک شامل جنبه‌ای از ساخت اجتماعی و تسهیل کنش‌های خاص کنشگران را دارد (Coleman, 1988, p. 409). سرمایه اجتماعی؛ نه در افراد و نه در ابزار فیزیکی تولید؛ بلکه در بین و درون ساختار روابط کنشگران وجود دارد. بیشتر در نظر کلمن سرمایه اجتماعی به‌عنوان منبعی برای اشخاص معرفی می‌شود (پاتنام و دیگران، ۱۳۸۹، صص. ۴۹ و ۵۰). فوکویاما (Fukuyama, 2000; Fukuyama, 2002)، سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از هنجارها و ارزش‌های غیررسمی می‌داند که اعضای گروهی در آن سهیمند؛ اما، پاتنام (۲۰۰۱ و ۱۹۹۴)، سرمایه اجتماعی را ویژگی اجتماعی نهادها مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌های اجتماعی تعریف کرده و معتقد است سرمایه اجتماعی محصول دیگر فعالیت‌های اجتماعی است؛ که در پیوندها، هنجارها و اعتمادها شکل می‌گیرد و از شرایطی به شرایط دیگر منتقل می‌شود (پاتنام، ۱۳۹۲). بوردیو^۲ (کاظمی و ملکان، ۱۳۹۵، به نقل از: وینتر، ۲۰۰۰)، سرمایه‌های اجتماعی فیزیکی و انسانی را از انواع سرمایه‌های جامعه دانسته و تأکید کرده است برخی از سرمایه‌ها، با فراهم شدن شرایط به سرمایه فیزیکی تبدیل می‌شوند. وی (Bourdieu, 1986, p. 249) سرمایه اجتماعی؛ منابع واقعی و بالقوه حاصل شبکه‌های بادوام از روابط کم‌وبیش نهادینه شده است. نگرش بوردیو به سرمایه اجتماعی، نگاه ابزاری است که به هر نوع قابلیت، مهارت و توانایی گفته می‌شود؛ که فرد می‌تواند به‌صورت انتسابی و اکتسابی به آن دست یابد و در روابطش با گروه‌ها و افراد برای پیشبرد موقعیت خود استفاده کند (Turner & Turner, 1978, p. 495).

۵-۲. مبانی نظری

سرمایه اجتماعی در توسعه جوامع نقش مؤثری دارد و از عوامل زیربنایی حرکت جامعه به سمت توسعه از جمله رشد سلامت اجتماعی است. ویلکنسون (Wilkinson, 2020)، در سال ۱۹۹۶، مفهوم سرمایه اجتماعی را وارد حوزه سلامت عمومی کرد. وی اعتقاد داشت بین اعتماد اجتماعی و مرگ‌ومیر در ایالات متحده ارتباط تنگاتنگی برقرار است (امینی‌ارانی؛ موسوی و رفیعی، ۱۳۹۰، ص. ۲۰۸). اعتماد؛ از

1. James Coleman
2. Bourdieu



شاخصه‌های سرمایه اجتماعی است که به‌طور عینی در محدوده کوچک‌تری قابل اندازه‌گیری است. اعتماد؛ پدیده‌ای ارتباطی و به‌معنای امید فرد یا نهاد به کارآمدی و انصاف است که می‌تواند همکاری‌ها را افزایش و میل به همکاری را گسترش دهد؛ اعتماد و وابستگی اجتماعی را تقویت کند و به دو نوع اعتماد عمودی و افقی در سطوح نهادی و مردمی تقسیم شود. در حوزه سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی؛ اعتماد، عنصر مرکزی برای کنش متقابل بیماران و کارکنان است؛ به‌گونه‌ای که، بیمار تمایل دارد کارکنان بهداشتی از نظر تکنیکی، کلینکی و کیفیت روابط بین شخصی شایسته باشند و او به‌عنوان یک شخص مورد توجه باشد، نه بیمار. برخورد چهره‌به‌چهره با کارکنان حوزه بهداشتی این رابطه اعتمادآمیز را ایجاد یا مختل می‌کند (نامور، ۱۳۸۸). بررسی‌ها نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی به‌عنوان یکی از تعیین‌کننده‌های سلامت اجتماعی مطرح است. بر اساس یافته‌های محققان (فقهی فرهمند و زنجانی، ۱۳۹۰)، تمامی ابعاد سرمایه اجتماعی با سلامت اجتماعی رابطه معنادار دارد. بین سلامت اجتماعی و متغیرهای اعتماد اجتماعی، تعهد اجتماعی، مسئولیت اجتماعی رابطه مستقیم وجود دارد (زکی و خشوعی، ۱۳۹۲). در این خصوص امینی‌رانی؛ موسوی و رفیعی (۱۳۹۰)، گفته‌اند رابطه معنی‌داری بین سرمایه اجتماعی و متغیرهای فقر، رشد جمعیت، خشونت، باسوادی، بیکاری و پوشش بیمه‌ای به‌عنوان شاخص‌های سلامت اجتماعی وجود دارد. در یک بررسی دیگر، کاواچی و همکارانش (۲۰۰۸)، به نتیجه رسیدند افرادی که در جوامعی با سرمایه اجتماعی پایین زندگی می‌کنند، به احتمال زیاد، رتبه پایین‌تر از لحاظ شاخص تندرستی دارند؛ حتی پس از کنترل عوامل خطر ساز فردی مانند درآمد و آموزش پایین، عدم دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی، استعمال دخانیات و چاقی. همچنین، ریچارد ویلکینسون (کراهی‌مقدم، ۱۳۸۵)، بر آن است جوامع برخوردار از مراقبت‌های بهداشتی برابر، از سرمایه اجتماعی بیشتری بهره‌مندند. به‌عبارت‌دیگر، سرمایه اجتماعی با میزان جرائم خشونت‌آمیز نسبت معکوس دارد. هر اندازه سرمایه اجتماعی پایین‌تر باشد، جرایم بیشتر است (زنجانی‌زاده؛ صالح‌آبادی و جعفریان یزدی، ۱۳۹۴). خلاصه اینکه، رابطه سرمایه اجتماعی و پیامدهای سلامتی به‌شدت مورد توجه محققان بوده است. پژوهش‌های متعددی رابطه سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی شامل میزان مرگ‌ومیر، اختلال‌های روانی، رفتارهای بهداشتی، امنیت غذایی و احساس رضایتمندی و رفاه را نشان می‌دهد.

۶. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع فراتحلیل کمی (CMA2) است که در سال ۱۴۰۰ اجرا شده است. فراتحلیل با مرور نظام‌مند بر پژوهش‌های قبلی، درصد برآورد میزان اندازه اثر متغیرهای مستقل بر وابسته است. روش پژوهش حاضر مراحل: ۱- سرچ کلیدواژه «سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی»؛ ۲- گردآوری مقالات از پایگاه نورمگز، مگ‌ایران؛ علم‌نت و پایگاه جهاد دانشگاهی؛ ۳- غربالگری و گزینش مقالات دارای شرایط ملاک ورود (وجود ضریب همبستگی، حجم نمونه، سطح معنی‌داری، روایی و پایایی پژوهش، پیمایش و استفاده از ابزار پرسشنامه)؛ ۴- ورود به نرم‌افزار و ۵- برآورد اندازه اثر پژوهش؛ سوگیری انتشار و متغیرهای میانجی (تعدیل‌گر) را طی کرده است. جامعه آماری پژوهش ۱۵ مورد که ۱۲ پژوهش بعد از کنترل روشی و غربالگری (دارا بودن ملاک‌های ورود) به روش هدفمند انتخاب شدند. درنهایت با استفاده از فرمول فیشر و کوهن در نرم‌افزار فراتحلیل اندازه اثر نهایی هر پژوهش و اثر نهایی کل (Effect Size) برآورد شده است. برای تشخیص همگنی یا ناهمگنی، از نمودار کیفی و آزمون Q استفاده شده و بعد از اثبات فرض ناهمگونی بین مطالعات از متغیر تعدیل‌گر (زمینه‌ای) برای سنجش میزان اثر سرمایه اجتماعی بر سلامت اجتماعی استفاده شده است؛ بنابراین، فراتحلیل پژوهش حاضر شامل مراحل زیر است:

مرحله اول: تعریف موضوع پژوهش: موضوع این پژوهش تبیین رابطه سرمایه اجتماعی با سلامت اجتماعی با استفاده از رویکرد فراتحلیل است.

مرحله دوم: جمع‌آوری نظام‌مند مطالعات قبلی درباره موضوع پژوهش. در این مرحله، مطالعات پیشین درباره موضوع گردآوری شد. جامعه آماری این پژوهش را کلیه پژوهش‌های انجام‌شده در ایران درباره رابطه سرمایه اجتماعی با سلامت اجتماعی تا پایان سال ۱۴۰۰ تشکیل می‌دادند؛ که در یکی از پایگاه‌های اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)، مجلات تخصصی نور (Noormags)، مرکز اسناد و مدارک علمی ایران (IranDoc)، بانک اطلاعات نشریات کشور (Magiran)، نمایه شده باشند. این تعداد؛ قبل از غربالگری، ۱۵ مطالعه را شامل می‌شده است.

مرحله سوم: غربال مطالعات و گزینش مطالعات مناسب. جهت غربال‌گیری مطالعات، ۱۲ سند پژوهشی؛ که ملاک‌های انتخاب مانند ضریب همبستگی و حجم نمونه را داشتند، گزینش و برای ترکیب کمی نتایج و به‌دست آوردن نتیجه واحد احصا شدند.

مرحله چهارم: گردآوری اطلاعات. فهرست اطلاعات مطالعات استخراجی؛ شامل موارد زیر است؛

- ۱- اطلاعات عمومی شامل: نام نویسنده(ها)، سال انتشار و جامعه آماری،
 - ۲- اطلاعات مربوط به متغیرهای پژوهش شامل ضریب همبستگی رابطه سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی،
 - ۳- حجم نمونه و شیوه نمونه‌گیری. در این مرحله، علاوه بر گردآوری، داده‌ها کدبندی و برای مرحله بعدی در نرم‌افزار CMA وارد گردیده است.
- مرحله پنجم: محاسبه اندازه اثر^۱. روش اصلی فراتحلیل مبتنی بر ترکیب نتایج است؛ که پس از تبدیل داده‌ها به شاخص^۲ و برآورد اندازه اثر، مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این پژوهش، داده‌ها با استفاده از رویکرد هانتر و اشمیت^۳، به شاخص^۴ تبدیل شد. برای تحلیل داده‌ها، مفروضات فراتحلیل بررسی گردید؛ به نحوی که با نمودار کیفی^۵ و همبستگی رتبه‌ای بگ و مزومدار^۶؛ خطای انتشار^۷ و با آزمون^۸ Q؛ ناهمگونی^۹ مطالعات بررسی شد. با توجه به ناهمگونی مطالعات، از مدل اثرات تصادفی^{۱۰}، برای ترکیب نتایج و اخذ اندازه اثر استفاده شد. در محاسبات این مدل، تغییرهای مؤلفه در مطالعات نیز در نظر گرفته شد؛ بنابراین، نتایج حاصل از مدل اثرات تصادفی در شرایط ناهمگونی؛ قابلیت تعمیم بیشتر نسبت به مدل اثرات ثابت دارد. برای تفسیر نتایج، از نظام تفسیری کوهن^{۱۱} استفاده گردید. همه این عملیات با استفاده از نسخه دوم نرم‌افزار جامع فراتحلیل^{۱۲} و به روش ترکیب تصادفی اندازه اثر انجام شد. در جدول ۲، خلاصه مطالعات پیرامون رابطه سرمایه اجتماعی با سلامت اجتماعی دیده می‌شود.

-
1. Effect size
 2. Hunter&Schmidt
 3. Funnel plot
 4. Begg and Mazumdar rank correlation
 5. Publication bias
 6. Q test for heterogeneity
 7. Random effect model
 8. Cohen
 9. Comperhensive Meta-Analysis-V2

جدول (۲): خلاصه اطلاعات جمع آوری شده

محقق و سال	جامعه آماری	نوع پژوهش	ضریب همبستگی
امینی‌ارانی؛ موسوی و رفیعی (۱۳۹۰)	۳۰ استان کشور	پیمایش	-۰,۵۴
فقهی فرهمند و زنجانی (۱۳۹۰)	تبریز	پیمایش	۰,۶۶
هزارجریبی و مهری (۱۳۹۱)	معلمان همدان	پیمایش	۰,۴۹۲
شربتیان (۱۳۹۱)	دانشجویان دانشگاه پیام نور مشهد	پیمایش	۰,۶۶
نیک‌ورز و یزدان‌پناه (۱۳۹۴)	دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان	پیمایش	۰,۴۳۰
شربتیان (۱۳۹۴)	جوانان ۱۸ تا ۳۰ ساله شهر قائن	پیمایش	۰,۳۶
شربتیان و امینی (۱۳۹۶)	زنان منطقه چهار تهران	پیمایش	۰,۶۶۰
افشانی و شیرینی محمدآباد (۱۳۹۶)	زنان شهر یزد	پیمایش	۰,۵۹۹
همتی‌راد و دیگران (۱۳۹۷)	دانش‌آموزان متوسطه دوم بابلسر	پیمایش	۰,۷۴۰
سختایی (۱۳۹۷)	شهروندان شهر کاشان	پیمایش	۰,۳۹۰
ابراهیمی؛ حسنی‌درمیان و افشانی (۱۳۹۷)	شهروندان شهر مشهد	پیمایش	۰,۶۱۸
مطلبی و دیگران (۱۳۹۹)	دانش‌آموزان منطقه پنج تهران	پیمایش	۰,۵۵۰

۷. یافته‌های پژوهش

۷-۱. اندازه اثر کلی سرمایه اجتماعی بر سلامت اجتماعی

پس از ورود اطلاعات مرتبط به جدول چک‌لیست، ابتدا اقدام به محاسبه اندازه اثر



برای تک تک مطالعات به صورت تفکیکی شده است. در جدول (۳)، اندازه اثر تفکیکی پژوهش‌ها مبتنی بر یک مقیاس مشترک برآورد شده است.

جدول (۳): خلاصه اطلاعات مربوط به فرا تحلیل بر روی پژوهش‌های نمونه

ردیف	محقق و سال	اندازه اثر	حد پایین	حد بالا	Z-Value	P-Value
۱	امینی‌راران؛ موسوی و رفیعی (۱۳۹۰)	۰,۵۴-	۰,۵۵۳-	۰,۵۲۷-	-۶۶,۱۷۴	۰,۰۰۱
۲	فقهی فرهمند و زنجانی (۱۳۹۰)	۰,۶۶	۰,۵۹۹	۰,۷۱۴	۱۵,۲۹۱	۰,۰۰۱
۳	جعفر هزارجریبی و مهری (۱۳۹۱)	۰,۴۹۲	۰,۴۱۱	۰,۵۶۵	۱۰,۳۹۰	۰,۰۰۱
۴	شربتیان (۱۳۹۱)	۰,۶۶۰	۰,۵۹۹	۰,۷۱۴	۱۵,۲۹۱	۰,۰۰۱
۵	شربتیان (۱۳۹۴)	۰,۳۶۰	۰,۲۷۲	۰,۴۴۲	۷,۵۰۹	۰,۰۰۱
۶	نیک‌ورز و یزدان‌پناه (۱۳۹۴)	۰,۴۳۰	۰,۳۴۴	۰,۵۰۹	۸,۸۷۰	۰,۰۰۱
۷	شربتیان و امینی (۱۳۹۶)	۰,۶۶۰	۰,۶۰۰	۰,۷۱۳	۱۵,۴۹۵	۰,۰۰۱
۸	افشانی و شیری محمدآباد (۱۳۹۶)	۰,۵۹۹	۰,۵۱۹	۰,۶۶۸	۱۱,۶۷۵	۰,۰۰۱
۹	همتی‌راد و دیگران (۱۳۹۷)	۰,۷۴۰	۰,۶۹۲	۰,۷۸۱	۱۸,۹۳۸	۰,۰۰۱
۱۰	سختانی (۱۳۹۷)	۰,۳۹۰	۰,۳۱۵	۰,۴۶۱	۹,۳۶۳	۰,۰۰۱
۱۱	ابراهیمی؛ حسنی‌درمیان و افشانی (۱۳۹۷)	۰,۶۱۸	۰,۵۵۲	۰,۶۷۶	۱۴,۰۸۸	۰,۰۰۱
۱۲	مطلبی و دیگران (۱۳۹۹)	۰,۵۵۰	۰,۴۵۷	۰,۶۳۱	۹,۷۱۹	۰,۰۰۱

طبق جدول (۳)، در همه مطالعات مورد بررسی، ارتباط سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی با اطمینان درصد معنادار بوده و بزرگترین مقدار اندازه اثر مربوط به مطالعه (همتی‌راد و دیگران، ۱۳۹۷) و کوچکترین مقدار اندازه اثر مربوط به مطالعه (شربتیان، ۱۳۹۴) است.

۲-۷. بررسی همگونی یا ناهمگونی مطالعات تحت بررسی سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی

یکی از مفروضات اصلی فرا تحلیل، آزمون همگنی مطالعات می‌باشد که به منظور بررسی این مفروضه آزمون Q به کار گرفته می‌شود. نتایج حاصل از بررسی این آزمون در جدول ذیل ارائه شده است.

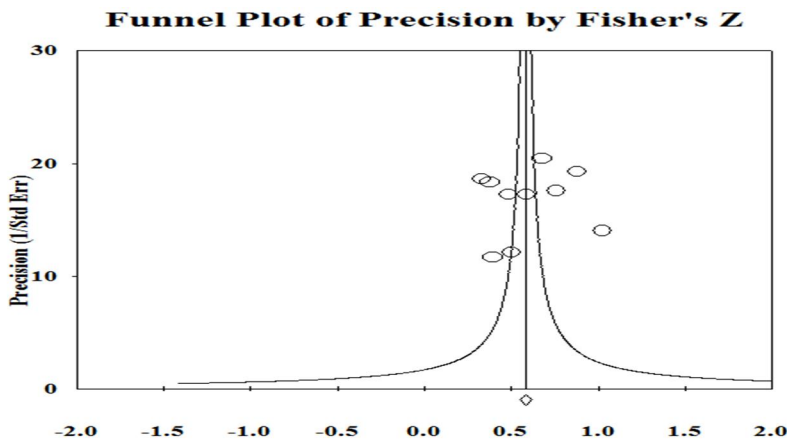
جدول (۴): نتایج حاصل از آزمون Q

شاخص آماری	مقدار آزمون (Q)	درجه آزادی (Df)	سطح معنی‌داری (P-Value)	(I^2) -Squared
نتایج	۴۸۷۹,۲۹۲	۱۱	۰,۰۰۱	۹۹,۷۷۵

با توجه به نتایج حاصل از آزمون ($Q = 4879.292, P < 0.01$)، با اطمینان ۹۹٪، فرض ناهمگونی پژوهش‌ها تأیید می‌شود. نتایج ضریب مجذور I نیز مؤید این مطلب است حدوداً ۹۳ درصد از تغییرهای کل مطالعات به ناهمگنی مطالعات مربوط است؛ بنابراین، ترکیب نتایج پژوهش با مدل آثار ثابت موجه نیست و باید از مدل اثرات تصادفی استفاده کرد. این آزمون نشان می‌دهد رابطه سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی، به لحاظ ویژگی‌ها و مشخصات مطالعات متفاوت‌اند و در این وضعیت، باید از متغیرهای تعدیل‌گر برای تعیین واریانس و محل تفاوت‌ها استفاده کرد.

بررسی مفروضه خطای (تورش) انتشار

بررسی خطای انتشار، از دیگر بخش‌های فراتحلیل است که ناشی از انتشار پژوهش‌های چاپ‌شده و عدم انتشار پژوهش‌های چاپ‌شده و انواع خطاها است. به عبارتی، یکی از مشکلاتی که موجب مخدوش شدن اعتبار نتایج فراتحلیل می‌شود عدم دسترسی محقق به تمام مطالعاتی است که در فاصله زمانی خاص در موضوع مورد بررسی انجام شده است. برای بررسی این مفروضه؛ از نمودار کیفی، روش رگرسیونی اگر و روش همبستگی رتبه‌ای بگ و مزومدار استفاده شده و نتایج در ادامه ارائه شده است. نمودار کیفی از رایج‌ترین روش‌ها برای بررسی خطای انتشار است.



نمودار (۱): نمودار کیفی به منظور بررسی خطای انتشار



نتایج نمودار کیفی وارونه، تداعی کننده تقارن نسبی مطالعات انجام شده است؛ اما، در این باره نمی‌توان به‌صراحت قضاوت کرد و باید، از روش رگرسیونی خطی اگر، آزمون همبستگی بگ و مزومدار و N ایمن از خطا استفاده کرد. در این شیوه، فرض صفر (H_0)، مبین متقارن بودن نمودار و عدم سوگیری انتشار است؛ درحالی‌که فرض خلاف (H_1)، مبین عدم تقارن نمودار کیفی و سوگیری انتشار است. نتایج این روش‌ها در جدول (۵)، نشان داده شده است.

جدول (۵): نتایج بررسی روش‌های همبستگی رتبه‌ای بگ و مزومدار و رگرسیون اگر

آزمون	مقدار ضریب کندال (tau)	Z-Value	(P-Value)
همبستگی بگ و مزومدار	-۰,۰۱۵	۰,۰۶۸	۰,۹۴۵
رگرسیون اگر	برش (B)	t-Value	(P-Value)
	۲,۰۳۷	۱,۲۷۳	۰,۰۶۲

طبق جدول فوق، مقدار ضریب کندال با $-۰,۰۱۵$ برابر شده؛ که با توجه به مقدار معناداری ($P = ۰,۹۴۵$)، فرض صفر مبنی بر متقارن بودن نمودار کیفی و عدم سوگیری انتشار تأیید می‌گردد؛ همچنین، بر اساس نتایج رگرسیون خطی اگر، برش با ($۲,۰۳۷$) و فاصله اطمینان ۹۵ درصد با $۱,۲۷۳$ ، برابر است. سطح معنی‌داری این آزمون نیز بزرگ‌تر از $۰,۰۵$ است؛ بنابراین، فرض صفر مبنی بر متقارن بودن نمودار کیفی و عدم سوگیری انتشار هم تأیید می‌شود. پس از بررسی مفروضات فرا تحلیل و تعیین مدل اثر تصادفی برای ترکیب نتایج و گزارش اندازه اثر، در جدول (۶)، گزارش اندازه اثر مطالعات انجام شده در مدل تصادفی ارائه شده است.

جدول (۶): نتایج حاصل از اندازه اثر مطالعات رابطه بین سرمایه با سلامت اجتماعی

متغیرها	تعداد مطالعات	اندازه اثر (r)	حد پائین	حد بالا	Z-Value	P-Value
رابطه سرمایه اجتماعی با سلامت اجتماعی	۱۲	۰,۴۹۷	۰,۰۷۴	۰,۷۶۸	۲,۲۶۷	۰,۰۲۳

داده‌های جدول (۶)، نشان می‌دهد میانگین اندازه اثر سرمایه اجتماعی (اثرات ترکیبی تصادفی)، بر سلامت اجتماعی در نمونه مورد پژوهش معادل $۰,۴۹۷$ است. چون این اندازه اثر در محدوده اطمینان است، باید گفت سرمایه اجتماعی بر سلامت اجتماعی اثرگذار است. برآورد نقطه‌ای به‌دست آمده ($۰,۴۹۷$)، بر مبنای معیار کوهن از اثر در حد متوسط رو به بالا حکایت دارد. در مجموع باید گفت: سرمایه اجتماعی در سطح متوسط

رو به بالایی بر سلامت اجتماعی مؤثر است. با توجه به ناهمگونی مطالعات و تصدیق مفروضات فراتحلیل؛ برای تعیین این ناهمگنی، از متغیر تعدیل‌گر استفاده شد، تا بتوان به تعیین واریانس مطالعات پرداخت. در این پژوهش، واحد تحلیل، محدوده جغرافیایی مطالعات و سال انجام مطالعات به‌عنوان متغیر تعدیل‌گر در نظر گرفته شد.

۳-۷. برآورد اندازه اثر متغیرهای تعدیل‌گر - زمینه‌ای بر سلامت اجتماعی به روش فراتحلیل کمی

۱-۳-۷. بررسی نقش تعدیل‌کنندگی متغیرهای واحد تحلیل و محدوده جغرافیایی

نتایج بررسی نقش تعدیل‌کنندگی واحد تحلیل و محدوده جغرافیایی به شرح جدول (۷) است.

جدول (۷): بررسی نقش تعدیل‌کنندگی متغیرهای واحد تحلیل و محدوده جغرافیایی

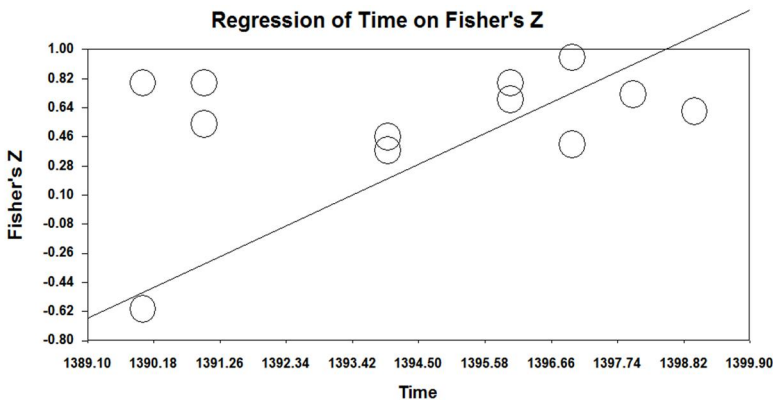
مدل اثرات تصادفی			تعداد اندازه اثر	واحد تحلیل	متغیر تعدیل‌گر
P-Value	Z-Value	اندازه ترکیبی			
۰,۸۹۴	۰,۱۳۴	۰,۰۹۳	۲	کلان	واحد تحلیل
۰,۰۰۱	۱۰,۲۰۶	۰,۵۶۲	۱۰	خرد	
۰,۰۰۱	-۶۶,۱۷۴	-۰,۵۴۰	۱	کل کشور (ملی)	محدوده جغرافیایی
۰,۰۰۱	۱۸,۹۳۸	۰,۷۴۰	۱	شمال	
۰,۰۰۱	۶,۵۲۳	۰,۵۷۷	۳	شرق	
۰,۰۰۱	۶,۸۳۸	۰,۵۵۶	۴	مرکز	
۰,۰۰۱	۵,۲۴۰	۰,۵۸۲	۲	غرب	
۰,۰۰۱	۷,۵۰۹	۰,۳۶۰	۱	جنوب	

نتایج بررسی متغیر واحد تحلیل به‌عنوان متغیر تعدیل‌گر حاکی است: در سطح خرد اندازه اثر در مدل تصادفی ۵۶۲ و در سطح کلان ۰,۰۹۳ است؛ که اندازه اثر در سطح کلان معنادار نیست؛ اما در سطح خرد معنادار است. به‌عبارت‌دیگر، در دو مطالعه‌ای که واحد تحلیل آن فرد نبوده، اثر سرمایه اجتماعی بر سلامت اجتماعی معنادار نشده و سلامت اجتماعی متأثر از سرمایه اجتماعی نبوده؛ اما در پژوهش‌هایی

که واحد تحلیل فرد بوده، سرمایه اجتماعی بر سلامت اجتماعی تأثیر معناداری داشته است. همچنین نتایج بررسی نقش متغیر محدوده جغرافیایی به‌عنوان متغیر تعدیل‌گر گواهد است: تأثیر سرمایه اجتماعی بر سلامت اجتماعی در همه محدوده‌های جغرافیایی معنادار است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود؛ تأثیرپذیری سلامت اجتماعی از سرمایه اجتماعی در شمال کشور بیشتر از سایر مناطق بوده و در مقابل؛ در جنوب کشور، سلامت اجتماعی کمتر از سرمایه اجتماعی متأثر بوده است. نکته جالب توجه اینکه، در پژوهشی که در کل کشور انجام شده، سرمایه اجتماعی بر سلامت اجتماعی تأثیر کاهنده‌ای دارد.

۷-۳-۲. بررسی نقش تعدیل‌کنندگی متغیر سال انجام مطالعات

برای بررسی نقش تعدیل‌کنندگی متغیر سال انجام مطالعات از فرارگرسیون استفاده شده است.



نمودار (۲): فرارگرسیون برای بررسی نقش تعدیل‌کنندگی سال انجام مطالعات

با توجه به مثبت بودن شیب خط رگرسیونی در نمودار پراکنش؛ متغیر سال انجام مطالعات، در رابطه بین سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی نقش تعدیل‌کنندگی دارد. به عبارتی، به موازات گذر زمان، شدت رابطه مستقیم بین سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی بیشتر می‌شود. به موازات گذر زمان، تأثیرپذیری سلامت اجتماعی از سرمایه اجتماعی بیشتر شده است.

نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش تبیین رابطه سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی با رویکرد

فرا تحلیل است. با فراتحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی مشخص شد اندازه اثر سازه سرمایه اجتماعی بر سلامت اجتماعی، معادل ۰,۴۹۷ درصد است که بر مبنای نظام تفسیری کوهن، مبین اندازه اثری در سطح متوسط رو به بالا و در محدوده اطمینان است. به عبارتی، متغیر سرمایه اجتماعی عامل مؤثری در توسعه سلامت اجتماعی محسوب می‌شود. در مقایسه با اندازه اثر به‌دست آمده، ۸ مطالعه؛ اندازه اثر بالاتر از ضریب و ۴ پژوهش اندازه اثری پایین‌تر از آن کسب کرده‌اند. برآورد اندازه اثر ترکیبی در پژوهش‌های برگزیده، نشان داد سرمایه اجتماعی؛ چه میزان، بر سلامت اجتماعی اثر دارد؛ اما، امکان تبیین تفاوت در اندازه اثر پژوهش‌های مختلف وجود ندارد. به این خاطر؛ برای شناسایی منابع واریانس بین مطالعات و میزان اثرگذاری احتمالی آنها بر برآورد اولیه اندازه اثر ترکیبی؛ سه متغیر «واحد تحلیل»، «محدوده جغرافیایی» و «سال انجام مطالعات» به‌عنوان متغیرهای تعدیل‌گر انتخاب شدند. نتایج بررسی واحد تحلیل به‌عنوان متغیر تعدیل‌گر نشان داد در دو مطالعه‌ای که واحد تحلیل فرد نبوده، تأثیر سرمایه اجتماعی بر سلامت اجتماعی معنادار نشده و سلامت اجتماعی متأثر از سرمایه اجتماعی نبوده است؛ اما، در دیگر مطالعات که واحد تحلیل فرد بوده، سرمایه اجتماعی تأثیر معناداری بر سلامت اجتماعی داشته است. نتایج محدوده جغرافیایی به‌عنوان متغیر تعدیل‌گر نشان داد تأثیرپذیری سلامت اجتماعی از سرمایه اجتماعی در شمال کشور بیشتر از سایر مناطق بوده و در مقابل، در جنوب کشور، سلامت اجتماعی کمتر از سرمایه اجتماعی متأثر بوده است. نتایج زمان انجام مطالعات به‌عنوان متغیر تعدیل‌گر نشان داد با طولانی شدن زمان، رابطه سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی تعمیق می‌یابد. به موازات گذر زمان، تأثیرپذیری سلامت اجتماعی از سرمایه اجتماعی بیشتر می‌شود. یافته‌ها نشان داد میزان اثر سرمایه اجتماعی بر سلامت اجتماعی تحت تأثیر شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هر دوره زمانی متفاوت است. بنابراین؛ شرایط اجتماعی به سرمایه اجتماعی وزن می‌دهد تا بر سلامت، بیشتر یا کمتر اثر گذارد. بر اساس نتایج این پژوهش؛ بهره‌مندی از پارامترهای اساسی سرمایه اجتماعی و تقویت متغیرهای آن شامل اعتماد اجتماعی، تعهد اجتماعی، مسئولیت اجتماعی از پیش شرط‌های اساسی در سلامت اجتماعی افراد و توسعه همه‌جانبه و پایدار جوامع است. نتایج پژوهش حاکیست در مجموع مطالعات؛ بین سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی با شدت نسبتاً قوی رابطه معنادار و مثبت وجود دارد؛ بنابراین می‌توان گفت، سرمایه اجتماعی به‌عنوان منبعی برای دستیابی به اهداف، اجرای طرح‌های



اجتماعی را تسهیل می‌کند. این پدیده، از تأثیر نهادهای اجتماعی، روابط انسانی، هنجارهای کمی و کیفی تعاملات اجتماعی جامعه نشئت گرفته است. در نتیجه این تعاملات، بهره‌مندی از پارامترهای اساسی سرمایه اجتماعی، یکی از پیش شرط‌های سلامت اجتماعی و رشد و توسعه همه‌جانبه است و مسائل بهداشتی و خود اثربخشی بهداشتی، فارغ از ویژگی‌های بافت اجتماعی فرد، رخ نمی‌دهد. به عبارت بهتر، سلامت اجتماعی در خلأ اجتماعی - فرهنگی، سیاسی و اقتصادی محقق نمی‌شود و یکی از این تعیین‌کننده‌های اجتماعی، سرمایه اجتماعی است. سرمایه بالای اجتماعی، قدرت و مسئولیت افراد را توسعه می‌دهد.

کلمن (Carrillo Álvarez & Riera Romaní, 2017; Josten, 2004; Schnur, 2005)، در تأیید یافته‌های پژوهش حاضر، از سرمایه اجتماعی به عنوان منبع دارایی و سرمایه افراد یاد و تأکید می‌کند سرمایه اجتماعی، نه در افراد و نه در ابزار فیزیکی تولید، که در بین و درون ساختار نیز وجود دارد. فوکویاما (۲۰۰۰، ۲۰۰۱)، نیز سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از هنجارها و ارزش‌های غیررسمی می‌داند که اعضای گروهی در آن سهیم هستند. پاتنام (۲۰۰۱؛ ۱۹۹۴)، سرمایه اجتماعی را ویژگی اجتماعی نهادها تعریف و تصریح کرده است سرمایه اجتماعی محصول فعالیت‌های اجتماعی است؛ که در پیوندها، هنجارها و اعتمادها شکل می‌گیرد و از شرایطی به شرایط دیگر منتقل می‌شود. ویلکنسون (۲۰۲۰)، در سال ۱۹۹۶، با طرح مفهوم سرمایه اجتماعی در حوزه سلامت عمومی اعتقاد داشت بین اعتماد اجتماعی و مرگومیر در ایالات متحده ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. به اعتقاد وی (کرراهی مقدم، ۱۳۸۵)، جوامع برخوردار از مراقبت‌های بهداشتی برابر، از سرمایه اجتماعی بیشتری بهره‌مندند. به عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی با میزان جرایم خشونت‌آمیز نسبت معکوس دارد. هر اندازه سرمایه اجتماعی پایین‌تر باشد، جرایم بیشتر است (زنجانی‌زاده؛ صالح‌آبادی و جعفریان یزدی، ۱۳۹۴). فقهی‌فرهمند و زنجانی (۱۳۹۰) نیز رابطه سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی را معنادار خوانده و تأکید کرده‌اند همه ابعاد سرمایه اجتماعی با سلامت اجتماعی رابطه معناداری دارند. به زعم زکی و خشوعی (۱۳۹۲)، بین سلامت اجتماعی و متغیرهای اعتماد اجتماعی، تعهد اجتماعی، مسئولیت اجتماعی رابطه مستقیمی وجود دارد. امینی‌رانی؛ موسوی و رفیعی (۱۳۹۰)، هم در مطالعه‌ای سرمایه اجتماعی در ۳۰ استان کشور را بررسی و نتیجه گرفته‌اند بین سرمایه اجتماعی و متغیرهای فقر، رشد جمعیت، خشونت، باسواد، بیکاری و پوشش بیمه‌ای به عنوان شاخص‌های سلامت اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد. به گفته آنان، ۳۰ درصد تغییرهای سلامت

اجتماعی با تغییرهای سرمایه اجتماعی قابل تبیین است. کواچی و همکارانش (۲۰۰۸)، نتیجه‌گیری کرده‌اند افرادی که در جوامعی با سرمایه اجتماعی پایین زندگی می‌کنند، به احتمال زیاد، رتبه پایین‌تر از لحاظ شاخص تندرستی دارند. به‌هرحال در دهه‌های اخیر، سرمایه اجتماعی با ایجاد حمایت و بسترسازی برای اعتمادبه‌نفس و احترام متقابل، دسترسی به خدمات بهداشتی را افزایش داده، فرایند جلوگیری از جرم را تسهیل کرده، امکان انتقال سریع اطلاعات پزشکی، الگوبرداری از هنجارهای رفتاری سلامت و کنترل اجتماعی بر رفتارهای انحرافی بهداشتی را ارتقاء بخشیده و در سلامت اجتماعی شهروندان نقش بسزایی ایفا کرده است؛ به‌گونه‌ای که مشارکت و اعتماد، دو وجه به‌هم‌پیوسته سرمایه اجتماعی‌اند که سلامتی و باورهای بهداشتی افراد را تحت تأثیر قرار داده‌اند. علاوه‌براین، سرمایه اجتماعی عموماً در سطح فردی نیز برای سلامت اجتماعی آثاری را به همراه دارد؛ به‌عنوان مثال، سرمایه اجتماعی با اثرگذاری بر نظام سیاسی و خط‌مشی عمومی، در وضع خط‌مشی‌های رفاهی و سلامتی نقش مؤثری دارد و بالعکس، نظام سیاسی با تأثیر بر اشکال و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، بر سلامت و رفاه عمومی اثر می‌گذارد. به‌علاوه، نظام سیاسی مستقیم و جداگانه از طریق وضع خط-مشی سلامت عمومی بر سلامت اجتماعی اثرگذار است. همچنین نابرابری اجتماعی و شکاف درآمدی به‌عنوان تعیین‌کننده‌های زمینه‌ای، مستقیم و غیرمستقیم بر سلامت اثرگذارند. نابرابری‌های اجتماعی؛ مستقیماً، بر دستیابی گروه‌های اجتماعی به خدمات سلامتی و غیرمستقیم، با میانجی‌گری سرمایه اجتماعی بر سلامت اجتماعی اثرگذارند. براین‌اساس، از یک‌سو، گسترش نابرابری اجتماعی با فرسایش سرمایه اجتماعی، کاهش اعتماد و انسجام اجتماعی بر سلامت اثر سو دارد و از سوی دیگر، سرمایه اجتماعی با کاهش فقر و نابرابری اجتماعی به ارتقاء سلامت می‌انجامد.

پیشنهادها

بررسی اسناد پژوهشی حاکی از کاربردی بودن همه پژوهش‌ها است؛ از این‌رو، سعی شده است راهکارها و پیشنهادهایی بر اساس یافته‌های پژوهش ارائه شود که مهمترین این پیشنهادها عبارت‌اند از:

- ❖ توجه به سرمایه اجتماعی با تأکید بر مؤلفه‌های مشارکت و اعتماد در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های سلامت.
- ❖ استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای سازگاری اجتماعی افراد و گروه‌ها با مشکلات سلامتی.



- ❖ بهبود سلامت اجتماعی با افزایش سرمایه اجتماعی و کمک نظام‌های آموزشی و تربیتی و آموزش‌های گروهی.
- ❖ توسعه اعتماد اجتماعی پایدار در جامعه به‌ویژه در میان نسل جوان و نوجوان نسبت به زندگی اجتماعی و جامعه.
- ❖ افزایش مشارکت پایدار اجتماعی با تدوین سیاست‌های اجتماعی و فرهنگی در دستگاه‌های دولتی و غیردولتی.
- ❖ ایجاد، تقویت و گسترش تعاملات اجتماعی با تدوین راهکارهای آموزشی، فرهنگی و اجتماعی در جامعه.
- ❖ نهادینه کردن ارزش‌های اجتماعی جهت تبیین بایددها و نبایدهای رفتاری در خانواده و جامعه و تقویت شاخص‌های سلامت اجتماعی.
- ❖ ایجاد و توسعه همکاری‌ها و مشارکت‌های بین‌بخشی برای ارتقا سلامت اجتماعی از سوی دستگاه‌های مربوط با اولویت وزارت بهداشت.
- ❖ مهندسی و هدفمندی برنامه‌های اجتماعی در سازمان‌ها برای پیشبرد اهداف و ارتقای سلامت اجتماعی.
- ❖ تلاش برای اجرای آزادی مطبوعات و قانون شفافیت اطلاعات برای تقویت سرمایه اجتماعی.
- ❖ تلاش در جهت کاهش هر گونه سوءاستفاده از بیت‌المال جهت ارتقا نقش سرمایه اجتماعی و اعتماد سازمانی.
- ❖ کاهش شکاف‌های دولت و مردم برای پُررنگ کردن نقش سرمایه اجتماعی در فرایند توسعه.
- ❖ تقلیل تصدی‌گری دولت و تفویض اختیارات در بخش‌های مختلف برای جلب مشارکت‌های مردمی.
- ❖ ایجاد و تقویت نهادهای اجتماعی و اعتماد بین مردم برای گسترش و تقویت نقش سرمایه اجتماعی در سلامت اجتماعی.
- ❖ گسترش نهادهای مدنی برای آگاهی‌بخشی از خدمات و کارهای ویژه دولتی جهت نهادینه‌سازی و تنظیم خواسته‌ها، امیدبخشی، جلوگیری از تنش، رواج الگوهای رقابت سالم سیاسی، اصلاح‌گری و وحدت‌بخشی برای ایجاد احساس تعلق خاطر مردم به حکومت برای تقویت نقش سرمایه اجتماعی در سلامت اجتماعی.
- ❖ رواج صداقت و صراحت در روابط اجتماعی برای تقویت مسئولیت‌پذیری و رفتارهای مبتنی بر اعتماد.

فهرست منابع

- ابراهیم‌پور، داود؛ پورجبللی، ربابه و رضانی‌ممقانی، روح‌انگیز (۱۳۹۱). بررسی رابطه عوامل اجتماعی - اقتصادی با سلامت اجتماعی دبیران مقطع راهنمایی و متوسطه شهرستان. *مطالعات جامعه‌شناسی*، ۵(۱۴)، ۴۷-۶۷.
- ابراهیمی، پژمان؛ حسنی‌درمیان، غلامرضا و افشانی، علیرضا (۱۳۹۷). رابطه سرمایه اجتماعی با ارتقای سلامت شهروندان شهر مشهد. *مطالعات فرهنگی/اجتماعی خراسان*، ۴۹(۱۳)، ۷-۳۴.
- افشانی، سیدعلیرضا و شیرمحمدآباد، حمیده (۱۳۹۶). نقش سرمایه اجتماعی در ارتقای سلامت اجتماعی زنان شهر یزد. *پژوهش‌نامه زنان*، ۲۲(۸)، ۱-۲۰.
- امینی‌رانی، مصطفی؛ موسوی، میرطاهر و رفیعی، حسن (۱۳۹۰). رابطه سرمایه اجتماعی با سلامت اجتماعی در ایران. *رفاه اجتماعی*، ۴۲(۱۱)، ۲۰۳-۲۲۸.
- پاتنام، رابرت؛ کلمن، جیمزسمیوئل؛ افه، کلاوس؛ بوردیو، پیر؛ فوکویاما، فرانسیس؛ پورتس، آلهندرو و ولکاک، مایکل (۱۳۸۹). *سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه*. ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، مصحح کیان تاج‌بخش، تهران: شیرازه.
- پاتنام، روبرت (۱۳۹۲). *دموکراسی و سنت‌های مدنی (سرمایه اجتماعی و سنت‌های مدنی در ایتالیای مدرن)*. ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: جامعه‌شناسان.
- پارک، جان‌اورت (۱۳۹۰). *درسنامه پزشکی پیشگیری و اجتماعی: کلیات خدمات بهداشتی (بخش نخست)*. ترجمه حسین شجاعی‌تهرانی، تهران: سماط.
- توکل، محمد (۱۳۹۳). *سلامت اجتماعی: ابعاد، محورها و شاخص‌ها در مطالعات جهانی و ایرانی*. اخلاق زیستی، ۱۴(۴)، ۱۱۵-۱۳۶.
- حاتمی، پریسا (۱۳۸۹). *بررسی عوامل موثر بر سلامت اجتماعی دانشجویان با تأکید بر شبکه‌های اجتماعی*. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.
- خامه‌چی، حامد و رنگریز، حسن (۱۳۹۸). *فرا تحلیل پیامدهای سرمایه اجتماعی*. مدیریت سرمایه اجتماعی، ۶(۴)، ۶۰۳-۶۲۴.
- راد، فیروز؛ محمدزاده، فاطمه و محمدزاده، حمیده (۱۳۹۵). *دین و سلامت اجتماعی: بررسی رابطه دین‌داری با سلامت اجتماعی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه*



پیام نور مرند). علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۲(۲)، ۱۳۷-۱۶۸.

زکی، محمدعلی و خشوعی، مریم‌السادات (۱۳۹۲). سلامت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین شهروندان شهر اصفهان. *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، ۳(۸)، ۷۹-۱۰۸.

زنجانی‌زاده، هما؛ صالح‌آبادی، ابراهیم و جعفریان یزدی، ندا (۱۳۹۴). بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر خشونت خانگی علیه زنان در مشهد. *توسعه اجتماعی*، ۹(۲)، ۷-۴۶.

سام آرام، عزت‌الله (۱۳۸۸). بررسی رابطه سلامت اجتماعی و امنیت اجتماعی با تأکید بر رهیافت پلیس جامعه محور. *فصلنامه انتظام اجتماعی*، ۱(۱).

سختی، ایوب (۱۳۹۷). تبیین جامعه‌شناختی سلامت اجتماعی در بین شهروندان شهر کاشان. (پایان‌نامه دکتری مسائل اجتماعی ایران). دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

سمیعی، مرصده؛ رفیعی، حسن؛ امینی رارانی، مصطفی و اکبری، مهدی (۱۳۸۹). سلامت اجتماعی ایران: از تعریف اجماع‌مدار تا شاخص شواهدمدار. *مسائل اجتماعی ایران (دانشگاه خوارزمی)*، ۱(۲)، ۳۱-۵۱. بازیابی از SID.

شربتیان، محمدحسن (۱۳۹۴). سنجش میزان بهره‌مندی از شاخص‌های سلامت اجتماعی جوانان ۱۸ تا ۳۰ ساله شهر قائن و عوامل مؤثر بر آن. تهران: دانشگاه پیام نور.

شربتیان، محمدحسن (۱۳۹۱). تأملی بر پیوند معنایی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و میزان بهره‌مندی از سلامت اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه پیام نور مشهد. *مطالعات جامعه‌شناختی*، ۵(۲)، ۱۴۹-۱۷۴.

شربتیان، محمدحسن و امینی، نفیسه (۱۳۹۶). تحلیل جامعه‌شناختی رابطه سرمایه اجتماعی با سلامت اجتماعی زنان (مورد مطالعه: زنان منطقه چهار شهری تهران). *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۹(۳۰)، ۱۰۵-۱۴۱.

صبوری، سمیه (۱۳۹۰). بررسی میزان سلامت اجتماعی در بین کارمندان آموزش و پرورش منطقه ۱۱ شهر تهران. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

عبدالله تبار، هادی؛ کلدی، علیرضا؛ محقق‌کی، کمال، سید حسین؛ فروزان، آمنه و صالحی، مسعود. (۱۳۸۷). بررسی سلامت اجتماعی دانشجویان. *رفاه اجتماعی*، سال هشتم، (۳۰-۳۱)، ۱۷۱-۱۸۹.

فقهی فرهمند، ناصر و زنجانی، سعید (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی با امنیت خانواده. *مطالعات جامعه‌شناسی*، ۴(۱۰)، ۹۹-۱۱۲.

کاظمی، سعید و ملکان، عمران (۱۳۹۵). سرمایه اجتماعی و نقش آن در سازمان. در دومین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران.

کرراهی‌مقدم، سیروس (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی و تندرستی. *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، ۲۲۵-۲۲۶ (۲۰)، ۲۲۸-۲۳۱.

مطلبی، منیژه؛ حیدرآبادی، ابوالقاسم؛ رحمانی‌فیروزجاه، علی و عباسی‌اسفجیر، علی‌اصغر (۱۳۹۹). بررسی جامعه‌شناختی رابطه بین سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی (مطالعه موردی دانش‌آموزان منطقه پنج تهران). *مطالعات جامعه‌شناسی*، ۴۷ (۱۳)، ۵۹-۷۰.

نامور، اکبر (۱۳۸۸). *تحلیل جامعه‌شناختی بیماری قلبی و عروقی: مطالعه موردی شهر بوشهر*. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

نیازی، محسن؛ حسینی‌زاده‌آرانی، سیدسعید؛ سخایی، ایوب و امام‌علیزاده، حسین (۱۳۹۵). فراتحلیل مطالعات و تحقیقات سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی. *انتظام اجتماعی*، ۱۷ (۸)، ۱-۳۴.

نیازی، محسن؛ یعقوبی، داریوش؛ سخایی، ایوب و حسینی‌زاده‌آرانی، سیدسعید (۱۳۹۷). فراتحلیل تأثیر سرمایه اجتماعی بر سلامت روان. *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۶ (۴)، ۱۴۱-۱۷۶.

نیک‌ورز، طیبه و یزدان‌پناه، لیلا (۱۳۹۴). رابطه عوامل اجتماعی با سلامت اجتماعی دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۶ (۳)، ۹۹-۱۱۶. هزارجریبی، جعفر و مهری، اسدالله (۱۳۹۱). تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و سلامت روانی و اجتماعی. *علوم اجتماعی (دانشگاه علامه طباطبائی)*، ۵۹ (۰)، ۴۱-۸۸.

همتی، الهام؛ مهدوی، محمدصادق و بقایی‌سرابی، علی (۱۳۹۲). تأثیر حمایت اجتماعی بر سلامت اجتماعی زنان سرپرست خانوار شهر رودهن. *پژوهش اجتماعی*، ۱۸ (۶)، ۴۵-۶۱.

همتی‌راد؛ فرزانه؛ کشاورز، امراله و مؤمنی (۱۳۹۷). رابطه سرمایه اجتماعی با سلامت اجتماعی در دانش‌آموزان متوسطه دوم. *فصلنامه مددکاری اجتماعی*، ۷ (۲)، ۷-۱۴. یحیی‌زاده، حسین و رمضان، محمود (۱۳۹۳). سلامت اجتماعی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن مطالعه موردی: زنان سرپرست خانوار شهر قروه. *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۵ (۱۶)، ۶۸-۱۰۲.



- Bergman, Nicole UH (2007). Understanding space, place and leisure of women over 85 living in the community.
- Bourdieu, P. (1986). The Forms of Capital, in JG Richardson (ed.) *Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education*. NY: Greenwood.
- Campbell, Catherine; Wood, Rachel & Kelly, Moira (1999). *Social capital and health*. Health Education Authority.
- Carrillo Álvarez, Elena & Riera Romani, Jordi (2017). Measuring social capital: further insights. *Gaceta sanitaria*, (31), 57-61.
- Coleman, James S. (1988). Social capital in the creation of human capital. *American journal of sociology*, (94), S95-S120
- Ferlander, Sara (2007). The importance of different forms of social capital for health. *Acta sociologica*, 50(2), 115-128.
- Fukuyama, Francis (2000). Social capital and civil society. Available at SSRN 879582.
- Fukuyama, Francis (2002). Social capital and development. *SAIS Review (1989-2003)*, 22(1), 23-37.
- Gilbert, Keon L.; Quinn, Sandra C.; Goodman, Robert M.; Butler, James & Wallace, John (2013). A meta-analysis of social capital and health: a case for needed research. *Journal of health psychology*, 18(11), 1385-1399.
- Josten, Stefan Dietrich (2004). Social capital, inequality, and economic growth. *Journal of Institutional and Theoretical Economics (JITE)/Zeitschrift Für Die Gesamte Staatswissenschaft*, 663-680.
- Kawachi, Ichiro; Subramanian, Sankaran Venkata & Kim, Daniel (2008). Social capital and health. In *Social capital and health*, (1-26). Springer.
- Keyes, Corey LM. & Shapiro, Adam D. (2004). Social well-being in the United States: A descriptive epidemiology. *How healthy are we*, 15(3), 350-72.
- Larson, James S. (1993). The measurement of social well-being. *Social indicators research*, 28(3), 285-296.
- Larson, James S. (1996). The World Health Organization's definition of health: Social versus spiritual health. *Social indicators research*, 38(2), 181-192.
- Pope, Jeanette (2003). *Social capital and social capital indicators: A reading list*. Public Health Information Development Unit [for the] Commonwealth Department...
- Portes, Alejandro (1998). Social capital: Its origins and applications in modern sociology. *Annual review of sociology*, 24(1), 1-24.
- Putnam, Robert D (1994). Social capital and public affairs. *Bulletin of the American Academy of Arts and Sciences*, 5-19.
- Putnam, Robert (2001). Social capital: Measurement and consequences. *Canadian journal of policy research*, 2(1), 41-51.
- Schnur, Olaf (2005). Exploring Social Capital As An Urban Neighbourhood Resource: Empirical Findings And Strategic Conclusions Of A Case Study In Berlin-Moabit. *Tijdschrift voor economische en Sociale Geografie*, 96(5), 488-505.

- Turner, Jonathan H. & Turner, Peter R. (1978). *The structure of sociological theory*. Dorsey Press Homewood, IL.
- Wilkinson, Richard G. (2020). Income inequality, social cohesion, and health: clarifying the theory-a reply to Muntaner and Lynch. In *The Political Economy of Social Inequalities* (347-365). Routledge.
- Xue, Xindong; Reed, W. Robert & Menclova, Andrea (2020). Social capital and health: A meta-analysis. *Journal of Health Economics*, (72), 102317.

References

- Abdollah Tabar, Hadi; Kaldi, Alireza; Mohagheghi Kamal, hossein & setare forouzan, Amene; Salehi, Masood and. (2008). A Study of Social Well-being among Students. *Social Welfare*, 8(30).
- Afshani, Alireza & Shiri Mohamdabadi, Hamideh (2018). The role of social capital in promoting social health of women in Yazd. *Women Studies*, 8(22), 1-20. (In Persian)
- Amini Rarani, Mostafa; Mousavi, Mir Taher & Rafiey, Hassan (2011). Correlation of Social Capital with Social Health in Iran. *Social Welfare Quarterly*, 11(42), 203-228. (In Persian)
- Bergman, Nicole UH. (2007). Understanding space, place and leisure of women over 85 living in the community.
- Bourdieu, Pierre (1986). The forms of capital. *Cultural theory: An anthology. Handbook of theory and research for the sociology of education*, 241-258.
- Campbell, Catherine; Wood, Rachel & Kelly, Moira (1999). *Social capital and health*. Health Education Authority.
- Carrillo Álvarez, Elena & Riera Romani, Jordi (2017). Measuring social capital: further insights. *Gaceta sanitaria*, (31), 57-61.
- Coleman, James S. (1988). Social capital in the creation of human capital. *American journal of sociology*, (94), S95-S120
- Ebrahimi, Pezhman; Hasani, Gholam Reza & Afshani, Alireza (2018). The relationship between social capital and improving the well-being of citizens in Mashhad. *Khorasan Social Cultural Studies Quarterly*, 13(1), 7-34. (In Persian)
- Ebrahimipoor, Davood; Poorjebeli, Robabeh & Ramazani Mamaghani, Roohangiz (2012). The relation of socio-economic factors with social health of guidance and high school teachers of Azarshahr city. *Sociological studies*, 5(14), 47-67. (In Persian)
- Fegh-hi Farahmand, Nasser & Zanjani, Saied (2011). The examination of the relationship between social capital and health and social security. *Sociological studies*, 4(10), 99-112. (In Persian)
- Ferlander, Sara (2007). The importance of different forms of social capital for health. *Acta sociologica*, 50(2), 115-128.
- Fukuyama, Francis (2000). *Social capital and civil society*. Available at SSRN 879582.
- Fukuyama, Francis (2002). *Social capital and development*. SAIS Review



(1989-2003), 22(1), 23-37.

Gilbert, Keon L.; Quinn, Sandra C.; Goodman, Robert M.; Butler, James & Wallace, John (2013). A meta-analysis of social capital and health: a case for needed research. *Journal of health psychology*, 18(11), 1385-1399.

Hamati, Elham; Mahdavi, Mohammad Sageq & Baghaei Saraei, Ali (2013). The effect of social support on the social health of female heads of households in Rodhen city. *Social Research*, 18(6), 45-61. (In Persian)

Hamatyrad, Fazaneh; Keshavarz, Amrolah & Momeni, Hasan and (2018). The Relationship Between Social Capital on Social Health of High School Students. *Quarterly Journal of Social Work*, 7(2), (In Persian)

Hatami, Parisa (2010). Investigating factors affecting the social health of students with an emphasis on social networks. Allameh Tabatabai University. (In Persian)

Hezar Jaribi, Jafar & Mehri, Asadollah (2012). An Analysis of the Relationship between Social Capital and Mental and Social Health. *Journal of Social Sciences*, 59(59), 41. (In Persian)

Josten, Stefan Dietrich (2004). Social capital, inequality, and economic growth. *Journal of Institutional and Theoretical Economics (JITE)/Zeitschrift Für Die Gesamte Staatswissenschaft*, 663-680.

Karahimoghadam, Sirous (2006). Social capital and well-being. *Political-economic information*, 225-226(20), 228-231. (In Persian)

Kawachi, Ichiro; Subramanian, Sankaran Venkata & Kim, Daniel (2008). *Social capital and health: a decade of progress and beyond*. Springer.

Kazemi, Saeid & Malekan, Omran (2016). Social capital and its role in the organization. In *The second national conference of management and humanities researches in Iran*. Azad University of Ghazvin. (In Persian)

Keyes, Corey LM & Shapiro, Adam D. (2004). Social well-being in the United States: A descriptive epidemiology, 15(3), 350-72.

Khamehchi, Hamed & Rangriz, Hassan (2019). A Meta-Analysis of Social Capital Consequences. *Social Capital Management*, 6(4), 603-624. <https://doi.org/10.22059/jscm.2019.290118.1920>. (In Persian)

Larson, James S. (1993). The measurement of social well-being. *Social indicators research*, 28(3), 285-296.

Larson, James S. (1996). The World Health Organization's definition of health: Social versus spiritual health. *Social indicators research*, (38), 181-192.

Motalebi, Manijeh; Heidarabadi, Abolghasem; Rahmani, Ali & Abassi, Ali asghar (2020). A Sociological Study of the Relationship between Social Capital and Social Health (Case Study of Five Students of Tehran Region). *Sociological studies*, 13(47), 59-70. <https://doi.org/10.30495/jss.2020.1900466.1219>. (In Persian)

Namvar, Akbar (2009). Sociological analysis of cardiovascular disease: a case study in Bushehr city. *Tabiyat Modares*. (In Persian)

Niazi, Mohsen; Housini Zadeh, Saeid; Sakhaei, Aioub & Alizadeh, Housein

- Emam (2016). Meta-analysis of studies and research of social capital and sense of social security. *Entezam-e-Ejtemaei*, 8(1), 1-25. (In Persian)
- Niazi, Mohsen; Yaghoubi, Dariush; Sakhaei, Ayoub & Hosseinizadeh Arani, Seyed Saeed (2018). Meta-analysis of the Effect of Social Capital on Mental Health. *Socio-Cultural Strategy*, 6(4), 141-176. (In Persian)
- Park, John Ort. (2011). Textbook of preventive and social medicine: general health services (first part). (H. Shojaei Tehrani, tran.). Samat.
- Pope, Jeanette (2003). Social capital and social capital indicators: A reading list. Public Health Information Development Unit [for the] Commonwealth Department
- Portes, Alejandro (1998). Social capital: Its origins and applications in modern sociology. *Annual review of sociology*, 24(1), 1-24.
- Putnam, Robert D. (1994). Social capital and public affairs. *Bulletin of the American Academy of Arts and Sciences*, 5-19.
- Putnam, Robert D. (2013). Making democracy work: Civic traditions in modern Italy. (M. T. Delforouz, tran.). Jameshenasan. (In Persian)
- Putnam, Robert (2001). Social capital: Measurement and consequences. *Canadian journal of policy research*, 2(1), 41-51.
- Putnam, Roubert; Colmen, Jamez; Ofeh, Cllavs; Bourdiou, Pirre; Fukuyama, Fransis; Purts, Alhandrou & Wolkak, Maikel (2010). Social Capital: Trust, Democracy and Development. (A. Khakbaz, H. Poyan, & K. Tajbakhsh, trans.). Shirazeh. (In Persian)
- Rad, Firooz; Mohammadzadeh, Fatemeh & Mohammadzadeh, Hamideh (2016). Religion and Social Health: The Relationship between Religiosity and Social Health (A Case study of the Students of Payame Noor University, Marand). *Journal of Social Sciences Ferdowsi University of Mashhad*, 12(2), 137-168. <https://doi.org/10.22067/jss.v12i2.35605>. (In Persian)
- Sabouri, Somayeh (2011). Investigating the level of social health among education employees in the 11th district of Tehran. *Payame Noor University*. (In Persian)
- Sakhaei, Ayoub (2018). Sociological explanation of social health among the citizens of Kashan city. *Kashan University*. (In Persian)
- Samaram, Ezatollah (2009). Investigating the relationship between social health and social security with an emphasis on the community-oriented police approach. *Social Discipline Quarterly*, 1(1).
- Samei, Morsadeh; Rafei, Hasan; Amini Rarani, Mostafa & Akbariyan, Mahdi (2010). Iran's social health: from consensus-based definition to evidence-based index. *Journal of social issues of Iran*, 1(2), 31-51. (In Persian)
- Schnur, Olaf (2005). Exploring Social Capital As An Urban Neighbourhood Resource: Empirical Findings And Strategic Conclusions Of A Case Study In Berlin-Moabit. *Tijdschrift voor economische en Sociale Geografie*, 96(5), 488-505.
- Sharbatian, Mohammad Hasan (2005). Measuring the level of benefit from social health indicators of youth aged 18 to 30 in Qain city and the factors affecting it. *Payame Noor University*. (In Persian)



- Sharbatiyan, Mohammad Hassan (2012). The Semantic Components Reflecting the link between Social Capital and the Rate Social health of the Benefit of Students of Payam Noor University, Mashhad. *Sociological Studies of Youth Journal*, 2(5), 149. (In Persian)
- Sharbatiyan, Mohammadhassan & Amini, Nafeseh (2017). A Sociological Analysis of the Relationship between Social Capital and Women's Social Health (Case Study: The Women Living in Tehran's Fourth Municipal District). *Social Development & Welfare Planning*, 9(30), 105-141. <https://doi.org/10.22054/qjsd.2017.8011>. (In Persian)
- Tavakol, Mohammad (2015). Social Health: Dimensions, Components, and Indicators in Iranian and World Studies. *Bioethics Journal*, 4(14), 115. (In Persian)
- Turner, Jonathan H. & Turner, Peter R. (1978). *The structure of sociological theory*. Dorsey Press Homewood, IL.
- Wilkinson, Richard G. (1999). Income inequality, social cohesion, and health: clarifying the theory-a reply to Muntaner and Lynch. *International Journal of health services*, 29(3), 525-543.
- Xue, Xindong; Reed, W. Robert & Menclova, Andrea (2020). Social capital and health: a meta-analysis. *Journal of Health Economics*, (72), 102317.
- Yahyazadeh, Hossein & Ramazani, Mhmvd (2013). The Study of the Social Health Rate and The Social Factors Effective on it: A Case Study of Women Heading Households in Qurveh. *Social Development & Welfare Planning*, 4(16), 68-102. <https://doi.org/10.22054/qjsd.2013.839>. (In Persian)
- Yazdanpanah, Leila & Nikvarz, Tayebah (2015). The relationship between social factors and the social health of Shahid Bahonar University students in Kerman. *Applied Sociology*, 59(26), 99-116. (In Persian)
- Zaki, Mohammad Ali & Khoshouie, Maryamolsadat (2013). Social health and factors affecting it among the citizens of Isfahan city. *Urban Sociological Studies*, 3(8), 79-108.
- Zanjanizadeh, homa; Salehabadi, ebrahim & jafarian yazdi, neda (2015). Effect of Social Capital on Domestic Violence against Women in Mashhad. *Quarterly Journal of Social Development (Previously Human Development)*, 9(2), 7-46. (In Persian)

اولویت‌بندی گزیدارهای آموزشی و مشاوره‌ای دانشگاه به نومتأهلان دانشجو: گامی همسو با قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت

مهتاب پورآتشی

عضو هیئت علمی، گروه مطالعات تطبیقی در آموزش عالی، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، تهران، ایران.
m.pouratashi@irphe.ir

چکیده

قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، دانشگاه‌ها را مکلف کرد تا فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی و فرهنگی در زمینه تحکیم خانواده و مبتنی بر نقشه مهندسی فرهنگی کشور به دانشجویان ارائه دهند. یکی از موارد در این راستا آموزش و ارتقای مهارت‌های ارتباطی به نومتأهلان دانشجو است. آموزش‌های مهارت‌های ارتباطی و ارتقای چنین مهارت‌هایی تأثیر قابل توجهی بر رضایتمندی، تحکیم خانواده و خرسندی زندگی مشترک دارد و چنین آموزش‌هایی را می‌توان از طرق مختلف همچون سخنرانی و نشست، برگزاری کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی، مشاوره‌های فردی و گروهی ارائه کرد. در این پژوهش، از درخت تصمیم‌گیری سه‌سطحی هدف، معیارها و گزیدارها و روش تحلیل سلسله‌مراتبی برای اولویت‌بندی معیارها و گزیدارهای ارائه آموزش و مشاوره مهارت‌های ارتباطی به نومتأهلان دانشجو بهره گرفته شد. داده‌ها از طریق تکمیل ۱۵ پرسشنامه توسط استادان باتجربه رشته مشاوره گردآوری و با استفاده از نرم‌افزار آماری Expert Choice تحلیل شد. بر اساس نتایج تحلیل سلسله‌مراتبی، معیار اثرگذاری (تغییر دانش و مهارت) با وزن نسبی ۰/۴۱۶ نسبت به دیگر معیارها برتری داشت. با تلفیق وزن‌ها، هفت گزیدار آموزشی و مشاوره‌ای مهارت‌های ارتباطی با در نظر گرفتن پنج معیار به ترتیب زیر اولویت‌بندی شدند: (۱) برگزاری دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت نظری و عملی، (۲) برگزاری کارگاه آموزشی (یک یا دو روزه)، (۳) آموزش و مشاوره فردی، (۴) برگزاری نشست و سخنرانی حضوری به همراه پرسش و پاسخ، (۵) برگزاری وبینار، (۶) اردوی فرهنگی آموزشی و (۷) توزیع کتاب و جزوه آموزشی.

کلیدواژه‌ها: قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، دانشگاه، آموزش، مشاوره، نومتأهلان دانشجو، مهارت‌های ارتباطی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۹ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۱/۰۸/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۲۷
فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال ۱۲، شماره ۲، پیاپی ۴۷، تابستان ۱۴۰۲، صص ۴۵۵-۴۸۲

مقدمه و بیان مسئله

خانواده بسان مهم‌ترین نهاد اجتماعی که در تکامل جوامع بشری نقش مهم و ارزشمندی دارد از مهم‌ترین رویدادهای زندگی بشر به‌شمار می‌آید و مبتنی بر ازدواج و پیوند زناشویی است. براین‌اساس، حفظ زندگی مشترک و تحکیم خانواده همراه با خشنودی و رضایتمندی از اهمیت بسیاری برخوردار است و بدین‌جهت ازجمله موضوع‌های دارای اولویت کشور مطرح شده است و مصوبه‌ها و قوانینی در این زمینه به تصویب رسیده و جهت اجرایی‌سازی به نهادهای مرتبط ابلاغ شده است. قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در جلسه مورخ بیست و چهارم مهرماه ۱۴۰۰ انجمن مشترک طرح جوانی جمعیت و حمایت از خانواده مجلس شورای اسلامی مطابق اصل هشتاد و پنجم (۸۵) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب و پس از موافقت مجلس با اجرای آزمایشی آن به مدت ۷ سال، به تأیید شورای نگهبان رسید و جهت اجرا ابلاغ شد. مطابق با ماده ۱ این قانون «در راستای اجرای سیاست‌های کلی جمعیت و خانواده و بندهای (۴۵)، (۴۶) و (۷۰) سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه و ماده (۴۵) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) مصوب ۱۳۹۳/۱۲/۴ موضوع اجرای نقشه مهندسی فرهنگی کشور و سند جمعیت و تعالی خانواده و مواد (۷۲)، (۹۴)، (۱۰۲)، (۱۰۳)، (۱۰۴) و (۱۲۳) قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، احکام مقرر در این قانون با رعایت مصوبه‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی لازم‌الاجراء است». همچنین، مطابق با ماده ۲ این قانون «کلیه وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های زیرمجموعه دولت موظفند دستورالعمل‌ها، برنامه‌ها و منشورات مرتبط با خانواده، فرزندآوری و جمعیت را در چهارچوب مصوبه‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی تهیه کرده و جهت تحقق تبصره (۴) راهبرد کلان سوم نقشه مهندسی فرهنگی کشور هر شش ماه یک بار به مجلس شورای اسلامی و شورای عالی انقلاب فرهنگی گزارش دهند».

شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۸۴ «اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاست‌های تحکیم و تعالی آن» را مصوب نمود و به بیان اهداف هفت‌گانه و ارائه راهبردهایی برای هر یک از اهداف پرداخت. راهبرد کلان ۳ نقشه مهندسی فرهنگی کشور (مصوب سال ۱۳۹۱)، نیز به «تبیین، تشکیل، تحکیم، تعالی و ایمن‌سازی

خانواده» اختصاص یافته است. از جمله راهبردهای ملی این کلان راهبرد به‌صورت زیر می‌باشد:

۳. تحکیم خانواده از طریق:
- ۱-۳. تقویت کارکردهای خانواده؛
- ۲-۳. نهادینه‌سازی نقش‌های حیاتی و تکالیف و حقوق متقابل اعضای خانواده؛
- ۳-۳. ارتقای مهارت‌های زندگی؛
- ۴-۳. طراحی و پیاده‌سازی الگوی خانواده و سبک زندگی اسلامی ایرانی بر اساس آگاهی و علم، مبانی و ارزش‌ها، اخلاق، احکام و آموزه‌های اسلامی؛
- ۵-۳. ارتقای نقش همسری و مادری متناسب با حضور اجتماعی هماهنگ با شأن و منزلت زنان؛
- ۶-۳. تقویت نقش همسری و پدری مردان به عنوان راهبر خانواده؛
- ۷-۳. گسترش و تعمیق مودت، محبت و رحمت بین اعضای خانواده؛
- ۸-۳. حمایت از سالمندان و تأمین و ارتقای بهداشت جسمی و روانی و کیفیت زندگی سالمندان در خانواده و جامعه؛
- ۹-۳. تعلیم، تکریم و تأمین سلامت جسمی و روحی، امنیت و حقوق همه‌جانبه کودکان و نوجوانان.»

براین اساس، بایسته است دانشگاه‌ها بسان مهم‌ترین مرکز آموزشی و با بهره‌گیری از منابع اطلاعاتی و ارتباطی گوناگونی که در دسترس است و هر یک مزایای خاص خود را دارد، آموزش‌ها و مشاوره‌های مرتبط با مهارت‌های زندگی را به زوجین ارائه کنند. با عنایت به این مهم، این پرسش اصلی مطرح می‌شود که گزیدارهای دانشگاه‌ها برای ارائه آموزش و مشاوره مهارت‌های زندگی به نومتأهلان دانشجوی، که از جمله مهم‌ترین مهارت‌ها، مهارت‌های ارتباطی است؛ کدامند؟ پاسخ به این پرسش از طریق تحلیل سلسله‌مراتبی ارائه خواهد شد.

مطابق با گزارش وضعیت اجتماعی و فرهنگی ایران (بهار ۱۴۰۰)، طول مدت ازدواج بیشتر طلاق‌های ثبت شده در طی سال‌ها بین یک تا پنج سال است؛ به‌عنوان مثال، در بهار ۱۴۰۰، تعداد طلاق ثبت شده برحسب طول مدت ازدواج ۱ تا ۵ سال برابر با ۱۱۱۱۸ مورد بوده است و در پاییز ۱۳۹۹ نیز تعداد طلاق در همین طول مدت ازدواج برابر با ۱۴۳۶۳ مورد بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰). افزایش آمار طلاق، خواه طلاق عاطفی یا قانونی، این نهیب را می‌زند که علاج واقعه را قبل از وقوع باید کرد؛ لذا، از آنجاکه پیشگیری مقدم بر درمان است لازم است با

تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی مناسب جهت حمایت از زندگی مشترک از جدایی و طلاق زوجین جلوگیری کرد. در این راستا، ارائه آموزش‌های مهارت‌های دوران ازدواج و زندگی زناشویی به زوجین از جمله عوامل مهم در زندگی زناشویی رضایتمند و تحکیم خانواده است. با توجه به اینکه مشکلات و مسائل ارتباطی، یکی از بنیانی‌ترین ریشه‌های مشکلات خانوادگی است (جاویدی و دیگران، ۱۳۹۲) و عدم آشنایی زوجین با مهارت‌های ارتباطی از عواملی است که می‌تواند سبب‌ساز ایجاد اختلاف و تعارض میان زوجین شود و جدایی و طلاق را به همراه داشته باشد؛ لذا، آموزش و کسب مهارت‌های ارتباطی را می‌توان از جمله مهم‌ترین فصل در صیانت از تحکیم خانواده بیان نمود و لازم است نومتأهلان و حتی زوجینی که چند سال از زندگی مشترک آنها گذشته است، نسبت به مهارت‌های ارتباطی آگاهی و مهارت کافی کسب کنند و بتوانند ضمن ایجاد رابطه‌ای صمیمی، خشنودکننده و رضایت‌بخش، به هنگام مواجهه با چالش و تعارض نیز هوشمندانه با موقعیت تعارض‌زا مواجه شده و مسئله را حل کنند. در بند ۴ سیاست‌های کلی جمعیت که در سال ۱۳۹۳ ابلاغ شد، تحکیم بنیان و پایداری خانواده «با تأکید بر آموزش مهارت‌های زندگی و ارتباطی و ارائه خدمات مشاوره‌ای بر مبنای فرهنگ و ارزش‌های اسلامی - ایرانی» مطرح شد.

از سوی دیگر، دانشجویان به عنوان سرمایه‌های ملی و آینده‌سازان جامعه مطرح هستند و لذا، هر نوع چالش و درگیری ذهنی به‌خصوص مسائل مرتبط با زندگی مشترک می‌تواند پیامدهای منفی بر سلامت جسمی، روحی و روانی و همچنین، وضعیت تحصیلی آنان بگذارد. بر این اساس و با توجه به آنچه بیان شد، ارائه آموزش‌ها و مشاوره‌های مرتبط با مهارت‌های ارتباطی به نومتأهلان دانشجویان از اهمیت بسیاری برخوردار است. مطابق با ماده ۳۵ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت «وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و کلیه مؤسسات آموزش عالی کشور، مکلفند در راستای سیاست‌های کلی جمعیت و خانواده حداکثر یک سال پس از ابلاغ این قانون، جهت ترویج و آگاهی‌بخشی نسبت به وجوه مثبت ازدواج به هنگام نیاز، آموزش مهارت‌های دوران ازدواج، فرزندآوری، آثار منفی کم‌فرزندی در خانواده و کاهش رشد جمعیت در جامعه، حرمت سقط جنین، نهادینه کردن هنجارهای صیانت از تحکیم خانواده، ایفای نقش‌های خانوادگی و مقابله با محتوای مغایر سیاست‌های جمعیتی، ضمن حذف محتوای آموزشی مخالف فرزندآوری، اقدام‌ها و فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی و فرهنگی ویژه



دانشجویان و نیروی انسانی آموزشی و اداری را مبتنی بر نقشه مهندسی فرهنگی کشور ذیل برنامه‌های سالانه خود انجام دهند». ماده ۱۰۲ قانون برنامه ششم توسعه دولت را موظف کرد با همکاری نهادهای ذی‌ربط به‌منظور تقویت و تحکیم و تعالی خانواده، «آموزش و مشاوره مستمر و مسئولانه نوجوانان و جوانان با اولویت خانواده‌ها قبل، حین و دست‌کم پنج سال پس از ازدواج توسط همه دستگاه‌های ذی‌ربط، به‌ویژه وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، ورزش و جوانان، سازمان بهزیستی، مؤسسات آموزشی عمومی و آموزش عالی دولتی و غیردولتی، سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره و سایر نهادهای ذی‌ربط» را به عمل آورد. به‌طور کلی، مسئله این است که برای مواجهه هوشمندانه با عواملی که سبب اختلاف‌ها و شکست در زندگی مشترک می‌شود و نقش بااهمیت و پیشگیرانه دانشگاه در زمینه آگاهی‌بخشی، آموزش و مهارت‌افزایی به‌منظور کاهش حداکثری آمار طلاق در میان قشر دانشجوی کشور، دانشگاه‌ها باید گزیدارهای پیش‌رو برای ارائه آموزش و مشاوره مهارت‌های ارتباطی را شناسایی کنند و با در نظر گرفتن معیارهای مختلف، بهترین گزینه را استفاده کنند.

۱. اهداف و سؤال‌های پژوهش

هدف محوری این پژوهش تحلیل سلسله‌مراتبی و اولویت‌بندی گزیدارهای ارائه آموزش و مشاوره مهارت‌های ارتباطی به نومتأهلان دانشجو است. در این راستا، پژوهش حاضر به پرسش‌های زیر پاسخ می‌دهد:

- ۱- اهمیت نسبی معیارهای مورد مطالعه برای ارائه آموزش و مشاوره مهارت‌های ارتباطی به نومتأهلان دانشجو کدامند؟
- ۲- اهمیت نسبی گزیدارهای مورد مطالعه برای ارائه آموزش و مشاوره مهارت‌های ارتباطی به نومتأهلان دانشجو بر اساس هر یک از معیارهای مدنظر کدامند؟
- ۳- اولویت‌بندی نهایی گزیدارهای ارائه آموزش و مشاوره مهارت‌های ارتباطی به نومتأهلان دانشجو کدامند؟

۲. پیشینه پژوهش

بررسی پیشینه پژوهشی در خصوص آموزش مهارت‌های ارتباطی و مهارت‌های زندگی به زوجین بیانگر اهمیت و تأثیرگذاری چنین آموزش‌هایی بر کاهش دلزدگی زناشویی (عطاری و دیگران، ۱۳۸۸)، کیفیت زندگی (کارگر؛ قاصد و کیمیایی،

(۱۳۹۵)، امیدواری زوجین (یوسفی، ۱۳۹۵)، کاهش الگوهای ارتباطی اجتنابی متقابل (Vyskocilova & Prasko, 2012)، سازگاری زناشویی (دارابی؛ کاظمی اصل و مسعودی، ۱۳۹۴)، کاهش طلاق عاطفی (علیزاده کندری، ۱۳۹۹) و رضایتمندی زناشویی (Halford & et al., 2015؛ کارگر؛ قاصد و کیمیایی، ۱۳۹۵) است.

نبی‌زاده و غلامزاده جفره (۱۴۰۱) در پژوهشی دریافتند برنامه آموزش کاربرد عملی مهارت‌های رابطه صمیمانه بر بهبود سبک‌های ارتباطی و ابراز هیجان زنان دارای نارضایتمندی زناشویی اثربخش است. نتایج پژوهش کریمی؛ احمدی و زهراکار (۱۳۹۹) نشان داد آموزش مهارت‌های زناشویی بر الگوهای ارتباطی زنان تأثیرگذار است و سبب بهبود الگوهای ارتباطی زوج می‌شود. غلامزاده؛ عطاری و شفیعی‌آبادی (۱۳۸۸) در بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی بر همراهی عاطفی و ارتباط زوجین دریافتند که آموزش مهارت‌های ارتباطی، موجب افزایش ارتباط و همراهی عاطفی در گروه آزمایش می‌شود. این پژوهشگران در پژوهش دیگری به بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی بر کارایی خانواده پرداخته و دریافتند آموزش مهارت‌های ارتباطی موجب افزایش کارایی خانواده در مقوله‌های حل مشکل، ارتباط، نقش‌ها، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی، کنترل رفتار و عملکرد کلی خانواده در گروه آزمایش شده است (غلامزاده؛ عطاری و شفیعی‌آبادی، ۱۳۸۸).

نتایج پژوهش پولنیک^۱ و دیگران (۲۰۱۷) نشان داد مهارت‌های ارتباطی قوی زوجین به هنگام تعارض و شرایط ناسازگار، از عواملی است که در رضایتمندی زوجین اثرگذار است. نتایج پژوهش لندبلند و هانسون^۲ (۲۰۰۶) نشان داد آموزش مهارت‌های ارتباطی به بهبود روابط زوجین و توانایی سازش با مسائل و تعارض‌ها و سلامت روان زوجین می‌شود. آلی‌بلی^۳ و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی نشان دادند از مهم‌ترین متغیرهای تبیین‌کننده خشنودی زناشویی مربوط به الگوهای ارتباطی است و پس از آن سبک‌های حل تعارض قرار دارد.

یافته‌های مطالعات پیشین همگی بر اهمیت آموزش و مشاوره مهارت‌های ارتباطی به زوجین صحه می‌گذارند. چنین آموزش‌هایی را می‌توان با استفاده از منابع و مجراهای ارتباطی و اطلاعاتی و گزینه‌های آموزشی گوناگون ارائه کرد. با توجه به اینکه تاکنون پژوهشی به بررسی مناسب‌ترین گزینه‌های ارائه آموزش و مشاوره بر

1. Polenick

2. Lund bland & Hansson

3. Alibeli

اساس معیارهای مختلف نپرداخته است، خلأ پژوهشی در این زمینه مشاهده می‌شود و ضرورت انجام چنین مطالعه‌ای را برجسته می‌سازد.

۳. ملاحظه‌های نظری

۳-۱. مهارت‌های ارتباطی

ارتباط مؤثر و سازنده، شرط لازم برای شادی، سلامت روانی و عاطفی و استحکام زندگی زناشویی است. ارتباط مؤثر، بسان ستون فقرات هر رابطه‌ای، می‌تواند به دلایل مختلف با چالش و مسئله مواجه شود (کریمی؛ احمدی و زهراکار، ۱۳۹۹)؛ لذا، برای هر چه مستحکم‌تر نمودن پیوند میان زوجین، مهارت‌های ارتباطی از جمله مهارت‌هایی است که ضروری است زوجین به آن مجهز باشند.

مهارت‌های ارتباطی، آن دسته از مهارت‌هایی تعریف می‌شود که توسط آنها افراد می‌توانند در تعامل‌های بین‌فردی و فرایند ارتباط درگیر شوند و افکار و احساسات خود را به‌واسطه تبادل کلامی و غیرکلامی با دیگر افراد به اشتراک بگذارند (زارعی؛ میرزایی و صادقی‌فرد، ۱۳۹۷). چنین مهارت‌هایی افراد را در برابر مسائل و تعارض‌های بین‌فردی و بهبود ارتباطات کمک می‌رساند (علیزاده کندی، ۱۳۹۹). از جمله مهارت‌های لازم برای ایجاد روابط بین‌فردی عبارت‌اند از: مهارت‌های گوش دادن، مهارت‌های ابراز وجود، مهارت‌های رفع تعارض، مهارت‌های حل مشکلات اشتراکی و گزینش مهارت‌ها (Bolton, 2011).

الگوهای ارتباطی زوجین را می‌توان در چند گروه به شرح ذیل دسته‌بندی کرد:

الف. الگوی سازنده متقابل: زوجین به‌راحتی در خصوص مسائل و موضوع‌های مدنظر و تعارض‌ها گفتگو می‌کنند و در پی حل تعارض‌ها به شیوه سازنده هستند. در این الگو زوجین در حالت برنده - برنده قرار دارند.

ب. الگوی اجتناب متقابل: زوجین از برقراری ارتباط با یکدیگر خودداری می‌کنند و تعارض و بحث بین آنها به‌صورت مخرب جریان دارد.

پ. الگوی توقع/کناره‌گیر: با پیشروی بحث و جدل از سوی یکی از زوجین، دیگری کناره‌گیری می‌نماید و تشدید این روند به چالش‌های دایم زناشویی می‌انجامد (نبی‌زاده و غلامزاده جفره، ۱۴۰۱).

دی‌فرین و آسای^۱ (۲۰۰۷) نشانگرهای تعاملات و ارتباطات مفید و سازنده را

شامل: تعهد، قدردانی و مهربانی، به‌زیستی معنوی، ارتباطات مثبت، توانایی مدیریت بحران و استرس و گذراندن اوقات مفرح با یکدیگر بیان کرده‌اند. مهارت‌های ارتباطی ابزاری در اختیار زوجین قرار می‌دهد که با آن بتوانند تعارض را حل کرده و رضایت و صمیمیتی که سبب انطباق نیازهای زوج و زوجه می‌شود، افزایش داد و کیفیت زندگی خود را بهبود ببخشند (علیزاده کندری، ۱۳۹۹).

۳-۲. دانشگاه، آموزش مهارت‌های ارتباطی و تحکیم خانواده

روابط عاشقانه و تداوم زندگی زناشویی بستگی زیادی به مجهز بودن زوجین نسبت به مهارت‌های زندگی و مهارت‌های دوران ازدواج دارد؛ بنابراین، یکی از روش‌های مؤثر و کارآمد برای حل تعارض‌های زناشویی و جلوگیری از درماندگی زناشویی، جدایی و طلاق، آموزش مهارت‌هاست. به‌دیگرسخن، از جمله بهترین روش‌ها برای تحکیم خانواده و ایجاد روابط زناشویی مناسب، فراهم کردن آموزش مهارت‌های ارتباطی به زوجین است که به آنها یاری می‌رساند تا تعارض‌های زناشویی را به شیوه اثربخش حل‌وفصل کنند (Yalcin & Karahan, 2007). به‌زعم لندبلند و هانسون، آموزش مهارت‌های ارتباطی و حل تعارض به زوجینی که در تعامل‌های زناشویی با مشکل و چالش مواجه‌اند، آثار مثبتی همچون بهبود روابط زناشویی زوجین به همراه دارد و به کاهش تعارض‌ها و افزایش سلامت روان در آنان می‌انجامد (مامی و دیگران، ۱۳۹۵).

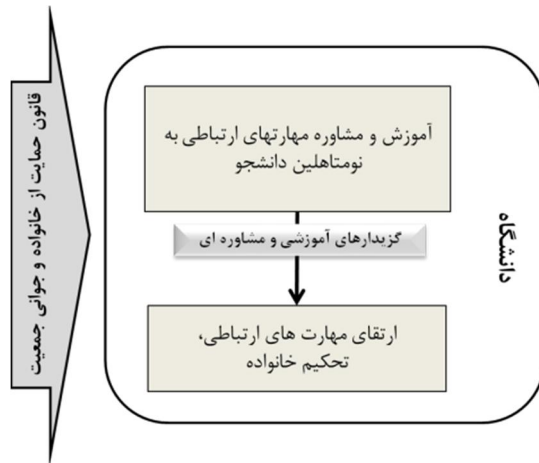
رویکردهای نظری گوناگونی در زمینه آموزش مهارت‌های ارتباطی و با هدف بهبود روابط زناشویی و تحکیم خانواده ارائه شده است. نظریه انتخاب گلاسر از جمله این رویکردها است. مطابق با نظریه انتخاب، زوجین هنگامی که در زندگی مشترک دچار اختلاف و تعارض می‌شوند، می‌کوشند یکدیگر را کنترل کنند (اصغری گنجی و نوایی‌نژاد، ۱۳۹۴). هدف از آموزش مبتنی بر نظریه انتخاب این است که به افراد کمک کند تا مهارت برقراری ارتباط یا ارتباط مجدد با اشخاص مهم زندگی خود را یاد بگیرند (منصوری؛ شهبازی و علوی، ۱۴۰۱). یکی دیگر از رویکردهایی که می‌تواند در غنی‌سازی زندگی زناشویی اثربخش و کارآمد باشد، رویکرد گاتمن است. به‌زعم گاتمن (۱۹۹۳)، ارتباط زناشویی ناخرسند اغلب نتیجه الگوهای ارتباطی منفی بین زوجین است. رویکرد غنی‌سازی گاتمن یا خانه تأهل مستحکم شامل ساخت یک مینا بر اساس دوستی، خوش‌بینی نسبت به احساسات، مدیریت تعارض‌ها و ایجاد نظام مبتنی بر مفاهیم مشترک است (منصوری؛ شهبازی و علوی، ۱۴۰۱). به‌دیگرسخن، هدف زوج‌درمانی به روش گاتمن بازسازی رابطه و تقویت رفاقت زناشویی است تا از



این طریق، به زوج‌ها کمک کند که مدیریت تعارض و معنای داشتن حس مشترک در رابطه را بیاموزند (کریمی؛ احمدی و زهراکار، ۱۳۹۹). بر اساس رویکردهای آموزش مهارت‌های ارتباطی، از اوایل دهه ۱۹۵۰ برنامه‌های غنی‌سازی با هدف تقویت و استحکام ازدواج تدوین و طراحی شده که هدف این برنامه‌ها، تقویت و پُربار ساختن روابط زناشویی است و برای زوجین تازه‌ازدواج‌کرده تا زوجین متعارض و دارای اختلاف کاربرد داشته است (Davis, 2020؛ منصوری؛ شهبازی و علوی، ۱۴۰۱). یکی از برنامه‌های آموزش مهارت‌های ارتباطی زناشویی برنامه مهارت‌های ارتباطی مینه‌سوتا است که توسط میلر و همکاران در اواخر دهه ۶۰ طرح‌ریزی شد و بیشترین کاربرد را در میان برنامه‌های آموزش مهارت‌های زندگی مشترک دارد (Jakubowski & et al., 2004). از جمله ویژگی‌های خاص این برنامه عبارت‌اند از: طرح مهارت‌های خاص گوش‌دادن و حرف زدن جهت فرستادن و دریافت دقیق‌تر پیام‌ها، طرح نقشه‌های ساختگی برای آگاهی زوجین از خود و همسر، تأکید بر جنبه‌های نگرشی و رفتاری در خصوص برقراری ارتباط و حل تعارض، مهارت‌آموزی و ارائه تمرین‌های ارتباطی در جهت بکار بستن این مهارت‌ها (میلر و دیگران، ۱۳۸۸).

اهمیت دانشگاه در آموزش، آگاهی‌بخشی و مهارت‌آموزی مسائل مرتبط با تشکیل خانواده و تحکیم خانواده پایدار و خرسند تا بدان حد است که در قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت (۱۴۰۰)، دانشگاه‌ها مکلفند برای ترویج و آگاهی‌بخشی نسبت به وجوه مثبت ازدواج به هنگام نیاز، آموزش مهارت‌های دوران ازدواج و دیگر مسائل مرتبط با خانواده، اقدامات و فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی و فرهنگی ویژه اعضای دانشگاه و به‌ویژه دانشجویان به انجام برسانند. آموزش‌های مهارت‌های ارتباطی و مرتبط با زندگی مشترک زناشویی می‌تواند از طریق ارائه متون مختلف، سخنرانی‌ها، کلاس‌های درس، جلسات آموزش فردی و گروهی، همکای‌ها و کارگاه‌های آموزشی با حضور زوجین و متخصصان روان‌شناسی ارائه شود (خمسه، ۱۳۸۲؛ به نقل از: منصوری‌نیا و دیگران، ۱۳۹۰). برنامه‌های مشاوره پیش از ازدواج تأثیر معنی‌داری بر کیفیت پیوند زناشویی و زندگی مشترک افراد دارد و عواملی که بر ازدواج پایدار و موفق اثرگذار است از محتوای اساسی چنین برنامه‌هایی می‌باشد (Van Epp & et al., 2008). مدل شماتیک پژوهش در شکل (۱) نمایش داده شده است.





(منبع: یافته‌های پژوهش)

شکل (۱): مدل شماتیک پژوهش

۴. روش پژوهش

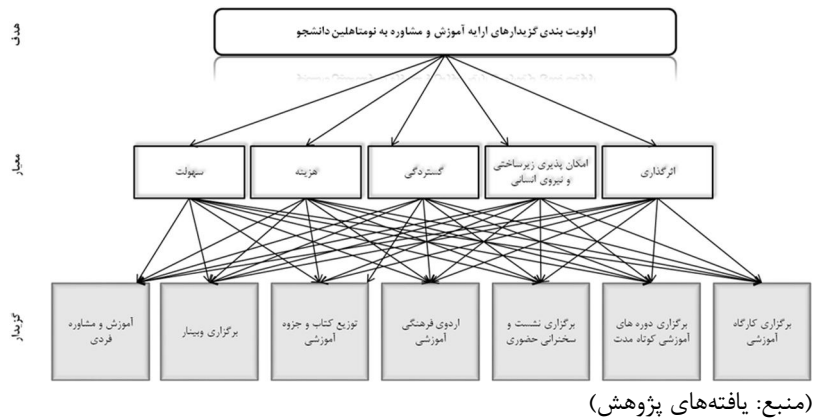
این پژوهش از نظر گردآوری داده‌ها، میدانی و از نظر کنترل متغیرها، غیرآزمایشی است و از روش کمی بهره برده است. در این پژوهش برای اولویت معیارها و گزیدارهای ارائه آموزش و مشاوره مهارت‌های ارتباطی به نومتأهلان دانشجوی از فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی استفاده شد. درخت تصمیم‌گیری و تحلیل سلسله‌مراتبی دارای سه سطح شامل: اهداف، معیارها و گزیدارهاست (شکل ۲).

سطح اول: هدف، مسئله‌ای است که حل آن موردنظر پژوهشگر می‌باشد. در این پژوهش، هدف عبارتست از اولویت‌بندی گزیدارهای مختلف آموزشی و مشاوره‌ای مهارت‌های ارتباطی به نومتأهلان دانشجوی.

سطح دوم: معیارها، سنگ محک هدف می‌باشند. در این مطالعه، پنج معیار درنظر گرفته شد، شامل (c1) اثرگذاری (تغییر دانش و مهارت)؛ (c2) امکان‌پذیری زیرساختی و نیروی انسانی؛ (c3) گستردگی (سطح پوشش)؛ (c4) هزینه (به‌صرفه بودن) و (c5) سهولت.

سطح سوم: گزیدارها، مقصد و منظور هدف در درخت سلسله‌مراتبی می‌باشند و پاسخ هدف از بین گزیدارها به‌دست می‌آید. در این پژوهش، گزیدارها عبارت‌اند از: (I1) برگزاری کارگاه آموزشی (یک یا دو روزه)؛ (I2) برگزاری دوره‌های

آموزشی کوتاه‌مدت نظری و عملی؛ (13) برگزاری نشست و سخنرانی حضوری به همراه پرسش و پاسخ؛ (14) اردوی فرهنگی آموزشی؛ (15) توزیع کتاب و جزوه آموزشی؛ (16) برگزاری وبینار و (17) آموزش و مشاوره فردی.



شکل (۲): درخت تحلیل سلسله مراتبی اولویت‌بندی گزیدارهای آموزشی و مشاوره‌ای به نومتأهلان دانشجوی

فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی با توجه به مقایسه زوجی مشارکت‌کنندگان از مقوله‌ها، وزنی را برای هر گروه ایجاد می‌کند. از آنجایی که امتیازها و رتبه‌ها بر اساس ارزیابی‌های نسبی زوجی ارائه شده توسط مشارکت‌کننده به‌دست می‌آید، این روش ابزار قدرتمندی است. برای این روش، ابتدا معیارها و گزیدارهای مورد تحلیل از طریق بررسی پژوهش‌ها و مطالعات پیشین و نیز با مراجعه به نظر گروهی از صاحب‌نظران آموزش عالی و اعضای هیئت علمی با تجربه آموزشی و پژوهشی مشاوره به‌دست آمد. به‌زعم (Windahl; Signitzer & Olson, 2009)، از جمله مسائل در انتخاب مجراهای ارتباطی و منابع اطلاعاتی شامل گستردگی و اثربخشی است و این دو مورد با توجه به سهولت مدیریت و هزینه تکمیل می‌شود. در پژوهش حاضر، از جمله منابع اطلاعاتی و مجراهای ارتباطی که می‌توان در آموزش و مشاوره استفاده کرد شامل ارائه آموزش و مشاوره‌های فردی، تدوین و انتشار و توزیع منابع اطلاعاتی مانند کتاب و جزوه آموزشی، برگزاری دوره‌های آموزشی نظری و عملی، برگزاری نشست‌های حضوری و مجازی به همراه پرسش و پاسخ، برگزاری کارگاه‌های آموزشی و برگزاری اردوی فرهنگی آموزشی بود. موارد برآمده از گفتگوهای صورت گرفته به



اهمیت معیارها در مقیاس ترجیحاً یکسان، کمی مهم‌تر، مهم‌تر، خیلی مهم‌تر و کاملاً مهم‌تر بود که به ترتیب با اعداد ۱، ۳، ۵، ۷ و ۹ ارزش‌دهی می‌شود و از اعداد زوج (۲، ۴، ۶، ۸) برای ترجیح‌های بینابینی استفاده می‌شود (جدول ۲).

همان‌طور که در شکل (۲) مشاهده می‌شود، مقایسه‌های زوجی بر اساس طیف ۹ درجه ساعتی انجام می‌شود. براین اساس، در مقایسه دو عنصر i و j ، اگر دو عنصر هم اهمیت باشند عدد ۱ انتخاب می‌شود. اگر عنصر i از j کمی مهم‌تر باشد، عدد ۳ انتخاب می‌شود. اگر عنصر i از j مهم‌تر باشد، عدد ۵ انتخاب می‌شود. اگر عنصر i از j خیلی مهم‌تر باشد عدد ۷ انتخاب می‌شود و اگر عنصر i از j کاملاً مهم‌تر باشد، عدد ۹ انتخاب می‌شود. در مقایسه زوجی عناصر یک قانون وجود دارد که شرط معکوسی نامیده می‌شود. بدین ترتیب اگر ترجیح عنصر i به j برابر عدد ۴ باشد، ترجیح عنصر j به i برابر $1/4$ خواهد بود.

جدول (۲): مقادیر ترجیح‌ها برای مقایسه‌های زوجی

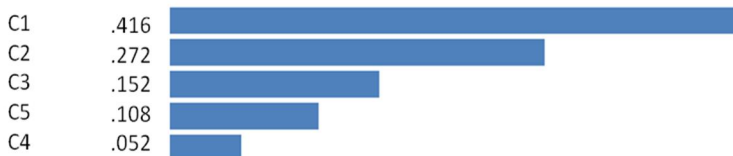
مقایسه	ارزش
۱	ترجیحاً یکسان
۳	کمی مهم‌تر
۵	مهم‌تر
۷	خیلی مهم‌تر
۹	کاملاً مهم‌تر
۲، ۴، ۶، ۸	ترجیح‌های بینابینی بین دو ارزش

پس از گردآوری داده‌ها، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار Expert Choice استفاده شد. این نرم‌افزار آماری، نرم‌افزاری برای تصمیم‌گیری به شیوه فرایند سلسله‌مراتبی است و به اولویت‌بندی معیارها و گزینه‌های مورد مطالعه می‌پردازد تا بتوان بر اساس آن نسبت به انتخاب بهترین گزینه موجود تصمیم‌گیری کرد. در روش تحلیل سلسله‌مراتبی، از نرخ ناسازگاری به منظور مشخص کردن سازگاری در قضاوت‌ها و اعتبار پاسخ مشارکت‌کنندگان با ماتریس‌های مقایسه‌ای استفاده می‌شود و مقدار کمتر از $0/1$ به معنی سازگاری مورد قبول است (Saaty, 1986).

۵. یافته‌های پژوهش

۵-۱. اهمیت نسبی معیارهای مورد مطالعه برای ارائه آموزش و مشاوره مهارت‌های ارتباطی به نومتأهلان دانشجوی

همان‌طور که پیشتر بیان شد، به‌منظور بررسی گزیدارهای آموزشی و مشاوره‌ای به نومتأهلان دانشجوی از تحلیل سلسله‌مراتبی استفاده شد. نخست، مقایسه زوجی معیارهای گزیدارهای آموزشی و مشاوره‌ای صورت گرفت و نتایج در شکل (۴) نشان داده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، معیار اثرگذاری (تغییر دانش و مهارت) با وزن نسبی ۰/۴۱۶ نسبت به دیگر معیارها برتری دارد و بیشترین اهمیت را برای آموزش به نومتأهلان دارد. پس از آن معیار امکان‌پذیری زیرساختی و نیروی انسانی با وزن نسبی ۰/۲۷۲، معیار گستردگی با وزن نسبی ۰/۱۵۲، معیار سهولت با وزن نسبی ۰/۱۰۸ و درنهایت، معیار هزینه با وزن نسبی ۰/۰۵۲ است.



شکل (۴): ضریب اهمیت معیارهای ارزیابی برای دستیابی به هدف

(c1) اثرگذاری (تغییر دانش و مهارت)

(c2) امکان‌پذیری زیرساختی و نیروی انسانی

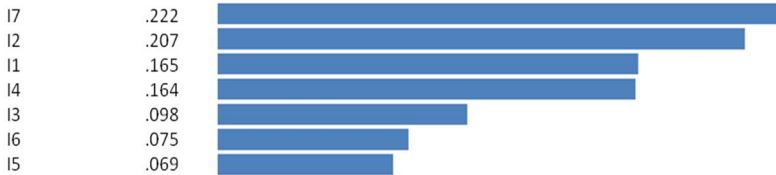
(c3) گستردگی (سطح پوشش)

(c4) هزینه (به صرفه بودن)

(c5) سهولت

۵-۲. اهمیت نسبی گزیدارهای مورد مطالعه برای ارائه آموزش و مشاوره مهارت‌های ارتباطی به نومتأهلان دانشجوی

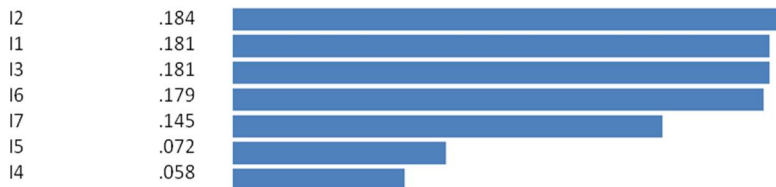
به‌منظور مقایسه زوجی گزیدارهای آموزش و مشاوره‌ای، گزیدارها دوجه‌دو و بر اساس معیارهای پنج‌گانه اثرگذاری، امکان‌پذیری زیرساختی و نیروی انسانی، گستردگی، هزینه و سهولت مقایسه شدند. در سطح معیار اثرگذاری، مقایسه زوجی گزیدارها نشان داد که آموزش و مشاوره فردی با وزن نسبی ۰/۲۲۲ اهمیت بیشتری از سایر گزیدارهای آموزشی و مشاوره‌ای دارد (شکل ۵).



شکل (۵): وزن نسبی گزیدارها با توجه به معیار اثرگذاری

- (11) برگزاری کارگاه آموزشی (یک یا دو روزه)
 (12) برگزاری دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت نظری و عملی
 (13) برگزاری نشست و سخنرانی حضوری به همراه پرسش و پاسخ
 (14) اردوی فرهنگی آموزشی
 (15) توزیع کتاب و جزوه آموزشی
 (16) برگزاری وبینار
 (17) آموزش و مشاوره فردی

در سطح معیار امکان‌پذیری زیرساختی و نیروی انسانی، مقایسه زوجی گزیدارها نشان داد که برگزاری دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت نظری و عملی با وزن نسبی ۰/۱۸۴ اهمیت بیشتری از سایر گزیدارهای آموزشی و مشاوره‌ای دارد (شکل ۶).

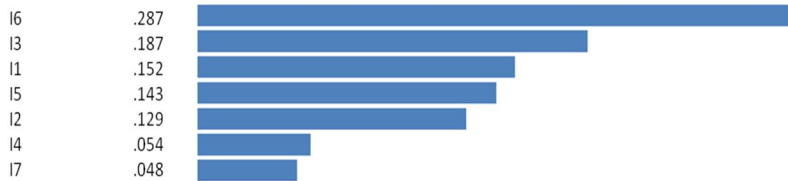


شکل (۶): وزن نسبی گزیدارها با توجه به معیار امکان‌پذیری زیرساختی و نیروی

انسانی

- (11) برگزاری کارگاه آموزشی (یک یا دو روزه)
 (12) برگزاری دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت نظری و عملی
 (13) برگزاری نشست و سخنرانی حضوری به همراه پرسش و پاسخ
 (14) اردوی فرهنگی آموزشی
 (15) توزیع کتاب و جزوه آموزشی
 (16) برگزاری وبینار
 (17) آموزش و مشاوره فردی

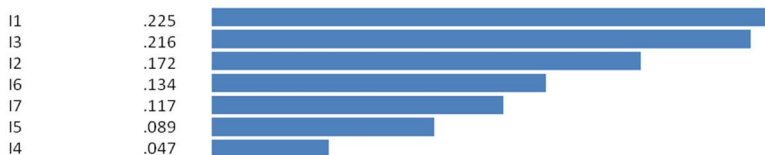
در سطح معیار گستردگی، مقایسه زوجی گزیدارها نشان داد که برگزاری وبینار با وزن نسبی ۰/۲۸۷ اهمیت بیشتری از سایر گزیدارهای آموزشی و مشاوره‌ای دارد (شکل ۷).



شکل (۷): وزن نسبی گزیدارها با توجه به معیار گستردگی

- (11) برگزاری کارگاه آموزشی (یک یا دو روزه)
- (12) برگزاری دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت نظری و عملی
- (13) برگزاری نشست و سخنرانی حضوری به همراه پرسش و پاسخ
- (14) اردوی فرهنگی آموزشی
- (15) توزیع کتاب و جزوه آموزشی
- (16) برگزاری وبینار
- (17) آموزش و مشاوره فردی

در سطح معیار هزینه، مقایسه زوجی گزیدارها نشان داد که برگزاری کارگاه آموزشی با وزن نسبی ۰/۲۲۵ اهمیت بیشتری از سایر گزیدارهای آموزشی و مشاوره‌ای دارد (شکل ۸).

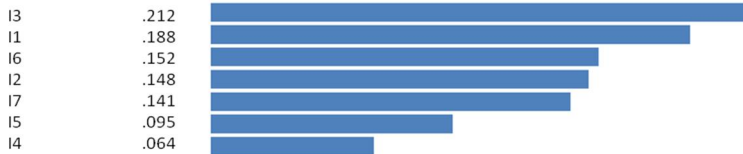


شکل (۸): وزن نسبی گزیدارها با توجه به معیار هزینه

- (11) برگزاری کارگاه آموزشی (یک یا دو روزه)
- (12) برگزاری دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت نظری و عملی
- (13) برگزاری نشست و سخنرانی حضوری به همراه پرسش و پاسخ
- (14) اردوی فرهنگی آموزشی
- (15) توزیع کتاب و جزوه آموزشی
- (16) برگزاری وبینار
- (17) آموزش و مشاوره فردی



در سطح معیار سهولت، مقایسه زوجی گزیدارها نشان داد که برگزاری نشست و سخنرانی حضوری به همراه پرسش و پاسخ با وزن نسبی ۰/۲۱۲ اهمیت بیشتری از سایر گزیدارهای آموزشی و مشاوره‌ای دارد (شکل ۹).



شکل (۹): وزن نسبی گزیدارها با توجه به معیار سهولت

(11) برگزاری کارگاه آموزشی (یک یا دو روزه)

(12) برگزاری دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت نظری و عملی

(13) برگزاری نشست و سخنرانی حضوری به همراه پرسش و پاسخ

(14) اردوی فرهنگی آموزشی

(15) توزیع کتاب و جزوه آموزشی

(16) برگزاری وبینار

(17) آموزش و مشاوره فردی

۳-۵. اولویت‌بندی نهایی گزیدارهای ارائه آموزش و مشاوره مهارت‌های ارتباطی به نومتأهلان دانشجو

هدف سوم این پژوهش اولویت‌بندی نهایی گزیدارهای ارائه آموزش و مشاوره مهارت‌های ارتباطی به نومتأهلان دانشجو بود. بدین منظور، با تلفیق وزن‌ها، هفت گزیدار آموزشی و مشاوره‌ای به نومتأهلان دانشجو با در نظر گرفتن پنج معیار اولویت‌بندی شدند (جدول ۳). براین اساس، برگزاری دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت با وزن ۰/۱۸۱ بالاترین اولویت را کسب کرد. برگزاری کارگاه آموزشی، آموزش و مشاوره فردی، برگزاری نشست و سخنرانی حضوری به همراه پرسش و پاسخ، برگزاری وبینار و اردوی فرهنگی آموزشی اولویت‌های دوم تا ششم و در نهایت، توزیع کتاب و جزوه آموزشی با وزن ۰/۰۸۶ اولویت آخر را کسب کرد.

جدول (۳): اولویت‌بندی گزیدارهای آموزشی و مشاوره‌ای

وزن	دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت نظری و عملی	کارگاه آموزشی	آموزش و مشاوره فردی	نشست و سخنرانی حضوری	وبینار	اردوی فرهنگی آموزشی	توزیع کتاب و جزوه آموزشی
۰/۱۸۱	۰/۱۷۳	۰/۱۵۹	۰/۱۵۳	۰/۱۴۷	۰/۱۰۱	۰/۰۸۶	

مقدار نرخ ناسازگاری که برای بررسی و مشخص نمودن سازگاری در قضاوت‌ها محاسبه شد، برای تمام پنج معیار این مطالعه کمتر از ۰/۱ به‌دست آمد و لذا، مطابق با ساعتی^۱ (۱۹۸۶) سازگاری قضاوت‌ها مورد قبول است.

نتیجه‌گیری

با افزایش جمعیت دانشجویی کشور، ازدواج‌های دانشجویی نیز افزایش یافته است و لذا، بایسته است موضوع مهم ازدواج پایدار، رضایت‌بخش و مستحکم در میان دانشجویان متأهل مورد بررسی عمیق قرار گیرد. یکی از عواملی که می‌تواند زندگی مشترک زوجین را تهدید کند، عدم آشنایی و یا آشنایی اندک آنان با مهارت‌های ارتباطی است. این موضوع توسط جاکوبسن (۱۹۹۶) نیز بیان مطرح شد هنگامی که زوجین دارای مشکلات ارتباطی شوند، پذیرش تفاوت‌های یکدیگر دشوار می‌شود و رضایتمندی از زندگی مشترک کاهش می‌یابد. ازسوی‌دیگر، تحکیم خانواده سالم و خرسند نیازمند آن است که خانواده به‌عنوان محور کلیدی در برنامه‌ها و نظام‌های آموزشی و فرهنگی جای گیرد. نهاد آموزش عالی ازجمله نهادهای فرهنگ‌ساز و تأثیرگذار در جامعه است و براین‌اساس، اهمیت ارائه آموزش و مشاوره مهارت‌های ارتباطی به نومتأهلان دانشجویی که می‌توان گام مهمی همسو با قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت به‌شمار آورد، لزوم مطالعه گزیدارهای آموزشی و مشاوره‌ای را برجسته می‌سازد. این مطالعه سه سؤال کلی را مطرح کرد و با استفاده از فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی پاسخی برای هر یک از سؤال‌های مطرح شده ارائه شد. سؤال اول، اهمیت نسبی معیارهای مورد مطالعه برای ارائه آموزش و مشاوره مهارت‌های

1. Saati



ارتباطی به نومتأهلان دانشجو را مورد پرسش قرار داد. بر اساس مقایسه‌های زوجی و وزن‌های به‌دست‌آمده، مهم‌ترین معیار اولویت‌بندی معیار اثرگذاری (تغییر دانش و مهارت) بود. پس از آن، معیارهای امکان‌پذیری زیرساختی و نیروی انسانی، گستردگی، سهولت و هزینه قرار داشتند. زندگی مشترک رضایتمند و مستحکم مستلزم این است که زوجین بدانند و بیاموزند تا گفتگوی سازنده‌ای با یکدیگر داشته باشند و به هنگام اختلاف و تعارض، موقعیت طرف مقابل را درک کند و از نگاه و دریچه دید همسر خود به زندگی و رویدادهای پیش‌آمده بنگرند. براین اساس، بایسته است دانش و مهارت ضروری را داشته باشند. همسو با این نکته، معیار اثرگذاری نیز از سوی نمونه مشارکت‌کننده در پژوهش از اهمیت و ارزش بیشتری برای ارائه آموزش و مشاوره به نومتأهلان برخوردار شده است. مطالعات پیشین (کارگر؛ قاصد و کیمیایی، ۱۳۹۵؛ یوسفی، ۱۳۹۵؛ علیزاده کندری، ۱۳۹۹؛ Halford & et al., 2015) نیز اهمیت و اثربخشی آموزش‌های مهارت‌های ارتباطی بر ابعاد مختلف زندگی زناشویی را تأیید نمودند. اهمیت معیار اثرگذاری را می‌توان چنین بیان داشت که گفتگوی صحیح و سالم بین زوجین به دانش و مهارت نیاز دارد و از بین رفتن رابطه صمیمی میان زوجین، می‌تواند زندگی مشترک را در مسیر ناخوشایند و روند مخرب قرار دهد. در نتیجه، برقراری ارتباط مبتنی به احترام نیازمند آن است که زوجین بیاموزند و بدانند که چگونه می‌توانند به بهترین نحو با همسر خود گفتگو نمایند و تفاهم متقابل داشته باشند و همچنین، به هنگام دعوا، اختلاف و تعارض، مواجهه هوشمندانه و راهگشا داشته باشند. براین اساس، بایسته است آموزش‌های مهارت‌های ارتباطی بسان عاملی پیشگیری‌کننده و ایمن‌ساز توسط دانشگاه‌ها به‌گونه جدی پیگیری شود و با توجه به اهمیت این موضوع، پیشنهاد می‌شود تا در بخش راهبردها و برنامه اقدام، برنامه راهبردی دانشگاه و در حوزه فرهنگی، چنین آموزش‌هایی نیز نگارش و مورد توجه قرار گیرد تا بر آن اساس بتوان ارزیابی مناسب و روشنگر نیز صورت داد.

سؤال دوم، اهمیت نسبی گزیدارهای مورد مطالعه برای ارائه آموزش و مشاوره مهارت‌های ارتباطی به نومتأهلان دانشجو بر اساس هر یک از معیارهای مدنظر را مورد پرسش قرار داد. بدین‌منظور گزیدارهای شناسایی‌شده برای ارائه آموزش و مشاوره به نومتأهلان دانشجو بر اساس پنج معیار با یکدیگر به‌صورت دوجه‌دو مقایسه و اولویت‌بندی شدند. مطابق با نتایج به‌دست‌آمده، هر یک از شیوه‌های ارائه اطلاعات، دانش و مهارت از منظری دارای ارزش و اولویت نسبی به دیگر شیوه‌ها هستند.

بدین صورت که، آموزش و مشاوره فردی اثرگذاری بیشتری نسبت به سایر گزیدارها دارد و پس از آن، برگزاری دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت نظری و عملی قرار دارد. برگزاری وینار از منظر گستردگی، برگزاری دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت نظری و عملی از منظر امکان‌پذیری زیرساختی و نیروی انسانی، برگزاری کارگاه آموزشی از منظر هزینه و برگزاری نشست و سخنرانی حضوری از منظر سهولت نسبت به دیگر گزیدارها از وزن نسبی بیشتری برخوردار بودند. همان‌طور که بیان شد، گزینه وینار از منظر معیار گستردگی در اولویت نخست بود. این موضوع را می‌توان چنین تحلیل کرد که با بهره‌گیری از وینار، تعداد زیادی از زوجین به راحتی و بدون دغدغه از محدودیت زمان و مکان، می‌توانند جلسات آموزشی را سپری کنند و در پرسش و پاسخ‌ها شرکت نمایند. از نظر هزینه، بیشترین هزینه مربوط به اردوی فرهنگی آموزشی و مقرون‌به‌صرفه‌ترین روش برگزاری کارگاه آموزشی بود. در چنین کارگاه‌هایی بحث و گفتگو با یکدیگر و به اشتراک‌گذاری تجارب به افراد در ارزیابی مهارت‌های ارتباطی خود کمک می‌کند و راه‌های اثربخشی برای مواجهه هوشمندانه با تعارض‌ها را پیشنهاد می‌هد.

سؤال سوم پژوهش اولویت‌بندی نهایی گزیدارهای ارائه آموزش و مشاوره مهارت‌های ارتباطی به نومتأهلان دانشجوی را مورد پرسش قرار داد. بدین‌منظور، با تلفیق وزن‌ها، گزیدارهای آموزشی و مشاوره‌ای به نومتأهلان دانشجوی اولویت‌بندی شدند. نتایج حاکی از آن بود که برگزاری دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت نظری و عملی بالاترین اولویت را در میان سایر گزیدارها دارد. پس از آن، به ترتیب برگزاری کارگاه آموزشی، آموزش و مشاوره فردی، برگزاری نشست و سخنرانی حضوری به همراه پرسش و پاسخ، برگزاری وینار و اردوی فرهنگی آموزشی و توزیع کتاب و جزوه آموزشی در اولویت دوم تا هفتم قرار گرفتند. دانشگاه‌ها می‌توانند نقش بسیار قابل‌توجهی در اجرای قوانین و سیاست‌های مصوب حوزه خانواده و جوانی جمعیت ایفا کنند و با بهره‌گیری از ظرفیت‌های آموزشی، فرهنگی و تربیتی و نیز ارتقا و تقویت مراکز مشاوره دانشگاه، تأثیرگذاری هوشمندانه و سازنده‌ای در جهت تحکیم خانواده داشته باشند. از جمله آموزش‌های ضروری برای نومتأهلان دانشجوی و نیز دانشجویانی که مدت زمانی از زندگی مشترکشان گذشته است، ارائه آموزش‌های مهارت‌های ارتباطی است. هدف آموزش مهارت‌های زندگی کمک به زوجین برای ایجاد زندگی پربار است و همان‌طور که نتایج پژوهش برهانی کاخکی؛ نریمانی و موسی‌زاده (۱۳۹۹) نشان داد، چنین آموزش‌هایی روش‌های مؤثری برای ارتقای



کیفیت زندگی زوجین می‌باشد؛ لذا، پیشنهاد می‌شود مراکز مشاوره دانشگاه‌ها با همکاری ستاد ازدواج دانشجویی دوره‌های کوتاه‌مدت پیش از ازدواج را برای نومتأهلان دانشجو در دستور کار قرار دهند و با بهره‌گیری از مشاوران مجرب، آموزش‌های لازم برای ارتباط اثربخش، نحوه گفتگو و حل تعارض در زندگی زناشویی را ارائه دهند. برنامه‌های آموزشی سبب ارتقا شناخت زوجین از یکدیگر و همچنین یادگیری مهارت‌های ارتباطی مؤثر بین زوجین می‌شود و در این راستا و به منظور ارائه آموزش به زوجین، پیشنهاد می‌شود معاونت فرهنگی، مرکز مشاوره دانشگاه و دیگر واحدهای فعال در زمینه آموزش و مشاوره حوزه خانواده، به‌گونه‌ای هوشمندانه از ترکیب مناسبی از هر یک از گزیدارها استفاده کنند تا اثربخشی هر چه بیشتری به همراه داشته باشد.

با توجه به اهمیت هر یک از گزیدارهای ارائه آموزش، پیشنهاد می‌شود نظارت دقیقی بر شیوه‌های ارائه آموزش صورت گیرد تا از نظر کیفی در سطح مطلوب و اثربخش قرار گیرند و همچنین، دوره‌هایی که توسط دانشگاه در حوزه مهارت‌های زندگی به دانشجویان برگزار می‌شود مورد ارزیابی دقیق قرار گیرد تا بتوان کیفیت دوره‌ها را بررسی و نظارت نمود. ارزیابی از برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای ارائه شده باید بلافاصله بعد از اجرای هر دوره صورت گیرد تا بتوان با تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های به‌موقع، کاستی‌ها را برطرف نمود.

در این پژوهش گزیدارهای ارائه آموزش و مشاوره مهارت‌های ارتباطی به نومتأهلان بررسی شدند. پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی به مطالعه دیگر مهارت‌های زندگی نومتأهلان دانشجو و هم زوجینی که چند سال از زندگی مشترکشان گذشته و حتی صاحب فرزند هستند، پرداخته شود تا بتوان به‌گونه‌ای اثربخش‌تر از تحکیم خانواده و زندگی مشترک رضایتمند و خشنودکننده صیانت نمود. علاوه بر این، پیشنهاد می‌شود دوره‌های آموزشی مهارت‌های ارتباطی برای تمام دانشجویان بدون توجه به وضعیت تأهلشان، برگزار شود تا همگان از آثار مثبت چنین آموزش‌هایی بهره‌مند شوند.



فهرست منابع

- اصغری گنجی، عسکری و نوایی‌نژاد، شکوه (۱۳۹۴). اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی مبتنی بر منبع کنترل درونی در افزایش رضایت زناشویی. *پژوهش‌های روانشناسی بالینی و مشاوره*، سال پنجم، (۱)، ۱۰۱-۱۱۵.
- برهانی کاخکی، مریم؛ نریمانی، محمد و موسی‌زاده، توکل (۱۳۹۹). مقایسه اثربخشی زوج‌درمانی شناختی رفتاری و آموزش مهارت‌های زندگی در ارتقای کیفیت زندگی زوجین متقاضی طلاق سازش‌نیافته. *مجله مطالعات ناتوانی*، سال دهم، (۱)، ۶۱-۸۲.
- جاویدی، نصیرالدین؛ سلیمانی علی‌اکبر؛ احمدی خدابخش و صمدزاده، منا (۱۳۹۲). اثربخشی زوج‌درمانی هیجان‌مدار (EFT) بر بهبود الگوهای ارتباطی زوجین. *تحقیقات علوم رفتاری*، جلد ۱۱، (۵)، ۴۰۲-۴۱۰.
- دارابی، سعداله؛ کاظمی اصل، مجید و مسعودی، محمدحسین (۱۳۹۴). اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر سازگاری زناشویی. *پژوهشنامه مددکاری اجتماعی*، (۲)، ۱۲۱-۱۴۳.
- زارعی، اقبال؛ میرزایی، میترا و صادقی فرد، مریم (۱۳۹۷). ارائه مدلی جهت تبیین نقش مهارت‌های ارتباطی و مهارت‌های حل مسئله در پیشگیری از آسیب‌های روانی و اجتماعی با میانجیگری تعارضات خانوادگی. *فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، سال نهم، (۳۵)، ۱-۲۶.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۴). *اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاست‌های تحکیم و تعالی آن*. تاریخ تصویب: ۱۳۸۴/۴/۷
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۱). *مصوبه نقشه مهندسی فرهنگی کشور*. تاریخ تصویب: ۱۳۹۱/۱۲/۱۵
- عطاری، یوسفعلی؛ حسین‌پور، محمد و راهنورد، سیما (۱۳۸۸). اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی به شیوه برنامه ارتباطی زوجین بر کاهش دلزدگی زناشویی در زوجین. *اندیشه و رفتار*، (۱۴)، ۲۵-۳۴.
- علیزاده کندی، سهیلا (۱۳۹۹). اثربخشی آموزش مهارت ارتباطی بر کاهش طلاق عاطفی زنان آسیب‌دیده از خیانت همسر. *فصلنامه سنجش و پژوهش در مشاوره روانشناسی*، (۳)، ۷۸-۸۶.
- غلام‌زاده، مریم؛ عطاری، یوسفعلی و شفیع‌آبادی، عبدالله (۱۳۸۸). اثربخشی آموزش



مهارت‌های ارتباطی بر همراهی عاطفی و ارتباط زوجین. اندیشه و رفتار، ۳(۱۱)، ۳۵-۴۴.

کارگر، مونا؛ قاصد، فاطمه و کیمیایی، سیدعلی (۱۳۹۵). اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباط زناشویی بر کیفیت زندگی و رضایتمندی زناشویی زوج‌های متعارض. فصلنامه زنان و خانواده، سال یازدهم، (۳۶)، ۱۲۳-۱۴۱.

کریمی، اصغر؛ احمدی، صدیقه و زهراکار، کیانوش (۱۳۹۹). اثربخشی آموزش مهارت‌های زناشویی به روش گاتمن بر الگوهای ارتباطی زنان. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، سال یازدهم، (۴۴)، ۲۵۳-۲۷۸.

مامی، شهرام؛ صفری، عبدالمحمد؛ منصوریان، مرتضی؛ قربانی، مصطفی و کیخاونی، ستار (۱۳۹۵). کاهش تعارضات زناشویی با آموزش مهارت حل مسئله در مراجعین به مرکز مشاوره کمیته امداد امام (رحمت‌الله‌علیه) شهر ایلام. مجله راه‌آورد سلامت، ۱۲(۱)، ۲۹-۳۸.

مجلس شورای اسلامی (۱۴۰۰). قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت. تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۸/۱۹.

مرکز آمار ایران (۱۴۰۰). گزارش وضعیت اجتماعی و فرهنگی ایران. مرکز آمار ایران، بهار ۱۴۰۰. قابل دسترس در: <https://amar.org.ir>

منصوری‌نیا، آذردهخت؛ اعتمادی، عذرا؛ فاتحی‌زاده، مریم‌السادات و حسن‌پور، افسانه (۱۳۹۰). بررسی تأثیر آموزش پیش از ازدواج بر میزان رضایت زناشویی زوجین شهر اصفهان. یافته‌های نو در روان‌شناسی، سال ششم، (۱۲)، ۶۵-۷۸.

منصوری، محمد؛ شهبازی، مسعود و علوی، سیده زهرا (۱۴۰۱). مقایسه اثربخشی آموزش غنی‌سازی زندگی زناشویی بر اساس تئوری انتخاب و نظریه گاتمن بر گذشت در زندگی زناشویی زنان. خانواده‌پژوهی، سال هجدهم، (۶۹)، ۳۹-۵۹.

میلر، شراد و دیگران (۱۳۸۸). آموزش مهارت‌های ارتباط زناشویی: حرف‌زدن و گوش دادن به همدیگر. ترجمه فرشاد بهاری. تهران: انتشارات رشد.

نبی‌زاده، نوشین و غلام‌زاده جفره، مریم (۱۴۰۱). اثربخشی آموزش برنامه کاربرد عملی مهارت‌های رابطه صمیمانه بر سبک‌های ارتباطی و ابرازگری هیجان زنان دارای نارضایتمندی زناشویی. زن و فرهنگ، ۱۴(۵۱)، ۷۱-۸۵.

یوسفی، ناصر (۱۳۹۵). اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر رضایت زناشویی و امیدواری زوجین. روان‌شناسی خانواده، ۳(۱)، ۵۹-۷۰.

- Alibeli, M.; Naamneh, M. M. & Nair, S. (2019). Marital Happiness in Time of Change: the Case of United Arab Emirates (UAE). *Perspectives on Global Development and Technology*, (18), 229-248.
- Bolton, R. (2011). *People Skills: How to Assert Yourself, Listen to Others, and Resolve Conflicts Kindle Edition*. Australia: Simon & Schuster.
- Davis, K. (2020). *One hundred techniques of counseling and marriage and family therapy*. London: Cambridge Press.
- DeFraim, J. & Asay, S. M. (2007). Strong families around the world: An introduction to the family strengths perspective. *Marriage & Family Review*, 41(1-2), 1-10.
- Gottman, J. M. (1993). A theory of marital dissolution and stability. *Journal of Family Psychology*, (7), 57-75.
- Halford, W. K.; Hilpert, P.; Bodenmann, G.; Keithia L.; Larson, J. & Holman, T. (2015). Immediate Effect of Couple Relationship Education on Low-Satisfaction Couples: A Randomized Clinical Trial plus an Uncontrolled Trial Replication. *Journal of Behavior Therapy*. 64(3). 409-421.
- Jacobson, C. (1996). Integrative couple therapy: Acceptance and change. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, (59), 547-557.
- Jakubowski, S. F.; Mime, E. P.; Brunner, H. & Miller, R. B. (2004). A review of empirically supported marital enrichment programs. *Journal of Family Relations*, (53), 528-53.
- Lundblad, A. & Hansson, K. (2006). Couples therapy: Effectiveness of treatment and long-term follow-up. *Journal of Family Therapy*, 28(2), 136-152.
- Polenick, C. A. Zarit, S. H., Birditt, K.S. & Bangerter, L. R.; Seidel, A. & Fingerman, K. (2017). Intergenerational Support and Marital Satisfaction: Implications of Beliefs about Helping Aging Parents. *Journal of Marriage and Family*, 79(1), 131-146.
- Saaty, T. L. (1986). Axiomatic foundation of the analytic hierarchy process. *Management Science*, 32(7), 841-855.
- Van Epp, M. C.; Futris, T.; Van Epp J. C. & Campbell K. (2008). The impact of the PICK a partner relationship education program on single army soldiers. *Journal of Family and Consumer Sciences*, 36(4), 328-349.
- Vyskocilova, J. & Prasko, J. (2012). Social skills training in psychiatry. *Journal of Activitas Nervosa Superior Rediviva*, 54(4), 159-170.
- Windahl, S.; Signitzer, B. & Olson, J. T. (2009). *Using Communication Theory: An Introduction to Planned Communication*. 2nd Edition, Sage Publication, 312.
- Yalcin, B. M. & Karahan, T. F. (2007). Effects of a couple communication program on marital adjustment. *Journal of the American board of Family Medicine*, 20(1), 36-44.

References

- Alibeli, M.; Naamneh, M.M. & Nair, S. (2019). Marital Happiness in Time of Change: The Case of United Arab Emirates (UAE). *Perspectives on Global Development and Technology*, (18), 229-248.
- Alizadeh kondori S. (2020). The Effectiveness of Communication Skills Training in Reducing Emotional Divorce of Women Affected by their Husbands' Infidelity. *Journal of Assessment and Research in Applied Counseling*, 2(3), 75-85. (In Persian)
- Asghariganji, A. & Navabinezhad, S. (2015). The Effectiveness of Teaching the Internal Locus of Control–Based Communicational Skills on Increasing Marital Satisfaction. *Research in Clinical Psychology and Counseling*, 5(1), 101-115. (In Persian)
- Atari, Y.; Hosseinpour, M. & Rahnavard, S. (2009). The effectiveness of communication skills training in the way of couples' communication program on reducing marital burnout in couples. *Thoughts and behavior*, 4(14), 25-34. (In Persian)
- Bolton, R. (2011). *People Skills: How to Assert Yourself, Listen to Others, and Resolve Conflicts* Kindle Edition. Australia: Simon & Schuster.
- Borhani Kakhaki M.; Narimani M. & Mousa Zadeh T. (2020). Comparing the Effects of Cognitive-Behavioral Couple Therapy and Life Skills Training on Life Quality in Uncompromised Couples Applying for Divorce. *Journal of Disability Studies*, (10), 118-118. (In Persian)
- Darabi, S.; Kazemi, M. & Masoudi, M.H. (2015). The effectiveness of life skills training on marital adjustment. *Journal of Social Work Research*, 1(2), 121-143. (In Persian)
- Davis, K. (2020). *One hundred techniques of counseling and marriage and family therapy*. London: Cambridge Press.
- DeFraim, J. & Asay, S. M. (2007). Strong families around the world: An introduction to the family strengths perspective. *Marriage & Family Review*, 41(1-2), 1-10.
- Gholamzadeh, M.; Atari, Y. & Shafiabadi, A. (2009). A study of the Effect of Communication Skills Training Sessions on Family Function Among Self Referred Couples of Ahvaz Well-Being Office in Spring - 2008. *Knowledge & Research in Applied Psychology*, 11(41), 87-110. (In Persian)
- Gottman, J.M. (1993). A theory of marital dissolution and stability. *Journal of Family Psychology*, (7), 57-75.
- Halford, W.K.; Hilpert, P.; Bodenmann, G.; Keithia L.; Larson, J. & Holman, T. (2015). Immediate Effect of Couple Relationship Education on Low-Satisfaction Couples: A Randomized Clinical Trial plus an Uncontrolled Trial Replication. *Journal of Behavior Therapy*. 64(3). 409-421.
- Jacobson, C. (1996). Integrative couple therapy: Acceptance and change. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, (59), 547-557.

- Jakubowski, S.F.; Mime, E.P.; Brunner, H. & Miller, R.B. (2004). A review of empirically supported marital enrichment programs. *Journal of Family Relations*, (53), 528-53.
- Javidi, N.; Soleimani, A.; Ahmadi, Kh. & Samadzadeh, M. (2013). The effectiveness of emotionally focused couples therapy (EFT) to improve communication patterns in couples. *Journal of Research in Behavioral Sciences*, 11(5), 402-410. (In Persian)
- Kargar, M.; Ghased, F. & Kimiaee, S. (2016). The effectiveness of marital communication skills training on the quality of life and marital satisfaction of conflicted couples. *The Women and Families Cultural-Educational*, 11(36), 123-141. (In Persian)
- Karimi, A.; Ahmadi, S. & Zaharakar, K. (2020). Effectiveness of Educating Marital Skills Based on Gottman's Approach on of Woman's communication patterns. *Counseling Culture and Psychotherapy*, 11(44), 253-278. (In Persian)
- Lundblad, A. & Hansson, K. (2006). Couples therapy: Effectiveness of treatment and long-term follow-up. *Journal of Family Therapy*, 28(2), 136-152.
- Mami, S.; Safari, A.; Mansourian, M.; Qorbani, M. & Keikhavani, S. (2016). Reducing marital conflict by educating problem-solving skill in couple referring to counseling Center of Imam Khomaini Committee, Ilam. *Rahavard Salamat Journal*, 2(1), 29-38. (In Persian)
- Mansoorinia, A.; Etemadi, A.; Fatehizadeh, M. & Hassanpour, A. (2011). Investigating the effect of training on marital satisfaction of couples in Isfahan city. *New findings in psychology*, 6(12), 65-78. (In Persian)
- Miller, Sh.; Nunnally, E. & Wackman, D. (2009). *Talking and Listening Together: Couple Communication One*. Translated by: Farshad Bahari: Roshd Publication. (In Persian)
- Nabizadeh, N. & Gholamzadeh Jofreh, M. (2022). The Effectiveness of Practical Application of Intimate Relationship Skills on Communication Styles and Emotion Expression in Women with Marital Dissatisfaction. *Woman and Culture*, 14(51), 71-85. (In Persian)
- Polenick, C.A. Zarit, S. H.; Birditt, K.S.; Bangerter, L.R.; Seidel, A. & Fingerman, K. (2017). Intergenerational Support and Marital Satisfaction: Implications of Beliefs about Helping Aging Parents. *Journal of Marriage and Family*, 79(1), 131-146.
- Saaty, T.L. (1986). Axiomatic foundation of the analytic hierarchy process. *Management Science*, 32(7), 841-855.
- Shahbazi, M.; Mansori, M. & Alavi, S. Z. (2022). Comparison of the Effectiveness of Marital Life Enrichment Training based on Choice Theory and Gottman Theory on Forgiveness in Women's Marital Life. *Journal of Family Research*, 18(1), 39-56. (In Persian)
- Van Epp, M.C.; Futris, T.; Van Epp J.C. & Campbell K. (2008). The impact of the PICK a partner relationship education program on single army soldiers. *Journal of Family and Consumer Sciences*, 36(4), 328-349.



- Vyskocilova, J. & Prasko, J. (2012). Social skills training in psychiatry. *Journal of Activitas Nervosa Superior Rediviva*, 54(4), 159 -170.
- Windahl, S.; Signitzer, B. & Olson, J.T (2009). *Using Communication Theory: An Introduction to Planned Communication*. 2nd Edition, Sage Publication, 312.
- Yalcin, B. M. & Karahan, T. F. (2007). Effects of a couple communication program on marital adjustment. *Journal of the American board of Family Medicine*, 20(1), 36-44.
- Yoosefi, N. (2016). Effectiveness of life skills training in marital satisfaction and couples hopefulness. *Journal of Family Psychology*, 3(1), 59-70. (In Persian)
- Zarei, E.; Mirzaei, M. & Sadeghifard, M. (2018). Providing a model to determine the role of communication skills and problem solving skills in preventing from mental and social damages by mediated family conflicts. *Counseling Culture and Psychotherapy*, 9(35), 1-26. (In Persian)



شناسایی روش‌های حکمرانی مشارکتی و ابزارهای اجتماعی فرهنگی آن با استفاده از رویکرد تحلیل محتوا

سید محسن میرباقری

دکتری مدیریت تکنولوژی، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران.

seyyedmohsen.mirbaghery@yahoo.com

چکیده

حکمرانی مشارکتی یکی از رویکردهای موفق در مدیریت عمومی و اداره جامعه است. این رویکرد بسیاری از چالش‌ها و معضلات جامعه را کاهش می‌دهد و منجر به افزایش سرمایه اجتماعی می‌شود. برای حل مسائل و معضله‌های پیچیده و چندلایه اجتماعی، دولت‌های موفق سخت تلاش می‌کنند تا مشارکت مردم را بهبود بخشند؛ اما گاهی اوقات عدم شناخت روش‌ها و ابزارهای مؤثر در این رویکرد، باعث می‌شود که استفاده بهینه از رویکرد حکمرانی مشارکتی صورت نگیرد. در این مقاله روش‌ها و ابزارهای حکمرانی مشارکتی در حوزه اجتماعی فرهنگی بررسی می‌شوند. روش این پژوهش، تحلیل محتواست و با استفاده از این روش ابتدا داده‌ها با کمک منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی جمع‌آوری و بررسی شده است و سپس، با تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، روش‌ها و ابزارهای حکمرانی مشارکتی استخراج شده است. در ادامه، با کمک ۳۲ نفر از خبرگان و صاحب‌نظران دانشگاهی و سازمانی این حوزه، مؤلفه‌های موردنظر با ۱۸ شاخص و در دو مقوله اصلی روش‌ها و ابزارها شناسایی شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد، ۸ روش رأی‌گیری، نظرسنجی و افکارسنجی، مشورت، تصمیم‌گیری جمعی، تولید ادبیات مشترک، شبکه‌سازی و تیم‌سازی، اشتراک اطلاعات و کار جمعی از مهم‌ترین روش‌های پیاده‌سازی حکمرانی مشارکتی بوده و ۱۰ ابزار از قبیل: رسانه‌های اجتماعی، نوآوران اجتماعی، گروه‌های جهادی، سامانه انتقادات و پیشنهادهای پلتفرم‌های مجازی، متون آموزشی، هنر، امر به معروف و نهی از منکر، بازی وارسازی و تشکیل جلسه از مهم‌ترین ابزارهای اجتماعی فرهنگی حکمرانی مشارکتی در کشور می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: حکمرانی مشارکتی، نهادهای اجتماعی فرهنگی، روش‌ها و ابزارها، تحلیل محتوا.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۲ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۱/۰۹/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۲

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال ۱۲، شماره ۲، پیاپی ۴۷، تابستان ۱۴۰۲، صص ۴۸۳-۵۲۶

مقدمه و بیان مسئله

حکمرانی اعمال اقتدار از طریق سنت‌ها و نهادهای رسمی و غیررسمی به‌منظور تأمین منافع عامه است. حکمرانی به نهادها و افرادی می‌پردازد که در فرایند تصمیم‌گیری و اجرای تصمیم‌ها نقش دارند (رضایی‌زاده، ۱۴۰۰). مشارکت در مناسبات حکمرانی یا حکمرانی مشارکتی اخیراً به‌طور گسترده‌ای در صحنه حکمرانی ظاهر شده است. حکمرانی مشارکتی روشی برای مقابله با طیف وسیعی از مشکلات و تعارض‌هاست که در آن افراد به‌طور مرتب با مذاکره با یکدیگر و تصمیم‌گیری جمعی، به تصمیم‌های رضایت‌بخش و قانع‌کننده می‌رسند (Schmitter & et al., 2002).

در جهان امروز مشارکت گسترده مردم در تمامی فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی یکی از الزام‌های دستیابی به توسعه پایدار به‌شمار می‌رود. به این معنا که داشتن برنامه مناسب و منابع کافی گرچه از نیازهای رسیدن به توسعه پایدار است؛ اما بدون وجود یک عزم قوی و مشارکت فراگیر در پیشبرد امور، جامعه را در نیل به اهداف طراحی شده با چالش‌های جدی مواجه می‌سازد (گنجی؛ نیازی و احسانی‌راد، ۱۳۹۴).

روش‌ها و ابزارهای حکمرانی به دو دسته تقسیم می‌شوند: ابزارهای سخت و ابزارهای نرم. ابزارهای سخت یا ابزارهای سنتی معمولاً از جنس قانون، قوه قهریه و الزام‌های قضایی‌اند و به شکل سلسله‌مراتبی و از بالا به پایین^۱ هستند؛ اما در مقابل ابزارهای نرم معمولاً به‌صورت پایین به بالا^۲ می‌باشند و اثربخشی بسیار بیشتری را از خود نشان داده‌اند. روش‌ها و ابزارهای حکمرانی مشارکتی در دسته دوم قرار می‌گیرند. بررسی‌ها نشان می‌دهد قانون‌گذاری در حوزه اجتماعی و فرهنگی به دلیل تعامل آن با تک‌تک افراد جامعه پیچیدگی زیادی دارد و به‌همین دلیل ابزارهای نرم از کارایی بیشتری برخوردار است. از طرفی، مشارکت مردم ظرفیت زیادی را برای حل و مدیریت مسائل اجتماعی چالش‌برانگیز ایجاد می‌کنند که اغلب بر منازعات و سوءتفاهم‌های طولانی‌مدت غلبه می‌کنند و سرمایه اجتماعی را افزایش می‌دهد (Po & Hickey, 2020; Dionne & et al., 2019).

1. Top-Down
2. Bottom-up



به‌رغم دستاوردهای بسیار زیادی که حکمرانی مشارکتی برای هر کشور و جامعه‌ای دارد، پژوهشگر تاکنون مقاله‌ای که بتواند روش‌ها و ابزارهای حکمرانی مشارکتی را به‌صورت یکپارچه شناسایی و معرفی کند (به‌خصوص در حوزه‌های اجتماعی فرهنگی) نیافته است. این مقاله سعی می‌کند این شکاف پژوهش را پر نماید و به بررسی چرایی و چگونگی پیاده‌سازی حکمرانی مشارکتی با تأکید بر ابزارهای اجتماعی فرهنگی حکمرانی مشارکتی بپردازد.

این مقاله از دو جهت اهمیت پیدا می‌کند یکی اینکه دولتمردان در سالیان اخیر به موضوع حکمرانی مردمی و مشارکتی توجه مضاعفی داشته‌اند و به اجرای این روش حکمرانی در کشور علاقه نشان داده‌اند. به‌همین دلیل انجام پژوهش‌هایی که بتواند ابعاد این رویکرد از حکمرانی را روشن نماید و برای اجرای این رویکرد انگیزه ایجاد کند، ضروری به‌نظر می‌رسد. دو اینکه، مشارکت از مباحث اساسی توسعه است که زمینه رشد و تعالی آن از فرهنگ هر اجتماع برمی‌خیزد؛ زیرا اگر فرهنگ مشارکت در جامعه ایجاد نشود، ممکن است این موضوع به‌خوبی پیاده نشود و دلسردی ایجاد کند (گنجی؛ نیازی و احسانی‌راد، ۱۳۹۴). به‌همین دلیل، این مقاله با جمع‌آوری ادبیات موضوع و تحلیل محتوای آنها و همچنین مصاحبه با خبرگان، روش‌های حکمرانی مشارکتی و ابزارهای اجتماعی فرهنگی شناسایی می‌شوند که قابلیت استفاده در کشور را با توجه به دو ویژگی نظام حاکم بر کشور ایران یعنی جمهوریت و اسلامیت دارند و می‌توانند باعث تقویت آن شوند.

۱. هدف و سؤال‌های پژوهش

۱-۱. هدف پژوهش

هدف این مقاله شناسایی روش‌های حکمرانی مشارکتی و ابزارهای اجتماعی فرهنگی آن است.

۱-۲. پرسش‌های پژوهش

- ۱- روش‌های پیاده‌سازی حکمرانی مشارکتی در کشور چیست؟
- ۲- از چه ابزارهای اجتماعی فرهنگی می‌توان برای ارتقاء مشارکت مردم در حکمرانی استفاده کرد؟

۲. پیشینه پژوهش

۱- قربانی و دیگران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی خصوصیات ساختاری سرمایه اجتماعی شبکه ذی‌نفعان محلی در راستای حکمرانی مشارکتی منابع طبیعی (منطقه مورد مطالعه: شهرستان سرایان، استان خراسان جنوبی)» به ارزیابی خصوصیات ساختاری سرمایه اجتماعی برون‌گروهی پرداخته‌اند. نتایج این مقاله نشان می‌دهد که میزان اعتماد و مشارکت و به‌نوعی سرمایه اجتماعی برون‌گروهی در بین سرگروه‌های کمیته‌های خرد توسعه روستایی در هر چهار منطقه روند افزایشی بعد از اجرای طرح داشته است که نشانگر تأثیر مثبت مشارکت بر ارتقاء سرمایه اجتماعی می‌باشد (قربانی و دیگران، ۱۳۹۷).

۲- زندررضوی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «درخواست حکمرانی مشارکتی و پایداری منابع آب بررسی کیفی ادراک ارتباطی ذی‌نفعان آب‌های زیرزمینی دشت رفسنجان» به شناسایی مقوله‌های مرتبط با درخواست حکمرانی مشارکتی و پایداری منابع آب پرداخته است. مقوله‌های شناسایی شده در این مقاله عبارت‌اند از: درخواست انصاف، درخواست مشارکت، ادراک تغییرات اقلیمی، درخواست پاسخگویی و بینش مشارکت‌جو (زندررضوی و دیگران، ۱۳۹۷).

۳- محمدی و دانایی‌فرد (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «الگوی حکمرانی مشارکتی توسعه انرژی تجدیدپذیر ایران: رویکرد نهادی» مدلی در خصوص توسعه مشارکتی و با رویکرد نهادی در ایران طراحی کرده است. در این مدل برای تقویت مشارکت و رسیدن به نتایج مطلوب، به حل تعارض‌ها، اعتمادسازی و ایجاد تعهد میان نقش‌آفرینان پرداخته است. در مدل طراحی شده نهادهای شناختی، هنجاری و رسمی به‌طور همزمان به‌عنوان عامل پیشرفت و عامل توقف در توسعه مشارکت معرفی شده است. در این مقاله بیان شده است که دولت با وضع قوانین تشویقی و تضمینی نقش مهمی را در ایجاد انگیزه برای سرمایه‌گذاری ایفا می‌کند؛ اما برخی از موانع نهادی هنجاری و شناختی، مانند تضاد منافع، عدم تعهد دولتمردان و عدم اعتماد بخش خصوصی موجب کاهش سرعت توسعه می‌شود (محمدی و دانایی‌فرد، ۱۳۹۹).

۴- قربانی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی سرمایه اجتماعی درون‌گروهی در راستای استقرار حکمرانی مشارکتی منابع طبیعی (منطقه مورد



مطالعه: شهرستان ابرکوه، استان یزد)»، میزان سرمایه اجتماعی درون‌گروهی را بررسی کرده است. این بررسی در اجرای یک طرح اجتماع‌محور در دو بازه زمانی قبل و بعد از اجرا در شبکه ذی‌نفعان محلی انجام شده است. نتایج این مقاله نشان می‌دهد که تراکم در پیوند اعتماد و مشارکت به میزان محسوسی افزایش پیدا کرده است. این موضوع نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی درون‌گروهی شبکه نیز با اجرای مشارکت، افزایش یافته است (قربانی و دیگران، ۱۳۹۸).

۵- شیرعلی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «مفهوم‌شناسی مردمی‌سازی حکمرانی»، بیان می‌کند بدنه اصلی مردمی‌سازی حکمرانی بازشدن ساختار نهادهای حاکمیتی به مشارکت مردمی، جامعه مدنی محلی و جنبش‌های اجتماعی است که از طریق نوعی حکمرانی مشارکتی، سیاست‌های محلی - ملی به‌درستی تدوین‌شده و فضاهای حیاتی جامعه در اقتصاد، سیاست، فرهنگ، آموزش حفاظت می‌شوند. نویسنده بیان می‌کند که مردمی‌سازی حکمرانی وابسته به حزب و گروه خاصی نیست بلکه نوعی تعمیق مردم‌سالاری با رویکرد اجماع عمومی در تمامی عرصه‌های کنش اجتماعی - سیاسی و اقتصادی است (شیرعلی، ۱۴۰۰).

۶- آزادی و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «الگوی مناسب حکمرانی مشارکتی در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در مدیریت بحران شیوع بیماری‌های نوظهور» به شناسایی ۶۰ شاخص در قالب ۱۰ عامل به‌عنوان عوامل تأثیرگذار بر حکمرانی مشارکتی در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی کشور در مدیریت بحران شیوع بیماری‌های نوظهور پرداخته‌اند. این ۱۰ عامل عبارت‌اند از: تعامل راهبردی، اعتمادسازی، مهارت‌ها، قوانین و آیین‌نامه‌ها، پایداری چرخه مشارکت، پاسخگویی، بازیگران ائتلاف، دوراندیشی راهبردی، مدیریت مشارکت و تفکر راهبردی کارآفرینانه (آزادی و دیگران، ۱۴۰۱).

۷- هیرش و شولمن (۱۹۷۶)، در مقاله‌ای با عنوان «حکمرانی مشارکتی: الگویی برای تصمیم‌گیری مشترک» بیان می‌کند که مشارکت در تصمیم‌گیری سازمانی به‌عنوان مسئولیتی تلقی می‌شود که باید توسط متصدیانی که خدمات مستقیم را ارائه می‌دهند، انجام شود. نویسندگان این مقاله مقدمات و ساختارهای تسهیل‌کننده و همچنین موانع و پاداش‌ها را در زمینه تصمیم‌گیری مشارکتی ارائه می‌دهند (HIRSCH & SHULMAN, 1976).

۸- هورسلی (۲۰۰۹)، در مقاله‌ای با عنوان «مشارکت عمومی در جمهوری خلق:

توسعه یک الگوی حکمرانی مشارکتی بیشتر در چین» بیان می‌کند که با توجه به افزایش حوادث و اعتراض‌های مدنی در چین، رهبران محلی اغلب برای سرکوب انتقاد و اعتراض به زور متوسل می‌شوند؛ اما رهبری مرکزی متوجه می‌شود که مدل حکمرانی آنها باید تغییر کند تا به مسائل اساسی که باعث ناآرامی‌های اجتماعی می‌شوند و دستیابی به یک «جامعه هماهنگ‌تر» بهتر رسیدگی کنند. در این مقاله حکمرانی مشارکتی بهترین روش برای تقویت انسجام ملی و افزایش سرمایه اجتماعی بیان شده است (Horsley, 2009).

۹- واحدزمان و دیگران (۲۰۱۷)، در مقاله‌ای با عنوان «آمادگی بوروکراتیک در مدیریت حکمرانی مشارکتی در سطح محلی: زمینه کشور در حال توسعه» آمادگی سلسله‌مراتبی برای حکمرانی مشارکتی در بنگلادش را ارزیابی می‌کند. در این مقاله بیان شده است که می‌توان آمادگی را از نظر عوامل انگیزشی و آموزشی طبقه‌بندی کرد (Waheduzzaman & et al., 2018).

۱۰- فورد (۲۰۲۰)، در مقاله‌ای با عنوان «حکمرانی مشارکتی در ایرلند: نوآوری نهادی و تلاش برای تفکر مشترک» به نقد تکامل و عملکرد حکمرانی مشارکتی محلی در ایرلند می‌پردازد. این مقاله استدلال می‌کند که برای مؤثر بودن، حکمرانی مشارکتی نیازمند فرایندهای مشارکتی قوی و فراگیر در تمام سطوح دولت، یک مبنای ایدئولوژیک و سیاستی روشن، یک برنامه منسجم و درنهایت پایه‌های نهادی‌پذیرا است (Forde, 2020).

۱۱- کریک (۲۰۲۲)، در مقاله‌ای با عنوان «شیوه‌های حکومتداری مشارکتی در دموکراسی دانش - پیوند»، با تمرکز بر مفهوم مشارکت، ابتدا معیارهای کیفی تخصص و مشارکت را شناسایی می‌کند و سپس ساختارهای بسیار پیچیده و چندلایه از مشورت و مشاوره در مورد سیاست‌هایی که گروه‌های متخصص را با طیف وسیعی از اطلاعات ورودی عمومی ترکیب می‌کند و همچنین مشارکت کارشناسان غیرمتخصص در سیاست‌گذاری از طریق شیوه‌های مشارکتی دانش‌مانند مشارکت کاربران خدمات یا علم شهروندی در کانون توجه قرار می‌دهد (Krick, 2022).

۱۲- باسو و دیگران (۲۰۲۲) در مقاله‌ای با عنوان «پیاده‌سازی حکمرانی مشارکتی» چالش‌ها و فرصت‌های پیاده‌سازی حکمرانی مشارکتی را بررسی می‌کنند. آنها در این مقاله به این موضوع می‌پردازند که چه اتفاقی می‌افتد وقتی جنبش‌های اجتماعی فرصت‌هایی برای شکل دادن به نهادینه‌سازی فرایندهای حکمرانی

مشارکتی دارند و آیا آنها می‌توانند از ظرفیت مشارکت شهروندان برای تحول اجتماعی استفاده کرد؟ و اساساً چگونه می‌توان تنش بین خواسته‌های مختلف شهروندان عادی، جامعه مدنی سازمان‌یافته، احزاب سیاسی و مقام‌های دولتی را مدیریت کرد (Bussu & et al., 2022).

همان‌طور که در پیشینه توضیح داده شد، با جستجوهای که پژوهشگر انجام داده است، تمام مقاله‌هایی که به موضوع حکمرانی مشارکتی پرداخته‌اند به بررسی تأثیر حکمرانی مشارکتی در ساحات اجتماعی و سیاسی و دستاوردهای آن پرداخته‌اند. این بررسی در قالب تعیین نوع و میزان شدت ارتباط بین حکمرانی مشارکتی با شاخص‌های اجتماعی و سیاسی از قبیل: عدالت، حل تعارض‌ها، اعتمادسازی، ایجاد تعهد، پیشرفت و... انجام شده است. با شفاف شدن دستاوردهای حکمرانی مشارکتی، همچنان این شکاف وجود دارد که برای ایجاد مشارکت در حوزه‌های مختلف از چه روش‌هایی باید استفاده کرد و در مرحله بعد برای اجرایی شدن این روش‌ها، از چه ابزارهایی باید کمک گرفت؟ این مقاله این خلأ پژوهشی را پر می‌کند و سعی دارد که روش‌های حکمرانی مشارکتی و ابزارهای اجتماعی فرهنگی آن‌را جهت پشتیبانی از آن، به صورت یکپارچه معرفی کند. تعیین ارتباط این روش‌ها و ابزارها حکمرانی مشارکتی متناسب با زیست‌بوم حکمرانی کشور، مهم‌ترین نوآوری است که در این مقاله به آن پرداخته شده است.

۳. ملاحظه‌های نظری

۳-۱. حکمرانی مشارکتی

در اواخر قرن بیستم، «مشارکت» به یک کلمه رایج در سراسر علوم اجتماعی و سیاسی تبدیل شد. مشارکت تقریباً در فهرست راه‌حل‌های همه افراد برای معضله‌های اجتماعی ظاهر شد و اگر حکمرانی بیش از حد بالا به پایین بود، رویکرد مشارکتی نوید گسترش مسیرهای ارتباطی بین مقام‌های دولتی و شهروندان را می‌داد (Altschuler & Corrales, 2013). امروزه مشارکت یکی از عناصر مهم توسعه پایدار به شمار می‌رود و مدیران و برنامه‌ریزان توانمند شهری، همواره سعی می‌کنند تا با جلب مشارکت مردمی به اهداف خود در زمینه اجرای طرح‌ها و برنامه‌ها به بهترین نحو، نائل آیند (گنجی؛ نیازی و احسانی‌راد، ۱۳۹۴).

منظور از حکمرانی مشارکتی، به‌کارگیری مردم در ارکان مختلف حکمرانی اعم از

سیاست‌گذاری، تنظیم‌گری، خدمات عمومی، نظارت و ارائه بازخورد است. حکمرانی مشارکتی نوعی از حکمرانی است که نقش‌آفرینان از سازمان‌های حکومتی، دولتی یا حوزه‌های خصوصی و اجتماعی در یک مسیر معین، سازنده و رو به جلو همکاری می‌کنند. تاکنون چندین مدل برای تعریف حکمرانی مشارکتی ارائه شده است که هر کدام از این مدل‌ها به تحلیل و بررسی فرایند مشارکت در ارائه خدمات عمومی پرداخته‌اند (Mohammadi & Danaeefard, 2019). فیلیپ اشمیتز^۱ در تعریف حکمرانی مشارکتی آورده است: «حکمرانی مشارکتی، حضور منظم و تضمین شده هنگام تصمیم‌گیری آن دسته از گروه‌هایی است که تحت تأثیر سیاست اتخاذ شده قرار می‌گیرند» (Camba, 2014).

در دهه‌های اخیر، بسیاری از کشورها از مشارکت به‌عنوان یک ابتکار توسعه برای اصلاح بخش‌های مختلف خود استفاده کرده‌اند (Sadeghi & et al., 2020). دولت‌ها برای جبران محدودیت منابع بودجه‌ای در تأمین مالی طرح‌های بزرگ، تمام تلاش خود را در بهره‌گیری از مشارکت فعال بخش‌های خصوصی و تعاونی به کار می‌گیرند که این تلاش‌ها در قالب مشارکت‌های عمومی - خصوصی نمود پیدا می‌کند و موجب تسریع در روند توسعه اقتصادی کشورها می‌شود (Bashar & et al., 2021). در یکی از تعاریف نسبتاً مشهور مشارکت عمومی - خصوصی، آن را به‌عنوان روشی برای تدارک بهتر طرح‌های عمومی از طریق مشارکت دادن تخصص، کارایی، نوآوری، دید تجاری، تسهیم خطر و تأمین مالی بخش خصوصی تعریف کرده است. استفاده از روش مشارکت در توسعه طرح‌های زیربنایی و ابعاد گسترده آن حائز اهمیت است (Jokar & et al., 2021) و به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه بسیار کمک‌کننده است (Chileshe & et al., 2020).

در ایجاد مشارکت، نقش نهادهای واسط (میانجی) نیز بسیار مهم است. این نهادها به‌عنوان بازیگرانی شناخته می‌شود که می‌توانند فضا و فرصت‌هایی را ایجاد کنند تا دیگر بازیگرانی که به‌عنوان توسعه‌دهنده یا مصرف‌کننده شناخته می‌شوند، بتوانند با دسترسی مناسب‌تر خدماتی را ارائه دهند و یا محصولی را تولید نمایند. کارکردهای نهادهای میانجی می‌تواند در سطح خرد، با رویکرد خدمت‌دهی به سازمان‌ها یا شبکه‌ای از شرکت‌ها مطرح شده و یا در یک نگاه کلانتر و در سطح ملی، یکپارچگی در پاسخگویی به مسائل پیچیده کسب‌وکارها، دولت یا بازیگران اجتماعی

1. Philippe Schmitter



مورد توجه قرار می‌گیرد. در این سطح، از نهادهای میانجی به‌عنوان یک ابزار سیستمی یاد می‌شود. برخی فعالیت‌های این میانجی‌گرها عبارت‌اند از: کمک به فراهم‌سازی اطلاعات درباره همکاران بالقوه، وساطت برای نقل‌وانتقال بین دو یا چند طرف، انجام کار واسطه‌گری بین سازمان‌ها و بدنه‌هایی که با یکدیگر همکاری دارند و کمک به یافتن آگاهی، تأمین مالی و پشتیبانی برای رسیدن به نقطه مطلوب (Am, 2013). نهادهای واسط می‌توانند در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و حتی فرهنگی به حکمرانی کمک کنند.

حکمرانی مشارکتی به‌طور گسترده به‌عنوان فرایندها و ساختارهای تصمیم‌گیری و مدیریت خط‌مشی عمومی است که مردم را به‌طور سازنده در همه سازمان‌های دولتی، سطوح دولتی و یا حوزه‌های عمومی، خصوصی و مدنی درگیر می‌کند تا یک هدف عمومی را انجام دهد که در غیراین‌صورت نمی‌توان آن را انجام داد (Latif, 2018). دیدگاه حکمرانی مشارکتی در تصمیم‌گیری، اجرا و مدیریت وجود دارد. نظریه حکمرانی مشارکتی یک راهبرد مؤثر در حل مشکلات لاینحل یا حل مشکلاتی که راه‌حل مناسبی ندارد، است. بسیاری از کارشناسان در زمینه حکمرانی مشارکتی استدلال کردند که پیچیدگی و عدم قطعیتی که به‌عنوان یک مشکل پیچیده توصیف می‌شود، در صورتی برطرف می‌شود که از طریق مشارکت طرف‌های مختلف که مستقیماً مسئول و تأثیرگذار در حل مشکل هستند، حل شود. در حکمرانی مشارکتی بر تلاش‌ها برای متحد کردن اهداف متنوع تعدادی از منافع ذی‌نفعان از فعالان بخش دولتی، خصوصی و مردم به یک هدف واحد، از جمله سیاست‌گذاری، اجرای خط‌مشی، یا هماهنگی در سازماندهی وظایف خدمات عمومی تأکید می‌شود (Halim, 2018).

حکمرانی مشارکتی می‌تواند به‌عنوان رویکردی برای دستیابی به توافق قابل قبول‌تر، غنی‌تر و پایدارتر بین نهادهای حکمرانی و مردم دیده شود. بسیاری از کارشناسان در زمینه حکمرانی مشارکتی استدلال می‌کنند که پیچیدگی و عدم قطعیتی که به‌عنوان یک مشکل سخت در تصمیم‌ها توصیف می‌شود، در صورتی حل می‌شود که از طریق مشارکت طرف‌های مختلف که مستقیماً مسئول و تأثیرگذار در مشکل هستند، حل شود. حکمرانی مشارکتی این فرایند را از طریق تصمیم‌گیری جمعی تسهیل می‌کند (Halim, 2018). حکمرانی مشارکتی توسط بسیاری از پژوهشگران به‌عنوان راهی بالقوه برای افزایش بهره‌وری (Emerson & Nabatchi, 2015) و از بین بردن تصور بیگانگی در رأی‌دهندگان و احساس سرخوردگی از روند سیاسی معرفی می‌شود و گفته می‌شود از مشارکت دادن شهروندان در تصمیم‌هایی که زندگی آنها را به شیوه‌ای معنادار تحت



تأثیر قرار می‌دهد، حمایت می‌کنند. البته گفتنی است، حامیان حکمرانی مشارکتی از مردم‌سالاری نماینده‌محور انتقاد می‌کنند، چراکه این نوع از مردم‌سالاری را بیش‌از‌حد بر عمل‌رأی‌گیری متمرکز می‌دانند (Batory & Svensson, 2019).

حکمرانی مشارکتی در کشورهای در حال توسعه به‌طور گسترده به‌عنوان یک پیش‌نیاز اساسی برای اجرای موفقیت‌آمیز طرح‌های عمومی تلقی می‌شود (Waheduzzaman & et al., 2018). حکمرانی مشارکتی به‌دنبال مشارکت و همکاری اکثر ذی‌نفعان (مردم و نهادهای حکمرانی) در فرایند حکمرانی است و دارای سه ویژگی اختیاری بودن، آگاهانه بودن و هدفمند بودن است. در خصوص ویژگی هدفمند بودن مشارکت باید گفت که طیف متنوعی از اهداف در نظر ذی‌نفعان می‌تواند منجر به ایجاد انگیزه برای مشارکت آنها شود.

۲-۳. نهادهای اجتماعی و فرهنگی

نهادهای اجتماعی نهادهایی که از بطن مردم تشکیل شده‌اند و مسئول رسیدگی به امور مختلف مردم هستند؛ مانند شوراهای، انجمن‌ها، تشکلهای، ائتلاف‌ها و... تشکیل مجالس و شوراهای می‌تواند کمک بسیاری به نظام‌مند کردن مشارکت مردمی در ارکان حکمرانی نماید. زیرا اعضای این مجالس و شوراهای را نمایندگان مردم، اتحادیه‌ها و اصناف شکل می‌دهد که هر کدام از آنها می‌توانند افکار قشر زیادی از مردم را بیان کند و نظر آنان را در خصوص سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها مطرح نماید (دهقانی؛ شکرانی و نقشینه ارجمند، ۱۳۹۰).

طبق اصل هفتم قانون اساسی و به دستور قرآن کریم: «شاورْهُمْ فِي الْأَمْرِ» و «وَأْمُرْهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ»، مجلس شورای اسلامی، شوراهای استان‌ها، شورای حل اختلاف، بهزیستی و نظایر این‌ها از ارکان اداره امور کشور و تصمیم‌گیری هستند. به نظر می‌رسد، مجلس شورای اسلامی که به موجب اصل ۵۷ قانون اساسی، یکی از قوای سه‌گانه حاکم در جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌رود، یکی از مهم‌ترین شوراهایی است که نقش مستقیمی در حکمرانی کشور ایفا می‌کند و رسالت‌های مهمی همچون قانون‌گذاری، تفسیر قوانین عادی و صلاحیت‌های نظارتی را بر عهده دارد (داودی؛ بخشایش اردستانی و عربیان، ۱۳۹۸).

مهم‌ترین نهادهای فرهنگی در کشور نیز هیئت‌ها و تشکلهای مذهبی، حوزه‌های علمیه و بسیج هستند که می‌توانند نقش مهمی در جاری کردن فرهنگ کار جمعی در کشور ایفا نمایند که در ادامه به توضیح هر کدام از آنها پرداخته



خواهد شد:

هیأت‌ها و تشکل‌های مذهبی همواره نقش برجسته‌ای در پیروزی انقلاب و بعد از آن در تداوم و حفظ انقلاب داشته‌اند. مراسم مذهبی، کلاس قرآن و احکام و یادواره‌های شهدا و ... جایگاه والایی در تقویم مذهبی تشیع و هویت ملی ما پیدا کرده است. هیئت‌های مذهبی و تأثیرهای فرهنگی آنها پیشینه‌ای تاریخی دارد و در سراسر حوزه تمدنی فرهنگی ایران نمونه‌هایی از آن مشاهده می‌شود (تسلیمی؛ امین و حسن‌زاده، ۱۳۹۴). این‌گونه تشکل‌ها ظرفیت بالقوه زیادی در تحریک مردم و بسیج آنها برای مبارزه با طواغیت در طول تاریخ بوده است. هیئت‌های مذهبی با توجه به سابقه طولانی آن، بعد از انقلاب اسلامی کارکردهای زیادی در مسائل فرهنگی اجتماعی پیدا کرده است. مردم در این تشکل‌ها همواره مشارکت داشته‌اند و توانسته بسیاری از معضلات اجتماعی و فرهنگی را در آنها حل کنند (غفاری هاشجین؛ مرشدی‌زاد و خدادادی، ۱۳۹۱).

کلمه حوزه یا حوزه‌های علمیه، اصطلاحی رایج در نزد شیعیان به‌شمار می‌آید که به معنای مرکز تحصیل علوم دینی و به اصطلاح، دانشگاهی برای آموزش و فراگیری علوم دینی است که با در اختیار داشتن گنجینه به‌یادگار مانده از خاندان نبوت و عترت، فرهنگ بی‌نظیری را در تمام زمینه‌های علمی، اجتماعی و سیاسی، از خود به‌یادگار گذاشته است. حوزه علمیه به‌عنوان یکی از کنشگران مهم در نظام جمهوری اسلامی ایران که مبتنی بر مبانی اسلامی شکل گرفته است، از جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ‌سازی، ایجاد مشارکت مردمی و تقویت ارکان نظام اسلامی برخوردار است (هاشمیان و مولایی آرانی، ۱۳۹۴). بخش اعظم پیروزی‌ها و موفقیت‌های دوران دفاع مقدس، مرهون مؤلفه‌ها و آموزه‌هایی است که توسط ولی فقیه، مراجع عظام و روحانیت شناسایی و تبیین می‌شد. بدیهی است نقش حوزه‌ها می‌تواند در جنگ احتمالی آینده مؤثرتر از گذشته باشد (آقایی فیروزآبادی و دهقان ده‌جمالی، ۱۳۹۸). بسیج مستضعفین به ابتکار امام (رحمت‌الله‌علیه) در ۵ آذر ۱۳۵۸ تشکیل شد تاکنون توانسته خدمات شایانی به حکمرانی در عرصه‌های مختلف کند. مقام معظم رهبری (مدظله) در خصوص تشکیل بسیج می‌فرمایند: «بسیج یکی از آن پدیده‌های شگفت‌آور دوران انقلاب بود؛ امام بزرگوار از طرف پروردگار ملهم شد به اینکه این اقدام را بکند؛ بسیج بیست میلیونی که ایشان اعلان کردند و سازمان بسیج که تشکیل شد، خیلی کار بزرگی بود» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با بسیجیان، ۱۳۹۵). ایشان در تعریف بسیج می‌فرمایند: «بسیج یعنی نیروی کارآمد کشور برای



همه میدان‌ها» (بیانات مقام معظم رهبری در جمع بسیجیان، ۱۳۷۷/۹/۲). بسیج سازمانی است مردمی، فراگیر، منعطف و گسترده در ارتباط با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و تحت امر فرماندهی کل قوا که به‌منظور جذب، آموزش و سازماندهی، حفظ انسجام و تجهیز و به‌کارگیری آحاد مردم در عرصه‌های مختلف مورد نیاز کشور اعم از نظامی، امنیتی، فرهنگی، امدادی و... در جهت دفاع همه‌جانبه از منافع و ارزش‌های اسلامی ایجاد شده است (طوسی و مهری، ۱۳۹۰). بسیج نماد عینی و سازمان یافته مشارکت آحاد مردم در صحنه‌های متفاوت حکمرانی و در دفاع از کشور است و به‌همین دلیل توانسته است الگوی موفقی برای سایر نهادهای مردمی باشد و بتواند برای کشور بازدارندگی ایجاد کند و در کانون راهبرد دفاعی کشور قرار گیرد (زهدی؛ کلانتری و محرابی، ۱۳۹۴).

با توجه به مطالب بیان شده، مشخص شد که حکمرانی مشارکتی دارای دستاوردهای بسیاری در عرصه‌های مختلف اجتماعی است. از جمله این دستاوردها، کاهش تعارض‌های اجتماعی، کاهش آسیب‌های اجتماعی، افزایش عدالت، افزایش انسجام، افزایش یادگیری، امکان کسب منابع و مهارت‌های جدید، ایجاد فرصت‌های جدید خلاقیت و نوآوری و درنهایت، افزایش پیشرفت در جامعه است. دستاوردهای زیاد این رویکرد باعث علاقه‌مندی مسئولان به اجرای این رویکرد شده است؛ اما در برخی از اوقات عدم فهم دقیق حکمرانی مشارکتی و مهم‌تر از آن عدم شناخت ابزارهای پیاده‌سازی آن باعث می‌شود که این مفاهیم به عمل منتهی نشود. به نظر می‌رسد معرفی روش‌ها و ابزارهای حکمرانی مشارکتی می‌تواند به عملیاتی کردن این رویکرد کمک زیادی نماید.

یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین ابزارهای پیاده‌سازی حکمرانی مشارکتی، ابزارهای اجتماعی فرهنگی آن است. زیرا می‌تواند به مرور باعث تغییر سبک زندگی افراد جامعه از فردی به سمت جمعی و مشارکتی شود. با مرور ادبیات در این حوزه مشخص شد که نهادهای اجتماعی فرهنگی مهمی در کشور هستند که می‌توانند در این تغییر نقش مهمی ایفا کنند، مانند: شوراها، انجمن‌ها، تشکله‌ها، هیأت‌ها و تشکلهای مذهبی، حوزه‌های علمیه و بسیج. در ادامه به شناسایی ابزارهایی پرداخته می‌شود که می‌توانند به کمک این نهادها بیایند و در ترویج حکمرانی مشارکتی مؤثر باشند.

۴. روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و توسعه‌ای و از لحاظ روش گردآوری داده‌ها، از نوع



توصیفی است. روش پژوهش این مقاله کیفی بوده و از نوع تحلیل محتوا است. تحلیل محتوا روش رایجی است که در بسیاری از پژوهش‌های کیفی و کمی از آن استفاده می‌شود. تحلیل محتوا به اعتقاد بیشتر صاحب‌نظران روش پژوهشی است که برای بیان مفاهیم یا واژه‌های معینی در یک متن و یا مجموعه‌ای از متون استفاده می‌شود. برخی نیز آن را یک روش تجزیه و تحلیل داده‌ها می‌دانند. متن می‌تواند شامل کتاب، فصل یا فصل‌هایی از یک کتاب، نوشته‌ها، مصاحبه، گفتگو، مقال‌ها و اسناد تاریخی باشد. پژوهشگر با استفاده از تحلیل محتوا وجود مفهوم و ارتباط بین واژه‌ها و یا مفاهیم را تحلیل کرده و درباره پیام‌های موجود در متن، نویسنده آن، مخاطب و حتی فرهنگ و دوره زمانی اثر نتیجه‌گیری می‌نماید (ضیغمی و دیگران، ۱۳۸۷).

در این روش مضامین پنهان در متن و محتوای منابع ابتدا شناسایی و استخراج می‌شود و سپس مورد تحلیل قرار می‌گیرد؛ اما پژوهشگر متغیرها را تغییر، دستکاری و یا کنترل نمی‌کند و تنها به تعریف و توصیف متون و متغیرها می‌پردازد. اساس کار در تحلیل محتوا مقایسه و طبقه‌بندی متون و داده‌هاست (حبیبی و فتاحی‌زاده، ۱۴۰۰). این روش یک فرایند ذهنی است که در آن روابط مفهومی بین متغیرها و مضامین را شناسایی می‌کند (رضائی؛ امامی‌جمعه و بیدهندی، ۱۳۹۶). در تحلیل کیفی محتوا از نوع طبقه‌بندی، پژوهشگر با ارائه و مفروض گرفتن تعاریف مشخصی قبل از شروع به تحقیق، به مطالعه متون تعیین شده می‌پردازد و با مقایسه تعاریف از پیش تعیین شده و متن‌های مورد تحلیل به داوری درباره عدم وجود یا وجود مصادیق آن تعریف در متن‌های مورد نظر می‌پردازد (عامری شهربابی و کاووسی، ۱۳۹۵؛ Lateef & et al., 2022). مهم‌ترین مراحل اساسی که در روش تحلیل محتوا طی می‌شود و در این پژوهش نیز به کار رفته است، عبارت‌اند از (علی‌اکبری و رضائی، ۱۳۹۱؛ قائدی و گلشنی، ۱۳۹۵؛ de Souza Vasconcelos & Júnior, 2023):

مرحله اول: طراحی پژوهش

اولین مرحله پژوهش از نظر عقلانی طراحی پژوهش است. در این مرحله ساختار کلی پژوهش مشخص می‌شود و محقق باید تعیین کند که چه مشکلی وجود دارد که می‌خواهد با انجام این پژوهش آن را حل کند و یا چه هدفی وجود دارد که با انجام این تحقیق می‌خواهد به آن برسد؛ به‌عنوان مثال به سؤال‌هایی از قبیل: نوع منابع، محل جستجو و ضرورت پژوهش پاسخ داده می‌شود. در مرحله اول پژوهش باید تعیین موضوع پژوهش و محدود شدن آن صورت گیرد. سپس اهداف پژوهش تعیین شده و نمونه آماری مشخص شود (ضیغمی و دیگران، ۱۳۸۷). در این مرحله

می‌بایست سؤال‌های پژوهش به درستی و با دقت طراحی و مطرح شوند. در این پژوهش نیز سعی شده است با جستجو در منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی، از کتاب‌ها و مقاله‌های مرتبط جهت دستیابی به هدف پژوهش استفاده شود. هدف اصلی در این مقاله شناسایی روش‌های حکمرانی مشارکتی و ابزارهای اجتماعی فرهنگی آن است و در همین راستا سؤال‌هایی طراحی شده است. درخصوص ضرورت پژوهش نیز در بخش مقدمه به آن پرداخته شده است.

مرحله دوم: جمع‌آوری داده‌ها

برای اتقان بیشتر یک پژوهش باید از منابع علمی مختلف بهره گرفت. داده‌های گوناگون امکان تحلیل‌های عمیق و همه‌جانبه از موضوع را برای پژوهشگران فراهم می‌کند. این مسئله در افزایش روایی پژوهش مؤثر خواهد بود و موجب اطمینان بیشتر به خروجی‌های پژوهش خواهد شد. بدین‌وسیله امکان شناسایی مفاهیم و متغیرهای کلیدی در پژوهش فراهم می‌شود. هر چند که ممکن است داده‌های این مرحله در مرحله بعدی تغییر کند و یا حذف شود، ولیکن جمع‌آوری آن برای جهت‌گیری و طراحی الگوی پژوهش الزامی است. در این پژوهش علاوه بر مصاحبه با خبرگان، با جستجوی اینترنتی از منابع فارسی و لاتین (روش اسنادی) جهت جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است که ارتباط مستقیم با هدف پژوهش دارد.

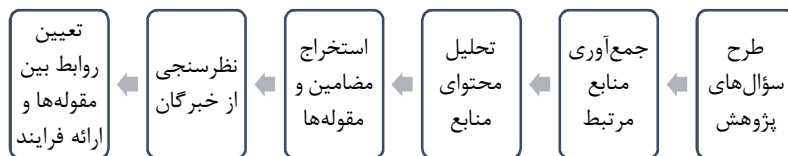
مرحله سوم: تحلیل داده‌ها و یافته‌ها

به‌منظور یافتن پاسخ سؤال‌های مطرح‌شده در پژوهش، مجموعه‌ای از داده‌های به‌دست‌آمده در منابع مختلف تحلیل می‌شوند. متون مرتبط بر اساس اشتراک لفظی یا معنایی به مجموعه مفاهیم دسته‌بندی می‌شوند تا یک مضمون ایجاد شود. مفهوم از کلیت و جامعیت بیشتری نسبت به مضمون برخوردار است. پس از اینکه مفاهیم استخراج شد، در قالب مقوله (شاخص) تقسیم می‌شود. این تقسیم‌بندی بر اساس وجه تشابه، نزدیکی معنایی و اشتراک میان مقوله‌ها صورت می‌گیرد (جعفرزاده؛ قربان‌پور آرانی و زارعی، ۱۴۰۱؛ سلطانی، ۱۳۹۷).

در این پژوهش نیز به‌منظور کشف مسئله محوری «روش‌های حکمرانی مشارکتی و ابزارهای اجتماعی فرهنگی آن» مجموعه داده‌های به‌دست آمده از منابع بررسی شد و تعاریف تمام شاخص‌های به‌کاررفته در مدل مشخص شد. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها استقرایی بود. ابتدا با مفروض گرفتن تعاریف مشخصی قبل از شروع پژوهش، به مطالعه متون تعیین شده اقدام شد و با مقایسه تعاریف از پیش تعیین‌شده و متن‌های موردنظر پرداخته شد. در این پژوهش محقق به ۱۸ مضمون و

۲ مقوله رسیده است که قسمت‌های بعدی به آن پرداخته خواهد شد.

پژوهش حاضر به دلیل ترکیبی بودن از دو روش گردآوری اطلاعات استفاده نمود. در بخش اول پژوهش از طریق روش تحلیل محتوا و بررسی مقاله‌ها و پژوهش‌های مشابه، تلاش شد، روش‌ها و ابزارهای اجتماعی فرهنگی مرتبط با حکمرانی مشارکتی در قالب جدولی (همراه با ارجاعات مستدل)، مضامین و مقوله‌ها آورده شود و سپس این مضامین بر اساس هماهنگی قبلی آن در اختیار اعضای پانل (خبرگان) قرار داده شود. در مرحله بعد نظرات خبرگان أخذ و نکات مدنظر آنان اعمال شود. می‌توان مراحل تحلیل داده‌ها و یافته‌ها را به صورت شکل (۱) نشان داد.



شکل (۱): مراحل تحلیل داده‌ها و یافته‌ها

لازم به ذکر است نظرات خبرگان بیشتر پیرامون نحوه ارتباط بین شاخص‌ها و دسته‌بندی مضامین و مقوله‌ها بوده است نه حذف شاخص‌هایی که در پژوهش‌های قبلی مؤثر بودن آنها به اثبات رسیده است. گفتنی است، در نظرانی که خبرگان ارائه کرده‌اند، یک روش «تولید ادبیات مشترک» و سه ابزار «رسانه‌های اجتماعی، سامانه انتقاده‌ها و پیشنهادها و سکوها‌های مجازی» به سایر مضامین اضافه شد (خروجی این مصاحبه‌ها در بخش یافته‌ها آورده شده است). البته این مصاحبه‌ها بیشتر نقش اطمینان از شاخص‌های شناسایی شده را داشت. درنهایت با رفت‌وبرگشت زیاد مطالب بین محقق و خبرگان و با کمک منابع مستدل علمی، محقق توانستند روش‌های حکمرانی مشارکتی و ابزارهای اجتماعی فرهنگی آن را بعد از اشباع نظری، به تفکیک مضامین و مقوله‌ها شناسایی کند.

۴-۱. روش اعتبارسنجی پژوهش

به منظور حصول اطمینان از اعتبار یافته‌های پژوهش و صحت فرایند تحلیل داده‌ها، مصاحبه‌هایی با ۳۲ نفر از خبرگان در این حوزه (شامل اساتید دانشگاهی و مدیران دولتی) صورت گرفت. برای این منظور، مصاحبه و گفتگوهای اولیه پس از معرفی و ارائه اطلاعات اولیه پژوهشگران، به صورت کاملاً باز و ساختارنیافته انجام گرفت و به مرور با توجه به پاسخ‌های دریافتی، سؤال‌های متناسب دیگری مطرح می‌شد و با

روش گلوله برفی افراد صاحب‌نظر دیگری معرفی می‌شدند. در کنار این موارد، درگیری طولانی‌مدت پژوهشگران با پیشینه پژوهش و شناخت مناسب از متون علمی و فضای مطالعه به اعتبار یافته‌ها کمک کرده است. همچنین، روش پژوهش به کار گرفته شده در این پژوهش روش تحلیل محتواست که در این روش با بررسی و تحلیل اسناد و داده‌ها، مفاهیم جدید به منظور طراحی الگو یا برقراری روابط بین شاخص‌ها و متغیرها ایجاد و تفسیر می‌شود (عظیم‌زاده اردبیلی و افضل‌قادی، ۱۳۹۹). این روش یک فرایند علمی نظام‌مند را برای استخراج داده‌ها و تحلیل آنها تعریف می‌کند که از اعتبار بالایی در انتشارات علمی برخوردار است؛ بنابراین برای حصول اطمینان از روایی پژوهش، اقدام‌های زیر انجام شده است:

- الف. پیشینه پژوهش: مفاهیم به دست آمده به‌طور هم‌زمان با پیشینه پژوهش بررسی شد و با منابع مقایسه تطبیقی شد.
- ب. روش تحلیل محتوا: اطلاعات جمع‌آوری شده از روش کتابخانه‌ای و اینترنتی تحلیل و تفسیر شده و اصلاحات لازم در داده‌ها صورت گرفت.
- پ. نمونه‌گیری: از آنجایی که در پژوهش‌های کیفی، تعمیم‌پذیری یافته‌های مطالعه، دغدغه اصلی پژوهشگر نیست؛ بنابراین به جای استفاده از روش‌های نمونه‌گیری که امکان تعمیم‌پذیری یافته‌ها را فراهم می‌آورند، باید به دنبال انتخاب مشارکت‌کنندگانی بود که دارای توانایی بیان ادراک‌های خود در مورد پدیده موردنظر باشند. به همین دلیل در چنین پژوهش‌هایی معمولاً از نمونه‌گیری هدفمند که نوعی نمونه‌گیری غیراحتمالی است، استفاده می‌شود (مضانخانی و دیگران، ۱۴۰۰).
- در این مقاله نیز نمونه‌گیری به صورت هدفمند از بین اساتید و پژوهشگرانی که با موضوع پژوهش آشنا بودند، صورت گرفت. نمونه‌گیری بر اساس قاعده اشباع انجام شد یعنی مصاحبه‌ها تا جایی ادامه یافت که اطلاعات جدیدی حاصل نشد و مصاحبه‌های جدید داده‌ای را به شاخص‌های قبلی اضافه نکردند (اشباع نظری) (معروفی؛ یوسف‌زاده و میرزایی فر، ۱۳۹۷). حجم نمونه ۳۲ نفر بوده است و اطلاعات مربوط به مصاحبه‌شوندگان در این پژوهش در جدول (۱) نشان داده شده است.

جدول (۱): ویژگی‌های مصاحبه‌شوندگان

مؤلفه	نوع	فراوانی	درصد
جنسیت	مذکر	۲۳	۷۲
	مؤنث	۹	۲۸



مؤلفه	نوع	فراوانی	درصد
تحصیلات	کارشناسی	۷	۲۲
	کارشناسی ارشد	۱۴	۴۴
	دکتری	۱۱	۳۴
سن	<۳۰	۳	۹
	۳۰-۴۰	۷	۲۲
	۴۰-۵۰	۱۰	۳۲
	۵۰<	۱۲	۳۷

در هر جلسه مصاحبه، مشارکت‌کننده یک یا دو نفر از افرادی را که می‌توانستند به پربرتر شدن این پژوهش کمک کنند، معرفی می‌کردند. در ادامه نیز، با مراجعه به سایر خبرگان آشنا با این مباحث، نمونه موردنظر به‌دست آمد. گفتنی است که درخواست معرفی نفر بعدی در پایان جلسه مصاحبه مطرح می‌شد و شرکت‌کننده با توجه به آشنا شدن با اهداف پژوهش و نوع پرسش‌ها می‌توانست با دقت بیشتری فرد بعدی را معرفی کند. به این شیوه دستیابی به نمونه‌ها در ادبیات روش‌شناسی، در اصطلاح روش گلوله برفی می‌گویند.

در این مصاحبه‌ها که زمان آنها بین ۱۰ تا ۱۰۰ دقیقه متغیر است، محورهای گفتگو از قبل در اختیار مصاحبه‌شونده قرار گرفت تا بتواند با آمادگی مطلوب در جلسه شرکت کرده، اطلاعات موردنظر را ارائه کند. مصاحبه‌های انجام شده ثبت و هر یک از آنها بلافاصله تحلیل شدند. حجم نمونه در این رویکرد، در حین کار مشخص می‌شود و همان‌طور که گفته شد، نمونه‌گیری آن‌قدر ادامه می‌یابد تا اشباع نظری حاصل شود. لازم به ذکر است، ابتدا روش‌های حکمرانی مشارکتی و ابزارهای اجتماعی فرهنگی آن توسط تحلیل محتوا استخراج شده است و سپس نظرات مصاحبه‌شوندگان در خصوص مضامین و مقوله‌های استخراج شده و نحوه ارتباط بین آنها، اخذ شده است.

۵. یافته‌ها

این بخش مربوط به استخراج روش‌های حکمرانی مشارکتی و ابزارهای اجتماعی و فرهنگی آن است که از متن مقاله‌ها و کتاب‌های مرتبط به روش تحلیل محتوا استخراج شده‌اند. بدین‌صورت که، پس از مطالعه منابع در دسترس و با تجزیه و تحلیل

مبانی نظری پژوهش و بررسی دیدگاه‌های خبرگان و صاحب‌نظران پیرامون روش‌ها و ابزارهای حکمرانی مشارکتی، جمله‌ها و بندهای مرتبط با هدف پژوهش استخراج شد و پس از دسته‌بندی، مضامین و مقوله‌های اصلی بیرون کشیده شد و در آخر ۱۸ شاخص (مضمون)، در دو مقوله روش‌ها و ابزارها استخراج شد.

۵-۱. روش‌های حکمرانی مشارکتی

این یافته‌ها در پاسخ به سؤال اول پژوهش ارائه می‌شود و ۸ روش حکمرانی مشارکتی به شرح زیر شناسایی شده است:

اول. رأی‌گیری

مشارکت در حکمرانی می‌تواند در قالب مشارکت در رأی‌گیری و یا انتخابات نمود می‌یابد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ششم، از ویژگی عمومی بودن رأی سخن گفته است. این اصل، مقرر می‌دارد که در جمهوری اسلامی ایران، امور کشور باید به اتکای عمومی، از راه انتخابات اداره شود. همچنین قوانین و مقررات انتخاباتی از جمله ماده ۱۰ قانون انتخابات ریاست جمهوری و ماده ۷ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی و نیز ماده ۱۷ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران، به این خصیصه نیز اشاره می‌کند.

از این‌رو استفاده از روش رأی‌گیری در ارکان حکمرانی عموماً به‌منزله یک مسئله مهم تعیین‌کننده در نظر گرفته می‌شود. روش رأی‌گیری به‌عنوان روشی مبتنی بر خرد جمعی می‌تواند با سهیم کردن همه افراد در تصمیم‌گیری، تصمیم‌های واقع‌بینانه‌تری را مطابق با خواست مردم اتخاذ کند. باید این نکته را متذکر شد که، هر چه تعداد افراد فراگیرتر باشند، ممکن است سوگیری در تصمیم‌گیری کمتر باشد (Van Deemen & Rusinowska, 2010).

هر چند صرف شرکت یا عدم شرکت افراد در انتخابات نیز می‌تواند پیامدها و هشدارهایی را برای حکمرانان به همراه داشته باشد، اما رأی‌گیری منطقی تخمین‌ها و پیش‌بینی‌های خوبی برای تصمیم‌گیری در دنیای واقعی ارائه می‌دهد. حضور رأی‌دهندگان صادق می‌تواند بر نتایج عملکرد حکمرانان تأثیر بگذارد (Xu, 2019). نظریه انتخاب اجتماعی نیز به مسئله اساسی تجمع ترجیحات اعضای جامعه نسبت به تصمیم‌های جمعی توسط سیستم‌های رأی‌گیری می‌پردازد (Laughlin, 2011). البته، حامیان حکمرانی مشارکتی از مردم‌سالاری نماینده‌محور انتقاد می‌کنند، چراکه بیش از حد بر عمل رأی‌گیری متمرکز است (Batory & Svensson, 2019).

دوم. نظرسنجی و افکارسنجی

نظرسنجی و افکارسنجی از روش‌های پیش‌دستانه در حکمرانی مشارکتی محسوب می‌شود. این روش ابزار ارزشمندی برای ارزیابی وضعیت افکار عمومی در هر موضوعی به‌شمار می‌آید. نظرسنجی عبارت است از اجرای اقدام‌ها و تلاش‌های سازمان‌یافته برای نشان دادن عقاید مردم نسبت به یک موضوع، در یک محل خاص و در یک مقطع زمانی معین. در تعریفی دیگر نظرسنجی مجموعه‌ای از اقدام‌های سازمان‌یافته و روش‌مند برای سنجش عقاید عمومی موجود در یک جامعه یا بخشی از آن است که نتایج آن مبین جهت‌گیری ذهنی روانی جامعه باشد. مقوله افکارسنجی نیز به‌دنبال بررسی و تحلیل وضعیت افکار عمومی و استفاده از آن در راستای تصمیم‌گیری برای مقاصد مختلف اقتصادی سیاسی، تجاری، فرهنگی می‌باشد (Roper, 1986).

انواع ابزارهای نظرسنجی عبارت‌اند از: نظرسنجی حضوری، الکترونیکی، پستی، تلفنی (تلفن همراه، تلفن ثابت)، اینترنتی، پایگاه‌های اطلاع‌رسانی، پیامک، پست الکترونیکی، پرسشنامه، مصاحبه و پلتفرم‌های نظرسنجی. علاوه بر روش‌های شناختی و تحلیل کیفی، نرم‌افزارهای متعددی نیز وجود دارد که جهت افکارسنجی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این روش حکمرانان سعی می‌کنند قبل از تصمیم‌گیری و اجرای یک سیاست خاص مردم را در جریان آن مسئله قرار دهند و با نظرسنجی و یا افکارسنجی همه جوانب آن را در نظر بگیرند و در تصمیم‌گیری و اجرا، انتظارات ذی‌نفعان را نیز لحاظ کنند.

سوم. مشورت

یکی از روش‌های حکمرانی مشارکتی، استفاده از روش مشورت و فراهم نمودن محیط مشاوره با مردم می‌باشد. این مسئله در متون اسلامی، آیات و روایت‌های متعدد نیز، تأکید فراوان شده است. خداوند در سوره آل عمران آیه ۱۵۹ می‌فرماید: «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ»؛ و در کارها، با آنان مشورت کن! اما هنگامی که تصمیم گرفتی، بر خدا توکل کن؛ و یا در سوره شوری آیه ۳۸ می‌فرماید: «و امرهم شوری بینهم». انسان در هر شرایطی باید با افراد عاقل مشورت کند و از راهنمایی‌ها و راهکارهای آنان استفاده لازم را ببرد تا در زندگی اجتماعی، فردی و سازمانی، همواره تصمیم‌های درست و مناسبی اتخاذ کند و زمینه رشد اجتماعی، فردی و سازمانی را فراهم کند؛ بنابراین لازمه اتخاذ بهترین تصمیم، مشورت با کسانی است که دارای علم و آگاهی لازم باشند (موسوی کاشی و دیگران، ۱۳۹۷). در

این روش حکمرانان قبل از اتخاذ تصمیم نهایی در مورد موضوع‌های مختلف نظر مشورتی افراد جامعه را جویا می‌شود. افراد می‌توانند اعتراض‌ها، دیدگاه‌ها و پیشنهادهای خود را به آنان ارائه دهند، هر چند که این مشورت می‌تواند از طریق نمایندگان منتخب مردم صورت گیرد. البته دیدگاه‌های افراد، حکمرانان را محدود نمی‌کند و تصمیم نهایی را خودشان اتخاذ می‌کند (کرمی، ۱۳۹۶)؛ اما، مشورت بخشی جدایی‌ناپذیر در تصمیم‌گیری است. وقتی افراد فرصتی برای گفتگو با یکدیگر داشته باشند، می‌توانند اطلاعات خاص خود را به اشتراک بگذارند و به تصمیم جمعی بهتری برسند (Iaryczower & et al., 2018).

چهارم. تصمیم‌گیری جمعی

تصمیم‌گیری جمعی زیرمجموعه رفتار جمعی است که مربوط به چگونگی رسیدن به تصمیم‌گیری در جمع است و تقریباً همه جنبه‌های رفتار را می‌توان در یک تصمیم‌گیری در نظر گرفت (Bosel & et al., 2017; Makinson & et al., 2017). تصمیم‌گیری جمعی فرایندی است که به موجب آن اعضای یک گروه با همفکری درباره یک اقدام تصمیم می‌گیرند (de Oca & et al., 2011). در تعریف دیگری، تصمیم‌گیری جمعی به دو یا چند بازیگر مربوط می‌شود که برای دستیابی به بهبود وضعیت خود از طریق تحقق بخشیدن به هدفشان، در مورد یک مسئله خاص هماهنگ می‌شوند (Gerrits & Marks, 2017)؛ بنابراین، یک فرایند تصمیم‌گیری جمعی را می‌توان به‌عنوان یک حالت تصمیم‌گیری تعریف کرد که در آن: ۱- دو یا چند نفر وجود دارد که هر یک از آنها دارای ادراک، نگرش‌ها، انگیزه‌ها و شخصیت‌های خاص خود هستند؛ ۲- کسانی که وجود یک مشکل مشترک را تشخیص می‌دهند و ۳- برای رسیدن به یک تصمیم جمعی تلاش می‌کنند (Bui, 1987). علاوه‌براین، این گروه می‌تواند به‌طور همزمان با هم تعامل داشته باشند یا تصمیم‌های فردی را به‌طور جداگانه اتخاذ کند و سپس به‌طور جمعی در مورد نتایج آن به گفتگو بپردازند (میرباقری؛ رفیعی آتانی و پارساژاد، ۱۴۰۰).

در نتیجه، فرایند تصمیم‌گیری جمعی، می‌تواند به‌عنوان فرایندی تعریف شود که گروهی از افراد با توجه به نظرها یا ترجیح‌هایشان، سعی در دستیابی به یک راه‌حل مشترک برای یک مسئله تصمیم‌گیری با چندین گزینه دارند (Wu & et al., 2017). در این فرایند، آنها می‌خواهند ترجیح‌ها و اعتقادهای خود را در مورد آن مسئله مطرح کنند. فرایندهای تصمیم‌گیری جمعی را می‌توان به‌عنوان فرایندهای تکاملی در نظر گرفت (Marks & et al., 2019). مشارکت مردم با استفاده از روش



تصمیم‌گیری جمعی می‌تواند بسیار به فرایند سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری در حکمرانی کمک کند.

پنجم. تولید ادبیات مشترک

طبق مصاحبه‌های انجام شده با خبرگان، محقق به این نتیجه رسید که برای اجرایی شدن حکمرانی مشارکتی در کشور باید از روشی مثل تولید ادبیات مشترک استفاده کرد؛ مثلاً در حوزه نظارت و ارائه بازخورد از عملکرد کارکنان دولتی باید ادبیات مشترکی ایجاد کرد که درک مردم از مفاهیمی مانند عملکرد، نظارت و بازخورد یکسان باشد تا بتوانند در یک کار مشارکتی از آن بهره‌گیرند.

ممکن است ادبیات مشترک با وضع قوانین یا تولید محتوای علمی ایجاد شود. در صورتی که ادبیات مشترک ایجاد شود، افراد می‌توانند به عقلانیت مشترک نیز دست یابند. منظور از عقلانیت مشترک، عقلانیت شناختی و عقلانیت عملی است که ایجاد مفاهیم مشترک می‌کند (رفیعی آتانی، ۱۳۹۶). با وجود ادبیات مشترک تعیین اهداف و برنامه‌ریزی راحت‌تر انجام می‌شود. همچنین، ادبیات مشترک باعث ایجاد مجموعه‌نگری می‌شود و انگیزه‌های مشابهی در افراد ایجاد می‌کند. البته با گذشت زمان، همکاری بین افراد منجر به خلق ادبیات مشترک می‌شود، یعنی دو یا چند نفر با مهارت‌های مختلف با یکدیگر کار می‌کنند تا به یک درک مشترکی برسند که هیچ‌کدام از آنها قبل از آن چنین درکی نداشته‌اند. این اتفاق ذیل دو موضوع با هم کار کردن و اشتراک هدف یا دید مشترک ایجاد می‌شود (رحیمی و فتاحی، ۱۳۸۶).

ششم. شبکه‌سازی و گروه‌سازی

گروه مجموعه‌ای از افراد است که هدف اصلی آنها همکاری برای انجام یک وظیفه مشترک است. گروه‌سازی در حوزه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی باعث درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های مختلف می‌شود و به افراد انگیزه می‌دهد تا برای دستیابی به اهداف گروه کمک کنند، استعدادهای خود را به کار گیرند و در مسئولیت کار شریک شوند. استفاده از گروه‌ها می‌تواند کیفیت تصمیم‌ها و اجرای آنها را بهتر کند. گروه‌سازی اقدام مهمی است که جهت آماده‌سازی افراد برای کمک به ارکان حکمرانی استفاده می‌شود (Lloyd & et al., 2013). حکمرانان در موضوع‌ها و مسائل مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، ورزشی و مذهبی می‌توانند اقشار مختلف مردم را در قالب گروه‌های هدفمند به صحنه بیاورند و در جهت اهداف حکمرانی در بخش‌های مختلف استفاده کنند.

هفتم. اشتراک اطلاعات

وقتی اعضای جمع فرصتی برای گفتگو با یکدیگر داشته باشند، می‌توانند اطلاعات خاص خود را به اشتراک بگذارند و به تصمیم جمعی بهتری برسند (Iaryczower & et al., 2018). به اشتراک‌گذاری اطلاعات در سیستم‌های جمعی از طریق تعامل مستقیم و غیرمستقیم بین عوامل محقق می‌شود (Khaluf & et al., 2017). این تعامل و اشتراک اطلاعات باعث ایجاد همکاری بین افراد و توزیع مسئولیت‌ها می‌شود.

هشتم. کار جمعی

مشارکت در کار جمعی بر اساس تعامل‌ها بین افراد است. افراد از طریق این تعامل‌ها تمایل خود را برای انجام کار منتقل می‌کنند، با هم کار می‌کنند و بر دیگران تأثیر می‌گذارند، اطلاعات را به اشتراک گذاشته و روابط نزدیک برقرار می‌کنند و دانش، مهارت و توانایی‌های خود را ترکیب می‌کنند (Kravchenko, 2018). کار جمعی داوطلبانه و نظام‌مند را تعاون گویند (ملکی، ۱۳۷۵). لغت تعاون که از زبان عربی گرفته شده است و معادل فارسی آن همکاری، به معنی یکدیگر را یاری کردن، به هم‌رساندن، هم‌دستی، یاری و دستگیری است.

۲-۵. ابزارهای اجتماعی فرهنگی حکمرانی مشارکتی

این یافته‌ها در پاسخ به سؤال دوم پژوهش ارائه می‌شود و ۱۰ ابزار اجتماعی فرهنگی حکمرانی مشارکتی به شرح زیر شناسایی شده است:

اول. رسانه‌های اجتماعی

محقق در گفتگو با خبرگان به این نتیجه رسید که در سال‌های اخیر، یکپارچگی فزاینده‌ای در فضای مجازی ایجاد شده است که به کاربران امکان می‌دهد درباره موضوع‌های مورد علاقه خود، از جمله سیاست بحث کنند. نخستین مشارکت‌ها در اظهار نظر نسبت به پست‌های خبری، توجه به رسانه‌های برخط را به مثابه یک حوزه عمومی شکوفا (مدنی و مشارکتی) جلب کرد و این، در فرایند گفتگوی سیاسی عمیق‌تر شد. رسانه‌های اجتماعی، بی‌تردید ظرفیت زیادی برای پاسخگویی به نیازهای شهروندان دارند و این واقعیت، در شرایط کنونی نارضایتی و پیش‌بینی ناپذیری سیاسی بسیار اهمیت می‌یابد.

از نظر سیاسی، اثرات سودمندی را می‌توان تشخیص داد:

الف. آنها به کثرت‌گرایی بیشتر گفتمان سیاسی کمک می‌کنند.

ب. مشارکت عمومی بیشتر را سهولت می‌بخشند و به شهروندان اجازه می‌دهند

قدرت را مورد کنترل و نظارت قرار دهند و در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت کنند.

پ. اطلاعات بیشتری را تولید و ارائه می‌کنند.

ت. قالب‌های جدیدی را برای انتقال محتوای سیاسی فراهم می‌آورند. حتی در این صورت، انقلاب ایجاد شده از طریق رسانه‌ها، پیچیده است و در سطوح بی‌شماری قرار دارد.

این سیستم‌ها همواره در حال رشد هستند و فرایندها و کارکردها را تغییر می‌دهند. این نوع تکامل را می‌توان در پویایی مداوم مورد استفاده در دستورالعمل‌های به‌کاررفته مشاهده کرد. از این طریق پیشرفت‌های بسیاری در توسعه محاسبات اعمال شده در وب به چشم می‌خورند چنان‌که می‌توان تنظیماتی را که گوگل در مرورگرها و پلتفرم‌های خود مانند یوتیوب اعمال کرده است، زیر نظر گرفت. این امر از یادگیری ساده ماشین تا شبکه‌های عصبی و هوش مصنوعی پیچیده را دربرمی‌گیرد؛ بنابراین می‌توانند با تحلیل انتخاب‌های افراد مشارکت آنان را نیز به سمت موردنظرشان جهت‌دهی کنند (ژسوس سرانو کانتراس و دیگران، ۱۳۹۹).

دوم. نوآوران اجتماعی

در این روش نخبگان جامعه در پی کشف مسائل و معضل‌های اجتماعی هستند و برای مشکلات موجود جامعه راه‌حل ارائه می‌کنند. خروجی نوآورهای اجتماعی کشف مسائل اجتماعی، اشتراک اطلاعات و پیدا کردن راه‌حل‌های بهینه برای آنان است. هدف نوآوران اجتماعی ارزش‌آفرینی برای جامعه است. نوآوران اجتماعی در حقیقت به‌دنبال راهکارهای مبتکرانه برای حل مشکلات اجتماعی هستند (Meyer, 2022). نوآوری اجتماعی نسبت به راهکارهای قبلی اثربخش‌تر، کارا تر و پایدارتر است و به‌جای افراد، برای کل جامعه ارزش و منفعت خلق می‌کند. درحقیقت نوآوری اجتماعی به راهکارها، راهبردها یا مفاهیمی اطلاق می‌شود که مشکلات و نیازهای جامعه را نسبت به راهکارها و روش‌های قبلی به شیوه مناسب‌تری برطرف می‌کنند (سعدآبادی، ۱۳۹۵).

از آنجا که نوآوران اجتماعی اهداف متفاوتی را دنبال می‌کنند، فرصت‌های متفاوتی را پیگیری می‌کنند و احتمالاً قالب‌های متفاوتی را برای پیاده‌سازی نوآوری‌های خود انتخاب می‌کنند. این راه‌حل‌ها به حکمرانان ارائه می‌شود و آنها می‌توانند از این نظرها و پیشنهادها در سیاست‌گذاری و اجرا استفاده کنند. نوآوران اجتماعی همان خواص جامعه هستند که سرمایه اجتماعی زیادی هم به‌دنبال خودشان هستند.

سوم. گروه‌های جهادی

گروه‌های جهادی یکی از انواع سازمان‌های مردم‌نهاد است که نقش بسیار پررنگی در برطرف کردن مشکلات کشور و انجام امور عام‌المنفعه برعهده دارد. به‌طور کلی می‌توان گفت گروه‌های جهادی، متشکل از گروهی از افراد داوطلب است که بدون وابستگی به دولت و به‌صورت غیرانتفاعی و عام‌المنفعه با تشکیلات سازمان‌یافته، در جهت اهداف و موضوع‌های متنوع فرهنگی، اجتماعی، خیریه‌ای، تخصصی و صنفی فعالیت می‌کنند.

استفاده از ظرفیت‌های مشارکت‌ساز گروه‌های جهادی، مسیر روشنی را در جهت توسعه روستاها، به‌ویژه در مناطق محروم ایجاد می‌کند. یکی از دلایل پیدایش این تشکل‌ها ناکارآمدی برخی از سازمان‌های دولتی در انجام امور بوده است. مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در توسعه اجتماع‌محور به‌عنوان سازمانی داوطلبانه و غیرانتفاعی، حکایت از پیدایش تمرکززدایی، تفویض اختیار در سطح تصمیم‌گیری و مدیریت محلی دارد که درنهایت به حذف دیوان‌سالاری در سطح ملی می‌انجامد.

در کشور ما تعداد کثیری از گروه‌های جهادی همگام با سیاست‌ها و اقدام‌های دولتی، همه‌ساله در قالب فعالیت‌های تبلیغی و عمرانی به روستاها و شهرستان‌های کم‌برخوردار و نیمه‌برخوردار کشور هجرت کرده و به‌صورت خودجوش و داوطلبانه، با انجام فعالیت‌های فرهنگی و عمرانی، سعی در بهبود زندگی مردم دارند (فیروزآبادی و جعفری، ۱۳۹۵).

چهارم. سامانه انتقادات و پیشنهادات

طبق نظر خبرگان، راه‌اندازی سامانه انتقادات و پیشنهادات در ارکان مختلف حکمرانی، می‌تواند اطلاعات و بازخوردهای خوبی را درباره نحوه عملکرد بخش‌های مختلف حکمرانی ارائه کند و در موضوع نظام ارزیابی عملکرد نیز استفاده شوند. همچنین، به دلیل اینکه مردم ذی‌نفعان اصلی حکمرانی محسوب می‌شوند، ممکن است پیشنهادهای خوبی ارائه شود که در رفع نواقص و چالش‌ها بسیار راهگشا باشد. به‌نظر می‌رسد این‌گونه سامانه‌ها، در دنیای کنونی یکی از مناسب‌ترین روش‌ها در رفع ناکارآمدی‌ها و افزایش بهره‌وری در مجموعه‌های مختلف می‌باشد و به دلیل ثبت دیدگاه‌های مردم و پیگیری مسائل آنان به‌خوبی می‌تواند در جهت افزایش مشارکت و جلب رضایت مردم، مؤثر باشد.

نیاز است که این سامانه‌ها از طریق مراجع ذی‌صلاح کنترل و مدیریت شود تا اقدام‌ها و اصلاحات لازم در صورت نیاز، صورت گیرد. در جهت رونق این مرکز می‌توان کسانی را که پیشنهاد کاربردی و مفید ارائه می‌کنند تشویق کرد یا از آنها در مسیر



پیاده‌سازی پیشنهاد کمک گرفت. این‌گونه سامانه‌ها در سایر کشورها از قبیل ژاپن نیز استفاده شده و پس از مدت کوتاهی مورد توجه مدیران قرار گرفته است. نیازی نیست که تمام نظراتی که ارائه می‌شود تخصصی باشند، بلکه تجربه نشان داده است که گاهی اوقات پیشنهاد خام و ساده یک فرد منجر به ایجاد تحولی عظیم و آغاز طرح‌های بزرگ شده است (میرباقری؛ نیلی‌پور و یوسفی، ۱۳۹۲). این روش می‌تواند از طریق صندوق‌های انتقادات و پیشنهادهای، نرم‌افزارها، سامانه پیامکی و تارنماهای انتقاد و پیشنهاد در بخش‌های مختلف اجرایی شود.

پنجم. سکوهای مجازی

طبق مصاحبه‌های انجام‌شده، خبرگان معتقدند که سکوهای مجازی بستری برای اعلام نظر و بازخورد در فضای مجازی نسبت به فعالیت‌های جاری یک نهاد حکمرانی ایجاد می‌کند. هدف عمده برای ایجاد چنین پلتفرم‌هایی کمک به حل مشکلات در سطح یک نهاد حکمرانی، ارتباط مستقیم مسئولان با شهروندان، بهبود کارایی در حوزه‌های مختلف، تشویق مردم به بازخورد دادن نسبت به فعالیت‌ها، و ایجاد فضایی برای ارائه ایده‌ها در فضای عمومی است.

این پلتفرم‌ها عموماً در بستر یک نرم‌افزار بر روی گوشی نصب می‌شود و افراد می‌توانند خیلی سریع از موضوعات اطلاع پیدا کنند و نسبت به آن واکنش نشان دهند. به دلیل اینکه این پلتفرم‌ها در جهان بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرد. این پلتفرم‌ها حتی برای مشارکت بین‌بخشی (فرا بخشی)^۱ نهادهای مختلف حکمرانی نیز می‌تواند استفاده شود. در این‌صورت نهادهای مختلف می‌توانند نیازمندی‌ها و توانمندی‌های خود را در حوزه‌های مختلف اعلام کنند و از سایر نهادها کمک بگیرند یا به آنها کمک کنند.

ششم. بازی وارسازی

بازی وارسازی^۲ انگیزه مشارکت افراد در زمینه‌های مختلف را افزایش می‌دهد. با استفاده از بازی وارسازی می‌توان تصمیم‌ها و رفتار افراد جامعه را فهم کرد و متناسب با آن سیاست‌های بهینه را اتخاذ کرد. همچنین، در قالب بازی وارسازی می‌توان بسیاری از مفاهیم و ارزش‌هایی که زمان‌بر هستند یا در مقابل آن مقاومت می‌شود را به جامعه انتقال داد (Deterding & et al., 2011). بازی وارسازی کاربرد گسترده‌ای دارد و به‌طور کل در مواقعی استفاده می‌شود که تصمیم‌گیران در نظر دارند تا کاربران

1. Cross-Sector
2. Gamification

را با اهداف خود همراه سازند. این بدان معناست که بازی‌وارسازی این امکان را به تصمیم‌گیران می‌دهد تا به‌سادگی الگوی مدنظر خود را به‌صورت ناخودآگاه در ذهن جامعه قرار دهند. بازی‌وارسازی یکی از انواع فناوری‌های متقاعدکننده است که به‌دلیل ظرفیت بالای خود در جذب مشارکت عمومی، موردتوجه دولت‌هاست (Robson & et al., 2015).

هفتم. متون آموزشی

متون آموزشی در اشکال مختلفی، از یادداشت‌های کلاسی گرفته تا معرفی چندین مرجع خارجی، در اختیار دانش‌آموزان، دانشجویان و حتی عموم مردم قرار می‌گیرد که می‌توانند کارایی‌های متفاوتی داشته باشند. یکی از کارایی‌های متونی که در مدارس و دانشگاه‌ها با مشارکت مدیران و اساتید آموزش داده می‌شود، فرهنگ‌سازی در جامعه است. البته متون آموزشی باید هدفمند و ساختارمند باشد تا بتواند جامعه را به نقطه مطلوب برساند. بهترین راه، برای تدوین متون درسی مؤثر بر درک و فهم خوانندگان، ساختارمند کردن متون درسی است (رشیدیان، ۱۳۸۱).

هشتم. هنر

از جمله خصلت‌های جمعی که امروزه، در شاخه‌های مختلف علم موردتوجه بسیاری قرار گرفته است، خلاقیت جمعی است. مطالعه خلاقیت جمعی از دریچه رویکرد اجتماعی - فرهنگی، نشان می‌دهد که شرایط بروز این نوع از خلاقیت در فضاهای عمومی به‌مثابه بازنمود عرصه عمومی فراهم است (زجاجی؛ طالب‌پور و رفیعیان، ۱۳۹۸).

باتوجه به جایگاه خلاقیت در هنر، مطالعات زیادی در رابطه با خلاقیت هنری انجام شده است. باوجوداین، نظر به ماهیت عمومی و جمع‌گرای هنر عمومی، پرداختن به جایگاه خلاقیت در این نوع از هنر نیازمند اتخاذ رویکردی گسترده‌تر از رویکرد معمول خلاقیت هنری فردی است. در میان شاخه‌های مختلف هنری، هنر عمومی به‌عنوان هنری مخاطب‌محور و جمع‌گرا بیش از سایر شاخه‌ها بر ارتباطات انسانی مبتنی بوده و با اهداف مرتبط با توسعه ویژگی‌های جمعی تناسب دارد؛ چراکه این نوع هنر، نه صرفاً با رویکرد هنر برای هنر و نه برای مخاطبان فعال در دنیای هنر، بلکه با رسالت اجتماعی و برای مخاطبان گسترده و متنوع خلق می‌شود. جمع‌گرایی این نوع از هنر موجب می‌شود که تقویت مهارت‌های جمعی مختلف را نیز در غالب رسالت خود پوشش دهد (زجاجی؛ طالب‌پور و رفیعیان، ۱۳۹۸).

ابزار هنری، واسطه مؤثر در تحقق معنای اثر هنری است. نوع و شیوه تهیه این ابزار نیز متأثر از هستی‌شناسی هنرمندان است. در هنرهای اسلامی، ابزار هنری و

آداب هنرمندی، از ممیزهای تأثیرگذار، در نتیجه کار هنری هستند. چگونگی مواد انتخابی برای ساخت ابزار، همچنین التزام به آداب انجام کار، مقوم روح معنوی در هنر اسلامی است (یاسینی، ۱۳۹۴).

نهم. امر به معروف و نهی از منکر

به دلیل تأثیری که فرد بر محیط می‌گذارد و تأثیری که می‌پذیرد، یک مسلمان باید نقش فعالی در کنش‌های اجتماعی ایفا کند. امر به معروف و نهی از منکر یکی از روش‌های مهم برای جلوگیری از اشتباه مسئولان و تشویق آنان در مسیر صحیح است. این روش در دین اسلام بسیار تأکید شده و نه تنها به اتفاق فقهای اسلام واجب است، بلکه اصل و جوب آن جزو ضروریات دین مبین اسلام به‌شمار می‌آید. محدوده امر به معروف و نهی از منکر منحصر به قشر و صنف خاصی از مردم نیست و تمام اقشار و اصناف واجد شرایط را دربرمی‌گیرد؛ اما متأسفانه در بسیاری از مواقع مورد غفلت قرار می‌گیرد و ریشه بسیاری از مفاسد نیز به عدم اجرای این فریضه برمی‌گردد. در قرآن کریم نیز به‌صراحت بر انجام امر به معروف و نهی از منکر تأکید شده است:

«یا بُنَّیَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ، وَ اٰمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلٰی مَا اَصَابَكَ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْاُمُورِ»؛ ای فرزندم نماز به پا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن و (بر این کار از مردم نادان آزار بینی) صبر پیشه کن که این صبر و تحمل در راه تربیت و هدایت خلق، نشانه‌ای از تصمیم (راسخ) در امور عالم است (لقمان / آیه ۱۷).

بر طبق آیه شریفه «وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ اَوْلِیَاءُ بَعْضٍ یَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ یَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» و بر اساس اصل هشتم قانون اساسی، در جمهوری اسلامی ایران امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای همگانی به حساب می‌آید و مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت مسئولیت دارند. امر به معروف و نهی از منکر در مسائل اجتماعی و فرهنگی می‌تواند دو نقش بازدارندگی (پیشگیری) و درمان (رشد) را ایفا کند.

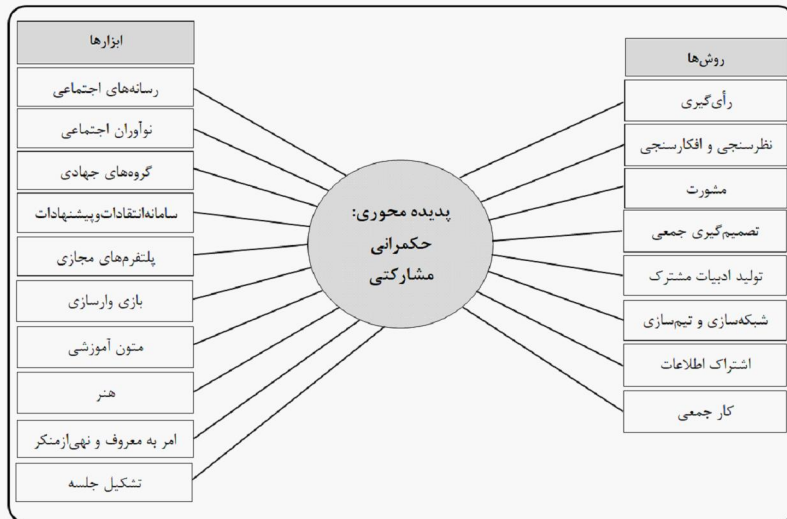
در صورتی که فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر با مشارکت مردم در جامعه رواج یابد، به مرور آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی در بین مردم از بین می‌رود. اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در آیات و روایت‌ها تا حدی است که بسیاری از فقها این فرع دینی را از سوی مبنای انقلاب علیه حکومت‌های استبدادی و ایجاد نظام اسلامی و از سوی دیگر مهم‌ترین راهکار دوام و قوام حکومت می‌دانند (طلائی و اصلانی، ۱۳۹۴). در اصل هشتم قانون اساسی آمده است، در جمهوری اسلامی ایران

دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت.

دهم. تشکیل جلسه‌های گفتگو و مشورت

یک جلسه گروهی ساختاری است که در آن تصمیم‌گیرندگان در مجاورت یکدیگر فعالیت می‌کنند و برای یک مدت زمان مشخص، به‌طور صریح یا کلامی تعامل دارند (Bui, 1987). هنگامی که جلسه‌ای تشکیل می‌شود فضایی فراهم می‌شود تا افراد بتوانند ایده‌ها و دیدگاه‌های خود را در خصوص مسائل مختلف مطرح کنند و به اجماع برسند. این جلسات می‌تواند به‌صورت حضوری یا مجازی باشد و زمینه را برای تصمیم‌گیری جمعی یا کار جمعی فراهم می‌کنند. ممکن است این جلسات در قالب نشست‌های دوره‌ای و در مکان‌هایی مانند تالارهای گفت‌وگو انجام شود.

بنابر توضیح‌های ارائه شده، پدیده محوری این مقاله حکمرانی مشارکتی است و می‌توان مضامین ذکر شده را در قالب یک الگو با ۸ روش و ۱۰ ابزار، به‌صورت شکل (۲) نشان داد.



(منبع: یافته‌های پژوهشگر)

شکل (۲): روش‌های حکمرانی مشارکتی و ابزارهای اجتماعی فرهنگی آن

نتیجه‌گیری

دولت‌ها با مسائل و معضله‌های اجتماعی و فرهنگی پیچیده و متعددی مواجه‌اند. رویکرد حکمرانی مشارکتی یکی از رویکردهای موفق حکمرانی در جهان است که می‌تواند بسیاری از معضلات و مشکلات اجتماعی را برطرف کند و زمینه رشد را برای جامعه فراهم آورد. جهت اجرای حکمرانی مشارکتی در کشور، استفاده از روش‌ها و ابزارهای مناسب از ضروریات است. به‌منظور استفاده بهینه از این روش‌ها و ابزارها باید شناخت کافی از ابزارهای مورد نیاز وجود داشته باشد تا بتوان تشخیص داد که در موقعیت‌های مختلف از چه ابزارها و روش‌هایی استفاده کرد. در صورتی که این شناخت حاصل نشود عملاً استفاده از ظرفیت مشارکت مردمی در فرایند حکمرانی غیرممکن می‌شود. به‌همین دلیل، با استفاده از مصاحبه با خبرگان و پیشینه پژوهش، روش‌های بالقوه و بالفعل حکمرانی مشارکتی و ابزارهای اجتماعی فرهنگی آن در کشور بررسی شده است. ابزارهای اجتماعی فرهنگی از اهمیت بسیاری در حکمرانی مشارکتی برخوردارند، زیرا می‌تواند مشارکت را در سبک زندگی جامعه با سرعت بیشتری ایجاد کند و پایداری آن را بیشتر نماید. یافته‌ها نشان می‌دهد، ۸ روش شامل: رأی‌گیری، نظرسنجی و افکارسنجی، مشورت، تصمیم‌گیری جمعی، تولید ادبیات مشترک، شبکه‌سازی و تیم‌سازی، اشتراک اطلاعات و کار جمعی از مهم‌ترین روش‌های حکمرانی مشارکتی است. همچنین ۱۰ ابزار شامل: رسانه‌های اجتماعی، نوآوران اجتماعی، گروه‌های جهادی، سامانه انتقادات و پیشنهادهای، پلتفرم‌های مجازی، متون آموزشی، هنر، امر به معروف و نهی از منکر، بازی‌وارسازی و تشکیل جلسه از جمله مهم‌ترین ابزارهای حکمرانی مشارکتی در کشور محسوب می‌شود. این ابزارها می‌تواند در خدمت حکمرانان و مردم قرار گیرد و رابطه دوسویه و قوی را برای پیشبرد اهداف ایجاد نماید. البته ممکن است هر کدام از این ابزارها در یک حوزه مشخص قابل استفاده باشد؛ اما مشارکت را در زمینه عمومی نماید و به‌عنوان یک توانمندساز و پشتیبان در مشارکت استفاده شوند. انجام مشارکت عمومی معنادار شامل جستجوی نظرهای عمومی در نقاط خاص در فرایند تصمیم‌گیری و در مورد موضوع‌های خاصی است که در آن، این نظرها برای کمک به شکل دادن به یک تصمیم جمعی یا کار جمعی است. سطح مناسب مشارکت در حکمرانی، بسته به ظرفیت تأثیر مشارکت بر یک تصمیم یا کار، اشکال مختلفی دارد.

با توجه به شکل مشارکت صورت گرفته، از روش‌ها و ابزارهای گوناگونی برای

اطلاع‌رسانی به مردم، ایجاد نظرهای عمومی، انجام تعاونی کارها و در برخی موارد، ایجاد اجماع و رسیدن به توافق استفاده می‌کند؛ مثلاً ممکن است برای تشویق مردم برای بازسازی خانه‌های زلزله‌زدگان از گروه‌های جهادی استفاده شود؛ اما برای حل آسیب‌های اجتماعی از نوآوران اجتماعی برای ارائه یک راه‌حل مناسب استفاده شود. این پژوهش همراستا با پژوهش‌های متعددی است که ایجاد مشارکت را یکی از رویکردهای موفق در حکمرانی جهت برطرف شدن تعارض‌های مردم با دولت و حل مشکلات اجتماعی معرفی کرده است؛ اما شکافی که در پژوهش‌های قبلی وجود دارد این است که نحوه مشارکت و چگونگی روش مشارکت و ابزارهای آن را شفاف نکرده‌اند و به بیان گزاره‌های کلی بسنده کرده‌اند. این پژوهش از این جهت اهمیت دارد که این شکاف را پر می‌کند و روش‌ها و ابزارهای ایجاد مشارکت در فضای اجتماعی فرهنگی را به‌صورت یکپارچه شناسایی می‌کند. مشخص شدن ضرورت حکمرانی مشارکتی و روش‌ها و ابزارهای اجتماعی فرهنگی آن، می‌تواند یک راهبرد اساسی به حکمرانان و مدیران توصیه کند و آن استفاده از روش‌ها و ابزارهای حکمرانی مشارکتی متناظر با شرایط و موقعیت‌های مختلف جهت حل بهینه مسائل و مشکلات مختلف اجتماعی و دستیابی به عدالت و پیشرفت در جامعه می‌باشد. نتایج این مطالعه شامل محدودیت‌های زیر است:

۱- محدودیت زمانی باعث شد تا داده‌ها در یک مقطع زمانی و از طریق تحلیل محتوا جمع‌آوری شوند. درحالی‌که می‌توان به‌صورت تجربی تأثیر حکمرانی مشارکت را به‌صورت عملی در حل تعارض‌ها و آسیب‌های اجتماعی در دوره‌های زمانی مختلفی اندازه‌گیری و تحلیل کرد.

۲- از نظر تحلیل محتوا، استدلال در مورد اینکه چرا برخی مفهوم‌سازی‌ها مناسب تلقی می‌شوند ممکن است قانع‌کننده باشد.

اما ممکن است محدود به موارد شناسایی شده نباشد و در طول زمان و یا با پژوهش‌های دیگری، تغییر یابد. با این حال، ممکن است این خطر را نشان دهد که پژوهش به‌طور کامل ابعاد موضوع مربوطه را در نظر نگرفته و می‌تواند منجر به تخمین اشتباه یافته‌ها شود.

۳- در بعضی از موارد مفهوم حکمرانی مشارکتی در بین مدیران به‌خوبی درک نشده است و این تصور اشتباه ممکن است آنها را دچار خطای شناختی کند. با توجه به مطالب بیان شده، پیشنهاد می‌شود:

الف. ابزارهای سیاسی و اقتصادی مشارکتی نیز شناسایی و بررسی شوند؛



ب. دلایل احتمالی حکومت‌گریزی و مشارکت پایین برخی از اقشار مردم در ارکان حکمرانی شناسایی و آسیب‌شناسی شود؛

پ. بررسی شود در صورتی که از ظرفیت‌های مشارکت‌های مردمی در حکمرانی استفاده شود، چه دستاوردهایی را در حوزه اجتماعی فرهنگی به همراه خواهد داشت؛ مثلاً مشخص شود حکمرانی مشارکتی چه تأثیری در جهت برطرف کردن معضلات اجتماعی فرهنگی مانند بی‌حجابی، اغتشاش، اسراف و... خواهد داشت.

فهرست منابع

قرآن کریم.

آزادی، بهداد؛ حمیدی، کامبیز؛ اسلامبولچی، علیرضا؛ نیک‌نفس، جواد و بهروز بیات (۱۴۰۱). الگوی مناسب حکمرانی مشارکتی در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در مدیریت بحران شیوع بیماری‌های نوظهور. *توسعه آموزش جنسی شاپور/هوز*، ۴۰ (۱۳)، ۱۴-۲۸.

آقای فیروزآبادی، سیدحسن و دهقان دهجمالی، حسن (۱۳۹۸). نقش مراجع عظام و حوزه‌های علمیه در دفاع مقدس و بهره‌گیری از آن در جنگ احتمالی آینده (با تأکید بر جنگ نرم). *مطالعات دفاعی/استراتژیک*، ۱۷ (۷۸)، ۵-۳۴.

تسلیمی، محمدسعید؛ امین، فرشته و حسن‌زاده، کاظم (۱۳۹۴). اولویت‌بندی موانع برنامه‌ریزی راهبردی در هیئت‌های مذهبی. *مدیریت اسلامی*، ۲۳ (۲)، ۸۳-۱۰۱.
جعفرزاده، مریم؛ قربان‌پور آرانی، حسین و زارعی، عباس (۱۴۰۱). نفرین در زبان عامیانه بر اساس روش تحلیل محتوا. *زبان پژوهی (علوم انسانی)*، (۱۴)، ۱۸۹-۲۱۲.
حبیبی، فاطمه و فتاحی‌زاده، فتحیه (۱۴۰۰). اخلاق اقتصادی از نگاه قرآن کریم با رویکرد تحلیل محتوا. *مطالعات تفسیری*، (۱۲)، ۵۹-۸۰.

داودی، حمیدرضا؛ بخشایش اردستانی، احمد و عربیان، اصغر (۱۳۹۸). بررسی نقش‌های تقنینی و نظارتی مجلس شورای اسلامی و نقش آن در الگوی حکمرانی خوب. *پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، ۹ (۳)، ۲۰۷-۲۳۴.
دهقانی، لیلیا، شکرانی، رضا و نقشینه ارجمند، حمیدرضا (۱۳۹۰). بررسی تأثیر ادراک عدالت بر تصمیم‌گیری مدیران مبتنی بر آموزه‌های اسلامی. *مدیریت اسلامی*، ۱۹ (۲)، ۳۵-۶۴.

رحیمی، ماریه و فتاحی، رحمت‌الله (۱۳۸۶). همکاری علمی و تولید اطلاعات: نگاهی

- به مفاهیم و الگوهای رایج در تولید علمی مشترک. *مطالعات کتابداری و سازمان‌دهی اطلاعات*، ۱۸(۳)، ۲۳۵-۲۴۸.
- رشیدیان، منوچهر (۱۳۸۱). بررسی کارایی آموزشی اشکال مختلف متون دروس علوم پایه پزشکی مورد استفاده دانشجویان پزشکی. *مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی*، ۲(۲)، (ویژه نامه پنجمین همایش کشوری آموزش پزشکی).
- رضایی‌زاده، کریم (۱۴۰۰). *حکمرانی و مدل‌های آن با نقش مدیریت دولتی و قانون*. تهران: عطران.
- رضائی، مهران؛ امامی‌جمعه، سیدمهدی و بیدهندی، محمد (۱۳۹۶). ارائه نظریه وزن‌کشی ساحت انسانی در تحلیل الگوی تصمیم‌گیری بر مبنای آرای فلاسفه متعالیه. *فصلنامه مدیریت اسلامی*، ۲۵(۴)، ۶۵-۹۳.
- رفیعی آتانی، عطاءالله (۱۳۹۶). *واقعیت و روش تبیین «کنش انسانی» در چارچوب فلسفه اسلامی، نظریه‌ای بنیادین در علوم انسانی*. تهران: انتشارات آفتاب توسعه.
- رمضانخانی، علی؛ الحانی، فاطمه؛ ودادهیر، ابوعلی و محمدخواه، فاطمه (۱۴۰۰). پیامدهای خشونت نوجوانان: مطالعه کیفی تحلیل محتوا در شهر رودسر. *مجله اپیدمیولوژی ایران*، ۱۷(۱)، ۶۸-۷۶.
- زجاجی، نگار؛ طالب‌پور، فریده و رفیعیان، مجتبی (۱۳۹۸). هنر عمومی سبک نو به مثابه ابزار توسعه خلاقیت جمعی. *مبانی نظری هنرهای تجسمی*، ۸(۸)، ۶۵-۷۴.
- زندرضوی، سیده بهار؛ خانیکی، هادی؛ نصرالهی، اکبر و بوستانی، داریوش (۱۳۹۷). درخواست حکمرانی مشارکتی و پایداری منابع آب بررسی کیفی ادراک ارتباطی ذی‌نفعان آب‌های زیرزمینی دشت رفسنجان. *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، ۱۲(۱)، ۴۴-۶۶.
- زه‌دی، یعقوب؛ کلانتری، فتح‌اله و محرابی، نصراله (۱۳۹۴). *اصول رهنامه بسیج مستضعفین*. راهبرد دفاعی، ۱۳(۴۹)، ۷۹-۱۰۵.
- ژسوس‌سرانو کانترا، ایگناسیو؛ گارسیامارین، خاویر؛ جی‌لونگو، اسکار؛ جهانشاهی، امید و چوپانیان، احمد (۱۳۹۹). ارزیابی گفتگوی سیاسی آنلاین: آیا دوقطبی شدن موجب تبادل نظر بیشتر می‌شود؟ *مطالعات ماهواره و رسانه‌های جدید*، ۲۵(۲)، ۱۱۵-۱۳۷.
- سعدآبادی، علی اصغر (۱۳۹۵). *چرخه حیات نوآوری‌های اجتماعی*. *فصلنامه مدیریت توسعه فناوری*، ۴(۳)، ۶۹-۹۵.
- سلطانی، محمدرضا (۱۳۹۷). احصاء ویژگی‌ها و معیارهای فرماندهی و مدیریت



مبتنی بر منظومه فکری امام خامنه‌ای (مدظله العالی) (بر اساس روش تحلیل محتوا). *مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی*، (۲)، ۶۹-۹۵.

شیرعلی، اسماعیل (۱۴۰۰). مفهوم‌شناسی مردمی‌سازی حکمرانی. *حکمرانی متعالی*، (۲)۸، ۱۱-۳۰.

ضیغمی، رضا؛ باقری نسامی، معصومه؛ حق دوست اسکویی، سیده فاطمه و یادآورنیک روش، منصوره (۱۳۸۷). تحلیل محتوا. *نشریه پرستاری ایران*، ۲۱(۵۳)، ۴۱-۵۲.

طلابکی، اکبر و اصلانی، فیروز (۱۳۹۴). بازخوانی مبانی حقوقی امر به معروف و نهی از منکر با نگاهی به حقوق بشر معاصر. *حقوق اسلامی*، (۱۲)، ۳۳-۵۰.

طوسی، حسینعلی و مهری، عباس (۱۳۹۰). عوامل مؤثر بر جذب نخبگان کشور به بسیج. *مدیریت اسلامی*، (۲)۱۹، ۱۰۵-۱۳۰.

عامری شهبازی، محسن و کاووسی، اسماعیل (۱۳۹۵). طراحی مدل فرهنگ کیفیت در حوزه آموزش با به‌کارگیری روش تحلیل محتوا. *فصلنامه آموزش در علوم انتظامی*، (۱)۴، ۱-۲۰.

عظیم‌زاده اردبیلی، فائزه و افضلی قادی، منا (۱۳۹۹). تحلیلی بر بایسته‌های تصمیم‌گیری مشورتی براساس آموزه‌های اسلامی. *فصلنامه مدیریت اسلامی*، (۲)۲۸، ۳۹-۷۶.

علی‌اکبری، حسن و رمضانی، حسین (۱۳۹۱). بررسی پایه‌های نظری موضوع تصمیم‌گیری مبتنی بر اخلاق اسلامی. *فصلنامه مدیریت اسلامی*، (۱)۲۰، ۱۴۹-۱۷۵.

غفاری هاشجین، زاهد؛ مرشدی‌زاد، علی و خدادادی، هانیه (۱۳۹۱). نقش هیئت‌های مذهبی شهر تهران در فرایند پیروزی انقلاب اسلامی. *دانش سیاسی*، (۲)۸، ۶۳-۸۲.

فیروزآبادی، سید احمد و جعفری، محسن (۱۳۹۵). مطالعه قابلیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد بومی دین‌محور در حل چالش‌های پیش روی توسعه اجتماع‌محور روستایی «مورد مطالعه: گروه جهادی طلاب عباد». *الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی*، (۷)۴، ۱۵۳-۱۷۳.

قاندی، محمدرضا و گلشنی، علیرضا (۱۳۹۵). روش تحلیل محتوا، از کمی‌گرایی تا کیفی‌گرایی. *روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، (۷)۲۳، ۵۷-۸۲.

قربانی، مهدی؛ آخوندی، محمدرضا؛ میرشمسی، هدایت‌اله و موسوی‌نیا، سیدحسین (۱۳۹۸). ارزیابی سرمایه اجتماعی درون‌گروهی در راستای استقرار حکمرانی مشارکتی منابع طبیعی (منطقه مورد مطالعه: شهرستان ابرکوه، استان یزد). *مرتع و آبخیزداری (منابع طبیعی ایران)*، (۷۲)، ۱۰۳۷-۱۰۴۷.

قربانی، مهدی؛ عوض‌پور، لیلا؛ یوسفی، محسن و حیدری کهنعلی، صادق (۱۳۹۷).

- ارزیابی خصوصیات ساختاری سرمایه اجتماعی شبکه ذی‌نفعان محلی در راستای حکمرانی مشارکتی منابع طبیعی (منطقه مورد مطالعه: شهرستان سراپان، استان خراسان جنوبی). مرتع و آبخیزداری (منابع طبیعی ایران)، (۷۱)، ۲۴۱-۲۵۲.
- کرمی، هادی (۱۳۹۶). بررسی مسائل و مشکلات تصمیم‌گیری گروهی. فصلنامه مطالعات مدیریت و حسابداری، (۶)، ۳۲۴-۳۳۷.
- گنجی، محمد؛ نیازی، محسن و احسانی‌راد، فاطمه (۱۳۹۴). مشارکت در امور خیریه و وقف، پیش‌درآمدی بر توسعه پایدار. مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی، ۳(۴)، ۲۵-۴۵.
- محمدی، نعیمه و دانایی‌فرد، حسن (۱۳۹۹). الگوی حکمرانی مشارکتی توسعه انرژی تجدیدپذیر ایران: رویکرد نهادی. مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۹(۳۰)، ۱۳۳-۱۵۵.
- معروفی، یحیی؛ یوسفزاده، محمدرضا و میرزایی‌فر، داوود (۱۳۹۷). مؤلفه‌های ارزشیابی کیفیت برنامه درسی دوره کارشناسی پیوسته دانشگاه فرهنگیان. مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی، ۸(۲۳)، ۸۱-۱۱۶.
- ملکی، حسن (۱۳۷۵). آموزش روح تعاون. تعاون و کشاورزی، دوره جدید(۵۵)، ۱۰-۱۲.
- موسوی کاشی، زهره؛ پورمحمدی رودسری، رضا؛ جعفری، حسن؛ آرزو، سیاد و ابوالفضل، موفق (۱۳۹۷). تصمیم‌گیری مدیران حوزه سلامت با رویکرد اسلامی، مبانی نظری نگرش و رویکرد اسلام در فرایند تصمیم‌گیری. مجله پژوهش در دین و سلامت، ۴(۳)، ۱۰۳-۱۱۷.
- میرباقری، سید محسن؛ رفیعی آتانی، عطاءالله و پارسانژاد، محمدرضا (۱۴۰۰). مروری نظام‌مند بر ادبیات تصمیم‌گیری جمعی. پژوهش‌های نوین در تصمیم‌گیری، ۶(۳)، ۲۳۹-۲۵۸.
- میرباقری، سید محسن؛ نیلی‌پور، سید اکبر و یوسفی، ام‌البنین (۱۳۹۲). سرمایه‌گذاری در «مدیریت زنجیره تأمین مقاوم» رویکردی نوین برای مقابله با تحریم‌ها. اولین همایش ملی سرمایه‌گذاری و تولید.
- هاشمیان، سید محمدحسین و مولایی آرانی، مهدی (۱۳۹۴). الگوی هنجاری مشارکت حوزه علمیه در تدوین و اجرای سیاست‌های فرهنگی کشور از منظر مقام معظم رهبری. دین و سیاست فرهنگی، (۴)، ۲۳-۴۶.
- یاسینی، سیده راضیه (۱۳۹۴). تاریخمندی ابزار هنری و معنویت ابزار در هنر اسلامی. نگره، ۱۰(۳۳)، ۲۱-۳۳.



- Altschuler, D. & Corrales, J. (2013). *The promise of participation: Experiments in participatory governance in Honduras and Guatemala*. Springer.
- Åm, H. (2013). Don't make nanotechnology sexy, ensure its benefits, and be neutral: Studying the logics of new intermediary institutions in ambiguous governance contexts'. *Science and Public Policy*, 40(4), 466-478.
- Bashar, T. & et al. (2021). Major obstacles to public-private partnership (PPP)-financed infrastructure development in China. *Sustainability*, 13(12), 6718.
- Batory, A. & Svensson, S. (2019). The use and abuse of participatory governance by populist governments. *POLICY AND POLITICS*, 47(2), 227-244. <https://doi.org/10.1332/030557319X15487805848586>
- Bosel, T.; Reinal, A. & Marshall, J. A. R. (2017). Collective decision-making. *CURRENT OPINION IN BEHAVIORAL SCIENCES*, 16, 30-34. <https://doi.org/10.1016/j.cobeha.2017.03.004>
- Bui, T. X. (1987). A group decision support system for cooperative multiple criteria group decision making. *Lecture Notes in Computer Science, Berlin Heidelberg, Germany, Springer-Verlag*.
- Bussu, S.; Bua, A.; Dean, R. & Smith, G. (2022). Embedding participatory governance. *Critical Policy Studies*, 1-13.
- Camba, A. A. (2014). Participatory Governance in the EU Enhancing or Endangering Democracy and Efficiency? *GOVERNANCE-AN INTERNATIONAL JOURNAL OF POLICY ADMINISTRATION AND INSTITUTIONS*, 27(3), 536-538. <https://doi.org/10.1111/gove.12097>
- Chileshe, N. & et al. (2020) 'Critical success factors for Public-Private Partnership (PPP) infrastructure and housing projects in Kenya', *International Journal of Construction Management*, 1-12.
- de Oca, M. A.; Ferrante, E.; Scheidler, A.; Pincioli, C.; Birattari, M. & Dorigo, M. (2011). Majority-rule opinion dynamics with differential latency: a mechanism for self-organized collective decision-making. *SWARM INTELLIGENCE*, 5(3-4, 1, SI), 305-327. <https://doi.org/10.1007/s11721-011-0062-z>
- de Souza Vasconcelos, C. & Júnior, E. H. (2023). Forecasting exchange rate: A bibliometric and content analysis. *International Review of Economics & Finance*, (83), 607-628.
- Deterding, S.; Dixon, D.; Khaled, R. & Nacke, L. (2011). From game design elements to gamefulness: defining "gamification". *Proceedings of the 15th International Academic MindTrek Conference: Envisioning Future Media Environments*, 9-15.
- Dionne, S. D.; Sayama, H. & Yammarino, F. J. (2019). Diversity and Social Network Structure in Collective Decision Making: Evolutionary Perspectives with Agent-Based Simulations. *COMPLEXITY*. <https://doi.org/10.1155/2019/7591072>
- Emerson, K. & Nabatchi, T. (2015). Evaluating the productivity of collaborative governance regimes: A performance matrix. *Public Performance & Management Review*, 38(4), 717-747.
- Forde, C. (2020). Participatory governance in Ireland: Institutional innovation and the quest for joined-up thinking. *ADMINISTRATION*,

- 68(3), 1-20. <https://doi.org/10.2478/admin-2020-0013>
- Gerrits, L.; & Marks, P. (2017). *Understanding collective decision making: a fitness landscape model approach*. Edward Elgar Publishing.
- Halim, R. (2018). COLLABORATIVE GOVERNANCE MODEL IN THE VILLAGE FUND MANAGEMENT AT BANGGAI REGENCY (MODEL GOVERNANS KERJASAMA DALAM PENGURUSAN DANA KAMPUNG DI KABUPATEN BANGGAI). *ASIAN JOURNAL OF ENVIRONMENT, HISTORY AND HERITAGE*, 2(2).
- HIRSCH, S. & SHULMAN, L. C. (1976). PARTICIPATORY GOVERNANCE - MODEL FOR SHARED DECISION-MAKING. *SOCIAL WORK IN HEALTH CARE*, 1(4), 433-446. https://doi.org/10.1300/J010v01n04_04
- Horsley, J. P. (2009). Public participation in the people's republic: developing a more participatory governance model in China. *Retrieved July*, (30), 2010.
- Iaryczower, M.; Shi, X. & Shum, M. (2018). Can Words Get in the Way? The Effect of Deliberation in Collective Decision Making. *JOURNAL OF POLITICAL ECONOMY*, 126(2), 688-734.
- Jokar, E.; Aminnejad, B. & Lork, A. (2021). Assessing and prioritizing risks in Public-Private Partnership (PPP) projects using the integration of fuzzy multi-criteria decision-making methods. *Operations Research Perspectives*, (8), 100190.
- Khaluf, Y.; Ferrante, E.; Simoens, P. & Huepe, C. (2017). Scale invariance in natural and artificial collective systems: a review. *Journal of the Royal Society Interface*, 14(136), 20170662.
- Kravchenko, E. M. (2018). The role of leadership in the relationship between collective organizational efficacy and collective work engagement. *PSYCHOLOGY-JOURNAL OF THE HIGHER SCHOOL OF ECONOMICS*, 15(3, SI), 590-605. <https://doi.org/10.17323/1813-8918-2018-3-590-605>
- Krick, E. (2022). Participatory Governance Practices at the Democracy-Knowledge-Nexus. *Minerva*, 1-21.
- Lateef, H.; Gale, A.; Boyd, D.; Arab, H.; Amoako, E. & Williams, E.-D. (2022). African-Centered Social Work in the 21st Century: A Content Analysis. *Social Work*.
- Latif, S. (2018). MODEL COLLABORATIVE GOVERNANCE DALAM PENANGULANGAN KEMISKINAN DI DAERAH (Studi Kasus dalam Program Dusun Terpadu Mandiri di Boalemo Provinnsi Gorontalo). Proceedings of International Interdisciplinary Conference on Sustainable Development Goals (IICSDGs), 1(1), 131-143.
- Laughlin, P. R. (2011). Social choice theory, social decision scheme theory, and group decision-making. *GROUP PROCESSES & INTERGROUP RELATIONS*, 14(1), 63-79. <https://doi.org/10.1177/1368430210372524>
- Lloyd, A.; Joseph-Williams, N.; Edwards, A.; Rix, A. & Elwyn, G. (2013). Patchy 'coherence': using normalization process theory to evaluate a multi-faceted shared decision making implementation program (MAGIC). *IMPLEMENTATION SCIENCE*, 8.



- <https://doi.org/10.1186/1748-5908-8-102>
- Makinson, J. C.; Schaerf, T. M.; Wagner, N.; Oldroyd, B. P. & Beekman, M. (2017). Collective decision making in the red dwarf honeybee *Apis florea*: do the bees simply follow the flowers? *INSECTES SOCIAUX*, 64(4), 557-566. <https://doi.org/10.1007/s00040-017-0577-4>
- Marks, P.; Gerrits, L. & Marx, J. (2019). How to use fitness landscape models for the analysis of collective decision-making: a case of theory-transfer and its limitations. *BIOLOGY & PHILOSOPHY*, 34(1). <https://doi.org/10.1007/s10539-018-9669-4>
- Meyer, C. (2022). Social Innovation Governance in Smart Specialisation Policies and Strategies Heading towards Sustainability: A Pathway to RIS4? *Social Sciences*, 11(4), 150.
- Mohammadi, N. & Danaeefard, H. (2019). A Model of Collaborative Governance for Renewable Energy Development in Iran: an Institutional Perspective. *Quarterly Journal of Energy Policy and Planning Research*, 5(3).
- Po, J. Y. T. & Hickey, G. M. (2020). Cross-scale relationships between social capital and women's participation in decision-making on the farm: A multilevel study in semi-arid Kenya. *Journal of Rural Studies*, (78), 333-349.
- Robson, K.; Plangger, K.; Kietzmann, J. H.; McCarthy, I. & Pitt, L. (2015). Is it all a game? Understanding the principles of gamification. *Business Horizons*, 58(4), 411-420.
- Roper, B. W. (1986). Evaluating polls with poll data. *Public Opinion Quarterly*, 50(1), 10-16.
- Sadeghi, A.; Barati, O.; Bastani, P.; Daneshjafari, D. & Etemadian, M. (2020). Feasibility of implementing public-private partnership (PPP) in the development of hospital services and optimizing resource allocation in Iran. *Cost Effectiveness and Resource Allocation*, 18(1), 1-8.
- Schmitter, P. C.; Grote, J. & Gbikpi, B. (2002). *Participatory Governance. Political and societal implications*. Leske & Budrich, Opladen.
- Van Deemen, A. & Rusinowska, A. (2010). *Collective decision making: Views from social choice and game theory* (Vol. 43). Springer Science & Business Media.
- Waheduzzaman, W.; Van Gramberg, B. & Ferrer, J. (2018). Bureaucratic Readiness in Managing Local Level Participatory Governance: A Developing Country Context. *AUSTRALIAN JOURNAL OF PUBLIC ADMINISTRATION*, 77(2, SI), 309-330. <https://doi.org/10.1111/1467-8500.12256>
- Wu, B.; Zhou, X.; Jin, Q.; Lin, F. & Leung, H. (2017). Analyzing Social Roles Based on a Hierarchical Model and Data Mining for Collective Decision-Making Support. *IEEE SYSTEMS JOURNAL*, 11(1), 356-365. <https://doi.org/10.1109/JSYST.2014.2386611>
- Xu, Y. (2019). Collective decision-making of voters with heterogeneous levels of rationality. *PUBLIC CHOICE*, 178(1-2), 267-287. <https://doi.org/10.1007/s11127-018-00627-7>

References

- Altschuler, D. & Corrales, J. (2013). The promise of participation: Experiments in participatory governance in Honduras and Guatemala. Springer.
- Åm, H. (2013). Don't make nanotechnology sexy, ensure its benefits, and be neutral: Studying the logics of new intermediary institutions in ambiguous governance contexts', *Science and Public Policy*, 40(4), 466-478.
- Ali Akbari, H. and Ramezani, H. (2011). Examining the theoretical foundations of decision-making based on Islamic ethics. *Islamic Management*, 20(1), 149-174. (In Persian)
- Akhundi, M. R.; Mirshamsi, H. & Moussavi nia, S. H. (2020). Assessment of Bonding Social Capital for Establishment of Collaborative Governance of Natural Resources (Case Study: AbarKuh District, Yazd Province). *Journal of Range and Watershed Managment*, 72(4), 1037-1047. doi: 10.22059/jrwm.2020.236711.1142 (In Persian)
- Ameri Shahrabi, M. & Kavossi, E. (2015). Designing a quality culture model in the field of education by using the content analysis method. *Education Quarterly in Law Enforcement Sciences*, 4(1), 1-20. (In Persian)
- Azadi, B.; Hamidi, K.; Eslambolchi, A.; Nikknafas, J. & Bayat, B. (2022). The Suitable pattern of participatory governance in the Ministry of Health and Medical Education in crisis management of emerging diseases. *Educational Development of Judishapur*, 13(1), 14-29. doi: 10.22118/edc.2021.301884.1869 (In Persian)
- Azimzadeh Ardabili, F. & Afzali Qadi. M. (2019). An analysis of the requirements of consultative decision-making based on Islamic teachings. *Islamic Management Quarterly*, 28(2), 39-76. (In Persian)
- Batory, A. & Svensson, S. (2019). The use and abuse of participatory governance by populist governments. *POLICY AND POLITICS*, 47(2), 227-244. <https://doi.org/10.1332/030557319X15487805848586>
- Bosel, T.; Reinal, A. & Marshall, J. A. R. (2017). Collective decision-making. *CURRENT OPINION IN BEHAVIORAL SCIENCES*, 16, 30-34. <https://doi.org/10.1016/j.cobeha.2017.03.004>
- Bashar, T. et al. (2021). Major obstacles to public-private partnership (PPP)-financed infrastructure development in China, *Sustainability*, 13(12), p. 6718.
- Bui, T. X. (1987). A group decision support system for cooperative multiple criteria group decision making. *Lecture Notes in Computer Science*, Berlin Heidelberg, Germany, Springer-Verlag.
- Bussu, S.; Bua, A.; Dean, R. & Smith, G. (2022). Embedding participatory governance. *Critical Policy Studies*, 1-13.
- Camba, A. A. (2014). Participatory Governance in the EU Enhancing or Endangering Democracy and Efficiency? *GOVERNANCE-AN INTERNATIONAL JOURNAL OF POLICY ADMINISTRATION AND*



- INSTITUTIONS, 27(3), 536-538. <https://doi.org/10.1111/gove.12097>
- Chileshe, N. et al. (2020) 'Critical success factors for Public-Private Partnership (PPP) infrastructure and housing projects in Kenya', *International Journal of Construction Management*, 1-12.
- Davoudi, H.; Bakshaish Ardestani A. & Arabian. A. (2018). Examining the legislative and regulatory roles of the Islamic Council and its role in the model of good governance. *Islamic World Political Research*, 9(3), 207-234. (In Persian)
- Dehghani, L.; Shokrani, R. & Nakhsine Arjamand, H. (2011). Investigating the impact of the perception of justice on managers' decision-making based on Islamic teachings. *Islamic Management*, 19(2), 35-64. (In Persian)
- De Oca, M. A., Ferrante, E.; Scheidler, A.; Pincioli, C.; Birattari, M. & Dorigo, M. (2011). Majority-rule opinion dynamics with differential latency: a mechanism for self-organized collective decision-making. *SWARM INTELLIGENCE*, 5(3-4, 1, SI), 305-327. <https://doi.org/10.1007/s11721-011-0062-z>
- De Souza Vasconcelos, C. & Júnior, E. H. (2023). Forecasting exchange rate: A bibliometric and content analysis. *International Review of Economics & Finance*, (83), 607-628.
- Deh jamali, H. & Aghaei Firoozabadi., S. (2019). The role of the great reliers and seminaries in the sacred defense and its use in the possible future war (with an emphasis on soft warfare). *Strategic Defense Studies*, 17(78), 5-34. (In Persian)
- Deterding, S.; Dixon, D.; Khaled, R. & Nacke, L. (2011). From game design elements to gamefulness: defining "gamification". *Proceedings of the 15th International Academic MindTrek Conference: Envisioning Future Media Environments*, 9-15.
- Dionne, S. D.; Sayama, H. & Yammarino, F. J. (2019). Diversity and Social Network Structure in Collective Decision Making: Evolutionary Perspectives with Agent-Based Simulations. *COMPLEXITY*. <https://doi.org/10.1155/2019/7591072>
- Emerson, K. & Nabatchi, T. (2015). Evaluating the productivity of collaborative governance regimes: A performance matrix. *Public Performance & Management Review*, 38(4), 717-747.
- Firouzabadi, S. A. & Jafari M. (2015). Studying the capabilities of religious-oriented indigenous non-governmental organizations in solving the challenges facing rural community-oriented development "Study case: Jahadi group of Talab Ebad". *Iranian Islamic Development Model*, 4(7), 153-173. (In Persian)
- Forde, C. (2020). Participatory governance in Ireland: Institutional innovation and the quest for joined-up thinking. *ADMINISTRATION*, 68(3), 1-20. <https://doi.org/10.2478/admin-2020-0013>
- Gaffari Hashjin, Z.; Morshedizad, A. & Khodadadi, H. (2013). The Role of Religious Processions (Hey'ats) of Tehran in the Process of the

- Victory of the Islamic Revolution. Bi-Quarterly Political Knowledge, 8(2), 63-82. doi: 10.30497/pk.2013.1330 (In Persian)
- Ganji, M.; Niazi M. & Ehsani Rad, F. (2014). Participation in charity work and dedication, a prelude to sustainable development. Socio-Cultural Development Studies, 3(4), 25-45. (In Persian)
- Ghaedi, M. R. & Golshani, A. (2016). Content Analysis Method: from Quantity-Oriented to Quality-Oriented. Psychological Methods and Models, 7(23), 57-82. (In Persian)
- Ghorbani, M.; avazpour, L. & heydari, S. (2018). Appraising the Structural Characteristics of Social Capital of Local Beneficiaries Network in Keeping with Collaborative Natural Resource Governance (Pilot: Sarayan County, South Khorasan Province). Journal of Range and Watershed Management, 71(1), 241-252. doi: 10.22059/jrwm.2017.203990.995 (In Persian)
- Gerrits, L. & Marks, P. (2017). Understanding collective decision making: a fitness landscape model approach. Edward Elgar Publishing.
- Habibi F. & Fattahzadeh F. (2021). Economic Ethics from a Quranic Point of View with Content Analysis Approach. Interpretive Studies; 12 (46):59-80. (In Persian)
- Halim, R. (2018). COLLABORATIVE GOVERNANCE MODEL IN THE VILLAGE FUND MANAGEMENT AT BANGGAI REGENCY (MODEL GOVERNANS KERJASAMA DALAM PENGURUSAN DANA KAMPUNG DI KABUPATEN BANGGAI). ASIAN JOURNAL OF ENVIRONMENT, HISTORY AND HERITAGE, 2(2).
- HIRSCH, S., & SHULMAN, L. C. (1976). PARTICIPATORY GOVERNANCE - MODEL FOR SHARED DECISION-MAKING. SOCIAL WORK IN HEALTH CARE, 1(4), 433-446. https://doi.org/10.1300/J010v01n04_04
- Horsley, J. P. (2009). Public participation in the people's republic: developing a more participatory governance model in China. Retrieved July, (30), 2010.
- Iaryczower, M.; Shi, X. & Shum, M. (2018). Can Words Get in the Way? The Effect of Deliberation in Collective Decision Making. JOURNAL OF POLITICAL ECONOMY, 126(2), 688-734.
- Jafarzadeh, M.; Ghorbanpoor Arani, H. & Zare-ee, A. (2022). A Content Analysis of Themes in Persian Curses. ZABANPAZHUHI (Journal of Language Research), 14(43), 189-212. doi: 10.22051/jlr.2021.36003.2042 (In Persian)
- Jesus-Serrano, C.; Ignacio, G.; Xavier, G. Lunango, O.; Jahanshahi, O. & Choupanian, A. (2019). Evaluating online political dialogue: Does polarization lead to more exchange of opinions? Satellite and New Media Studies, 25(2), 115-137. (In Persian)
- Jokar, E.; Aminnejad, B. & Lork, A. (2021). Assessing and prioritizing risks in Public-Private Partnership (PPP) projects using the integration of fuzzy multi-criteria decision-making methods. Operations Research Perspectives, (8), 100190.



- Karmi, H. (2016). Examining issues and problems of group decision making. *Management and Accounting Studies Quarterly*, 6, 324-337. (In Persian)
- Khaluf, Y., Ferrante, E., Simoens, P., & Huepe, C. (2017). Scale invariance in natural and artificial collective systems: a review. *Journal of the Royal Society Interface*, 14(136), 20170662.
- Kravchenko, E. M. (2018). The role of leadership in the relationship between collective organizational efficacy and collective work engagement. *PSYCHOLOGY-JOURNAL OF THE HIGHER SCHOOL OF ECONOMICS*, 15(3, SI), 590-605. <https://doi.org/10.17323/1813-8918-2018-3-590-605>
- Krick, E. (2022). Participatory Governance Practices at the Democracy-Knowledge-Nexus. *Minerva*, 1–21.
- Lateef, H., Gale, A., Boyd, D., Arab, H., Amoako, E., & Williams, E.-D. (2022). African-Centered Social Work in the 21st Century: A Content Analysis. *Social Work*.
- Latif, S. (2018). MODEL COLLABORATIVE GOVERNANCE DALAM PENANGULANGAN KEMISKINAN DI DAERAH (Studi Kasus dalam Program Dusun Terpadu Mandiri di Boalemo Provinnsi Gorontalo). *Proceedings of International Interdisciplinary Conference on Sustainable Development Goals (IICSDGs)*, 1(1), 131-143.
- Laughlin, P. R. (2011). Social choice theory, social decision scheme theory, and group decision-making. *GROUP PROCESSES & INTERGROUP RELATIONS*, 14(1), 63–79. <https://doi.org/10.1177/1368430210372524>
- Lloyd, A., Joseph-Williams, N., Edwards, A., Rix, A., & Elwyn, G. (2013). Patchy 'coherence': using normalization process theory to evaluate a multi-faceted shared decision-making implementation program (MAGIC). *IMPLEMENTATION SCIENCE*, 8. <https://doi.org/10.1186/1748-5908-8-102>
- Makinson, J. C., Schaerf, T. M., Wagner, N., Oldroyd, B. P., & Beekman, M. (2017). Collective decision making in the red dwarf honeybee *Apis florea*: do the bees simply follow the flowers? *INSECTES SOCIAUX*, 64(4), 557–566. <https://doi.org/10.1007/s00040-017-0577-4>
- Marks, P.; Gerrits, L. & Marx, J. (2019). How to use fitness landscape models for the analysis of collective decision-making: a case of theory-transfer and its limitations. *BIOLOGY & PHILOSOPHY*, 34(1). <https://doi.org/10.1007/s10539-018-9669-4>
- Maroofi, Y., Yousef Zade, M. R., and Mirzaiefar, D. (2018). The Components of the Quality Evaluation of Curriculum of Undergraduate Course in Farhangian University. *Educational Measurement and Evaluation Studies*, 8(23), 81-116. (In Persian)
- Maleki, H. (1996). Teaching the spirit of cooperation. *Cooperation and agriculture*, 55. (In Persian)
- Meyer, C. (2022). Social Innovation Governance in Smart Specialisation Policies and Strategies Heading towards Sustainability: A Pathway to

- RIS4? Social Sciences, 11(4), 150.
- Mohammadi N. & Danaeefard H. A. (2019). Model of Collaborative Governance for Renewable Energy Development in Iran: An Institutional Perspective. Quarterly Journal of Energy Policy and Planning Research 2019; 5(3) :67-95 (In Persian)
- Mokhtarzadeh, N. & Elyasi, M. (2016). The Life Cycle of Social Innovations. Journal of Technology Development Management, 4(3), 69-95. doi: 10.22104/jtdm.2017.1532.1556 (In Persian)
- Moulai Arani, M. & Hashemian, S. M. H. (2014). The normative model of the seminary's participation in formulating and implementing the country's cultural policies from the perspective of the Supreme Leader. Bi-Quarterly Scientific Research Journal of Religion and Cultural Policy, 2(1), 23-46. (In Persian)
- Mousavi Kashi Z.; Pourmohammadi Roudsari R.; Jafari H.; Sayad A. & Movafagh A. (2018). Healthcare Managers' Decision-Making Adopting Islamic Approach: Theoretical Basis of Attitude and Approach of Islam in Decision-Making Process.10; 4(3):103-17. (In Persian)
- Mirbagheri, S. M.; Rafiei Atani, A. O. & Parsanejad, M. (2021). A Systematic Literature Review of the Collective Decision-Making. Modern Research in Decision Making, 6(3), 239-258. (In Persian)
- Mirbagheri, S. M.; Nilipour S. A. and Yousefi. O. (2012). Investing in "resilient supply chain management" is a new approach to deal with sanctions. The first national investment and production conference. (In Persian)
- Po, J. Y. T. & Hickey, G. M. (2020). Cross-scale relationships between social capital and women's participation in decision-making on the farm: A multilevel study in semi-arid Kenya. Journal of Rural Studies, (78), 333-349.
- Rahimi, M. & Fatahi, R. (2007). Scientific collaboration and information production: A look at common concepts and patterns in collaborative scientific production. Library Studies and Information Organization, 18(3), 235-248. (In Persian)
- Rashidian, M. (2002). Investigating the educational effectiveness of different forms of basic medical science texts used by medical students. Iranian Journal of Education in Medical Sciences, 2(1 (series 7) (Special Issue of the Fifth National Conference on Medical Education)). (In Persian)
- Rafiei Atani, A. (2016). The reality and method of explaining "human action" in the framework of Islamic philosophy, a fundamental theory in human sciences. Aftab Tuseeh Publications. (In Persian)
- Ramezankhani, A. Alhani, F. Vedadhir, A. Mohammadkhalah, F. (2021), Consequences of Adult Violence: A Qualitative Study on Content Analysis; 17(1) :68-76. (In Persian)



- Rezaei, M.; Emami Jom'ah, S. M. & Bidhendi, M. (2017). Measurement of Human Aspect Theory in Analyzing Decision-Making Patterns Based on the Ideas of Transcendental Philosophers. *Scientific Journal of Islamic Management*, 25(4), 65-93. (In Persian)
- Rezaizadeh, K. (2021). Governance and its models with the role of public administration and law. Atran Publications. (In Persian)
- Robson, K.; Plangger, K.; Kietzmann, J. H.; McCarthy, I. & Pitt, L. (2015). Is it all a game? Understanding the principles of gamification. *Business Horizons*, 58(4), 411-420.
- Roper, B. W. (1986). Evaluating polls with poll data. *Public Opinion Quarterly*, 50(1), 10-16.
- Sadeghi, A.; Barati, O.; Bastani, P.; Daneshjafari, D. & Etemadian, M. (2020). Feasibility of implementing public--private partnership (PPP) in the development of hospital services and optimizing resource allocation in Iran. *Cost Effectiveness and Resource Allocation*, 18(1), 1-8.
- Schmitter, P. C.; Grote, J. & Gbikpi, B. (2002). Participatory Governance. Political and societal implications. Leske & Budrich, Opladen.
- Shir Ali, E. (2021). The concept of popularization of governance. *Transcendent Governance*, 8(2), 11-30. (In Persian)
- Soltani, M. R. (2018). Identification of command and management Characteristics and criteria of based on Imam Khomeini's intellectual system. *Interdisciplinary Studies on Strategic Knowledge*, 2(5), 69-95. (In Persian)
- Taslimi, M. S.; Amin, F. & Hassanzadeh, K. (2014). Prioritizing strategic planning obstacles in religious delegations. *Islamic Management*, 23(2), 83-101. (In Persian)
- Talabaki, A. & Aslani, F. (2016). The review of legal basis of the "commanding right and forbidding wrong" with regard to contemporary human rights. *Islamic Law*, 12(47), 33-50. (In Persian)
- Tousi, H. A. & Mehri, A. (2011). Factors influencing the country's elites to join Basij. *Islamic Management*, 19(2), 105-130. (In Persian)
- Van Deemen, A. & Rusinowska, A. (2010). Collective decision making: Views from social choice and game theory (Vol. 43). Springer Science & Business Media.
- Waheduzzaman, W.; Van Gramberg, B. & Ferrer, J. (2018). Bureaucratic Readiness in Managing Local Level Participatory Governance: A Developing Country Context. *AUSTRALIAN JOURNAL OF PUBLIC ADMINISTRATION*, 77(2, SI), 309-330. <https://doi.org/10.1111/1467-8500.12256>
- Wu, B.; Zhou, X.; Jin, Q.; Lin, F. & Leung, H. (2017). Analyzing Social Roles Based on a Hierarchical Model and Data Mining for Collective Decision-Making Support. *IEEE SYSTEMS JOURNAL*, 11(1), 356-365. <https://doi.org/10.1109/JSYST.2014.2386611>
- Xu, Y. (2019). Collective decision-making of voters with heterogeneous levels of rationality. *PUBLIC CHOICE*, 178(1-2), 267-287.



- <https://doi.org/10.1007/s11127-018-00627-7>
- Yasini, S. R. (2014). Historicity of artistic tools and spirituality of tools in Islamic art. *Negreh*, 10(33), 21-33. (In Persian)
- Zand Razavi, B.; Khaniki, H.; Nasrollahi, A. & Boostani, D. (2018). Meaning Reconstruction of Participatory Water Governance: A Qualitative Review of Group Communication of Groundwater Beneficiaries of Rafsanjan Plain 1395- 1397. *Journal of Iranian Social Studies*, 12(4), 44-66. (In Persian)
- Zaighmi, R.; Bagheri Nasami, M.; Haqdoost Eskoui, S. F. & Yadavarnik Rosh, M. (2008). content analysis. *Iranian Journal of Nursing*, 21(53), 41-52. (In Persian)
- Zojaji, N.; Talebpour, F. & Rafieyan, M. (2020). New Genre of Public Art as a Means of Developing Collective Creativity. *Theoretical Principles of Visual Arts*, 4(2), 65-74. doi: 10.22051/jtpva.2020.25366.1054 (In Persian)
- Zohdi, Y.; Kalantari, F. & Mehrabi, N. (2015). The Principles of Basij's Doctrine. *Defence Studies*, 13(1), 79-105. (In Persian)



شناسایی و واکاوی عوامل مؤثر بر فرهنگ کار در بین جوانان استان ایلام

همایون مرادنژادی

دانشیار گروه کارآفرینی و توسعه روستایی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.

h.moradnezhadhi@ilam.ac.ir

چکیده

با وجود مزیت‌های اقتصادی و نیروی انسانی آموزش‌دیده در استان ایلام، آمار بیکاری زیاد و نرخ فعالیت‌های کارآفرینانه پایین است. کندوکاو پژوهشگر نشان می‌دهد که پایین بودن فرهنگ کار در بین جوانان می‌تواند یکی از دلایل نرخ بالای بیکاری در این استان باشد. این پژوهش با هدف شناسایی و واکاوی عوامل مؤثر بر فرهنگ کار در بین جوانان استان ایلام و با بهره‌گیری از روش‌شناسی توصیفی - همبستگی به انجام رسیده است. پژوهش دارای دو جامعه آماری جوانان و نخبگان بوده است. با در نظر گرفتن ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و اجتماعی، شهرستان‌های ایلام در دو گروه دسته‌بندی و از بین هر گروه سه شهرستان به صورت تصادفی انتخاب شدند. با بهره‌گیری از فرمول کوکران تعداد ۷۵۶ نفر از بین جوانان (شاغلان ۳۸۵ نفر و بیکاران ۳۷۱ نفر) و تعداد ۹۶ نفر از بین نخبگان به‌عنوان نمونه آماری برآورد و به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی با انتساب متناسب مورد مطالعه قرار گرفتند. مدل نظری پژوهش برگرفته‌شده از تحلیل عاملی و گروه کانونی بوده است.^۱ ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق‌ساخته‌ای بود که روایی آن با استفاده از دیدگاه تعداد ۳ نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه ایلام و پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ تأیید شد. نتایج تحلیل مسیر نیز نشان داد که بی‌عدالتی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مهم‌ترین متغیری بوده است که هم به‌طور مستقیم و هم به‌طور غیرمستقیم در پایین بودن فرهنگ کار در بین جوانان استان تأثیرگذار بوده و اثر سایر متغیرها نیز معلول اثر این متغیر بوده است؛ بنابراین

۱. این مقاله برگرفته شده از یک کار پژوهشی با استفاده از روش آمیخته بوده است که در اینجا نتایج مرحله کمی آن آمده است. در مرحله اول جهت استخراج متغیرها از روش فراترکیب به روش سندلوسکی و باروسو (۲۰۰۷) استفاده شد. در مرحله بعد با استفاده از روش دلفی نسبت به تهیه ابزار گردآوری داده‌ها متناسب با شرایط منطقه و استان اقدام شد. در گام بعدی با استفاده از ابزار تهیه‌شده در مرحله دلفی اقدام به شناسایی و دسته‌بندی متغیرهای استخراج‌شده با استفاده از تحلیل عاملی گردید. با هدف استفاده از متغیرهای شناسایی‌شده در مرحله تحلیل عاملی برای تحلیل ثانویه؛ اقدام به برگزاری یک گروه کانونی برای تدوین مدل مفهومی و چگونگی ارتباط متغیرها با یکدیگر شد.

براي بهبود فرهنگ كار و تلاش و توسعه استان، نقش متغيرهاي بيگانگي سياسي - اجتماعي و بي عدالتي سياسي، اقتصادي و اجتماعي بيشتر مورد توجه و دقت قرار گيرند.

كليدواژه ها: فرهنگ كار، بيگانگي سياسي - اجتماعي، نابرابري سياسي، اقتصادي و اجتماعي، جوانان استان ايلام، بيكاري.

تاريخ دريافت: ۱۴۰۱/۰۵/۱۵ تاريخ بازبيني: ۱۴۰۱/۰۸/۳۰ تاريخ پذيرش: ۱۴۰۱/۰۸/۳۰
فصلنامه راهبرد اجتماعي فرهنگي، سال ۱۲، شماره ۲، پياپي ۴۷، تابستان ۱۴۰۲، صص ۵۲۷-۵۶۴

مقدمه و بیان مسئله

دستیابی به نرخ بیکاری سطح پایین پایدار یکی از اهداف اساسی اقتصاد است، چرا که از یک سو گویای عملکرد مطلوب نظام اقتصاد کشور است و از سوی دیگر به دلیل ارتباط تنگاتنگ بیکاری با فقر، محرومیت و آسیب‌پذیری دهک‌های پایین درآمدی نشان از حرکت بر روی ریل صحیح توسعه دارد (حاج‌امینی، ۱۳۹۸). نرخ بیکاری، حتی در داخل مناطق یک کشور نیز از یکدیگر متفاوت بوده و از این رو، می‌توان گفت که دلایل بیکاری در مناطق مختلف یک کشور نیز از یکدیگر متمایزند. نرخ بیکاری در استان ایلام وضعیت نامناسبی نسبت به کل کشور دارد (سلجوقی و محمدی‌پور، ۱۳۹۷، ص. ۸). استان ایلام با جمعیت ۵۸۰ هزار نفر جمعیت، جزو استان‌های کم‌جمعیت کشور به‌شمار می‌رود؛ اما آمار بیکاری در آن بالا است. شاخص فلاکت کشور که نشان‌دهنده حاصل جمع نرخ تورم و نرخ بیکاری است، در پایان سال ۱۳۹۹، ۱/۴۶ درصد برآورد شده است. استان ایلام به همراه ۱۳ استان دیگر در کشور، در پایان سال ۱۳۹۹ با شاخص فلاکت بالاتر از میانگین کل کشور مواجه شده‌اند. در جدیدترین آمار نیز، طبق اعلام مرکز ملی آمار ایران، این استان ۲۰ هزار بیکار دارد که ۱۴ هزار نفر از این تعداد فارغ‌التحصیل دانشگاه هستند و بیشترین جمعیت این بیکاران فارغ‌التحصیل نیز در شهر ایلام قرار دارند (رضایی نسب، ۱۴۰۱). هر چند بر اساس آمار رسمی مرکز آمار نرخ بیکاری استان ایلام در یک‌سوم آخر استان‌های کشور قرار دارد؛ اما به نظر می‌رسد این نرخ بیکاری با واقعیت‌های جامعه چندان تطابق ندارد. بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۹۶ نرخ بیکاری پنهان می‌تواند معیار مناسبی برای ارائه دورنمای میان‌مدت وضعیت بیکاری کل کشور و استان‌ها باشد و بخش‌های مؤثر و مشاهده‌نشده را برای سیاست‌گذاران آشکار کند. در واقع اگر اقدام‌های مؤثر در جهت افزایش تقاضای متناسب نیروی کار به‌ویژه در استان‌هایی مانند لرستان، کرمانشاه، ایلام، کهگیلویه و بویراحمد و چهارمحال و بختیاری انجام نشود، احتمال ایجاد نرخ‌های بیکاری بیش از ۳۱ درصد چندان دور به نظر نمی‌رسد (بهنیا و دیگران، ۱۳۹۶، ص. ۱۴). علاوه بر این بررسی‌ها نشان می‌دهد که وضعیت توسعه و شاخص‌های اقتصادی در بین شهرستان‌های استان ایلام نیز متفاوت و نابرابر است (مشکینی و دیگران، ۱۳۹۸). نزدیک به ۱۱ درصد ذخایر گاز کشور در استان ایلام قرار دارد. وجود

مرز بین‌المللی مهران و امکان صادرات فنی مهندسی به کشور عراق از دیگر مزیت‌های برجسته استان ایلام برای حضور سرمایه‌گذاران در بخش‌های مختلف است (مرکز آمار ایران، به نقل از: امینی، ۱۳۹۶، ص. ۹۴). با وجود دارا بودن آب‌وهوای مناسب و وجود چهار اقلیم متنوع در سطح استان، وجود منابع آبی و بارندگی مناسب و همچنین خاک حاصلخیز در استان، رتبه نامناسبی را از نظر بیکاری در کشور به خود اختصاص داده است. حال این سؤال مطرح می‌شود که به چه دلایلی استان ایلام با وجود مزیت‌ها و توانمندی بالایی که برای اشتغال‌زایی دارد، در جایگاه پایینی از لحاظ اشتغال و تولید قرار گرفته است. کندوکاو پژوهشگر در خصوص دلایل پایین بودن تولید و نیز بالا بودن میزان بیکاری در استان ایلام نشان می‌دهد که می‌توان یکی از دلایل بالا بودن بیکاری را در پایین بودن فرهنگ کار در استان ایلام دانست. بنابر نظر اکثر فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های ایلام، در این جامعه مؤلفه‌های فرهنگ کار بسیار ضعیف است و آن‌طور که باید در فرایند جامعه‌پذیری در آنها درونی نشده است. مؤلفه‌هایی مانند: ضعف کار گروهی، عدم انتقال تجارب و مهارت‌ها از سوی خانواده، عدم یادگیری تلاش و سخت‌کوشی در خانواده و جامعه، تعریف نشدن اشتغال در برنامه زندگی افراد از کودکی، تأکید صرف بر تحصیل و دانشگاه و مانند آنها در نتیجه فقدان فرهنگ کار مناسب در این جامعه به‌عنوان نقص و معضل اجتماعی و فرهنگی تلقی می‌شود (رضایی‌نسب، ۱۴۰۱). نتایج پژوهش‌های مرتبط با موضوع نیز بیانگر پایین بودن فرهنگ کار در استان ایلام است. کمربیگی و رشیدی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان شناسایی مسائل و آسیب‌های فرهنگی استان ایلام نتیجه گرفته‌اند که بیکاری با میانگین ۶۸/۲۲، پایین بودن فرهنگ کار و تلاش در جامعه با میانگین ۶۴/۸۱ و کاهش احساس مسئولیت اجتماعی با میانگین ۶۳/۳۳ رتبه‌های اول تا سوم سطوح مختلف مسائل و آسیب‌های فرهنگی استان را به خود اختصاص داده‌اند. رضایی‌نسب (۱۴۰۱) پژوهشی با عنوان مطالعه زمینه‌ها و بسترهای شکل‌گیری بیکاری فارغ‌التحصیلان دختر دانشگاه‌های شهر ایلام به انجام رسانده است. تحلیل مصاحبه‌های فارغ‌التحصیلان، به شکل‌گیری چهارچوب مفهومی در قالب تعریف و درک زنان فارغ‌التحصیل از پدیده بیکاری، شرایط زمینه‌ای در قالب نهادینه‌شدن فرهنگ کار، محدودیت‌های ساختاری، فرهنگ ایلی به‌مثابه عامل بازدارنده، شرایط میانجی در قالب ضعف مدیریتی، ضعف سرمایه انسانی و فرسایش سرمایه اجتماعی انجامید (رضایی‌نسب، ۱۴۰۱). با اینکه قابلیت‌ها و ظرفیت‌های بی‌شماری در استان ایلام وجود دارد، پایین بودن فرهنگ کار (کمربیگی و رشیدی، ۱۳۹۴) می‌تواند یکی از دلایل آمار



بالای بیکاری و نرخ پایین کارآفرینی در این استان به‌شمار رود؛ بنابراین، می‌توان گفت که یکی از راه‌حل‌های کاهش بحران بیکاری در استان ایلام، توسعه فرهنگ کار است. این در حالی است که علی‌رغم اهمیت موضوع، تاکنون نه‌تنها در سطح استان ایلام، بلکه در کل کشور نیز مطالعات چندانی در این زمینه انجام نشده است.

۱. اهداف پژوهش

۱-۱. هدف کلی

این پژوهش با هدف شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر فرهنگ کار در بین جوانان استان ایلام به انجام رسیده است تا بتوان برنامه‌ای اجرایی، علمی و عملی برای بهبود و تقویت فرهنگ کار در استان ایلام تدوین کرد.

۱-۲. اهداف خرد

- ۱- بررسی میزان فرهنگ کار در بین جوانان استان ایلام؛
- ۲- شناسایی و بررسی رابطه متغیرهای تأثیرگذار با فرهنگ کار.

۲. فرضیه‌های پژوهش

همان‌گونه که در چکیده مقاله آمده است، مدل نظری تدوین‌شده برای این پژوهش برگرفته از تحلیل عاملی و گروه کانونی بوده است. براساس مدل نظری طراحی‌شده، فرضیه‌های زیر تدوین شده است:

- ۱- بیگانگی سیاسی - اجتماعی بر فرهنگ کار جوانان استان ایلام تأثیر دارد.
- ۲- بی‌عدالتی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بر فرهنگ کار جوانان استان ایلام تأثیر دارد.
- ۳- ناخشنودی اجتماعی بر فرهنگ کار جوانان استان ایلام تأثیر دارد.
- ۴- نابسامانی بازار و اقتصاد بر فرهنگ کار جوانان استان ایلام تأثیر دارد.
- ۵- هنجارها و ناهنجاری‌های اجتماعی بر فرهنگ کار جوانان استان ایلام تأثیر دارد.
- ۶- ویژگی‌های روان‌شناختی بر فرهنگ کار جوانان استان ایلام تأثیر دارد.

۳. پیشینه پژوهش

در این بخش به نتایج تعدادی از پژوهش‌های انجام‌شده درباره فرهنگ کار اشاره می‌شود آورده شده است: مرادی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان پیامدهای ضعف فرهنگ کار در بهره‌وری کارکنان دانشگاه نتیجه گرفتند که فرهنگ کار نقش

مؤثری در توسعه و بهره‌وری کارکنان دارد و می‌تواند میزان بهره‌وری و کیفیت کار را در کارکنان دانشگاهی افزایش دهد. نتایج پژوهش کلانتری و هاشمی (۱۴۰۰) نشان داد که مهم‌ترین موضوع‌های تشکیل‌دهنده وضعیت کار جوانان در استان ایلام، شامل ضعف بنییه اقتصادی جوانان، ضعف نهادی و سازمانی، ضعف فرهنگ عمومی، نگرش خانوادگی نامناسب به کار و هژمونی فرهنگی مرکز پیرامون بوده‌اند. قاسم‌پور و ویسه (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان تأثیر فرهنگ جهادی و اخلاق کار اسلامی بر بهره‌وری نیروی انسانی (مورد مطالعه: کارکنان دانشگاه ایلام) نتیجه گرفتند که فرهنگ جهادی و ابعاد آن؛ یعنی فرهنگ تعهدمحور، دانش‌محور و راهبردمحور بر بهره‌وری نیروی انسانی، تأثیر معنادار و مثبتی دارد. آقاسی بروجنی؛ قلی‌زاده و اعتباریان (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان شناسایی مؤثرترین عوامل اثرگذار بر ارتقاء فرهنگ کار برای زنان سرپرست خانوار انجام دادند. نتایج در بخش کمی نشان داد، از میان سه مؤلفه اصلی ارتقای فرهنگ کار زنان سرپرست خانوار، سیاست‌گذاری شغلی به‌عنوان اولویت اول، ارزش‌های فرهنگی اولویت دوم و مهارت‌های فردی به‌عنوان اولویت سوم شناسایی شدند. نتایج پژوهش مرادنژادی و واحدی (۱۳۹۸) نشان داد که عامل‌های اقتصادی - سیاسی، تجربه کسب‌وکار، مهارتی، آموزشی، فرهنگی - اجتماعی و روان‌شناختی مهم‌ترین موانع راه‌اندازی کسب‌وکارهای خانگی در مناطق روستایی استان ایلام بوده‌اند. یارمحمدزاده؛ مهدیون و قلی‌پور (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان شناسایی عوامل مؤثر بر ارتقای فرهنگ کارآفرینی در مدارس کاردانش و فنی و حرفه‌ای؛ رویکرد ترکیبی نتیجه گرفتند که عامل آموزشی از میان عوامل مؤثر فرهنگ کارآفرینی در بالاترین رتبه و عوامل پرورشی، نگرشی و اعتقادی، مالی و ساختاری در رتبه‌های بعدی قرار دارند. نتایج پژوهش نه‌اوندی و مقدم اصیل (۱۳۹۷) با عنوان بررسی تطبیقی عوامل مؤثر بر فرهنگ کار در ایران و چهار کشور آسیایی حاکی از آن است که در میان متغیرهای تأثیرگذار بر فرهنگ کار خلاقیت بیشترین تأثیر را در همه کشورها داشته است. نتایج آزمون‌ها نشان داد که فرهنگ کار در ایران در مقایسه با چهار کشور دیگر به‌طور چشمگیری پایین می‌باشد. نتایج پژوهش مدیری و مطیع حق‌شناس (۱۳۹۶) با عنوان فراتحلیل مطالعات انجام شده در زمینه فرهنگ کار در ایران بیانگر آن است که میانگین فرهنگ کار در ایران در سطح متوسط بوده است. گل‌کار (۱۳۹۶) در پژوهش خود با عنوان تبیین نقش کارگروهی بر تقویت فرهنگ کار در دانشجویان به این نتیجه رسید که سازمان‌ها منافع فردی و گروهی اعضای جامعه را تأمین می‌کنند؛ اما حیات و موفقیت آنها در

دستیابی به اهداف به کوششی وابسته است که از سوی نیروی انسانی آنها صورت می‌گیرد. سام آرام و مستجد حسینی مطلق (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان تحلیل مفهومی و گونه‌شناختی فرهنگ کار؛ نگاهی به کارکردهای آن در نظام تعلیم و تربیت نتیجه گرفتند که بی‌توجهی به فرهنگ کار در نظام آموزشی، شکست طرح‌های آموزشی، افزایش هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی از جمله بیکاری، کاهش فرصت‌های شغلی، افزایش جرم و جنایت، بی‌اعتمادی مدنی و افزایش مالیات‌ها برای تأمین هزینه‌های خدمات بهداشتی و افزایش هزینه‌های عمومی برای خانواده‌های کم‌درآمد را در پی خواهد داشت. توحیدلو؛ ذاکری و جعفری مقدم (۱۳۹۶) وجوه تمایز فرهنگ کار در ایران و خارج از ایران در نگاه شاغلین ایرانی خارج از کشور را بررسی کردند. نتایج پژوهش نشان داد که در میان موانع موجود در برابر شکل‌گیری فرهنگ سازنده کار، بی‌عدالتی، خودگرایی، نبود بیمه‌های حمایتگر، نبود چشم‌انداز و آینده روشن کار، زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی مانع از کار، نبود مشوق‌های علمی پیش‌برنده، نظم اجتماعی و نظم مستقر در سازمان‌ها پُرننگ بوده است. هراس^۱ و همکاران (۲۰۲۱) پژوهشی با عنوان فرهنگ سازمانی حامی خانواده، رضایت از تعادل کار و خانواده و اثربخشی دولت: شواهدی از چهار کشو نیجریه، فیلیپین، گواتمالا و اسپانیا انجام داده‌اند. آنها نتیجه گرفته‌اند که ادراک کارکنان از تعادل بین کار و خانواده، رابطه بین دو بُعد فرهنگ سازمانی دوستدار خانواده و اهداف اقتصادی کارکنان را میانجیگری می‌کند. این میانجیگری برای کشورهای که کارکنان آنها تجربه بالایی دارند ضعیف‌تر است. حضرتی^۲ و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان عنوان رویکردی کیفی برای شناسایی موانع کار گروهی چند حرفه‌ای در بین اساتید پزشکی بیمارستان‌های آموزشی ایران به این نتیجه رسیده‌اند که فرهنگ غالب تخصص‌گرایی در جامعه پزشکی، نبود آموزش‌های بین‌رشته‌ای و فردگرایی از موانع کار گروهی هستند. پژوهش امیرالدین^۳ و همکاران (۲۰۲۱) نشان داد که محیط کار و فرهنگ نقش مهمی در افزایش ظرفیت کاری کارکنان دارد. لی^۴ و همکاران (۲۰۲۰) پژوهشی با عنوان توسعه و اعتبار ابزار اخلاق کار برای اندازه‌گیری ارزش‌ها و نگرش‌های مربوط به کار مردم چین انجام داده‌اند. در این مطالعه ابزاری برای اخلاق کاری طراحی شده است که می‌تواند برای اندازه‌گیری ارزش‌ها و نگرش‌های مرتبط با

1. Heras & et al.
2. Hazrati & et al.
3. Amiruddin & et al.
4. Li & et al.

کار مردم چین استفاده شود. سرور^۱ و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان چگونه جو نوآورانه منجر به موفقیت طرح می‌شود: نقش تعدیل‌کننده جنسیت و فرهنگ را بررسی کرده‌اند. در این پژوهش اثر تعدیل‌کننده جنسیت توسط نتایج تأیید نشد. همچنین مدیریت باید اطمینان حاصل کند برای به حداکثر رساندن نرخ موفقیت طرح‌ها، به فضای کاری نوآورانه در سازمان‌ها و ادارات اهمیت لازم داده می‌شود. نتایج پژوهش گرابوفسکی^۲ و همکاران (۲۰۱۹) نشان داد که بعد اخلاق کاری «سخت‌کوشی» و تعهد سازمانی هنجاری و عاطفی، پیش‌بینی‌کننده‌های مثبت رفتارهای غیراخلاقی سازمانی هستند. ابعاد اخلاقی «اخلاق/اخلاق»، «تأخیر در رضایت»، «مرکزیت کار» و «نگرش‌های ضد اوقات فراغت» پیش‌بینی‌کننده‌های منفی رفتارهای غیراخلاقی سازمانی هستند. فوکرولت و همکاران (۲۰۱۸)^۳ در پژوهشی با عنوان فرهنگ سازمانی و ادغام کار و زندگی، نتیجه گرفتند که عدم تطابق بین فرهنگ و ترجیحات شخصی می‌تواند بر وضعیت عاطفی کارکنان تأثیرگذار باشد. بررسی پیشینه پژوهش در داخل کشور نشان می‌دهد که بیشتر پژوهش‌هایی که تاکنون به بررسی عوامل مؤثر بر فرهنگ کار پرداخته‌اند، واحد تحلیل خود را سازمان‌ها و کسب‌وکارهای اقتصادی انتخاب کرده‌اند و جامعه آماری آنها افرادی بوده‌اند که در یک سازمان یا کسب‌وکار مشغول به کار بوده‌اند و کمتر به واکای فرهنگ کار در بین بیکاران و جوانان پرداخته شده است. پژوهش‌های خارجی انجام‌شده نیز بیشتر رابطه تأثیر یک یا چند متغیر را با فرهنگ کار بررسی کرده‌اند و پژوهش‌های جامعی که به بررسی عوامل مختلف تأثیرگذار بر فرهنگ کار کمتر انجام گرفته است. این پژوهش به بررسی وضعیت فرهنگ کار در بین افراد شاغل و بیکار جوان و عوامل تأثیرگذار بر فرهنگ کار آنان پرداخته است.

۴. چارچوب نظری

پژوهش‌های گسترده روان‌شناسی ارتباط بین ارزش‌ها، باورها و رفتار انسان‌ها را تأیید کرده است؛ لذا فرهنگ‌های ملی مختلف با ارزش‌ها و اعتقادهای خاص، ممکن است طیف وسیعی از رفتارها از جمله تصمیم برای ایجاد شغل به‌جای کار برای دیگران را

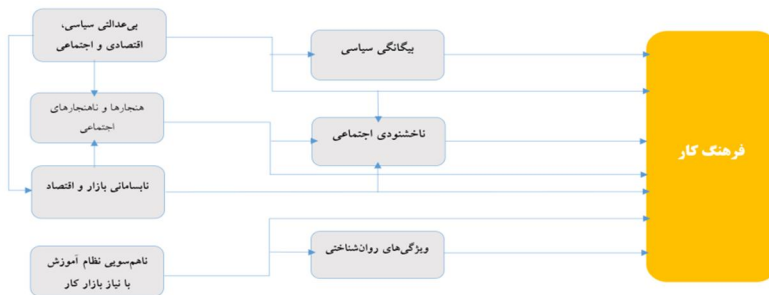
1. Sarwar & et al.
2. Grabowski & et al.
3. Foucreault & et al.

تحت تأثیر قرار دهد (Mueller & Thomas, 2001). بنداسولی^۱ (۲۰۱۶) در مقاله‌ای با عنوان کار و فرهنگ: رویکرد روان‌شناسی فرهنگی و کار چنین استدلال کرده است که فرهنگ فرایندی است که به‌وسیله آن می‌توان از نشانه‌ها به عنوان ابزاری برای میانجیگری رابطه خود با محیط و تنظیم کنش خود استفاده کرد. کار یک فعالیت با واسطه نشانه است که از طریق فرهنگ رخ می‌دهد. درباره مفهوم فرهنگ کار تعریف واحدی وجود ندارد و هر یک از اندیشمندان به فراخور نگاه خود، تعریفی ارائه نموده است. هر چند توافق بر سر تعریف فرهنگ کار را امری تقریباً دشوار می‌دانند، اما آن را از جمله امور ذهنی (هنجارها، ارزش‌ها، باورها، نگرش‌ها، ایدئولوژی‌ها و انتظارات و دانستنی‌هایی) اطلاق کرده‌اند که مورد پذیرش و توافق افراد یک گروه کاری بوده و مبنای رفتار شغلی، تعاملات فی‌مابین، عامل تأثیرگذار بر وفاداری اعضا به اهداف گروه، تأمین‌کننده نظم و انسجام درونی و دربردارنده راهکارهای غلبه بر مشکلات خارجی و عامل تأثیرگذار بر میزان بهره‌وری سازمان تعریف کرده‌اند (سام آرام و مستجد حسینی مطلق، ۱۳۹۶). برخی از پژوهشگران نیز بر پایه نتایج پژوهش‌های متعدد دریافته‌اند که نگرش‌های فرهنگی افراد در جوامع مختلف بر رفتارهای کارآفرینانه آنها تأثیر دارد؛ به‌گونه‌ای که در برخی گروه‌ها، رابطه بین فرهنگ و کارآفرینی قوی‌تر است (Kreiser & et al., 2001, p. 342). علاوه بر این، بر اساس یافته‌های پژوهشی موجود، تفاوت‌های فرهنگی به‌عنوان یکی از عوامل مهم و مؤثر در تعیین سطح توسعه کارآفرینی در جوامع مختلف شناخته شده است (GEM, 2010). جکسون^۲ (۲۰۰۱) در مطالعه‌ای در خصوص ارزش‌های فرهنگی و اخلاق در مدیریت، کشورهایی را که دارای تفاوت‌های روشنی در دو بعد فرهنگی جمع‌گرایی - فردگرایی و اجتناب از ابهام باشند انتخاب کرد و از این دو بُعد به‌منظور توضیح تفاوت‌های فرهنگی ملی در قضاوت‌های اخلاقی تصمیم‌گیری مدیران با توجه به داده‌های تجربی استفاده نمود. این مطالعه این فرضیه را که نگرش‌های اخلاقی در بین ملیت‌های مختلف متفاوت است، تأیید کرد. پژوهش براونسن^۳ (۲۰۱۵) پیرامون تأثیر آگاهی کارآفرینی بر فرهنگ کارآفرینی نشان داد که ارتقای آگاهی کارآفرینانه افراد تا حد زیادی به ترویج فرهنگ کارآفرینی در جامعه کمک می‌کند.

بررسی پیشینه و ادبیات پژوهش نشان داد که علل و عوامل مؤثر بر فرهنگ کار

1. Bendassolli
2. Jackson
3. Brownson

بسیار گسترده و از منطقه‌ای به منطقه دیگر متفاوت بوده است و نمی‌توان گفت که چهارچوب جامع و پذیرفته‌شده‌ای در این خصوص وجود دارد؛ بنابراین پژوهشگر با بررسی پیشینه پژوهش اقدام به تدوین یک چهارچوب نظری محقق‌ساخته با بهره‌گیری از نتایج تحلیل عاملی و گروه کانونی در مرحله نخست پژوهش کرده است (نمودار ۱).



منبع: (یافته‌های پژوهش)

نمودار (۱): مدل نظری پژوهش

۵. روش پژوهش

این پژوهش با بهره‌گیری از روش‌شناسی توصیفی – همبستگی^۱ به انجام رسیده است. در این پژوهش فرهنگ کار با استفاده از ۱۲ گویه برگرفته از بررسی پیشینه پژوهش و تأیید گروه کانونی ارزیابی شده است. در پایان نیز با استفاده از تحلیل مسیر به بررسی روابط بین متغیرها و میزان اثرگذاری هر یک از عوامل بر روی متغیر وابسته پژوهش پرداخته شد. روایی پرسشنامه‌های به کار گرفته‌شده از طریق روایی محتوایی بر اساس نظرات سه نفر از اساتید و خبرگان سنجیده شد. در این پژوهش به‌منظور حصول اطمینان بیشتر از وسیله اندازه‌گیری و تعیین دقت اندازه‌گیری از روش برآورد ضریب اطمینان با بهره‌گیری از فرمول آلفای کرونباخ استفاده شده است. پس از محاسبه، نتیجه برآورد پرسشنامه نخبگان $0/831$ پرسشنامه جوانان $0/819$ به‌دست آمد که در فرمول کرونباخ مقدار α بین صفر و یک ($0 < \alpha < 1$) و ضریب اعتبار بالای $0/5$ در تست اعتبار مورد قبول است. محاسبه این ضریب نشان‌دهنده قابل قبول بودن پایایی پرسشنامه‌ها برای انجام پژوهش بود. مقدار آلفای کرونباخ به‌دست‌آمده برای هر دسته گویه در جدول (۱) آمده است.



جدول (۱): مقدار آلفای کرونباخ به دست آمده برای هر دسته از گویه‌های پرسشنامه‌ها

نام پرسشنامه	دسته گویه	تعداد گویه	آلفای کرونباخ
جوانان	ضعف فرهنگ کار	۷۲	۰/۸۳۱
	فرهنگ کار	۱۲	۰/۷۹۱
	متغیرهای اثرگذار بر ضعف فرهنگ کار	۵۷	۰/۸۴۸
	مجموع	۷۲	۰/۸۱۹

جامعه آماری پژوهش شامل جوانان شاغل، بیکار و نخبگان صاحب‌نظر در حوزه فرهنگ کار و کسب‌وکار بود. به دلیل وسعت جامعه آماری (کل استان ایلام) با در نظر گرفتن ویژگی‌های اقلیمی، اجتماعی و اقتصادی شهرستان‌های استان به دو دسته (شامل گروه یک: شهرستان‌های دهلران، مهران، دره شهر، آبدانان، بدره - گروه دو: چرداول، ایوان، سیروان، هلیلان، ایلام، ملکشاهی) تقسیم شد. پس از آن به صورت تصادفی تعداد شش شهرستان به عنوان نمونه انتخاب گردید. با استفاده از اطلاعات حاصل از اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی، تعداد افراد شاغل و بیکار در شهرستان‌های مورد نظر تعیین شد. در مرحله بعد بر اساس فرمول کوکران حجم نمونه کل برآورد و با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی با انتساب متناسب حجم نمونه هر یک از شهرستان‌ها برآورد گردید.

جدول (۲): حجم جامعه و نمونه آماری پژوهش به تفکیک شهرستان

شهرستان	شاغلان		بیکاران		نخبگان	
	حجم جامعه	حجم نمونه	حجم جامعه	حجم نمونه	حجم جامعه	حجم نمونه
دره‌شهر	۱۲۷۳۸	۴۳	۱۰۵۸	۳۷	۱۲	۱۲
ایلام	۶۰۸۷۴	۲۰۵	۵۹۶۷	۲۰۷	۵۱	۴۶
ایوان	۱۳۴۴۸	۴۵	۱۵۲۵	۵۳	۹	۹
بدره	۳۸۲۷	۱۳	۳۵۰	۱۲	۸	۸
سیروان	۴۱۴۶	۱۴	۳۳۲	۱۲	۱۰	۱۰
دهلران	۱۹۴۴۹	۶۵	۱۴۲۴	۵۰	۱۱	۱۱
جمع	۱۱۴۴۸۲	۳۸۵	۱۰۶۵۶	۳۷۱	۱۰۱	۹۶



۶. یافته‌ها

میانگین سابقه کار افراد نخبه ۱۶/۳ سال، کمترین سابقه ۵ سال و بیشترین سابقه نیز ۳۷ سال بوده است. با توجه به وضعیت شغلی بیکاران که فاقد شغل می‌باشند موضوع سابقه کار برای این گروه از پاسخگویان بی‌مورد می‌باشد. ۲۲/۱ درصد از پاسخگویان شاغل کمتر از ۱۶ سال سابقه کار داشته و مابقی افراد یعنی ۷۷/۹ درصد آنان نیز بالای ۱۵ سال سابقه کار داشته‌اند. بیشترین فراوانی مشاهده شده (۵۶/۱ درصد) نیز مربوط به شاغلانی بوده است که بین ۱۶ تا ۲۰ سال سابقه کار داشته و کمترین فراوانی (۵/۵ درصد) نیز مربوط به پاسخگویانی بود که کمتر از ۱۰ سال سابقه کار داشته‌اند. ۳/۱ درصد از پاسخگویان نخبه از لحاظ تحصیلات در سطح کارشناسی، ۵۱ درصد با در سطح کارشناسی ارشد و مابقی (۴۵/۹ درصد) در سطح دکتری از تحصیلات دانشگاهی برخوردار بودند. ۹۶/۹ درصد از پاسخگویان از لحاظ سطح تحصیلات بالاتر از سطح کارشناسی (کارشناس ارشد و دکتری) بودند. ۱۶/۷ درصد از پاسخگویان بیکار از لحاظ تحصیلات در سطح دیپلم و کاردانی بوده و مابقی (۸۳/۳ درصد) دارای مدرک کارشناسی و بالاتر بوده‌اند. همه افراد شاغل دارای مدرک کارشناسی و بالاتر از آن بودند. بیشترین فراوانی مشاهده شده نیز مربوط به شاغلانی بود که دارای مدرک تحصیلی کارشناسی بوده‌اند (۵۵/۶ درصد). در ادامه پژوهش یافته‌های هر کدام از اهداف خرد پژوهش جداگانه آمده است:

۶-۱. هدف خرد ۱: بررسی میزان فرهنگ کار در بین جوانان استان ایلام

همان‌گونه که در روش‌شناسی اشاره شد، در این پژوهش فرهنگ کار با استفاده از ۱۲ گویه برگرفته از بررسی پیشینه پژوهش و تأیید گروه کانونی ارزیابی شده است. در جدول (۲) توزیع فراوانی وضعیت فرهنگ کار در بین دو گروه شاغلان و بیکاران آورده شده است.

جدول (۳): توزیع فراوانی وضعیت فرهنگ کار در بین شاغلان و بیکاران

پیوستار	شاغلان		بیکاران	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
خیلی پایین	۶۵	۱۶/۹	۸۳	۲۲/۴
پایین	۱۴۸	۳۸/۴	۱۱۹	۳۲/۱

بیکاران			شاغلان			پیوستار
درصد تجمعی	درصد	فراوانی	درصد تجمعی	درصد	فراوانی	
۷۴/۲	۱۹/۷	۷۳	۷۳/۵	۱۸/۲	۷۰	متوسط
۸۴/۱	۹/۹	۳۷	۸۷/۸	۱۴/۳	۵۵	بالا
۱۰۰	۱۵/۹	۵۹	۱۰۰	۱۲/۲	۴۷	خیلی بالا
-	۱۰۰	۳۷۱	-	۱۰۰	۳۸۵	جمع

یافته‌ها نشان داد که وضعیت فرهنگ کار در بین ۷۳/۵ درصد از شاغلان و ۷۴/۲ درصد از بیکاران در حد متوسط و کمتر از آن بوده است. همچنین مشخص شد که وضعیت فرهنگ کار در بین ۱۲/۲ درصد شاغلان و ۱۵/۹ درصد بیکاران در حد خیلی زیاد بوده است. بیشترین فراوانی مشاهده شده در دو گروه شاغل و بیکار نیز در بین افرادی بوده است که از لحاظ وضعیت فرهنگ کار در دسته پایین قرار گرفته‌اند (به ترتیب ۳۸/۴ درصد و ۳۲/۱ درصد).

۲-۶. هدف خرد ۲: بررسی رابطه متغیرهای تأثیرگذار با فرهنگ کار

بهم‌منظور قضاوت در مورد رابطه علی متغیرهای پژوهش با توجه به تغییر مقیاس متغیرها از رتبه‌ای به شبه‌فاصله‌ای از آزمون پیرسون استفاده و ضرایب مربوطه محاسبه شده است. در جدول (۴) متغیرها، مقیاس متغیرها، ضریب همبستگی و سطح معنی‌داری آنها آمده است.

جدول (۴): میزان همبستگی متغیر وابسته فرهنگ کار با متغیرهای مستقل پژوهش

سطح معنی‌داری	ضریب همبستگی پیرسون	متغیر دوم		متغیر اول		رتبه
		مقیاس	متغیر	مقیاس	متغیر	
۰/۰۰۰	۰/۵۴۳**	شبه‌فاصله‌ای	فرهنگ کار	شبه‌فاصله‌ای	عامل هنجارها و ناهنجاری‌های اجتماعی	۱
۰/۰۰۰	۰/۶۸۰**	شبه‌فاصله‌ای	فرهنگ کار	شبه‌فاصله‌ای	عامل بیگانگی سیاسی اجتماعی	۲
۰/۰۲۵	۰/۲۳۶*	شبه‌فاصله‌ای	فرهنگ کار	شبه‌فاصله‌ای	عامل ویژگی‌های روان‌شناختی	۳

رتبه	متغیر اول		متغیر دوم		ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری
	متغیر	مقیاس	متغیر	مقیاس		
۴	عامل بی‌عدالتی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی	شبه‌فاصله‌ای	فرهنگ کار	شبه‌فاصله‌ای	۰/۷۳۵**	۰/۰۰۰
۵	عامل ناخشنودی اجتماعی	شبه‌فاصله‌ای	فرهنگ کار	شبه‌فاصله‌ای	۰/۵۹۳**	۰/۰۰۰
۶	عامل ناهم‌سوئی نظام آموزش با نیاز بازار کار	شبه‌فاصله‌ای	فرهنگ کار	شبه‌فاصله‌ای	۰/۲۴۱*	۰/۰۲۱
۷	عامل نابسامانی بازار و اقتصاد	شبه‌فاصله‌ای	فرهنگ کار	شبه‌فاصله‌ای	۰/۶۱۸**	۰/۰۰۰

**معنی‌داری در سطح پنج درصد

**معنی‌داری در سطح یک درصد

با توجه به ضریب همبستگی پیرسون به‌دست‌آمده بین عوامل هنجارها و ناهنجاری‌های اجتماعی؛ بیگانگی سیاسی اجتماعی؛ بی‌عدالتی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی؛ ناخشنودی اجتماعی و عامل نابسامانی بازار و اقتصاد و متغیر وابسته فرهنگ کار و همچنین سطح معنی‌داری به‌دست‌آمده ($\text{sig}=0/000$)، با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت که تأثیر متغیرهای ذکر شده منفی و معنی‌دار بوده است. به‌عبارتی با بالا رفتن سطح متغیرهای مستقل سطح فرهنگ کار پایین خواهد آمد و بالعکس. همچنین با توجه به ضریب همبستگی پیرسون به‌دست‌آمده بین دو عامل ویژگی‌های روان‌شناختی و عامل ناهم‌سوئی نظام آموزش با نیاز بازار کار و متغیر وابسته فرهنگ کار و همچنین سطح معنی‌داری به‌دست‌آمده، با اطمینان ۰/۹۵ می‌توان گفت که تأثیر متغیرهای ذکر شده منفی و معنی‌دار بوده است. به‌عبارتی با بالا رفتن سطح متغیرهای مستقل؛ سطح فرهنگ کار پایین خواهد آمد و بالعکس.

۳-۶. آزمون فرضیه‌های پژوهش

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش با استفاده از تحلیل مسیر نشان داد که همه فرضیه‌های تدوین‌شده برای پژوهش تأیید شده‌اند. نتایج تحلیل مسیر نشان داد که متغیرهای هنجارها و ناهنجاری‌های اجتماعی، ناهم‌سوئی نظام آموزش با نیاز بازار کار، بیگانگی سیاسی اجتماعی، ناخشنودی اجتماعی و ویژگی‌های روان‌شناختی

متغیرهایی هستند که تنها به صورت مستقیم بر متغیر وابسته ضعف فرهنگ کار اثر داشته‌اند و بنابراین به صورت غیرمستقیم اثری بر متغیر وابسته (ضعف فرهنگ کار) نداشته‌اند (جدول ۴). تحلیل مسیر انجام شده نشان داد که اثر هیچ یک از متغیرهای وارد شده در تحلیل صرفاً به صورت غیرمستقیم نبوده و همگی یا به صورت مستقیم و یا به صورت هم مستقیم و هم غیرمستقیم بر متغیر وابسته ضعف فرهنگ کار اثر داشته‌اند (جدول ۲). متغیر بی‌عدالتی سیاسی، اقتصادی اجتماعی علاوه بر تأثیر مستقیم به صورت غیرمستقیم و با واسطه چهار متغیر نابسامانی بازار و اقتصاد با ضریب مسیر ۰/۲۴۳، هنجارها و ناهنجاری‌های اجتماعی با ضریب مسیر ۰/۲۳۱، ناخشنودی اجتماعی با ضریب مسیر ۰/۲۹۷ و متغیر بیگانگی سیاسی اجتماعی با ضریب مسیر ۰/۱۷۹ بر متغیر وابسته ضعف فرهنگ کار تأثیر داشته است. یعنی با افزایش بی‌عدالتی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، میزان متغیرهای نابسامانی بازار و اقتصاد، هنجارها و ناهنجاری‌های اجتماعی، ناخشنودی اجتماعی و متغیر بیگانگی سیاسی اجتماعی نیز افزایش یافته و این امر در نهایت منجر به تضعیف بیشتر ضعف فرهنگ کار در بین جوانان ایلامی خواهد شد (جدول ۵). دومین متغیری که توانسته است در کنار تأثیر مستقیم، به صورت غیرمستقیم نیز بر روی تضعیف ضعف فرهنگ کار تأثیر بگذارد؛ متغیر نابسامانی بازار و اقتصاد است. این متغیر با واسطه متغیر هنجارها و ناهنجاری‌های اجتماعی با ضریب مسیر ۰/۱۸۴ بر متغیر ضعف فرهنگ کار تأثیر داشته است؛ بنابراین به ازای هر واحد تغییر در متغیر نابسامانی بازار و اقتصاد متغیر هنجارها و ناهنجاری‌های اجتماعی به مقدار ۰/۱۸۴ واحد تغییر خواهد کرد و همان طور که از توضیحات قبلی مشخص شد به ازای هر واحد تغییر در متغیر هنجارها و ناهنجاری‌های اجتماعی متغیر ضعف فرهنگ کار ۰/۲۲۱ واحد تغییر خواهد یافت (جدول ۵).

جدول (۵): تجزیه تأثیرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای مستقل بر متغیر

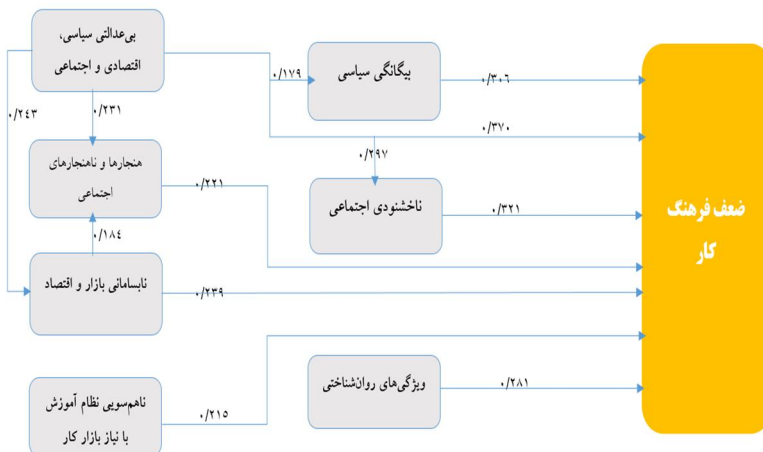
وابسته ضعف فرهنگ کار

متغیر	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر علی کل
ناخشنودی اجتماعی	۰/۳۲۱	-	۰/۳۲۱
بیگانگی سیاسی اجتماعی	۰/۳۰۶	-	۰/۳۰۶
ناهم‌سویی نظام آموزش با نیاز بازار کار	۰/۲۱۵	-	۰/۲۱۵

اثر علی کل	اثر غیرمستقیم	اثر مستقیم	متغیر
۰/۶۲۸	۰/۲۵۸	۰/۳۷۰	بی‌عدالتی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی
۰/۲۲۱	-	۰/۲۲۱	هنجارها و ناهنجاری‌های اجتماعی
۰/۲۷۹	۰/۰۴۰	۰/۲۳۹	نابسامانی بازار و اقتصاد
۰/۲۸۱	-	۰/۲۸۱	ویژگی‌های روان‌شناختی

توجه به مجموع تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم (جدول ۵) مؤثرترین متغیرها را در تبیین ضعف فرهنگ کار در بین جوانان استان ایلام را به ترتیب زیر مشخص می‌سازد:

- ۱- بی‌عدالتی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، ۲- ناخشنودی اجتماعی،
- ۳- بیگانگی سیاسی اجتماعی، ۴- ویژگی‌های روان‌شناختی، ۵- نابسامانی بازار و اقتصاد، ۶- هنجارها و ناهنجاری‌های اجتماعی، ۷- ناهم‌سویی نظام آموزش با نیاز بازار کار. با توجه به نتایج حاصل از اثرات مستقیم و غیرمستقیم می‌توان مدل تجربی را در قالب نمودار (۲) رسم نمود.



منبع: (یافته‌های پژوهش)

نمودار (۲): مدل تجربی عوامل مؤثر بر ضعف فرهنگ کار در بین جوانان استان ایلام

نتیجه‌گیری

۱- وضعیت فرهنگ کار در هر جامعه بازخوردی از عملکرد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن جامعه است. نتایج پژوهش نشان داد که یکی از عوامل تأثیرگذار بر پایین بودن فرهنگ کار در بین جوانان استان ایلام، بی‌عدالتی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بوده است. از نظر دیویس و گار بی‌عدالتی اجتماعی مهم‌ترین عامل بروز نارضایتی و گسست تعهد گروهی در سطوح مختلف اجتماعی، سازمان یا کلیت نظام سیاسی و اجتماعی است (گار به نقل از: نهاوندی و مقدم اصیل، ۱۳۹۷). دیویس در نظریه خود احساس بی‌عدالتی اجتماعی در دوران رکود اقتصادی را عامل اساسی بروز نارضایتی بین مردم و نظام سیاسی می‌داند (Deyo, 2014). احساس عدالت و برابری، ارتباط تنگاتنگی با فرهنگ کار دارد (الهی، ۱۳۸۳). در نظریه ادراک برابری آدامز نیز، بر این موضوع تأکید شده است (الیندن به نقل از: زارع شاه‌آبادی؛ مبارکی و بیرانوند، ۱۳۹۷). از دیدگاه جوانان استان ایلام، عدم توجه به شایسته‌سالاری در اداره جامعه، در پایین بودن فرهنگ کار تأثیرگذار بوده است. به نظر می‌رسد این موضوع می‌تواند یادآوری‌گونه‌ای از آنومی باشد. تعریف آنومی از نظر دورکیم یعنی آشفتگی، یعنی هیچ‌چیز سر جای خودش نیست، وضعیت افراد در جامعه قابل پیش‌بینی نیست، بعضی از افراد بدون سواد و امکانات کافی به دلایل متعدد بسیار ثروتمند و موفق می‌شوند و بسیاری دیگر با وجود علم و دانش و تلاش و پشتکار به جایی نمی‌رسند. در بسیاری از موارد حتی ساده‌ترین کارها به دشواری انجام می‌شود و این شاید بتواند یکی از علل بی‌انگیزگی افراد نسبت به کار در جامعه باشد (نهاوندی و مقدم اصیل به نقل از دورکیم، ۱۳۹۷). این یافته همسو با نتایج پژوهش‌های (فتح‌اله‌زاده، ۱۳۸۹؛ نهاوندی و مقدم اصیل به نقل از: عرفانی، ۱۳۹۷). نهاوندی و مقدم اصیل (۱۳۹۷)، مورهد و دیگران (۲۰۰۹)، ظهیری‌نیا و بهروزیان (۱۳۹۴) می‌باشد. توزیع ناعادلانه فرصت‌های شغلی در بین افراد جامعه و نبود تناسب بین توزیع فرصت‌های شغلی و توانایی‌های افراد، همسو با نتایج پژوهش‌های ساروخانی و طالبیان (۱۳۸۱)، (گرب، ۱۳۸۱)، نبود شفافیت در جامعه و نظام اداری و سیاسی، همسو با نتایج پژوهش‌های سام آرا و حسینی مطلق (۱۳۹۶)، توحیدلو و دیگران (۱۳۹۶)، نهاوندی و مقدم اصیل (۱۳۹۷)، وجود فساد و اختلاس در بین مسئولان و مدیران و دلسرد شدن جوانان، سام آرا و حسینی مطلق (۱۳۹۶)، توحیدلو؛ ذاکری و جعفری مقدم (۱۳۹۶)، (رحیمی‌دهسوری، ۱۳۹۳)، حاکم بودن رابطه بازی به‌جای

قوانین و مقررات، همسو با نتایج پژوهش توحیدلو؛ ذاکری و جعفری مقدم (۱۳۹۶)، وجود بازار کار و فعالیتهای اقتصادی برای گروههای خاص در جامعه، همسو با نتایج پژوهش عربی و شیخیانی (۱۳۸۹) و نبود صنایع تولیدی و خدماتی موفق در استان و تولید پایین کالا و خدمات از دیگر موارد بارز وجود بی‌عدالتی و تأثیرگذار در پایین بودن فرهنگ کار بوده است؛ بنابراین با توجه به اهمیت موضوع فرهنگ کار و تلاش و پویایی نیروی انسانی و با در نظر گرفتن وضعیت توسعه استان و نیاز فراوان به کار و تلاش در این استان کمتر برخوردار، پیشنهاد می‌شود که مدیران ارشد استان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و سایر مسئولان مرتبط با موضوع نتیجه یافته این پژوهش را مورد توجه قرار دهند و به‌سادگی از کنار این موارد عبور نکنند. هر چند به نظر بهتر آن است که این موضوع مورد دقت مدیران ارشد دولت و وزارتخانه‌های مرتبط با موضوع نیز قرار گیرد. به‌نظر می‌رسد که شرایط استان و وضعیت اقتصادی و اجتماعی مردم این مهم را یادآوری می‌کند که وقت آن رسیده است که در این استان به دور از شعار، تبلیغات، تعصبات قومی و قبیله‌ای و حزبی و جناحی، به‌طور واقعی شایسته‌سالاری در نظام اداری جامعه مورد توجه قرار گیرد. در مرحله نخست پیشنهاد می‌شود که در استان کمیته‌ای کارشناسی برای تدوین سازوکارهای اجرایی شایسته‌گزینی، توزیع عادلانه فرصت‌های شغلی در بین افراد جامعه، توجه به تناسب بین توزیع فرصت‌های شغلی و توانایی‌های افراد بر اساس توانایی‌ها و قوانین و مقررات را تدوین کنند. پژوهشگر در مورد دیدگاه جوانان که یکی از نمودهای بی‌عدالتی تأثیرگذار بر ضعف فرهنگ کار احساس وجود فساد و اختلاس در بین مسئولان و مدیران و دلسرد شدن جوانان بوده است؛ پیشنهادی ندارد که ارائه کند. چراکه این موضوع به‌گونه‌ای نیست که با پیشنهاد در یک کار پژوهشی اصلاح‌پذیر باشد؛ اما در مورد یافته دیگر پژوهش و یکی دیگر از نمودهای بی‌عدالتی تأثیرگذار بر فرهنگ کار یعنی نبود صنایع تولیدی و خدماتی موفق در استان و تولید پایین کالا و خدمات، پیشنهاد می‌شود که یک چاره اساسی و ریشه‌ای برای این کار انجام شود. در گام نخست پیشنهاد می‌شود که با تشکیل شورای راهبردی توسعه استان، ذیل شورای برنامه‌ریزی استان با عضویت و حضور نمایندگان مجلس شورای اسلامی و تعدادی از نخبگان دارای اندیشه و فکر، الگوی مناسب بهبود رونق و تولید برای استان طراحی شود. پیشنهاد می‌شود در طراحی این الگو از تجربه و راهکارهای استادان ارشد و نمایندگان پیشین استان، صاحب‌نظران و خبرگان دانشگاهی بهره گرفته شود. بدیهی است که در تدوین این الگو و جهت‌گیری آن برای انتخاب نوع صنایع و

خدمات پیشران توسعه، لازم است هم از الگوهای درون‌زا و هم از تجربه‌های موفق داخلی و خارجی استفاده شود. روشن است که برای پیاده‌سازی و اجرای این الگو هم نیاز به تصویب قوانین و مقررات تشویقی برای افزایش انگیزه سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری در استان و هم‌نیاز به شناسایی الگوی بهینه تأمین مالی طرح‌های پیشنهادی دارد. بهتر است مدیریت ارشد استان، همسو با نمایندگان مجلس شورای اسلامی و سایر مسئولان مرتبط با موضوع و تأثیرگذار، در گام نخست ابتدا از ظرفیت نهادها و هلدینگ‌های سرمایه‌گذاری عمومی همانند بنیاد مستضعفان و جانبازان و بنیاد برکت استفاده نمایند. به‌نظر می‌رسد برای مدیریت و طراحی و اجرای بهینه الگوی مناسب بهبود رونق و تولید لازم است فرد و یا افرادی با ابلاغ و شرح وظایف روشن در جایگاه مشاور استاندار و عضو کارگروه تعیین شوند و دبیرخانه این شورا به‌طور جدی پیگیر این برنامه‌ها و تصمیم‌های این کارگروه باشد. پیشنهاد دیگر می‌تواند برگزاری رویدادهای مستمر درباره معرفی طرح‌های پربرازده در استان ایلام با حضور سرمایه‌گذاران ملی در نقاط مختلف کشور توسط نهاد علم و فناوری و با کمک نهاد بازار باشد. پیشنهاد دیگر می‌تواند تدوین نقشه راه انتقال فناوری‌های نوین موجود در کشور به نهاد بازار در استان در جهت افزایش بهره‌وری و کارایی بخش‌های موردنظر در نهاد بازار و با تأکید بر زیربخش‌های کشاورزی، گردشگری و صنایع پتروشیمی، نفت و گاز باشد. پارک علم و فناوری استان با تأسیس واحدهای پژوهشی مشترک با پارک‌های علم و فناوری استان‌های موفق کشور در بخش صنعت و معدن، زمینه مناسب جهت انتقال تجربه و دانش فنی و برطرف کردن مشکلات موجود در این بخش را فراهم آورد.

۲- نتایج پژوهش نشان داد که یکی از عوامل تأثیرگذار بر پایین بودن فرهنگ کار در بین جوانان استان ایلام، بیگانگی سیاسی - اجتماعی بوده است. ماری لوین نیز با استفاده از نظریه سیمن، بیگانگی را در حوزه‌های سیاسی - اجتماعی مورد بررسی قرار داده و معتقد است در بیگانگی سیاسی - اجتماعی فرد دچار حالتی می‌شود که احساس می‌کند بر فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی دیگر تأثیرگذار نیست و به این باور می‌رسد که رأی او در امور سیاسی و اجتماعی موجب تغییر نمی‌شود (لون به نقل از: زارع شاه‌آبادی؛ مبارکی و بیرانوند، ۱۳۹۷). بیگانگی اجتماعی عبارت است از حالتی برای افراد که احساس می‌کنند نظام اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند خردکننده است و مغایر با برخی نیازمندی‌هایشان می‌باشد، به‌طوری‌که باعث جدایی و عدم تعلق آنها نسبت به آن شده و حتی گاهی سعی در نفی نظام اجتماعی و

ضوابط حاکم بر آن دارند (تاویس به نقل از: ربانی خوراسگانی، ۱۳۷۲). این نوع بیگانگی شباهت زیادی با انواع آرمانی انحراف و هم‌نوایی مرتون دارد و نیز با نظریه آنومی دورکیم نیز شباهت‌هایی پیدا می‌کند (جوادی یگانه و فولادیان، ۱۳۹۰). میلز و مرتون نیز در تبیین مسئله بیگانگی به شکاف ذهنی و ارزشی افراد جامعه خصوصاً روشنفکران و تحصیلکردگان با سازمان سیاسی و کلیت جامعه اشاره می‌کنند (Deyo, 2014). از دیدگاه جوانان استان ایلام، شکاف ارزشی و ذهنی جوانان با دولت و رضایت سیاسی و ناراضیتی و بی‌اعتمادی جوانان به مسئولان، همسو با نتایج پژوهش‌های دیو به نقل از نهاوندی و مقدم اصیل (۱۳۹۷)، گار به نقل از: نهاوندی و مقدم اصیل (۱۳۹۷) و اکبری و اردشیری (۱۳۸۱)، دل‌سرد شدن مردم از کار و تلاش به دلیل دعوای سیاسی و جناحی، همسو با نتایج پژوهش توحیدلو؛ ذاکری و جعفری مقدم (۱۳۹۶) و پوریوسفی و دیگران (۱۳۹۱)، مشارکت داده نشدن جوانان در تصمیم‌گیری‌ها و اداره جامعه و باور جوانان به اینکه نقش مؤثری در اداره جامعه ندارند. همسو با نتایج پژوهش‌های پوریوسفی و دیگران (۱۳۹۱)، ظهیری‌نیا و بهروزیان (۱۳۹۴)، در پایین بودن فرهنگ کار تأثیرگذار بوده است. شاید بتوان گفت که باور جوانان به مؤثر نبودن در تصمیم‌گیری‌ها تا حدودی تداعی‌کننده احساس بی‌قدرتی از سوی آنان است. احساس بی‌قدرتی به حالتی اطلاق می‌شود که فرد احساس می‌کند در وضعیت‌های اجتماعی و کنش متقابل خود تأثیرگذار نیست، یعنی قادر به تحت تأثیر قرار دادن محیط اجتماعی خود نباشد (ستوده، ۱۳۸۰). نظر به اینکه زمینه‌های بروز بیگانگی سیاسی - اجتماعی در جامعه به وضعیت کلان جامعه برمی‌گردد و ممکن است زیاد تحت تأثیر وضعیت استان نباشد و نیازمند تدوین سیاست‌ها و تغییر رویکردها در سطح کلان می‌باشد، شاید نتوان پیشنهاد مشخصی برای سطح استان ارائه کرد؛ اما ضرورت دارد که یافته این پژوهش مورد توجه مسئولان قرار گیرد. اگر اراده‌ای جدی در سطح استان برای جلب اعتماد جوانان شکل گیرد، شاید بتوان اقدام‌های مؤثری را در این زمینه انجام داد. با وجود اینکه چگونگی جلب اعتماد و مشارکت جوانان نیازمند کارگروه‌های تخصصی و بررسی‌های کارشناسی دقیق و همه‌جانبه است؛ اما شاید با دادن اولویت به جوانان متخصص و شایسته در واگذاری مسئولیت‌ها، برگزاری نشست‌ها و سلسله جلسه‌های هم‌اندیشی مستمر با جوانان و شنیدن درودل آنها و مکلف کردن فرمانداران و بخشداران برای توجه به این موضوع و راه‌اندازی باشگاه‌های اندیشه و تبادل نظر مسئولان و جوانان در سطح شهرستان‌ها و بخش‌ها بی‌تأثیر نباشد.



۳- نتایج پژوهش نشان داد که یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر پایین بودن فرهنگ کار در بین جوانان استان ایلام، ناخشنودی اجتماعی بوده است. پایین بودن رضایت از زندگی در بین مردم، همسو با نتایج پژوهش‌های مدیری و مطیع‌حق‌شناس (۱۳۹۶)، محسنی تبریزی؛ جزایری و بابایی (۱۳۸۹) و نهبونندی و مقدم اصیل (۱۳۹۷)، پایین بودن نشاط و شادی در جامعه همسو با نتایج پژوهش نهبونندی و مقدم اصیل (۱۳۹۷) و توحیدلو؛ ذاکری و جعفری مقدم (۱۳۹۶) و پایین بودن امید به زندگی و امید به آینده در نزد جوانان همسو با نتایج پژوهش توحیدلو؛ ذاکری و جعفری مقدم (۱۳۹۶) در پایین بودن فرهنگ کار تأثیرگذار بوده است. نظر به اهمیت شادمانی در جامعه و تأثیر آن بر فرهنگ کار، پیشنهاد می‌شود که معاونت سیاسی اجتماعی استانداری با تشکیل کارگروهی کارشناسی با حضور کارشناسان علوم اجتماعی و روان‌شناسی و سازمان‌های مرتبط با موضوع همانند دانشگاه‌ها، آموزش و پرورش، اداره ورزش و جوانان، صداوسیما، فرهنگ و ارشاد اسلامی، میراث فرهنگی و گردشگری سازوکارهای پُررنگ کردن شادی را در جامعه شناسایی کنند. به نظر می‌رسد می‌توان با بهره‌برداری از آیین‌ها و فرهنگ بومی و محلی می‌توان گام‌های ارزنده‌ای را در این زمینه برداشت. صداوسیما می‌تواند با پُررنگ کردن تولید برنامه‌های محلی و طنز تلاش خود را برای تزریق شادی به جامعه انجام دهد. اداره ورزش و جوانان می‌تواند با برگزاری مسابقات و بازی‌های بومی و محلی در سطح دهستان‌ها و شهرستان‌ها و استمرار آنها، نقش خود را در این زمینه به انجام برساند. آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها می‌توانند بازی‌های بومی و محلی را در برنامه‌های آموزشی و ورزشی خود بگنجانند و در تقویم آموزشی خود برگزاری دوره‌ای مسابقات و نمایش‌نامه‌های طنز را در دستور کار قرار دهند. اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌تواند با برگزاری جشنواره‌های محلی و برگزاری برنامه‌های فاخر موسیقی و ادبیات به پُررنگ شدن شادی در جامعه کمک نماید. به نظر می‌رسد که برگزاری مسابقات نمایش و تئاتر در مدارس و مراکز آموزشی در شاد کردن جامعه بی‌تأثیر نباشد.

۴- نتایج پژوهش نشان داد که یکی از عوامل تأثیرگذار بر پایین بودن فرهنگ کار در بین جوانان استان ایلام، نابسامانی بازار و اقتصاد بوده است. اقتصادهای پویا و پُررونق فرصت‌های شغلی ایجاد می‌کنند، فرهنگ‌های محکم و باثبات پیوسته در جهت تقویت فرهنگ کار تلاش می‌کنند، در جوامع مبتنی بر مردم‌سالاری که اعتماد و انسجام اجتماعی بالایی دارند همواره سیر صعودی فرهنگ کارشان مشاهده می‌شود؛ اما کشورهای گرفتار کساد و رکود، با از میان رفتن مشاغل موجود و

افزایش بیکاری آشکار و پنهان و ضعف فرهنگ کار مواجه‌اند. پایین بودن سطح اعتماد و سرمایه اجتماعی در این جوامع منجر به وسیع شدن حوزه خصوصی و نحیف شدن حوزه عمومی می‌شود که بر فرهنگ کار در جامعه تأثیر منفی می‌گذارد. این متغیر تأثیر مستقیم و غیرمستقیم از حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... می‌پذیرد و با ضعف و ناهماهنگی در هر کدام از این حوزه‌ها فرهنگ کار نیز ضعیف و کم‌رنگ می‌شود (نهاوندی و مقدم اصیل، ۱۳۹۷). تغییرهای اجتماعی و اقتصادی در سطح کلان بر روی فرهنگ کار در جامعه تأثیر می‌گذارد. در شرایطی که سودهای سرشاری در گروه‌هایی از مشاغل وجود دارد و توزیع درآمد به ضرر دارندگان عامل تولید و کار و به نفع دارندگان عامل سرمایه می‌یابد، فرهنگ کار، سست و متزلزل خواهد شد (شریفی‌ساعی، ۱۳۹۵). از دیدگاه جوانان استان ایلام، حاکم بودن فرهنگ دلالی و واسطه‌گری در جامعه، همسو با نتایج پژوهش فتح‌اله‌زاده (۱۳۸۹)، بی‌اعتمادی دولتمردان و سیاست‌گذاران به فعالیت‌های تولیدی به دلیل درآمدهای نفتی، همسو با نتایج پژوهش‌های (رضاقلی، ۱۳۷۷)، توحیدلو؛ ذاکری و جعفری مقدم (۱۳۹۶) و فتح‌اله‌زاده (۱۳۸۹)، نبود دسترسی جوانان به وام‌ها و تسهیلات مناسب برای آغاز یک فعالیت اقتصادی، همسو با نتایج پژوهش‌های توحیدلو؛ ذاکری و جعفری مقدم (۱۳۹۶) و (آقاسی بروجنی؛ قلی‌زاده و اعتباریان به نقل از: جاثو و لای^۱، ۱۳۹۸) بالا بودن نرخ تورم در جامعه و از بین رفتن شغل‌های موجود، همسو با نتایج پژوهش نهاوندی و مقدم اصیل (۱۳۹۷)، مور^۲ (۲۰۰۹)، توحیدلو؛ ذاکری و جعفری مقدم (۱۳۹۶)، اقتصاد دولتی و ضعیف بودن بخش خصوصی، همسو با نتایج پژوهش‌های فتح‌اله‌زاده (۱۳۸۹)، توحیدلو؛ ذاکری و جعفری مقدم (۱۳۹۶)، عربی و شیخیانی، ۱۳۸۹ به نقل از شهیدی، ۱۳۸۹) و عربی و شیخان (۱۳۸۹) و چابک نبودن فرایندهای اداری مرتبط با راه‌اندازی کسب‌وکار در پایین بودن فرهنگ کار تأثیرگذار بوده است. به نظر می‌رسد که بیشتر مواردی که بر اساس نتیجه این پژوهش می‌توانند نمایانگر نابسامانی اقتصادی و بازار باشند مربوط به کلان اقتصاد کشور است و تصمیم‌گیری در این موارد به مدیریت کلان کشور برمی‌گردد؛ اما پیشنهادی که برگرفته از نتیجه این پژوهش برای بهبود اقتصاد و بازار استان می‌توان پیشنهاد داد، به تلاش و برنامه‌ریزی مدیران ارشد استان برای بهبود فضای کسب‌وکار برمی‌گردد. به نظر می‌رسد برنامه‌ریزی برای از سر راه برداشتن

1. jao & li
2. Moore



بازدارنده‌های زیست‌بوم کسب‌وکار در استان ایلام یک ضرورت است. پژوهشگر در پژوهش دیگری با عنوان تدوین و کاربست چهارچوبی برای ارزیابی زیست‌بوم کسب‌وکارهای نوپای فاوا در استان ایلام به این نتیجه رسید که فضای کسب‌وکار استان با مشکلات زیادی روبه‌رو است و بیشترین میزان شکاف در ابعاد دولت، بیمه و مالیات، سرمایه مالی، الگوسازی فرهنگی، خدمات حمایتی و شبکه استارت‌آپی است. بر اساس نتیجه پژوهش مورد اشاره، مناسب نبودن مؤلفه تأمین مالی باعث ناامید و دلسرد شدن کارآفرینان و فعالان حوزه فاوا از دریافت تسهیلات بانکی و روی آوردن کارآفرینان و فعالان حوزه کسب‌وکار به سرمایه‌های شخصی و خانوادگی شده است. جریمه‌های سنگین اداره‌های بیمه و مالیات برای کارآفرینان و فعالان حوزه کسب‌وکار در مواردی موجب تبدیل شرکت‌های حوزه فاوا به فروشگاه شده است (مرادنژادی، ۱۴۰۰)؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود که یک بخش ثابت از زمان جلسات کارگروه اشتغال و سرمایه‌گذاری استان به بحث و بررسی و رصد زیست‌بوم کسب‌وکار استان اختصاص داده شود. به‌نظر می‌رسد یکی از راهکارهای روی آوردن کارآفرینان به بخش تولید، بهبود یافتن زیست‌بوم کسب‌وکار استان است. تلاش و پیگیری مدیریت ارشد استان برای گرفتن مجوزهای قانونی لازم برای ارائه مشوق‌های (مالیاتی) مناسب برای راه‌اندازی و رشد کسب‌وکارهای در استان ایلام؛ اجرای معافیت‌های در نظر گرفته شده در ماده ۱۳۲ قانون مالیات‌های مستقیم برای کسب‌وکارها توسط اداره کل امور مالیاتی استان؛ طراحی طرح‌های سودآور بدون نام آماده برای اجرا توسط استانداری و ایجاد یک شتاب‌دهنده کسب‌وکارهای نوپای در پارک علم و فناوری از راهکارهای بهبود زیست‌بوم کسب‌وکار استان می‌تواند باشد.

۵- نتایج پژوهش نشان داد که یکی از عوامل تأثیرگذار بر پایین بودن فرهنگ کار در بین جوانان استان ایلام، هنجارها و ناهنجاری‌های اجتماعی بوده است. از دیدگاه آنتونی گیدنز، فرهنگ عبارت است از ارزش‌هایی که اعضای یک گروه معین دارند، هنجارهایی که از آن پیروی می‌کنند و کالاهای مادی که تولید می‌کنند (گیدنز، ۱۳۷۷). مشابه دیگر هنجارهای فرهنگی، علاقه‌مندی و باور هر فرد به کار، اساساً تحت تأثیر تجارب و تعالیم وی در خلال دوران طفولیت و نوجوانی است. خانواده یکی از عواملی است که در تقویت فرهنگ کار، دوام و استمرار آن نقش دارد. با برقراری ارتباط و کنش متقابل بین خانواده و فرد می‌توان به‌صورت ضمنی و غیرمستقیم، بستر لازم برای ایجاد و پرورش فرهنگ کار را فراهم کرد (آغاز و رحمتی، ۱۳۹۰).

تلاش در بین مردم ژاپن ابتدا از طریق خانواده ایجاد می‌شود. در خانواده‌های ژاپنی، والدین پیوسته کودکان را تشویق به فعالیت می‌کنند و از طرفی، ملاحظه تلاش و فعالیت والدین توسط کودکان، خود بهترین الگو برای فرزندان است تا در آینده سخت‌کوشی را ملاک موفقیت خود قرار دهند (سجادی، ۱۳۷۶). جعفری و حبیبی (۱۳۸۲)؛ مدیری و مطیع‌حق‌شناس (۱۳۹۷)؛ گیدنز (۱۳۷۷)؛ آغاز و رحمتی (۱۳۹۰)؛ لیاقت‌دار و دیگران (۱۳۹۰) و رعنائی کردشولی و دیگران (۱۳۹۵) نیز در پژوهش‌های خود بر تأثیر خانواده در فرهنگ کار تأکید کرده‌اند. وابستگی فرزندان و خانواده و ترس از دور شدن از خانواده و مهاجرت از عوامل تأثیرگذار بر پایین بودن فرهنگ کار است. نظر به اینکه یکی از ویژگی‌های روان‌شناختی تأثیرگذار بر روحیه کارآفرینی افراد، استقلال طلبی است، پیشنهاد می‌شود با تولید برنامه‌های آموزشی و تبلیغی و استفاده از ظرفیت صداوسیما مرکز استان، اهمیت استقلال طلب بار آمدن فرزندان در موفقیت آنها را برای خانواده‌ها تبیین شود. پیشنهاد می‌شود با استفاده از تجارب موفق افرادی که با داشتن روحیه استقلال طلبی توانسته‌اند به موفقیت‌هایی خوبی برسند و افرادی که با دور شدن از خانواده توانسته‌اند زندگی بهتری را برای خود فراهم کنند استفاده شود. از دیدگاه جوانان استان ایلام، ترجیح شغل‌های دولتی به شغل خصوصی توسط خانواده‌ها و تمایل خانواده‌ها به تحصیلات دانشگاهی فرزندان به جای فراگیری مهارت نیز از دیگر هنجارهای تأثیرگذار بر پایین بودن فرهنگ کار بوده است. به نظر می‌رسد که یکی از ضروری‌ترین کارهای آموزشی و فرهنگی که لازم است در استان ایلام انجام شود، تغییر نگرش مردم و خانواده‌ها نسبت به شغل مناسب است. پژوهش مرادنژادی (۱۴۰۰) در خصوص ترجیح‌های شغلی و آموزش مهارت‌های شغلی در آموزش‌های کشاورزی در دانشکده کشاورزی دانشگاه ایلام نشان داد که بیشتر دانشجویان تمایل به انتخاب شغل دولتی داشته‌اند. در این پژوهش روشن شد که مفهوم شغل از دیدگاه دانشجویان مورد مطالعه به تعریف سازمان امور اداری و استخدامی نزدیک است که شغل را مجموع وظایف و مسئولیت‌های مرتبط و مستمر و مشخصی می‌داند که از طرف سازمان امور اداری و استخدامی کشور به‌عنوان کار واحد شناخته شده است. به نظر می‌رسد تطبیق دادن شغل با کار دولتی از سوی دانشجویان به پیشینه فکری و نیز تأثیر آموزش‌های داده شده به آنان در خانواده، مدرسه و نظام آموزش و پرورش و محیط فرهنگی و اجتماعی آنان برمی‌گردد. خانواده و والدین در کنار عواملی نظیر طبقه اجتماعی، رسانه‌های جمعی، گروه‌های همسالان، مدارس و معلمان، سهم معینی در شکل دادن



به انتخاب شغلی فرد دارند (رستگار خالد، ۱۳۸۳). اریکسون (۱۹۶۸) معتقد است هدف‌گذاری در دوره نوجوانی یکی از عوامل پیشرفت‌های شغلی مؤثر در آماده‌سازی شغلی و رشد هویت شغلی است (به نقل از: Hirschi & Vondracek, 2009). سوپر معتقد است که خانواده، یکی از منابع اصلی شکل‌دهنده به خویش‌پنداری حرفه‌ای فرد در تعامل عوامل شخصی و موقعیتی است (اردبیلی، ۱۳۷۴)؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود یافته‌های این پژوهش در شورای برنامه‌ریزی استان مطرح شود و آموزش و پرورش، فرهنگ و ارشاد اسلامی، صداوسیما مرکز استان و دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی استان با تعامل و همفکری یکدیگر، برنامه‌ای در راستای آموزش‌های مرتبط یا حوزه شغلی و کسب‌وکار تهیه و دانش‌آموزان و دانشجویان را با مفاهیم کسب‌وکار و انواع مشاغل آشنا نمایند، چراکه نتایج بررسی پژوهشگران مختلف (Swanson & Fouad, 1999; Lent; Brown & Hackett, 1994; Savickas, 2003)

نشان داده است که توجه به مسیر رشدی انتخاب شغل، بلوغ شغلی و مداخله در فرایند مسیر رشدی انتخاب شغل در بهبود گذار از مدرسه به کار، استخدام موفق و آمادگی ورود به دنیای کاری مؤثر است. افراد برای انتخاب شغل مناسب، نیازمند یک راهبرد و برنامه‌ریزی شغلی بهینه می‌باشند (Phillips & Gully, 2015). تمایل جوانان ایلامی به یک‌شبه پولدار شدن، ویژگی راحت‌طلبی مردم در استان ایلام نیز همسو با نتایج پژوهش فتح‌اله‌زاده (۱۳۸۹) از دیگر عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر پایین بودن فرهنگ کار بوده است. به نظر می‌رسد این هنجار اجتماعی همانند بسیاری از هنجارهای ناهم‌سو با فرهنگ کار، تحت تأثیر متغیرهای کلان بی‌عدالتی اجتماعی و نابسامانی بازار و اقتصاد به وجود آمده است.

۶- نتایج پژوهش نشان داد که یکی از عوامل تأثیرگذار بر پایین بودن فرهنگ کار در بین جوانان استان ایلام، ناهم‌سویی نظام آموزش با نیاز بازار کار بوده است. پژوهشگر در پژوهش دیگری که با عنوان تدوین سند علم و فناوری در استان ایلام به انجام رسانده است، به این نتیجه رسیده است که نهاد بازار و نهادهای علم و فناوری در استان همسو نیستند (مرادنژادی، ۱۴۰۰). ارتباط و پیوندی ناگسستنی میان فرهنگ کار و نظام آموزشی وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که تصور مرز میان این دو حوزه نیز دشوار می‌سازد (سام آرا و حسینی مطلق، ۱۳۹۶). از دیدگاه جوانان استان ایلام، بی‌توجهی نظام آموزش و پرورش به آموزش و ترویج فرهنگ کار، هم‌راستا نبودن آموزش‌های دانشگاهی و فنی‌حرفه‌ای با نیازهای بازار کار از عوامل تأثیرگذار بر پایین بودن فرهنگ کار بوده است. در نتایج پژوهش‌های نه‌اوندی و مقدم اصیل (۱۳۹۷)؛



فتح‌الزاده (۱۳۸۹)؛ معیدفر (۱۳۸۵) و سام آرا و حسینی مطلق (۱۳۹۶) نیز بر تأثیر نظام آموزشی بر فرهنگ کار تأکید کرده‌اند. نبود ارتباط منسجم بین مراکز آموزشی و بخش‌های مختلف اقتصادی، تبلیغ فرهنگ راحت‌طلبی در جامعه توسط رسانه‌ها از عوامل تأثیرگذار بر پایین بودن فرهنگ کار بوده است. بر اساس نتایج برگرفته از این پژوهش می‌توان پیشنهادهایی برای همسویی نظام آموزش با نیاز بازار کار استان نیز ارائه نمود. پیشنهاد می‌شود آموزش و پرورش استان با تدوین چند سند همکاری با دانشگاه ایلام، سازمان جهاد کشاورزی، شهرک‌ها صنعتی، فنی و حرفه‌ای، پتروشیمی ایلام، پالایشگاه گاز استان و دانشگاه علوم پزشکی، دانش‌آموزان را با بازار کار و انواع شغل‌ها آشنا نماید. راه‌اندازی کارگروه نظام نوآوری نهاد بازار در بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات برای همسو کردن نهاد بازار با نهادهای علم و فناوری در استان با استفاده از بهترین کارشناسان تخصصی هرکدام از بخش‌های اقتصادی و مشاوره کارشناسان نهادهای علم و فناوری نیز می‌تواند یکی از راهکارهای همسو کردن نظام آموزش با نهاد بازار باشد. یک پیشنهاد دیگر بسترسازی مناسب برای مشارکت دانشجویان در رویدادهای ایده‌پردازی و شتاب و استمرار برگزاری این رویدادها می‌باشد. از آنجاکه در ساختار سازمانی سازمان‌ها و دستگاه‌های اجرایی بخش مستقلی برای ایجاد ارتباط با دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی ندارند، پیشنهاد می‌شود سازمان جهاد کشاورزی، اداره کل میراث فرهنگی و گردشگر، سازمان صنعت، معدن و تجارت و سایر سازمان‌ها مرتبط با حوزه بازار و اقتصاد اقدام به صدور ابلاغ برای یکی از کارشناسان خبره خود برای هماهنگ کردن و نهادینه کردن ارتباط بین دانشگاه و سازمان خود نماید.

۷- نتایج پژوهش نشان داد که یکی از عوامل تأثیرگذار بر پایین بودن فرهنگ کار در بین جوانان استان ایلام، ویژگی‌های روان‌شناختی بوده است. بر اساس نظریه نیاز به موفقیت مک کله‌لند، نیاز به کسب موفقیت ایجاد ارتباط با دیگران و نیاز به کسب قدرت تقریباً ۸۰ درصد نیروی محرک و انگیزش تمام افراد است. کسانی که نیاز به کسب موفقیت در آنها شدید است، اهل قمار و برد و باخت‌های سنگین نیستند، به هیچ‌وجه دوست ندارند که در فرایند موفقیت شانس بیاورند؛ زیرا موقعیتی که در سایه بخت به دست آید هیچ لذتی برای آن‌ها به دنبال نخواهد داشت. این افراد بیشتر به دنبال انجام کارهایی هستند که در اصطلاح هم‌وارد طلب باشند. آن‌ها از خود پیروزی یا حل کردن یک مشکل لذت بیشتری می‌برند تا اینکه به‌خاطر آن پاداش یا پول بیشتری دریافت کنند. این افراد بیشتر به کارهای فروشندگی و یا



کارهای خصوصی که خود شخص مدیریت کار را بر عهده داشته باشد روی می‌آورند. (جوادی یگانه و فولادیان به نقل از: مک کله‌لند، ۱۳۹۱). از دیدگاه جوانان استان ایلام، باور جوانان به اینکه موفقیت افراد به خاطر داشتن شانس آن‌هاست نه تلاش و کار کردن، همسو با نتایج پژوهش معیدفر (۱۳۸۵)، ترس از شکست جوانان در راه‌اندازی کسب‌وکار، پایین بودن روحیه توفیق‌طلبی و نیاز به پیشرفت در بین جوانان، همسو با نتایج پژوهش‌های محسنی تبریزی؛ جزایری و بابایی (۱۳۸۹) و انتظاری و کرمانی (۱۳۹۴) پایین بودن مهارت‌های کاریابی، فنی و مهارت‌های کسب‌وکار در بین جوانان، بالا بودن سطح توقعات جوانان، پایین بودن روحیه خلاقیت و نوآوری در بین جوانان از عوامل تأثیرگذار بر پایین بودن فرهنگ کار بوده است. نظر به اینکه بسیاری از ویژگی‌های روان‌شناختی کارآفرینانه را می‌توان از طریق آموزش ایجاد و یا بهبود بخشید، می‌توان با طراحی یک برنامه آموزش ویژگی‌ها و مهارت‌های کارآفرینانه، وضعیت موجود را بهبود بخشید. بدیهی است برای این مهم نیاز به همکاری و تلاش همه نهادهای آموزشی همانند خانواده‌ها، آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و بهره‌گیری از توانمندی‌های صداوسیما استان می‌باشد. پیشنهاد می‌شود آموزش و پرورش در پرورش دانش‌آموزان برای آموزش ویژگی‌های روان‌شناختی کارآفرینانه، اهمیت ویژه‌ای قائل شود و با برگزاری برنامه‌های آموزشی مختلف در مدارس از توانمندی اساتید و مربیان کارآفرینی برای آموزش ویژگی‌های کارآفرینی به دانش‌آموزان استفاده کند. پیشنهاد می‌شود آموزش و پرورش در طول سال مدارس را موظف به دعوت از کارآفرینان نماید تا دانش‌آموزان با فرازونشیب زندگی کارآفرینان و چگونگی ورود آنان به دنیای کسب‌وکار آشنا شوند.

فهرست منابع

- آغاز، محمدحسن و رحمتی، محمدمهدی (۱۳۹۰). فرهنگ کار و شیوه‌های ترویج رسانه‌های آن. مهندسی فرهنگی، (۶۱-۶۲)، ۸۱-۹۱.
- آقاسی بروجنی، وحید؛ قلی‌زاده، آذر و اعتباریان، اکبر (۱۳۹۸). شناسایی مؤثرترین عوامل اثرگذار بر ارتقاء فرهنگ کار برای زنان سرپرست خانوار با استفاده از تکنیک (DEMATEL). زن و جامعه، سال دهم، (۲)، ۸۷-۱۱۸.
- اردبیلی، یوسف (۱۳۷۴). *راهنمایی و مشاوره حرفه‌ای و روش‌های کسب و کاربرد اطلاعات شغلی*. تهران: نشر ویرایش.
- اکبری، کرامت‌اله و اردشیری، مهرداد (۱۳۸۱). بررسی عوامل مؤثر بر فرهنگ کار (مطالعه موردی کارکنان بخش دولتی استان کهگیلویه و بویراحمد). پژوهشنامه علوم انسانی، (۳۵)، (ویژه‌نامه جامعه‌شناسی)، ۱۸۱-۲۰۹.
- امینی، علیرضا (۱۳۹۶). *تحلیل اجمالی وضعیت بازار کار فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و ارائه اقدامات و راهکارهای لازم برای افزایش اشتغال آنها*. تهران: سازمان برنامه و بودجه کشور، امور اقتصاد کلان.
- انتظاری، علی و کرمانی، محسن (۱۳۹۴). تبیین عوامل اجتماعی و فردی مؤثر بر فرهنگ کار (مورد مطالعه، کارکنان صنایع شهرستان کاشان). *علوم اجتماعی*، (۲۹)۹، ۲۹-۵۶.
- بهنیا، مهران و دیگران (۱۳۹۶). *آسیب‌شناسی سیاست‌ها و مقررات بازار کار ایران، شناخت وضع موجود بازار کار با تأکید بر تفاوت‌های استانی*. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات اقتصادی (گروه اقتصاد کلان و مدلسازی).
- پوریوسفی، حمید؛ فتحی، سروش و پوریوسفی، محمدعلی (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر بر فرهنگ کار در بین کارگران زن بخش صنعت. *زن و جامعه (جامعه‌شناسی زنان)*، (۱۳) (مسلسل ۹)، ۱۳۵-۱۵۲.
- توحیدلو، سمیه؛ ذاکری، علیرضا و جعفری مقدم، محسن (۱۳۹۶). *وجوه تمایز فرهنگ کار در ایران و خارج از ایران در نگاه شاغلین ایرانی خارج از کشور*. *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، (۴۸)۱۳، ۳۵-۵۴.
- جعفری، مصطفی و حبیبی، محمد (۱۳۸۲). فرهنگ کار. *مجله تدبیر*، (۱۲۵)، ۷۰-۷۵.



جوادی یگانه، محمدرضا و فولادیان، مجید (۱۳۹۰). تنبلی اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۱۲(۴)، ۱۰۹-۱۳۷.

حاج‌امینی، مهدی (۱۳۹۸). ارزیابی وضعیت اشتغال‌زایی در برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، ۲۷(۹۲)، ۴۳-۴۷.

ربانی خوراسگانی، علی (۱۳۷۲). *بیگانگی اجتماعی به همراه بررسی موردی بیگانگی اجتماعی در بین پذیرفته‌شدگان مرکز آموزش علامه حلی تهران در سال ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲ دانشگاه تهران*. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده). دانشگاه تهران، ایران.

رحیمی‌دهسوری، جواد (۱۳۹۳). موانع و راهکارهای ارتقای فرهنگ کار و همت در جامعه اسلامی. *بصیرت و تربیت اسلامی*، ۱۱(۲۹)، ۵۱-۸۲.

رستگارخالد، امیر (۱۳۸۳). نقش خانواده در هدایت شغلی فرزند و شکل‌دهی به هویت کاری او (مورد: بررسی الگوی ترجیحات شغلی والدین تهرانی). *کار و جامعه*، ۲۷(۵۶)، ۳۹-۲۷.

رضاقلی، علی (۱۳۷۷). *جامعه‌شناسی نخبه‌کشی*. تهران: نشر نی.

رضایی‌نسب، زهرا (۱۴۰۱). مطالعه زمینه‌ها و بسترهای شکل‌گیری بیکاری فارغ‌التحصیلان دختر دانشگاه‌های شهر ایلام. *زن در توسعه و سیاست*، ۲۰(۲)، ۳۱۵-۳۴۱.

رعنایی کردشولی، حبیب‌الله؛ علیمحمدلو، مسلم؛ جاجرمی‌زاده، محسن؛ عباسی، عباس و الهیاری بوزنجانی، احمد (۱۳۹۵). چارچوبی برای ارزیابی و تحلیل وضعیت ویژگی‌های فرهنگ کار. *مطالعات مدیریت (بهبود و تحول)*، ۲۵(۸۱)، ۲۵-۵۶.

زارع شاه‌آبادی، اکبر؛ مبارکی، محمد و بیرانوند، فاطمه (۱۳۹۷). تحلیل عوامل مؤثر بر تنبلی اجتماعی (مطالعه مقایسه‌ای میان کارمندان دو شهر یزد و خرم‌آباد).

بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۹(۲)، ۹۱-۱۱۶.

ساروخانی، باقر و طالبیان، سیدامیر (۱۳۸۱). وجدان کاری و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن (تحقیقی در شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران). *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۴(۴)، ۱۶۲-۱۸۸.

سام آرام، عزت‌اله و مستجد حسینی مطلق، سید (۱۳۹۶). تحلیل مفهومی و گونه‌شناختی فرهنگ کار؛ نگاهی به کارکردهای آن در نظام تعلیم و تربیت. *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۶(۴)، ۱۷۷-۲۱۴.

ستوده، هدایت‌اله (۱۳۸۰). *روان‌شناسی اجتماعی*. تهران: انتشارات آوای نور.

- سجادی، محمد (۱۳۷۶). فرهنگ کار در ژاپن. *مجله نامه پژوهش*، (۵).
- شریفی‌ساعی، محمدحسین (۱۳۹۵). تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دبیرستان (دوره دوم متوسطه) از منظر توجه به نگرش به فرهنگ کار. *کار و جامعه*، (۱۹۳)، ۵۰-۶۴.
- ظهیری‌نیا، مصطفی و بهروزیان، بهروز (۱۳۹۴). کاوش کیفی راهکارهای ارتقای فرهنگ کار مورد بررسی: متخصصان دانشگاه‌های بروجرد. *جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، ۴(۲)، ۴۹-۷۴.
- عربی، سید هادی و شیخیانی، حمزه (۱۳۸۹). فرهنگ کار و نگرش‌های جوانان (مطالعه موردی شهر قم). *فصلنامه علمی - پژوهشی اسلام و علوم اجتماعی*، ۲(۴)، ۱۴۳-۱۶۴.
- عربی، سید هادی و شیخیانی، حمزه (۱۳۸۹). فرهنگ کار و نگرش‌های جوانان (مطالعه موردی شهر قم). *فصلنامه علمی - پژوهشی اسلام و علوم اجتماعی*، ۲(۴)، ۱۴۳-۱۶۴.
- فتح‌اله‌زاده، علی (۱۳۸۹). فرهنگ کار. *نشریه سندیکای برق ایران (ستبران)*، ۱۳(۶۵).
- قاسم‌پور، حامد و ویسه، سید مهدی (۱۳۹۹). تأثیر فرهنگ جهادی و اخلاق کار اسلامی بر بهره‌وری نیروی انسانی (مورد مطالعه: کارکنان دانشگاه ایلام). *فصلنامه علمی فرهنگ/ایلام*، ۲۱(۶۷،۶۶)، ۷-۳۳.
- کلانتری، عزیز و هاشمی، علی (۱۴۰۰). پدیدارشناسی وضعیت فرهنگ کار در بین جوانان استان ایلام. *فصلنامه علمی فرهنگ/ایلام*، ۲۲(۷۰،۷۱)، ۲۰۵-۲۳۷.
- کمربگی، خلیل و رشیدی، مجتبی (۱۳۹۴). مسأله‌شناسی و اولویت‌بندی آسیب‌ها و مسائل فرهنگی؛ مورد مطالعه: استان ایلام. *فصلنامه علمی فرهنگ/ایلام*، ۱۶(۴۸) و ۱۶۵-۱۸۶.
- گرب، ادوارد ج. (۱۳۸۱). *نابرابری اجتماعی*. ترجمه محمد سیاهپوش و احمدرضا غروی‌زاد، تهران: نشر معاصر.
- گل‌کار، زهرا (۱۳۹۶). تبیین نقش کارگروهی بر تقویت فرهنگ کار در دانشجویان با استفاده از بحث متمرکز گروهی. *نشریه کار و جامعه*، (۲۱۰)، ۸۷-۶۷.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). *پیامدهای مدرنیته*. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
- لیاقتدار، محمدجواد؛ بختیار نصرآبادی، حسن‌علی؛ سمیعی، فاطمه و هاشمی، بی‌بی وجیهه (۱۳۹۰). بررسی میزان تأثیر و نقش عوامل مؤثر بر وجدان کاری. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۲(۱)، ۲۷-۴۰.



محسنی تبریزی، علیرضا؛ جزایری، علیرضا و بابایی، نعمت‌الله (۱۳۸۹). فراتحلیل مطالعات مربوط به سوءمصرف مواد با رویکرد روانی - اجتماعی طی یک دهه‌ونیم گذشته ۱۳۸۴-۱۳۷۰. *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، (۱۱)، ۱۷۵-۲۰۰.

مدیری، فاطمه و مطیع‌حق‌شناس، نادر (۱۳۹۷). فراتحلیل مطالعات انجام شده در زمینه فرهنگ کار در ایران. جمعیت، (۹۹-۱۰۰)، ۱۰۷-۱۲۶.

مرادنژادی، همایون و واحدی، مرجان (۱۳۹۸). واکاوی موانع راه اندازی کسب و کارهای خانگی در مناطق روستایی استان ایلام. *فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات اقتصاد کشاورزی*، (۴۳)، ۳۰۳-۳۱۸.

مرادنژدی، همایون (۱۴۰۰). واکاوی کیفی ترجیحات شغلی و آموزش مهارت‌های شغلی در آموزش‌های کشاورزی. *مطالعات کارآفرینی و توسعه پایدار کشاورزی*، (۳)، ۱-۱۸.

مرادی، مهدی، کلدی، علیرضا و سیدمیرزایی، سید محمد (۱۴۰۰). پیامدهای ضعف فرهنگ کار در بهره‌وری کارکنان دانشگاه. *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، (۱۱)۲، ۳۹۹-۴۲۹.

مشکینی، ابوالفضل؛ تردست، زهرا و کرمی، احمد (۱۳۹۸). تبیین فضایی رتبه‌بندی توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان مرزی ایلام. *فصلنامه علمی علوم و فنون مرزی*، (۱)۸، ۱-۲۷.

معیدفر، سعید (۱۳۸۵). اخلاق کار و عوامل مؤثر بر آن در کارکنان ادارات دولتی. *رفاه اجتماعی*، (۲۳)، ۳۲۱-۳۴۲.

مورهد، جی. گریفین، آر. (۱۳۸۰). *رفتار سازمانی*. ترجمه سید مهدی الوانی و غلامرضا معمارزاده، تهران: انتشارات مروارید.

نهادندی، مریم و مقدم اصل، مریم (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی عوامل مؤثر بر فرهنگ کار در ایران و چهار کشور آسیایی. *فصلنامه علوم اجتماعی*، (۸۱)، ۱۷۱-۲۰۹.

نهادندی، مریم و مقدم اصیل، مریم (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی عوامل مؤثر بر فرهنگ کار در ایران و چهار کشور آسیایی. *فصلنامه علوم اجتماعی*، (۸۱)، ۱۷۱-۲۰۹.

الهی، غلامرضا (۱۳۸۳). فرهنگ کار، بهره‌وری و شبکه‌های اجتماعی. *تعاون و کشاورزی*، (۱۶۱)، ۵۶-۶۱.

یارمحمدزاده، پیمان؛ مهدیون، روح‌اله و قلی‌پور، سولماز (۱۳۹۸). شناسایی عوامل مؤثر بر ارتقای فرهنگ کارآفرینی در مدارس کاردانش و فنی و حرفه‌ای: رویکرد ترکیبی. *رهیافتی نو در مدیریت آموزشی*، (۳۸)، ۳۵-۵۶.

- Amiruddin, A.; Ali, M. S. S.; Rahmadanih, Lumoindong, Y.; Fudjaja, L. & Suryadnyani, I. A. M. (2021). The relationship between work environment and work culture with the work capacity of the employees of the oil palm processing division of PTPN XIV. *IOP Conference Series: Earth and Environmental Science*, 807(2), 022021. <https://doi.org/10.1088/1755-1315/807/2/022021>
- Bendassolli, P. F. (2016). Work and culture: Approaching cultural and work psychology. *Culture & Psychology*, 23(3), 372-390. <https://doi.org/10.1177/1354067X16682939>
- Brownson, C. D. (2015). Entrepreneurship Awareness and Entrepreneurial Culture in Nigeria. *Entrepreneurship and Innovation Management Journal*, 3(3), 118-128.
- Deyo, F. (2014). Ethnicity and work culture in Thailand: a comparison of Thai and Thai-Chinese white-collar workers. *The Journal of Asian studies*, 34(4).
- Foucreault, A.; Ollier-Malaterre, A. & Ménard, J. (2018). Organizational culture and work–life integration: A barrier to employees’ respite? *The International Journal of Human Resource Management*, 29(16), 2378-2398. <https://doi.org/10.1080/09585192.2016.1262890>
- GEM. (2010). *Global Entrepreneurship Monitor 2010 Executive Report*.
- Grabowski, D., Chudzicka-Czupala, A., Chrupala-Pniak, M., Mello, A. L., & Paruzel-Czachura, M. (2019). Work ethic and organizational commitment as conditions of unethical pro-organizational behavior: Do engaged workers break the ethical rules? *International Journal of Selection and Assessment*, 27(2), 193-202. <https://doi.org/https://doi.org/10.1111/ijsa.12241>
- Hazrati, H.; Arabshahi, S. K. S.; Bigdeli, S.; Behshid, M. & Sohrabi, Z. (2021). A qualitative approach to identify barriers to multi-professional teamwork among medical professors at Iranian teaching hospitals. *BMC Health Services Research*, 21(1), 479. <https://doi.org/10.1186/s12913-021-06421-4>
- Heras, M. L.; Rofcanin, Y.; Escribano, P. I.; Kim, S. & Mayer, M. C. J. (2021). Family-supportive organisational culture, work–family balance satisfaction and government effectiveness: Evidence from four countries [<https://doi.org/10.1111/1748-8583.12317>]. *Human Resource Management Journal*, 31(2), 454-475. <https://doi.org/https://doi.org/10.1111/1748-8583.12317>
- Hirschi, A. & Vondracek, F. W. (2009). Adaptation of career goals to self and opportunities in early adolescence. *Journal of Vocational Behavior*, 75(2), 120-128. <https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.jvb.2009.05.005>
- Jackson, T. (2001). Cultural values and management ethics: A 10-nation study. *Human Relations*, (54), 1267-1302.
- Kreiser, B. R.; Mitton, J. B. & Woodling, J. D. (2001). PHYLOGEOGRAPHY OF THE PLAINS KILLIFISH, *FUNDULUS ZEBRINUS* [<https://doi.org/10.1111/j.0014-3820.2001.tb01299.x>]. *Evolution*, 55(2), 339-350. <https://doi.org/https://doi.org/10.1111/j.0014->



3820.2001.tb01299.x

- Lent, R. W.; Brown, S. D. & Hackett, G. (1994). Toward a unifying social cognitive theory of career and academic interest, choice, and performance. *Journal of Vocational Behavior*, 45(1), 79-122. <https://doi.org/10.1006/jvbe.1994.1027>
- Li, J.; Huang, M.-T.; Hedayati-Mehdiabadi, A.; Wang, Y. & Yang, X. (2020). Development and validation of work ethic instrument to measure Chinese people's work-related values and attitudes [<https://doi.org/10.1002/hrdq.21374>]. *Human Resource Development Quarterly*, 31(1), 49-73. <https://doi.org/https://doi.org/10.1002/hrdq.21374>
- Moore, P. (2009). Globalization of the Labour Culture in the Republic of Korea: What 'Tripartite Relations' Mean for Workers. In R. Maclean & D. Wilson (Eds.), *International Handbook of Education for the Changing World of Work: Bridging Academic and Vocational Learning* (pp. 673-688). Springer Netherlands. https://doi.org/10.1007/978-1-4020-5281-1_45
- Mueller, S. L. & Thomas, A. S. (2001). Culture and entrepreneurial potential: A nine country study of locus of control and innovativeness. *Journal of Business Venturing*, (16), 51-75.
- Phillips, J. M., & Gully, S. M. (2015). Multilevel and Strategic Recruiting: Where Have We Been, Where Can We Go From Here? *Journal of Management*, 41(5), 1416-1445. <https://doi.org/10.1177/0149206315582248>
- Sarwar, A.; Imran, M. K.; Anjum, Z.-U.-Z. & Zahid, U. (2020). How innovative climate leads to project success: the moderating role of gender and work culture. *Innovation & Management Review*, 17(4), 413-430. <https://doi.org/10.1108/INMR-08-2019-0096>
- Savickas, M. L. (2003). *Life portraits from Donald Super's career pattern study* the congress of the international Association for education and vocational guidance. http://www.Panorama.Ch/files/3254_savickas
- Swanson, J. L. & Fouad, N. A. (1999). *Career theory and practice: Learning through case studies*. Sage publications.

References

- Aghasi Borujeni, V.; Qolizadeh, A. & Pradehian, A. (2018). Identifying the most effective factors affecting the promotion of work culture for women heads of households using the technique (DEMATEL). *Women and society (sociology of women)*, 10(2) (38), 117-187. (In Persian)
- Aghaz, M. & Rahmati, M. (2011). Work culture and its media promotion methods. *Cultural Engineering* (62-61), 91-81. (In Persian)
- Akbari, K. A. & Ardeshiri, M. (2002). Investigating factors affecting work culture (case study of public sector employees in Kohgiluyeh and Boyer Ahmad provinces). *Research Journal of Humanities*,-(35 (special issue of sociology)), 209-181. (In Persian).
- Amini, A. (2016). Brief analysis of the job market situation of university graduates and providing the necessary measures and solutions to

- increase their employment. National Program and Budget Organization, Macroeconomic Affairs. (In Persian).
- Amiruddin, A.; Ali, M. S. S., Rahmadanih, Lumoindong, Y.; Fudjaja, L. & Suryadnyani, I. A. M. (2021). The relationship between work environment and work culture with the work capacity of the employees of the oil palm processing division of PTPN XIV. IOP Conference Series: Earth and Environmental Science, 807(2), 022021. <https://doi.org/10.1088/1755-1315/807/2/022021>
- Arabic, S. H. & Sheikhiyani. H. (2011). Work culture and youth attitudes (case study of Qom city). Scientific-Research Quarterly of Islam and Social Sciences, 2(4), 143-164. (In Persian)
- Ardabili, Y. (1995). Professional guidance and counseling and methods of obtaining and using job information. Tehran. Virayesh Publications. (In Persian)
- Bahniah & colleagues (2016). Pathology of Iran's labor market policies and regulations, understanding the current state of the labor market with emphasis on provincial differences. Islamic Council Research Center, Economic Studies Office (Macroeconomics and Modeling Department). (In Persian)
- Bendassolli, P. F. (2016). Work and culture: Approaching cultural and work psychology. Culture & Psychology, 23(3), 372-390. <https://doi.org/10.1177/1354067X16682939>
- Brownson, C. D. (2015). Entrepreneurship Awareness and Entrepreneurial Culture in Nigeria. Entrepreneurship and Innovation Management Journal, 3(3), 118-128.
- Deyo, F. (2014). Ethnicity and work culture in Thailand: a comparison of Thai and Thai-Chinese white-collar workers. The Journal of Asian studies, 34(4).
- Elahi, G. (2005). Work culture, productivity and social networks. Cooperation and Agriculture (161), 56-61. (In Persian)
- Fathalezadeh, A. (2011). Work culture. Iranian Electricity Syndicate Journal (Setbaran), 13(65), 20. (In Persian)
- Foucreault, A.; Ollier-Malaterre, A. & Ménard, J. (2018). Organizational culture and work-life integration: A barrier to employees' respite? The International Journal of Human Resource Management, 29(16), 2378-2398. <https://doi.org/10.1080/09585192.2016.1262890>
- GEM. (2010). Global Entrepreneurship Monitor 2010 Executive Report.
- Gerb, A. J. (2003). Social inequality. Translated by M. Siahpoush and A. Gharoizad, second edition, Tehran, Maaser publication. (In Persian)
- Giddens, A. (1377). Consequences of modernity. Translated by M. Talasi, Tehran, Markaz Publishing. (In Persian)
- Grabowski, D.; Chudzicka-Czupala, A.; Chrupala-Pniak, M.; Mello, A. L. & Paruzel-Czachura, M. (2019). Work ethic and organizational commitment as conditions of unethical pro-organizational behavior: Do engaged workers break the ethical rules? International Journal of



Selection and Assessment, 27(2), 193-202.
<https://doi.org/https://doi.org/10.1111/ijjsa.12241>

- Hajamini, M. (2018). Evaluation of employment situation in the fourth and fifth programs of economic, social and cultural development. *Economic Policy Research Quarterly*, 27(92), 43-47. (In Persian)
- Hazrati, H.; Arabshahi, S. K. S.; Bigdeli, S.; Behshid, M. & Sohrabi, Z. (2021). A qualitative approach to identify barriers to multi-professional teamwork among medical professors at Iranian teaching hospitals. *BMC Health Services Research*, 21(1), 479. <https://doi.org/10.1186/s12913-021-06421-4>
- Heras, M. L.; Rofcanin, Y.; Escibano, P. I.; Kim, S. & Mayer, M. C. J. (2021). Family-supportive organisational culture, work-family balance satisfaction and government effectiveness: Evidence from four countries [<https://doi.org/10.1111/1748-8583.12317>]. *Human Resource Management Journal*, 31(2), 454-475. <https://doi.org/https://doi.org/10.1111/1748-8583.12317>
- Hirschi, A. & Vondracek, F. W. (2009). Adaptation of career goals to self and opportunities in early adolescence. *Journal of Vocational Behavior*, 75(2), 120-128. <https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.jvb.2009.05.005>
- Jackson, T. (2001). Cultural values and management ethics: A 10-nation study. *Human Relations*, (54), 1267-1302.
- Javadi Yeganeh, M. & Fuladiyan, M. (2011). Social laziness and factors affecting it. *Iranian Journal of Sociology*, 12(4), 109-137. (In Persian)
- Kamerbigi, Kh. & Rashidi, M. (2014). Problematology and prioritization of damages and cultural issues under study: Ilam province. *Scientific Quarterly of Elam Culture*, 16(48, 49), 165-186. (In Persian)
- Karbasi, A.; asni Ashari, H. & Aqil, H. (2009). Employment forecast in the agricultural sector in Iran. *Agricultural Economics and Development*, 22(2), 43-31. (In Persian)
- Kreiser, B. R.; Mitton, J. B. & Woodling, J. D. (2001). PHYLOGEOGRAPHY OF THE PLAINS KILLIFISH, *FUNDULUS ZEBRINUS* [<https://doi.org/10.1111/j.0014-3820.2001.tb01299.x>]. *Evolution*, 55(2), 339-350. <https://doi.org/https://doi.org/10.1111/j.0014-3820.2001.tb01299.x>
- Lent, R. W.; Brown, S. D. & Hackett, G. (1994). Toward a unifying social cognitive theory of career and academic interest, choice, and performance. *Journal of Vocational Behavior*, 45(1), 79-122. <https://doi.org/10.1006/jvbe.1994.1027>
- Li, J.; Huang, M.-T.; Hedayati-Mehdiabadi, A.; Wang, Y. & Yang, X. (2020). Development and validation of work ethic instrument to measure Chinese people's work-related values and attitudes [<https://doi.org/10.1002/hrdq.21374>]. *Human Resource Development Quarterly*, 31(1), 49-73. <https://doi.org/https://doi.org/10.1002/hrdq.21374>
- Liaqtdar, M. J.; Bakhtiar Nasrabadi, H.; Samii, F. & Hashemi, B. b. And. (2012). Investigating the impact and role of the factors influencing the career outlook. *Applied Sociology*, 22(1), 27-40. (In Persian)

- Moderi, F. & Matihagshanas, N. (2017). Meta-analysis of studies conducted in the field of work culture in Iran. *Jamiat Journal*, 24(100), 109-127. (In Persian)
- Mohseni Tabrizi, A.; Jazayeri, A. & Babaei, N. A. (2011). Meta-analysis of studies related to substance abuse with a psycho-social approach during the last decade and a half-2004-2015. *Iranian Social Issues Survey*, 1(4), 175-200. (In Persian)
- Moidfar, S. (2007). Work ethics and factors affecting it in the employees of government social welfare departments 2005; 6(23): 321-344. (In Persian)
- Moore, P. (2009). Globalization of the Labour Culture in the Republic of Korea: What 'Tripartite Relations' Mean for Workers. In R. Maclean & D. Wilson (Eds.), *International Handbook of Education for the Changing World of Work: Bridging Academic and Vocational Learning* (673-688). Springer Netherlands. https://doi.org/10.1007/978-1-4020-5281-1_45
- Moradnezhd, H. (1400). Qualitative analysis of job preferences and training of job skills in agricultural education. *Entrepreneurship studies and sustainable development of agriculture*, 8(3), 1-18. (In Persian)
- Mueller, S. L. & Thomas, A. S. (2001). Culture and entrepreneurial potential: A nine country study of locus of control and innovativeness. *Journal of Business Venturing*, (16), 51-75.
- Nahavandi, M. and Moghadam ASL, M. (2017). Comparative study of factors affecting work culture in Iran and four Asian countries. *Social Sciences Quarterly*, -(81), 171-209. (In Persian)
- Phillips, J. M. & Gully, S. M. (2015). Multilevel and Strategic Recruiting: Where Have We Been, Where Can We Go From Here? *Journal of Management*, 41(5), 1416-1445. <https://doi.org/10.1177/0149206315582248>
- Rabbanikhorasgani, A. (1993). Social alienation along with a case study of social alienation among the admitted students of Allameh Hali Education Center of Tehran University in 1371 and 1372]. Unpublished master's thesis. (In Persian)
- Rahimideh Souri, J. (2013). Obstacles and solutions to promote the culture of work and effort in Islamic society. *Islamic Insight and Education*, 11(29), 51-82. (In Persian)
- Ranaei Kurdshuli, H. A.; Ali Mohammadlou, M.; Jajermizadeh, M.; Abbasi, A. & Elhiari Bozanjani, A. (2015). A framework for evaluating and analyzing the state of work culture characteristics. *Management studies (improvement and transformation)*, 25(81), 25-56. (In Persian)
- Rezaei Nesab, Z. (2022). Studying the fields and platforms of the formation of unemployment among the female graduates of the universities of Ilam city. *Women in Development and Politics*, 20(2), 341-315. (In Persian)
- Rezaqoli, A. (1998). *Sociology of elitism*. Tehran. Nay publication. (In Persian)



- Rostgarkhaled, A. (2004). The role of the family in guiding the child's career and shaping his work identity (Case: Examining the career preferences pattern of Tehrani parents). *Work and Society*, November and December 2013(56), 27-39. (In Persian)
- Sam Aram, A. A. & Mustajad Hosseini Mutlaq, S. (2018). Conceptual and typological analysis of culture worker; A look at its functions in the education system. *Social and Cultural Strategy*, 6(4), 177-214. (In Persian)
- Sarukhani, B. & Talebian, S. (2003). Conscientiousness and social factors affecting it (research in National Petrochemical Industry Company of Iran). *Iranian Journal of Sociology*, 4(4), 188-162. (In Persian)
- Sarwar, A.; Imran, M. K.; Anjum, Z.-U.-Z. & Zahid, U. (2020). How innovative climate leads to project success: the moderating role of gender and work culture. *Innovation & Management Review*, 17(4), 413-430. <https://doi.org/10.1108/INMR-08-2019-0096>
- Savickas, M., L. (2003). Life portraits from Donald Super's career pattern study the congress of the international Association for education and vocational guidance, http://www.Panorama.Ch/files/3254_savickas
- Sharifi Sai, M. H. (2015). Analyzing the content of high school textbooks (2nd year of high school) from the point of view of the attitude towards work culture. *Work and society* (193), 50-64. (In Persian)
- Sotoudeh, H. A. (2002). *Social Psychology*. Tehran. Avaye Noor Publications. (In Persian)
- Swanson, J. L. & Fouad, N. A. (1999). *Career theory and practice: Learning through case studies*. Sage publications.
- Tohidlo, S.; Zakari, A. & Jafari Moghadam, M. (2016). Differentiating aspects of work culture in Iran and abroad in the eyes of Iranian workers abroad. *Cultural Studies and Communication*, 13(48), 35-56. (In Persian)
- Yarmohammadzadeh, Peyman, Mahdiun, Ruholah & Qalipour, Solmaz. (2018). identifying the effective factors to promote entrepreneurial culture in technical and vocational schools: a combined approach. *A new approach in educational management*, 10(2 (serial 38)), 35-55. (In Persian)
- Zare Shahabadi, A.; Mubaraki, M. & Biranvand, F. (2017). Analysis of factors affecting social laziness (comparative study between employees of two cities, Yazd and Khorramabad). *Review of social issues of Iran*, 9(2), 91-116. (In Persian)

بررسی وضعیت اقتصاد فرهنگ در استان ایلام و راهکارهای تقویت آن؛ با تأکید بر شناسایی ظرفیت‌های محلی

عزیز کلانتری

دکترای جامعه‌شناسی اقتصاد توسعه، تهران، ایران (نویسنده مسئول). kalantari.aziz@gmail.com

علی هاشمی

کارشناس ارشد رشته مطالعات فرهنگی، تهران، ایران. alihashemi91990@gmail.com

چکیده

اقتصاد فرهنگ امروزه نقش مهمی در توسعه پایدار داشته و بسیاری از کشورها توانسته‌اند به مدد بهره‌جستن از رویکردهای اقتصاد فرهنگ ضمن بهبود وضعیت اقتصادی فعالان فرهنگی – در راستای رسیدن به توسعه پایدار قدم‌های مهمی بردارند. پژوهش حاضر با هدف بررسی وضعیت اقتصاد فرهنگ در استان ایلام و راهکارهای تقویت آن؛ با تأکید بر شناسایی ظرفیت‌های محلی – با استفاده از نظریه‌های اقتصاد فرهنگ در دو دیدگاه نظری و توسعه‌محور و در پارادایم کیفی و به روش تحلیل مضمون انجام گرفته است. جامعه هدف شامل کلیه فعالان و کارشناسان عرصه فرهنگ و هنر در استان ایلام بود که نمونه‌گیری بر مبنای اشباع نظری با ۳۵ نمونه انجام شد. برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساخت یافته استفاده شد. نتایج نشان داد که مهم‌ترین حوزه‌های دارای ظرفیت سرمایه‌گذاری براساس الگوی اقتصاد فرهنگ در استان ایلام عبارت‌اند از: حوزه ادبیات، حوزه صنایع دستی، حوزه هنرهای تجسمی، حوزه آداب و رسوم، حوزه نمایش و حوزه موسیقی. در حال حاضر به جز حوزه نمایش و تا حدودی در حوزه موسیقی، در سایر حوزه‌ها وضعیت نامناسبی در استان وجود دارد. موانع و محدودیت‌هایی از جمله موانع اقتصادی؛ موانع سازمانی و مدیریتی؛ موانع ساختاری اجتماعی؛ موانع ساختاری فرهنگی؛ موانع بازاریابی و تبلیغات؛ ضعف‌های قابل مشاهده در هنرمندان و... مهم‌ترین موانع در راه بهبود وضعیت بوده‌اند. برای غلبه بر این محدودیت‌ها، راهکارهایی می‌توان پیشنهاد داد؛ از جمله: ۱- تغییر در شیوه‌های مدیریت و سیاست‌گذاری‌ها، ۲- زمینه‌سازی و بسترسازی لازم، ۳- پشتیبانی مالی از تولید آثار فرهنگی و هنری، ۴- بهبود کیفیت آثار هنرمندان و ۵- تبلیغات و بازاریابی مناسب و اقدام‌های عملی برای فروش آثار از جمله تأسیس بازارهای گوناگون، راه‌اندازی جشنواره‌ها و نمایشگاه‌های مختلف و...

کلیدواژه‌ها: اقتصاد فرهنگ، فرهنگ و هنر، ظرفیت‌های محلی، استان ایلام.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۱۱ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۱/۰۹/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۲

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال ۱۲، شماره ۲، پیاپی ۴۷، تابستان ۱۴۰۲، صص ۵۶۵-۶۰۴

مقدمه و بیان مسئله

یکی از مباحث مطرح در مطالعات توسعه اقتصادی جوامع که در دوره متأخر از رهگذر مواجهه با چالش‌ها و فرصت‌های جهانی شدن نمود بیشتری یافت و در کشور ما نیز - تحت تأثیر اقتضانات و الزام‌های خاص توسعه‌ای - وارد مباحث دستگاه‌های سیاست‌گذاری شده است، جست‌وجوی راهکارهای مقتضی جهت نیل به توسعه، بر مبنای فعال کردن ظرفیت‌ها و توانمندی‌های حوزه فرهنگ و هنر می‌باشد؛ که از آن تحت عنوان «اقتصاد فرهنگ» نام برده می‌شود. «امروزه نقش و اهمیت اقتصادی فعالیت‌های فرهنگی به میزانی است که این فعالیت‌ها را به یکی از شالوده‌های اساسی نظام اقتصادی تبدیل کرده است. سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در فرایند تولید، توزیع و مصرف محصولات فرهنگی از شناخته‌ترین و مهم‌ترین وظایف مدیران فرهنگی در سطح جهان بوده است؛ به طوری که از آن به عنوان محور اصلی در توسعه فرهنگی جوامع یاد می‌شود» (گنجی و حیدریان، ۱۳۹۳، ص. ۷۸). منظور از «اقتصاد فرهنگ» در نگاه اولیه یعنی اینکه ما بتوانیم از فرهنگ درآمدزایی داشته باشیم. متعاقب آشنایی اجمالی با نقش حائز اهمیتی که مدیریت فرهنگی در کشورهای موفق، با اعمال راهبرد توانمندسازی اقتصادی تولیدات فرهنگی؛ در توسعه فرهنگی و شکوفایی اقتصاد فرهنگ ایفا نموده است؛ این سؤال پیش می‌آید که وضعیت ما از این نظر چگونه است؟ در مقایسه با آنها در چه مرحله‌ای هستیم؟ چگونه و از چه طریقی (با رعایت چه شرایط و عواملی) می‌توانیم یک حرکت موفق به این سمت داشته باشیم؟ مدل مناسب برای گذار موفق به این سمت می‌بایست واجد چه ویژگی‌هایی باشد؟

پاسخ به این سؤال‌ها منوط به آن است که ابتدا مروری مختصر به وضعیت این مسئله در سطح کشور داشته باشیم، تا متعاقب آن نسبت به وضعیت و جایگاه اقتصاد فرهنگ در استان ایلام و ارائه راهکار برای آن چاره‌اندیشی و ارائه طریق نماییم. در یک جمع‌بندی کلی از جایگاه ایران در فرایند توسعه اقتصاد فرهنگ، دو دیدگاه وجود دارد:

الف. دیدگاهی که ایران را فاقد جایگاه مناسب ارزیابی می‌کند؛ به عنوان مثال



اردکانی و صیادی (۱۳۹۳) با تکیه بر کار اندرسون^۱ در یک جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از طی سه دهه گذشته اقتصاد فرهنگ در کشور؛ به این نتیجه رسیده‌اند که اقتصاد فرهنگ در ایران: «هم از لحاظ کمی و هم از نظر کیفی وضعیت نامناسبی داشته و غفلت و بی‌توجهی به حوزه فرهنگ توسط کارشناسان مربوطه، باعث شده تا اهتمام جدی برای تخصیص منابع لازم برای بخش فرهنگ، صورت نگرفته باشد. همچنین به‌خاطر سلطه نگاه هزینه‌ای و فقدان وجود الگوی مناسب در اقتصاد فرهنگ - خسارت‌های بیشماری را در دهه‌های قبل به کشور وارد کرده است. خسارت‌هایی مانند افزایش در تعداد و تنوع محصولات فرهنگی کم‌ارزش یا بی‌ارزش، موازی‌کاری، ناتوان شدن سازمان‌های فرهنگی در حل نمودن معضلات فرهنگی، عدم توجه کافی به اولویت‌های فرهنگی جامعه، تخصیص و مصرف هزینه‌ها در مسائل سطحی و روبنایی و در خفا مانند مسائل اساسی و زیربنایی و تغییر رویه اقتصادی به اقتصاد مصرفی» (اندرسون، ۲۰۰۵؛ ر.ک: اردکانی ناظمی و صیادی، ۱۳۹۳، ص. ۲۲۲).

سربندی، حاجیانی و امیری صالحی (۱۳۹۹) نیز بر این باورند که در تمامی دولت‌های بعد از انقلاب خط‌مشی‌ها و سیاست‌های اقتصادی مربوط به فرهنگ براساس دیدگاه‌ها و افکار خاص هر دولت و حتی سلايق فردی اتخاذ شده و با تغییر افراد و دولت‌ها، به یکباره در خط‌مشی‌ها تغییر روی داده است. حتی در شاخص تولید نیز در برخی دوره‌ها کم‌توجهی و غفلت صورت گرفته است؛ بنابراین در حوزه اقتصاد فرهنگ خلأ وجود یک سیاست‌گذاری کلی و غالب وجود دارد که تمامی دولت‌ها و مسئولان در راستای تحقق اهداف آن فعالیت نمایند. به‌طور کلی سیاست‌های مغفول دوره‌های مختلف عمدتاً در بخش زیرساخت‌های اقتصاد فرهنگ بوده است. مسعودی‌نیا، رشیدپور و ابراهیم‌زاده (۱۳۹۷) نیز بر این باورند که نابسامانی واردات و صادرات، تضییع حقوق مادی و معنوی بخش خصوصی و نقش تعیین‌کننده سرمایه‌داران و واسطه‌ها مهم‌ترین دلایل نابسامانی وضعیت اقتصاد فرهنگ در ایران هستند.

ب. دیدگاهی که به‌رغم تأکید بر موانع و مشکلات، اقتصاد فرهنگ در ایران را در آستانه «تلاش برای الگوی ایرانی تولید فرهنگی» ارزیابی می‌کند: ارزیابی قائلان به این دیدگاه این است که اگرچه اقتصاد فرهنگ در کشور ما با توجه به تجربه کشورهای مختلف جهان کمتر مورد توجه قرار گرفته و از نواقص فراوانی در این خصوص رنج می‌برد؛ اما فرایند توجه به اقتصاد فرهنگ براساس الگوی خاص

ایرانی آغاز شده است:

«در کشور ما سنت رایج در میان تولیدکنندگان محصولات فرهنگی این است که از توجه به مقوله‌ای به نام «کالای فرهنگی» واهمه دارند. این اجتناب ریشه در افکار چپ و اعتقاد به ابزار - گونه‌شدن فرهنگ در راستای منافع سرمایه‌داری دارد. ولی [اباین حال] واقعیت این است که روابط بین سرمایه‌گذار و تولیدکننده فرهنگی در کشور ما از مراحل الگوبرداری، بازتولید الگوها در قالب سنت‌های ایرانی عبور کرده و هم‌اکنون در آستانه «تلاش برای الگوی ایرانی تولید فرهنگی» است. در گذرگاه طولانی تقلید تا ابداع، در هر مرحله تغییری در تولید و مصرف ایجاد شده، ولی مانع مهم استقلال تولید فرهنگی و آزادی خلاقیت‌های تولید فرهنگی، وابستگی سرمایه‌گذاری‌های فرهنگی به حمایت‌های دولت است.» «نتیجه این امر رکود بازار کالاهای فرهنگی و نارسایی ذاتی این بازار به دلیل نبود نقش تعیین‌کننده رابطه عرضه و تقاضا است. یکی از تبعات این وضع بی‌میلی عمومی نزد تولیدکنندگان برای بسته‌بندی بهتر کالای فرهنگی و به‌کارگیری ابتکار در آن و بی‌انگیزگی برای بازاریابی و ایجاد در حلقه‌های واسطه میان تولیدکننده و مصرف‌کننده است» (خزایی، ۱۳۸۵، ص. ۱۸).

همچنین در این راستا، به نظر شش‌جوانی (۱۳۹۶) با اینکه اقتصاد فرهنگ هنوز در ایران به‌صورت ساختارمند و شبکه‌ای شکل نگرفته و ایرادها، نواقص و موانع زیادی در این راه وجود دارد؛ اما هم‌اکنون نیز کالاها و خدمات هنری و فرهنگی زیادی تولید و به بازار عرضه می‌شوند و از بازار فروش نیز برخوردار بوده و هواخواهان خاص خود را دارند. از این‌رو رفته‌رفته این ساختار به شیوه خاص ایرانی شکل می‌گیرد.

هر چند در قیاس با نتایج برگرفته از دیدگاه‌های اخیرالذکر، می‌توان چنین نتیجه گرفت که اوضاع اقتصاد فرهنگ و هنر در استان ایلام نیز از قاعده کلی حاکم بر اقتصاد فرهنگ و هنر کشور مستثناء نیست و هر گونه راهکار برای شناخت و سامان‌دهی اقتصاد فرهنگ کشور برای استان ایلام نیز قابل اعمال است؛ اما این بدان معنا نیست که ظرفیت‌ها، ویژگی‌ها، شرایط و امکانات خاص این استان را در موضوع یادشده نادیده انگاریم. شواهد اولیه حاکی از آن است که استان ایلام از قدیم‌الایام به‌عنوان یک منطقه باسابقه تاریخی دیرینه، دارای یک فرهنگ بومی متشکل از عناصر، مؤلفه‌ها و ظرفیت‌های گوناگون بوده است، که به اشکال و کارکردهای مختلف از توانمندی و کارایی لازم برای پاسخگویی و تأمین نیازمندی‌های فرهنگی و هنری اقشار مختلف جامعه خویش برخوردار بوده است. در

پژوهش حاضر فرض بر این است که استان ایلام، به‌عنوان یکی از مناطق دارای پیشینه کهن تاریخی - فرهنگی کشور، در بسیاری از زمینه‌های فرهنگی و هنری من جمله: آواها و نواهای محلی، رسوم، آیین‌ها، قصه‌ها و متل‌ها، ضرب‌المثل‌ها، بازی‌ها، تاریخ شفاهی، ادبیات عامه و بسیاری از زمینه‌های - قدیم و جدید - دیگر، دارای ظرفیت‌هایی است که کارکردهای مثبت و سالم فراوانی، اعم از: تفریحی - فراغتی، هویتی، انسجام‌بخشی و انگیزشی را برای مردم این منطقه، دربرداشته است. شادکامی، ساده‌زیستی، سخت‌کوشی، قناعت‌پیشگی، مهمان‌نوازی، دینداری، همسایه‌داری، تعاون و همیاری، دولتمندی و عزت‌نفس مردمان قدیم استان، تنها گوشه‌ای کوچک از ثمره جامعه‌پذیری و تربیت اجتماعی، درچنین بستر فرهنگی‌ای، بوده است.

در مطالعه‌ای که با هدف شناخت اجمالی مؤلفه‌های فرهنگ بومی منطقه عمومی سیمره و قابلیت‌های کارکردی آن، به‌منظور ارائه راهکار برای فعال‌سازی ظرفیت‌های محلی موجود در این زمینه، بر اساس رویکردهای توسعه مشارکتی توسط نگارنده انجام شد نیز اطلاعاتی به‌دست‌آمده که دال بر صحت مدعای بالا است. استناد به پژوهش‌های انجام‌شده در خصوص جایگاه استان ایلام در رتبه‌بندی توسعه فرهنگی کشور، بیانگر آن است که علی‌رغم ظرفیت‌های موجود، درحال حاضر از لحاظ شاخص‌های توسعه فرهنگی، در وضعیت «بسیار محروم» و یا با اندکی تسامح در مراحل آغازین و اولیه «شکل‌گیری اقتصاد فرهنگ» بر پایه ظرفیت‌های بومی خود به‌سر می‌برد. براین اساس ضرورت دارد بر پایه شناخت و ملاحظه وضعیت موجود، اقدام‌های لازم برای توسعه و تقویت اقتصاد فرهنگ استان ایلام مورد چاره‌اندیشی و مطمح‌نظر قرار گیرد.

مطابق مطالب مندرج در سند «توسعه فرهنگی شهرستان‌های محروم و کمتر توسعه‌یافته» (روشنای مشرق زمین، ۱۳۹۷، صص. ۷-۸)، و دو مطالعه ارجاعی ذیل همین مطالعه (کاظم‌زاده و کوهی، ۱۳۸۹، ص. ۱۸۲ و تقوایی و قائدرحمتی، ۱۳۸۵، ص. ۱۱۷)، و به‌خصوص داده‌های پیمایش ملی ارزش‌های نگرش ایرانیان - در استان ایلام (۱۳۹۸) و پیمایش ملی مصرف کالاهای فرهنگی - در استان ایلام (۱۳۹۹) در بررسی وضعیت موجود استان ایلام، نشان می‌دهد که این استان علی‌رغم برخورداری از پیشینه غنی فرهنگی و هنری - درحال حاضر، به جز در حوزه «فیلم» و تا حدودی «شعر و موسیقی»، از لحاظ بهره‌برداری از ظرفیت‌های فرهنگ بومی و ورود به بازار «اقتصاد فرهنگ»، با وضعیت ایدئال، فاصله زیادی دارد. بسیاری از زمینه‌های مستعد

همچون صنایع دستی بلااستفاده، مغفول و معطل مانده است و یا از وضعیت ایدئال دور است. چنانچه در شرایطی که حدود ۴۹ درصد از مردم ایلام کتاب نمی‌خوانند، حدود ۶۵ درصد از کتابخوان‌ها کمتر از ۲ ساعت در هفته کتاب می‌خوانند. خرید صنایع دستی تنها در ۱۰ درصد از مردم وجود داشته و تنها ۱۵ درصد از مردم در کنسرت‌های موسیقی شرکت کرده‌اند (پیمایش ملی مصرف کالاهای فرهنگی، ۱۳۹۹). همچنین مطابق «گزارش توصیفی و تحلیلی وضعیت فرهنگی و هنری استان ایلام» (۱۴۰۰) نتایج بخش «تحلیل وضعیت فرهنگی و هنری استان» نشان می‌دهد که: ۱. نقاط قوت: وضعیت فرهنگی و هنری استان عبارت‌اند از: محسوس بودن انتشار کتاب به‌ویژه آثار بومی و محلی، وصل شدن سینمای استان به شبکه توزیع فیلم کشوری و مفید بودن این هنر برای قشر جوان، پیوند شعر و ادبیات با جریان سیال شعر معاصر در سطح ملی و درخشش هنرمندان در طراز ملی؛ ۲. نقاط ضعف: عبارت‌اند از: عدم رغبت بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری و حمایت از مطبوعات، نبود سازوکار برای فعالیت در فضای مجازی، کم‌کاری در حوزه ثبت و ضبط فرهنگ عامه؛ ۳. فرصت‌ها: عبارت‌اند از: تشویق بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در حوزه چاپ و نشر، ارائه خدمات چاپی به مردم استان‌های مرزی عراق «همجوار ایلام»؛ ۴. تهدیدها: عبارت‌اند از: انتشار بخشی از آثار فرهنگی در چاپخانه‌های خارج از استان، نبود زیرساخت و تعطیلی برخی از چاپخانه‌ها؛ ۵. خواست‌ها: عبارت‌اند از: تخصیص اعتبار برای آغاز عملیات اجرایی تالار مرکزی ایلام، کمک به ساخت دو مجتمع فرهنگی هنری نیمه‌تمام در شهرهای مهران و آسمان‌آباد، کمک به تجهیز چهار مجتمع فرهنگی هنری در شهرهای ایلام، دهلران، دره‌شهر و سرابله؛ کمک به احداث ساختمان خانه مطبوعات استان؛ ۶. ظرفیت‌های فرهنگی و هنری: عبارت‌اند از: زندگی مسالمت‌آمیز و بدون تنش چهار قوم بزرگ کرد، لر، لک و عرب و یکپارچگی مذهبی مردم استان؛ هم‌مرز بودن استان با سه استان شیعه‌نشین واسط، میسان و دیالی در کشور عراق و پیوندهای فرهنگی مشترک؛ ارائه راهکارهای کوتاه‌مدت و بلندمدت با نگاه فراگیر و عدالت‌محور برای حل مسائل و بهره‌گیری از فرصت‌ها (نیاکان، ۱۴۰۰، ص. ۱).

طبق مطالعات انجام شده (ذکر شده در بالا)، استان ایلام، برحسب شاخص‌های موجود، از لحاظ توسعه فرهنگی، در وضعیت «محروم» ارزیابی شده است. کمترین پیامد منفی چنین وضعیتی در موضوع پژوهش حاضر، رکود بازار اقتصاد فرهنگ و هنر در استان و عقب‌ماندگی آن از بازارهای مشابه در سطح ملی و وابستگی



روزافزون آن به منابع مالی دولتی - با پیامدهای منفی اقتصاد رانتی مترتب بر آن - در درازمدت است. فرسایش سرمایه‌ها و نیروهای خلاق فرهنگی و اجتماعی، ظهور و گسترش بدل کاران فرهنگی و در نتیجه، گسترش انواع مسائل و آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی، از جمله دیگر پیامدهای منفی آن در ابعاد مختلف است که در صورت تداوم، در آینده هزینه‌های هنگفتی را بر حرکت رو به جلوی جامعه محلی ما، تحمیل خواهد کرد. بر این اساس ضرورت دارد تا نسبت به شناسایی و زمینه‌یابی ظرفیت‌های فرهنگی قابل سرمایه‌گذاری در استان ایلام و همچنین راهکارهای توسعه و تقویت پایدار آنها، به‌منظور گشایش در کسب و کارهای فرهنگی و رونق بازار «اقتصاد فرهنگ»، چاره‌اندیشی و اقدام‌های لازم و مقتضی به عمل آید.

۱. اهداف پژوهش

- ۱- شناخت ظرفیت‌های فرهنگی قابل سرمایه‌گذاری در حوزه اقتصاد فرهنگ در استان ایلام؛
- ۲- توصیف وضعیت موجود ظرفیت‌های شناسایی‌شده استان ایلام از نظر شاخص‌های اقتصاد فرهنگ؛
- ۳- شناخت مهم‌ترین موانع بهره‌برداری از ظرفیت‌های موجود استان ایلام در حوزه اقتصاد فرهنگ؛
- ۴- ارائه راهبردها و سیاست‌های اقتصادی - توسعه‌ای مناسب برای تقویت ظرفیت‌های استان در حوزه اقتصاد فرهنگ.

۲. سؤال‌های پژوهش

- ۱- ظرفیت‌های قابل سرمایه‌گذاری - در زیرمجموعه فرهنگ و هنر بومی استان ایلام - که قابلیت ورود به بازار اقتصاد فرهنگ و هنر را دارند، مشتمل بر چه موارد و مؤلفه‌هایی هستند؟
- ۲- وضعیت فعلی استان ایلام از نظر چشم‌اندازهای اقتصاد فرهنگ و به‌طور خاص از نظر تولید، توزیع و فروش آثار چگونه است؟ به عبارت دیگر ظرفیت‌های شناسایی‌شده پژوهش حاضر در استان ایلام در چه وضعیتی قرار دارند؟
- ۳- مهم‌ترین موانع بهره‌برداری از ظرفیت‌های موجود استان ایلام در حوزه اقتصاد فرهنگ کدامند؟ این موانع شامل چه مؤلفه‌هایی هستند؟
- ۴- چگونه و از طریق کدام راهبردها و سیاست‌های اقتصادی و توسعه‌ای می‌توان

برنامه‌ریزی و اقدام‌های لازم را برای توسعه و تقویت ظرفیت‌های محلی اقتصاد فرهنگ و هنر در استان ایلام فراهم ساخت؟

۳. مروری بر پیشینه پژوهش

در جدول (۱) مهم‌ترین پیشینه‌های تجربی پژوهش ارائه شده است.

جدول (۱): پیشینه تجربی پژوهش

پژوهشگر	روش پژوهش	یافته‌ها
(انتظاری و درخشان، ۱۴۰۱)	تحلیل محتوای کیفی	از میان مؤلفه‌های سیاست‌گذاری در اقتصاد فرهنگ، در سیاست‌های کلان کشور، به بخش تولید بیش از توزیع و مصرف توجه شده است. همچنین تولید محصولات فرهنگی متناسب با بازارهای جهانی و منطقه‌ای و ارائه آن در این بازارها کمتر مورد توجه، و اکثر سیاست‌ها در سطح ملی تنظیم شده است؛ بنابراین پیشرفت اقتصاد فرهنگ در گرو توجه و رشد متعادل همه بخش‌های آن اعم از تولید، توزیع و مصرف است و توجه یکسان به بخش‌ها و سطوح مختلف اقتصاد فرهنگ در تدوین سیاست‌ها ضروری است.
(مسعودی‌نیا؛ رشیدپور و ابراهیم‌زاده، ۱۴۰۰)	گراند تئوری	عوامل علی رونق اقتصاد فرهنگ عبارت‌اند از: تقویت دانش و ارائه نظام جامع فرهنگی، نگاه اقتصادی و فرهنگی به اقتصاد فرهنگ، هزینه پایین راه‌اندازی مصرف ابداعی فرهنگ و قطع وابستگی دولت‌ها از اقتصاد نفتی. راهبردها: تدوین سیاست‌های کارآمد، گفتمان‌سازی، بهبود فضای کسب و کار فرهنگی، اصلاح قوانین حق مالکیت و تعهدات اجرایی، مداخله قاعده‌مند دولت و واگذاری به بخش خصوصی، قاعده‌مند شدن حمایت‌های کارشناسی‌شده، ایجاد پایگاه داده‌های دقیق، شریان‌سازی سالم اقتصادی و شکل‌گیری بازار، برندسازی شبکه‌ای، شبکه‌سازی سالم غیردولتی تولید و توزیع، راه‌اندازی کسب و کارهای کوچک و ایجاد شهرهای خلاق. شرایط مداخله‌گر: آشنایی عوامل فرهنگی با روابط اقتصادی و مهارت‌های فرهنگی، تبلیغات و آموزش. شرایط زمینه‌ای: نابسامانی واردات و صادرات، تضییع حقوق مادی و معنوی بخش خصوصی و نقش تعیین‌کننده سرمایه‌داران و واسطه‌ها و پیامدها: تأثیرات اقتصادی، حفظ، پیشبرد و انتقال فرهنگ، تقویت اقتدار و امنیت و حفظ محیط زیست.
(انتظاری و ...)	تحلیل تطبیقی -	اقتصاد فرهنگ ایران و شاخص‌های حکمرانی خوب فاصله



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

رابر داد اجتهاد فرهنگ

پژوهشگر	روش پژوهش	یافته‌ها
درخشان، ۱۴۰۰	کمی	زیادی با کشورهای توسعه‌یافته و رشد یافته دارد و این معرف توسعه‌نیافتگی اقتصاد فرهنگ در ایران است. همچنین نتایج تحلیل همبستگی و رگرسیون چندگانه نشان می‌دهد که میان شاخص حکمرانی خوب و توسعه اقتصاد فرهنگ این کشورها رابطه مستقیم و با شدت قابل قبولی ($R^2=0.50$) وجود دارد.
(سربندی؛ حاجیان و امیری صالحی، ۱۳۹۹)	تحلیل محتوای کیفی	در تمامی دوره‌ها و دولت‌ها خط‌مشی‌ها و سیاست‌ها براساس دیدگاه‌ها و افکار خاص هر دولت و حتی سلیق فردی اتخاذ شده و با تغییر افراد و دولت‌ها، به یکباره در خط‌مشی‌ها تغییر روی داده است. تنها خط‌مشی و سیاستی که در تمامی دوره‌ها به آن تداوم بخشیده شده است، کاهش اکران فیلم خارجی و افزایش تعداد جشنواره‌های داخلی بوده است. حتی در شاخص تولید نیز در برخی دوره‌ها کم‌توجهی و غفلت صورت گرفته است؛ بنابراین در حوزه اقتصاد سینما خلأ وجود یک سیاست‌گذاری کلی و غالب وجود دارد که تمامی دولت‌ها و مسئولان در راستای تحقق اهداف آن فعالیت نمایند. به‌طور کلی سیاست‌های مغفول دوره‌های مختلف عمده‌تاً در بخش زیرساخت‌های اقتصاد سینمای کشور بوده است.
(مسعودی‌نیا؛ رشیدپور و ابراهیم‌زاده، ۱۳۹۷)	پدیدارشناسی	«تدوین سیاست‌های کارآمد»، «گفتمان‌سازی»، «بهبود فضای کسب‌وکار فرهنگی»، «اصلاح قوانین حق مالکیت و تعهدات اجرایی»، «مداخله قاعده‌مند دولت و واگذاری به بخش خصوصی»، «قاعده‌مندشدن حمایت‌های کارشناسی شده»، «یجاد پایگاه داده‌های دقیق»، «یجاد نهاد متولی و به‌کارگیری مدیران کارآمد»، «شریان‌سازی سالم اقتصادی و شکل‌گیری بازار»، «بهره‌گیری از ظرفیت‌های متنوع داخلی»، «برندسازی شبکه‌ای»، «شبکه‌سازی سالم تولید و توزیع»، «راه‌اندازی کسب‌وکارهای کوچک»، «نظارت کارآمد»، «فراهم‌آوردن زیرساخت» «یجاد شهرهای خلاق».
(بیرانوندزاده؛ درویشی و خداداد، ۱۳۹۵)	اسنادی	در سال ۱۳۹۰ شاخص توسعه انسانی در ایران، ۰,۷۴۲ بوده است. شاخص توسعه انسانی در استان ایلام برابر با ۰,۶۹۳ می‌باشد. شاخص رفاه اجتماعی روستایی در استان‌های سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی و ایلام (۷/۸، ۱۱/۳ و ۱۱/۶ میلیون ریال) پایین‌تر از سایر استان‌ها می‌باشد. بالاترین میزان شاخص رفاه اجتماعی شهری در سال ۱۳۹۰

پژوهشگر	روش پژوهش	یافته‌ها
		به استان‌های تهران، قزوین و مازندران (۳۳/۲، ۲۸/۳ و ۲۸/۲ میلیون ریال) و پایین‌ترین میزان نیز به استان‌های سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی و کرمان (۱۴، ۱۷/۷ و ۱۸/۲ میلیون ریال) تعلق دارد. وضعیت شاخص رفاه شهری در استان ایلام برابر با ۱۸۰۷ میلیون ریال می‌باشد.
(تقوایی و قائدرحمتی، ۱۳۸۵)	پیمایش	بین استان‌های کشور از نظر بهره‌مندی از فضاها و امکانات فرهنگی تفاوت چشمگیری وجود دارد. در این بین، استان تهران به‌عنوان تنها استان بسیار توسعه‌یافته و استان‌های ایلام، بوشهر، چهارمحال و بختیاری، زنجان، سمنان، سیستان و بلوچستان، قزوین، کهگیلویه و بویراحمد، گلستان، هرمزگان به‌عنوان استان‌های بسیار محروم شناخته شده‌اند.
(حسین‌زاده دلیر و ملکی، ۱۳۸۵)	اسنادی	استان ایلام با رتبه ۲۲ در بین استان‌های کشور در جایگاه نامطلوب و نامناسبی قرار گرفته است. از مهم‌ترین دلایل آن می‌توان به متوسط امید به زندگی (۶۴ سال) با رتبه ۲۵، نرخ سواد بزرگسالان (۶۷ درصد) با رتبه ۲۲ و هزینه سرانه ناخالص (۱۴۰۹ هزار ریال) رتبه ۲۳ در سطح کشور اشاره کرد. شاخص دیگر، توسعه وابسته به جنس، که معادل ۰/۵۲ می‌باشد، در رتبه هجدهم قرار گرفته است. از مهم‌ترین دلایل پایین بودن این شاخص نسبت به متوسط کشور، تفاوت زیاد بین نرخ باسوادی بزرگسالان مرد (۷۴/۴ درصد) و بزرگسالان زن (۵۸/۴ درصد) می‌باشد
(Pratt, 2016)	کتابخانه‌ای	یکی از مهم‌ترین راه‌های فروش مداوم آثار فرهنگی و هنری و ایجاد درآمد پایدار برای هنرمندان و همچنین رونق تجارت فرهنگی - احداث خیابان‌های صنایع هنری و صنایع دستی است.
(Duffy, 2009)	پیمایش	بازاریابی مکان از طریق صدا به یک راهبرد مهم برای بازسازی اقتصادی تبدیل شده است. بسیاری از مکان‌ها از ساختار جشنواره موسیقی به‌عنوان وسیله‌ای برای برندسازی یک جامعه محلی استفاده کرده‌اند، به این امید که از طریق فروش بلیت و فعالیت‌های مرتبط با آن درآمد ایجاد کنند، که پس از آن مزایای اقتصادی برای جوامع محلی فراهم می‌کند. در احداث این مکان‌ها باید به پیوندهای ساخته شده اجتماعی بین مردم و صنایع توجه داشت.



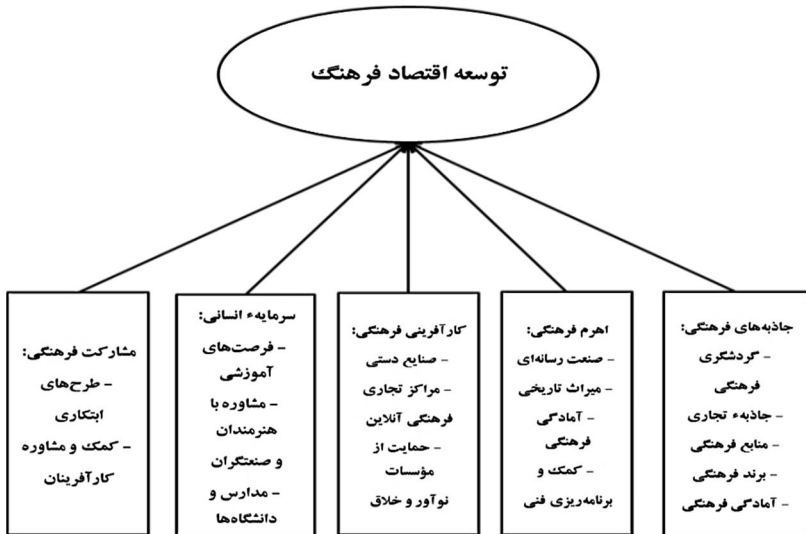
در جمع‌بندی پیشینه پژوهش می‌توان گفت که غالب کارهای انجام شده به وضعیت کنونی اقتصاد فرهنگ در جوامع موردنظر خود پرداخته و به‌سختی بتوان پژوهشی یافت که وضعیت کنونی، تشریح ظرفیت‌های اقتصاد فرهنگ، مشخص کردن موانع رشد اقتصاد فرهنگ، و راهکارهای رفع موانع پیشرفت در حوزه اقتصاد فرهنگ را همزمان مورد پژوهش و بررسی قرار داده باشد. پژوهش حاضر سعی کرده است ابعاد مختلف اقتصاد فرهنگ را در جامعه مطالعه و حتی‌المقدور به ارائه راهکارهای عملی برای تغییر و بهبود وضعیت فعلی اقتصاد فرهنگ در استان ایلام بپردازد.

۴. ملاحظه‌های نظری

۴-۱. تعریف مفاهیم

حوزه معنایی اقتصاد فرهنگ دربرگیرنده بُعد اقتصادی تولید آثار فرهنگی و هنری است. درواقع اقتصاد فرهنگ با این امر سروکار دارد که آثار فرهنگی نیز می‌بایست در یک فرایند بازارمحور به فروش رسیده و سود و درآمد نسبتاً پایداری نصیب تولیدکنندگانشان سازند. اردکانی و صیادی (۱۳۹۳) حیطه موضوعی اقتصاد فرهنگ را شامل مواردی از جمله؛ ۱- کاربرد اصول، ۲- مفاهیم و نظریه‌های علم اقتصاد، ۳- تبیین و تحلیل مسائل اقتصادی بخش فرهنگ و ۴- ارائه خط‌مشی سیاسی به‌منظور ارتقای مدیریت اقتصادی فعالیت‌های فرهنگی. اقتصاد فرهنگ در نظر آنان برگرفته از راهبرد توسعه اقتصاد فرهنگِ آندرسون است. راهبرد تدوین‌شده در دپارتمان هال^۱ شامل پنج بُعد بر اساس شکل ۱ طبقه‌بندی شده است» (آندرسون، ۲۰۰۵، ر.ک: اردکانی ناظمی و صیادی، ۱۳۹۳، ص. ۲۰۱).

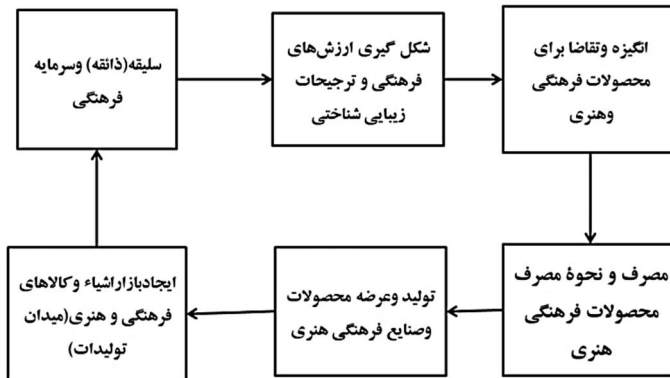




منبع: (اردکانی ناظمی و صیادی، ۱۳۹۳، ص. ۲۰۱)

شکل (۱): مؤلفه‌های توسعه اقتصاد فرهنگ بر اساس مدل آندرسون (۲۰۰۵)

گنجی و حیدریان (۱۳۹۳) با تأکید بر نظریه سرمایه پیر بوردیو^۱ و دیوید تراسبی^۲ به دنبال نقش عوامل تأثیرگذار بر اقتصاد فرهنگ پرداخته و مطابق شکل ۲، یک چرخه پیوند میان سرمایه فرهنگی و اقتصاد فرهنگ ترسیم نموده‌اند.



منبع: (گنجی و حیدریان، ۱۳۹۳، ص. ۹۴)

شکل (۲): چرخه پیوند میان سرمایه فرهنگی و اقتصاد فرهنگ

1. Pierre Bourdieu
2. David Throsby

۲-۴. مبانی نظری

نظریه‌هایی که بر توسعه اقتصاد فرهنگ تمرکز کرده‌اند معمولاً به رویکردهای توسعه‌محور تمایل دارند. رویکردهای توسعه‌محور بیشتر از منظر نظریه‌ها و راهبردهایی همانند: کارآفرینی، شکوفایی و نوآوری، بهبود فضای کسب‌وکارهای نوین، توسعه مشارکتی، توسعه پایدار، توسعه متوازن و نهادگرایی نوین، به ارائه راهبرد برای توسعه فعالیت‌های تولیدی - صنعتی در مناطق درحال توسعه پرداخته‌اند. یکی از این نظریه‌ها نظریه اقتصاد توسعه دایانا هانت^۱ است. برخی نظریه‌ها و سیاست‌گذاری‌هایی که هانت، در چهارچوب مفهومی بالا برای رسیدگی و سامان‌دهی مسائل مبتلا به اقتصاد توسعه در کشورهای درحال توسعه مناسب ارزیابی کرده، به شرح ذیل قابل استناد است:

تأکید بر سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی که در آن ادعا شده است - فقیران نیز به اندازه ثروتمندان می‌توانند رفتار عقلایی اقتصادی داشته باشند و همچنان که فرصت‌ها و مهارت‌های آنان افزایش می‌یابد، بهره‌وری‌شان نیز بیشتر می‌شود. آزادسازی بازارها و حذف اختلال قیمت‌ها به‌طور مستقیم در افزایش بهره‌وری و به‌طور غیرمستقیم در افزایش فرصت‌ها و مهارت‌های فقیران تأثیرگذار است (هانت، ۱۳۸۶، ص. ۳۸۴).

حال اگر مشکل اقتصاد ایران را درحال حاضر، عدم اشتغال و استفاده بهینه از ظرفیت‌های بالقوه آن در بسیاری از زمینه‌ها من جمله - موضوع حاضر، یعنی اقتصاد فرهنگ و هنر در سطح ملی و منطقه‌ای - بدانیم که مشخصه بارز آن سرانه تولید کم در زمینه‌های یادشده می‌باشد، به نظر می‌رسد که راهبردهای نئوکلاسیک و نیازهای اساسی لوپس^۲ (۱۹۸۴) که طبق روایت هانت به آن‌ها اشاره شد، به ما کمک می‌کند تا از طریق اتخاذ راهکارهایی به شرح ذیل بر مشکل ظرفیت‌های مغفول اقتصاد فرهنگ در استان ایلام فائق آییم:

- ۱- کاربست راهبرد نئوکلاسیک در رابطه با تأکید بر سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی، مشتمل بر مواردی همچون: افزایش فرصت‌ها و مهارت‌های شغلی در زمینه‌های اقتصاد فرهنگ و هنر بومی؛
- ۲- آزادسازی بازارها و حذف اختلال قیمت‌ها در حوزه اقتصاد فرهنگ و هنر استان، متعاقب تشکیل و رونق بازار کالاها و تولیدات فرهنگی در استان؛

1. Hunt
2. Lewis

۳- توسعه قابلیت‌های انسانی در زمینه اقتصاد فرهنگ و هنر استان برای تضمین افزایش یکنواخت و پایدار قابلیت‌های مغفول در این زمینه، از طریق دخالت بیشتر دولت در ایجاد دسترسی عادلانه‌تر به وسایل زندگی و ارائه فراگیرتر خدمات اساسی برای نیروهای مستعد در حوزه یاد شده؛

۴- کاربست راهبرد نیازهای اساسی از طریق تمرکز شدید بر بخش‌ها و ظرفیت‌های بومی موجود در زمینه اقتصاد فرهنگ و هنر، تأمین نیازهای اساسی شاغلان در این بخش از طریق تلاش برای افزایش درآمدزایی و تقاضای مصرف تولیدهای آنان؛

۵- گسترش شایستگی‌ها (استحقاق‌ها) و قابلیت‌های موجود و آنچه نیروهای مستعد استان در زمینه فعالیت‌های فرهنگ و هنری قادر به انجام آن هستند.

یکی از مصادیق مهم نقش دولت‌ها در فراهم‌آوردن شرایط مناسب جهت بهبود فضای کسب‌وکار تسهیل در ورود بخش خصوصی و گروه‌های کارآفرین در کسب‌وکارهای نوین است. صاحب‌نظران در این موقف از مفهوم «دولت کارآفرین» نام می‌برند. «ماریانا مازوکاتو»^۱ (۱۳۹۵) معتقد است دولت کارآفرین به روش‌های متعدد کارآفرینی می‌کند؛ دولت پژوهش‌ها را انجام می‌دهد و هزینه تحقیق و توسعه و ریسک آن را تقبل می‌کند، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های اصلی را تأمین مالی می‌کند و تجاری‌سازی فناوری یا محصول می‌کند. دولت ریسک را تقبل می‌کند، هزینه را انجام می‌دهد ولی منافع آن را بخش خصوصی می‌برد. بخش خصوصی که نماینده آن در آمریکا شرکت‌های بزرگ هستند به‌واسطه آن سرمایه‌گذاری اولیه و عظیم دولت شکل گرفتند. به‌طور مشخص، مازوکاتو انبوهی از شواهدی را ذکر می‌کند که نظریه دولت کارآفرین را تقویت می‌کند» (پاداشی، ۱۳۹۷). حال چنانچه بخواهیم بر اساس ایده دولت کارآفرین آن‌چنان که حمید پاداشی (۱۳۹۷) در وصف این دولت گفته برای توسعه و تقویت اقتصاد فرهنگ و هنر در استان ایلام به ارائه راهبرد بپردازیم، راهکارها عبارت‌اند از:

۱- ایجاد هزینه و نهادهایی از طرف دولت، شرکت‌ها بتوانند برای کشور خود سرمایه ایجاد کنند؛

۲- کمک به ظهور و توسعه شرکت‌ها از طریق: تسریع برآیند توسعه و تجاری‌سازی؛ ایجاد فرصت‌های جدید فناوری و ایجاد شبکه غیرمتمرکزی از بازیگران؛

۳- کمک به شکل‌گیری بازار و ایجاد نهادهای بازار؛



۴- کمک به شکل‌گیری و شکل‌دهی به یک محیط کارآفرینی جهت پیدایش و تقویت رفتارهای کارآفرینانه؛

۵- دخالت موفق دولت در راه‌اندازی و پشتیبانی از شرکت دانش‌بنیانی که سهام آن توانایی عرضه شدن را داشته باشند (نقل به مضمون از یادداشت پاداشی، ۱۳۹۷). در مکتب توسعه پایدار که می‌توان آن را مفهومی برای نقد فرایندهای توسعه مخرب پیشین و درعین حال اصولی برای سنجیدن میزان فاصله روال‌های جاری با مطلوب‌ها (فاضلی، ۱۳۸۹، ص. ۳۲) قلمداد کرد، فرض بر این است که اقدام‌های توسعه‌ای اعم از سیاست‌های کلان، برنامه‌ها و طرح‌های توسعه‌ای که از جانب کارگزاران توسعه طراحی و اجرا می‌شوند، هنگامی مؤثر و کارآمدتر هستند که از پایداری اقتصادی، زیست‌محیطی، انسانی، اجتماعی، سیاسی - امنیتی، منافع محلی، فرابخشی و جلب و تداوم مشارکت مردم و ویژگی‌های مترتب بر هر یک از آنها برخوردار باشند (فاضلی، ۱۳۸۹، صص. ۳۲-۳۹) که در همین موقف و در موضعی قابل تلفیق با توسعه پایدار، رویکرد توسعه مشارکتی را داریم. رویکردهای مشارکتی بر اقناع طرفین دخیل در فرایندهای توسعه‌ای تأکید دارند (فاضلی، ۱۳۸۹، ص. ۱۱۶). طبق این گفتمان، دولت زمانی می‌تواند وظایف اصلی خود را در زمینه اصلاح موانع توسعه، اصلاحات نهادی و... به‌درستی انجام دهد که از حکمرانی خوب و ویژگی‌های آن شامل جلب مشارکت مردمی، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری برخوردار باشد (عنبری، ۱۳۹۰، ص. ۳۰۳). نوابخش و ارجمند سیاه‌پوش نیز با برشمردن نوعی صورت‌بندی از الزام‌های توسعه پایدار، من جمله تأکید بر مؤلفه‌های آموزش، علم، مشارکت و حکمرانی خوب این سنخ از توسعه را الگوی مناسب‌تری برای پیشبرد تحولات توسعه‌ای معرفی می‌کنند (فاضلی، ۱۳۸۹، ص. ۳۱). مرور مطالعات پیشین بیانگر آن است که موضوع توسعه و تقویت اقتصاد فرهنگ، در کل از دو منظر مورد توجه قرار گرفته است.

اول. دیدگاه‌های مبتنی بر رویکرد نظری اقتصاد فرهنگ: مطالعات و نظریه‌های برگرفته از این دیدگاه، به فرهنگ و هنر به‌مثابه صنایع خلاق فرهنگی قابل عرضه در بازار و یک منبع بالقوه پویایی در سطح محلی، ملی و بین‌المللی مصرف نگاه می‌کنند. این دیدگاه که بیشتر از سوی اقتصاددانان با گرایش مطالعاتی اقتصاد فرهنگ - با محوریت نظریه اقتصاد فرهنگ دیوید تراسبی - مطرح شده است، بهترین راهبرد برای توسعه و تقویت فعالیت‌های فرهنگی هنری، راهبرد تبدیل سرمایه فرهنگی و هنری به سرمایه اقتصادی و یا توانمند

ساختن اقتصادی تولیدات فرهنگی به منظور تولید محصول، اشتغال، درآمد و پاسخ به نیازهای مصرف‌کننده - با این فرض که فعالیت هنری نقش مهمی در اقتصاد دارد - می‌دانند. عمده راهکارهایی که طبق این دیدگاه برای شکل‌دادن به چرخه اقتصادی تولیدات فرهنگی و توسعه و تقویت اقتصاد فرهنگ راهگشا هستند، عبارت‌اند از: شناخت جایگاه کالاهای فرهنگی در سبد و هزینه مصرفی خانوار، شناخت جایگاه فرهنگ در اشتغال‌زایی و جذب سرمایه بخش خصوصی، تولید آثار و خدمات فرهنگی که با نیاز مخاطبان متناسب باشد، شناسایی عرضه‌کنندگان آثار فرهنگی - هنری، تدوین سیاست‌های کارآمد، گفتمان‌سازی، بهبود فضای کسب‌وکارهای فرهنگی، مداخله قاعده‌مند دولت و واگذاری به بخش خصوصی، قاعده‌مندشدن حمایت‌های کارشناسی‌شده، ایجاد پایگاه داده‌های دقیق؛ ایجاد نهاد متولی و به‌کارگیری مدیران کارآمد؛ شریان‌سازی سالم اقتصادی و شکل‌گیری بازار، بهره‌گیری از ظرفیت‌های متنوع داخلی، برندسازی شبکه‌ای، شبکه‌سازی سالم تولید و توزیع، راه‌اندازی کسب‌وکارهای کوچک، نظارت کارآمد، فراهم‌آوردن زیرساخت، ایجاد شهرهای خلاق، تقویت جاذبه‌های فرهنگی، اهرم فرهنگی، تقویت کارآفرینی فرهنگی، تقویت سرمایه انسانی، تقویت مشارکت فرهنگی، تقویت منابع فرهنگی، تقویت فعالیت‌های فرهنگی و... (مسعودی‌نیا؛ رشیدپور و ابراهیم‌زاده، ۱۳۹۷).

دوم. دیدگاه‌های توسعه‌محور: بر اساس نظریه‌های برگرفته از این دیدگاه‌ها، فعالیت‌های فرهنگی و هنری را می‌توان به‌مثابه ظرفیت‌های قابل‌گسترش و سرمایه‌گذاری تلقی کرد، که نقش حائز اهمیتی را در توسعه اقتصادی کشورها در سطوح مختلف ایفا می‌نمایند. اهم راهکارهای برگرفته از مطالعات منطبق بر این دیدگاه، که می‌توان از آنها به نفع توسعه و تقویت اقتصاد فرهنگ بهره گرفت، به شرح ذیل قابل احصاء است:

- ۱- تقویت کارآفرینی مردمی و خودانگیختگی جامعه برای تولید فرهنگی؛
- ۲- تقویت تولید و فعال‌سازی ظرفیت‌های مردمی در حوزه فرهنگ؛
- ۳- برجسته‌کردن نقش دولت در تسهیل‌گری و هموارسازی مسیر کسب‌وکارهای نو و نظارت بر فعالیت آنها؛
- ۴- تغییر رویکرد هزینه‌ای به رویکرد درآمدی به عرصه فرهنگ و...؛
- ۵- اتخاذ راهبرد توسعه فرهنگی بر پایه کارآفرینی و رونق اقتصاد فرهنگ و هنر؛
- ۶- شناسایی مسائل بومی هر استان برای دستیابی به توسعه فرهنگی پایدار؛

- ۷- ترسیم فرایند گام به گام توسعه فرهنگی با توجه به زمینه اجتماعی؛
 - ۸- شناسایی ظرفیت‌های قابل سرمایه‌گذاری برای تسهیل روند توسعه فرهنگی درون‌زا؛
 - ۹- اولویت‌سنجی در تأکید بر بهبود شاخص‌های توسعه فرهنگی، متناسب با ظرفیت‌های بومی؛
 - ۱۰- تأمین زیرساخت‌های رسانه‌ای جدید، برای بهبود روند توسعه کمی و کیفی فرهنگی؛
 - ۱۱- شناسایی خدمات دولتی لازم برای آموزش و توانمندسازی منابع انسانی و متولیان محلی فرهنگ؛
 - ۱۲- فعال‌سازی ظرفیت‌های مردمی برای تولید و گسترش کسب‌وکارهای فرهنگی مبتنی بر رویکردهای مشارکتی؛
 - ۱۳- شناسایی مفاخر و کاربلدهای محلی در هر یک از زمینه‌های هفت‌گانه شناسایی شده و زمینه‌های فرعی ذیل هر یک از آنها؛
 - ۱۴- شناسایی مسائل و مشکلاتی که این قبیل افراد برای توسعه کسب‌وکارهای خود و روزآمد کردن آن در حال حاضر با آنها مواجه هستند و ارائه راه‌حل‌ها؛
 - ۱۵- آموزش و توانمندسازی نیروهای علاقه‌مند به ورود به صحنه کسب‌وکارهای نوین فرهنگی و تسهیل زمینه فعالیت و مهارت‌افزایی برای آنها؛
 - ۱۶- برگزاری نشست‌های تخصصی با مشارکت و هم‌اندیشی متولیان محلی فرهنگ، فعالان فرهنگی، سرمایه‌گذاران محلی، صاحب‌نظران دانشگاهی و مقامات دستگاه‌های اجرایی استان...؛
 - ۱۷- ایفای نقش‌های چهارگانه دولت در پیشبرد تحولات توسعه‌ای مشتمل بر:
 - نقش تولی‌گری که دولت قوانین و مقررات را تعیین می‌کند.
 - نقش تصدی‌گری؛ یک جاهایی است که دولت می‌آید و انجام بعضی کارها را برعهده می‌گیرد.
 - نقش قابلیت‌گری؛ از لابه‌لای طرح‌های مشترکی که دولت با همکاری بخش خصوصی اجرا می‌کند، بنگاه‌ها و نهادهایی شکل می‌گیرند که هم روی پای خودشان می‌ایستند،
 - نقش پرورش‌گری؛ این است که، دولت بیاید همان شرکت‌ها را در مسیری هدایت کند که بتوانند در فضای اقتصاد جهانی رقابت کنند (ر.ک: عنبری، ۱۳۹۰؛ فاضلی، ۱۳۸۹).
- در مطالعه حاضر، باتوجه به اینکه هدف اصلی پژوهشگران - توصیف وضعیت

موجود، شناسایی ظرفیت‌ها - موانع و راهکارهای بهبود وضعیت اقتصاد فرهنگ با نگاه توسعه‌محور بوده است، علی‌رغم استفاده از هر دو دیدگاه ذکر شده - بیشتر به رویکرد دیدگاه توسعه‌محور متمایل بوده است. اصولاً نقش اقتصاد فرهنگ در توسعه و به‌ویژه توسعه پایدار - محرک اصلی پژوهشگران بوده و بنابراین مطابق دیدگاه توسعه‌محور؛ بر ابعادی چون سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی، به‌کارگیری نخبگان و فعالان فرهنگی، آموزش، بازاریابی، توسعه زیرساخت‌ها و... بها داده شده است.

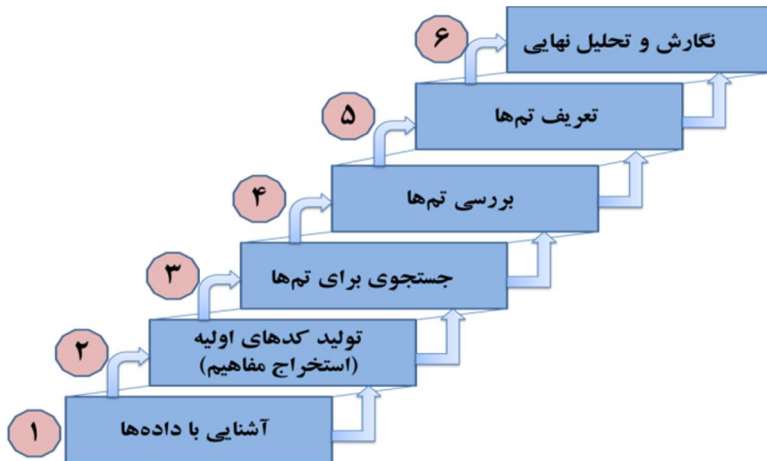
۵. روش پژوهش

پژوهش حاضر یک مطالعه کیفی است که به روش تحلیل مضمون انجام گرفته است. جمعیت مورد مطالعه شامل مسئولان اجرایی و کارشناسان دستگاه‌های فرهنگی مرتبط، فرهیختگان، صاحب‌نظران و اهالی فرهنگ و هنر ساکن استان ایلام در سال ۱۳۹۹ می‌باشد. افراد واجد شرایط بر اساس روش نمونه‌گیری غیراحتمالی تعیین شدند. یکی از روش‌های مورد استفاده در این نوع نمونه‌گیری، انتخاب هدفمند یا قضاوتی است یعنی اینکه باید دنبال افرادی بگردیم که با موضوع مسئله آشنایی دارند. ملاک تعیین حجم نمونه نیز اشباع نظری در پاسخگویی به پرسش‌های پژوهش بوده است که با ۳۰ نمونه اشباع حاصل شد؛ اما جهت اطمینان از تمام شمولی داده‌ها مصاحبه‌ها تا ۳۵ نفر ادامه یافت. به‌منظور استخراج نظرها و دیدگاه‌های جمعیت مورد مطالعه، فرم مصاحبه پژوهش، حاوی مجموعه‌ای از سؤال‌های باز در قالب مصاحبه نیمه‌ساختار یافته (مجموعه مشخص و هدفمند از سؤال‌های با قابلیت کم و زیاد کردن سؤال‌ها ضمن انجام مصاحبه‌ها - در صورت نیاز) در مورد مسائل موردنظر تهیه و برای تمام اطلاع‌رسان‌های موردنظر ارسال شد تا بتوان به حداکثر اطلاعات موجود درباره موضوع مورد پژوهش نائل آمد.

در راستای کیفیت‌بخشی به نقطه‌نظرات دریافتی از پاسخگویان راجع به ابعاد کیفی‌تر مسئله مورد بررسی در مواردی مثل شناسایی مصادیق ظرفیت‌های فرهنگی، هنری بومی - محلی و ارائه راهبرد و تعیین سیاست‌ها و غیره، مصاحبه حضوری با پاسخگویان (که از آن به‌عنوان مصاحبه قوم‌نگاری (اتنوگرافیک) نیز یادشده) و در صورت نیاز اجرای میزگرد و طوفان مغزی (گروه‌های کانونی)، نیز به‌عنوان روش‌های مکمل ارسال مصاحبه از طریق پست الکترونیک استفاده شده است.

برای تحلیل داده‌ها از روش شش مرحله‌ای براون و کلارک^۱ (۲۰۰۶) تعدیل‌شده

توسط قاسمی؛ سپیدنامه و هاشمی، ۱۳۹۸ استفاده شده است. براون و کلارک راهنمای شش مرحله‌ای ارائه داده‌اند که چارچوبی بسیار مفید برای انجام این نوع تحلیل است.



منبع: (قاسمی و هاشمی، ۱۳۹۸)

شکل (۳): چهارچوب شش مرحله‌ای براون و کلارک برای انجام تحلیل مضمون

در این شش مرحله مراحل کار به این صورت انجام گرفته است:

- ۱- آشنایی با داده‌ها: آشنایی با داده‌ها از طریق مطالعه و نگارش عبارات معنایی به دست آمده از مصاحبه‌ها؛
- ۲- تولید کدهای اولیه: استخراج مفاهیم اولیه از عبارات معنایی بیان شده توسط مصاحبه‌شوندگان؛
- ۳- جستجوی موضوع‌های اصلی: کنکاش برای یافتن موضوع‌هایی (فرعی) که یک یا دسته‌ای از مفاهیم استخراجی را دربرگیرد و سپس یافتن موضوع‌های اصلی که یک یا چند موضوع فرعی را پوشش دهد؛
- ۴- بررسی موضوع‌های اصلی: بررسی اینکه آیا موضوع‌های فرعی ایجاد شده به خوبی مفاهیم تحت شمول خود را پوشش می‌دهند یا خیر و اینکه آیا موضوع‌های اصلی مناسب قیومیت موضوع‌های فرعی تحت شمول خود هستند یا خیر؛
- ۵- تعریف موضوع‌های اصلی: تعریف هر کدام از موضوع‌ها (معمولاً موضوع‌های اصلی) با توجه به تعاریف احتمالی نظریه‌پردازان و نیز براساس یافته‌های محقق؛
- ۶- نگارش و تحلیل نهایی: نگارش گزارش نهایی حاصل از تحلیل مضمون و ارائه یافته‌ها (کلارک و براون، ۲۰۱۳، به نقل از: هاشمی، ۱۳۹۸، ص. ۶۶).

در این مطالعه تماتیک بعد از انجام مصاحبه‌ها بر اساس اهداف و پرسش‌های پژوهش، مرتب‌سازی آنها آغاز شده و پس از آن مفاهیم و موضوع‌های اصلی عمده مطابق آنچه در بالا ذکر شد، استخراج شده و مورد تفسیر و نتیجه‌گیری قرار گرفته است.

۶. یافته‌ها

یافته‌های پژوهش در قالب چهار بخش ارائه شده است:

- ۱- شناخت ظرفیت‌های موجود؛
- ۲- وضعیت فعلی استان از نظر چشم‌اندازهای اقتصاد فرهنگ؛
- ۳- مهم‌ترین موانع و محدودیت‌های موجود؛
- ۴- راهکارهای بهبود وضعیت.

۱-۶. شناخت ظرفیت‌های موجود

جدول (۲): ظرفیت‌های موجود قابل سرمایه‌گذاری برای ورود به بازار اقتصاد فرهنگ

تم اصلی	تم فرعی	مفهوم
وجود نیروی انسانی علاقه‌مند کافی و ماهر	هنرمندان مجرب و خیره	وجود هنرمندان توانمند و هنرهای خوب در استان وجود هنرمندان خیره و توانمند در استان
	تعدد هنرمندان و صنعتکاران	داشتن هنر و هنرمندان متنوع و ماهر وجود هنرمندان و هنرآفرینان زیاد در سطح استان
	گرایش و علاقه جوانان	گرایش جوانان به توسعه کسب‌وکار
	پیشینه میراث فرهنگی	پیشینه غنی فرهنگی در حوزه‌های پوشش و هنر وجود میراث فرهنگی و سنتی
پیشینه فرهنگی و میراث	پیشینه فرهنگ و صنایع غنی	پیشینه غنی صنایع دستی در استان وجود فرهنگ غنی و کهن در استان
	سبک زندگی سنتی	سبک زندگی سنتی به‌مثابه یک ظرفیت بالقوه
	وجود مکان‌های طبیعی و توریستی	طبیعت زیبای هنرپرور
وجود مکان‌های توریستی		وجود مکان‌های توریستی به‌عنوان فضایی برای ایجاد فروش آثار هنری و فرهنگی
حوزه ادبیات	ظرفیت در شعر و	ظرفیت در شعر و داستان‌نویسی



تم اصلی	تم فرعی	مفهوم	
	داستان	ظرفیت در ترانه‌سرایی	
	ادبیات شفاهی	چهل‌سرو، تمثیل و ضرب‌المثل‌ها	
صنایع دستی	صنایع بافتنی	تابلوفرش	
		حصیربافی	
		جاجیم‌بافی، چیت‌بافی، سیاه‌چادر	
		گلیم‌بافی، گلیم نقش برجسته	
	صنایع غیربافتنی	آهنگری، معرق‌کاری و منبت‌کاری	
		سفالگری	
صنایع دستی	ابزارآلات اسب‌سواری	افسار، یراق، زین، لگام	
		گردله اسب	
	البسه و پوشاک	طراحی متنوع پوشش محلی	
		عبابافی	
		چرم‌دوزی، گیوه‌بافی	
		طراحی پوشاک و برندسازی از طرح‌های سنتی	
	ظروف و لوازم خانگی	قندان	
		غریال و ویزن	
		ظروف خانگی چوبی	
		ظروف خانگی فلزی	
	هنرهای تجسمی	هنرهای سنتی	خوشنویسی
			نقاشی
هنرهای نمایشی		عکاسی	
		ساخت سریال، مستندسازی، فیلم‌های سینمایی	
هنرهای دیجیتال		تئاتر و نمایش	
		پویانمایی‌سازی گرافیک، نقاشی دیجیتال	
آداب و رسوم	آداب و سنن	مراسم و آیین‌های محلی مانند چل‌سرو	
		بازی‌های محلی مانند قپان، دارپلان	
		طبخ و آموزش غذای محلی مانند شله‌کینه و ماساو	
		پخت شیرینی بژی برساق، نان خرما	
موسیقی	قطعات موسیقی	ساخت و اجرای موسیقی محلی	
		هنرهای آوایی، هوره و مویه	

تم اصلی	تم فرعی	مفهوم
		لالایی و نواهای کودکانه
	ابزارآلات موسیقی	ساخت سازها و ابزارآلات موسیقی
کیفیت نیروی انسانی متخصص	وجود نیروی انسانی مجرب	وجود اساتید هنرهای دستی و هنری به‌مثابه رونق‌بخش هنرها و صنایع
		وجود هنرمندان و کارآفرینان مشهور و مجرب
	خلاقیت هنرمندان	داشتن هنرمندان مستعد و خلاق
	ذوق هنری بالای جوانان	ذوق هنری بالای جوانان امروزی
	عدم نیاز به سواد	عدم نیاز صنایع دستی به سواد و مدرک تحصیلی
	محرومیت اقتصادی هنرمندان	محرومیت اقتصادی هنرمندان شایسته
کم‌وکیف تولید	وجود مواد اولیه	وجود مواد اولیه کافی برای صنایع و هنرها
	کیفیت آثار تولیدشده	کسب جوایز ملی توسط نویسندگان و هنرمندان ایلامی
زمینه و پیشینه استان	بافت فرهنگی و سنتی استان	منشأ فرهنگی و بومی فعالیت‌های هنری و فرهنگی
		کاربرد صنایع دستی در بافت ایلپاتی استان
		وجود بستر فرهنگی لازم
	پیشینه تاریخی و تمدنی غنی استان	پیشینه طولانی و غنی فرهنگی و هنری استان
		پیشینه تاریخی چندهزار ساله
سبک زندگی مصرفی	اقتضای سبک زندگی مردم	اقتضای سبک زندگی مردم
سبک زندگی مصرفی	گرایش به مصرف در مردم	گرایش به مصرف در طبقات متوسط و بالا
	تنوع نیازهای انسان	تنوع نیازهای انسان و نیاز به آثار هنری و فرهنگی
	علاقه مردم به آثار فرهنگی و صنعتی	علاقه مردم استان به آثار فرهنگی و هنری و صنایع دستی
	تقاضا در بازار	وجود تقاضا در جامعه
ظرفیت اقتصادی	ظرفیت اقتصادی	ظرفیت قابل مشاهده برای خرید کالاهای هنری و فرهنگی
		ظرفیت صادراتی آثار هنری و دستی



مطابق جدول ۲، مهم‌ترین این زمینه‌ها عبارت‌اند از: وجود نیروی انسانی علاقه‌مند کافی و ماهر (مشمتمل بر: وجود هنرمندان مجرب و خیره، تعدد هنرمندان و صنعتکاران، گرایش و علاقه جوانان)، پیشینه فرهنگی و میراث (مشمتمل بر: پیشینه میراث فرهنگی، پیشینه فرهنگ و صنایع غنی، سبک زندگی سنتی)، و وجود مکان‌های طبیعی و توریستی (مشمتمل بر: طبیعت زیبای هنرپرور و وجود مکان‌های توریستی). وجود این زمینه‌ها و بسترها خود نشانگر این امر است که در چنین زمینه‌ای غنی و مستعد آثار فرهنگی و هنری خوبی می‌تواند آفریده شود. سایر حوزه‌های دارای ظرفیت عبارت‌اند از: حوزه ادبیات؛ مشتمل بر شعر، داستان و ادبیات شفاهی. حوزه صنایع دستی؛ مشتمل بر صنایع بافتنی مانند جاجیم‌بافی، تابلوفرش، حصیربافی، گلیم نقش‌برجسته و... صنایع غیربافتنی مانند آهنگری، منبت‌کاری، سفالگری و معرق‌کاری، ابزارآلات اسب‌سواری مانند یراق، افسار، زین و لگام، البسه و پوشاک سنتی، و ظروف و لوازم خانگی است. حوزه هنرهای تجسمی؛ مشتمل بر هنرهای سنتی، هنرهای نمایشی و هنرهای دیجیتال است. حوزه آداب و رسوم؛ مشتمل بر آداب و مناسک و طبخ خوراکی‌هاست. حوزه موسیقی؛ مشتمل بر قطعات و مقام‌های موسیقی و ساخت سازها و ابزارآلات موسیقی است. کیفیت نیروی انسانی متخصص؛ مشتمل بر وجود نیروی انسانی مجرب، خلاقیت هنرمندان، ذوق هنری جوانان، عدم نیاز این حوزه به سواد تخصصی و محرومیت اقتصادی هنرمندان. کم‌وکیف تولید؛ مشتمل بر وجود مواد اولیه و کیفیت آثار تولیدشده. زمینه و پیشینه استان؛ مشتمل بر بافت فرهنگی سنتی استان و پیشینه تاریخی و تمدنی غنی. سبک زندگی مصرفی مردم؛ مشتمل بر اقتضای سبک زندگی مردم، گرایش به مصرف در مردم، تنوع نیازهای انسان، علاقه مردم به آثار فرهنگی و صنعتی و تقاضا در بازار. دلایل اقتصادی؛ مشتمل بر ظرفیت صادرات و فقدان سرمایه‌گذاری در استان. با توجه به این ظرفیت‌ها، می‌توان مدعی بود که استان ایلام ظرفیت سرمایه‌گذاری برای راه‌اندازی بازار فروش را دارا می‌باشد.

۶-۲. وضعیت فعلی استان از نظر چشم‌اندازهای اقتصاد فرهنگ

جدول (۳): وضعیت فعلی استان از نظر چشم‌اندازهای اقتصاد فرهنگ

تم اصلی	تم فرعی	مفهوم
عملکرد سازمان‌های مرتبط	عدم حمایت دولت	عدم حمایت از تولیدات فرهنگی در استان
		تولید محدود هنرمندان استان و عدم حمایت‌های لازم توسط سازمان‌ها
	بی‌توجهی دولت به کیفیت و کمیت آثار به‌دلیل بی‌توجهی دولت به کیفیت و کمیت	
	عدم توجه به زمینه‌های دارای ظرفیت	
	عدم توجه به حوزه هنر و فرهنگ	
وضعیت هنرمندان	اوضاع نامناسب هنرمندان	سهم پایین هنرمندان استان از بازار هنر
		وضعیت درآمدی نامناسب هنرمندان
		اوضاع نامناسب و اسفناک هنر و هنرمند
		بیکاری گسترده هنرمندان استان
	واگرایی هنرمندان در خلق اثر	واگرایی هنرمندان در خلق اثر
	فقدان انگیزه و خلاقیت	نبود انگیزه به‌دلیل رکود اقتصادی
		فقدان خلاقیت هنرمندان
	عدم بروز استعدادها و توانایی‌ها	عدم بروز استعدادها و توانایی‌های هنرمندان
	جایگاه نامناسب هنرمندان	جایگاه نامناسب هنرمندان در جامعه
وابستگی هنرمندان به دولت	وابستگی هنرمندان به دولت	
وضعیت آثار تولیدی	تولید آثار فاقد اصالت	تولید صنایع و آثار هنری و دستی فاقد اصالت و روح توسط غیربومی‌ها
		عدم بهبود کیفی آثار
	ضعف کیفی آثار	وضعیت متغییر و ضعیف و تولید آثار تقلیدی
تولید آثار تقلیدی	عدم فروش تلبار شدن آثار تولیدی	
وضعیت بازار آثار	ضعف در چرخه تولید - توزیع - فروش	وضعیت ضعیف هنر و تولید و فروش آثار هنری در استان
	بازار نابسامان و سنتی	وضعیت نابسامان در نتیجه اتکا به روش‌های سنتی
	تسلط سوداگران بر بازار	تسلط سوداگران بر بازار فرهنگ و هنر

تم اصلی	تم فرعی	مفهوم
	عدم خرید آثار توسط مردم	وضعیت اقتصادی بد مردم و عدم خرید آثار
ساختار فرهنگی و هنری	خلأ و گسست در ساختار فرهنگی	گسست‌ها و سرگیجه‌ها در حیطه فرهنگ کاستی‌ها و خلأهای زیاد در ساختارهای فرهنگی و هنری
	عدم استقبال از آثار فرهنگی و هنری	عدم استقبال جوانان از آثار هنری و فرهنگی
	مهاجرت هنرمندان قابل از استان	مهاجرت هنرمندان توانمند به خارج از استان
	رواج موفقیت‌های فردی	موفقیت‌های فردی هنرمندان در فعالیت‌های فرهنگی و هنری

در ارزیابی وضعیت فعلی در استفاده از ظرفیت‌های موجود فرهنگی و هنری استان ایلام طبق اظهار نظر فعالان فرهنگی و هنرمندان استان ظرفیت سرمایه‌گذاری و ورود به عرصه اقتصاد فرهنگ را دارا هستند. این ارزیابی در پنج عرصه:

۱- عملکرد سازمان‌های مرتبط با فرهنگ و هنر؛ مشتمل بر عدم حمایت دولت، بی‌توجهی دولت به کیفیت و کمیت آثار، عدم توجه به ظرفیت‌ها، حمایت محدود از هنرمندان و عدم توجه کافی به فرهنگ و هنر؛

۲- وضعیت فعلی هنرمندان استان به‌طور کلی؛ مشتمل بر اوضاع نامناسب هنرمندان، واگرایی در خلق اثر، فقدان انگیزه و خلاقیت، عدم بروز استعدادها و توانایی‌ها، جایگاه نامناسب هنرمندان، وابستگی هنرمندان به دولت؛

۳- وضعیت آثار تولیدی؛ مشتمل بر ضعف کیفی آثار، تولید آثار فاقد اصالت، تلبارشدن آثار تولیدی؛

۴- وضعیت بازار آثار؛ مشتمل بر ضعف در چرخه تولید - توزیع - فروش، بازار نابسامان و سنتی، تسلط سوداگران بر بازار، و عدم خرید آثار توسط مردم؛

۵- وضعیت ساختار فرهنگی و هنری جامعه؛ مشتمل بر خلأ و گسست در ساختار فرهنگی، عدم استقبال کافی از آثار فرهنگی و هنری، مهاجرت هنرمندان قابل از استان و رواج موفقیت‌های فردی.

این موارد تصویری کلی از وضعیت فعلی حوزه فرهنگ و هنر در استان ایلام بود که نیازمند تغییر و تحولات اساسی است تا بتواند از پوسته کسادت خارج گشته و به رونق بیفتد.

۳-۶. موانع و محدودیت‌های موجود

جدول (۴): موانع و محدودیت‌های موجود

تم اصلی	تم فرعی	مفهوم
موانع اقتصادی	کمبود امکانات و تجهیزات	نبود امکانات و کارگاه‌های مجهز و معتبر
	فقدان حمایت مالی دولتی و اسپانسرینگ	عدم حمایت مالی دولتی و غیردولتی
		نبود سرمایه‌گذار و حامی مالی
	رکود اقتصادی جامعه	رکود اقتصادی جامعه و سطح درآمد پایین مردم
		قیمت بالای مواد اولیه
	ضعف مالی هنرمندان	عدم بیمه هنرمندان
دستمزدهای ناچیز و ضعف مالی هنرمندان		
موانع سازمانی و مدیریتی	دولتی بودن مراکز هنری و انجمن‌ها	دولتی بودن مراکز هنری و انجمن‌ها
	فقدان شایسته‌سالاری	فقدان شایسته‌سالاری در انتخاب مدیران فرهنگی
		نفوذ هنرمند - نماها و میدان‌داری افراد غیرشایسته
	ضعف برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری	عدم برنامه‌ریزی نهادها
		عدم سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی صحیح
	عدم حمایت از نیروهای فعال	عدم حمایت از نیروهای مشتاق و فعال
	عدم حمایت از استعدادها	عدم استقبال و حمایت نهادهای مرتبط از استعدادها
		ضعف مدیریت اقتصادی جامعه
	ضعف مدیریتی	ضعف مدیریتی در حوزه فرهنگ و هنر
		متولیان کم‌سواد و غیرمتخصص
ناآشنایی مدیران با ظرفیت‌ها و شاخص‌ها	نبودن متولی مشخص در استان در این حوزه	
	ضعف انجمن‌ها	عدم تعریف ظرفیت‌ها و توانمندی‌ها توسط نهادها
بی‌توجهی مسئولان به شاخصه‌های هنری و شخصیت‌های فرهنگی		
موانع ساختاری اجتماعی	ضعف انجمن‌ها	فقدان اعتبار انجمن‌های فرهنگی و هنری استان
		ناهماهنگی و عدم انسجام انجمن‌ها
	ضعف زیرساخت‌ها	نبود زیرساخت‌های لازم در استان
		نبود مکان مناسب مانند فرهنگسرا



پژوهشگاه مطالعات راهبردی



تم اصلی	تم فرعی	مفهوم	
	ضعف در چرخه تولید - توزیع - مصرف استان	در اولویت نبودن توسعه فرهنگی در استان	
		نبود صنایع تبدیلی در استان	
		عدم توازن چرخه تولید - توزیع - مصرف	
	محرومیت منطقه‌ای	محرومیت منطقه‌ای	محروریت منطقه‌ای
		محرومیت منطقه‌ای	کمبود مواد اولیه، نبود بازار فروش
		محرومیت منطقه‌ای	مهاجرت هنرمندان توانمند و فاخر به خارج از استان
موانع ساختاری فرهنگی	سرمایه فرهنگی ضعیف جامعه	عدم آشنایی با بازار در زمینه فرهنگ و هنر	
		ناآشنایی جوانان با تاریخ و فرهنگ بومی	
		بیگانگی نسل جدید با صنایع بومی و سنتی	
	سبک زندگی و ذائقه مردم	رواج هنر غیراصیل در جامعه	
		لوکس‌پسندی مردم استان و عدم علاقه به آثار هنری	
		نبود کالاهای فرهنگی در سبد خرید مردم	
مسائل مذهبی	تضاد برخی صنایع هنری مانند موسیقی و رقص با برداشت رسمی از مذهب		
موانع تبلیغاتی و بازاریابی	معرفی نامناسب آثار	معرفی نادرست و کم محصولات به مردم	
		عدم معرفی آثار فرهنگی - هنری استان به سایر استان‌ها	
	عدم حمایت رسانه‌های استان	بی‌توجهی رسانه‌های استانی	
		تبلیغات و بازاریابی نامناسب	
روش‌های نامناسب تبلیغات و بازاریابی	روش‌های نامناسب تبلیغات و توزیع		
	فقدان تشکیلات بازاریابی و فروش		
ضعف‌های هنرمندان	ضعف خلاقیت، پشتکار و خودباوری	ضعف خلاقیت و به‌روز نبودن هنرمندان	
		عدم خودباوری هنرمندان	
		نبود پشتکار در هنرمندان و فعالان فرهنگی	
	ضعف مالی و فقدان انگیزه	فقدان انگیزه	
		ضعف مالی هنرمندان و فعالان فرهنگی	
	ضعف در آموزش	فقدان آموزش‌های لازم و به‌روز	
	گمنامی هنرمندان	گمنامی و عدم شناخت هنرمندان	
دغدغه‌مند نبودن هنرمندان	دغدغه‌مند نبودن هنرمندان استان		

مطابق جدول ۴، مهم‌ترین موانع و محدودیت‌های موجود در استفاده از ظرفیت‌های ذکر شده عبارت‌اند از:

- موانع اقتصادی؛ مشتمل بر: ۱- کمبود امکانات و تجهیزات، ۲- فقدان حمایت مالی دولتی و اسپانسرینگ، ۳- رکود اقتصادی جامعه، ۴- ضعف مالی هنرمندان.
- موانع سازمانی و مدیریتی؛ مشتمل بر: ۱- دولتی بودن مراکز هنری، ۲- فقدان شایسته‌سالاری، ۳- ضعف برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری، ۴- عدم حمایت از نیروهای فعال، ۵- عدم حمایت از استعدادها، ۶- ضعف مدیریتی، ۷- متولیان کم‌سواد و غیرمتخصص، ۸- ناآشنایی مدیران با ظرفیت‌ها و شاخص‌ها.
- موانع ساختار اجتماعی؛ مشتمل بر: ۱- ضعف انجمن‌ها، ۲- ضعف زیرساخت‌ها، ۳- ضعف در چرخه تولید - توزیع - مصرف استان، ۴- محرومیت منطقه‌ای.
- موانع ساختار فرهنگی؛ مشتمل بر: ۱- سرمایه فرهنگی ضعیف جامعه، ۲- سبک زندگی و ذائقه مردم، ۳- مسائل مذهبی و به‌طور خاص تعارض‌های هنرهای مانند موسیقی و رقص با قرائت رسمی از مذهب.
- موانع بازاریابی و تبلیغات؛ مشتمل بر: ۱- معرفی نامناسب آثار، ۲- عدم حمایت رسانه‌های استان، ۳- روش‌های نامناسب تبلیغات و بازاریابی.
- ضعف‌های قابل مشاهده در هنرمندان؛ مشتمل بر: ۱- ضعف خلاقیت، پشتکار و خودباوری، ۲- ضعف مالی و فقدان انگیزه، ۳- ضعف در آموزش، ۴- گمنامی هنرمندان، ۵- دغدغه‌مند نبودن هنرمندان.

۳-۶. راهکارهای بهبود وضعیت

مهم‌ترین راهکارهایی که در این حوزه‌ها قابل ارائه و پیشنهاد بوده عبارت‌اند از:

- ۱- مدیریت و سیاست‌گذاری، ۲- زمینه‌سازی و بسترسازی، ۳- پشتیبانی مالی، ۴- تبلیغات و بازاریابی، ۵- راهکارهایی درباره هنرمندان، و ۶- اقدام‌های عملی برای فروش آثار. در حوزه مدیریت و سیاست‌گذاری نیاز است تا مدیران و سیاست‌گذاران این اقدام‌ها را انجام دهند: جذب فعالان و هنرمندان در بدنه مدیریتی، شناسنامه‌کردن آثار، درج فعالیت‌های فرهنگی و هنری در اولویت‌ها، ورود رسانه، دولت و دانشگاه، حمایت معنوی و حق نشر، شناساندن فرهنگ، هنر و هنرمندان بومی، پشتیبانی و توسعه توسط میراث فرهنگی، آسیب‌شناسی حوزه فرهنگ و هنر، خصوصی شدن مراکز فرهنگی و هنری. در حوزه زمینه‌سازی و بسترسازی نیاز است



تا این اقدام‌ها صورت گیرد: فراهم کردن بستر فرهنگی، فراهم کردن بستر کارآفرینی، ثبت انجمن‌ها، آموزش هنرمندان، فراهم کردن مواد اولیه، بیمه کردن هنرمندان، ایجاد کارگاه تولید و صنایع تبدیلی، آماده‌سازی تفرجگاه‌ها و جذب توریسم، استقبال از خلاقیت و تنوع، جلب اعتماد هنرمندان، و تضمین خرید آثار. از نظر پشتیبانی مالی نیاز است تا اقدام‌های زیر صورت گیرد: حمایت مالی نهادها و اختصاص بودجه، حمایت بانک‌ها، جذب سرمایه و اسپانسرینگ. از لحاظ تبلیغات و بازاریابی نیز به اقدام‌هایی چند نیاز است از جمله: تبلیغات در شبکه‌های مجازی، توجه به فرهنگ و سنت در تبلیغات، تبلیغات با شیوه‌های نوین، تبلیغات مناسب آثار، به‌کارگیری رسانه‌های دیداری و شنیداری، تبلیغات در اماکن و انجمن‌ها، تبلیغات در صداوسیما، تبلیغات عادلانه و فراگیر. هنرمندان نیز خود بایست اقدام‌هایی انجام دهند از جمله: به‌روز کردن آثار تولیدی، کار با انگیزه و اعتمادبه‌نفس، ورود به گفتمان فرهنگی جامعه، ارتباط با مردم و دغدغه‌مندی، تنوع و خلاقیت در طراحی، بسته‌بندی مناسب آثار تولیدشده، قیمت‌گذاری آثار توسط افراد خبره. درنهایت بعد از انجام این اقدام‌ها می‌توان با فراغ بال بیشتر به اقدام‌های عملی برای فروش آثار فرهنگی و هنری پرداخت که مهم‌ترین راهکارهای فروش عبارت‌اند از: تأسیس بازارها و بازارچه‌های فروش گوناگون حقیقی و مجازی، راه‌اندازی جشنواره‌ها و نمایشگاه‌های مختلف، برگزاری مسابقه‌های و اردوهای فرهنگی - هنری، رونق صادرات و استفاده از مرزی بودن استان، استفاده از هنرمندان در ارگان‌های مختلف. انتظار می‌رود بعد از مجموعه این اقدام‌ها به یک تصویر نسبتاً مطلوب از اجرای اقتصاد فرهنگ و توسعه اقتصادی بخش فرهنگی و هنری استان ایلام دست یافت. درنهایت با توجه به یافته‌ها، نقشه تماتیک پژوهش به شرح شکل ۴ ترسیم شده است.



۱- تغییر در شیوه‌های مدیریت و سیاست‌گذاری‌ها؛

۲- زمینه‌سازی و بسترسازی لازم؛

۳- پشتیبانی مالی از تولید آثار فرهنگی و هنری؛

۴- تبلیغات و بازاریابی مناسب و گسترده؛

۵- راهکارهایی درباره بهبود کیفیت آثار هنرمندان؛

۶- اقدامات عملی برای فروش آثار مانند تأسیس بازارها و بازارچه‌های فروش

گوناگون حقیقی و مجازی، راه‌اندازی جشنواره‌ها و نمایشگاه‌های مختلف، برگزاری

مسابقات و اردوهای فرهنگی - هنری، رونق صادرات و استفاده از مرزى بودن

استان، استفاده از هنرمندان در ارگان‌های مختلف.

نتیجه‌گیری

در این بخش، بحث و نتیجه‌گیری پیرامون پاسخگویی به سؤال‌های پژوهش ارائه شده است.

ظرفیت‌های قابل سرمایه‌گذاری - در زیرمجموعه فرهنگ و هنر بومی استان

ایلام - که قابلیت ورود به بازار اقتصاد فرهنگ و هنر را دارند، مشتمل بر چه

موارد و مؤلفه‌هایی هستند؟

مطابق یافته‌های پژوهش، زمینه‌های بالقوه فرهنگی مستعد تولید آثار فرهنگی و

هنری در استان ایلام عبارت‌اند از: وجود نیروی انسانی کافی علاقه‌مند و ماهر،

پیشینه فرهنگی و میراث غنی و وجود مکان‌های طبیعی و توریستی، که وجود این

زمینه‌ها و بسترها خود نشانگر این امر است که در چنین زمینه‌ای غنی و مستعد آثار

فرهنگی و هنری خوبی می‌تواند آفریده شود. مهمترین حوزه‌های دارای ظرفیت

عبارت‌اند از: حوزه ادبیات، حوزه صنایع دستی، حوزه هنرهای تجسمی، حوزه

هنرهای نمایشی، حوزه آداب و رسوم و حوزه موسیقی.

وضعیت فعلی استان ایلام از نظر چشم‌اندازهای اقتصاد فرهنگ و به‌طور

خاص از نظر تولید، توزیع و فروش آثار چگونه است؟ به‌عبارت‌دیگر

ظرفیت‌های شناسایی‌شده پژوهش حاضر در استان ایلام در چه وضعیتی

قرار دارند؟

ارزیابی وضعیت فعلی در استفاده از ظرفیت‌های موجود فرهنگی و هنری استان ایلام

نشان می‌دهد که عملکرد سازمان‌های مرتبط با فرهنگ و هنر مانند فرهنگ و ارشاد

اسلامی، حوزه هنری، میراث فرهنگی و سایر سازمان‌هایی که در این حوزه برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و فعالیت دارند - نامناسب بوده است. مهم‌ترین عامل این عملکرد نامناسب غفلت نهادهای متولی امر فرهنگ و هنر در استان ایلام است. این غفلت ناشی از دغدغه‌مندی اندک متولیان این حوزه، گزارش‌زدگی و بیلان‌کارنویسی، هراس از تولید رقیبی که ممکن است پست آنان را تصاحب کند، درک نادرست از فرهنگ و هنر، تخصص‌اندک در زمینه سیاست‌گذاری فرهنگی و هنری، گروه‌گرایی و کادرسازی‌ها برای بقا در پست، و نیز در حاشیه بودن حوزه فرهنگ و هنر در تشکیلات وزارت کشور که نمود آن را می‌توان در خلأ وجود معاون فرهنگی و هنری در استانداری‌ها مشاهده نمود. همچنین براساس یافته‌ها و نیز مشاهده‌های میدانی پژوهشگر، وضعیت فعلی هنرمندان استان از لحاظ اقتصادی و به‌طور خاص فروش آثار و دسترسی به بازارهای مناسب برای این کار مساعد نیست، و بسیاری از آثار تولیدی نیز کمیت و کیفیت قابل تعریفی ندارند. از طرفی وضعیت بازار فعلی آثار تولید شده هم نابسامان بوده و ساختار کنونی فرهنگی و هنری جامعه که با ویژگی‌هایی مانند مصرف فرهنگی پایین، عدم تخصص‌گرایی در حوزه فرهنگ و هنر در سطوح مدیریتی و نیروی انسانی فعال، بها ندادن به اساتید خلاق و نوآور، چشم و هم‌چشمی، تنگ‌نظری - حسادت و رقابت‌های ناسالم، پارتی‌بازی و رابطه‌بازی، طایفه‌گرایی، تعصبات سنتی و دیگرستیزی، و غیره - مشخص می‌شود - نیز این وضعیت را بدتر نموده است.

مهم‌ترین موانع بهره‌برداری از ظرفیت‌های موجود استان ایلام در حوزه اقتصاد فرهنگ کدامند؟ این موانع شامل چه مؤلفه‌هایی هستند؟

در راه بهبود وضعیت ذکر شده موانع و محدودیت‌های زیادی وجود دارد. موانع و محدودیت‌هایی از جمله موانع اقتصادی؛ موانع سازمانی و مدیریتی؛ موانع ساختار اجتماعی؛ موانع ساختار فرهنگی؛ موانع بازاریابی و تبلیغات؛ ضعف‌های قابل مشاهده در هنرمندان و... مهم‌ترین موانع در راه بهبود وضعیت ذکر شده بوده‌اند. برای غلبه بر این محدودیت‌ها و بهبود وضعیت نابسامان ذکر شده، راهکارهایی می‌توان پیشنهاد داد از جمله: ۱- تغییر در شیوه‌های مدیریت و سیاست‌گذاری‌ها، ۲- زمینه‌سازی و بسترسازی لازم، ۳- پشتیبانی مالی از تولید آثار فرهنگی و هنری، ۴- تبلیغات و بازاریابی مناسب و گسترده، ۵- راهکارهایی درباره بهبود کیفیت آثار هنرمندان و ۶- اقدامات عملی برای فروش آثار مانند تأسیس بازارها و بازارچه‌های فروش گوناگون حقیقی و مجازی، راه‌اندازی جشنواره‌ها و نمایشگاه‌های مختلف، برگزاری مسابقات و

اردوهای فرهنگی - هنری، رونق صادرات و استفاده از مرزی بودن استان، استفاده از هنرمندان در ارگان‌های مختلف. در انطباق با این یافته پژوهش، انتظاری و درخشان (۱۴۰۱) دریافتند که مهم‌ترین موانع توسعه اقتصاد فرهنگ این است که از میان مولفه‌های سیاست‌گذاری در اقتصاد فرهنگ، در سیاست‌های کلان کشور، به بخش تولید بیش از توزیع و مصرف توجه شده است. همچنین تولید محصولات فرهنگی متناسب با بازارهای جهانی و منطقه‌ای و ارائه آن در این بازارها کمتر مورد توجه، و اکثر سیاست‌ها در سطح ملی تنظیم شده است.

چگونه و از طریق کدام راهبردها و سیاست‌های اقتصادی و توسعه‌ای می‌توان برنامه‌ریزی و اقدام‌های لازم را برای توسعه و تقویت ظرفیت‌های محلی اقتصاد فرهنگ و هنر در استان ایلام فراهم ساخت؟

به نظر می‌رسد نهادهای متولی، اصحاب فرهنگ و هنر می‌توانند با ترکیب رویا و حقیقت در بازیابی در ایجاد کسب‌وکارهای مرتبط با فرهنگ و هنر نقش ویژه‌ای داشته باشند. چنانچه مقام‌های تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر صنایع فرهنگی و هنری را بخشی از «روح» فرد و جامعه بدانند، آنها را عاقلانه و اندیشمندانه برنامه‌ریزی می‌نمایند. اگر فرهنگ بتواند برای جامعه شادابی و تفریح ایجاد کند آنگاه می‌توان گفت مستعد تبدیل به ارزش مادی و مالی است و اقتصاد فرهنگ متولد شده است. باتوجه به یافته‌های مطالعه حاضر، ترسیم چشم‌انداز روشن از اقتصاد فرهنگ در استان ایلام قبل از هرچیز نیازمند سیاست‌گذاری مناسب و هدفمند توسط مدیران فرهنگی و هنری است. آنگاه با تخصیص بودجه و سرمایه‌گذاری دولتی مقداری بهبود ایجاد کرد تا بتوان به مدد آن به جذب سرمایه بخش خصوصی نیز اقدام کرد. زیرا بخش خصوصی تا زمینه را مستعد سود و بازدهی نبیند اقدام به سرمایه‌گذاری نخواهد کرد. در تمامی جوامع کسب‌وکار فرهنگی و هنری با سرمایه‌گذاری بخش خصوصی تحقق یافته است و حاکمیت باید بسترهای لازم را فراهم نماید. بسترسازی نیازمند همکاری نهادهای اجرایی است. تا زمانی که متولیان فرهنگی از ایده‌های جدید حمایت نکنند و همچنین زیرساخت‌های لازم را برای اشتغال و درآمد فراهم نکنند و حوزه فرهنگ و هنر را به یک حوزه جذاب و جاذب تبدیل نکنند، سرمایه‌های بخش خصوصی در بازار هنر انباشته نخواهد شد. از طرف دیگر کسب‌وکار هنری از سرمایه اجتماعی هنر تولید می‌گردد. یکی از نهادهایی که تولید و عرضه محصولات فرهنگی هنر می‌تواند مؤثر باشد شهرداری‌ها هستند، در استان ایلام

شهرداری‌ها می‌بایست در احداث سالن‌های سخنرانی عمومی، کتابخانه، احداث پاتوق‌ها، حمایت از هنرمندان و آثار هنری، تولید نمادها و تندیس‌ها و... کوشا باشند. استفاده از هنرمندان استان در طراحی و ساخت نمادهای فرهنگی - هویتی - هنری ضمن زیباسازی و شناسنامه‌سازی برای شهر و روستا می‌تواند در اشتغال‌زایی اهل هنر نیز مؤثر باشد. این یافته پژوهش با نتایج مطالعه مسعودی‌نیا؛ رشیدپور و ابراهیم‌زاده (۱۴۰۰) همخوانی دارد که دریافتند تدوین سیاست‌های کارآمد، گفتمان‌سازی، بهبود فضای کسب‌وکار فرهنگی، اصلاح قوانین حق مالکیت و تعهدات اجرایی، مداخله قاعده‌مند دولت و واگذاری به بخش خصوصی، قاعده‌مند شدن حمایت‌های کارشناسی‌شده و... نقش مهمی در توسعه اقتصاد فرهنگ دارند. همچنین پرات (۲۰۱۶) دریافت یکی از مهم‌ترین راه‌های فروش مداوم آثار فرهنگی و هنری و ایجاد درآمد پایدار برای هنرمندان و همچنین رونق تجارت فرهنگی - احداث خیابان‌های صنایع هنری و صنایع دستی است. در انطباق با پژوهش حاضر، اردکانی و صیادی (۱۳۹۳) نیز با استناد به تعاریف آندرسون معتقدند تقویت مکان‌ها و سازه‌ها و تفرج‌گاه‌ها با توانایی جذب و نگهداشتن اشخاص و کسب‌وکارها، تعیین میراث فرهنگی محلی یا منطقه‌ای، جذب گردشگر، دارایی‌های فرهنگی، رشد اقتصادی بیشتر را تسهیل می‌کند. این قبیل دارایی‌های فرهنگی به منطقه هویت بخشیده و گردشگران را به سمت خود می‌کشاند و روند رشد اقتصادی را هرچه بیشتر هموار می‌کند. این بخش مشتمل است بر گردشگری فرهنگ، جاذبه تجاری، برند فرهنگی، منابع فرهنگی و برنامه‌ریزی و پشتیبانی فنی جهت حفظ آثار تاریخی در کشور. به باور خزائی (۱۳۸۵) شکوفایی و رونق فرهنگی در حوزه عمومی و در سطح فراگیر و گسترده منوط به عصر رفاه اجتماعی و متعلق به جوامع برخوردار است. از طرفی در اقتصاد توسعه، میزان مصرف کالاها و خدمات فرهنگی یکی از شاخص‌های اصلی سنجش توسعه‌یافتگی نظام فرهنگی محسوب می‌شود. تحقق اقتصاد فرهنگ قبل از هر چیز نیازمند ساختارهای اقتصادی قوی در استان و شهرستان‌های تابع آن است. پیر بوردیو جامعه‌شناس فرانسوی نیز از جمله نظریه‌پردازانی است که دیدگاه‌های جالب‌توجهی درباره ارتباط اقتصاد و فرهنگ دارد. او به کنش و واکنش و دیالکتیک بین میدان‌های اقتصاد، فرهنگ، سیاست و... معتقد است. از نظر وی همان‌طور که اقتصاد شکوفا می‌تواند زمینه‌ساز فرهنگ شکوفا و توسعه‌یافته شود، فرهنگ شکوفا نیز به نوبه خود اقتصاد را شکوفاتر کرده و به عبارت دیگر اقتصاد را بازتولید می‌کند؛ بنابراین با تحقق اقتصاد فرهنگ و رونق



اقتصادی تولیدات فرهنگی در منطقه مستعدی مانند استان ایلام، ضمن شکوفا کردن تولیدات فرهنگی و ایجاد درآمد ثابت برای فعالان این عرصه، می‌توان در راستای دستیابی به توسعه پایدار قدم برداشت به خصوص که رونق فرهنگ خود تثبیت رونق اقتصادی را به دنبال دارد.

فهرست منابع

اردکانی ناظمی، مهدی و صیادی، محمد (۱۳۹۳). بررسی وضعیت مؤلفه‌های اقتصاد فرهنگ در ایران؛ مقایسه تطبیقی با کشورهای منتخب دنیا و ارائه راهکارهای بهبود وضعیت اقتصاد فرهنگ در کشور. *راهبرد اجتماعی و فرهنگی*، (۱۳)، ۱۹۱-۲۲۵.

انتظاری، ادشیر و درخشان، فاطمه (۱۴۰۰)، حکمرانی و توسعه اقتصاد فرهنگ؛ مقایسه ایران و کشورهای پیشرفته، *فصلنامه علوم اجتماعی (دانشگاه علامه طباطبائی)*، (۹۳)، ۳۳-۸۴.

بیرانوندزاده، مریم؛ درویشی، هدایت‌اله و خداداد، مهدی (۱۳۹۵). بررسی وضعیت توسعه اجتماعی - فرهنگی در استان ایلام در مقایسه با دیگر استان‌های کشور. *دهمین کنگره پیشگامان پیشرفت*. تهران.

پاداشی، حمید (۱۳۹۷). «دولت کارآفرین» عنصر گوهری توسعه/ حضور دولت در اقتصاد از دلایل موفقیت بخش خصوصی آمریکا است. تهران: <https://www.atnanews.ir/archives/203459>

پیمایش ملی مصرف کالاهای فرهنگی در ایران (۱۳۹۹). *گزارش‌های استانی پیمایش ملی مصرف کالاهای فرهنگی ۱۳۹۸ (موج سوم)*. تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

تقوایی، مسعود و قائدرحمتی، صفر (۱۳۸۵). تحلیل شاخص‌های توسعه فرهنگی استان‌های کشور. *جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، (۷)۴، ۱۱۷-۱۳۲.

حسین‌زاده دلیر، کریم و ملکی، سعید (۱۳۸۵). بررسی وضعیت شاخص‌های توسعه انسانی در استان ایلام. *جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، (۶)۴، ۱-۲۶.

خزایی، محسن (۱۳۸۵). *رکود در اقتصاد فرهنگ*. تهران: مگیران.
روشنای مشرق زمین (۱۳۹۷). *سند توسعه فرهنگی شهرستان‌های محروم و کمتر توسعه یافته، به سفارش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی*. تهران: وزرات

فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- سربندی، فرناز؛ حاجیانی، ابراهیم و صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۹۹). تحلیل سیاست‌های اقتصاد سینما در دولت‌های پس از انقلاب اسلامی. *مطالعات بین‌رشته‌ای در رسانه و فرهنگ*، ۱۰(۱)، ۱۰۱-۱۳۲.
- شش‌جویانی، حمیدرضا (۱۳۹۶). *بررسی اجمالی موانع برآورد سهم بخش فرهنگ در اقتصاد*. تهران: مؤسسه فرهنگی هنری پویه مهر اشراق.
- عنبری، موسی (۱۳۹۰). *جامعه‌شناسی توسعه از اقتصاد تا فرهنگ*. تهران: سمت.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۹). *ارزیابی تأثیرات اجتماعی*. تهران: جامعه‌شناسان.
- قاسمی، یارمحمد و هاشمی، علی (۱۳۹۸). انجام پژوهش به روش تحلیل مضمون: راهنمای عملی و گام به گام برای یادگیری و آموزش (مورد مطالعه: مصرف موسیقی دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه ایلام). *فرهنگ/ایلام*، ۲۰(۶۴) و ۳۳-۷، (۶۵).
- کاظم‌زاده، موسی و کوهی، کمال (۱۳۸۹). نقش وسایل نوین ارتباط جمعی در توسعه فرهنگی، موانع و راهکارها. *نامه فرهنگی*، ۱۲(۱۲)، ۱۸۲-۲۱۲.
- گنجی، محمد و حیدریان، امین (۱۳۹۳). سرمایه فرهنگی و اقتصاد فرهنگ (با تأکید بر نظریه‌های پی‌یر بوردیو و دیوید تراسبی). *راهبرد*، ۲۳(۷۲)، ۷۷-۹۷.
- مازو کاتو، ماریانا (۱۳۹۵). *دولت کارآفرین*. ترجمه حمید پاداشی و علی نیکونسبتی، تهران، نشر چشمه.
- مسعودی‌نیا، زهرا؛ رشیدپور، علی و ابراهیم‌زاده، رضا (۱۳۹۷). راهبردهای مؤثر بر تقویت ساختار اقتصاد فرهنگ ایران. *راهبرد اجتماعی*، ۲۷(۲۷)، ۱۰۳-۱۳۸.
- مسعودی‌نیا، زهرا؛ رشیدپور، علی و ابراهیم‌زاده، رضا (۱۴۰۰). عوامل مؤثر بر رونق اقتصاد فرهنگ در ایران. *فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد فرهنگ*، ۱۴(۵۳).
- نیاکان، محمد (۱۴۰۰). *گزارش توصیفی و تحلیلی وضعیت فرهنگی و هنری استان ایلام*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- هانت، دایانا (۱۳۸۶). *نظریه‌های اقتصادی توسعه (تحلیلی از پارادایم‌های رقیب)*. ترجمه غلامرضا آزاد ارمکی، تهران: نشر نی.
- هاشمی، علی (۱۳۹۸). *مطالعه ذات‌قه مصرف موسیقی در بین دانشجویان (مورد مطالعه: دانشجویان ایلامی)*. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). رشته مطالعات فرهنگی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.



- Anderson, W. M. (2005). *Cultural Economic Development*. Michigan Department of History, Arts and Libraries.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006), Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, (3), 77-101.
- Clarke, V. & Braun, V. (2013). Teaching thematic analysis: Overcoming challenges and developing strategies for effective learning. *The Psychologist*, 26(2), 120-123.
- Duffy, M. (2009). *Sound and Music: Economies of Sound*, in International Encyclopedia of Human Geography.
- Lewis, W. A. (1984). The state of development theory. *American Economic Review*, 74(1).
- Pratt, A. C. (2016). *Cultural economy*, *The International Encyclopedia of Geography: People, the Earth, Environment, and Technology*. Publisher: Wiley Editors: D. Richardson.

References

- Anbari, M. (2010). Sociology of development from economy to culture. Tehran: Side. (In Persian)
- Anderson, W.M. (2005). Cultural Economic Development, Michigan Department of History, Arts and Libraries.
- Ardakani Nazimi, M. & Sayadi, M. (2013). Investigating the status of cultural economy components in Iran; A comparative comparison with selected countries of the world and providing solutions to improve the state of culture economy in the country. Social and cultural strategy, 191-225. (In Persian)
- Biranvandzadeh, M.; Darvishi, H. A. & Khodadad, M. (2015). Investigating the status of socio-cultural development in Ilam province compared to other provinces of the country. The 10th Congress of Pioneers of Progress. Tehran. (In Persian)
- Braun, V. & Clarke, V. (2006), Using thematic analysis in psychology, *Qualitative Research in Psychology*, (3), 77-101.
- Clarke, V. & Braun, V. (2013), Teaching thematic analysis: Overcoming challenges and developing strategies for effective learning. *The Psychologist*, 26(2), 120-123.
- Duffy, M. (2009), *Sound and Music: Economies of Sound*, in International Encyclopedia of Human Geography.
- Enteziri, A. & Derakhshan, F. (2020), governance and cultural economic development; Comparison of Iran and advanced countries, *Social Sciences Quarterly (Allameh Tabatabai University)*, (93), 33-84. (In Persian)
- Fazeli, M. (2009). Social impact assessment. First edition, Tehran: Sociologists. (In Persian)
- Ganji, M. & Heydarian, A. (2013). Cultural capital and the economy of culture: with an emphasis on the theories of Pierre Bourdieu and David Thrasby. *Strategy*, 77-97. (In Persian)

- Ghasemi, Y. & Hashemi, A. (2018). Conducting research using thematic analysis method: a practical and step-by-step guide for learning and teaching (case study: music consumption of master's students of Ilam University). *Farhang Elam*, 20th period, (64 and 65), 7-33. (In Persian)
- Hashemi, Ali (2018). study of music consumption taste among students (case study: Ilami students), m.a thesis in the cultural studies, Ilam University. (In Persian)
- Hosseinzadeh Dalir, K. & Maleki, S. (2006). Investigating the status of human development indicators in Ilam province. *Geography and Regional Development*, 4(6) . (In Persian)
- Hunt, D. (2007). *Economic theories of development (an analysis of competing paradigms)*, translated by Gholamreza Azad Ermaki, second edition. Tehran: Ney Publishing. (In Persian)
- Kazemzadeh, M. & Kohi, K. (2009). The role of new means of mass communication in cultural development, obstacles and solutions. *Cultural Letter*, (12), 182-212. (In Persian)
- Khazai, M. (2006). *Stagnation in the economy of culture*. Tehran: Magiran. (In Persian)
- Lewis, W.A. (1984). the state of development theory, *American Economic Review*, 74(1) . (In Persian)
- Masoudinia, Z., Rashidpour, A. & Ebrahimzadeh, R. (2017). Effective strategies on strengthening the structure of Iran's cultural economy. *Social Strategy*, (27), 103-138. (In Persian)
- Masoudinia, Z.; Rashidpour, A. & Ebrahimzadeh, R. (2020). Factors affecting the prosperity of the culture economy in Iran, *Scientific Research Quarterly of Culture Strategy*, 14(53) . (In Persian)
- Mazzucato, Mariana (2016). *The Entrepreneurial State*, translated by Hamid Farari and Ali Nikonsabati, Tehran, Cheshme Publishing House. (In Persian)
- National survey of consumption of cultural goods in Iran (2019). *Provincial reports of the national survey of consumption of cultural goods 2018 (third wave)*. Tehran, Research Institute of Culture, Art and Communication. First Edition. (In Persian)
- Niakan, A.M. (2020). *Descriptive and analytical report on the cultural and artistic situation of Ilam province*, Tehran, Culture, Art and Communication Research Institute. First Edition. (In Persian)
- Padashi, H. (2017). "Entrepreneurial government" a key element of development/government presence in the economy is one of the reasons for the success of the American private sector. Tehran: <https://www.atnanews.ir/archives/203459>. (In Persian)
- Pratt, A.C. (2016), *Cultural economy*, *The International Encyclopedia of Geography: People, the Earth, Environment, and Technology*, Publisher: Wiley Editors: D. Richardson.
- Roshanaye Mashreghzamin (2017). *Document of cultural development of disadvantaged and less developed cities*, commissioned by the Ministry



of Culture and Islamic Guidance. Tehran: Ministries of Islamic Guidance. (In Persian)

Sarbandi, F.; Hajiani, A. & Salehi Amiri, S.R. (2019). Analysis of cinema economy policies in post-Islamic revolution governments, *Interdisciplinary Studies in Media and Culture*, 10(1), 101-132. (In Persian)

Sheshjavani, H. (2016). an overview of obstacles to estimate the contribution of the culture sector in the economy, Tehran; Mehr Eshraq Cultural and Artistic Institute, first edition. (In Persian)

Taghvai, M., Rahmati, P. (2006). Analysis of the cultural development indicators of the country's provinces. *Geography and Regional Development*, 4(7), 117-132. (In Persian)



ارزیابی کتاب‌های درسی دوره متوسطه دوم از نظر توجه به مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه

سیروس محمودی

استادیار علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

mahmoudi.s@pnu.ac.ir

چکیده

در بند ششم سیاست‌های کلی جمعیت، بر گسترش سواد تغذیه‌ای افراد جامعه تأکید شده است. کتاب‌های درسی نقش مهمی در گسترش سواد تغذیه‌ای دانش‌آموزان ایفا می‌کنند. براین اساس، هدف مطالعه حاضر، ارزیابی کتاب‌های درسی دوره دوم متوسطه از نظر توجه به مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه است. روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع تحلیل محتوا است. جامعه آماری شامل کلیه کتاب‌های درسی دوره دوم متوسطه نظری می‌باشد (۴۸ جلد کتاب). در این پژوهش نمونه‌گیری انجام نشده است و کلیه کتاب‌ها (چاپ ۱۴۰۱) بررسی شده است. ابزار اندازه‌گیری، چک‌لیست تحلیل محتوای محقق ساخته بوده است که برای تعیین روایی از روش روایی، صوری، محتوایی و نظر متخصصان استفاده شده و پایایی آن با روش ویلیام اسکات ۹۶ درصد محاسبه شده است. نتایج پژوهش با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی بررسی شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که در کتاب‌های درسی رشته علوم انسانی، ۳۴۵ مرتبه، در رشته علوم تجربی، ۴۷۷ مرتبه و در رشته ریاضی، ۴۰۷ مرتبه به مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه اشاره شده است. در رشته انسانی و ریاضی، به مؤلفه «رعایت اصول ایمنی و بهداشت» به ترتیب با ۶۰ و ۷۸ فراوانی بیشترین توجه و در رشته تجربی به مؤلفه «آشنایی با شش نوع ماده مغذی» با ۹۸ فراوانی بیشترین توجه مبذول شده بود و در هر سه رشته انسانی، تجربی و ریاضی به مؤلفه‌های «توجه به وعده‌های اصلی و میان وعده‌ها»، «استفاده از ظروف دربسته یا روکش‌دار برای نگهداری مواد غذایی»، توجه بسیار کمی مبذول شده بود. در مجموع یافته‌های پژوهش بیانگر این است که برخی از مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه در این کتاب‌ها، مغفول واقع شده است. همچنین فراوانی مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه در کتاب‌های درسی رشته علوم انسانی به‌طور معناداری پایین‌تر از مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه در کتاب‌های درسی رشته علوم تجربی و ریاضی است.

کلیدواژه‌ها: سواد غذا و تغذیه، کتاب‌های درسی دوره دوم متوسطه، سیاست‌های کلی جمعیت.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۰۷ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۱/۰۹/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۶
فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال ۱۲، شماره ۲، پیاپی ۴۷، تابستان ۱۴۰۲، صص ۶۰۵-۶۴۰

مقدمه و بیان مسئله

ارتقاء سطح سواد تغذیه جامعه، امروزه به‌عنوان یکی از محوری‌ترین برنامه‌های سلامت مورد توجه همگان است، زیرا بی‌توجهی به تغذیه، عوارض جبران‌ناپذیری به جامعه تحمیل خواهد نمود. براین‌اساس در بند ششم سیاست‌های کلی جمعیت ابلاغی مقام معظم رهبری، بر گسترش سواد تغذیه‌ای افراد جامعه تأکید شده است (سیاست‌های کلی جمعیت، ۱۳۹۳).

تغذیه سالم علاوه بر تأمین انرژی مورد نیاز برای انجام کارهای روزمره به رشد و نمو، ترمیم بافت‌ها و انجام واکنش‌ها و فرایندهای حیاتی بدن کمک می‌کند (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۴۰۱). تغذیه یکی از عوامل مؤثر در پیشگیری و کنترل بیماری‌های غیرواگیر مانند دیابت، بیماری‌های قلبی - عروقی، پرفشاری خون و چاقی می‌باشد (Insel & et al., 2018). در حال حاضر در کشور ما، مصرف قند، نمک و چربی که از مهم‌ترین عوامل خطر بیماری‌های غیرواگیر می‌باشند، بیشتر از مقدار توصیه شده است. از سوی دیگر میزان پایین مصرف سبزی و میوه، شیر و لبنیات از مشکلات الگوی غذایی مردم کشور به‌شمار می‌رود. تغییر الگوی غذایی مردم به‌صورت مصرف بی‌رویه غذای فوری (فست‌فودها)، نوشابه‌های گازدار، غذاهای چرب و سرخ‌شده، مصرف زیاد مواد قندی و شیرین و نداشتن تحرک بدنی کافی از عوامل مؤثر بروز اضافه وزن و چاقی در کشور می‌باشند (عبدالهی؛ مینایی و دولتی، ۱۳۹۸، ص. ۳). از سوی دیگر باورها، رفتارهای غذایی مردم و ناآگاهی تغذیه‌ای جامعه، یکی از عوامل اساسی در زمینه بروز سوءتغذیه در کودکان و کمبود ریزمغذی‌ها (کمبود آهن، روی، ویتامین‌ها و کلسیم) است (طرح جامع مطالعات مصرف مواد غذایی و تغذیه، ۱۳۸۱). اصلاح شیوه زندگی و آموزش مردم در زمینه تغذیه و ترویج الگوی غذایی صحیح، اولین قدم در راستای پیشگیری از بیماری‌های غیرواگیر است. در واقع، آموزش و فرهنگ‌سازی تغذیه صحیح، نقش مهمی در ارتقاء سلامت جامعه و پیشگیری و کنترل بیماری‌ها دارد. مطالعات نشان داده است در ۸۰ درصد افراد از طریق آموزش صحیح، مصرف انواع نوشیدنی‌های شیرین کاهش یافته است. همچنین، آموزش تغذیه در زمینه اهمیت مصرف میوه‌ها و سبزی‌ها توانسته است یکی از عوامل مؤثر در افزایش مصرف میوه‌ها و سبزی‌ها به‌عنوان عاملی مهم در

پیشگیری و کنترل چاقی، دیابت، بیماری‌های قلبی - عروقی و سرطان‌ها باشد (Freedman & et al., 2012).

توجه به حقایق غذا و تغذیه در قرآن کریم و روایت‌های معصومین (علیهم‌السلام) به فراوانی قابل مشاهده است؛ به‌طور کلی این توجه‌ها ناظر بر ترغیب انسان به اندیشه در غذای مورد مصرف از جنبه‌های گوناگون مادی و معنوی و آثار مترتب بر آن در همه ابعاد از جمله ابعاد اجتماعی، دنیوی، اخروی، پرهیز از مصرف غذای حرام و پرهیز از اسراف و تبذیر و تشویق به بهره‌گیری از طیبات و توجه به اصل اعتدال در مصرف و صدها رهنمود دیگر برای ارتقاء سلامت است که از دیرباز در کتب مختلف مورد بحث و بررسی قرار گرفته است (غفاری، ۱۳۹۳، ص. ۹۸). خداوند متعال در قرآن کریم در سوره عبس آیه ۲۴، می‌فرماید «انسان باید به غذای خویش بنگرد». بدیهی است که منظور از «نگاه کردن» تماشای ظاهری نیست، بلکه به معنای دقت و اندیشه در ساختمان این مواد غذایی و اجزاء حیات‌بخش آن و تأثیرهای شگرفی که در وجود انسان دارد و سپس اندیشه در خالق آنها است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۶، ج ۲۶، ص. ۱۵۴).

پژوهش‌های گذشته نشان داده است که میزان سواد تغذیه‌ای مردم با جایگاه مطلوب فاصله زیادی دارد (سند ملی تغذیه و امنیت غذایی، ۱۳۹۱). بر این اساس، آگاهی ناکافی و سطح پایین سواد غذا و تغذیه می‌تواند بیماری‌های غیرواگیر و در نتیجه میزان مرگ‌ومیر را روز به روز افزایش دهد؛ لذا نهادینه کردن فرهنگ تغذیه مناسب، از ضروری‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای امروز است. یقیناً یکی از مؤلفه‌های مهم در تحقق این امر، آموزش‌ها و مهارت‌هایی است که از طریق برنامه‌های درسی رسمی و به تبع آن محتوای کتب درسی به دانش‌آموزان آموزش داده می‌شود (ترک و دیگران، ۱۴۰۰).

آموزش سواد غذا و تغذیه در خلال برنامه‌های آموزشی و کتاب‌های درسی از دو جنبه نظری و کاربردی حائز اهمیت است. آموزش و افزایش میزان آگاهی دانش‌آموزان به سواد غذا و تغذیه می‌تواند تا حدود زیادی رفتار تغذیه‌ای آنان را تحت‌الشعاع قرار دهد و از طرفی انسان برای تأمین نیازهای غذایی خود علاوه بر دسترسی به غذا باید دست به انتخاب هم بزند و برای انتخاب اصلح نیازمند اطلاعات درست، بجا، به‌موقع و دقیق است؛ زیرا اگر توان مصرف از دیدگاه اقتصادی بهبود یابد ولی به فرهنگ مصرف و سواد تغذیه‌ای توجه نگردد، می‌تواند منجر به رفتارها و الگوهای مصرفی شود که لزوماً با تأمین سلامت تغذیه‌ای جامعه سازگار و هماهنگ

نیستند. به عبارت دیگر در درجه اول باید به ارتقاء نگرش و سواد تغذیه در دانش‌آموزان اهتمام ورزید و در درجه دوم این نگرش و سواد به بینش و عملکرد تبدیل شود. کسب سواد غذا و تغذیه یک گام مهم در توانمندسازی مصرف‌کننده برای انتخاب مواد غذایی سالم و خودمراقبتی است (امیدوار، ۱۳۸۶).

پژوهش‌های گذشته نشان داده که آموزش‌های مدرسه‌ای در ارتباط با نگرش‌ها و رفتارهای مصرف مواد غذایی در بین دانش‌آموزان به‌طور چشمگیری به تغییر مثبت نگرش‌های تغذیه‌ای دانش‌آموزان منجر می‌شود (Koca & Gulcihan, 2020). با توجه به نظام آموزشی متمرکز در ایران، یقیناً یکی از مؤلفه‌های مهم برای تحقق این امر، نظام آموزش رسمی و به تبع آن، کتاب و اسناد برنامه درسی است. کتاب درسی، عمده‌ترین منبع یادگیری است که در اختیار معلمان و دانش‌آموزان می‌باشد؛ بنابراین، قبل از هر نوع برنامه‌ریزی جهت ارتقای سواد غذا و تغذیه دانش‌آموزان، اطلاعات وسیع و کاملی از محتوای کتاب‌های درسی کشور لازم است تا بتوان فعالیت‌های آتی را براساس موقعیت کنونی برنامه‌ریزی نمود (دهقانی و امیرخندقی، ۱۳۹۰). براین اساس در پژوهش حاضر وضعیت محتوای کتاب‌های درسی دوره متوسطه دوم در خصوص توجه به مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه بررسی شده است. در این پژوهش، ابتدا چک‌لیست تحلیل محتوای محقق‌ساخته با کمک ۵ نفر از اساتید رشته علوم و صنایع غذایی تهیه و سپس کلیه کتاب‌های درسی دوره متوسطه دوم به‌وسیله پژوهشگر، با روش تحلیل محتوا بررسی شد.

۱. اهداف و سؤال‌های پژوهش

هدف این پژوهش، ارزیابی وضعیت محتوای کتاب‌های درسی دوره متوسطه دوم از نظر توجه به مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه است. در این راستا سؤال‌های زیر مطرح شده است.

۲. سؤال‌های پژوهش

۱-۲. سؤال اصلی

۱- وضعیت محتوای کتاب‌های درسی دوره متوسطه دوم در خصوص توجه به مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه چگونه می‌باشد؟

۲-۲. سؤال فرعی

۱- وضعیت محتوای کتاب‌های درسی دوره متوسطه دوم رشته علوم انسانی در



خصوص توجه به مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه چگونه می‌باشد؟

۲- وضعیت محتوای کتاب‌های درسی دوره متوسطه دوم رشته علوم تجربی در

خصوص توجه به مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه چگونه می‌باشد؟

۳- وضعیت محتوای کتاب‌های درسی دوره متوسطه دوم رشته ریاضی در خصوص

توجه به مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه چگونه می‌باشد؟

۴- آیا بین فراوانی مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه در کتاب‌های درسی رشته‌های علوم

انسانی، علوم تجربی و ریاضی، تفاوت معناداری وجود دارد؟

۳. پیشینه پژوهش

با توجه به اهمیت موضوع، در سال‌های اخیر مطالعات تجربی متعددی در خصوص وضعیت مؤلفه‌های سواد تغذیه در کتاب‌های درسی انجام شده است که در ادامه به مرور و تبیین خلاصه این پژوهش‌ها پرداخته شده است.

ترک؛ امیدوار؛ دهقانی و دوست‌محمدیان (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «میزان توجه به سواد غذا و تغذیه در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی»، نشان دادند که در کتاب‌های درسی مقطع ابتدایی به مقوله‌های مهارتی و مقوله‌های ارزشی - نگرشی سواد غذا و تغذیه در کتاب‌های درسی مقطع ابتدایی توجه کافی نشده است.

دانش‌پایه (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی میزان توجه به سواد تغذیه در کتاب‌های علوم تجربی دوره متوسطه اول» نشان دادند که میزان توجه به مؤلفه‌های سواد تغذیه در کتاب‌های علوم تجربی دوره متوسطه اول با وضعیت مطلوب فاصله زیادی دارد.

خواجه‌پور؛ هاشمی؛ قلتاش و ماشینی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «تدوین مؤلفه‌های برنامه درسی سواد تغذیه از منظر کارشناسان و متخصصان در دوره دوم متوسطه» از طریق مصاحبه با کارشناسان تغذیه، یک مدل برنامه درسی سواد تغذیه شامل مؤلفه‌های انتخاب هدف‌های آموزشی، انتخاب تجربه‌های آموزشی، سازمان‌دهی تجارب و تعیین شیوه‌های ارزشیابی تدوین نمودند.

آروند؛ دهقانی؛ امیدوار و عشوری (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «سواد غذا و تغذیه: بُعدی مغفول در کتاب‌های درسی دوره آموزشی متوسطه اول در کشور»، نشان دادند که در محتوای کتاب‌های درسی دوره متوسطه اول به مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه «به‌ویژه در دو مقوله مهارتی و ارزشی» توجه کافی مبذول نشده است.

غلامی؛ محمودی‌قوژدی و دهقانی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «تحلیل

محتوای کتاب‌های علوم دوره ابتدایی از نظر مقوله‌های سه‌گانه سواد تغذیه، نشان دادند که در کتاب‌های علوم دوره ابتدایی به مؤلفه‌های نگرشی و مهارتی سواد تغذیه‌ای توجه کافی نشده است.

کیان (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «تحلیل برنامه درسی مغفول سواد تغذیه‌ای در دوره تحصیلی متوسطه» نشان داد که سواد تغذیه‌ای دانش‌آموزان دختر و پسر دوره متوسطه با وضعیت مطلوب فاصله زیادی دارد. همچنین نتایج این پژوهش نشان داد که دانش‌آموزان دختر نگرش ضعیفتری نسبت به مصرف صبحانه داشتند و پسران نگرش نامطلوبی نسبت به مصرف نمک داشتند. این پژوهش بر بازنگری برنامه درسی دوره متوسطه در جهت توجه بیشتر به مؤلفه‌های عملکرد تغذیه‌ای دانش‌آموزان تأکید کرده است.

صمدی و کاظمی بازردهی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «تحلیل محتوای کتب ابتدایی بر اساس الگوی صحیح مصرف مواد غذایی»، نشان دادند که در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی به‌طور مؤثر و کافی به معرفی برخی از گروه‌های غذایی مانند شیر و فرآورده‌های آن، سبزیجات و مواد گوشتی پرداخته نشده است.

ایزدی، صالحی عمران؛ فتحی و اجارگاه، عابدینی‌بلترک (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «تجزیه و تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی بر اساس مؤلفه‌های آموزش سلامت» به این نتیجه رسیدند که در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی به مؤلفه‌های تغذیه «مضرات مصرف نمک و شکر و شیرینی» به‌خوبی توجه نشده است. نوگویرا و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان «توسعه و اجرای یک برنامه سواد غذایی برای مدارس ابتدایی»، نشان دادند که توجه به سواد غذا در برنامه‌های درسی مدارس، مطلوب نیست و در صورتی که در برنامه درسی مدارس توجه بیشتری به سواد غذا مبذول شود، در توسعه دانش تغذیه‌ای و پیشگیری از چاقی دانش‌آموزان کاملاً مؤثر می‌باشد (Nogueira et al, 2022).

ولاردو و درآموند (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «سواد تغذیه‌ای دانش‌آموزان: یک مطالعه کیفی»، نشان دادند که معلمان و برنامه درسی مدارس، نقش اساسی در توسعه سواد تغذیه‌ای دانش‌آموزان ایفا می‌کنند و با توجه بیشتر به اصول تغذیه در برنامه درسی مدارس، می‌توان تا حدود زیادی از بیماری‌های مرتبط با سوءتغذیه و چاقی جلوگیری نمود (Velardo & Drummond, 2019).

میلسالویچ، مندیک و بنجاری (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی دانش تغذیه و عادات غذایی در دانش‌آموزان دبیرستانی» نشان دادند که برای ارتقاء سواد تغذیه‌ای

دانش‌آموزان دوره متوسطه، باید سیاست‌ها و راهبردهای برنامه درسی مدارس متوسطه، مورد بازبینی قرار گیرد (Milosavljevic, Mandic & Banjar, 2015).

فاستر و همکاران (۲۰۰۸) در پژوهشی با عنوان «جلوگیری از اضافه وزن و چاقی: یک مداخله مبتنی بر سیاست مدرسه»، نشان دادند که ارتقاء برنامه‌های درسی مدارس، می‌تواند در گسترش سواد تغذیه‌ای دانش‌آموزان و پیشگیری از چاقی کاملاً مؤثر باشد (Foster & et al., 2008).

بررسی پژوهش‌های فوق و سایر پژوهش‌هایی که در زمینه سواد غذا و تغذیه منتشر شده است، نشان می‌دهد که تاکنون وضعیت کتاب‌های درسی دوره دوم متوسطه در خصوص توجه به مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه بررسی نشده است و ازسوی دیگر در پژوهش‌های گذشته به همه ابعاد و مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه توجه نشده است. براین اساس، پژوهش حاضر می‌تواند در زمینه رفع خلأهای پژوهشی، فرهنگی و تربیتی در این زمینه مؤثر باشد و زمینه‌ساز پژوهش‌های مؤثری در حوزه سلامت تغذیه‌ای دانش‌آموزان باشد.

۴. ملاحظه‌های نظری

۴-۱. تعریف مفاهیم

سلامت به‌عنوان یک مسئله و چالش جهانی مطرح است. با شیوع روبه رشد بیماری‌های غیرواگیر مرتبط با تغذیه، اهمیت سواد غذا و تغذیه به‌عنوان یکی از اجزای مهم سواد سلامت مورد توجه واقع شده است (WHO, 2000). محققان علوم تغذیه با اقتباس از تعریف سازمان بهداشت جهانی از سلامت، سواد تغذیه‌ای را به‌عنوان «انگیزه و توانایی فرد در به‌دست‌آوردن، پردازش و درک اطلاعات تغذیه‌ای و مهارت‌های مورد نیاز به منظور اتخاذ تصمیم‌های درست تغذیه‌ای» تعریف کرده‌اند (Zoellner, 2009). سواد تغذیه محصول شش خرده‌مقیاس، تغذیه و سلامت، منابع انرژی در غذا، برجسب غذا و تاریخ مصرف آن، اندازه‌گیری مواد غذایی خانوار، گروه‌های غذایی و مهارت مصرف‌کننده است (Gibbs & et al., 2018).

۴-۲. مبانی نظری

در ایران، بحث فرهنگ و سواد تغذیه‌ای برای اولین بار در سال ۱۳۷۷ به‌عنوان یکی از دستاوردهای عمده طرح «مابا» در ادبیات تغذیه کشور مطرح شد. در این طرح عنوان شد که افزایش حقوق اقتصادی، منابع تغذیه‌ای و سلامتی لزوماً سبب بهبود

وضعیت سلامت تمام افراد نمی‌شود، چون استفاده بهینه از منابع، سازگار کردن شیوه و فرهنگ غذا خوردن با سلامت سلولی و بالاخره تأمین سلامت کودکان و زنان، ابعاد آگاهی، فرهنگی، مهارتی و رفتاری عمده‌ای دارد که باید مورد توجه قرار گیرد (قاسمی، ۱۳۷۷).

۴-۲-۱. اصول تغذیه سالم

شرط اصلی سالم زیستن، داشتن تغذیه صحیح است. تغذیه صحیح به معنی دریافت مقدار لازم و کافی از هر یک از مواد مغذی است. این مقدار در افراد مختلف بر حسب سن، جنس، میزان فعالیت، شرایط محیطی و سلامت و بیماری فرد متفاوت است؛ از این رو افراد برای برخورداری از تغذیه سالم نیازمند رعایت سه اصل تعادل، تنوع و تناسب در برنامه غذایی روزانه خود هستند (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۴۰۱).

اصل اول: تنوع در مصرف مواد غذایی: تنوع غذایی یعنی در برنامه‌ریزی غذایی روزانه، مواد غذایی گوناگون از هر شش گروه غذایی انتخاب و گنجانده شود. تنوع، وعده‌های غذایی را جالب‌تر و کفایت مواد غذایی را تأمین می‌کند. از آنجاکه مواد غذایی موجود در هر گروه غذایی، مقادیر مختلفی از مواد مغذی گوناگون را در خود دارند، لازم است که انتخاب مواد غذایی از هر گروه، روزبه‌روز متفاوت باشد (امیدوار؛ رحمانی و قوام صدری، ۱۳۹۵).

اصل دوم: تعادل در مصرف مواد غذایی: هیچ غذایی «خوب» یا «بد» نیست، بلکه هر گاه یک ماده غذایی کمتر یا بیشتر از حد نیاز مصرف شود «بد» یا «نامناسب» تلقی خواهد شد. به عبارت دیگر مصرف بیش از حد هر یک از گروه‌های غذایی می‌تواند به ایجاد کمبود ماده مغذی دیگری منجر شود (امیدوار؛ شریعت‌جعفری و مینایی، ۱۳۹۳).

اصل سوم: تناسب: (اعتدال در مصرف با در نظر گرفتن کفایت کالری یا انرژی دریافتی): برای غذا خوردن در حد اعتدال لازم است کل برنامه غذایی روزانه برنامه‌ریزی شود تا منبع یک ماده غذایی بیش از حد مصرف نشود. به‌طور کلی، اصل اعتدال کمک می‌کند که افراد به‌جای آنکه سعی در حذف مواد غذایی کنند، به‌طور ساده آنها را در حد اعتدال و در هماهنگی با سایر مواد غذایی مصرف نمایند. در تغذیه صحیح میزان و نوع غذایی که یک نفر مصرف می‌کند باید با نیازمندی‌های تغذیه‌ای او تناسب داشته باشد. «نیازمندی‌های تغذیه‌ای» به مقدار مناسب مواد مغذی برای حفظ سلامت اطلاق می‌شود که با توجه به شرایط

جسمی، محیطی و فردی متفاوت است و بر اساس سن، جنس، وزن و میزان فعالیت بدنی فرد تعیین می‌شود (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۴۰۱).

۲-۲-۴. بهداشت و ایمنی مواد غذایی

برای برخورداری از تغذیه مناسب، علاوه بر اینکه لازم است به میزان لازم و کافی از مواد غذایی استفاده کنیم، باید بهداشت مواد غذایی را نیز رعایت کنیم تا کارایی لازم برای حفظ سلامت بدن حاصل شود و از ابتلا به بیماری‌های مختلف مانند مسمومیت‌ها و بیماری‌های انگلی در امان بمانیم (طرح جامع مطالعات مصرف مواد غذایی و تغذیه، ۱۳۸۱). در واقع برای برخورداری از سلامت کامل و دستیابی به تغذیه صحیح و متعادل، توجه به بهداشت مواد غذایی به‌طور یقین از جمله عوامل اساسی است؛ زیرا امکان آلودگی و فساد مواد غذایی به دلیل راه یافتن میکروارگانیسم‌ها و فعالیت آنها، و یا تحت تأثیر عوامل فیزیکی و شیمیایی همواره وجود دارد و در صورت عدم رعایت شرایط بهداشتی در مراحل مختلف تهیه، توزیع، طبخ و نگهداری مواد غذایی، سلامت و حیات انسان پیوسته در معرض تهدید قرار می‌گیرد؛ لذا توجه به بهداشت مواد غذایی در جوار دانش تغذیه، امری ضروری است تا ضمن امکان انتخاب ترکیب مناسبی از غذاها و داشتن تغذیه کافی و مناسب، کیفیت و مرغوبیت آن‌ها نیز به نحو مطلوب رعایت شود (امیدوار، رحمانی و قوام صدی، ۱۳۹۵). بیشترین آلودگی در مواد غذایی بر اثر بی‌احتیاطی در مراحل تولید، فرآوری، نگهداری، حمل‌ونقل و عرضه مواد غذایی ایجاد می‌شود. از این‌رو اطلاع داشتن از اصول نگهداری صحیح مواد غذایی و استفاده از مواد غذایی بسته‌بندی شده و توجه به مشخصات و برچسب مواد غذایی می‌تواند به استفاده از مواد غذایی سالم کمک کند (امیدوار؛ شریعت‌جعفری و مینایی، ۱۳۹۳).

۳-۲-۴. مواد غذایی و بیماری

انتخاب مواد غذایی خوب می‌تواند به جلوگیری از بیماری‌هایی مانند بیماری‌های قلبی، برخی سرطان‌ها، دیابت، سکتة مغزی و پوکی استخوان که علل اصلی مرگ و ناتوانی می‌باشد، کمک کند (Danek; Berlin & Waite, 2017). بسیاری از عوامل ژنتیکی، محیطی، رفتاری و فرهنگی می‌تواند سلامت را تحت تأثیر قرار دهد. درک سابقه خانوادگی از بیماری و عوامل خطر، مانند وزن بدن و توزیع چربی، فشار خون و کلسترول خون می‌تواند به مردم برای تصمیم‌گیری آگاهانه‌تر در مورد بهبود

سلامت کمک کند. سواد تغذیه، ترویج انتخاب غذای خوب و رژیم غذایی است که منجر به بهبود سلامت می‌شود. درعین حال که عوامل خطر عمده برای بیماری‌های مزمن مانند: چاقی، فشار خون بالا و کلسترول خون بالا را کاهش می‌دهد (Liao; Lai & Chang, 2019).

۴-۲-۴. مواد مغذی موجود در غذاها

به‌طور کلی شش نوع ماده غذایی در ساختمان مواد غذایی شرکت دارند که عبارت‌اند از: کربوهیدرات‌ها، لیپیدها، پروتئین‌ها، که این مواد انرژی‌زا هستند و نقش ساختمانی و بیولوژیکی نیز به عهده دارند. ویتامین‌ها، آب و املاح نیز از جمله مواد غذایی هستند؛ اما انرژی‌زا نیستند و به‌عنوان مواد مغذی محافظ شناخته می‌شوند و در انجام واکنش‌های بیوشیمیایی نقش اساسی دارند. در مواد غذایی گیاهی، علاوه بر مواد مغذی، ترکیبات شیمیایی گیاهی وجود دارد که در حفظ سلامت و پیشگیری از بیماری‌هایی مانند بیماری‌های قلبی، عروقی و سرطان‌ها مفید می‌باشند (عبدلهی؛ مینایی و دولتی، ۱۳۹۸). رعایت یک الگوی غذایی کامل، شامل مصرف مقدار مناسب میوه و سبزی، لبنیات کم‌چرب، حبوبات و غلات کامل، گوشت ماهی و غذاهای حاوی مقادیر کم چربی می‌تواند باعث کاهش سطح کلسترول خون و نیز پیشگیری از فشار خون بالا و به‌دنبال آن کاهش خطر بروز بیماری‌های قلبی - عروقی شود (Mosca; Appel & Benjamin, 2004).

جدول (۱): مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه

A	آشنایی با تعاریف علم تغذیه و غذا.
B	آشنایی با شش نوع ماده مغذی کربوهیدرات‌ها، چربی‌ها (لیپیدها)، پروتئین‌ها، ویتامین‌ها، آب و املاح
C	توجه به سه اصل «تنوع»، «تعادل» و «تناسب» در انتخاب و مصرف مواد غذایی.
D	تنظیم مصرف غذایی روزانه برای حفظ وزن مطلوب.
E	توجه به وعده‌های اصلی و میان وعده‌ها با تأکید بر مصرف وعده غذایی صبحانه.
F	مصرف سه بار میوه در روز.
G	استفاده از نان و غلات سبوس‌دار و کامل.
H	استفاده از سبزی‌های خام و پخته در وعده‌های غذایی اصلی و میان وعده‌ها.

I	مصرف حبوبات و غذاهای پخته شده با آن.
J	قرار دادن مصرف شیر و فرآورده‌های آن (ماست، کشک و پنیر کم‌چرب ۲/۵ درصد و کمتر) در برنامه غذایی روزانه.
K	استفاده از تخم مرغ در برنامه غذایی هفتگی.
L	محدود نمودن مصرف چربی و روغن (به‌ویژه چربی و روغن‌های جامد).
M	استفاده از گوشت‌های سفید مثل مرغ و ماهی و محدود نمودن مصرف گوشت قرمز.
N	تحرک بدنی برای ایجاد تعادل بین کالری‌های دریافتی غذاها و انرژی مصرف‌شده.
O	محدود نمودن مصرف قند، شکر، شیرینی، نوشابه‌ها، آب‌میوه‌های صنعتی و شکلات.
P	خودداری از مصرف زیاد نمک و غذاهای پر نمک - استفاده از نمک پیدار.
Q	نوشیدن آب سالم و پاکیزه به میزان کافی در طول روز.
R	رعایت اصول ایمنی و بهداشت هنگام تولید، طبخ و مصرف مواد غذایی.
S	توجه به استانداردهای سلامت همچون برچسب مواد غذایی، تاریخ انقضای مصرف، نشان استاندارد و... هنگام تهیه مواد غذایی.
T	استفاده از ظروف در بسته یا روکش‌دار برای نگهداری مواد غذایی پخته‌شده در یخچال.
U	تهیه غذاهای آماده از محل‌هایی که اصول بهداشتی را رعایت می‌کنند.
V	به حداقل رساندن مصرف غذاهای آماده (فست‌فود) مانند سوسیس، همبرگر، کالباس، پیتزا و غیره.
W	استفاده از مکمل‌های (پروتئین، آهن، ویتامین) صرفاً با تجویز پزشک.
X	رعایت آداب غذا خوردن.
Y	آشنایی با نقش غذا در تأمین انرژی، تندرستی و سلامت بدن.
Z	آشنایی با نقش و اهمیت دندان‌ها در گوارش و حفاظت از دندان‌ها.
AA	پرهیز از اسراف و هدررفت مواد غذایی.

۵. روش پژوهش

در این پژوهش با توجه به ماهیت موضوع از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. روش تحلیل محتوا^۱ یکی از روش‌هایی است که در چند دهه اخیر به‌شدت رو به گسترش بوده است (کریپپندورف^۲، ۱۳۹۸؛ هولستی^۱، ۱۳۷۳). کرلینجر^۲ تحلیل

1. content analysis

2. Krippendorff

محتوا را روشی پژوهشی برای توصیف عینی، منظم و کمی متغیرها دانسته است (سعدی پور، ۱۳۹۹، ص. ۳۹۰). در این روش پژوهشگر می‌کوشد از طریق مطالعه یک پیام مکتوب یا شفاهی، به داده‌هایی دست یابد تا به کمک آنها به بررسی سؤال‌ها یا فرضیه‌های پژوهش پردازد (گال و بورگ^۳، ۱۳۹۹). سه مرحله اصلی تحلیل محتوا، عبارت‌اند از: ۱- آماده‌سازی و سازمان‌دهی (مرحله قبل از پیام) ۲- بررسی مواد (پیام) ۳- پردازش نتایج (سرمد؛ بازرگان و حجازی، ۱۳۹۳).

۵-۱. جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری

در پژوهش حاضر، جامعه آماری شامل کلیه کتاب‌های درسی دوره دوم متوسطه (چاپ ۱۴۰۱) است. در این پژوهش نمونه‌گیری انجام نشده و کلیه کتاب‌های درسی (۴۸ جلد کتاب) بررسی شده است.

۵-۲. ابزار اندازه‌گیری

در این پژوهش، برای بررسی و تحلیل محتوای کتاب‌های درسی، از فهرست‌وارسی تحلیل محتوا، استفاده شده است. فرم اولیه تحلیل محتوا، در اختیار پنج نفر از صاحب‌نظران این حوزه (اساتید رشته‌های علوم تغذیه) برای تغییر و اصلاح قرار گرفت که پس از اعمال نظرهای آنها فهرست واریسی تحلیل محتوای نهایی تهیه شد. مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه در جدول ۱، گزارش شده است.

۵-۳. روایی ابزار اندازه‌گیری

برای تعیین روایی فهرست واریسی تحلیل محتوا، از روش روایی صوری، محتوایی و نظر متخصصان استفاده شده است.

۵-۴. پایایی ابزار اندازه‌گیری

برای تأمین پایایی ابزار اندازه‌گیری از روش ویلیام اسکات^۴ (۱۳۹۱) استفاده شد. بدین صورت که فرم تحلیل محتوا در اختیار پنج نفر از اساتید علوم تغذیه (با مدرک دکتری) قرار گرفت که ضریب توافق آنها بر اساس داده‌های ذیل ۹۶ درصد به‌دست آمد.

$$C.R = \frac{\text{مقوله مورد های توافق}}{\text{کل ها مقوله}} \times 100$$

$$C.R = \frac{27+25+26+25+27}{135} \times 100 = 96$$

۵-۵. تعیین واحدهای تحلیل

برای تحلیل محتوای کتاب‌های درسی، در این پژوهش متن، تصویر، پرسش و فعالیت مورد بررسی قرار گرفته است و واحد تحلیل، مضمون در نظر گرفته شده است.

۵-۶. شیوه تحلیل داده‌ها

نتایج پژوهش با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی بررسی شده است. در این پژوهش برای مقایسه فراوانی مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه در کتاب‌های درسی دوره متوسطه دوم، رشته‌های علوم تجربی، علوم انسانی و ریاضی از آزمون خی دو^۱ استفاده شده است.

۶. یافته‌های پژوهش

در این بخش یافته‌های پژوهش بر مبنای سؤال‌های پژوهش ارائه می‌گردد.

۶-۱. وضعیت محتوای کتاب‌های درسی دوره دوم متوسطه در خصوص

توجه به مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه

۶-۱-۱. وضعیت محتوای کتاب‌های درسی پایه دهم در خصوص توجه

به مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه

جدول (۲): فراوانی مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه در کتاب‌های درسی پایه دهم

کتاب‌های درسی مؤلفه‌ها	اقتصاد (انسانی)	جامعه شناسی ۱ (انسانی)	زیست شناسی ۱ (تجربی)	تجربی و ریاضی (مشترک)	سواد کتاب‌ها	مجموع		
						انسانی	تجربی	ریاضی
A	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
B	۰	۰	۱۹	۲	۰	۲۱	۰	۲
C	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰

مؤلفه‌ها	کتاب‌های درسی	اقتصاد (انسانی)	جامعه‌شناسی ۱ (انسانی)	زیست‌شناسی ۱ (تجربی)	شیمی ۱ (مشترک تجربی و ریاضی)	سایر کتاب‌ها	مجموع		
							انسانی	تجربی	ریاضی
D	۰	۰	۰	۱۰	۰	۰	۰	۱۰	۰
E	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
F	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
G	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
H	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
I	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
J	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
K	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
L	۱	۰	۰	۲	۰	۰	۱	۲	۰
M	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
N	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰
O	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲	۰	۰
P	۱	۰	۰	۰	۴	۰	۱	۴	۴
Q	۰	۰	۰	۳	۶	۰	۰	۹	۶
R	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
S	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۱
T	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
U	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
V	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۲	۱	۰
W	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
X	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
Y	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰
Z	۰	۰	۰	۲	۰	۰	۰	۲	۰
AA	۳	۰	۰	۰	۰	۰	۳	۰	۰
مجموع	۵	۴	۳۹	۱۳	۰	۹	۵۲	۱۳	۱۳

مطابق با جدول شماره ۲، در کتاب‌های درسی پایه دهم رشته علوم انسانی، ۹ مرتبه به مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه اشاره شده بود. در این پایه به ترتیب به مؤلفه‌های «پرهیز از اسراف و هدررفت مواد غذایی» با ۳ فراوانی توجه بیشتر و به سایر مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه در این پایه تحصیلی توجه کافی مبذول نشده بود.

در کتاب‌های درسی پایه دهم رشته علوم تجربی ۵۲ مرتبه به مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه اشاره شده بود. در این پایه تحصیلی به ترتیب به مؤلفه‌های «آشنایی با شش نوع ماده مغذی کربوهیدرات‌ها، چربی‌ها (لیپیدها)، پروتئین‌ها، ویتامین‌ها، آب و املاح» با ۲۱ فراوانی، «تنظیم مصرف غذایی روزانه برای حفظ وزن مطلوب» با ۱۰ فراوانی، «نوشیدن آب سالم و پاکیزه به میزان کافی در طول روز» با ۹ فراوانی، «خودداری از مصرف زیاد نمک و غذاهای پُر نمک - استفاده از نمک یددار» با ۴ فراوانی توجه بیشتر و به سایر مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه توجه کافی مبذول نشده بود. همچنین در کتاب‌های درسی پایه یازدهم رشته ریاضی - فیزیک، ۱۳ مرتبه به مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه اشاره شده بود. در این پایه تحصیلی به ترتیب به مؤلفه‌های «نوشیدن آب سالم و پاکیزه به میزان کافی در طول روز» با ۶ فراوانی و «خودداری از مصرف زیاد نمک و غذاهای پُر نمک - استفاده از نمک یددار» با ۴ فراوانی توجه بیشتر و به سایر مؤلفه‌ها توجه کافی مبذول نشده بود.

۱-۲. وضعیت محتوای کتاب‌های درسی پایه یازدهم در خصوص توجه به مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه

جدول (۳): فراوانی مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه در کتاب‌های درسی پایه یازدهم

مؤلفه‌ها	کتاب‌های درسی	انسان و محیط زیست (کلیه رشته‌ها)	روانشناسی (انسانی)	زیست‌شناسی ۲ (تجربی)	شیمی ۲ (تجربی و ریاضی)	سایر کتاب‌ها	مجموع		
							انسانی	تجربی	ریاضی
A	۲	۰	۰	۰	۲	۰	۲	۴	
B	۰	۰	۰	۶	۱۲	۰	۱۸	۱۲	
C	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	
D	۰	۲	۲	۲	۲	۰	۴	۲	
E	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۱	
F	۰	۱	۱	۰	۳	۰	۳	۳	
G	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	
H	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	
I	۰	۰	۰	۰	۳	۰	۳	۳	
J	۰	۰	۰	۰	۵	۰	۵	۵	
K	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۱	

مجموع			سایر کتاب‌ها	شیمی ۲ (تجربی و ریاضی)	زیست‌شناسی ۲ (تجربی)	روان‌شناسی (انسانی)	انسان و محیط زیست (کلیه رشته‌ها)	کتاب‌های درسی	مؤلفه‌ها
ریاضی	تجربی	انسانی							
۱	۱	۲	۰	۱	۰	۲	۰	L	
۲	۲	۰	۰	۲	۰	۰	۰	M	
۰	۲	۲	۰	۰	۲	۲	۰	N	
۱	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۰	O	
۰	۳	۰	۰	۰	۳	۰	۰	P	
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	Q	
۲۲	۲۲	۶	۰	۱۶	۰	۰	۶	R	
۵	۵	۳	۰	۲	۰	۰	۳	S	
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	T	
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	U	
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	V	
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	W	
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	X	
۶	۶	۰	۰	۶	۰	۰	۰	Y	
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	Z	
۱۰	۱۰	۴	۰	۶	۰	۰	۴	AA	
۷۸	۹۱	۲۴	۰	۶۳	۱۳	۹	۱۵	مجموع	

مطابق با جدول شماره ۳، در کتاب‌های درسی پایه یازدهم رشته علوم انسانی، ۲۴ مرتبه به مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه اشاره شده است. در کتاب‌های درسی این پایه به ترتیب به مؤلفه‌های «رعایت اصول ایمنی و بهداشت هنگام تولید، طبخ و مصرف مواد غذایی» با ۶ فراوانی، «پرهیز از اسراف و هدررفت مواد غذایی» با ۴ فراوانی، توجه بیشتر و به سایر مؤلفه‌ها توجه کافی مبذول نشده بود. در کتاب‌های درسی پایه یازدهم رشته علوم تجربی، در مجموع ۹۱ مرتبه به مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه اشاره شده بود. در این پایه تحصیلی، به ترتیب به مؤلفه‌های «رعایت اصول ایمنی و بهداشت هنگام تولید، طبخ و مصرف مواد غذایی» با ۲۲ فراوانی، «آشنایی با شش نوع ماده مغذی کربوهیدرات‌ها، چربی‌ها (لیپیدها)، پروتئین‌ها، ویتامین‌ها، آب و املاح» با ۱۸ فراوانی، «پرهیز از اسراف و هدررفت مواد غذایی» با ۱۰ فراوانی،

توجه بیشتر و به سایر مؤلفه‌ها توجه کافی مبذول نشده بود. در کتاب‌های درسی پایه یازدهم رشته ریاضی ۷۸ مرتبه به مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه اشاره شده بود. در کتاب‌های درسی این پایه به ترتیب به مؤلفه‌های «رعایت اصول ایمنی و بهداشت هنگام تولید، طبخ و مصرف مواد غذایی» با ۲۲ فراوانی، «آشنایی با شش نوع ماده مغذی کربوهیدرات‌ها، چربی‌ها (لیپیدها)، پروتئین‌ها، ویتامین‌ها، آب و املاح» با ۱۲ فراوانی، «پرهیز از اسراف و هدررفت مواد غذایی» با ۱۰ فراوانی، توجه بیشتر و به سایر مؤلفه‌ها توجه کمتری مبذول شده بود.

۳-۱-۶. تحلیل محتوای کتاب‌های درسی پایه دوازدهم متوسطه نظری

جدول (۴): فراوانی مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه در کتاب‌های درسی پایه دوازدهم

مؤلفه‌ها	کتاب‌های درسی	سلامت و بهداشت (کلید رشته‌ها)	زیست‌شناسی ۲ (تجربی)	شیمی ۲ (تجربی و ریاضی)	سایر کتاب‌ها	مجموع		
						انسانی	تجربی	ریاضی
A	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱
B	۴۸	۱۱	۰	۰	۰	۴۸	۵۹	۴۸
C	۷	۰	۰	۰	۰	۷	۷	۷
D	۳۶	۲	۰	۰	۰	۳۶	۳۸	۳۶
E	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱
F	۶	۱	۰	۰	۰	۶	۷	۶
G	۳	۰	۰	۰	۰	۳	۳	۳
H	۶	۱	۰	۰	۰	۶	۷	۶
I	۵	۰	۰	۰	۰	۵	۵	۵
J	۸	۰	۰	۰	۰	۸	۸	۸
K	۳	۰	۰	۰	۰	۳	۳	۳
L	۲۴	۰	۰	۰	۰	۲۴	۲۴	۲۴
M	۹	۰	۰	۰	۰	۹	۹	۹
N	۱۲	۱	۰	۰	۰	۱۲	۱۳	۱۲
O	۱۰	۰	۰	۰	۰	۱۰	۱۰	۱۰
P	۸	۱	۰	۰	۰	۸	۹	۸
Q	۱۱	۰	۰	۰	۰	۱۱	۱۱	۱۱
R	۵۴	۰	۲	۰	۰	۵۴	۵۶	۵۶

مجموع			سایر کتاب‌ها	شیمی ۲ (تجربی و ریاضی)	زیست‌شناسی ۲ (تجربی)	سلامت و بهداشت (کلیه رشته‌ها)	کتاب‌های درسی	مؤلفه‌ها
ریاضی	تجربی	انسانی						
۳	۳	۳	۰	۰	۰	۴	S	
۱	۱	۱	۰	۰	۰	۱	T	
۲	۲	۲	۰	۰	۰	۲	U	
۲	۳	۲	۰	۰	۱	۲	V	
۴	۴	۴	۰	۰	۰	۴	W	
۱۲	۱۲	۱۱	۰	۱	۰	۱۱	X	
۴	۴	۳	۰	۱	۰	۳	Y	
۳۳	۳۳	۳۳	۰	۰	۰	۳۳	Z	
۱	۱	۱	۰	۰	۰	۱	AA	
۳۱۶	۳۳۴	۳۱۲	۰	۴	۱۸	۳۱۲	مجموع	

مطابق با جدول شماره ۴، در کتاب‌های درسی پایه دوازدهم رشته علوم انسانی، ۳۱۲ مرتبه به مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه اشاره شده است. در این پایه تحصیلی به مؤلفه‌های «رعایت اصول ایمنی و بهداشت هنگام تولید، طبخ و مصرف مواد غذایی» با ۵۴ فراوانی، «آشنایی با شش نوع ماده مغذی کربوهیدرات‌ها، چربی‌ها (لیپیدها)، پروتئین‌ها، ویتامین‌ها، آب و املاح» با ۴۸ فراوانی، «تنظیم مصرف غذایی روزانه برای حفظ وزن مطلوب» با ۳۶ فراوانی، «آشنایی با نقش و اهمیت دندان‌ها در گوارش و حفاظت از دندان‌ها» با ۳۳ فراوانی، «محدود نمودن مصرف چربی و روغن (به‌ویژه چربی و روغن‌های جامد)» با ۲۴ فراوانی، توجه بیشتری مبذول شده بود و به سایر مؤلفه‌ها توجه کمتری مبذول شده بود. در کتاب‌های درسی پایه دوازدهم رشته علوم تجربی، ۳۳۴ مرتبه به مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه اشاره شده است. در این پایه تحصیلی به مؤلفه‌های «آشنایی با شش نوع ماده مغذی کربوهیدرات‌ها، چربی‌ها (لیپیدها)، پروتئین‌ها، ویتامین‌ها، آب و املاح» با ۵۹ فراوانی، «رعایت اصول ایمنی و بهداشت هنگام تولید، طبخ و مصرف مواد غذایی» با ۵۶ فراوانی، «تنظیم مصرف غذایی روزانه برای حفظ وزن مطلوب» با ۳۸ فراوانی، «آشنایی با نقش و اهمیت دندان‌ها در گوارش و حفاظت از دندان‌ها» با ۳۳ فراوانی، «محدود نمودن مصرف چربی و روغن (به‌ویژه چربی و روغن‌های جامد)» با ۲۴ فراوانی، توجه بیشتری مبذول شده بود و به سایر مؤلفه‌ها توجه کمتری مبذول شده بود. در کتاب‌های درسی پایه دوازدهم رشته



ریاضی، ۳۱۶ مرتبه به مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه اشاره شده است. در این پایه تحصیلی به مؤلفه‌های «رعایت اصول ایمنی و بهداشت هنگام تولید، طبخ و مصرف مواد غذایی» با ۵۶ فراوانی، «آشنایی با شش نوع ماده مغذی کربوهیدرات‌ها، چربی‌ها (لیپیدها)، پروتئین‌ها، ویتامین‌ها، آب و املاح» با ۴۸ فراوانی، «تنظیم مصرف غذایی روزانه برای حفظ وزن مطلوب» با ۳۶ فراوانی، «آشنایی با نقش و اهمیت دندان‌ها در گوارش و حفاظت از دندان‌ها» با ۳۳ فراوانی، «محدود نمودن مصرف چربی و روغن (به‌ویژه چربی و روغن‌های جامد)» با ۲۴ فراوانی، توجه بیشتری مبذول شده بود و به سایر مؤلفه‌ها، توجه کمتری مبذول شده بود.

۲-۶. وضعیت محتوای کتاب‌های درسی رشته علوم انسانی در خصوص توجه به مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه

جدول (۵): فراوانی مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه در کتاب‌های درسی رشته علوم انسانی

مؤلفه‌ها	علوم انسانی	پایه دهم	پایه یازدهم	پایه دوازدهم	مجموع
A	۰	۲	۱	۳	۳
B	۰	۰	۴۸	۴۸	۴۸
C	۰	۱	۷	۸	۸
D	۰	۲	۳۶	۳۸	۳۸
E	۰	۰	۱	۱	۱
F	۰	۱	۶	۷	۷
G	۰	۱	۳	۴	۴
H	۰	۰	۶	۶	۶
I	۰	۰	۵	۵	۵
J	۰	۰	۸	۸	۸
K	۰	۰	۳	۳	۳
L	۱	۲	۲۴	۲۷	۲۷
M	۰	۰	۹	۹	۹
N	۰	۲	۱۲	۱۴	۱۴
O	۲	۰	۱۰	۱۲	۱۲

مؤلفه‌ها	علوم انسانی	پایه دهم	پایه یازدهم	پایه دوازدهم	مجموع
P	۱	۰	۸	۹	
Q	۰	۰	۱۱	۱۱	
R	۰	۶	۵۴	۶۰	
S	۰	۳	۳	۶	
T	۰	۰	۱	۱	
U	۰	۰	۲	۲	
V	۲	۰	۲	۴	
W	۰	۰	۴	۴	
X	۰	۰	۱۱	۱۱	
Y	۰	۰	۳	۳	
Z	۰	۰	۳۳	۳۳	
AA	۳	۴	۱	۸	
مجموع	۹	۲۴	۳۱۲	۳۴۵	

مطابق با جدول شماره ۵، در مجموع در کتاب‌های درسی رشته علوم انسانی، ۳۴۵ مرتبه به مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه اشاره شده است. در این رشته تحصیلی به مؤلفه‌های «رعایت اصول ایمنی و بهداشت هنگام تولید، طبخ و مصرف مواد غذایی» با ۶۰ فراوانی، «آشنایی با شش نوع ماده مغذی کربوهیدرات‌ها، چربی‌ها (لیپیدها)، پروتئین‌ها، ویتامین‌ها، آب و املاح» با ۴۸ فراوانی، «تنظیم مصرف غذایی روزانه برای حفظ وزن مطلوب» با ۳۸ فراوانی، «آشنایی با نقش و اهمیت دندان‌ها در گوارش و حفاظت از دندان‌ها» با ۳۳ فراوانی، «محدود نمودن مصرف چربی و روغن (به‌ویژه چربی و روغن‌های جامد)» با ۲۷ فراوانی، توجه بیشتری مبذول شده بود و به مؤلفه‌های «تحرك بدنی برای ایجاد تعادل بین کالری‌های دریافتی غذاها و انرژی مصرف شده» با ۱۴ فراوانی، «محدود نمودن مصرف قند، شکر، شیرینی، نوشابه‌ها، آب‌میوه‌های صنعتی و شکلات» با ۱۲ فراوانی، «نوشیدن آب سالم و پاکیزه به میزان کافی در طول روز» و «رعایت آداب غذا خوردن» هر کدام با ۱۱ فراوانی، «خودداری از مصرف زیاد نمک و غذاهای پُر نمک - استفاده از نمک یددار» توجه بیشتر و به سایر مؤلفه‌ها توجه کمتری مبذول شده بود.

۳-۶. وضعیت محتوای کتاب‌های درسی رشته تجربی در خصوص
توجه به مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه

جدول (۶): فراوانی مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه در کتاب‌های درسی رشته علوم تجربی

مجموع	پایه دوازدهم	پایه یازدهم	پایه دهم	علوم تجربی مؤلفه‌ها
۵	۱	۴	۰	A
۹۸	۵۹	۱۸	۲۱	B
۷	۷	۰	۰	C
۵۲	۳۸	۴	۱۰	D
۲	۱	۱	۰	E
۱۰	۷	۳	۰	F
۳	۳	۰	۰	G
۷	۷	۰	۰	H
۸	۵	۳	۰	I
۱۳	۸	۵	۰	J
۴	۳	۱	۰	K
۲۷	۲۴	۱	۲	L
۱۱	۹	۲	۰	M
۱۶	۱۳	۲	۱	N
۱۱	۱۰	۱	۰	O
۱۶	۹	۳	۴	P
۲۰	۱۱	۰	۹	Q
۷۸	۵۶	۲۲	۰	R
۹	۳	۵	۱	S
۱	۱	۰	۰	T
۲	۲	۰	۰	U
۴	۳	۰	۱	V
۴	۴	۰	۰	W

مؤلفه‌ها	علوم تجربی	پایه دهم	پایه یازدهم	پایه دوازدهم	مجموع
X	۰	۰	۱۲	۱۲	۱۲
Y	۱	۶	۴	۱۱	۱۱
Z	۲	۰	۳۳	۳۵	۳۵
AA	۰	۱۰	۱	۱۱	۱۱
مجموع	۵۲	۹۱	۳۳۴	۴۷۷	۴۷۷

مطابق با جدول ۶، در کتاب‌های درسی رشته علوم تجربی، ۴۷۷ مرتبه به مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه اشاره شده است. در این رشته تحصیلی به مؤلفه‌های «آشنایی با شش نوع ماده مغذی کربوهیدرات‌ها، چربی‌ها (لیپیدها)، پروتئین‌ها، ویتامین‌ها، آب و املاح» با ۹۸ فراوانی، «رعایت اصول ایمنی و بهداشت هنگام تولید، طبخ و مصرف مواد غذایی» با ۷۸ فراوانی، «تنظیم مصرف غذایی روزانه برای حفظ وزن مطلوب» با ۳۸ فراوانی، «آشنایی با نقش و اهمیت دندان‌ها در گوارش و حفاظت از دندان‌ها» با ۵۲ فراوانی، «محدود نمودن مصرف چربی و روغن (به‌ویژه چربی و روغن‌های جامد)» با ۲۷ فراوانی، «نوشیدن آب سالم و پاکیزه به میزان کافی در طول روز» با ۲۰ فراوانی، توجه بیشتری مبذول شده بود و به مؤلفه‌های «خودداری از مصرف زیاد نمک و غذاهای پُر نمک - استفاده از نمک یددار» و «تحرك بدنی برای ایجاد تعادل بین کالری‌های دریافتی غذاها و انرژی مصرف‌شده» هر کدام با ۱۶ فراوانی، «قرار دادن مصرف شیر و فرآورده‌های آن (ماست، کشک و پنیر کم‌چرب (۲/۵ درصد و کمتر) در برنامه غذایی روزانه» با ۱۳ فراوانی، «رعایت آداب غذا خوردن» هر کدام با ۱۲ فراوانی، «پرهیز از اسراف و هدررفت مواد غذایی»، «محدود نمودن مصرف قند، شکر، شیرینی، نوشابه‌ها، آب‌میوه‌های صنعتی و شکلات»، «آشنایی با نقش غذا در تأمین انرژی، تندرستی و سلامت بدن» و «استفاده از گوشت‌های سفید مثل مرغ و ماهی و محدود نمودن مصرف گوشت قرمز» هر کدام با ۱۱ فراوانی، «مصرف سه بار میوه در روز» با ۱۰ فراوانی توجه بیشتر و به سایر مؤلفه‌ها توجه کمتری مبذول شده بود.



۴-۶. وضعیت محتوای کتاب‌های درسی رشته ریاضی در خصوص
توجه به مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه

جدول (۶): فراوانی مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه در کتاب‌های درسی رشته ریاضی

مجموع	پایه دوازدهم	پایه یازدهم	پایه دهم	رشته ریاضی مؤلفه‌ها
۵	۱	۴	۰	A
۶۲	۴۸	۱۲	۲	B
۷	۷	۰	۰	C
۳۸	۳۶	۲	۰	D
۲	۱	۱	۰	E
۹	۶	۳	۰	F
۳	۳	۰	۰	G
۶	۶	۰	۰	H
۸	۵	۳	۰	I
۱۳	۸	۵	۰	J
۴	۳	۱	۰	K
۲۵	۲۴	۱	۰	L
۱۱	۹	۲	۰	M
۱۲	۱۲	۰	۰	N
۱۱	۱۰	۱	۰	O
۱۲	۸	۰	۴	P
۱۷	۱۱	۰	۶	Q
۷۸	۵۶	۲۲	۰	R
۹	۳	۵	۱	S
۱	۱	۰	۰	T
۲	۲	۰	۰	U
۲	۲	۰	۰	V
۴	۴	۰	۰	W

مؤلفه‌ها	رشته ریاضی	پایه دهم	پایه یازدهم	پایه دوازدهم	مجموع
X	۰	۰	۱۲	۱۲	۱۲
Y	۰	۶	۴	۱۰	۱۰
Z	۰	۰	۳۳	۳۳	۳۳
AA	۰	۱۰	۱	۱۱	۱۱
مجموع	۱۳	۷۸	۳۱۶	۴۰۷	

مطابق با جدول ۶، در کتاب‌های درسی رشته ریاضی، ۴۰۷ مرتبه به مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه اشاره شده است. در این رشته تحصیلی به مؤلفه‌های «رعایت اصول ایمنی و بهداشت هنگام تولید، طبخ و مصرف مواد غذایی» با ۷۸ فراوانی، «آشنایی با شش نوع ماده مغذی کربوهیدرات‌ها، چربی‌ها (لیپیدها)، پروتئین‌ها، ویتامین‌ها، آب و املاح» با ۶۲ فراوانی، «تنظیم مصرف غذایی روزانه برای حفظ وزن مطلوب» با ۳۸ فراوانی، «آشنایی با نقش و اهمیت دندان‌ها در گوارش و حفاظت از دندان‌ها» با ۳۳ فراوانی، «محدود نمودن مصرف چربی و روغن (به‌ویژه چربی و روغن‌های جامد)» با ۲۵ فراوانی، توجه بیشتری شده بود و به مؤلفه‌های «نوشیدن آب سالم و پاکیزه به میزان کافی در طول روز» با ۱۷ فراوانی، «قرار دادن مصرف شیر و فرآورده‌های آن (ماست، کشک و پنیر کم‌چرب (۲/۵ درصد و کمتر) در برنامه غذایی روزانه» با ۱۳ فراوانی، «خودداری از مصرف زیاد نمک و غذاهای پُر نمک- استفاده از نمک یددار»، «رعایت آداب غذا خوردن» و «تحرك بدنی برای ایجاد تعادل بین کالری‌های دریافتی غذاها و انرژی مصرف شده» هر کدام با ۱۲ فراوانی، «پرهیز از اسراف و هدررفت مواد غذایی» و «محدود نمودن مصرف قند، شکر، شیرینی، نوشابه‌ها، آب‌میوه‌های صنعتی و شکلات»، «استفاده از گوشت‌های سفید مثل مرغ و ماهی و محدود نمودن مصرف گوشت قرمز» هر کدام با ۱۱ فراوانی، «آشنایی با نقش غذا در تأمین انرژی، تندرستی و سلامت بدن» با ۱۰ فراوانی توجه بیشتر و به سایر مؤلفه‌ها توجه کمتری شده بود.

۵-۶. مقایسه فراوانی مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه در کتاب‌های درسی رشته‌های علوم انسانی، علوم تجربی و ریاضی

جدول (۷): نتایج آزمون خی دو به منظور مقایسه فراوانی مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه در کتاب‌های درسی رشته‌های علوم انسانی، تجربی و ریاضی

رشته	فراوانی مشاهده شده	فراوانی مورد انتظار	مقدار خی دو	df	p
علوم انسانی	۳۴۵	۴۰۹/۶	۲۱/۳	۲	۰/۰۰۰
علوم تجربی	۴۷۷	۴۰۹/۶			
ریاضی	۴۰۷	۴۰۹/۶			

نتایج مندرج در جدول ۷ نشان می‌دهد که فراوانی مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه در کتاب‌های درسی رشته علوم انسانی ۳۴۵ مورد، در کتاب‌های درسی رشته علوم تجربی، ۴۷۷ مورد و در کتاب‌های درسی رشته ریاضی ۴۰۷ مورد می‌باشد. نتایج آزمون خی دو، معنی‌دار بودن این تفاوت را نشان می‌دهد ($\chi^2 = 21/3$, $p = 0/000$).

نتیجه‌گیری

امروزه توجه به سلامت جامعه به‌عنوان محور و زیربنای جامعه مورد تأکید قرار گرفته و تغذیه صحیح و متعادل، اساس دستیابی به آن تلقی می‌شود. سواد غذا و تغذیه، یکی از راه‌های رسیدن به تغذیه صحیح و متعادل است به طوری که هر فرد، در هر زمان بتواند با استفاده از علم و دانش کسب‌شده در انتخاب غذا و تأمین نیازهای تغذیه‌ای خود با شیوه صحیح اقدام نماید. با توجه به تأکید سیاست‌های کلی جمعیت ابلاغی مقام معظم رهبری بر تغذیه سالم جمعیت و داشتن سواد تغذیه‌ای، در پژوهش حاضر وضعیت مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه در کتاب‌های درسی دوره دوم متوسطه نظری با استفاده از روش تحلیل محتوا بررسی شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که:

۱- در کتاب‌های درسی رشته علوم انسانی، به مؤلفه‌های «رعایت اصول ایمنی و بهداشت هنگام تولید، طبخ و مصرف مواد غذایی»، «آشنایی با شش نوع ماده مغذی کربوهیدرات‌ها، چربی‌ها (لیپیدها)، پروتئین‌ها، ویتامین‌ها، آب و املاح»، «تنظیم مصرف غذایی روزانه برای حفظ وزن مطلوب»، «آشنایی با نقش و اهمیت دندان‌ها در گوارش و حفاظت از دندان‌ها»، «محدود نمودن مصرف چربی

و روغن (به‌ویژه چربی و روغن‌های جامد) توجه بیشتری شده بود و به مؤلفه‌های «تحرک بدنی برای ایجاد تعادل بین کالری‌های دریافتی غذاها و انرژی مصرف شده»، «محدود نمودن مصرف قند، شکر، شیرینی، نوشابه‌ها، آب‌میوه‌های صنعتی و شکلات»، «نوشیدن آب سالم و پاکیزه به میزان کافی در طول روز»، «رعایت آداب غذا خوردن»، «خودداری از مصرف زیاد نمک و غذاهای پُر نمک - استفاده از نمک یددار»، «استفاده از گوشت‌های سفید مثل مرغ و ماهی و محدود نمودن مصرف گوشت قرمز»، «توجه به سه اصل «تنوع»، «تعادل» و «تناسب» در انتخاب و مصرف مواد غذایی»، «قرار دادن مصرف شیر و فرآورده‌های آن (ماست، کشک و پنیر کم‌چرب (۲/۵ درصد و کمتر) در برنامه غذایی روزانه»، «پرهیز از اسراف و هدررفت مواد غذایی»، «مصرف سه بار میوه در روز»، «استفاده از سبزی‌های خام و پخته در وعده‌های غذایی اصلی و میان‌وعده‌ها»، «توجه به استانداردهای سلامت همچون برچسب مواد غذایی، تاریخ انقضای مصرف، نشان استاندارد و غیره هنگام تهیه مواد غذایی»، «مصرف حبوبات و غذاهای پخته شده با آن»، «استفاده از نان و غلات سبوس‌دار و کامل»، «به حداقل رساندن مصرف غذاهای آماده (فست‌فود) مانند سوسیس، همبرگر، کالباس، پیتزا و غیره»، «استفاده از مکمل‌ها (پروتئین، آهن، ویتامین) صرفاً با تجویز پزشک»، «آشنایی با تعاریف علم تغذیه و غذا»، «استفاده از تخم مرغ در برنامه غذایی هفتگی»، «آشنایی با نقش غذا در تأمین انرژی، تندرستی و سلامت بدن»، «تهیه غذاهای آماده از محل‌هایی که اصول بهداشتی را رعایت می‌کنند»، «توجه به وعده‌های اصلی و میان‌وعده‌ها با تأکید بر مصرف وعده غذایی صبحانه»، «استفاده از ظروف دربسته یا روکش‌دار برای نگهداری مواد غذایی پخته‌شده در یخچال»، توجه کمتری شده بود.

۲- در کتاب‌های درسی رشته علوم تجربی، به مؤلفه‌های «آشنایی با شش نوع ماده مغذی کربوهیدرات‌ها، چربی‌ها (لیپیدها)، پروتئین‌ها، ویتامین‌ها، آب و املاح»، «رعایت اصول ایمنی و بهداشت هنگام تولید، طبخ و مصرف مواد غذایی»، «تنظیم مصرف غذایی روزانه برای حفظ وزن مطلوب»، «آشنایی با نقش و اهمیت دندان‌ها در گوارش و حفاظت از دندان‌ها»، «محدود نمودن مصرف چربی و روغن (به‌ویژه چربی و روغن‌های جامد)»، «نوشیدن آب سالم و پاکیزه به میزان کافی در طول روز»، توجه بیشتری مبذول شده بود و به مؤلفه‌های «خودداری از مصرف زیاد نمک و غذاهای پُر نمک - استفاده از نمک یددار»، «تحرک بدنی برای



ایجاد تعادل بین کالری‌های دریافتی غذاها و انرژی مصرف‌شده»، «قرار دادن مصرف شیر و فرآورده‌های آن (ماست، کشک و پنیر کم‌چرب (۲/۵) درصد و کمتر) در برنامه غذایی روزانه»، «رعایت آداب غذا خوردن»، «پرهیز از اسراف و هدررفت مواد غذایی»، «محدود نمودن مصرف قند، شکر، شیرینی، نوشابه‌ها، آب‌میوه‌های صنعتی و شکلات»، «آشنایی با نقش غذا در تأمین انرژی، تندرستی و سلامت بدن»، «استفاده از گوشت‌های سفید مثل مرغ و ماهی و محدود نمودن مصرف گوشت قرمز»، «مصرف سه بار میوه در روز»، «توجه به استانداردهای سلامت همچون برچسب مواد غذایی، تاریخ انقضای مصرف، نشان استاندارد و غیره هنگام تهیه مواد غذایی»، «مصرف حبوبات و غذاهای پخته شده با آن»، «توجه به سه اصل «تنوع»، «تعادل» و «تناسب» در انتخاب و مصرف مواد غذایی»، «استفاده از سبزی‌های خام و پخته در وعده‌های غذایی اصلی و میان وعده‌ها»، «آشنایی با تعاریف علم تغذیه و غذا»، «استفاده از مکمل‌ها (پروتئین، آهن، ویتامین) صرفاً با تجویز پزشک»، «استفاده از نان و غلات سبوس‌دار و کامل»، «استفاده از تخم مرغ در برنامه غذایی هفتگی»، «به حداقل رساندن مصرف غذاهای آماده (فست فود) مانند سوسیس، همبرگر، کالباس، پیتزا و غیره»، «تهیه غذاهای آماده از محل‌هایی که اصول بهداشتی را رعایت می‌کنند»، «توجه به وعده‌های اصلی و میان‌وعده‌ها با تأکید بر مصرف وعده غذایی صبحانه»، «استفاده از ظروف دربسته یا روکش‌دار برای نگهداری مواد غذایی پخته‌شده در یخچال» توجه کمتری مبذول شده بود.

۳- در کتاب‌های درسی رشته ریاضی، به مؤلفه‌های «رعایت اصول ایمنی و بهداشت هنگام تولید، طبخ و مصرف مواد غذایی»، «آشنایی با شش نوع ماده مغذی کربوهیدرات‌ها، چربی‌ها (لیپیدها)، پروتئین‌ها، ویتامین‌ها، آب و املاح» فراوانی، «تنظیم مصرف غذایی روزانه برای حفظ وزن مطلوب»، «آشنایی با نقش و اهمیت دندان‌ها در گوارش و حفاظت از دندان‌ها»، «محدود نمودن مصرف چربی و روغن (به‌ویژه چربی و روغن‌های جامد)» توجه بیشتری مبذول شده بود و به مؤلفه‌های «نوشیدن آب سالم و پاکیزه به میزان کافی در طول روز»، «قرار دادن مصرف شیر و فرآورده‌های آن (ماست، کشک و پنیر کم‌چرب (۲/۵) درصد و کمتر) در برنامه غذایی روزانه»، «خودداری از مصرف زیاد نمک و غذاهای پُر‌نمک - استفاده از نمک یددار»، «رعایت آداب غذا خوردن» و «تحرک بدنی برای ایجاد تعادل بین کالری‌های دریافتی غذاها و انرژی مصرف‌شده»، «پرهیز از



اسراف و هدررفت مواد غذایی»، «محدود نمودن مصرف قند، شکر، شیرینی، نوشابه‌ها، آب‌میوه‌های صنعتی و شکلات»، «استفاده از گوشت‌های سفید مثل مرغ و ماهی و محدود نمودن مصرف گوشت قرمز»، «آشنایی با نقش غذا در تأمین انرژی، تندرستی و سلامت بدن»، «توجه به استانداردهای سلامت همچون برچسب مواد غذایی، تاریخ انقضای مصرف، نشان استاندارد و غیره هنگام تهیه مواد غذایی»، «مصرف سه بار میوه در روز»، «مصرف حبوبات و غذاهای پخته شده با آن»، «توجه به سه اصل «تنوع»، «تعادل» و «تناسب» در انتخاب و مصرف مواد غذایی»، «استفاده از سبزی‌های خام و پخته در وعده‌های غذایی اصلی و میان‌وعده‌ها»، «آشنایی با تعاریف علم تغذیه و غذا»، «استفاده از مکمل‌ها (پروتئین، آهن و ویتامین) صرفاً با تجویز پزشک»، «استفاده از نان و غلات سبوس‌دار و کامل»، «استفاده از تخم مرغ در برنامه غذایی هفتگی»، «تهیه غذاهای آماده از محلهایی که اصول بهداشتی را رعایت می‌کنند»، «به حداقل رساندن مصرف غذاهای آماده (فست‌فود) مانند سوسیس، همبرگر، کالباس، پیتزا و غیره»، «توجه به وعده‌های اصلی و میان‌وعده‌ها با تأکید بر مصرف وعده غذایی صبحانه»، «استفاده از ظروف در بسته یا روکش‌دار برای نگهداری مواد غذایی پخته شده در یخچال»، توجه کمتری شده بود.

۴- نتایج آزمون‌های دو نشان داد که فراوانی مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه در کتاب‌های درسی علوم انسانی به‌طور معناداری کمتر از فراوانی مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه در رشته ریاضی و علوم تجربی می‌باشند.

در مجموع یافته‌های فوق نشان می‌دهد که وضعیت محتوای کتاب‌های درسی دوره متوسطه دوم در خصوص توجه به مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه با وضعیت مطلوب فاصله زیادی دارد و توجه متعادل و متوازن به مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه مبذول نشده است و برخی مؤلفه‌ها مغفول واقع شده است. این یافته با نتایج پژوهش‌های ترک؛ امیدوار؛ دهقانی و دوست‌محمدیان (۱۴۰۰)؛ دانش‌پایه (۱۳۹۸)؛ آروند؛ دهقانی؛ امیدوار و عشوری (۱۳۹۷)؛ غلامی؛ محمودی‌قوژدی و دهقانی (۱۳۹۷)؛ کیان (۱۳۹۴) همسو می‌باشد. ترک؛ امیدوار؛ دهقانی و دوست‌محمدیان (۱۴۰۰) در پژوهش خود نشان دادند که در کتاب‌های درسی مقطع ابتدایی به مقوله‌های مهارتی و مقوله‌های ارزشی - نگرشی سواد غذا و تغذیه در کتاب‌های درسی مقطع ابتدایی توجه کافی نشده است. دانش‌پایه (۱۳۹۸) در پژوهش خود نشان دادند که میزان توجه به مؤلفه‌های سواد تغذیه در کتاب‌های علوم تجربی دوره

متوسطه اول با وضعیت مطلوب فاصله زیادی دارد. آرونند، دهقانی، امیدوار و عشوری (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «سواد غذا و تغذیه: بُعدی مغفول در کتاب‌های درسی دوره آموزشی متوسطه اول در کشور»، نشان دادند که در محتوای کتاب‌های درسی دوره متوسطه اول به مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه «به‌ویژه در دو مقوله مهارتی و ارزشی» توجه کافی مبذول نشده است. غلامی؛ محمودی‌قوژدی و دهقانی (۱۳۹۷) در پژوهشی نشان دادند که در کتاب‌های علوم دوره ابتدایی به مؤلفه‌های نگرشی و مهارتی سواد تغذیه‌ای توجه کافی نشده است. کیان (۱۳۹۴) در پژوهش خود از طریق توزیع پرسشنامه در میان دانش‌آموزان متوسطه دختر و پسر شهر یزد نشان داد که سواد تغذیه‌ای دختران و پسران دوره متوسطه با وضعیت مطلوب فاصله زیادی دارد.

بر اساس نتایج این پژوهش پیشنهاد می‌شود:

- ۱- در بازنگری کتاب‌های درسی دوره متوسطه دوم توجه متعادل و متوازن به مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه مبذول شود و مؤلفه‌ها مغفول مورد توجه جدی قرار گیرند.
- ۲- با توجه به اینکه فراوانی مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه در کتاب‌های درسی رشته علوم انسانی به‌طور معناداری پایین‌تر از مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه در کتاب‌های درسی رشته علوم تجربی و ریاضی می‌باشد و از سوی دیگر، دانش‌آموزان رشته علوم انسانی، جمع‌کنیری از دانش‌آموزان این مرزوبوم را تشکیل می‌دهند، ضرورت دارد که در کتاب‌های درسی رشته علوم انسانی توجه مضاعفی به مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه مبذول شود.
- ۳- دانش‌آموزان دختر، مادران آینده این سرزمین هستند و نقش مادری با تغذیه خانواده، تعامل دو جانبه‌ای دارد. براین اساس ضرورت دارد در کتاب درسی «مدیریت خانواده و سبک زندگی (ویژه دختران)» توجه جامعی به مؤلفه‌های سواد تغذیه و غذا مبذول شود. متأسفانه در کتاب مذکور هیچ‌گونه توجهی به سواد غذا و تغذیه مبذول نشده است.
- ۴- در دوره متوسطه دوم، توجه به مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه عمده‌تاً مربوط به کتاب درسی «سلامت و بهداشت» پایه دوازدهم می‌باشد. با توجه به اینکه دانش‌آموزان در پایه دوازدهم با اضطراب کنکور مواجه هستند عمده تلاش آنها معطوف به دروس تخصصی می‌باشد، براین اساس توصیه می‌شود، در پایه دهم و یازدهم به مؤلفه‌های سواد غذا و تغذیه به خوبی توجه شود.
- ۵- توجه به حقایق غذا و تغذیه در قرآن کریم و روایت‌های معصومین

(عليه‌السلام) به فراوانی قابل مشاهده است، براین اساس پیشنهاد می‌شود در کتاب‌های درسی «دین و زندگی» دوره دوم متوسطه به آداب تغذیه سالم از نظر قرآن و احادیث پرداخته شود.

۶- به سایر پژوهشگران توصیه می‌شود بر مبنای مؤلفه‌های مطرح شده در این مقاله، پرسشنامه سواد غذا و تغذیه طراحی نموده و وضعیت سواد غذا و تغذیه را در بین کودکان و نوجوانان ایرانی بررسی کنند.

۷- به سایر محققان توصیه می‌شود با استفاده از روش مصاحبه، نحوه درک دانش‌آموزان ایرانی از تغذیه مطلوب را بررسی و کنکاش کنند.

۸- توصیه می‌شود چالش‌ها و راهکارهای بهبود آموزش سواد غذا و تغذیه در نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران بررسی شود.

فهرست منابع

قرآن کریم.

آروند، ایوب‌الله؛ دهقانی، مرضیه؛ امیدوار، نسرين و عشوری، مرضیه (۱۳۹۷). سواد غذا و تغذیه: بعدی مغفول در کتاب‌های درسی دوره آموزشی متوسطه اول در کشور. *مجله علوم تغذیه و صنایع غذایی ایران*، ۱۳(۴)، ۲۹-۳۸.

اسکات، ویلیام (۱۳۹۱). *تئوری حسابداری مالی*. ترجمه علی پارسائیان، تهران: انتشارات ترمه.

امیدوار، نسرين (۱۳۸۶). اهمیت مداخله‌های مبتنی بر جامعه در سطح مدارس در بهبود رفتار و وضعیت تغذیه‌ای کودکان. *چکیده مقالات نهمین کنگره تغذیه ایران*. تبریز: مرکز تحقیقات قلم تغذیه.

امیدوار، نسرين؛ رحمانی، خدیجه و قوام‌صدری، مریم (۱۳۹۵). *تغذیه و بهداشت مواد غذایی*. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.

امیدوار، نسرين؛ شریعت جعفری، شاداب و مینایی، مینا (۱۳۹۳). *رهنمودهای غذایی ایران*. قم: اندیشه ماندگار.

ایزدی، صمد؛ صالحی عمران، ابراهیم؛ فتحی‌واجارگاه، کورش و عابدینی‌بلترک، میمنت (۱۳۸۹). تجزیه و تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی بر اساس مؤلفه‌های آموزش سلامت. *نوآوری‌های آموزشی*، ۱۹(۳۳)، ۱۳۹-۱۶۲.

ترک، زینب؛ امیدوار، نسرين؛ دهقانی، مرضیه و دوست‌محمدیان، اعظم (۱۴۰۰).



میزان توجه به سواد غذا و تغذیه در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی. *مجله علوم تغذیه و صنایع غذایی ایران*، ۱۶(۲)، ۳۳-۴۳.

خواجه‌پور، کبری؛ هاشمی، سیداحمد؛ قلتاش، عباس و ماشینچی، علی اصغر (۱۳۹۸). تدوین مؤلفه‌های برنامه درسی سواد تغذیه از منظر کارشناسان و متخصصان در دوره دوم متوسطه. *فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی*، ۱۱(۱)، ۳۱۱-۳۳۳.

دانش‌پایه، پریسا (۱۳۹۸). بررسی میزان توجه به سواد تغذیه در کتاب‌های علوم تجربی دوره متوسطه اول. (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شهید رجایی، تهران، ایران.

دهقانی، مرضیه و امین خندقی، مقصود (۱۳۹۰). تحلیلی بر وضعیت موجود طراحی برنامه درسی تربیت اجتماعی دوره راهنمایی برمبنای تحلیل محتوای کتاب‌های درسی و اسناد مرتبط برنامه درسی. *مجله علمی پژوهشی «پژوهش‌های برنامه درسی»* انجمن مطالعات برنامه‌ی درسی ایران، ۱(۲)، ۱۳۱-۱۷۶.

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی (۱۴۰۱). سلامت و بهداشت. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.

سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی، الهه (۱۳۹۳). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: نشر آگه.

سعدی‌پور، اسماعیل (۱۳۹۹). روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی. تهران: نشر دوران.

سند ملی تغذیه و امنیت غذایی (۱۳۹۱). دبیرخانه شورای عالی سلامت و امنیت غذایی کشور.

سیاست‌های کلی جمعیت (۱۳۹۳). سیاست‌های کلی جمعیت ابلاغی مقام معظم رهبری. تهران: بی‌نا.

صمدی، پروین و کاظمی بازدهی، سید معصومه (۱۳۹۰). تحلیل محتوای کتب ابتدایی بر اساس الگوی صحیح مصرف. *مطالعات برنامه درسی*، ۶(۲۲)، ۱۱۷-۱۴۰.

طرح جامع مطالعات مصرف مواد غذایی و تغذیه در کشور (۱۳۸۱). انستیتو تحقیقات تغذیه و صنایع غذایی کشور. تهران: بی‌نا.

عبداللهی، زهرا؛ مینایی، مینا و دولتی، سپیده (۱۳۹۸). رهنمودهای غذایی ایران. انتشارات وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، تهران: انتشارات وزارت

بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.

غفاری، فرزانه (۱۳۹۳). تغذیه سالم از نگاه قرآن. *مجله دانشگاه علوم پزشکی زنجان*، ۲۲(۹۰)، ۹۷-۱۰۹.

غلامی، اعظم؛ محمودی قوژدی، معصومه و دهقانی، مرضیه (۱۳۹۷). تحلیل محتوای کتاب‌های علوم دوره ابتدایی از نظر مقوله‌های سه گانه سواد تغذیه. *فصلنامه آموزش پژوهی*، ۴(۱۳)، ۶۹-۹۰.

قاسمی، حسن (۱۳۷۷). *امنیت غذا و تغذیه کشور، مطالعات الگوی برنامه‌ریزی و اجرا «مابا»*. گزارش نهایی طرح. تهران: انستیتو تحقیقات تغذیه و صنایع غذایی کشور و سازمان برنامه و بودجه.

کرپندورف، کلوس (۱۳۹۸). *تحلیل محتوا، مبانی روش شناسی*. ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نشر نی.

کیان، مریم (۱۳۹۴). تحلیل برنامه درسی مغفول سواد تغذیه‌ای در دوره تحصیلی متوسطه. *دوفصلنامه نظریه و عمل در برنامه درسی*، ۳(۶)، ۱۰۱-۱۲۰.

گال، مردیت و بورگ، والتر (۱۳۹۹). *روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان شناسی*. ترجمه نصر و همکاران، تهران: انتشارات سمت.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۶). *تفسیر نور*. تهران: دارالکتاب الاسلامیه.

هولستی، ال. آر. (۱۳۷۳). *تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی*. ترجمه نادر سالارزاده، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.

Danek, R. L.; Berlin, K. L.; Waite, G. N. & Geib, R. W. (2017). Perceptions of nutrition education in the current medical school curriculum. *Family Medicine*, 49(10), 803-806.

Foster, G. D.; Sherman, S.; Borradaile, K. & Grandy, K. (2008). A Policy Based School Intervention to Prevent Over weight and Obesity. *Pediatrics*, 121(4), 794 -802.

Freedman, Ariela M.; Echt, Katharina V.; Cooper Hannah L. F.; Miner, Kathleen R. & Parker, Ruth (2012). Better Learning through Instructional Science: A Health Literacy Case Study in "How to Teach So Learners Can Learn. *Health Promotion Practice*; 13(5), 648-656.

Gibbs, Heather D.; Ellerbeck, Edward F.; Gajewski, Byron; Zhang, Chuanwu & Sullivan, Debra K. (2018). The Nutrition Literacy Assessment Instrument is a Valid and Reliable Measure of Nutrition Literacy in Adults with Chronic Disease. *Journal of Nutrition Education and Behavior*, 50(3), 247-257. <https://doi.org/10.1016/j.jneb.2017.10.008>.

Insel, P.; Ross, D.; McMahon, k. & Berenstin, M. (2018). *Discovering*

- Nutrition*. World Headquarters Jones & Bartlett Learning.
- Koca, Bennur & Arkan, Gulcihan (2020). The relationship between adolescents' nutrition literacy and food habits, and affecting factor. *Public Health Nutrition*, 24(4), 717-728.
- Liao, L. L.; Lai, I. J. & Chang, L. C. (2019). Nutrition literacy is associated with ealthy eating behavior among college students in Taiwan. *Health Education Journal*, 78(7), 756-769.
- Milosavljevic, D.; Mandic, ML. & Banjari, I. (2015). Nutritional knowledge and dietary habits survey in high school population. *Col: Antropol*, 39(1), 101-107.
- Mosca L.; Appel LJ. & Benjamin EJ. (2004). *Evidence based guidelines for cardiovascular disease prevention in women*. J Am Coll Cardiol; 43: 900-21.
- Nogueira, T.; Ferreira R.; S´ocrates M.; Dias da Silva V. & Lĩ nan Pinto M. (2022). Sintra Grows Healthy: development and implementation of a food literacy curriculum for primary schools. *Public Health Nutrition*, 25(5), 1176-1182.
- Velardo S. & Drummond M. (2019). Qualitative insight into primary school children's nutrition literac. *Health Education*, 119(2), 98-114.
- WHO (2000). *The World Health Report 2000- Health Systems: Improving Performance*. Geneva: World Health Organization.
- Zoellner J.; Connell C.; Bounds W.; Crook L. & Yadrick K. (2009). Nutrition Literacy Status and Preferred Nutrition Communication Channels Among Adults in the Lower Mississippi Delta. *Preventing chronic disease*, 6(40), 117-156.

References

- The Holy Quran.
- Abdolahi, Z.; Minaii, M. & Dolati, s. (2019). Iran's Dietary Guidelines, Publications of the Ministry of Health, Treatment and Medical Education, Tehran: Publications of the Ministry of Health, Treatment and Medical Education.
- Arvand, A.; Deghani, M.; Omidvar, N. & Ashoori, M. (2019). Iranian Journal of Nutrition Sciences & Food Technology, 13(4).
- Comprehensive plan of food consumption and nutrition studies in the country (2002). Iran Nutrition and Food Industry Research Institute, Tehran.
- Daneshpieh, P. (2019). Investigating the level of attention paid to nutrition literacy in experimental science books of the first secondary school, Master's thesis, Faculty of Humanities, Shahid Rajaei University.
- Danek, R. L.; Berlin, K. L.; Waite, G. N. & Geib, R. W. (2017). Perceptions of nutrition education in the current medical school curriculum. *Family Medicine*, 49(10), 803-806.
- Deghani, M.; Aminkhandagi, M. (2011). An analysis of the current state of middle school social education curriculum design based on the

- content analysis of textbooks and related curriculum documents, *Curriculum Research*,1(2),131-176.
- Educational research and planning organization (2022). health and hyginie, Tehran: Iran textbook publishing company.
- Foster, G. D.; Sherman, S.; Borradail, K. & Grandy, K. (2008). A Policy Based School Intervention to Prevent Over weight and Obesity, *Pediatrics*, 121(4), 794 -802.
- Freedman, Ariela M.; Echt, Katharina V.; Cooper Hannah L. F.; Miner, Kathleen R. & Parker, Ruth (2012). Better Learning through Instructional Science: A Health Literacy Case Study in "How to Teach So Learners Can Learn; *Health Promotion Practice*; 13(5), 648-656.
- Gafari, F. (2014). Healthy nutrition from the perspective of the Qur'an, *Journal of Advances in Medical and Biomedical Research*, 22(90), 97-109.
- Gall, M. & Borg, W. (2020). Quantitative and qualitative research methods in educational sciences and psychology, translated by Nasr et al., Tehran: Samt Publications.
- General population policies (2014). The general policies of the population announced by the Supreme Leader, Tehran.
- Ghasemi, H. (1998). Food security and nutrition of the country, studies of "Maba" planning and implementation model. Final report of the plan. Tehran: Institute of Nutrition and Food Industries of the country and Organization of Program and Budget.
- Gibbs, Heather D.; Ellerbeck, Edward F.; Gajewski, Byron.; Zhang, Chuanwu & Sullivan, Debra K. (2018). The Nutrition Literacy Assessment Instrument is a Valid and Reliable Measure of Nutrition Literacy in Adults with Chronic Disease, *Journal of Nutrition Education and Behavior*, 50(3), Pages 247-257. <https://doi.org/10.1016/j.jneb.2017.10.008>.
- Glami, A.; Mahmoudi, M. & Dhghani, M. (2017). Content analysis of elementary school science books in terms of three categories of nutrition literacy, *Journal of Education Studies*,4(13), 69-90.
- Insel, P.; Ross, D.; McMahon, k. & Berenstin, M. (2018). *Discovering Nutrition*, World Headquarters Jones & Bartlett Learning.
- Izadi, S.; Sālehi Omrān, E.; FathiVājargāh, K. & Abedini Beltarak, M. (2010). Analysis of primary school textbooks based on the components of health education, *Quarterly Journal of Educational Innovations*,19(33),132-19.
- Kian, M. (2016). Analysis the Null Curriculum of Nutritional literacy among High School Students, 3(6), 101-120.
- Khajehpour, K.; Hashemi, S. A.; Goltash, S. A. & Mashinchi, A. (2019). Compilation of nutritional literacy curriculum components from the point of view of experts and specialists in the second period of secondary school, *New Approaches in Educational Administration*, 10(1), 333-311.

- Koca, Bennur & Arkan, Gulcihan (2020). The relationship between adolescents' nutrition literacy and food habits, and affecting factor, *Public Health Nutrition*: 24(4), 717-728.
- Kripindorf, C. (2019). Content analysis, basics of methodology, translated by Hoshang Naibi, Tehran: Nei Publishing.
- Liao, L. L.; Lai, I. J. & Chang, L. C. (2019). Nutrition literacy is associated with ealthy eating behavior among college students in Taiwan. *Health Education Journal*, 78(7), 756-769.
- Makaremshirazi, N. (2017). Tafsir Noor, Volume 26, Tehran: Dar al-Ketab al-Islamiya.
- Milosavljevic, D.; Mandic, ML. & Banjari, I. (2015). Nutritional knowledge and dietary habits survey in high school population, *Col: Antropol*, 39(1), 101-107.
- Mosca L.; Appel LJ. & Benjamin EJ. (2004). Evidence based guidelines for cardiovascular disease prevention in women. *J Am Coll Cardiol*; (43), 900-21.
- Nasrin, M. (2007). The importance of community-based interventions at the school level in improving children's behavior and nutritional status, Abstract of the articles of the 9th Iran Nutrition Congress, Tabriz: Pen Nutrition Research Center.
- National document on nutrition and food security (2012). Secretary of the Supreme Council of Health and Food Security of the country.
- Nogueira T.; Ferreira R.; S´ocrates M.; Dias da Silva V. & Lĩ nan Pinto M. (2022). Sintra Grows Healthy: development and implementation of a food literacy curriculum for primary schools, *Public Health Nutrition*: 25(5), 1176-1182.
- Omidvar, N.; Sharatjafari, S. & Minaii, m. (2014). Iran's dietary guidelines, Gom: Ansheh Mandegar.
- Omidvar, N.; Rahmani, KH. & Ghavamsadri, M. (2016). Nutrition and food hygiene, Than: Iran textbook publishing company.
- Sadipour, E. (2020). Research methods in psychology and educational sciences. Tehran: Doran Publishing.
- Samadi, P. & Kazemi, Siedmasoeh (2011). Analysis of elementary books based on the correct pattern of consumption Foodstuffs, *Journal of Curriculum Studies*, 6(22), 117-140.
- Sarmad, Z.; Bazargan, A. & Hajazi, E. (2014). Research methods in behavioral sciences, Tehran: Agah Publishing.
- Scott, W. (2012). Financial accounting theory, Translated by Ali Parsaian, Tehrn: termeh.
- Savage King, F. & Borgess, A. (2004). Nutrition for Developing countries, Translated by Azadeh Aminpour, Tha: National Institute of Nutritional Research and Food Industries.
- Tork Z.; Omidvar N.; Dehghani M.; Doustmohammadian A. Extent of Food and Nutrition Literacy Considerations in Primary School Curriculum and Textbooks. *Iranian J Nutr Sci Food Technol* 2021; 16(2) :33-43.



- Velardo S. & Drummond M. (2019). Qualitative insight into primary school children's nutrition literac. Health Education, 119(2), 98-114.
- WHO (2000). The World Health Report 2000- Health Systems: Improving Performance. Geneva: World Health Organization.
- Zoellner J.; Connell C.; Bounds W.; Crook L. & Yadrick K. (2009). Nutrition Literacy Status and Preferred Nutrition Communication Channels Among Adults in the Lower Mississippi Delta. Preventing chronic disease. 6(40), 117-156.



شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های راهبردی مؤثر بر استقرار نظام مدیریت استعداد در سازمان (مطالعه موردی ادارات ستادی بانک کشاورزی شهر تهران)

بهرام علیشیری

استادیار، گروه مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
Bahramalishiri1350@yahoo.com

حسین صالح زاده نوبری

دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، گروه مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران.
h-salehzadeh@agri-bank.com

محمود مدیری

استادیار، گروه مدیریت صنعتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران.
m_modiri@azad.ac.ir

فرزانه بیگ‌زاده عباسی

استادیار، گروه مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران.
farzanehbigzadeh@yahoo.com

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، شناسایی و رتبه‌بندی ابعاد و مؤلفه‌های راهبردی مؤثر بر استقرار نظام مدیریت استعداد در بانک کشاورزی به‌عنوان یکی از سازمان‌هایی که بیشترین خدمات پولی و مالی را به مشتریان در اقصانقاط کشور ارائه می‌دهد، می‌باشد. روش مورد استفاده این پژوهش بر اساس هدف کاربردی خود، در حوزه مطالعات توصیفی از نوع اکتشافی می‌باشد. با استفاده از مطالعات میدانی و روش فراترکیب، ابعاد و مؤلفه‌های مؤثر بر مدیریت استعداد شناسایی و در اختیار ۱۵ نفر از صاحب‌نظران حوزه بانکی که به‌صورت هدفمند انتخاب شده‌اند قرار گرفت و به روش دلفی امتیازدهی صورت پذیرفت. بر اساس نتایج استخراج‌شده از امتیازدهی خبرگان، ابعاد و مؤلفه‌های نهایی مشخص شدند. رتبه‌بندی ابعاد و مؤلفه‌ها بر اساس روش DEMATEL و فرایند تحلیل شبکه‌ای فازی انجام گرفت. مقایسه‌های زوجی بر اساس نظر خبرگان صورت پذیرفت. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از پیاده‌سازی محاسبات مربوط به روش DEMATEL فازی و فرایند تحلیل شبکه‌ای فازی در نرم‌افزار EXCEL استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهند که ابعاد مؤثر در مدیریت استعداد به ترتیب عبارت‌اند از: توسعه، به‌کارگیری و نگهداری؛ شناسایی، جذب و ارزیابی؛ تعیین ویژگی استعداد؛ ارزیابی برنامه؛ راهبردها و محیط سازمانی. همچنین مؤلفه‌های مؤثر در فرایند مدیریت استعداد با اولویت وزن‌دهی به ترتیب عبارت‌اند از: آموزش و توسعه؛ به‌کارگیری از درون؛ ویژگی‌های بین‌فردی؛ ارزیابی فرایندها؛ تدوین راهبرد و خط‌مشی‌های ابلاغی به بانک.

کلیدواژه‌ها: مدیریت استعداد، نظام مدیریت استعداد، استقرار نظام مدیریت استعداد، مدیریت استعداد در صنعت بانکداری، بانک کشاورزی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۲ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۰/۰۷/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۲۳
فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال ۱۲، شماره ۲، پیاپی ۴۷، تابستان ۱۴۰۲، صص ۶۴۱-۶۷۲

مقدمه و بیان مسئله

یکی از موضوع‌های چالش‌برانگیزی که در آینده موجب تهدیدهای اساسی برای سازمان‌ها خواهد شد را شناسایی و مدیریت استعداد سرمایه‌های انسانی شایسته برای تصدی مناصب و پرکردن خلأهای مدیریتی می‌دانند که در اثر کمبود یا خروج مدیران خبره، باتجربه و توانمند در سازمان‌ها ایجاد خواهد شد. آنها سرمایه‌های انسانی مستعد را به‌عنوان نیروی محرکه اصلی برای نوآوری و همچنین رشد اقتصادی در نظر گرفته‌اند. آنها معتقدند استعدادهای انسانی در افراد هر چند به‌عنوان بخشی کوچک در نظر گرفته می‌شوند؛ اما اهمیت فزاینده‌ای در رشد سرمایه‌های انسانی و پدید آوردن اقتصاد دانشی دارند؛ بنابراین مدیریت این استعدادهای بهره‌مندی از این سرمایه‌های انسانی می‌تواند به‌عنوان یک مزیت رقابتی در نظر گرفته شود (Christian Reiner & et al., 2017, p. 28).

از طرفی شرایط و عوامل محیطی پیرامون سازمان‌ها بیش‌ازپیش پیچیده شده است. آثار این پیچیدگی، مسئولیت‌های مدیران عالی سازمان‌ها را نیز پیچیده‌تر نموده است. به همین دلیل به‌منظور دستیابی به اهداف و رسالت‌های سازمان و رویارویی مؤثر با چالش‌های ناشی از این پیچیدگی، توجه به مدیریت استعدادهای برای پرورش مدیران آینده امری ضروری می‌باشد (Depson & et al., 2019, p. 220).

تاریخچه مدیریت استعداد و انتخاب جانشین مناسب از هزاران سال پیش، زمانی که پادشاهان قبل از مرگ خود به فکر برگزیدن جانشین به‌منظور اداره مملکت پس از خود بودند آغاز می‌شود. بخش عمده‌ای از ادبیات حوزه جانشین‌پروری از دیدگاه اندیشمندان و صاحب‌نظران به مدیریت استعداد در سازمان اشاره می‌کند؛ دهه ۱۹۶۰، مرحله شروع پژوهش‌ها در این حوزه می‌باشد. در این مرحله، محققان به خاستگاه مدیریت استعداد، ارتباط میان اندازه سازمان و شدت نیاز به استعدادگزینی و نیز عملکرد سازمان پس از مدیریت استعداد توجه داشتند. پس‌از آن و در دهه ۷۰ هم‌زمان با مرحله رشد مطالعات، کوشش‌های محققان علاوه بر خاستگاه نیروی مستعد، متمرکز بر ویژگی‌های استعداد، تناوب انتخاب نیروهای مستعد، ارتباط استعدادهای مدیران و چهارچوب و گونه‌شناسی مدیریت استعداد شده است. در دهه‌های ۸۰ و ۹۰، یعنی مراحل مرور مطالعات و رشد فراوان پژوهش‌های این حوزه،

نظر پژوهشگران بر حوزه‌هایی جدید از قبیل واکنش بازار به تغییر مدیریت سازمان، برنامه‌ریزی مدیریت استعداد، فرایند مدیریت استعداد، نتایج مدیریت استعداد و تطابق مدیران متمرکز شد.

اغلب سازمان‌های امروزی بنا به دلایلی از قبیل: ضعف در جذب استعدادهای جدید، ضعف در حفظ استعدادهای موجود، افزایش نرخ ترک کار کارکنان و راهبردهای منابع انسانی ضعیف، با بحران استعداد مواجه هستند. می‌توان گفت نظام بانکداری به‌عنوان بخشی مهم و تأثیرگذار در اقتصاد کشور و ارائه‌کننده انواع خدمات پولی و مالی با سطح فراگیری بسیار بالا در بانک‌های خصوصی و دولتی به مفهوم علمی و واقعی در ساختار اجتماعی جامعه است. در نظام بانکداری به‌عنوان گوشه‌ای از نظام سازمانی کشور، اغلب خدمات توسط نیروی انسانی ارائه می‌شود و ارائه خدمات گسترده و نوین بانکی در سطح استانداردهای جهانی، مستلزم داشتن کارکنانی مستعد و آموزش‌دیده است. در بُعد فنی، کارکنان باید توانایی استفاده از فناوری جدید را داشته و در شغل خود حرفه‌ای باشند، در بُعد انسانی، کارکنان باید بتوانند به بهترین نحو با مشتریان در تعامل و ارتباط باشند و در بُعد ادراکی نیز نیروی انسانی شاغل باید به شناسایی، تجزیه و تحلیل و حل مشکلات مشتریان بپردازد. در چند سال اخیر به‌ویژه در یک دهه گذشته، صنعت بانکداری پا به عرصه تغییر و تحولات کلان نهاده است. با وجود تغییر و تحولات جدی و مهم در حوزه بانکداری مجازی و الکترونیک و ورود فین‌تک‌ها و بلاک‌چین‌ها در حوزه بانکداری توسعه برخی از واحدهای تخصصی جدید در بانک‌ها از قبیل مدیریت فناوری اطلاعات، امنیت داده، مدیریت ریسک و تطبیق، حسابرسی داخلی و بانکداری بین‌الملل، هنوز حوزه مدیریت منابع انسانی بانک‌ها توسعه کافی نیافته و این امر از توجه بیشتر مدیران نظام بانکی به بخش عملیات بانکی و توجه کمتر به این بخش مهم و انتصاب مدیران غیرتخصصی و عمدتاً با تخصصی بانکی در این بخش منتج می‌شود. از این‌رو شناسایی، توسعه و نگهداشت سرمایه‌های انسانی مستعد به‌عنوان مهم‌ترین سرمایه بانک و منبع مهم و ماندگار مزیت رقابتی، نقشی تأثیرگذار بر نهادینه‌سازی شاخص‌های رقابت‌پذیری برای بانک‌ها داشته و منجر به تضمین رضایت و وفاداری مشتریان و درنهایت کسب مزیت از سوی آنان می‌گردد.

بانک کشاورزی با سابقه ۹۰ سال خدمت به‌عنوان یکی از باسابقه‌ترین بانک‌های کشور با دارا بودن بیش از ۱۸ هزار نیروی انسانی شاغل در ادارات مرکزی، ۳۴ ستاد مدیریت استانی و بیش از ۱۸۰۰ شعبه در سراسر کشور در طی این سال‌ها نسبت به

موضوع مدیریت استعدادها غافل نبوده است؛ لیکن اقدام مؤثر واقعی نیز در این زمینه نداشته است. اغلب مدیران فعلی بانک کشاورزی در دهه سوم خدمتی قرار دارند و در آینده نه‌چندان دور، بانک به دلیل فقدان سیاست‌گذاری مدیریت استعدادها، برای جایگزینی افراد متخصص و کاردان در پست‌های مدیریتی، با بحران روبه‌رو خواهد شد.

۱. اهداف پژوهش

با توجه به اینکه صنعت بانکداری که از طریق کارکنان خود بیشترین ارتباط را با مخاطبان خود دارند و از سویی موفقیت منابع انسانی اهمیت و تأثیرگذاری بیشتری نسبت به بسیاری صنایع دیگر دارد، در حقیقت بانک‌ها نیاز دارند که کارکنان مستعد و شایسته را شناسایی، جذب، توسعه و آنها را حفظ و نگهداری کنند. به این منظور اهدافی که در این مقاله بررسی شده است در جهت شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های راهبردی مؤثر بر استقرار نظام مدیریت استعداد و از طرفی شناسایی میزان تأثیرپذیری این ابعاد بر یکدیگر و اولویت‌بندی در میان آنها در سازمان نظام بانکی بانک کشاورزی می‌باشد.

۲. سؤال‌های پژوهش

- ۱- ابعاد و مؤلفه‌های راهبردی مؤثر بر استقرار نظام مدیریت استعداد در بانک کشاورزی کدام است؟
- ۲- میزان تأثیرپذیری و تأثیرگذاری ابعاد و مؤلفه‌های مؤثر بر استقرار نظام مدیریت استعداد در بانک کشاورزی به چه میزان است؟
- ۳- وزن و رتبه‌بندی ابعاد و مؤلفه‌های مؤثر بر استقرار نظام مدیریت استعداد در بانک کشاورزی کدام است؟

۳. پیشینه پژوهش

رجبی پورمیبدی و محمدی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان طراحی الگوی تلفیقی مدیریت استعداد، به ارائه الگوی تلفیقی مدیریت استعداد شامل هفت مقوله اصلی: شناسایی و کشف، جذب، انتخاب، توسعه، حفظ و نگهداشت، ارزیابی و نتایج حاصل از منابع استعداد پرداخته‌اند.

روشن و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی به طراحی الگوی بنیادی سیستم



مدیریت استعداد پرداخته‌اند و نتیجه گرفته‌اند که در طراحی الگوی مدیریت استعداد سه مؤلفه اصلی جذب و انتخاب، آموزش، توسعه و نگهداشت نقش کلیدی دارند.

کوهی خور و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان طراحی و تبیین مدل یکپارچه مدیریت استعداد منابع انسانی با رویکرد آینده‌پژوهی به این نتیجه رسیده است که ابعاد توسعه راهبرد، پذیرش سازمانی، مدیریت عملکرد، حمایت مدیریتی، برنامه‌ریزی جانشین‌پروری و به‌کارگیری در مدیریت استعدادها مؤثرند.

محموظلی؛ لفظفروشان و قربانی (۱۳۹۸) در رویکرد با موضوع طراحی مدلی جامع برای مدیریت استعدادها با رویکرد جانشین‌پروری نسبت به شناسایی و تبیین مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده مدل مدیریت استعدادها اقدام و نتیجه گرفته‌اند که بُعد راهبرد و بُعد مدیریت استعداد در طراحی مدل مدیریت استعداد نقش دارند.

صدر منصوری و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان طراحی و تبیین مدل استعدادیابی مدیران نسبت به شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های مدیریت استعداد در صنعت نفت به این نتیجه رسیده است که مؤلفه‌های مهارت‌های اجتماعی، قابلیت‌های شناختی، انگیزش درونی، قابلیت‌های یادگیری، خودرهبری، اشتیاق به کار، بصیرت، مهارت‌های مدیریتی و هوش چندگانه دارای تأثیر مثبت بر استعدادیابی مدیران می‌باشند.

داوودی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان شناسایی و تبیین مؤلفه‌ها و پیشران‌های اثرگذار بر استعدادیابی نسبت به تبیین مؤلفه‌ها و پیشران‌های تأثیرگذار بر کشف استعدادها و جانشین‌پروری اقدام کرده‌اند. بر اساس نتایج به‌دست آمده، مؤلفه‌های ساختارها، فرایندها و زیرساخت‌ها، تعیین شایستگی‌های کلیدی، شناسایی موقعیت‌های حیاتی و راهبردها، نظام جبران عملکرد، نظام ارزیابی، آموزش و پرورش، ارزیابی قابلیت‌ها، شناخت آینده‌نگرانه، سازگاری فرهنگ، تشکیل خزانه جانشینی، رهبری تحولی، انگیزش مشارکتی، تدوین طرح مسیر شغلی چندبُعدی، نیازسنجی، شناسایی و جذب به ترتیب دارای بیشترین اثربخشی هستند.

محمد و همکاران^۱ (۲۰۲۰) در پژوهشی به بررسی فرایندهای مدیریت استعداد بر روی آموزش عالی در استرالیا پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که فرایندهای سه‌گانه جذب، پرورش و حفظ استعداد به‌عنوان گام‌های اصلی در مدیریت استعداد در بین دانشگاهیان تلقی می‌شوند.

جروی و خوروا^۱ (۲۰۲۰) در پژوهشی به نقش استعداد در نوسازی راهبردها پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش بیانگر آن است که فرایند مدیریت استعدادها شامل شناسایی استعدادها، ایجاد موقعیت برای پرورش استعدادها و نگهداری استعدادها در شرکت‌های چندملیتی هلند می‌باشد.

تیس و شولز^۲ (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان یک دیدگاه کیفی از مدیریت استعداد به بررسی عوامل مؤثر بر مدیریت استعداد پرداخته و بیان کرده‌اند عوامل مؤثر بر مدیریت استعداد عبارت‌اند از: حمایت مدیران، همسویی مدیریت استعداد با راهبردها، جذب استعداد، توسعه و پرورش استعداد، حداقل جابه‌جایی در بین کارکنان و فرصت‌های پیشرفت شغلی.

شاهی و همکاران^۳ (۲۰۲۰) پژوهشی با عنوان شناسایی عوامل مؤثر بر مدیریت استعداد انجام داده‌اند. نتایج این پژوهش بیان می‌کند که عوامل مؤثر بر مدیریت استعداد عبارت‌اند از: بُعد شناسایی استعدادها با مؤلفه‌های عوامل شغلی، سازمانی و فردی، بُعد توسعه استعدادها با مؤلفه‌های مدیریت مسیر شغلی، ارتباطات تعاملی و پرورش کارکنان و بُعد حفظ و نگهداری استعدادها با مؤلفه‌های رهبری و عوامل مدیریت، عوامل فرهنگی و سازمانی.

تیلور و رابینسون^۴ (۲۰۱۹) پژوهشی با عنوان برنامه‌ریزی جانشینی به‌عنوان ابزار مدیریتی نگهداشت و بهبود عملکرد کارکنان انجام داده است. او بیان می‌کند که نسل جدید استعدادها از همان ابتدا به‌دنبال نقشه راه مسیر شغلیشان بوده و اینکه چگونه می‌توانند به سطوح شغلی مدنظر دست یابند. این افراد به‌دلیل ماهیت حرفه‌ای خود از بازارپذیری بالایی برخوردارند و به‌راحتی سازمان را ترک می‌نمایند. براین اساس، مدیران باید با توجه به ویژگی‌های کارکنان از برنامه‌ریزی جانشینی به‌عنوان ابزاری برای نگهداشت و بهبود عملکرد کارکنان استفاده نمایند.

تیلور و رابینسون (۲۰۱۹) پژوهشی با عنوان برنامه‌ریزی جانشینی؛ آیا سازمان شما آماده است؟ انجام داده است. بر اساس پژوهش، سازمان‌هایی که بر اساس شاخص‌هایی (نظیر تعداد پست‌های اشغال شده به‌وسیله کاندیداها، تعداد کاندیداها در مسیر جانشینی و نرخ نگهداری کاندیداها جانشینی) به ارزیابی نتایج حاصل از اجرای سیستم مدیریت استعداد اقدام می‌کنند نسبت به شرکت‌هایی که از این شاخص‌های

1. Jarvi & Khoreva

2. Theys, N. A.

3. Shahi & et al.

4. Talor & Robinson

ارزیابی استفاده نمی‌کنند اثربخشی بالاتری خواهند داشت.

استقرار نظام مدیریت استعداد در سازمان‌ها به‌حدی ضروری است که الزام به آن به صراحت در قوانین و اسناد بالادستی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. اهم این الزام‌ها عبارت‌اند از:

- بر اساس سند چشم‌انداز و راهبردهای صنعت بانکداری، این صنعت باید افراد مستعد و شایسته را به‌کار گیرد که هم‌راستا با اهداف و فداکار در تحقق آنها باشند.
- در بند ۳۳ سیاست‌های کلی نظام در دوره چشم‌انداز، از مهم‌ترین اهداف سند چشم‌انداز رسیدن به اقتصاد متنوع متکی بر دانایی سرمایه انسانی است.
- بند (ج) سیاست‌های کلی توسعه بخش‌های غیردولتی از طریق واگذاری فعالیت‌ها، بر توسعه سرمایه انسانی دانش پایه و متخصص تأکید دارد.
- سند چشم‌انداز صنعت بانکداری بر حوزه سرمایه انسانی تأکید ویژه‌ای داشته و بر ویژگی‌هایی نظیر متکی بر نیروی انسانی با انگیزه، بصیر، آگاه، خلاق، متخصص و ماهر با آموزش‌های کاربردی روزآمد، دارای معیشت و منزلت اجتماعی متعالی تأکید دارد.

- در مأموریت نظام بانکداری نیز مدیریت مؤثر استعداد‌های موجود از بااهمیت‌ترین ملزومات نرم‌افزاری برای هر گونه تحول راهبردی است.

در بررسی ادبیات و پیشینه پژوهش‌های انجام شده درباره نظام مدیریت استعدادها نشان می‌دهد که در اغلب پژوهش‌های صورت پذیرفته به شناسایی ابعاد و مؤلفه‌ها بسنده کرده‌اند، درحالی‌که برای مدیران و تصمیم‌گیران، شناسایی روابط بین ابعاد و مؤلفه‌ها و نیز میزان اثربخشی و اهمیت هر یک از آنها به‌منظور برنامه‌ریزی با دقت بالا، تصمیم‌گیری درست و مدیریت زمان و هزینه حائز اهمیت است. در این پژوهش با استفاده از روش ANP فازی و دیمتل^۱ تلاش کرده‌ایم تا به این هدف دست یابیم.

۴. تعریف مفاهیم

مفهوم استعداد شامل معانی مختلفی است، به‌عبارتی دارای یک معنی چندبعدی است که تعریف مورد توافقی در مورد آن وجود ندارد. اغلب پژوهش‌ها، استعداد را به‌عنوان یک ویژگی مشخص می‌کنند که به توانایی‌های فردی بستگی دارد، محیطی که فرد در آن کار می‌کند، سازمان و شرایط موجود در سازمان نیز بر این ویژگی‌ها

تأثیر می‌گذارند (Saddozai & et al., 2017, p. 539). در جدول ۱ چند نمونه از اهم تعاریف استعداد بیان شده است.

جدول (۱): تعاریف استعداد

ردیف	محقق	سال	شرح نظرات
۱	ویلا و توری ^۱	۲۰۱۸	استعداد مهارتی ذاتی و طبیعی است که هر فرد بدون توجه به جایگاه و طبقه اجتماعی، جنسیت و دستاوردهای علمی می‌تواند دارای آن باشد.
۲	باتر و همکاران ^۲	۲۰۱۵	استعداد، توانایی ذاتی، هوش و ظرافت در برخی زمینه‌ها است که فرد را قادر می‌سازد تا فعالیتی را بدون سختی زیاد و با مهارت بالا انجام دهد.
۳	شیمان ^۳	۲۰۱۴	استعداد عبارتست از: دانش، مهارت‌ها، توانایی‌ها، تجرب، ارزش‌ها، عادت‌ها و رفتارهای جمعی که به تحقق رسیدن مأموریت سازمان می‌پردازد.

مفهوم مدیریت استعداد در اواخر دهه ۱۹۹۰م توسط مشاوران شرکت مکنزی^۴ که واژه کشمکش برای افراد بااستعداد را ابداع کردند معرفی شد. در واکاوی این شرکت مشخص شد سازمان‌هایی که در مراحل شناسایی، به‌کارگیری، آموزش و نگهداشت مدیران مستعد موفقیت بیشتری دارند، میزان بهره‌وری بیشتری دارند. این موضوع سبب شد تا دیدگاه سازمان‌ها به افراد مستعد تغییر کرده و به آنها به چشم یک منبع که موجب مزیت رقابتی می‌شود نگاه گردد (Latukha, 2018, p. 274).

اندیشمندان معتقدند مدیریت استعداد از اهم اولویت‌های سازمانی در جهان می‌باشد، چراکه می‌تواند منبعی مهم از مزیت‌های رقابتی پایدار در محیط چالشی و بسیار ناپایدار در بازار قرن ۲۱ به‌شمار آید. به‌همین منظور مفهوم مدیریت استعداد به‌عنوان یکی از خطوط مقدم در مدیریت سرمایه‌های انسانی محسوب می‌شود (Khoreva; Vaiman, & Van Zalk, 2017, p. 21). در جدول ۲ به برخی از اهم تعاریف مدیریت استعداد اشاره شده است.

1. Mwila & Turay
2. Butter; Walenzuela & Quintara
3. Schiemann
4. Mackenzie Company



جدول (۲): تعاریف مدیریت استعداد

ردیف	محقق	سال	شرح نظرات
۱	کالینز و همکاران ^۱	۲۰۱۹	مدیریت استعداد شامل شیوه‌های برای جذب، انتخاب، توسعه و حفظ کارکنان با ظرفیت بالا در موقعیت‌های کلیدی سازمانی می‌باشد.
۲	چریستین و همکاران ^۲	۲۰۱۷	مدیریت استعدادها و بهره‌مندی از سرمایه‌های انسانی می‌تواند به‌عنوان یک مزیت رقابتی برای سازمان در نظر گرفته شود.
۳	مکرام و همکاران ^۳	۲۰۱۷	مدیریت استعداد شامل مجموعه‌ای از مانیفیست‌های ایدئولوژیک مدیریتی در چهار حوزه اصلی جذب استعداد، مدیریت عملکرد، برنامه‌ریزی جانشین‌پروری و توسعه و نگهداشت است.
۴	گالاردو - گالاردو ^۴	۲۰۱۶	جذب، شناسایی، توسعه، تعامل، حفظ و استقرار کارکنان با ظرفیت و کارایی بالا، برای پُر کردن موقعیت‌های کلیدی است که تأثیر قابل توجهی در مزایای رقابتی پایدار سازمان دارد.

منبع: (یافته‌های محقق)

همان‌طور که ملاحظه می‌شود بر اساس عنوان مقاله نظام مدیریت استعداد در ساختار اجتماعی ایران جهت استقرار و پیاده‌سازی نیاز به ابعاد و مؤلفه‌هایی دارد. به این منظور برای شناسایی این ابعاد، ضروری است که استعداد و مدیریت آن به لحاظ نظری و فکری تعریف شود. در این مقاله محقق جهت جلوگیری از انبساط نظری و پراکنده‌گویی صرفاً به توضیح دو مفهوم استعداد و مدیریت استعداد بسنده کرده است. در این میان از بین تعاریف ارائه‌شده در راستای پاسخ به سؤال‌های و پوشش اهداف پژوهش می‌توان چنین جمع‌بندی کرد:

هر سازمانی علاوه بر عملکرد و کارایی نیروی انسانی و همچنین پیشبرد اهداف تعیین‌شده، جهت استمرار و بقاء خود، بر خود لازم می‌داند که ظرفیت‌های بالقوه نیروی انسانی خود را شناسایی و افراد با استعداد و بامهارت محیط را شناسایی و آن را مدیریت نماید. به عبارتی سازمان بستری است تا با تجمیع انسان‌های مختلف به همراه استعدادهای متفاوت از افراد، در جایگاهی که قرار دارد، بهترین خدمات را

1. Collings, D. G.; Mellahi, K. & Cascio, W. F.
2. Christian & et al.
3. Makram, H.; Sparrow, P. & Greasley, K.
4. Gallardo-Gallardo

برای شهروندان و مشتریان خود ارائه نماید. به‌عبارتی ایجاد رضایتمندی در طی فرایندی رخ می‌دهد که بتوان استعدادها را شناسایی کرد و بر اساس ابعاد و مؤلفه‌های نیاز سازمانی حداکثر خدمات را ارائه داد. می‌توان گفت جانشین‌پروری می‌تواند پنجره‌ای باشد در راه رسیدن به موقعیتی که حاصل شناسایی استعدادها و برنامه‌ریزی در هدایت این استعدادها به سمت ایجاد سازمانی پایدار و موفق. در حالت کلی آنچه در این پژوهش محدوده فکری محقق را رقم زده است ترکیبی از نظریه‌های متفکران در حوزه مدیریت استعداد از سال ۲۰۱۶ از نظریه‌های گالاردو تا نظریه‌های کالینز و همکارانش می‌باشد که این خود می‌تواند اجماع نظری متفکران فوق‌الذکر را در اساس مدیریت استعداد نزدیک نماید.

۵. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر نوع مطالعات کیفی است و از نظر هدف در زمره پژوهش‌های اکتشافی دسته‌بندی می‌شود. تلاش محقق در پژوهش‌های اکتشافی بر آن متمرکز است که با هدف فرموله نمودن مسائل بسیار دقیق، موارد مربوط به شفاف‌سازی مفاهیم، جمع‌آوری تعاریف، کسب بینش، حذف نظرها و افکار غیرعلمی و شکل دادن فرضیه انجام شود. پژوهش‌های اکتشافی به‌وسیله انجام پژوهش در ادبیات، انجام مصاحبه با افراد مشخص در ارتباط با تجربه‌هایشان، گروه‌های متمرکز و پژوهش‌های موردی انجام می‌شود. افراد پژوهشگر در پژوهش‌های اکتشافی سعی ندارند تا یک نمونه آماری به‌دست آورند، بلکه بیشتر به‌دنبال مصاحبه با افراد مطلع می‌باشند که قادر به فراهم کردن بینشی در زمینه ارتباطات بین متغیرها هستند (سرمد و دیگران، ۱۳۹۰، ص. ۹۶). پژوهش حاضر با استفاده از روش دلفی انجام شده است.

در اولین مرحله با استفاده از پرسش‌های باز، قضاوت‌های خبرگان منتخب گردآوری شده و پس از استخراج داده‌ها بر اساس نظرهای خبرگان، پرسشنامه‌ای بسته، طراحی و برای پاسخگویان ارسال شد. در هر بار تکرار، بازخورد کنترل شده‌ای ارائه شد تا اعضا از نظرهای همکاران ناشناس خود مطلع شوند. بازخوردها تحت عنوان محاسبه ضریب توافق یا اجماع خبرگان، توسط پرسشنامه پالایش شده بسته پاسخی ارسال می‌شد. بدین ترتیب گمنامی و بازخورد نظرها دو عنصر ضروری در روش دلفی تلقی می‌شوند (قدیری و ناظمی، ۱۳۸۵).

در این پژوهش برای انجام تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش فازی استفاده شده است. در این پژوهش علاوه بر الف. شناسایی عوامل، ب. برای انجام تجزیه و تحلیل

داده‌های حاصل از پرسشنامه، از روش فرایند تحلیل شبکه‌ای بر مبنای دیمتل فازی استفاده شده است. فن دیمتل فازی، شالوده علل تأثیرهای بین عامل‌ها را مورد بررسی قرار داده و تلاش دارد تا مشکلات و مسائل معمول سازمان‌ها را حل نماید و سعی بر حل مسئله پیش روی سازمان‌ها و بهبود آن با تصمیم‌گیری گروهی در شرایط فازی دارد. در این روش میزان تأثیر یک عامل بر عامل دیگری با نظریه‌های خبرگان مشخص و درنهایت اولویت عوامل اثرگذار در یک سیستم مشخص می‌گردد (Jeng & Tzeng, 2012, p. 820).

روش گردآوری اطلاعات در این تحقیق عبارت‌اند از: ۱- کتابخانه‌ای و بررسی اسناد و مدارک مربوط به مدیریت استعداد؛ ۲- پرسشنامه محقق ساخته: پرسشنامه محقق ساخته نیز دارای دو بخش بوده است: بخش اول اطلاعات جمعیت شناختی پاسخ‌دهندگان شامل: سمت شغلی، رشته تخصصی، میزان تحصیلات و سابقه کار مرتبط است. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از ادبیات پژوهش، تجارب عملی محقق و نیز مصاحبه با برخی از مدیران بانکی، فهرستی از ابعاد و مؤلفه‌های راهبردی مؤثر بر مدیریت استعداد تهیه و با قراردادن آن در پرسشنامه از نمونه‌های پژوهش خواسته شده است تا در مورد آنها قضاوت کنند. در این پژوهش از دو پرسشنامه برای دلفی فازی و دیمتل فازی استفاده شده است. روایی پرسشنامه دلفی فازی به روش اعتبارسازه به‌صورت اعمال نظر درخصوص اصلاح، ادغام، اضافه و حذف ابعاد و مؤلفه‌ها توسط خبرگان انجام شده است. روایی پرسشنامه دیمتل نیز توسط اساتید داور، مشاور و برخی صاحب‌نظران بانکی صاحب تألیف در زمینه مدیریت به‌صورت محتوایی بررسی شده است. برای پایایی پرسشنامه دلفی فازی از روش ثبات و همگرایی استفاده شده است (پایایی در ثبات از طریق یکسانی پاسخ‌های متخصصان به سؤال‌های پرسشنامه در دو دور متوالی بررسی شده است و در همگرایی، توافق نظر و هم‌رأی شدن کامل متخصصان شرکت‌کننده در دلفی را نشان داده است). پایایی پرسشنامه دیمتل فازی نیز بر اساس یکسانی پاسخ‌های خبرگان به‌صورت مشاهده چشمی کنترل شده است.

۶. یافته‌های پژوهش

جدول ۴ فراوانی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه‌های پژوهش را بر حسب متغیرهای سمت شغلی، سطح تحصیلات، رشته تحصیلی و سابقه کاری مرتبط نشان می‌دهد. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش به شرح جدول ۴ شامل ۱۵ نفر از خبرگان حوزه منابع انسانی شامل ترکیبی از ۴ نفر استاد دانشگاهی، ۳ نفر از مدیران

حوزه منابع انسانی صنعت بانکداری و ۸ نفر از مدیران ارشد بانک کشاورزی می‌باشند. نتایج توصیفی نشان داد که ۱۰۰ درصد از نمونه‌های پژوهش دارای سابقه کاری مرتبط و بالای ۲۰ سال هستند که نشان‌دهنده تجربه بالا و تسلط به موضوعات در نمونه‌های مورد مطالعه است. همچنین بیش از ۷۵ درصد از نمونه‌های پژوهش دارای مدرک دکتری هستند.

جدول (۴): جامعه آماری پژوهش

ردیف	سمت	سطح تحصیلات	رشته تحصیلی	سابقه فعالیت
۱	عضو هیئت علمی	دکتری	مدیریت منابع انسانی	۳۰ سال
۲	عضو هیئت علمی	دکتری	مدیریت منابع انسانی	۳۰ سال
۳	عضو هیئت علمی	دکتری	مدیریت منابع انسانی	۲۷ سال
۴	عضو هیئت علمی	دکتری	مدیریت منابع انسانی	۲۵ سال
۵	عضو هیئت علمی	دکتری	مدیریت منابع انسانی	۲۱ سال
۶	عضو هیئت مدیره	کارشناس ارشد	مدیریت	۳۵ سال
۷	عضو هیئت مدیره	کارشناس ارشد	مدیریت	۳۵ سال
۸	مدیر منابع انسانی	دکتری	مدیریت دولتی	۳۲ سال
۹	مدیر منابع انسانی	دکتری	مدیریت منابع انسانی	۲۸ سال
۱۰	مدیر منابع انسانی	کارشناس ارشد	مدیریت منابع انسانی	۲۵ سال
۱۱	رئیس اداره امور کارکنان	دکتری	مدیریت منابع انسانی	۳۰ سال
۱۲	رئیس اداره امور کارکنان	کارشناس ارشد	مدیریت دولتی	۲۷ سال
۱۳	رئیس اداره سازمان و روش‌ها	کارشناس ارشد	تشکیلات و روش‌ها	۲۵ سال
۱۴	رئیس اداره آموزش	دکتری	مدیریت	۲۸ سال
۱۵	مدیر گزینش	دکتری	مدیریت منابع انسانی	۲۵ سال

منبع: (یافته‌های محقق)



سؤال اول: ابعاد و مؤلفه‌های راهبردی مؤثر بر استقرار نظام مدیریت استعداد کدام است؟

در این مرحله، ابعاد و مؤلفه‌های راهبردی مؤثر مورد شناسایی قرار گرفته با روش بررسی ادبیات نظری و پیشینه پژوهش به‌ویژه در صنعت بانکداری، با شیوه دلفی فازی تفکیک و جداسازی شدند. منابع اطلاعاتی پژوهش حاضر را مقاله‌های منتشر شده در پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر داخلی نظیر پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران، بانک جامع مقالات همایش‌ها و گردهمایی‌ها و پایگاه‌های اطلاعاتی برخط معتبر خارجی نظیر کتابخانه برخط^۱ تشکیل می‌دهند. جستجوی مقالات فارسی در بازه زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ و مقاله‌های انگلیسی در بازه زمانی ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ انجام شده است و پس از اطمینان از وجود مقاله‌های مرتبط با صنعت بانکداری برای احصای منابع پژوهش از کلیدواژه‌های مدیریت استعداد، مدل مدیریت استعداد و استقرار نظام مدیریت استعداد به زبان فارسی و انگلیسی استفاده شده است. متعاقباً خبرگان منتخب با بررسی دقیق مبنی بر حذف کامل، ادغام مؤلفه‌ها، اضافه نمودن مؤلفه جدید و یا اصلاح مؤلفه‌ها، نظر خود را اعلام نموده‌اند. در پژوهش حاضر از قاعده پاره تو^۲ (قانون ۲۰/۸۰) استفاده شده است که توسط محققان دیگر مورد استفاده و تأیید شده است. بر اساس این قاعده، چنانچه اختلاف میانگین پاسخ‌ها بین دو مرحله کمتر از حد آستانه ۰,۲ باشد، فرایند نظرسنجی متوقف می‌شود و در غیراین صورت، مرحله سوم ادامه خواهد داشت. سپس شاخص‌هایی که میانگین غیرفازی شده نظرات خبرگان برای آنها کمتر از ۸ باشد از پژوهش حذف و بیشتر از ۸ باقی می‌ماند (مدیری و دیگران، ۱۳۹۸، ص. ۵۳). در این مطالعه أخذ نظر خبرگان در چهار نوبت صورت پذیرفت و به اشباع نظری رسید که نتایج آخرین مرحله در قالب جدول ۵ آورده شده است.



۱. ScienceDirect

۲. Pareto Principle: این مفهوم به نام بنیان‌گذار آن، ویلفردو پارتو، اقتصاددان ایتالیایی، در سال ۱۸۹۵ گرفته شده است. او متوجه شد مردم در جامعه به‌طور طبیعی به آنچه که او «چند حیاتی» یا ۲۰ درصد برتر (از نظر پول و نفوذ) می‌نامد، تقسیم می‌شوند و مابقی مردم «بسیاری بی‌اهمیت»، یا ۸۰ درصد پایین دست را تشکیل می‌دهند. او بعدها به این نتیجه رسید که تمام فعالیت‌های اقتصادی تابع این اصل است. به این ترتیب ۸۰ درصد ثروت ایتالیا در آن زمان توسط ۲۰ درصد از مردم کنترل می‌شد.

جدول (۵): تحلیل داده‌ها مبتنی بر تعداد (فراوانی) و درصد موافقت خبرگان در مرحله چهارم دلفی فازی

ابعاد	ارزش		مؤلفه‌ها	راهبردها			تعیین ویژگی‌های استعداد			شناسایی، جذب و ارزیابی								
	ارزش عددی	ارزش زبانی		تدوین راهبرد	تعیین مدیران	تعیین مشاغل	بین فردی	سازمانی	فردی	به‌کارگیری درونی	جذب از بیرون	ارزیابی و خزانه						
زیاد	۴	زیاد	(۵،۷،۹)	۲	۲	۱	۰	۲	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
متوسط	۵	متوسط	(۵،۳،۷)	۲	۲	۰	۰	۲	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
کم	۳	کم	(۱،۳،۵)	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
خیلی کم	۱	خیلی کم	(۰،۱،۳)	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
max				۹،۴۷	۹،۴۷	۹،۸۷	۹،۹۳	۹،۴۷	۹،۶۰	۹،۵۳	۹،۸۷	۹،۸۷	۹،۸۷	۹،۸۷	۹،۸۷	۹،۸۷	۹،۸۷	۹،۸۷
mod				۸،۰۷	۸،۲۰	۸،۷۳	۸،۸۷	۸،۲۰	۸،۳۳	۸،۲۰	۸،۷۳	۸،۷۳	۸،۷۳	۸،۷۳	۸،۷۳	۸،۷۳	۸،۷۳	۸،۷۳
min				۶،۰۷	۶،۲۰	۶،۷۳	۶،۸۷	۶،۲۰	۶،۳۳	۶،۲۰	۶،۷۳	۶،۷۳	۶،۷۳	۶،۷۳	۶،۷۳	۶،۷۳	۶،۷۳	۶،۷۳
میانگین غیرفازی شده نظرات				۷،۹۷	۸،۰۸	۸،۵۹	۸،۷۱	۸،۰۸	۸،۲۱	۸،۰۹	۸،۵۹	۸،۵۹	۸،۵۹	۸،۵۹	۸،۵۹	۸،۵۹	۸،۵۹	۸،۵۹
اختلاف میانگین‌های پرسشنامه سوم و چهارم				۰،۱۲	۰،۱۲	۰،۱۳	۰،۱۲	۰،۱۲	۰،۱۲	۰،۱۲	۰،۱۲	۰،۱۲	۰،۱۲	۰،۱۲	۰،۱۲	۰،۱۲	۰،۱۲	۰،۱۲
نتیجه				تأیید	تأیید	تأیید	تأیید	تأیید	تأیید	تأیید	تأیید	تأیید	تأیید	تأیید	تأیید	تأیید	تأیید	تأیید

ابعاد	مؤلفه‌ها	ارزش عددی	ارزش زبانی	ارزایی برنامه			محیط											
				توسعه، نگهداری و به‌کارگیری نگهداری	آموزش و توسعه	نگهداری	فرایندها	نتایج	ویژگی‌های سازمان	خط‌مشی‌الاضی به بانک	فرهنگ سازمانی							
زیاد	<	۷	زیاد	۰	۱۵	۱۳	۱۰	۱۲	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳
متوسط	۵	۵	زیاد	۰	۰	۲	۵	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
کم	۴	۴	کم	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
خیلی کم	۱	۱	خیلی کم	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
max				۱۰,۰۰۰	۹,۴۰	۹,۸۷	۹,۴۷	۹,۸۷	۹,۶۷	۹,۸۰	۹,۸۷	۹,۴۷	۹,۸۷	۹,۸۷	۹,۸۷	۹,۸۷	۹,۸۷	۹,۸۷
mod				۹,۰۰	۸,۰۷	۸,۷۳	۸,۲۰	۸,۷۳	۸,۳۳	۸,۶	۸,۷۳	۸,۳۳	۸,۶	۸,۷۳	۸,۷۳	۸,۷۳	۸,۷۳	۸,۷۳
min				۷,۰۰	۶,۰۷	۶,۷۳	۶,۲۰	۶,۷۳	۶,۳۳	۶,۶۰	۶,۷۳	۶,۳۳	۶,۶۰	۶,۷۳	۶,۷۳	۶,۷۳	۶,۷۳	۶,۷۳
میانگین غیرفازی شده نظرات مرحله چهارم خبرگان				۸,۸۳	۷,۹۶	۸,۵۹	۸,۰۸	۸,۵۹	۸,۲۲	۸,۴۷	۸,۵۹	۸,۲۲	۸,۴۷	۸,۵۹	۸,۵۹	۸,۵۹	۸,۵۹	۸,۵۹
اختلاف میانگین‌های پرسشنامه سوم و چهارم				۰,۱۲	۰,۰۰	۰,۱۳	۰,۱۳	۰,۱۳	۰,۰۰	۰,۱۳	۰,۱۳	۰,۰۰	۰,۱۳	۰,۱۳	۰,۱۳	۰,۱۳	۰,۱۳	۰,۱۳
نتیجه				تأیید	تأیید	تأیید	تأیید	تأیید	تأیید	تأیید	تأیید	تأیید	تأیید	تأیید	تأیید	تأیید	تأیید	

منبع: (یافته‌های محقق)

درنهایت آن دسته از مؤلفه‌هایی که بر مبنای نظر خبرگان دارای میانگین نزدیک و بالاتری از امتیاز ۸ بودند، برگزیده شدند. این مؤلفه‌ها کدگذاری و در جدول ۶ درج شدند.

جدول (۶): ابعاد و مؤلفه‌های راهبردی مؤثر بر استقرار نظام مدیریت استعداد

ابعاد	مؤلفه‌ها	کد
محیط سازمانی C1	فرهنگ سازمانی	C11
	خط‌مشی‌های ابلاغی به بانک	C12
	ویژگی‌های نظام اداری	C13
راهبردها C2	تدوین راهبرد	C21
	تعهد مدیران	C22
	تعیین مشاغل کلیدی	C23
تعیین ویژگی‌های استعداد C3	ویژگی‌های سازمانی	C31
	ویژگی‌های بین‌فردی	C32
	ویژگی‌های فردی	C33
شناسایی، جذب و ارزیابی C4	به‌کارگیری از درون	C41
	جذب از بیرون	C42
	ارزیابی و تشکیل خزانه	C43
توسعه، به‌کارگیری و نگهداری C5	آموزش و توسعه	C51
	به‌کارگیری	C52
	نگهداری	C53
ارزیابی برنامه C6	ارزیابی نتایج	C41
	ارزیابی فرایندها	C42

منبع: (یافته‌های محقق)

سؤال دوم: روابط ابعاد و مؤلفه‌های راهبردی مؤثر بر استقرار نظام مدیریت استعداد چگونه است؟

در این مرحله ارزش عددی متوسط تأثیر ابعاد و مؤلفه‌های مؤثر بر یکدیگر که با روش دیمتل فازی توسط خبرگان (جدول ۶) مشخص شده است به‌دست آمد که در جدول ۷ نشان درج شده است. اعداد موجود در این جدول نتیجه میانگین نظرات خبرگان از صفر (بدون تأثیر) تا ۴ (تأثیر بسیار زیاد) و به‌صورت فازی هستند (چگونگی تبدیل اعداد فازی در بند ۴-۱ کامل توضیح داده شده است).



جدول (۷): ماتریس رابطه مستقیم اولیه برای ابعاد راهبردی مؤثر بر استقرار نظام

مدیریت استعداد

	C1			C2			C3			C4			C5			C6		
	L	M	U	L	M	U	L	M	U	L	M	U	L	M	U	L	M	U
C1	0	0	0	0.25	0.5	0.75	0.56	0.81	1	0.63	0.88	1	0.63	0.88	1	0.31	0.56	0.81
C2	0	0.25	0.5	0	0	0	0.75	1	1	0.75	1	1	0.75	1	0.69	0.94	1	
C3	0	0.13	0.38	0.19	0.44	0.69	0	0	0	0.5	0.75	0.94	0.69	0.94	0.06	0.31	0.56	
C4	0	0.13	0.38	0.13	0.38	0.63	0.25	0.5	0.75	0	0	0	0.63	0.88	0.13	0.38	0.63	
C5	0	0.25	0.5	0.06	0.31	0.56	0.06	0.31	0.56	0.06	0.31	0.56	0	0	0.13	0.38	0.63	
C6	0	0.25	0.5	0.19	0.44	0.69	0.69	0.94	1	0.69	0.94	1	0.75	1	0	0	0	

منبع: (یافته‌های محقق)

بر اساس نتایج به دست آمده از جدول ۷، رابطه علت و معلولی و ارزش‌های عددی هر کدام از ابعاد و مؤلفه‌های مؤثر در جدول ۸ نشان داده شده است. لازم به ذکر است که مقادیر \bar{D} اثرگذاری، \bar{R} اثرپذیری و مقدار $\bar{D} + \bar{R}$ نشان‌دهنده میزان اهمیت ابعاد و مؤلفه‌ها می‌باشد. مقدار $\bar{D} - \bar{R}$ نیز ابعاد و مؤلفه‌ها را به دو گروه علت (اثرگذار) و معلول (اثرپذیر) تفکیک می‌کند.

ارزش‌های عددی مثبت $\bar{D} - \bar{R}$ ، ابعاد و مؤلفه‌ها را در گروه علت (تأثیرگذار) قرار می‌دهد و در غیراین صورت در گروه معلول (تأثیرپذیر) قرار می‌گیرد. نحوه به دست آوردن مقادیر ارزش عددی عبارات بالا در بند ۴-۱ توضیح داده شده است.

جدول (۸): ابعاد و مؤلفه‌های تأثیرگذار (علت) و تأثیرپذیر (معلول)

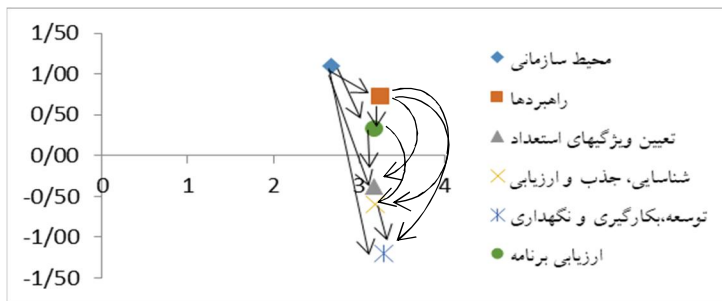
نتیجه	$\bar{D} - \bar{R}$	$\bar{D} + \bar{R}$	\bar{R}	\bar{D}	ابعاد/مؤلفه‌ها
علت	1.105	2.674	0.78	1.89	محیط سازمانی
علت	0.058	0.608	0.275	0.333	فرهنگ سازمانی
معلول	-0.148	0.72	0.434	0.286	خط‌مشی‌های ابلاغی به بانک
علت	0.09	0.589	0.249	0.339	ویژگی‌های نظام اداری
علت	0.723	3.25	1.26	1.99	راهبردها
علت	0.031	1.118	0.544	0.575	تدوین راهبرد
علت	0.067	1.014	0.474	0.541	تعهد مدیران
معلول	-0.098	0.889	0.493	0.396	تعیین مشاغل کلیدی
معلول	-0.37	3.177	1.77	1.4	تعیین ویژگی‌های استعداد
علت	0.025	0.979	0.477	0.502	ویژگی‌های سازمانی
معلول	-0.028	1.011	0.519	0.492	ویژگی‌های بین فردی
علت	0.003	0.946	0.471	0.474	ویژگی‌های فردی
معلول	-0.59	3.192	1.89	1.3	شناسایی، جذب و ارزیابی
معلول	-0.041	0.964	0.502	0.461	به‌کارگیری از درون
علت	0.008	0.68	0.336	0.344	جذب از بیرون
علت	0.033	0.921	0.444	0.477	ارزیابی و تشکیل خزانه
معلول	-1.2	3.287	2.24	1.05	توسعه، به‌کارگیری و نگهداری
علت	0.096	1.111	0.508	0.603	آموزش و توسعه
معلول	-0.03	1.012	0.521	0.491	به‌کارگیری
معلول	-0.066	0.983	0.525	0.458	نگهداری
علت	0.334	3.179	1.42	1.76	ارزیابی برنامه
معلول	-0.002	0.747	0.374	0.373	ارزیابی نتایج
علت	0.002	0.753	0.376	0.377	ارزیابی فرایندها

منبع: (یافته‌های محقق)

در ادامه با استفاده از ساختار نمایش بصری، نحوه ارتباطات و تأثیرگذاری هر یک از ابعاد و مؤلفه‌های مؤثر بر استقرار فرهنگ مدیریت استعداد بررسی و به‌صورت یک گراف علت (تأثیرگذار) و معلولی (تأثیرپذیر) نشان داده شده است. نمایش ارتباطات به‌صورت بصری موجب استنباط بهتر، فهم روشن و واضح مدیران

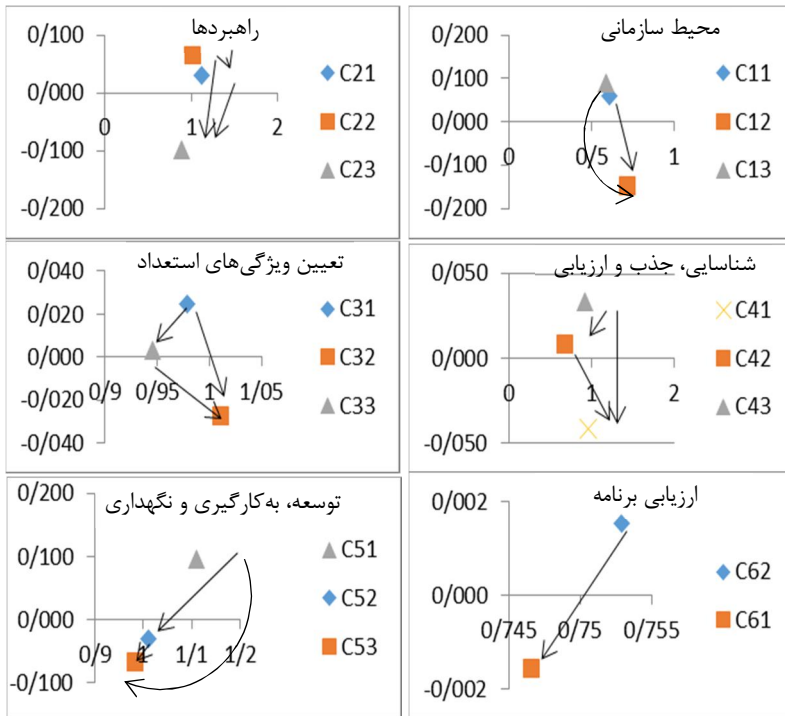
به‌منظور حل مسائل و تصمیم‌گیری مناسب و بهینه در جهت بهبود هر یک از ابعاد و مؤلفه‌های مؤثر بر مدیریت استعداد می‌شود. در این روش علاوه بر بررسی رابطه سطح بین معیارها، علت و معلول و ارزش عددی به‌دست‌آمده آنها (بر اساس توضیح مراحل بند ۴-۱) در یک نمودار طبقه‌بندی و نمایش داده می‌شود. در شکل‌های ۱ و ۲ نمودار علت و معلولی مطابق با مقادیر $\bar{D} + \bar{R}$ و $\bar{D} - \bar{R}$ به‌دست‌آمده رسم شده است. در این نمودارها اعداد محور افقی مقادیر $\bar{D} + \bar{R}$ و اعداد محور عمودی مقادیر $\bar{D} - \bar{R}$ را نشان می‌دهند.

شکل ۱ نحوه ارتباط متقابل بین هر یک از ابعاد را با جهت پیکان نشان می‌دهد. ابعاد محیط سازمانی، راهبردها و ارزیابی برنامه که جهت پیکان از آنها خارج می‌شود از جمله ابعاد علت (تأثیرگذار) بوده و تعیین ویژگی‌های استعداد، شناسایی، جذب و ارزیابی و توسعه، به‌کارگیری و نگهداری که جهت پیکان به آنها وارد می‌شود از جمله ابعاد معلول (تأثیرپذیر) هستند. براین اساس بعد محیط سازمانی بدون تأثیرپذیری از سایر ابعاد، بر تمامی ابعاد دیگر تأثیر می‌گذارد. بعد راهبردها که خود متأثر از بعد محیط سازمانی می‌باشد بر ابعاد تعیین ویژگی‌های استعداد، شناسایی جذب و ارزیابی، توسعه، به‌کارگیری و نگهداری و ارزیابی برنامه تأثیرگذار است. بعد ارزیابی برنامه که خود تحت تأثیر ابعاد محیط سازمانی و راهبردها می‌باشد بر ابعاد تعیین ویژگی‌های استعداد و شناسایی، جذب و ارزیابی تأثیر می‌گذارد. بعد تعیین ویژگی‌های استعداد تحت تأثیر ابعاد محیط سازمانی، راهبردها و ارزیابی برنامه است. بعد شناسایی، جذب و ارزیابی که خود تحت تأثیر ابعاد محیط سازمانی، راهبردها و ارزیابی برنامه‌ها می‌باشد بر بعد توسعه، به‌کارگیری و نگهداری تأثیر می‌گذارد. بعد توسعه، به‌کارگیری و نگهداری نیز تحت تأثیر ابعاد محیط سازمانی، راهبردها، شناسایی، جذب و ارزیابی می‌باشد.



شکل (۱): نمودار علی و معلولی و نقشه شبکه‌ای بین ابعاد راهبردی مؤثر

- شکل ۲ روابط اثرگذاری و اثرپذیری بین مؤلفه‌های هر کدام از ابعاد را با جهت پیکان به شرح زیر نشان می‌دهد (مؤلفه‌هایی که جهت پیکان از آنها خارج می‌شود اثرگذار و مؤلفه‌هایی که جهت پیکان به آنها وارد می‌شود اثرپذیر هستند).
- در بُعد محیط سازمانی؛ مؤلفه خط‌مشی‌های ابلاغی به بانک تحت تأثیر دو مؤلفه ویژگی‌های نظام اداری و فرهنگ سازمانی می‌باشد.
 - در بُعد راهبردها؛ مؤلفه تعهد مدیران بر مؤلفه‌های تدوین راهبرد و تعیین مشاغل کلیدی تأثیرگذار است. مؤلفه تدوین راهبرد نیز که خود تحت تأثیر تعهد مدیران می‌باشد، بر مؤلفه تعیین مشاغل کلیدی اثرگذار است.
 - در بُعد تعیین ویژگی‌های استعداد؛ مؤلفه ویژگی‌های سازمانی بر مؤلفه‌های ویژگی‌های فردی و بین‌فردی تأثیرگذار است. مؤلفه ویژگی‌های فردی که خود متأثر از مؤلفه ویژگی‌های سازمانی می‌باشد بر مؤلفه ویژگی‌های بین‌فردی اثرگذار است.
 - در بُعد شناسایی، جذب و ارزیابی؛ مؤلفه ارزیابی و تشکیل خزانه بر مؤلفه‌های جذب از درون و بیرون اثرگذار است. همچنین مؤلفه جذب از بیرون که خود تحت تأثیر مؤلفه ارزیابی و تشکیل خزانه می‌باشد بر مؤلفه به‌کارگیری از درون اثرگذار است.
 - در بُعد توسعه، به‌کارگیری و نگهداری؛ مؤلفه آموزش و توسعه بر مؤلفه‌های به‌کارگیری و نگهداری اثرگذار است. مؤلفه به‌کارگیری نیز که خود تحت تأثیر مؤلفه آموزش و توسعه می‌باشد بر مؤلفه نگهداری اثرگذار است.
 - در بُعد ارزیابی برنامه؛ مؤلفه ارزیابی فرایندها بر مؤلفه ارزیابی نتایج اثرگذار می‌باشد.



شکل (۲): نمودار علی و معلولی و نقشه شبکه‌ای بین مؤلفه‌های راهبردی مؤثر

سؤال سوم: رتبه‌بندی ابعاد و مؤلفه‌های راهبردی مؤثر بر استقرار نظام مدیریت استعداد چگونه است؟

در این بخش مقایسه‌های زوجی معیارها، روابط درونی معیارها و زیرمعیارها را تشکیل می‌دهیم، سپس بر اساس روش میانگین هندسی باکلی اوزان نسبی را محاسبه می‌کنیم. همچنین مقایسه زوجی ابعاد نسبت به یکدیگر و همچنین مؤلفه‌های مربوط به هر بعد نیز با بقیه مؤلفه‌ها بر اساس میزان تأثیرگذاری در استقرار نظام مدیریت استعداد انجام شده است. جداول شماره ۹ و ۱۰ نشان‌دهنده وزن نهایی ابعاد و مؤلفه‌ها است.

جدول (۹): وزن و ترتیب اهمیت ابعاد راهبردی مؤثر بر استقرار نظام مدیریت استعداد

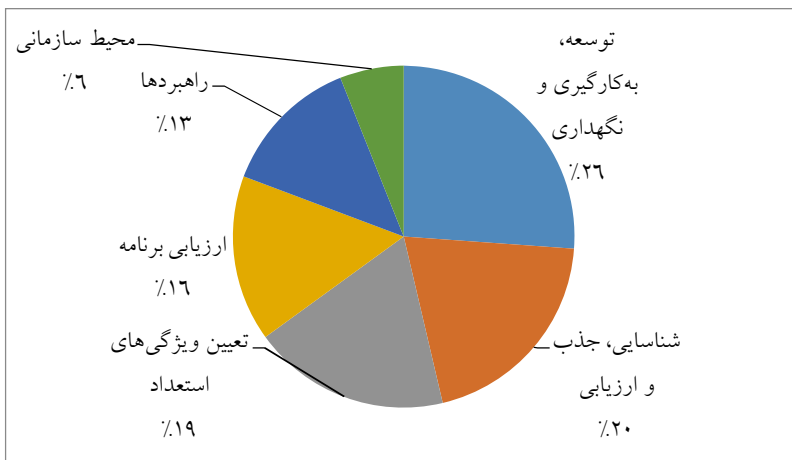
وزن نهایی	کد	ابعاد	اهمیت
0.2614	C5	توسعه، به‌کارگیری و نگهداری	۱
0.202	C4	شناسایی، جذب و ارزیابی	۲
0.1869	C3	تعیین ویژگی‌های استعداد	۳

اهمیت	ابعاد	کد	وزن نهایی
۴	ارزیابی برنامه	C6	0.157
۵	راهبردها	C2	0.1323
۶	محیط سازمانی	C1	0.0603

جدول (۱۰): وزن و ترتیب اهمیت مؤلفه‌های راهبردی مؤثر بر استقرار نظام مدیریت استعداد

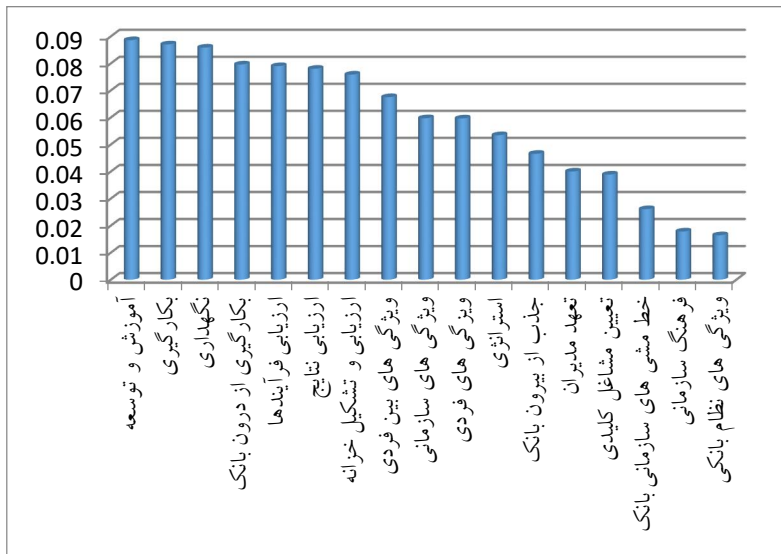
اهمیت	معیارها	کد	وزن نهایی
۱	آموزش و توسعه	C51	0.0886
۲	به‌کارگیری	C52	0.087
۳	نگهداری	C53	0.0858
۴	به‌کارگیری از درون بانک	C41	0.0796
۵	ارزیابی فرایندها	C62	0.079
۶	ارزیابی نتایج	C61	0.078
۷	ارزیابی و تشکیل خزانه	C43	0.0759
۸	ویژگی‌های بین فردی	C32	0.0675
۹	ویژگی‌های سازمانی	C31	0.0597
۱۰	ویژگی‌های فردی	C33	0.0596
۱۱	تدوین راهبرد	C21	0.0534
۱۲	جذب از بیرون بانک	C42	0.0466
۱۳	تعهد مدیران	C22	0.04
۱۴	تعیین مشاغل کلیدی	C23	0.0389
۱۵	خط مشی‌های ابلاغی به بانک	C12	0.0261
۱۶	فرهنگ سازمانی	C11	0.0178
۱۷	ویژگی‌های نظام بانکی	C13	0.0164

بر همین اساس اولویت نسبی ابعاد راهبردی مؤثر بر استقرار نظام مدیریت استعداد در شکل شماره ۳ نشان داده شده است.



شکل (۳): نمودار اولویت نسبی ابعاد مؤثر بر مدیریت استعداد

همان‌طور که دیده می‌شود از نظر خبرگان بعد توسعه، به‌کارگیری و نگهداری دارای بیشترین میزان تأثیر بر نظام مدیریت استعداد در بانک کشاورزی را دارد و محیط سازمانی دارای پایین‌ترین میزان تأثیر بر نظام مدیریت استعداد است. شکل شماره ۴ وزن نهایی مؤلفه‌های راهبردی مؤثر بر استقرار نظام مدیریت استعداد در مقایسه با یکدیگر بدون توجه به ابعاد مربوط را نشان می‌دهد. بر اساس مقادیر به‌دست‌آمده از دید خبرگان پژوهش، آموزش و توسعه دارای بیشترین مقدار تأثیر بر نظام مدیریت استعداد است و ویژگی‌های نظام بانکی دارای کمترین مقدار تأثیر بر نظام مدیریت استعداد در بانک کشاورزی می‌باشد.



شکل (۴): نمودار اولویت نسبی مؤلفه‌های مؤثر بر مدیریت استعداد

نتیجه‌گیری

امروزه گزاره «منابع انسانی مهم‌ترین مزیت رقابتی و سرمایه سازمانی است» به یک گزاره مسلم و قطعی، جهان‌شمول و مورد پذیرش همگان بدل گشته است؛ به همین دلیل بر نقش ارزشمند افراد در سازمان تأکید شده و مدیریت مطلوب آنها بسیار مهم و حساس تلقی می‌شود. در وضعیت رقابتی موجود سازمان‌ها و در محیطی که تغییرات پیاپی و ضرورت نوآوری‌های مستمر اصلی‌ترین ویژگی آن است، تنها سازمان‌هایی موفق به کسب سرآمدی خواهند شد که نقش راهبردهانه منابع انسانی خود را درک نموده و افرادی توانمند، ماهر و دانش‌محور در اختیار داشته باشند. مدیریت صحیح منابع انسانی می‌تواند باعث کاهش هدررفت تمامی منابع گردد. بیشتر سازمان‌ها در زمینه منابع انسانی با مشکلاتی روبه‌رو هستند که از مهم‌ترین آنها می‌توان عدم توجه مدیر به قابلیت‌های بالقوه کارکنان و یا عدم ایجاد زمینه‌هایی برای بروز این قابلیت‌ها را نام برد. مدیریت منابع انسانی را می‌توان شناسایی، انتخاب، استخدام و تربیت و پرورش نیروهای انسانی به‌منظور نیل به اهداف سازمان تعریف نمود و قابل ذکر است که در سازمان‌های ایرانی مبحث توسعه منابع انسانی در قالب‌های گوناگونی نظیر مدیریت استعداد مورد توجه قرار گرفته است، همچنین در تجربه‌های شرکت‌های برتر در سطح دنیا ثابت شده

که مدیریت استعداد متعلق به همه فرایندهای توسعه منابع انسانی است و باید آن را به‌عنوان یک سیستم در جریان در هر یک از فرایندهای توسعه منابع انسانی نهادینه کرد؛ بنابراین با این دیدگاه مدیریت استعداد نیز سیستمی جهت شناسایی، استخدام، پرورش، ارتقاء و نگهداری افراد مستعد با هدف بهینه کردن توان سازمان به‌منظور تحقق نتایج کسب‌وکار می‌باشد. نظام بانکداری به‌عنوان یکی از سازمان‌هایی که با متن جامعه در ارتباط است در این پژوهش دارای اهمیت است. نتایج پژوهش در پاسخ به سؤال اول نشان داد که ابعاد مؤثر بر استقرار نظام مدیریت استعداد در بانک کشاورزی عبارت است از: توسعه، به‌کارگیری و نگهداری؛ شناسایی، جذب و ارزیابی؛ تعیین ویژگی استعداد؛ ارزیابی برنامه؛ راهبردها و محیط سازمانی. در این میان مؤلفه‌های مؤثر بر آن شامل: آموزش و توسعه؛ به‌کارگیری از درون؛ ویژگی‌های بین‌فردی؛ ارزیابی فرایندها؛ تدوین راهبرد و خط مشی‌های ابلاغی به بانک می‌باشد. با این یافته در پاسخ به سؤال دوم ابعاد محیط سازمانی و راهبردها و ارزیابی برنامه به‌عنوان عوامل تأثیرگذار و تعیین ویژگی‌های استعداد، شناسایی، جذب و ارزیابی و توسعه، به‌کارگیری و نگهداری آنها به‌عنوان عوامل تأثیرپذیر شناسایی شد. همچنین در ضرورت پاسخ به اولویت‌بندی ابعاد راهبردی مشخص شد بُعد توسعه، به‌کارگیری و نگهداری دارای بیشترین میزان تأثیر بر نظام مدیریت استعداد در بانک کشاورزی را دارد و محیط سازمانی دارای پایین‌ترین میزان تأثیر بر نظام مدیریت استعداد است. درنهایت می‌توان گفت در عصر مدرن، سازمان‌ها به‌منظور رشد و ارتقاء جایگاه خویش در محیطی که تنها پدیده ثابت آن تغییر و دگرگونی است بایستی در کشف و پرورش استعدادهای خود کوششی مضاعف به‌عمل آورند. از این رهگذر با بررسی سرمایه انسانی سازمان می‌توان استعدادهای شناسایی، جذب و توسعه و پرورش داد که با مدیریت صحیح این استعدادهای رعایت ابعاد و مؤلفه‌های مؤثر و تأثیرپذیر و ایجاد اولویت در این ابعاد به ایجاد انگیزه و بهره‌وری کارکنان سازمانی بانک کشاورزی یاری جست.

پیشنهادها و توصیه‌ها

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده به‌منظور استقرار مطلوب نظام مدیریت استعدادها موارد زیر به مدیران ارشد بانک کشاورزی پیشنهاد و توصیه می‌شود:

- ۱- برنامه آموزش و توسعه به‌صورت هدفمند، کاربردی و منسجم مورد بازبینی و دقت‌نظر مدیران قرار گیرد و بر اساس پست‌های مدیریتی و شکاف آموزشی، برنامه‌ریزی آموزش‌های موردنیاز برای مهیا نمودن کاندیداهای مدیریتی مستعد

انجام و نسبت به توسعه آنها با روش‌های کاربردی از قبیل کارگاه‌های تخصصی، گردش شغلی، مربیگری، منتورینگ (مُرشد - مریدی) و مدیریت تسهیم دانش سازمانی اقدام شود. توجه در به‌کارگیری مناسب و بهنگام کاندیداهای توسعه‌یافته، تدوین کارراه شغلی و توجه به نیازهای انگیزشی از مهم‌ترین عوامل حفظ و نگهداری صحیح استعدادها می‌باشند.

۲- از ورود و ارتقاء کاندیداهای کم‌استعداد و سفارشی در سازمان که مدیریت استعدادها را با چالش‌هایی روبه‌رو می‌کند جلوگیری شود. مدیران باید اول بر اساس قابلیت‌های بالقوه و دوم بر اساس آمادگی‌های فعلی استعدادها را شناسایی و پس از ارزیابی صحیح، افراد منتخب را در خزانه استعدادها قرار دهند. تشکیل خزانه استعدادها فرصتی مناسب برای برانگیختن استعدادهای با توان بالقوه بالا و شناسایی مسیر شغلی برای ارتقاء کارکنان با استعداد است. بخش‌بندی استعدادها در خزانه و امکان ورود مستمر به آن در تمامی مراحل شغلی اهمیت زیادی خواهد داشت.

۳- ویژگی‌ها و استعدادهای مورد نیاز در هر یک از مشاغل مدیریتی به‌صورت استاندارد و دقیق مشخص شوند. شایستگی‌ها متناسب با شرایط کاری، فرهنگ بومی بانک و نیز استعدادهای کارکنانی که تحت تأثیر ویژگی‌های سازمانی بر عهده گیرنده این مشاغل بایستی واجد شرایط آنها باشند، مشخص شوند.

۴- با ارزیابی مستمر کارایی و اثربخشی فرایند مدیریت استعداد مشخص شود که تا چه اندازه استقرار و پیاده‌سازی این نظام موفق عمل کرده است. ایجاد کانون‌های ارزیابی، تدوین معیارهای دقیق، استفاده از روش‌های مناسب و ارزیابان خبره، شرایط را به‌منظور ارزیابی واقعی و رفع انحراف‌های احتمالی در برنامه فراهم می‌نماید.

۵- با تدوین راهبرد مناسب همسو با راهبرد کسب‌وکار، تحقق فرایند مدیریت استعداد فراهم شود. تعهد مدیران ارشد در اجرای برنامه مدیریت استعداد تأثیر اصلی را بر تدوین راهبرد خواهد داشت. حمایت و الگو بودن مدیران ارشد برای کاندیدها از اهمیت بسزایی برخوردار است، مدیران باید تشویق شوند تا مسائلی که برای سازمان به‌وجود می‌آید را با همفکری و همکاری حل کنند نه اینکه به تنهایی مسئولیت آن را برعهده گیرند. کاندیداهای مدیریتی باید احساس کنند که مدیران برای آنها ارزش قائل می‌شوند، ایجاد نظام پیشنهادها راهکار مناسبی برای جلب همفکری است.

۶- توجه جدی به ساختار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و نیز سیاست‌های کلان

نظام اداری و اسناد بالادستی، مسیر تداوم نظام مدیریت استعداد را هدایت خواهد کرد. فرهنگ سازمانی قوی نیز بر نگرش و رفتار کاندیداهای مدیریتی اثر گذاشته و آنها را به‌منظور ایجاد مزیت رقابتی همراستا می‌کند؛ بنابراین ایجاد تصویر مطلوب موجب می‌شود تا مدیران بدون اینکه موقعیت خود را در خطر ببینند، برای استقرار نظام مدیریت استعداد همکاری نمایند.

فهرست منابع

داوودی، سیدعلی؛ یعقوبی، نورمحمد؛ اورعی‌یزدانی، بدرالدین و ایمانی، عبدالمجید (۱۳۹۶). شناسایی و تبیین مؤلفه‌ها و پیشران‌های مؤثر بر استعدادیابی و جانشین‌پروری در نظام آموزش عالی استان سیستان و بلوچستان با بهره‌گیری از روش میک مک. *فصلنامه راهبرد اجتماعی - فرهنگی*، سال ششم، (۲۴)، ۲۳۵-۲۶۱.

رجبی پورمبیدی، علیرضا و محمدی، معصومه (۱۳۹۹). طراحی الگوی تلفیقی مدیریت استعداد به روش تحلیل مضمون. *فصلنامه مطالعات منابع انسانی*، (۳)۱۰، ۷۹-۱۰۴.

روشن، علیقلی؛ برزگر، کیوان و یعقوبی، محسن (۱۳۹۹). طراحی الگوی بنیادی سیستم مدیریت استعداد. *پژوهش‌های مدیریت عمومی*، سال سیزدهم، (۷۴)، ۱۶۱-۱۸۸.

سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی، الهه (۱۴۰۰). *روش تحقیق در علوم رفتاری*. تهران، انتشارات آگاه.

صدر منصوری، سعید؛ احمدی، علی‌اکبر؛ درویش، حسن و رجب بیگی، مجتبی (۱۳۹۸). شناسایی شایستگی‌های مدیریت در فرایند استعدادیابی (مورد مطالعه: صنعت نفت ایران). *فصلنامه مطالعات راهبردی در صنعت نفت و انرژی*، (۳۹)۱۰، ۶۳-۹۶.

قدیری، روح‌اله و ناظمی، امیر (۱۳۸۵). *آینده‌نگری از مفهوم تا اجرا*. تهران: مرکز صنایع نوین.

کوهی خور، محمد؛ کمالیان، امین‌رضا؛ یعقوبی، نورمحمد و پورعزت، علی‌اصغر (۱۳۹۹). فراترکیب مدل یکپارچه مدیریت استعداد. *فصلنامه چشم‌انداز مدیریت دولتی*، (۱)۱۱، ۱۲۰-۱۴۳.

محفوظی، علی؛ لفظ‌فروشان، داود و قربانی، محمود (۱۳۹۸). طراحی مدلی جامع

برای مدیریت استعدادها با نگرش جانشین‌پروری به‌منظور توسعه و تجهیز بهره‌وری در سازمان با روش معادلات ساختاری. مدیریت بهره‌وری، سال دوازدهم، (۴۸)، ۲۴۹-۲۷۵.

- Butter, M.; Valenzuela, E. & Quintana, M. (2015). Intercultural Talent Management Model. *Computers In Human Behavior*, 51(B), 1191-1197.
- Christian Reiner, C.; Susanne Meyer B. & Sascha Sardadva (2017). *Urban attraction policies for international academic talent: Munich and Vienna in comparison*, Cities 61, 27-35.
- Collings, D. G.; Mellahi, K. & Cascio, W. F. (2019). Global talent management and performance in multinational enterprises: A multilevel perspective. *Journal of Management*, 45(2), 540-566.
- Dopson, S.; Ferlie, E.; McGivern, G.; Fischer, M. D.; Mitra, M.; Ledger, J. & Behrens, S. (2019), Leadership Development in Higher Education: A Literature Review and Implications for Programme Redesign. *Higher Education Quarterly*, 73(2), 218-234.
- Gallardo-Gallardo, E. & Thunnissen, M. (2016). Standing on the shoulders of giants? A critical review of empirical talent management research. *Employee Relations*, 38(1), 31-56.
- Järvi, K. & Khoreva, V. (2020). The role of talent management in strategic renewal. *Employee Relations: The International Journal*, 42(1), 75-89.
- Jeng, D. & Tzeng, G. (2012). Social Influence on the Use Of Clinical Decision Support Systems: Revisiting The Unified Theory Of Acceptance And Use Of Technology By The Fuzzy Dematel Technique. *Computers & Industrial Engineering*, 819-828.
- Khoreva, V.; Vaiman, V. & Van Zalk, M. (2017). Talent management practice effectiveness: investigating employee perspective. *Employee Relations*, 39(1), 19-33.
- Latukha, M. O. (2018). Can Talent Management Practices Be Considered as a Basis for Sustainable Competitive Advantages in Emerging-Market Firms? Evidence from Russia. *Thunderbird International Business Review*, 60(1), 69-87.
- Makram, H.; Sparrow, P. & Greasley, K. (2017). How do strategic actors think about the value of talent management? Moving from talent practice to the practice of talent. *Journal of Organizational Effectiveness: People and Performance*, 4(4), 259-378.
- Mohammed, A. A.; Baig, A. H. & Gururajan, R. (2020). An examination of talent management processes in Australian higher education. *International Journal of Productivity and Performance Management*, 69(6), 1271-1299.
- Mwila, N. K. & Turay, M. I. S. (2018). Augmenting talent management for sustainable development in Africa. *World Journal of Entrepreneurship, Management and Sustainable Development*, 14(1), 41-49.



- Saddozai, S. K.; Hui, P.; Akram, U.; Khan, M. S. & Memon, S. (2017). Investigation of talent, talent management, its policies and its impact on working environment. *Chinese Management Studies*, 11(3), 538-554.
- Schiemann, W. A. (2014). Reinventing Talent Management: How To Maximize Performance In The New Marketplace. Routledge International Handbooks. 426-438.
- Shahi, T.; Farroksheresht, B. & Aghajani, H. A. (2020). Behavioral Factors Affecting Talent Management: MetaSynthesis Technique. *Iranian Journal of Management Studies*, 13(1), 117-137.
- Taylor, T. & Robinson, L. (2019). Succession and good governance. *Research Handbooks in Business and Management Seris*. Routledge International Handbooks, 426-438.
- Theys, N. A. & Schultz, C. M. (2020). A qualitative perspective of Talent Management. *Journal of Contemporary Management*, 17(1), 64-85.

References

- Christian Reiner, c.; Susanne Meyer b. & Sascha Sardadva (2017). Urban attraction policies for international academic talent: Munich and Vienna in comparison, *Cities* (61), 27-35.
- Collings, D. G.; Mellahi, K. & Cascio, W. F. (2019). Global talent management and performance in multinational enterprises: A multilevel perspective, *Journal of Management*, 45(2), 540-566.
- Davoudi, Seyyed Ali; Yagoubi, Noor Mohammad; Orai-Yazdani, Badreddin; Imani, Abdul Majid (2016). Identifying and explaining the factors and drivers affecting talent acquisition and succession in the higher education system of Sistan and Balochistan using the Meek Meek method, *Socio-Cultural Strategy Quarterly*, 6th year, (24), 261-235. (In persian)
- Dopson, S.; Ferlie, E.; McGivern, G.; Fischer, M. D.; Mitra, M.; Ledger, J. & Behrens, S. (2019). "Leadership Development in Higher Education: A Literature Review and Implications for Programme Redesign", *Higher Education Quarterly*, 73(2) 218-234.
- Gallardo-Gallardo, E. & Thunnissen, M. (2016). Standing on the shoulders of giants? A critical review of empirical talent management research, *Employee Relations*, 38(1), 31-56.
- Jarvi, K. & Khoreva, V. (2020). The role of talent management in strategic renewal, *Employee Relations: The International Journal*, 42(1), 75-89.
- Jeng, D. & Tzeng, G. (2012). Social Influence on the Use Of Clinical Decision Support Systems: Revisiting The Unified Theory Of Acceptance And Use Of Technology By The Fuzzy Dematel Technique, *Computers & Industrial Engineering*, 819-828.
- Khoreva, V.; Vaiman, V. & Van Zalk, M. (2017). Talent management practice effectiveness: investigating employee perspective, *Employee Relations*, 39(1), 19-33.
- Kohi Khor, Mohammad; Kamalian, Amin Reza; Yagoubi, Noor Mohammad & Pourezat, Ali Asghar, (2019). Meta-synthesis of the

- integrated talent management model, *Public Management Perspectives Quarterly*, 11(1), Spring 2019: 120-143. (In persian)
- Latukha, M. O. (2018). Can Talent Management Practices Be Considered as a Basis for Sustainable Competitive Advantages in Emerging-Market Firms? Evidence from Russia, *Thunderbird International Business Review*, 60(1), 69-87.
- Mahfovi, Ali; Lafz Phoroshan, Daoud & Ghorbani, Mahmoud (2018). Designing a comprehensive model for talent management with the attitude of succession planning in order to develop and equip productivity in the organization Baroosh Structural Equations, *Productivity Management*, Year 12, (48), 249-275. (In persian)
- Makram, H.; Sparrow, P. & Greasley, K. (2017). How do strategic actors think about the value of talent management? Moving from talent practice to the practice of talent, *Journal of Organizational Effectiveness: People and Performance*, 4(4), 259-378.
- McCullough, D. (2020). Succession Planning Strategies for Retiring Employees in the Department of Defense.
- Modiri, Mahmoud; Dashti, Mohammad & Karimi Shirazi, Mohammad, (2019). Identifying and prioritizing factors influencing safety performance with the combined approach of DIMTEL and fuzzy network analysis process, *Occupational Health and Safety Quarterly*, 9(1), Spring 2018: 49-60. (In persian)
- Mohammed, A. A.; Baig, A. H. & Gururajan, R.(2020). An examination of talent management processes in Australian higher education, *International Journal of Productivity and Performance Management*, 69(6), 1271-1299.
- Mwila, N. K. & Turay, M. I. S.(2018). Augmenting talent management for sustainable development in Africa, *World Journal of Entrepreneurship, Management and Sustainable Development*, 14(1), 41-49.
- Nissan, J. & Eder, P. (2017). Four Simensions of Designing Succession Plans, *OD Practitioner*, 49(3), 79-81.
- Oduwusi, O. (2018). Succession Planning as a Key to Effective Managerial Transition Process in Corporate Organization, *American Journal of Management Science and Engineering*, 3(1), 1-6.
- Oloyed, O.; Ayedun, C. & Ajibola, M. (2016). Leadership Succession Planning: An Examination Of Sole Proprietor Estate Surveying And Valuation Firms In Lagos Metropolis, Nigeria *Covenant Journal Of Research In The Built Environment(CJBRE)*, 4(1), 19-31.
- Paula Thomson, S. & Victoria Jaque (2017). The person: Talent and performing artists, *Creativity and the Performing Artist, Behind the Mask*, A volume in Explorations in Creativity Research, 39-51.
- Porschitz, E. T.; Smircich, L. & Calás, M. B. (2016). Drafting “foot soldiers”: The social organization of the war for talent, *Management Learning*, 47(3), 343-360.
- Qadiri, Rohollah & Nazimi, Amir (1385). Foresight from concept to implementation, Tehran, Center for Modern Industries. (In persian)

- Rajabi Pourmibdi, Alireza & Mohammadi, Masoumeh (2019). Designing an integrated model of talent management by thematic analysis method, *Human Resource Studies Quarterly*, 10(3), Fall 2019, 79-104. (In persian)
- Roshan, Aligli; Barzegar, Keyvan & Yagoubi, Mohsen (2019). Designing the fundamental model of the talent management system, *Public Management Research*, 13th year, (74), 161-188. (In persian)
- Rowe, G. & Wright, G. (1999). The Delphi technique as a forecasting tool: issues and analysis. *International Journal of Forecasting*, 15(1), 353-375
- Saaty, T. (2008). The Analytic Hierarchy and Analytic Network Measurement Processes: Applications to Decisions under Risk, *EUROPEAN JOURNAL OF PURE AND APPLIED MATHEMATICS*, (1), 122-196.
- Saddozai, S. K.; Hui, P.; Akram, U.; Khan, M. S. & Memon, S. (2017). Investigation of talent, talent management, its policies and its impact on working environment, *Chinese Management Studies*, 11(3), 538-554.
- Sadr Mansouri, Saeed; Ahmadi, Ali Akbar; Darvish, Hassan & Rajab Beigi, Mojtabi, (2018). Identifying management competencies in the talent acquisition process (case study: Iran's oil industry), *Quarterly Journal of Strategic Studies in the Oil and Energy Industry*, 10(39), 63-96. (In persian)
- Sarmad, Zohreh; Bazargan, Abbas & Hijazi, Alahe (1400). Research methods in behavioral sciences, Tehran, Aghah Publications, Novet 37. (In persian)
- Shahi, T.; Farroksheresht, B. & Aghajani, H. A. (2020). Behavioral Factors Affecting Talent Management: MetaSynthesis Technique, *Iranian Journal of Management Studies*, 13(1), 117-137.
- Story, V.; Hurdley, L.; Smith, G. & Saker, J. (2000). Methodological and practical implications of the Delphi technique in marketing decision-making: a re-assessment. *The Marketing Review*, 1(4), 487-504.
- Theys, N. A. & Schultz, C. M. (2020). A qualitative perspective of Talent Management. *Journal of Contemporary Management*, 17(1): 64-85.
- Turner, P. (2019), "Linking Leadership and Succession Planning", In: *Leadership in Healthcare*, pp. 233-262, Palgrave Macmillan, Cham.
- Yeh, T. M. & Huang, Y. L. (2014). Factors in determining wind farm location: Integrating GQM, fuzzy DEMATEL, and ANP. *Renewable Energy*, (66), 159-169.

شناسایی نقش برنامه‌های تلویزیون در توسعه فرهنگی شهروندان تهرانی

زهرا راه‌دار

دانشجوی دکتری تخصصی ارتباطات، گروه ارتباطات اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
z.rahdar20@gmail.com

سمیه تاجیک اسماعیلی

عضو هیئت علمی گروه ارتباطات اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
s.t.esmaeili@gmail.com

ماندانا صنیعی

عضو هیئت علمی گروه ارتباطات اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
mandanasaniee@yahoo.com

چکیده

امروزه مقوله فرهنگ و توسعه فرهنگی از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین مباحث موجود در نظام اجتماعی بوده و بررسی تعامل فرهنگ با رسانه، رویکرد جامع و عمیقی را می‌طلبد. پژوهش حاضر با هدف شناسایی نقش ابعاد و مؤلفه‌های اثرگذار برنامه‌های تلویزیون در توسعه فرهنگی شهروندان طراحی و اجرا شده است. این پژوهش از نوع کاربردی است که به روش آمیخته (کیفی - کمی) انجام شده است. جامعه آماری پژوهش را در بخش کیفی ۳۰ نفر از نخبگان حوزه رسانه و فرهنگ تشکیل دادند که با استفاده از نمونه‌گیری گلوله برفی انتخاب و مورد مصاحبه قرار گرفتند. همچنین در بخش کمی و بررسی‌های آماری از نظرات ۳۸۴ نفر از شهروندان تهرانی بالای ۱۸ سال بهره گرفته شد. جهت جمع‌آوری اطلاعات در بخش کمی از پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شد که روایی آن با استفاده از روایی صوری و پایایی آن با استفاده از محاسبه ضریب آلفای کرونباخ مورد تأیید قرار گرفت. یافته‌های پژوهش که از طریق روش کیفی استخراج شد، شامل ۹ شاخص و عبارت‌اند از: نگرش، گرایش، منش، مصرف فرهنگی، امنیت شخصی شهروندان، فرآورده، ارتباطات، دستاورد و نیروی انسانی. جهت تجزیه و تحلیل و رتبه‌بندی عوامل شناسایی شده از روش AHP استفاده شد. بر اساس نتایج حاصله، در ساخت برنامه‌های تلویزیونی برای ارتقای توسعه فرهنگی، منش‌ها دارای بیشترین تأثیر، فعالیت‌های فرهنگی و فرآورده‌ها در اولویت دوم، نگرش در اولویت سوم، ابزارهای ارتباطی در اولویت چهارم، ارتقای نیروی انسانی در اولویت پنجم و گرایش‌ها در اولویت آخر قرار گرفتند.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ، توسعه فرهنگی، نگرش، رسانه‌های جمعی، برنامه‌های تلویزیون، شهروندان تهرانی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۵ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۱/۱۰/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۳
فصلنامه راهبردی اجتماعی فرهنگی، سال ۱۲، شماره ۲، پیاپی ۴۷، تابستان ۱۴۰۲، صص ۶۷۳-۷۱۴

مقدمه و بیان مسئله

رسانه‌ها در فرهنگ جامعه نقش غالب را بازی می‌کنند و این بازی را نه فقط با بازتاب‌دادن فرهنگ، بلکه با شرکت در فرهنگ‌سازی نیز به اجرا می‌گذارند. نقش آنها پیچیده است: از یک سو جزء فرایندهایی هستند که فرهنگ از آنها بیرون می‌آید و ساخته می‌شود، از سوی دیگر، در صحنه‌ای بازی می‌کنند و که حیات اجتماعی و فرهنگی در آن جریان دارد. رسانه‌ها نگرش‌ها و ارزش‌هایی را که از قبل در فرهنگ وجود دارد، پرورش می‌دهند و این ارزش‌ها را در بین اعضای یک فرهنگ حفظ و تکثیر می‌کنند (امیرانتخابی و دیگران، ۱۳۹۴، ص. ۱۱۵). شناسایی نقش تلویزیون در توسعه فرهنگی، موضوعی است که در نگاه سطحی، سهل و بدیهی ولی با نگاه عمیق و کارشناسی دشوار و ممتنع است. فرهنگ هم زیربنای توسعه، هم عامل آن، و هم هدف و نتیجه توسعه تلقی شده است (گراوند و فرهاد، ۱۳۹۵، ص. ۱۴۴). بدیهی است که هیچ‌نوع دگرگونی و توسعه‌ای در جامعه به‌وقوع نمی‌پیوندد، مگر اینکه رسانه در جایگاه تعریف‌شده‌ای قرار بگیرد و کارکرد آن الگوسازی برای توسعه در همه ابعاد اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی باشد (Katz, 2010, p. 38). توسعه فرهنگی نتیجه تأثیرگذاری متغیرهای متعدد و پیچیده‌ای مانند ایدئولوژی، مذهب، عرف، آزادی، صداقت، شفافیت، رقابت، عدالت، اعتدال، نوآوری، فناوری و بسیاری متغیرهای متنوع دیگر است. مفهوم دیرپای توسعه در دنیای امروز دچار دگرگونی شده و توسعه اقتصادی جای خود را به توسعه فرهنگی داده است. چنانچه اگر فرهنگ پالایش و توسعه نیابد، سایر جنبه‌های توسعه نیز تحقق نخواهند پذیرفت. در عصر ارتباطات، رسانه‌ها عهده‌دار این رسالت فرهنگی‌اند؛ چراکه قدرتمندترین ابزار در جهت پیشبرد اهداف دولت‌ها و ملت‌ها به‌شمار می‌آیند و نیکوتر آنکه این ابزار ویژه، در خدمت ارتقای سطح فرهنگ جامعه و زدودن آن از هر گونه غبار و بدرنگی مورد استفاده قرار گیرند. رسانه‌ها، کارکردها و نقش‌های متعددی از جمله وظیفه انتشار انواع معرفت را در جامعه برعهده دارند که می‌توانند به‌جای دیگر نهادهای معرفتی (آموزش و پرورش و دانشگاه و...) هم عمل کنند. رسانه‌ها در یک فضای عمومی فعالیت می‌کنند، یعنی علی‌الاصول در دسترس همه اعضای جامعه به‌صورت باز، داوطلبانه و کم‌هزینه قرار دارند (آقاجانی، ۱۳۹۵). رسانه‌ها در مقایسه با سایر نهادهای اجتماعی با ارائه اطلاعات گوناگون به مخاطبان،



دانش و نگرش آنها را درباره موضوع‌های متفاوت تحت تأثیر قرار می‌دهند. افزون بر اطلاعاتی که در اختیار مخاطبان قرار می‌دهند، با ارائه تحلیل و تفسیر به تدریج بخشی از نظام معرفتی افراد را تشکیل می‌دهند. در این میان رسانه تلویزیون به دلیل ویژگی‌ها و جذابیت‌های خاص خود، می‌تواند به‌واقع به یک رسانه فرهنگی در تمامی ابعاد آن مبدل شود. در کشور ما رسانه ملی به لحاظ موقعیت ویژه‌ای که در مقایسه با سایر رقبا در اختیار دارد، ضروری است تا با برنامه‌ریزی‌های راهبردی و عملیاتی و با بهره‌مندی از مدیریتی صحیح و کارآمد، در راستای تحقق اهداف توسعه فرهنگی کشور، گام‌های بنیادینی بردارد. در طی این مسیر باید همواره خلاقیت و پویایی خود را در میان رقبا حفظ نموده تا در سپهر رسانه‌ای دنیای امروز، علاوه بر بقا، تأثیرگذار و جهت‌دهنده عمل نماید (آقاجانی، ۱۳۹۵، ص. ۲۴۳). تلویزیون بازگوکننده وضعیت فرهنگی و اجتماعی یک جامعه است. برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی در عین حال که از ارزش‌ها و اعتقادات فرهنگی و اجتماعی جامعه تأثیر می‌پذیرند، می‌توانند شکل‌دهنده و تغییردهنده این ارزش‌ها و اعتقادات نیز باشند (Gerbner, 1994, p. 20). در میان وسایل ارتباط جمعی، قطعاً تلویزیون به سبب قابلیت‌های خاص خود جایگاه ویژه و آثار مثبت و منفی گسترده‌ای دارد به گونه‌ای که اندیشمندان و صاحب‌نظران، این آثار را با طیفی از خوش‌بینی یا بدبینی کامل بررسی نموده‌اند. بدیهی است مثبت یا منفی بودن تأثیرهای تلویزیون از مسائلی است که نیاز به تأمل و بررسی همه‌جانبه و دقیق دارد (پورمحمد و دیگران، ۱۳۹۸، ص. ۱۵۷).

فعالیت‌های رسانه ملی به نتایج مهمی مانند انتقال فرهنگی، تغییر فرهنگی و فرهنگ‌سازی منجر می‌شود و قادر است یک موضوع اجتماعی را به مسئله مورد توجه مردم تبدیل کند. سپس با فنون تکرار و استمرار، آن را به صورت فراگیر درآورد، به هنجار اجتماعی تبدیل کند و پس از آن در سطح جامعه، آن را به فرهنگ و باور عموم تبدیل نماید (فرهنگی، ۱۳۸۸، ص. ۱۰۴). سازمان‌ها به‌عنوان یک ارگان زنده برای حفظ بقای خود تلاش کرده و در محیط‌های رقابتی به دنبال کسب موفقیت و پیروزی هستند. در این راستا عقاید، نظرها و قوانینی وجود دارد که مبنای تصمیم‌گیری سازمان قرار می‌گیرند و نوع نگرش آنان را نسبت به محیط به‌واسطه مدل‌های ذهنی یا فکری تشکیل می‌دهد. در کشور ما سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان ارتباطی در راستای پیشبرد توسعه فرهنگی کشور توجه ویژه‌ای به رسانه‌ای چون تلویزیون داشته باشند. از منظر محتوایی، رسانه ملی نیاز دارد مدل سیاست‌گذاری فرهنگی خود را در راستای اهداف و چشم‌انداز فرهنگی سازمان، مشخص کند تا با شناخت نیازهای فرهنگی حاضر در

جامعه و توجه به نوآوری‌ها و دگرگونی‌های فرهنگی، توان ایجاد تنوع فرهنگی را در دستور کار خویش قراردهد (مظفر و دیگران، ۱۳۸۹، ص. ۷۹). به عبارتی سیاست‌گذاری رسانه‌ای باید بر پایه نقد سیاست رسانه‌ای گذشته و در نظر گرفتن شرایط و مصلحت موجود و با رویکرد واقع‌بینانه به آینده ترسیم شود. سیاست‌گذاری رسانه‌ای به چگونگی، قابلیت اجرا و عملیاتی شدن یک سیاست در جامعه نیز باید توجه داشته باشد (Hutchison, 1999, p. 128). نائبی و آغاز (۱۳۸۸) در خصوص نقش اساسی رسانه‌ها در تسهیل و تسریع توسعه فرهنگی کشور، بر لزوم سیاست‌های پویای اجتماعی و ترکیب آن با فرهنگ که پاسخگوی مشارکت آحاد مردم باشند به‌جای سیاست‌های عوام‌فریبانه، جرمی و طبقاتی تأکید می‌کنند. خجسته باقرزاده (۱۳۹۸) نیز در اشاره به مؤلفه‌ها و عوامل کلیدی رسانه‌ای، بر وضعیت سپهر رسانه‌ای حاکم بر ایران و چگونگی مخاطب‌شناسی تکیه می‌کند. موضوع نقش رسانه‌ها در توسعه فرهنگی و پرداختن به آن، به سه پارادایم ایرانی - اسلامی و غربی، به‌گونه‌ای عمل کرده که علاوه بر حفظ ذخایر غنی ایران و اسلام، از غافله نوسازی عقب نماند و ازسوی دیگر به‌گونه‌ای عمل نکند که به‌عنوان افراد، سازمان‌ها یا جامعه‌ای انجماد فکر، سنت پرست و بیگانه با رشد تمدن معاصر در نظر گرفته شوند. همچنین باید با تکیه بر داشته‌های فرهنگی و ساختارهای موجود، توسعه فرهنگی از طریق و به کمک رسانه شکل گیرد (بهزادی؛ امام قلیزاده و رضوی، ۱۴۰۰، ص. ۹۲). تلویزیون به سبب قابلیت‌های شنیداری و دیداری می‌تواند پاره‌ای از تجربه‌های خاص را برای بینندگان به نمایش بگذارد و سهم قابل توجهی در توسعه فرهنگی داشته باشد. به‌رغم اهمیت جنبه‌های اقتصادی توسعه، به نظر می‌رسد که توسعه چیزی بیش از رشد اقتصادی است و گذشته از بهبود سطح مادی زندگی، عدالت اجتماعی و ارزش‌ها و سنت‌های بومی را نیز دربرمی‌گیرد؛ لذا توسعه را می‌توان به معنای ارتقاء مستمر جامعه و نظام اجتماعی به‌سوی زندگی بهتر دانست (یسری؛ فکوهی و صالحی امیری، ۱۳۹۷). در امر توسعه فرهنگی از طریق رسانه‌ها، نمی‌توان بدون توجه به نیازها، ارزش‌ها، هنجارهای مردم، بافت و زمینه اجتماعی و فرهنگی شهر محل سکونت، هویت فرهنگی و... برنامه‌ریزی‌های مربوطه را به نتیجه رساند. کلانشهری مانند تهران، با ویژگی‌های خاص و ویژه از نظر سکونت‌گاه‌ها، مناطق شهری، هویت فرهنگی حاکم بر نواحی مختلف، ویژگی‌های جمعیتی خاص، میزان سواد و تحصیلات و... به‌عنوان بزرگترین و مهمترین شهر کشور با مشکلات فراوانی در زمینه توسعه و پیشرفت روبه‌روست. مسلماً در مورد این کلان‌شهر نیز نمی‌توان بدون بحث فرهنگ و هویت فرهنگی، اقدام مؤثری در امر توسعه فرهنگی

شهروندان انجام داد. با وجود اهمیت موضوع تعامل رسانه و فرهنگ در چنین شهری، به نظر می‌رسد خلأهای پژوهشی زیادی در این زمینه وجود داشته باشد که ضرورت پرداختن به این امر را بیش از پیش نمایان می‌کند. به تعبیردیگر، پژوهش‌های زیادی در زمینه نقش سیاست‌گذاری ارتباطات در توسعه فرهنگی یا فرهنگ کارآفرینی و یا ارتباطات میان فرهنگی و نقش رسانه در توسعه، در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... انجام شده؛ اما پژوهشی که به‌طور مشخص نقش تلویزیون را در توسعه فرهنگی شهروندان تهرانی مورد مطالعه قرار دهد، صورت نپذیرفته است. لذا، پژوهش حاضر با هدف شناسایی نقش برنامه‌های تلویزیون در توسعه فرهنگی شهروندان تهرانی انجام شده و مسئله اصلی پژوهش، پاسخگویی به این پرسش است که برنامه‌های تلویزیون چه نقشی در توسعه فرهنگی شهروندان دارند؟ وضعیت موجود چیست و تلویزیون با چه راهبردهایی می‌تواند موجب تحقق توسعه فرهنگی در بین شهروندان تهرانی شود؟

۱. اهداف پژوهش

هدف کلی پژوهش حاضر، شناسایی نقش برنامه‌های تلویزیون در توسعه فرهنگی شهروندان تهرانی است.

هدف‌های جزئی که در این مطالعه مورد توجه قرار گرفته‌اند، عبارت‌اند از:

- ۱- شناسایی ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های توسعه فرهنگی شهروندان تهرانی با رویکرد نقش تلویزیون؛
- ۲- تعیین اهمیت و اولویت‌بندی ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های توسعه با رویکرد نقش تلویزیون.

۲. سؤال‌های پژوهش

برای تحقق هدف‌های پژوهش، پرسش‌های زیر مطرح شدند:

- ۱- مؤلفه‌های توسعه فرهنگی از دیدگاه نخبگان فرهنگ و رسانه کدامند؟
- ۲- میزان اهمیت (اولویت‌بندی) هر یک از ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های توسعه فرهنگی از نقطه‌نظر شهروندان از طریق تلویزیون چگونه است؟
- ۳- میزان اهمیت (اولویت‌بندی) هر یک از ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های توسعه فرهنگی از نقطه‌نظر شهروندان از طریق تلویزیون چگونه است؟

۳. پیشینه پژوهش

نتایج پژوهش خواجه‌نوری و زادفرج (۱۴۰۱) با عنوان «بررسی نقش صداوسیما در انتشار تنوع فرهنگی (با تأکید بر توسعه مشارکتی)» نشان داد که برنامه‌های صداوسیما بر انتشار تنوع فرهنگ مؤثر است. همچنین بین نوع فعالیت‌های حرفه‌ای، بین سیاست تحریریه صداوسیما، اعتقادات شخصی کارمندان صداوسیما، ایجاد تعصب و کلیشه‌ای شدن موضوع‌های صداوسیما بر انتشار تنوع فرهنگی مؤثر است. شاوردی، خضری و قاسمی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «تأثیر رسانه‌های جمعی در بازنمایی انتقال ارزش‌های فرهنگی اجتماعی زنان» عنوان می‌کند که در کنار دو عامل پایه‌ای، استفاده از برنامه‌های تلویزیون داخلی و ماهواره خارجی و عوامل دیگری مانند ضعف رسانه داخلی، تغییرهای نظام اجتماعی کشور، افکار سرمایه‌داری و اومانیستی، عوامل اجتماعی، اقتصادی و شبکه‌های اجتماعی مجازی تعیین‌کننده جهت‌گیری‌های فرهنگی زنان در شهر مهاباد است. رضائی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان ارائه الگوی مطلوب مدیریت ارتباط رسانه ملی با اقوام ایرانی عنوان می‌کند افزایش مشارکت قومی با تمرکز بر نیازسنجی و افکارسنجی مخاطبان قومی امکان‌پذیر است که راهکار ایجاد یک واحد مستقل برای پژوهش در مورد مباحث مرتبط با اقوام و راهکارهای اجرایی شدن سیاست‌های رسانه ملی در زمینه اقوام ارائه شد. مرزبان (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «تبیین فرایندهای اصلی مدیریت استراتژیک متعادل در رسانه ملی» چهار مؤلفه اصلی را شناسایی کرده که عبارت‌اند از: بازسازی نظام زنجیره ارزش، مدیریت دانایی مخاطب‌محور، نوآوری و تعامل با مخاطب و سازمان صداوسیما نیز که وجود آن به مخاطب بستگی دارد، می‌بایست همانند سایر سازمان‌ها و رسانه‌ها که با بهره‌گیری از این فرایند و ابزارها توانسته‌اند در محیط پیچیده امروزی، پاسخگوی نیاز مخاطبان باشند. مظفر و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «طراحی مدل سیاست‌گذاری فرهنگی رسانه ملی»، مدلی چندوجهی برای سیاست‌گذاری فرهنگی رسانه ملی طراحی شد که ضمن شناسایی شاخص‌ها و مؤلفه‌های فرهنگ ایرانی - اسلامی، به شرایط نوین رسانه نیز توجه دارد. گرجی‌بندی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «توسعه فرهنگی در برنامه‌های کودک سیمما» دریافت که نوع لباس و فضای ارائه پیام در برنامه‌های انتخاب‌شده کودک در سیمما، درصد بالایی از بینندگان را به‌خود اختصاص داده و نوع لباس و فضای ارائه پیام در این برنامه‌ها، مناسب با محتوا و مناسبت‌ها بوده است. همچنین شاخص‌های توسعه فرهنگی از دیدگاه یونسکو با اولویت‌های برنامه‌سازی



ارائه‌شده در برنامه‌ها مغایرتی ندارد. در این برنامه‌ها بسیاری از مضامین مورد نیاز کودکان به دلیل عدم آگاهی برخی برنامه‌سازان حوزه کودک با شاخص‌های توسعه‌ای مورد اغماض قرار می‌گیرد. نتایج پژوهش رحمان‌زاده و غفاری‌معین (۱۳۹۰) با عنوان بررسی نقش رسانه ملی در توسعه ارتباطات بین‌فرهنگی در میان اقوام ایرانی از دیدگاه صاحب‌نظران نشان داد که با توجه به آمار و ارقام به‌دست‌آمده از پژوهش، در نظرسنجی‌ای که از اساتید حوزه ارتباطات و رسانه به انجام رسید، سیمای ملی جمهوری اسلامی ایران در راستای طراحی، ساخت و ارائه میزگردهای فرهنگی و اجتماعی، مجموعه‌های تلویزیونی دینی (مذهبی)، برنامه‌های کودکان و نوجوانان، ترانه و موسیقی و گزارش‌های ورزشی، همواره با در نظر داشتن ایجاد وحدت و انسجام ملی، زمینه را برای توسعه ارتباطات بین‌فرهنگی فراهم ساخته است و البته ساخت مجموعه‌های تلویزیونی خانوادگی در این راستا موفق عمل نکرده است.

زعفریان؛ خرمی و الیاسی قنبر (۱۳۹۰) با انجام پژوهشی تحت عنوان «شناسایی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های نقش تلویزیون در توسعه فرهنگ کارآفرینی دریافتند که بخش عمده‌ای از شناخت مخاطب از مقوله کارآفرینی می‌تواند از طریق کارکرد اطلاع‌رسانی صورت پذیرد و فرایند انتقال ارزش‌ها از طریق کارکرد سرگرمی مؤثرتر از آموزش مستقیم است. سام‌بند؛ صالحی صدقیانی و قایدی (۱۳۸۹)، در پژوهشی با عنوان «نقش تلویزیون در توسعه توانمندسازی فردی» عنوان می‌کند که یافته‌های پژوهش، چهار کارکرد اصلی فراهم‌سازی بستر و ایجاد آزادی فرصت، فراهم‌سازی شرایط علی، فراهم‌سازی عوامل میانجی و راهبرد تغییر را به‌منظور توانمندسازی فردی، برای رسانه تلویزیون شناسایی نموده است. نتایج پژوهش نجف‌بیگی و عزیزآبادی فراهانی (۱۳۸۷) با عنوان «طراحی مدل اندازه‌گیری تأثیر رسانه ملی در توسعه فرهنگی»، نشان داد که میزان انحراف‌ها از وضع آرمانی به‌طور حدودی بین ۴۷ تا ۶۲ درصد و میزان انحراف‌ها از وضعیت مطلوب بین ۲۷ تا ۵۴ درصد بوده و تأثیر رسانه ملی در توسعه فرهنگی، در حد مطلوبی ارزیابی نشده است. لیروس^۱ (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان «تماشای افراطی در طول کووید ۱۹، بررسی طولی تغییرها در الگوهای تأثیرگذاری و مصرف مجموعه‌های تلویزیونی طی قرنطینه کرونا» دریافت افرادی که در خانه جدا می‌شوند، ممکن است به‌عنوان یک راهبرد برای تنظیم حالات عاطفی، در فعالیت‌های تفریحی مانند تماشای پُرخوری شرکت کنند. نتایج نشان داد افزایش قابل توجهی در عادت‌های



تماشای افراد زمان بیشتر روزانه صرف تماشا، گسترش شیوه‌های تماشای مشترک وجود دارد. فیضیوا^۱ (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان «نقش تلویزیون در فرهنگ ازبکستان» عنوان می‌کند که تلویزیون وسیله‌ای عالی برای ارتباط بین مردم بوده و به‌عنوان یک سیستم چندمنظوره ویژگی‌هایی چون کارکردهای اطلاع‌رسانی، معنویت و روشنگری، تفریحی و تولیدی برای آن در نظر گرفته می‌شود. خالد عبود^۲ (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان «زنان در معرض تبلیغات تلویزیونی و نقشی که تبلیغ در اولویتهای تعیین کالا و خدماتشان دارد» بیان می‌کند که توسعه زندگی در زمینه‌های مختلف از جمله توسعه صنعتی منجر به افزایش تولید خدمات و کالاها شده است. از جمله انواع تبلیغات، تبلیغات تلویزیونی است که نقش عمده‌ای در ارتقای خدمات، کالاها، تعیین اولویتهای زنان و تأثیرگذاری بر رفتار مصرف‌کننده آنها دارد. کیفلو^۳ (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان «رسانه و حوزه عمومی در اتیوپی»، مذاکرات میانجی در برنامه‌های تلویزیونی عمومی و تجاری، این مطالعه نشان می‌دهد که ایستگاه‌های تلویزیونی پلتفرم‌های نخبه‌گرای دائمی ایجاد کرده‌اند که در آن کارشناسان، دانشگاه‌ها و دیگر چهره‌های برجسته بحث و مناظره می‌کنند که قبلاً وجود نداشت. در مقابل، این برنامه‌ها برای شهروندان عادی و دیگر گروه‌های به‌حاشیه رانده‌شده، از جمله زنان، تریبون ایجاد نکرد. نوانگساری^۴ (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان «برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی Sapen به‌عنوان رسانه‌های پشتیبان در آموزش از راه دور طول کووید ۱۹» اشاره می‌کند. نتایج مطالعه وی نشان می‌دهد که استفاده از رسانه‌های یادگیری سمعی و بصری برای حمایت از فعالیت‌های یادگیری برخط در مدارس ابتدایی در طول همه‌گیری مناسب بود. نتایج پژوهش لیائو و همکاران^۵ (۲۰۲۰) با عنوان «تأثیر طرح سواد رسانه‌ای مبتنی بر درام تلویزیونی بر نگرش‌های نقش جنسیتی نوجوانان تایوانی» نشان داد که گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل به‌طور معنی‌داری قابلیت‌های سواد رسانه‌ای و نگرش‌های نقش جنسیتی مثبت‌تری را در پس از مداخله نشان می‌دهد. ریدل^۶ (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان تحلیل محتوای تلویزیون پرایم‌تایم آمریکا، به بررسی ۲۰ ساله مطالعات خشونت تلویزیونی ملی می‌پردازد. نتایج حاکی از آن است که شیوع خشونت اندکی افزایش یافته است؛ اما تعداد برنامه‌های اشباع‌شده با خشونت

1. F. H. Fayziyeva
2. Muntadher Khalid Abbood
3. Gebru Kabsay Kiflu
4. Nada Savitri Nawangsari
5. Liao et al
6. Karyn Riddle



افزایش قابل توجهی را تجربه کرده است. به نظر می‌رسد که این امر ناشی از هجوم فیلم‌های بسیار خشن است که در ساعات پُربیننده از شبکه‌های کابلی پخش می‌شوند. زیچن هی و دانیان لی^۱ (۲۰۲۱) در پژوهشی اشاره می‌کنند که تلویزیون با تغییر ایده‌های سنتی، استفاده از فناوری شبکه و اتخاذ روش‌های عملیاتی نوآورانه، عصر کلان‌داده و رسانه‌های جدید پخش و تلویزیون بهتر ادغام می‌شوند و مرجعی برای صنعت پخش و رسانه تلویزیونی فراهم می‌کنند. مروری بر سوابق تجربی داخلی و خارجی نشان می‌دهد که پژوهشگران متناسب با موضوع و محور مطالعه خود، هر یک با رویکردی متفاوت به بررسی نقش و جایگاه رسانه در توسعه (به‌طور ویژه توسعه فرهنگی) پرداخته‌اند. این پژوهش‌ها به جایگاه رسانه به‌صورت مستقل و یا در ارتباط با متغیرهای دیگری همچون توسعه کارآفرینی، توسعه ارتباطات میان‌فرهنگی، توسعه توانمندسازی فردی و... توجه کرده‌اند یا نقش تلویزیون را در جنبه‌های دیگری از زندگی مردم مطالعه کرده‌اند؛ اما هیچ‌یک از پیشینه‌ها، به مطالعه نقش تلویزیون در توسعه فرهنگی مبادرت نورزیده‌اند، مسئله‌ای که پژوهش حاضر به دنبال دستیابی به آن بوده است. لذا، پژوهش حاضر به لحاظ تلاش برای مطالعه نقش و جایگاه تلویزیون در توسعه فرهنگی در میان شهروندان تهرانی دارای نوآوری و تازگی است. از سوی دیگر، عواملی چون تأثیر رسانه‌ها در فرهنگ‌سازی و فرهنگ‌پذیری و لزوم به‌کارگیری رسانه در ارتقا رشد و توسعه در همه پیشینه‌های بررسی‌شده مورد تأکید قرار گرفته که بسته به نوع اهداف پژوهشی متفاوت بوده است. لازم به توضیح است که علاوه بر عوامل مذکور، در پژوهش حاضر به منظور بررسی مدل مطلوب توسعه فرهنگی برای تلویزیون و تعیین شاخص‌های فرهنگی توسعه از نظرها و دیدگاه‌های صاحب‌نظران و کارشناسان، همین‌طور برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی استفاده شده است. در واقع وضع مطلوب تلویزیون ارزیابی‌شده و سپس با نظرسنجی از شهروندان وضع موجود بررسی‌شده تا فاصله میان این دو وضعیت نیز مشخص گردد. ارزیابی و بررسی بین دو وضع مطلوب و موجود آن‌هم از نقطه نظر نخبگان و همچنین شهروندان تهرانی با توجه به مشکلاتی مانند عدم برآوردن انتظارات مخاطب، رشد روزافزون شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای و... بسیار حائز اهمیت خواهد بود. لذا، پژوهش حاضر از این نظر نیز دارای دیدگاهی نو و تازه به این موضوع است.



۴. ملاحظه‌های نظری

۴-۱. تعریف مفاهیم

رابطه متقابل فرهنگ و رسانه ریشه در تاریخ حیات بشر دارد و می‌توان گفت: پیدایش رسانه همزاد جامعه بوده است (امیرانتخابی و دیگران، ۱۳۹۴، ص. ۱۱۳). به‌نظر می‌رسد الگوهای توسعه غربی اغلب برای کشورهای غربی راهگشا و مفید بوده و استفاده و به‌کارگیری آنها برای سایر کشورها از جمله ایران، به‌عنوان تنها الگوی مناسب پیشرفت و توسعه، عقلانی به نظر نمی‌رسد (عزیزی؛ شفیعی و گلشنی، ۱۳۹۷، ص. ۱۵۸). توسعه یک فرایند پیچیده و چندبُعدی است که نمی‌توان ابعاد گوناگون آن، به‌ویژه بُعد فرهنگی را نادیده گرفت. توسعه فرهنگی عبارتست از: دگرگونی که از طریق تراکم برگشت‌ناپذیر عناصر فرهنگی در یک جامعه معین صورت می‌پذیرد و بر اثر آن، جامعه کنترل مؤثرتری را بر محیط طبیعی و اجتماعی اعمال می‌کند (وثوقی؛ آرام و سلمانی، ۱۳۹۱، ص. ۸۲). مهم‌ترین نکاتی که در تعریف توسعه باید مدنظر داشت عبارت‌اند از اینکه: اولاً، باید توسعه را یک مقوله ارزشی به‌شمار بیآوریم؛ ثانیاً، باید آن را جریان‌ی چندبُعدی و پیچیده بدانیم؛ ثالثاً، به ارتباط و نزدیکی آن با مفهوم بهبود توجه داشته باشیم (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴، ص. ۲۴). اساساً فرهنگ یکی از مهم‌ترین عوامل تحقق توسعه است و از این‌رو توسعه فرهنگی هم یکی از پیش‌شرط‌های بنیادی تحقق توسعه و هم یکی از آرمان‌های بنیادی توسعه در هر جامعه است؛ از همین‌رو بیشتر صاحب‌نظران توسعه از جمله کارگزاران و مسئولان سازمان ملل متحد تأکید خاصی بر فرهنگ به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تحقق توسعه دارند (فابریزیو^۱ و دیگران، ۱۳۷۸؛ فکوهی، ۱۳۷۹؛ الیاسی، ۱۳۶۸، صص. ۱۴۵-۱۵۶؛ توسلی، ۱۳۷۳، صص. ۴۳۵-۴۵۳).

۴-۲. مبانی نظری

از زمان همگانی‌شدن وسایل ارتباط جمعی با توجه به ویژگی‌های فرهنگی و جامعه‌شناختی این وسایل، اثرات رسانه‌های جمعی و نظریه‌های توسعه‌ای آنها ارائه شده است. یکی از این نظریه‌ها؛ نظریه «برایان وایت»^۲ است. این محقق و نظریه‌پرداز حقوق رسانه‌ها، شاخص‌های تأثیر رسانه بر توسعه را چنین برمی‌شمارد:

الف. ظرفیت‌سازی، توجه به ظرفیت‌های لازم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برای

1. Fabrizio
2. Brian White



آنچه می‌توان انجام داد تا توانایی و انرژی برای انجام تغییر گسترش یابد؛ رسانه‌ها ظرفیت اجتماعی را در مقابل کنش‌ها و مخالفت‌های اجتماعی بالا می‌برند و از این زاویه به توسعه ملی کمک می‌کنند.

ب. اهمیت‌دادن به عدالت، توجه ناموزون به گروه‌های مختلف، مردم را دچار تفرقه می‌کند و ظرفیت آنها را برای مقابله با تهدیدها تحلیل می‌برد. امروزه عدالت اجتماعی - که یکی از ارکان توسعه پایدار ملی محسوب می‌شود - مفهومی فراتر از مفهوم اقتصادی یافته است و افزایش منابع انسانی، برابری توانایی مصرف و تضمین دسترسی عادلانه‌تر افراد به منافع حاصله را به‌گونه‌ای که از احساس ترس، نیاز به رهایی، کرامت و عزت نفس خود را بازیابند، جزء اهداف اصلی خود می‌داند. رسانه‌ها، عدالت را از یک امر حاشیه‌ای به واقعیت و ضرورتی اجتماعی در حوزه حقوق عمومی تبدیل می‌کنند.

پ. رشد شخصیت فردی، زیربنای مهم توسعه پایدار ملی است.

شخصیت، نظام تمایلات فرد است. رسانه‌ها با فعالیت چندلایه خود به جامعه می‌آموزند که با تشکیل شخصیت مدنی، اجتماع دیگر چیزی غریبه و جدا از فرد نیست بلکه جزئی در اوست؛ گرچه هر دو همانند هم نیستند ولی هر چه روند جامعه‌پذیری موفق‌تر باشد به همان میزان فرد می‌تواند به‌صورت مؤثرتری با تقاضاهای ناشی از نقشه‌های گوناگون مواجه شود. فعالیت مستمر رسانه‌ها سبب می‌شود که رشد شخصیت‌های انسانی، به زمینه‌ای برای توسعه و تحول ساختاری تبدیل شود و با تحول و تعریض ساختاری، امکان بیشتر برای رشد شخصیت افراد فراهم شود (وینر، ۱۳۸۸، ص. ۴۹). با توجه به جریان داشتن فرهنگ در جزئی‌ترین بخش‌های زندگی روزمره، به گفته (فیلیپ اسمیت، ۱۳۸۷، ص. ۱)، این توانایی به یکی از مؤلفه‌های اصلی شهروندی فعال و شایسته تبدیل می‌شود. حال در این شرایط نظریه فرهنگی یکی از منابع مهم برای رسیدن به این توانایی به‌شمار می‌رود که به توضیح فرهنگ و تبعات آن برای زندگی اجتماعی می‌پردازد. در خصوص به‌کارگیری نظریه‌های ایرانی در خصوص توسعه فرهنگی در جمهوری اسلامی و نظریه سیاست فرهنگی دیدگاه متفاوتی وجود دارد. از یک‌سو برخی از نظریه‌پردازان معتقدند پس از انقلاب، در وجود چیزی که بتوان به آن دقیقاً «سیاست فرهنگی» اطلاق کرد، تردید وجود دارد



(قاضیان، ۱۳۸۲، ص. ۱۰۲). از دهه ۱۹۸۰، توسعه فرهنگ محلی، به مهمترین دستورکار در شهرها، مناطق و کشورهای توسعه‌یافته در سرتاسر دنیا تبدیل شد. اگر فرهنگ را مجموعه پدیده‌های رفتاری و ذهنی اکتسابی هر جامعه بدانیم که به آن جامعه شخصیت و هویت می‌بخشد و به همین دلیل جامعه تلاش می‌کند از طریق سازوکارهایی با انتقال آن از نسلی به نسل دیگر دست به بازتولید خود بزند، در چنین حالتی بی‌شک سکونت‌گاه‌های شهری بهترین بستر برای فرایند فرهنگ‌سازی به حساب می‌آیند (Kankala, 2011, p. 6). توسعه‌ای که بُعد فرهنگی را نادیده بگیرد، متکی بر الگوهای خارجی است و خلاقیت فرهنگ بومی را از رشد بازمی‌دارد و ظرفیت جامعه را برای مقابله با فرهنگ و الگوهای ناخواسته خارجی و وارداتی سست می‌کند و این امر موجب بی‌قاعدگی فرهنگی می‌شود. توسعه فرهنگی خاصیت ملی دارد و در درون هر کشور با کشورهای دیگر متفاوت است. جامعه می‌تواند مبتنی بر سنت‌های تاریخی خود، توسعه فرهنگی خاص خود را داشته باشد؛ بنابراین توسعه فرهنگی با «جهانی‌شدن فرهنگ» متفاوت است. ازسوی دیگر، توسعه فرهنگی باید بر مبنای ویژگی‌های فرهنگ بومی هر کشور و جامعه‌ای باشد؛ بنابراین توسعه فرهنگی در ایران باید بر محور اسلامی - ایرانی قرار داده شود؛ لذا مبنا و چهارچوب برای نظریه‌پردازی در این زمینه نیز باید معطوف به توسعه اسلامی - ایرانی پیشرفت باشد. چنین نظریه‌ای می‌تواند همه ابعاد شناخته‌شده توسعه همه‌جانبه، یکپارچه، متوازن و پایدار را پوشش دهد، چراکه همه اینها در نظام فرهنگی اسلامی، که باید مبنای نظریه اصلی باشد، به معنای دقیق کلمه وجود دارند. براین اساس همه ابعاد توسعه از یک منشأ و نظام فرهنگی ریشه می‌گیرند (پناهی، ۱۳۹۴، ص. ۲۰). در زمینه خلأ نظریه‌های مربوط به توسعه با منشأ اسلامی، پناهی (۱۳۹۴) می‌نویسد وجود نظریه‌ای بر محور اسلامی - ایرانی که یکپارچگی لازم را داشته باشد، همه ابعاد و نهادهای اجتماعی در آن لحاظ شده باشد، همه‌جانبه بوده و از بخشی‌نگری دوری کند، می‌تواند با توجه به منشأ اسلامی آن هماهنگی لازم را بین انسان و محیط طبیعی برقرار سازد؛ لذا چنین نظریه‌ای می‌تواند به توسعه پایدار منجر شده و از تقلید الگوهای غربی فراتاریخی و بخشی‌نگر جلوگیری نماید (پناهی، ۱۳۹۴، ص. ۲۰). در رابطه با بحث باید و نباید دستکاری ارزش‌های جامعه برای تحقق توسعه فرهنگی، پژوهنده (۱۳۸۰) معتقد است که نگرستن به ارزش‌ها به این سادگی نیست و در نگاهی عمیق‌تر به ارزش‌ها درمی‌یابیم که آنها یک وجود ماهیتی دارند و یک وجود اعتباری. شاید ما در وجود ماهیتی آنها قادر به دستکاری نباشیم، اما در وجود اعتباری آنها می‌توانیم تحول ایجاد کنیم. نظام اخلاقی حاکم بر یک جامعه دینی چون ایران،



برانگیخته از تعالیم انبیبای الهی از آدم تا خاتم، و حکیمان فرزانه‌ای در حکمت اشراق است که ریشه در همان تعالیم داشته و در سرشت ما از روزگاران بس دور ریشه دوانیده است و روح ما را شکلی بدیع بخشیده، صبغه ایرانی بودن را مترادف با صبغه انسان الهی ساخته است. از این‌رو، ماهیت ارزش‌های فرهنگی ما را آموزه‌های الهی ثابتی تشکیل داده است که هر گونه چون‌وچرا در آنها مساوی با مسخ فرهنگی ما و «انسانی دیگر شدن» است؛ اما از آنجاکه ادیان الهی در طول تاریخ، دستخوش تحریف، تأویل و تفسیرهای باب طبع حکام قرار داشته‌اند، ممکن است وجود اعتبارشده این ارزش‌ها از صورت برین خود واگشته و دیگرگون شده باشند، که توجه به این امر باعث می‌شود تا لزوم بازنگری در مفاهیم ارزش‌های موجود در ذهن‌ها زنده شود؛ چنانکه از باب نمونه به مفاهیم ارزشی‌ای چون صبر، رضا، توکل، قناعت، فقر و غنا و... اشاره می‌شود که معنای اعتبارشده فعلی در میان برخی از مردم نتیجه تخدیر جامعه و انحطاط و عدم توسعه را در پی دارد. این در حالی است که با اندک تعمق و ژرف‌نگری در فرهنگ اسلامی می‌توان تحولی شگرف در این اعتبارها ایجاد و از هر آموزه‌ای سلاحی بُرنده و ابزاری پیش‌برنده ساخت تا جامعه را به سوی توسعه‌ای عظیم پیش برد (پژوهنده، ۱۳۸۰).

الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت با بهره‌گیری از کلیت نظام جمهوری اسلامی ایران و با توانایی درک و تحلیل واقعیت‌های جامعه و شناخت ارزش‌های ملی و بومی، در صد پاسخگویی به نیازهای مادی و معنوی جامعه است. این الگو دارای مبانی معرفتی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی است که ریشه در آموزه‌های وحیانی و عقیدتی اسلام دارد و محتوای آن مبتنی بر توحید، معاد و تفکیک نشدن دنیا و آخرت است (عزیزی؛ شفیعی و گلشنی، ۱۳۹۷، ص. ۱۵۷). این الگوی پیشرفت مانند سایر الگوها از مبانی، بایسته‌ها و الزام‌های مهمی برخوردار بوده و ساختار و غایت متمایز و متفاوتی با سایر الگوها دارد؛ اگرچه ممکن است با الگوهای گوناگون شباهت‌ها و قرابت‌هایی نیز داشته باشد. منظومه فکری و نظام فلسفی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و توسعه، از پایه‌های معرفت‌شناختی، اندیشه سیاسی و هستی‌شناختی مشخصی برخوردار است. ماهیت اصلی این الگو، مبتنی بر مفاهیم و معارف اسلامی و شرایط تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی و ملی کشورمان، ایران است. این الگو به‌عنوان نقشه راه کلان و جامع برای رشد و تعالی ملت ایران در پرتو خودباوری عمیق فرهنگی و ملی و بر مبنای نگرش‌های اسلامی، یکی از اساسی‌ترین راهبردهای پیش‌روی ایران است (عزیزی؛ شفیعی و گلشنی، ۱۳۹۷، صص. ۱۶۳-۱۶۴). با توجه به پیشینه فکری و پژوهشی در حوزه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و توسعه می‌توان گفت که مجموعه نظریه‌ها و دیدگاه‌ها، با این



نگرش در ایران در سه نسل قابل ارزیابی است؛ نسل اول شامل آثار و دیدگاه‌هایی است که با رویکردی توصیفی و اثباتی به بررسی رابطه دین و توسعه پرداخته‌اند و دین اسلام را نه تنها مانع توسعه و پیشرفت مادی نمی‌دانند؛ بلکه آن را موافق و راهگشای توسعه حیات مادی معرفی می‌کنند. دیدگاه‌ها و آثار اشخاصی نظیر جلال آل‌احمد، مهدی بازرگان و علی شریعتی در این جرگه قرار دارند و در این دیدگاه‌ها به صورتی کلی، مفاهیم اسلامی موافق توسعه و تغییر اجتماعی طرح شده است. نسل دوم نظریه‌هایی را دربرمی‌گیرد که با رویکردی واکنشی به ایدئولوژی‌های غیراسلامی به‌ویژه مارکسیسم و لیبرالیسم تألیف شده و با نگرشی سلبی به روش‌های غیربومی و با دقت و ظرافت بیشتر در پی معرفی احکام اسلام به‌عنوان دینی کامل و جهانشمول برآمده است. آثار اقتصادی طالقانی، شهید مطهری، شهید بهشتی و شهید صدر در این دسته قرار می‌گیرند. نسل سوم نیز مشتمل بر دیدگاه‌هایی است که با رویکردی ایجابی و با ظرافت‌هایی بیشتر از دو نسل گذشته، بر مبانی فکری «توسعه» اتکاء دارد و توسعه را به‌مثابه ضرورتی انکارناپذیر از دیدگاه اسلام معرفی می‌کند و درعین حال می‌کوشد راهکارهای اجرایی توسعه و برنامه‌ریزی برای توسعه را مورد توجه قرار دهد. باین‌حال، در اکثر آثار مذکور هنوز به دلایل متعدد، بیشتر تشریح کلیات و مبانی فکری و فقهی توسعه و برنامه‌ریزی پیشرفت در اسلام مورد توجه بوده و کمتر بر کارآمدی و توانمندی‌های فکری و فرهنگی «سبک زندگی اسلامی - ایرانی» به‌ویژه در مقوله بایسته‌های الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت تأکید شده است. بدین ترتیب، ظاهراً آنچه تاکنون در باب پیشرفت، آن هم بر مبنای نگاه فلسفی و نه اخباری به شریعت اسلامی و شیعی نوشته شده؛ بیشتر بیان کلیات بوده است و کمتر بر مباحث فرهنگ‌سازی یا الگوسازی استوار بوده است (شریعتی و سلیمانی‌پور، ۱۳۹۴، ص. ۵۰). در زمینه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری برای رسانه هم، آنچه مهم و ضروری است و حتی صاحب‌نظران فرهنگی هم بر ضرورت آن اصرار دارند، توجه به تغییر و تحولاتی است که در سطوح فرهنگی جامعه رخ می‌دهد و لازم است متناسب با سطح سواد و تحصیلات و میزان رشد فکری و فرهنگی جامعه (مظفر و دیگران، ۱۳۹۸، ص. ۷۹)، محتوای رسانه‌ها و به‌ویژه برنامه‌های مختلف تلویزیون نیز تغییر کرده و متحول شوند. به عبارتی با افزایش جمعیت تحصیل‌کرده، افزایش مطالعات فرهنگی، رشد و توسعه محصولات فرهنگی و شبکه‌های تلویزیونی بی‌تردید برنامه‌ریزی‌های فرهنگی هم باید متناسب با شرایط مورد بازنگری قرار گیرند (قاضیان، ۱۳۷۸، ص. ۴۳ به نقل از: مظفر و دیگران، ۱۳۹۸، ص. ۸۰). چهارچوب نظری این پژوهش با توجه به موضوع آن متأثر از حوزه‌های مختلفی همچون علوم اجتماعی،

ارتباطات و رسانه است. در حوزه علوم اجتماعی رویکردی که در این پژوهش به توسعه فرهنگی وجود دارد، رویکردی ابزاری نیست، بلکه فرهنگ، خود به‌عنوان هدف توسعه در نظر گرفته می‌شود. از این رو به‌منظور ارزیابی شاخص‌های فرهنگی توسعه به جهت نقش رادیو و تلویزیون در فرایند توسعه سعی شد شاخص‌های مطلوب و متناسب با اهداف پژوهش از شاخص‌های ارائه‌شده توسط سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد یونسکو^۱، (در قالب گزارش جهانی فرهنگ) و شاخص‌های تعیین شده در برنامه ششم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران باشد.

۵. روش پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و از نوع توصیفی است که با روش پیمایش و ابزار اندازه‌گیری پرسشنامه محقق‌ساخته در سال ۱۴۰۰ انجام شده است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه شهروندان تهرانی بالای ۱۸ سال هستند که با استفاده از فرمول کوکران، ۳۸۴ نفر انتخاب شده‌اند. شیوه نمونه‌گیری به‌دلیل شیوع کرونا و محدودیت در تکمیل پرسشنامه‌های کاغذی، به روش الکترونیکی و از طریق Google form بوده است. شایان ذکر است که با صرف هزینه‌ای اندک و به کمک مخابرات، بیش از ۵۰۰ شماره تلفن از ساکنان شهر تهران (با توجه به تنوع جغرافیایی در سطح شهر تهران؛ تنوع در ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مانند؛ سن، جنسیت و... با دقت روی طبقه‌بندی جامعه شهر تهران و نسبت‌های مختلف جمعیتی) دریافت شده و برای آنان نشانی پرسشنامه الکترونیکی پیامک شد. همراه با نشانی پرسشنامه، متن راهنما حاوی اطلاعات لازم برای نحوه تکمیل پرسشنامه برای شهروندان ارسال شد. از این جهت در انتخاب نمونه، صحت و دقت در انتخاب آن، حساسیت علمی کامل لحاظ شد. در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات از دو روش کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شد. در بخش مطالعات کتابخانه‌ای از منابع مربوط از جمله اسناد، مدارک، کتب، مقالات تخصصی، مجلات و تارنماها استفاده شد. در قسمت مطالعات میدانی شاخص‌های توسعه فرهنگی در بند ۱۶۲ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی استخراج گردید. از مصاحبه عمیق (با سؤال‌های باز) با نخبگان این حوزه در بخش کیفی در قالب سه بخش: ۱- تغییرهای فکری و بینش رفتاری، ۲- مصرف کالا و خدمات فرهنگی، ۳- نیروی انسانی فضاها و تجهیزات فرهنگی اعم از دولتی و غیردولتی، پرسشنامه‌ای بر اساس ۷۵ سؤال و به روش مقایسه زوجی اطلاعات

جمع‌آوری و اولویت‌بندی صورت پذیرفت که مبنای پرسشنامه عمومی قرار گرفت. پرسشنامه بررسی نقش تلویزیون در توسعه فرهنگی شهروندان بر اساس یافته‌های بخش کیفی در ۲۰ گویه طراحی و روایی آن با استفاده از روایی صوری و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ تأیید شد.

جدول (۱): مقدار آلفای کرونباخ

شرح	میزان آلفای کرونباخ
تلویزیون	۰,۸۷۰

همچنین برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش کیفی از روش تحلیل تم و در بخش کمی از آزمون AHP برای اولویت‌بندی شاخص‌ها استفاده شد.



شکل (۱): مراحل روش پژوهش

۶. یافته‌های پژوهش

۶-۱. بخش کیفی: بررسی نگاه ۳۰ نفر از نخبگان حوزه رسانه و فرهنگ (تهیه پرسشنامه اصلی پژوهش)

در این بخش بنا داریم تا به دو سؤال ابتدایی پژوهش، استخراج مؤلفه‌های توسعه فرهنگی از دیدگاه نخبگان فرهنگ و رسانه و اسناد بالادستی و میزان اهمیت (اولویت‌بندی) هر یک از ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های توسعه فرهنگی از دیدگاه نخبگان از طریق تلویزیون پاسخ دهیم.

**جدول (۲): اولویت‌بندی پاسخ‌های صاحب‌نظران به پرسش؛ از دیدگاه شما،
نهادینه کردن کدام گرایش در تحقق و پیشبرد توسعه فرهنگی، اولویت دارد؟**

ردیف	ترتیب میانگین رتبه‌ها	معیار i	اولویت‌ها										معیار j	ترتیب میانگین رتبه‌ها	
			۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰			
۱۴	۵.۱۷	دین‌مداری	۵	۵	۳	۵	۳	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۷	۴.۱۷	دین‌مداری	۴	۴	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳
۱۵	۵.۳۳	دین‌مداری	۵	۵	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴
۹	۴.۳۳	دین‌مداری	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳
۱۲	۵	دین‌مداری	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶
۴	۳.۶۷	اخلاق‌مداری	۵	۵	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳
۸	۴.۳۱	اخلاق‌مداری	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷
۳	۳.۶۴	اخلاق‌مداری	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶
۵	۳.۹۲	معیار راست: اخلاق‌مداری	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸
۲	۳.۶	عرق ملی (وطن پرستی و ملی‌گرایی)	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶
۱	۳.۲۵	عرق ملی (وطن پرستی و ملی‌گرایی)	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸
۱۳	۵.۱۵	عرق ملی (وطن پرستی و ملی‌گرایی)	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶
۱۰	۴.۵۴	خانواده‌مداری	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳
۱۱	۴.۷۵	خانواده‌مداری	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷
۶	۴.۱۳	خودانگیزی	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹
۴.۳۲	گرایش‌ها: کل														

۱: ترجیح یکسان، ۲: یکسان یا نسبتاً مرجح، ۳: نسبتاً مرجح، ۴: نسبتاً تا قویاً مرجح، ۵: قویاً مرجح،
۶: قویاً تا بسیار قوی مرجح، ۷: ترجیح بسیار قوی، ۸: بسیار تا بی‌اندازه مرجح، ۹: بی‌اندازه مرجح

بر اساس جدول فوق از بین شاخص‌های گرایش شهروندان، عرق ملی (وطن پرستی و ملی‌گرایی) با بیشترین عدد کسب‌شده به‌عنوان اولویت اول و گزینه‌های عدالت‌خواهی و حق‌طلبی، خودانگیزی، خانواده‌مداری، و اخلاق‌دین‌مداری به‌عنوان رده‌های بعدی انتخاب‌شده و با تقویت رده دوم الی پنجم موجب توسعه فرهنگی مخاطبان و رفع فاصله وضع موجود (که توسط نخبگان این حوزه سنجیده شده) با وضع مطلوب (که از نقطه‌نظر شهروندان تهرانی) می‌گردد.

**جدول (۴): اولویت بندی پاسخ های صاحب نظران به پرسش؛ از دیدگاه شما، نهادهای
کردن کدام مصرف فرهنگی در تحقق و پیشبرد توسعه فرهنگی، اولویت دارد؟**

تعداد پاسخ دهان	ترتیب پاسخ دهان	ترتیب میانگین رتبه ها	میانگین رتبه ها	اولویت ها																		
				۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰									
۳۰	۲	۲۳۱-۱	۲۶۹	۱							۷	۵	۵	۳	۱	۱	۱	۲	۴	۵	۱	فرهنگ دیجیتال
۳۰	۱	۱۲-۱	۲۸					۲	۱	۱	۲	۱	۴	۴	۵	۱	۲	۳	۴	۱		فرهنگ دیجیتال
۳۰	۳	۲۶۶-۱	۱۸					۱	۱	۱	۲	۶	۶	۳	۲	۱	۱	۱	۶	۳		افزایش برنامه های فرهنگی
		۳۰۶	۲۴۳																			مصرف فرهنگی

۱: ترجیح یکسان، ۲: یکسان یا نسبتاً مرجح، ۳: نسبتاً مرجح، ۴: نسبتاً تا قویاً مرجح، ۵: قویاً مرجح، ۶: قویاً تا بسیار قوی مرجح، ۷: ترجیح بسیار قوی، ۸: بسیار تا بی اندازه مرجح، ۹: بی اندازه مرجح

بر اساس جدول فوق از بین شاخص های بخش مصرف فرهنگی، شهروندان فرهنگ دیجیتال با بیشترین عدد کسب شده به عنوان اولویت اول و گزینه های ارتقای فرهنگی، افزایش برنامه های فرهنگی، به عنوان رده های بعدی انتخاب شده و با تقویت رده دوم الی سوم موجب توسعه فرهنگی مخاطبان و رفع فاصله وضع موجود (که توسط نخبگان این حوزه سنجیده شده) با وضع مطلوب (که از نقطه نظر شهروندان تهرانی) می گردد.



**جدول (۵): اولویت بندی پاسخ های صاحب نظران به پرسش؛ از دیدگاه شما، نهادهای
کردن کدام امنیت شخصی در تحقق و پیشبرد توسعه فرهنگی، اولویت دارد؟**

تعداد پاسخ دهان	ترتیب پاسخ دهان	ترتیب میانگین رتبه ها	میانگین رتبه ها	اولویت ها																		
				۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰									
۳۰	۱	۱۶۱-۱	۳۶۶										۴	۵								عدالت قانونی
۳۰	۲		۲۸۵																			ازادی بیان و اندیشه
۳۰	۳	۱۸-۱	۲۰۸																			ازادی بیان و اندیشه
		۰۴۷	۲۶۶																			عدالت قانونی
																						امنیت شخصی

۱: ترجیح یکسان، ۲: یکسان یا نسبتاً مرجح، ۳: نسبتاً مرجح، ۴: نسبتاً تا قویاً مرجح، ۵: قویاً مرجح، ۶: قویاً تا بسیار قوی مرجح، ۷: ترجیح بسیار قوی، ۸: بسیار تا بی اندازه مرجح، ۹: بی اندازه مرجح

بر اساس جدول فوق از بین شاخص های امنیت شخصی شهروندان، عدالت قانونی با بیشترین عدد کسب شده به عنوان اولویت اول و گزینه حق تصمیم گیری و انتخاب،



به‌عنوان رده بعدی انتخاب‌شده و با تقویت رده دوم موجب توسعه فرهنگی مخاطبان و رفع فاصله وضع موجود (که توسط نخبگان این حوزه سنجیده شده) با وضع مطلوب (که از نقطه‌نظر شهروندان تهرانی) می‌گردد.

جدول (۶): اولویت‌بندی پاسخ‌های صاحب‌نظران به پرسش؛ از دیدگاه شما، نهادینه کردن کدام فرآورده در تحقق و پیشبرد توسعه فرهنگی، اولویت دارد؟

تعداد ترتیب پایخ دهنده	i-j -i-j	ترتیب میانگین رتبه‌ها میانگی ن	معیار z	اولویت‌ها																	
				۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰								
۳۰	۳	۰.۸۵	۴	۴.۱۵	تولیدات صوتی	۵	۳	۵	۲	۱	۴	۶	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۳۰	۱	۱.۱۷	۵	۴.۷۷	تولیدات دیداری و شنیداری	۴	۴	۲	۳	۲	۲	۷	۱	۱	۳	۲	۱	۳	۲	۱	۳
۳۰	۳	۰.۸۳	۶	۵.۱۴	تولیدات مکتوب	۴	۵	۱	۱	۳	۱	۵	۱	۱	۲	۱	۳	۲	۱	۳	
۳۰	۶	۱.۲۷	۲	۳.۴۵	تولیدات دیداری و شنیداری	۲	۱	۱	۲	۲	۲	۷	۱	۲	۲	۳	۳	۳	۳	۳	
۳۰	۵	۰.۲۷	۱	۳.۲۴	تولیدات مکتوب	۱	۴	۱	۱	۲	۳	۹	۲	۱	۱	۲	۳	۳	۳	۱	
۳۰	۴	۰.۵۴	۳	۳.۷۱	تولیدات مکتوب	۱	۴	۲	۲	۱	۱	۶	۶	۲	۱	۲	۲	۲	۲	۲	
		۰.۲۸		۴.۰۴	فرآورده‌ها																

۱: ترجیح یکسان، ۲: یکسان یا نسبتاً مرجح، ۳: نسبتاً مرجح، ۴: نسبتاً تا قویاً مرجح، ۵: قویاً مرجح، ۶: قویاً تا بسیار قوی مرجح، ۷: ترجیح بسیار قوی، ۸: بسیار تا بی‌اندازه مرجح، ۹: بی‌اندازه مرجح

بر اساس جدول فوق از بین شاخص‌های فرآورده‌های شهروندان، تولیدات دیداری و شنیداری با بیشترین عدد کسب‌شده به‌عنوان اولویت اول و گزینه‌های تولیدات مکتوب، تولیدات صوتی، به‌عنوان رده‌های بعدی انتخاب‌شده و با تقویت رده دوم الی سوم موجب توسعه فرهنگی مخاطبان و رفع فاصله وضع موجود (که توسط نخبگان این حوزه سنجیده شده) با وضع مطلوب (که از نقطه‌نظر شهروندان تهرانی) می‌گردد.

جدول (۷): اولویت‌بندی پاسخ‌های صاحب‌نظران به پرسش؛ از دیدگاه شما، نهادینه کردن کدام ارتباطات در تحقق و پیشبرد توسعه فرهنگی، اولویت دارد؟

تعداد ترتیب پایخ دهنده	i-j -i-j	ترتیب میانگین رتبه‌ها میانگی ن	معیار z	اولویت‌ها																
				۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰							
۳۰	۴	۰.۶۱	۲	۳.۶۴	میزان دسترسی	۱	۱	۱	۳	۳	۲	۴	۴	۴	۲	۲	۵	۱	۱	۳
۳۰	۳	۰.۳۵	۱	۳.۴۳	میزان تعامل	۱	۲	۱	۲	۵	۱	۱	۳	۱	۴	۲	۳	۴	۱	۳
۳۰	۱	۰.۳۸	۳	۴.۰۷	میزان تعامل	۲	۱	۱	۱	۴	۲	۴	۴	۴	۲	۱	۲	۲	۵	۳
		۱.۱۱		۳.۶۸	ارتباطات															

۱: ترجیح یکسان، ۲: یکسان یا نسبتاً مرجح، ۳: نسبتاً مرجح، ۴: نسبتاً تا قویاً مرجح، ۵: قویاً مرجح، ۶: قویاً تا بسیار قوی مرجح، ۷: ترجیح بسیار قوی، ۸: بسیار تا بی‌اندازه مرجح، ۹: بی‌اندازه مرجح

بر اساس جدول فوق از بین شاخص‌های ارتباطات شهروندان، تعداد شبکه‌ها با

۶: قویاً تا بسیار قوی مرجح، ۷: ترجیح بسیار قوی، ۸: بسیار تا بی‌اندازه مرجح، ۹: بی‌اندازه مرجح

بر اساس جدول فوق از بین شاخص‌های نهاده‌شده کردن شهروندان، آموزش جذب هنرمندان با بیشترین عدد کسب شده به‌عنوان اولویت اول و گزینه آموزش و جذب علاقه‌مندان به‌عنوان رده بعدی انتخاب‌شده و با تقویت رده دوم موجب توسعه فرهنگی مخاطبین و رفع فاصله وضع موجود (که توسط نخبگان این حوزه سنجیده شده) با وضع مطلوب (که از نقطه‌نظر شهروندان تهرانی) گردد.

۶-۱-۲. آمار توصیفی

بر اساس جدول شماره ۱۰ نسبت جنسیت ۵۰-۵۰، و بیشترین فراوانی مربوط به مدرک تحصیلی گزینه کارشناسی ارشد (۴۶ درصد) بوده که در این رتبه در بخش مرد و زن نیز قابل تعمیم است.

جدول (۱۰): توزیع نمونه مورد مطالعه بر حسب میزان تحصیلات، به تفکیک جنسیت

جمع	مقطع تحصیلی			فراوانی	درصد	جنسیت
	دکتری	کارشناسی ارشد	کارشناسی			
15	5	7	3	فراوانی	20%	زن
100%	34%	46%	20%	درصد		
15	6	7	2	فراوانی	14.00%	مرد
100%	40.00%	46%	14.00%	درصد		
384	11	14		5	فراوانی	جمع
100%	36.00%	46.00%		16.00%	درصد	

۶-۲. در بخش دوم (کمی) پرسشنامه ۲۰ عبارتی پژوهش شد که از

همین شاخص‌ها بین اعضای جامعه‌ای ۳۸۴ نفره شهروندان تهرانی

در این بخش برآن شدیم تا به میزان اهمیت (اولویت‌بندی) هر یک از ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های توسعه فرهنگی از دیدگاه شهروندان تهرانی از طریق تلویزیون پاسخ دهیم. پس از مصاحبه عمیق (با سؤال‌های باز) با ۳۰ نفر از نخبگان حوزه رسانه و فرهنگ از طریق، پرسشنامه‌ای ۵۷ عبارتی، با رویکرد تلویزیون استخراج‌شده و

حاصل این مرحله منجر به تهیه پرسشنامه ۲۰ عبارتی (جهت دریافت امتیازدهی مؤلفه‌ها از شهروندان تهرانی) پژوهش شد که از همین شاخص‌ها بین اعضای جامعه ۳۸۴ نفره توزیع و تکمیل شد.

توزیع، تکمیل و جمع‌آوری پرسشنامه‌ها با گوگل فرم (و با دقت و حساسیت در اصول نمونه‌گیری تصادفی) انجام و پس از بررسی‌های لازم، تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای مناسب، از جمله SPSS صورت گرفت، نتایج و یافته‌ها به شرح زیر ارائه می‌شود.

الف. آمار استنباطی

بررسی پاسخ نمونه مورد مطالعه به عبارات پرسشنامه نقش برنامه‌های تلویزیونی در توسعه فرهنگی

جدول (۱۱): پاسخ نمونه مورد مطالعه به عبارات نقش برنامه‌های تلویزیونی در

توسعه فرهنگی (فراوانی، درصد، میانگین و ترتیب)

ترتیب میانگین	میانگین از ۵	جمع	کاملاً موافق، ۵	موافق، ۴	بی‌نظر، ۳	مخالف، ۲	کاملاً مخالف، ۱	-	برای اینکه تلویزیون نقش مؤثری در توسعه فرهنگی داشته باشد باید در ساخت برنامه‌های آن
۶	۴،۱۱	۳۸۴	۲۰۵	۸۱	۳۴	۶۳	۱	فراوانی	T1. اعتماد متقابل بر مردم‌سالاری دینی اولویت داشته باشد.
		%۷۱،۰۰	%۵۳،۴۰	%۲۱،۱۰	%۸،۹۰	%۱۶،۴۰	%۰،۳۰	درصد	
۱۵	۳،۴۱	۳۸۴	۱۷۶	۸	۶۱	۷۶	۶۳	فراوانی	T2. مردم‌سالاری دینی بر کرامت انسانی اولویت داشته باشد.
		%۷۱،۰۰	%۴۵،۸۰	%۲،۱۰	%۱۵،۹۰	%۱۹،۸۰	%۱۶،۴۰	درصد	
۱۰	۴،۰۴	۳۸۴	۱۷۵	۸۵	۸۷	۳۷	۰	فراوانی	T3. کرامت انسانی بر امید به آینده اولویت داشته باشد.
		%۷۱،۰۰	%۴۵،۶۰	%۲۲،۱۰	%۲۲،۷۰	%۹،۶۰	%۰،۰۰	درصد	
۲۰	۲،۸۹	۳۸۴	۱۱۰	۳۸	۳	۱۶۷	۶۶	فراوانی	T4. عرق ملی و وطن‌پرستی بر عدالت‌خواهی و حق‌طلبی اولویت داشته باشد.
		%۷۱،۰۰	%۲۸،۶۰	%۹،۹۰	%۰،۸۰	%۴۳،۵۰	%۱۷،۲۰	درصد	
۷	۴،۰۹	۳۸۴	۱۴۸	۱۷۸	۵	۵۱	۲	فراوانی	T5. عدالت‌خواهی و حق‌طلبی بر خود انکایی اولویت داشته باشد.
		%۷۱،۰۰	%۳۸،۵۰	%۴۶،۴۰	%۱،۳۰	%۱۳،۳۰	%۰،۵۰	درصد	
۱۸	۳،۲	۳۸۴	۵۵	۱۸۳	۵	۱۰۶	۳۵	فراوانی	T6. خودانکایی بر خانواده‌مداری اولویت داشته باشد.
		%۷۱،۰۰	%۱۴،۳۰	%۴۷،۷۰	%۱،۳۰	%۲۷،۶۰	%۹،۱۰	درصد	
۳	۴،۳۲	۳۸۴	۲۳۹	۵۸	۵۸	۲۷	۲	فراوانی	T7. خانواده‌مداری بر اخلاق دین‌مداری اولویت داشته باشد.
		%۷۱،۰۰	%۶۲،۲۰	%۱۵،۱۰	%۱۵،۱۰	%۷،۰۰	%۰،۵۰	درصد	
۲	۴،۶۵	۳۸۴	۲۶۹	۱۰۴	۴	۶	۱	فراوانی	T8. مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی بر وجدان‌کاری و انضباط اجتماعی اولویت داشته باشد.
		%۷۱،۰۰	%۷۰،۱۰	%۲۷،۱۰	%۱،۰۰	%۱،۶۰	%۰،۳۰	درصد	
۹	۴،۰۵	۳۸۴	۲۱۴	۹۶	۲	۲۵	۴۷	فراوانی	T9. وجدان‌کاری و انضباط اجتماعی بر پرهیز از مصرف‌گرایی بی‌رویه اولویت داشته باشد.
		%۷۱،۰۰	%۵۵،۷۰	%۲۵،۰۰	%۰،۵۰	%۶،۵۰	%۱۲،۲۰	درصد	
۱۲	۳،۹۵	۳۸۴	۱۶۰	۱۴۳	۲۸	۷	۴۶	فراوانی	T10. پرهیز از مصرف‌گرایی بی‌رویه بر مشارکت و همدلی اولویت داشته باشد.
		%۷۱،۰۰	%۴۱،۷۰	%۳۷،۲۰	%۷،۳۰	%۱،۸۰	%۱۲،۰۰	درصد	

ترتیب میانگین	میانگین از ۵	جمع	کاملاً موافق، ۵	موافق، ۴	بی‌نظر، ۳	مخالف، ۲	کاملاً مخالف، ۱	-	برای اینکه تلویزیون نقش مؤثری در توسعه فرهنگی داشته باشد باید در ساخت برنامه‌های آن
۱۱	۳،۹۹	۳۸۴	۲۰۹	۳۴	۷۰	۷۱	۰	فراوانی	T.11. مشارکت و همدلی بر ارتقای فرهنگی اولویت داشته باشد.
		%۷۱،۰۰	%۵۴،۴۰	%۸،۹۰	%۱۸،۳۰	%۱۸،۵۰	%۰،۰۰	درصد	
۵	۴،۲	۳۸۴	۱۵۳	۱۹۰	۴	۳۷	۰	فراوانی	T.12. ارتقای فرهنگی بر افزایش برنامه‌های فرهنگی اولویت داشته باشد.
		%۷۱،۰۰	%۳۹،۸۰	%۴۹،۵۰	%۱،۰۰	%۹،۶۰	%۰،۰۰	درصد	
۸	۴،۰۷	۳۸۴	۲۳۶	۴۷	۲۵	۴۲	۳۴	فراوانی	T.13. عدالت قانونی بر حق تصمیم‌گیری و انتخاب اولویت داشته باشد.
		%۷۱،۰۰	%۶۱،۵۰	%۱۲،۳۰	%۶،۵۰	%۱۰،۹۰	%۸،۹۰	درصد	
۱	۴،۷۲	۳۸۴	۲۹۰	۸۶	۴	۴	۰	فراوانی	T.14. تولیدات دیداری و شنیداری بر تولیدات مکتوب اولویت داشته باشد.
		%۷۱،۰۰	%۷۵،۵۰	%۲۲،۴۰	%۱،۰۰	%۱،۰۰	%۰،۰۰	درصد	
۱۷	۳،۳۳	۳۸۴	۱۲۵	۳۹	۵۸	۱۶۰	۲	فراوانی	T.15. تولیدات مکتوب بر تولیدات صوتی اولویت داشته باشد.
		%۷۱،۰۰	%۳۲،۶۰	%۱۰،۳۰	%۱۵،۱۰	%۴۱،۷۰	%۰،۵۰	درصد	
۱۴	۳،۴۶	۳۸۴	۱۶۲	۳۸	۵۰	۸۳	۵۱	فراوانی	T.16. تعداد شبکه بر میزان تعامل اولویت داشته باشد.
		%۷۱،۰۰	%۴۲،۳۰	%۹،۹۰	%۱۳،۰۰	%۲۱،۶۰	%۱۳،۳۰	درصد	
۱۳	۳،۵۳	۳۸۴	۶۰	۱۸۷	۳۳	۱۰۳	۱	فراوانی	T.17. میزان تعامل بر میزان دسترسی اولویت داشته باشد.
		%۷۱،۰۰	%۱۵،۶۰	%۴۸،۷۰	%۸،۶۰	%۲۶،۸۰	%۰،۳۰	درصد	
۴	۴،۲۸	۳۸۴	۱۸۶	۱۳۵	۴۸	۱۵	۰	فراوانی	T.18. بالابردن سواد رسانه‌ای بر تکثیر برنامه‌های استانی و برون‌استانی اولویت داشته باشد.
		%۷۱،۰۰	%۴۸،۴۰	%۳۵،۳۰	%۱۲،۵۰	%۳،۹۰	%۰،۰۰	درصد	
۱۹	۳،۲۸	۳۸۴	۷۷	۹۳	۷۵	۱۳۸	۱	فراوانی	T.19. تکثیر برنامه‌های استانی و برون‌استانی بر ساخت برنامه به زبان‌های گوناگون اولویت داشته باشد.
		%۷۱،۰۰	%۲۰،۱۰	%۲۴،۳۰	%۱۹،۵۰	%۳۵،۹۰	%۰،۳۰	درصد	
۱۶	۳،۳۹	۳۸۴	۸۱	۱۲۸	۳۸	۱۳۵	۲	فراوانی	T.20. آموزش و جذب هنرمندان بر آموزش و جذب علاقمندان اولویت داشته باشد.
		%۷۱،۰۰	%۲۱،۱۰	%۳۳،۳۰	%۹،۹۰	%۳۵،۳۰	%۰،۵۰	درصد	

در جدول ۱۱ ملاحظه می‌شود از نگاه نمونه مورد مطالعه: به ترتیب: اولویت تولیدات دیداری و شنیداری بر تولیدات مکتوب (موضوع عبارت ۱۴ با میانگین ۴،۷۲ در مقیاس اندازه‌گیری ۱ تا ۵)، اولویت مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی بر وجدان‌کاری و انضباط اجتماعی (موضوع عبارت ۸ با میانگین ۴،۶۵)، اولویت خانواده‌مداری بر دین‌مداری (موضوع عبارت ۷ با میانگین ۴،۳۲)، مهم‌ترین بایدهای نمونه مورد مطالعه در ساخت برنامه‌های تلویزیون برای نقش مؤثر در توسعه فرهنگی بوده است. در صورتی که خوداتکایی بر خانواده‌مداری (موضوع عبارت ۶ با میانگین ۳،۳۰)، تکثیر برنامه‌های استانی و برون‌استانی بر ساخت برنامه به زبان‌های گوناگون (موضوع عبارت ۱۹ با میانگین ۳،۲۸) و عرق ملی و وطن‌پرستی بر عدالت‌خواهی و حقل‌طلبی (موضوع عبارت ۴ با میانگین ۲،۸۹) در ساخت برنامه‌های تلویزیون، اولویت کمتری از نگاه شهروندان مورد مطالعه داشته است.

تحلیل عاملی اکتشافی به منظور شناخت مؤلفه‌های نقش برنامه‌های تلویزیونی در توسعه فرهنگی

جداول (۱۲): (مجموعه ۶ جدول). به منظور کشف عوامل تشکیل دهنده نقش
برنامه‌های تلویزیونی در توسعه فرهنگی

۱-۱۲

۰,۶۰۳	اندازه‌گیری کفایت نمونه‌گیری قیصر مابر اولکین	
۰,۱,۸۲۳۱	کای اسکوتر تقریبی	آزمون کرویت بارلت
۱۹۰	درجه آزادی	
۰	سیگما	

آزمون KMO and Bartlett's در مناسب و کفایت نمونه مورد مطالعه به منظور
تحلیل عاملی ($sig=0.000 < 0.05$).

۲-۱۲

اجتماع		
استخراج	اولیه	برای اینکه تلویزیون نقش مهمتری در توسعه فرهنگی داشته باشد باید در ساخت برنامه های آن ،
۰,۹۴۶	۱	T۲. مردم سالاری دینی بر گرامت استانی اولویت داشته باشد.
۰,۹۰۶	۱	T۴. عرق ملی و وطن پرستی بر عدالت خواهی و حق طلبی اولویت داشته باشد.
۰,۸۹۶	۱	T۶. خوداتکایی بر خانواده مداری اولویت داشته باشد.
۰,۷۳۹	۱	T۸. مسئولیت پذیری و پاسخگویی بر وجدان کاری و انضباط اجتماعی اولویت داشته باشد.
۰,۸۹۱	۱	T۱۰. بهره‌یز از مصرف گرایی بی رويه بر مشارکت و همدلی اولویت داشته باشد.
۰,۸۷۵	۱	T۱۲. ارتقای فرهنگی بر افزایش برنامه های فرهنگی اولویت داشته باشد.
۰,۹۴۲	۱	T۱۴. تولیدات دیداری و شنیداری بر تولیدات مکتوب اولویت داشته باشد.
۰,۸۷۶	۱	T۱۶. تعداد شبکه بر میزان تعامل اولویت داشته باشد.
۰,۸۴	۱	T۱۸. بالابردن سواد رسانه ای بر تکثر برنامه های استانی و برون استانی اولویت داشته باشد.
۰,۸۰۴	۱	T۲۰. آموزش و جذب هنرمندان بر آموزش و جذب علاقمندان اولویت داشته باشد.



بر اساس اطلاعات مندرج در جدول فوق، ملاحظه می‌شود که از دیدگاه نمونه مورد مطالعه، برای اینکه تلویزیون نقش مؤثری در توسعه فرهنگی داشته باشد، باید در ساخت برنامه‌های آن، اعتماد متقابل بر مردم‌سالاری دینی اولویت داشته باشد. مردم‌سالاری دینی بر کرامت انسانی اولویت داشته باشد و... نتایج به‌دست آمده مندرج در جدول قابل تأمل است.

واریانس کل توضیح داده شده است.

۳-۱۲

نمونه	مقدار ویژه اولیه			استخراج مجموع			مجموع جرخش بارهای مرئی		
	جمع	درصد واریانس	درصد جمعی	جمع	درصد واریانس	درصد جمعی	جمع	درصد واریانس	درصد جمعی
۱	۴۹۵۶	۲۴.۷۸	۲۴.۷۸	۴۹۵۶	۲۴.۷۸	۲۴.۷۸	۴۵۶۱	۲۲.۸۴۵	۲۲.۸۴۵
۲	۳۶۳۴	۱۸.۱۶۸	۴۲.۹۴۸	۳۶۳۴	۱۸.۱۶۸	۴۲.۹۴۸	۳۰۲۹	۱۵.۱۴۵	۳۷.۹۹
۳	۲۹۱	۱.۴۵۱	۵۷.۴۹۹	۲۹۱	۱.۴۵۱	۵۷.۴۹۹	۲۶۵۷	۱۳.۲۸۵	۵۱.۲۷۵
۴	۲۰۶۲	۱۰.۳۰۸	۶۷.۸۰۷	۲۰۶۲	۱۰.۳۰۸	۶۷.۸۰۷	۲۰۲۰۸	۱۱.۰۳۸	۶۲.۳۱۳
۵	۱۵۶۳	۷.۸۱۳	۷۵.۶۲	۱۵۶۳	۷.۸۱۳	۷۵.۶۲	۱۹۳۱	۹.۶۵۴	۷۱.۹۶۷
۶	۱.۱۹۳	۵.۹۶۶	۸۱.۵۸۵	۱.۱۹۳	۵.۹۶۶	۸۱.۵۸۵	۱.۶۷۸	۸.۲۹۱	۸۰.۳۵۸
۷	۱۰۰۲۲	۵۱.۱۱۱	۸۶.۶۹۶	۱۰۰۲۲	۵۱.۱۱۱	۸۶.۶۹۶	۱.۶۶۸	۶.۳۳۸	۸۶.۶۹۶
۸	۰.۷۵۷	۳.۷۸۶	۹۰.۴۸۳						
۹	۰.۵۲۴	۲.۶۲۲	۹۲.۱۰۴						
۱۰	۰.۳۷۹	۱.۸۹۳	۹۴.۹۹۷						
۱۱	۰.۲۹۲	۱.۴۵۹	۹۶.۴۵۶						
۱۲	۰.۱۴۵	۰.۷۲۷	۹۷.۱۸۳						
۱۳	۰.۱۲۹	۰.۶۴۵	۹۷.۸۲۷						
۱۴	۰.۱	۰.۴۹۹	۹۸.۳۲۶						
۱۵	۰.۰۸۷	۰.۴۳۵	۹۸.۱۶۱						
۱۶	۰.۰۸۱	۰.۴۰۵	۹۹.۱۶۵						
۱۷	۰.۰۵۹	۰.۲۹۳	۹۹.۴۵۹						
۱۸	۰.۰۴۸	۰.۲۳۸	۹۹.۶۹۷						
۱۹	۰.۰۲۳	۰.۱۶۶	۹۹.۸۶۳						
۲۰	۰.۰۲۷	۰.۱۳۷	۱۰۰						

روش استخراج: تجزیه و تحلیل اجزای اصلی.

طبق اطلاعات مندرج در جدول، حداکثر ۷ عامل کشف شده و ۸۶,۶۹۶ درصد از واریانس تبیین می‌شود.

۴-۱۲

ماتریس مؤلفه‌ها

برای اینکه تلفیقین نقش مؤثری در توسعه فرهنگی داشته باشد باید در ساحت برترانه های آن .

مؤلفه	مؤلفه						
	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
T۲ کریمت انسانی بر امید به آینده اولویت داشته باشد.	۰.۸۸۳	۰.۱۵۸	۰.۱۸۳	۰.۰۸۰	۰.۲۰۶	۰.۰۹۴	۰.۱۸۸
T۵ عدالت خواهی و حق طلبی بر خود انکایی اولویت داشته باشد.	۰.۸۵۸	۰.۱۶۶	۰.۰۵۲	۰.۱۵۷	۰.۰۲۰	۰.۱۳۱	۰.۰۰۶
T۶ خود انکایی بر خانواده مداری اولویت داشته باشد.	۰.۸۵۳	۰.۰۰۳	۰.۱۵۹	۰.۰۹۵	۰.۲۹۵	۰.۱۲۲	۰.۰۶۹
T۱۱ عدالت قانونی بر حق تصمیم گیری و انتخاب اولویت داشته باشد.	۰.۷۵۹	۰.۲۲۲	۰.۱۵۴	۰.۱۶۶	۰.۱۸۰	۰.۱۱۴	۰.۰۵۸
T۱۲ اعتماد متقابل بر مردم سالاری دینی اولویت داشته باشد.	۰.۷۲۲	۰.۲۷۴	۰.۲۷۰	۰.۲۹۷	۰.۱۲۲	۰.۱۲۰	۰.۰۸۶
T۱۳ ارتقای فرهنگی بر افزایش برترانه های فرهنگی اولویت داشته باشد.	۰.۶۸۴	۰.۰۶۰	۰.۱۹۰	۰.۲۵۸	۰.۲۱۹	۰.۱۲۴	۰.۱۷۷
T۷ خانواده مداری بر اخلاق دین مداری اولویت داشته باشد.	۰.۵۵۶	۰.۰۹۴	۰.۲۶۰	۰.۵۲۰	۰.۰۰۰	۰.۳۵۲	۰.۰۶۷
T۱ مردم سالاری دینی بر کریمت انسانی اولویت داشته باشد.	۰.۱۴۱	۰.۷۷۳	۰.۲۱۴	۰.۲۶۲	۰.۲۶۲	۰.۰۹۸	۰.۱۰۷
T۱۰ برهمن از صرف گزینی بی روزه بر مشارکت و همدلی اولویت داشته باشد.	۰.۲۸۶	۰.۶۹۸	۰.۳۸۵	۰.۳۳۰	۰.۰۰۰	۰.۲۹۲	۰.۰۸۲
T۱۸ بالابردن سواد رسانه ای بر تکثیر برترانه های استانی و استانی اولویت داشته باشد.	۰.۰۹۶	۰.۶۲۷	۰.۵۵۶	۰.۲۹۲	۰.۱۲۴	۰.۱۱۱	۰.۱۶۳
T۹ ودان کاری و انضباط اجتماعی بر برهمن از صرف گزینی بی روزه اولویت داشته باشد.	۰.۰۶۶	۰.۵۶۰	۰.۴۸۴	۰.۲۸۸	۰.۴۲۴	۰.۱۲۲	۰.۲۳۷
T۱۷ میزان تعامل بر میزان دسترسی اولویت داشته باشد.	۰.۹۴۴	۰.۴۸۰	۰.۶۶۲	۰.۲۰۲	۰.۰۲۵	۰.۴۵۵	۰.۲۴۷
T۱۶ تعداد شبکه بر میزان تعامل اولویت داشته باشد.	۰.۰۵۰	۰.۶۶۳	۰.۰۰۵	۰.۲۶۶	۰.۲۱۶	۰.۱۰۵	۰.۲۱۸
T۴ ترقی ملی و وطن پرستی بر عدالت خواهی و حق طلبی اولویت داشته باشد.	۰.۳۳۸	۰.۰۹۴	۰.۶۵۴	۰.۲۶۰	۰.۱۹۱	۰.۰۰۵	۰.۲۸۶
T۹ تکثیر برترانه های استانی و استانی بر ساحت برترانه های بومیان اولویت داشته باشد.	۰.۳۸۱	۰.۴۵۵	۰.۵۵۷	۰.۲۳۵	۰.۳۷۰	۰.۰۰۶	۰.۰۵۱
T۸ مسئولیت پذیری و پاسخگویی بر ودان کاری و انضباط اجتماعی اولویت داشته باشد.	۰.۱۹۱	۰.۶۶۰	۰.۵۱۳	۰.۰۰۰	۰.۲۹۷	۰.۲۹۸	۰.۲۴۷
T۱۱ مشارکت و همدلی بر ارتقای فرهنگی اولویت داشته باشد.	۰.۳۵۸	۰.۲۶۷	۰.۵۱۲	۰.۱۰۷	۰.۲۸۳	۰.۱۵۵	۰.۳۳۳
T۱۵ تولیدات مکتوب بر تولیدات صوتی اولویت داشته باشد.	۰.۱۷۴	۰.۵۸۷	۰.۰۲۵	۰.۶۶۳	۰.۰۰۴	۰.۰۰۵	۰.۲۹۱
T۱۰ آموزش و جذب هنرمندان بر آموزش و جذب علاقه‌مندان اولویت داشته باشد.	۰.۱۳۸	۰.۲۶۵	۰.۱۶۸	۰.۲۹۹	۰.۵۸۲	۰.۹۸۳	۰.۰۸۰
T۱۴ تولیدات دیداری و شنیداری بر تولیدات مکتوب اولویت داشته باشد.	۰.۱۲۸	۰.۱۰۶	۰.۱۰۰	۰.۲۸۶	۰.۴۳۰	۰.۲۶۴	۰.۶۵۷

روشن استخراج: تجزیه و تحلیل اجزای اصلی.

۷ محور استخراج شده است.

عامل‌های ۷ گانه، مرتب‌شده پس از چرخش واریماکس



(a) Rotated Component Matrix							
Component							
۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	برای اینکه تلویزیون نقش مؤثری در توسعه فرهنگی داشته باشد باید در ساخت برنامه‌های آن
۰.۱۱۴	۰.۰۹۵	۰.۰۸۸	۰.۰۳۸	۰.۱۰۸	۰.۰۳۱	۰.۹۳۹	T3. کرامت انسانی بر امید به آینده اولویت داشته باشد.
۰.۱۰۵	۰.۱۰۵	۰.۰۸۲	۰.۰۳۷	۰.۲۲۷	۰.۱۰۳	۰.۸۹۶	T6. خوداتکایی بر خانواده‌مداری اولویت داشته باشد.
۰.۰۰۴	۰.۱۵۶	۰.۲۷۶	۰.۱۲۸	۰.۱۶۵	۰.۱۸۸	۰.۸۲۳	T13. عدالت قانونی بر حق تصمیم‌گیری و انتخاب اولویت داشته باشد.
۰.۰۵۳	۰.۱۶۶	۰.۲۳	۰.۰۷۱	۰.۲۴۶	۰.۱۵	۰.۷۷۳	T11. اعتماد متقابل بر مردم‌سالاری دینی اولویت داشته باشد.
۰.۱۱۴	۰.۰۱۸	۰.۰۴۹	۰.۴۴۶	۰.۲۲۹	۰.۰۷۳	۰.۷۳۱	T5. عدالت‌خواهی و حقی‌طلبی بر خوداتکایی اولویت داشته باشد.
۰.۱۱۵	۰.۰۳۶	۰.۲۲۲	۰.۰۰۳	۰.۰۹	۰.۸۹۸	۰.۱۶۶	T4. عرق ملی و وطن‌پرستی بر عدالت‌خواهی و حقی‌طلبی اولویت داشته باشد.
۰.۰۰۲	۰.۰۵۳	۰.۲۷۷	۰.۲۷۸	۰.۰۱۱	۰.۸۰۶	۰.۲۳۶	T19. تکثر برنامه‌های استانی و برون‌استانی بر ساخت برنامه به زبان‌های گوناگون اولویت داشته باشد.
۰.۰۳۸	۰.۰۰۵	۰.۵۰۶	۰.۰۴۶	۰.۱۹۱	۰.۷۵۱	۰.۱۲۸	T16. تعداد شبکه بر میزان تعامل اولویت داشته باشد.
۰.۰۲۲	۰.۳۳۶	۰.۰۳۱	۰.۳۹۷	۰.۱۷۲	۰.۶۸۶	۰.۲۶۷	T10. پرهیز از مصرف‌گرایی بی‌رویه بر مشارکت و همدلی اولویت داشته باشد.
۰.۱۷۹	۰.۳۶۲	۰.۱۵۷	۰.۵۸۲	۰.۱۰۴	۰.۵۸۴	۰.۲۶۱	T2. مردم‌سالاری دینی بر کرامت انسانی اولویت داشته باشد.
۰.۱۴۸	۰.۱۶	۰.۰۸	۰.۲۵۴	۰.۸۳۸	۰.۱۲۵	۰.۲۷۹	T11. مشارکت و همدلی بر ارتقای فرهنگی اولویت داشته باشد.
۰.۰۸۲	۰.۱۴۱	۰.۱۱۶	۰.۳۴۳	۰.۸۱۵	۰.۰۵۹	۰.۱۲۲	T18. بالابردن سواد رسانه‌ای بر تکثر برنامه‌های استانی و برون‌استانی اولویت داشته باشد.
۰.۲۰۷	۰.۱۸۱	۰.۱۹۴	۰.۲۱۳	۰.۷۶۱	۰.۰۳۵	۰.۰۲۹	T8. مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی بر وجدان‌کاری و انضباط اجتماعی اولویت داشته باشد.
۰.۰۱۲	۰.۱۳۸	۰.۲۶۹	۰.۷۷۸	۰.۳۸۹	۰.۰۸۴	۰.۱۲۹	T17. میزان تعامل بر میزان دسترسی اولویت داشته باشد.
۰.۰۹۷	۰.۰۵۶	۰.۱۷۶	۰.۶۷۸	۰.۱۳۱	۰.۰۲۹	۰.۵۹۷	T12. ارتقای فرهنگی بر افزایش برنامه‌های فرهنگی اولویت داشته باشد.
۰.۰۱۳	۰.۳۱۳	۰.۸۳۲	۰.۰۰۴	۰.۲۸۴	۰.۱۶۹	۰.۰۰۷	T15. تولیدات مکتوب بر تولیدات صوتی اولویت داشته باشد.
۰.۳۴۴	۰.۰۹۹	۰.۶۰۷	۰.۰۱۹	۰.۱۷۳	۰.۰۸۵	۰.۵۳۸	T7. خانواده‌مداری بر اخلاق دین‌مداری اولویت داشته باشد.
۰.۱۶۶	۰.۸۵۷	۰.۰۸۶	۰.۰۸۴	۰.۰۴۵	۰.۱۱۳	۰.۱۱۴	T20. آموزش و جذب هنرمندان بر آموزش و جذب علاقمندان اولویت داشته باشد.
۰.۰۰۲	۰.۶۲۳	۰.۳۸	۰.۳۲۸	۰.۳۸	۰.۲۱۸	۰.۲۴۴	T9. وجدان‌کاری و انضباط اجتماعی بر پرهیز از مصرف‌گرایی بی‌رویه اولویت داشته باشد.
۰.۹۵۱	۰.۱۶۸	۰.۰۶۶	۰.۰۱۲	۰.۰۰۷	۰.۰۲۸	۰.۰۰۷	T14. تولیدات دیداری و شنیداری بر تولیدات مکتوب اولویت داشته باشد.

Extraction Method: Principal Component Analysis.
 Rotation Method: Varimax with Kaiser Normalization.
 a Rotation converged in 15 iterations.

۶-۱۲

وضعیت عوامل ۶گانه تلویزیون (کشف‌شده از تحلیل عاملی)

رتبه	عوامل مولد در	N	Mean	Std.	ترتیب میانگین
۲	نگرش	۲۸۴	۲.۹۲	۰.۹۸	۲
۶	گرایش‌ها	۲۸۴	۲.۴	۱.۱۱	۶
۱	منش‌ها	۲۸۴	۴.۳۱	۰.۷۴	۱
۴	ابزارهای ارتباطی	۲۸۴	۳.۸۶	۰.۸۲	۴
۲	فعالیت‌های فرهنگی	۲۸۴	۴.۱۲	۰.۵۱	۲
۵	ارتقای نیروی انسانی	۲۸۴	۲.۷۲	۰.۷۴	۵
	وضعیت کلی همه	۲۸۴	۳.۸۵	۰.۴۸	

در این جدول مشاهده می‌شود به ترتیب در ساخت برنامه‌های تلویزیونی: منش‌ها، فعالیت‌های فرهنگی و فرآورده‌ها (با میانگین‌های بیشتر از ۴) و نگرش، ابزارهای ارتباطی، ارتقای نیروی انسانی و گرایش‌ها (با میانگین‌های بیشتر از ۳) برای ارتقای توسعه فرهنگی تأکید شده است.

جداول (۱۳): آزمون فریدمن به منظور مقایسه عوامل ۶گانه تلویزیون

۱-۱۳: آزمون‌های Npar، آزمون فریدمن

رتبه‌ها	میانگین رتبه
نگرش، تلویزیون	۳.۶
گرایش‌ها، تلویزیون	۳.۰۵
منش‌ها، تلویزیون	۴.۲۵
ابزارهای ارتباطی، تلویزیون	۳.۳۵
فعالیت‌های فرهنگی و فرآورده‌ها، تلویزیون	۳.۷۵
ارتقای نیروی انسانی، تلویزیون	۳

طبق اطلاعات مندرج در جدول، رتبه اول با میانگین ۳/۷۵ متعلق به فعالیت‌های فرهنگی و فرآورده‌ها، رتبه دوم ابزارهای ارتباطی، رتبه سوم منش‌ها، رتبه چهارم نگرش، رتبه بعدی، گرایش و درنهایت ارتقای نیروی انسانی است.

۱۳-۲: آمار آزمون (a)

تعداد نمونه	۳۸۴
کای اسکور	۱۲۶.۵۳۱
درجه آزادی	۵
آسیمپ سیگ.	۰.۰۰۰
آزمون فریدمن	

آزمون فریدمن، تفاوت ۶ عامل تلویزیون را در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار نشان می‌دهد ($\text{sig}=0.000 < 0.05$).

نتیجه‌گیری

از ویژگی‌های رسانه‌های گروهی در عصر کنونی آن است که در تمام ابعاد زندگی بشر راه پیدا کرده و به منبع اصلی شکل‌گیری واقعیات اجتماعی تبدیل شده است (مککویل، ۱۳۸۸، ص. ۳۳). در این میان رسانه‌های همچون تلویزیون با کارکردهای مختلف می‌تواند، یک واقعه اجتماعی را شکل دهد، با تکرار جا بیاندازد و فرایند توسعه فرهنگی را شکل دهد. این پژوهش به منظور بررسی شاخص‌های تعیین‌شده در توسعه فرهنگی از طریق تلویزیون صورت گرفت. نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش نجف‌بیگی و عزیزآبادی فراهانی (۱۳۸۷)، خواجه‌نوری و زادفرج (۱۴۰۱)، رضایی (۱۴۰۰)، رحمان‌زاده و غفاری‌معین (۱۳۹۰)، گرجی‌بندی (۱۳۹۱) همخوانی دارد. همچنین سایر پژوهش‌ها در حوزه تأثیرها (تلویزیون) بر فرهنگ‌سازی بوده و مقایسه‌ای بین وضعیت کنونی و وضعیت مطلوب برنامه‌های تلویزیونی رسانه ملی نداشته‌اند. بر اساس بررسی‌ها و مصاحبه‌های صورت گرفته از خبرنگاران، مؤلفه‌های نگرش، گرایش، منش، مصرف فرهنگی، امنیت شخصی، فرآورده، ارتباطات، دستاورد و نیروی انسانی می‌تواند منجر به توسعه فرهنگی شهروندان شود. وظیفه رسانه، مدل‌سازی برای رفتارها و عادات ارزشی و فرهنگی جامعه است؛ رسانه ملی باید ضمن اشاعه اخلاق ایرانی اسلامی، مخاطبان را به تفکر، تعمق و خردورزی دعوت کند و با اعتلای ایمانی و فکری آنان زمینه پرورش فرهنگ پویای ملی را فراهم سازد. بر اساس نتایج حاصله، در ساخت برنامه‌های تلویزیونی برای ارتقای توسعه فرهنگی، منش‌ها دارای بیشترین تأثیر، فعالیت‌های فرهنگی و فرآورده‌ها در اولویت دوم، نگرش در اولویت سوم، ابزارهای

ارتباطی در اولویت چهارم، ارتقای نیروی انسانی در اولویت پنجم و گرایش‌ها در اولویت آخر قرار گرفتند. براین اساس می‌توان گفت پایبندی به قانون، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی، مشارکت و همدلی، پرهیز از مصرف‌گرایی بی‌رویه و وجدان‌کاری و انضباط اجتماعی بیشترین تأثیر را در توسعه فرهنگی شهروندان تهرانی دارد. پایبندی به قانون از مهم‌ترین عوامل برانگیزاننده افراد در نگرش مثبت به رسانه‌هاست و رسانه‌های قانون‌مدار در این امر بسیار موفق‌تر و تأثیرگذارتر بوده‌اند؛ زیرا انتظاری که افراد از رسانه دارند بر قانون‌مداری است. همچنین رسانه باید در قبال جامعه مسئولیت‌پذیر باشد و بتواند در برابر اطلاعاتی که منتشر می‌کند پاسخگو باشد. رسانه‌ها باید بتوانند در شرایط سخت با مردم همدلی کرده و با ارائه اخبار درست و انگیزه‌بخش با مردم همراهی کنند. همچنین باید بتوانند عادات و رفتارهای اجتماعی بد را به‌عنوان یک الگو در جامعه اصلاح کنند. در این راستا همه این عوامل که نشان از منش رسانه است، می‌تواند باعث ایجاد توسعه مثبت فرهنگی در کاربران شود.

بر اساس نتایج، از بین شاخص‌های نگرش شهروندان در مورد تلویزیون، اعتماد متقابل در اولویت اول، مردم‌سالاری دینی در اولویت دوم، کرامت انسانی اولویت سوم و امید به آینده در اولویت چهارم قرار دارند. در عصر اطلاعات که نوآوری‌ها و فناوری‌های ارتباطات به رسانه‌ها تنوع و به مخاطبان آن دسترسی و حق انتخاب بیشتری داده است، بی‌تردید آن دسته از رسانه‌های جمعی می‌توانند سرچشمه قدرت و ابزار کنترل، مدیریت و نوآوری باشند و به منابع اصلی تبیین واقعیت‌های اجتماعی برای مردم تبدیل شوند که در بین رسانه‌های بی‌شمار موجود، معتبر شناخته شوند؛ به عبارت دیگر، باید واجد شرایط و ویژگی‌هایی باشند که مردم به آنها اعتماد کنند. مهم‌ترین نقش و کارکرد وسایل ارتباط جمعی، پی‌جویی، گردآوری و انتشار پیام در موضوع‌های مختلف و انتقال آنها به عموم بدون در نظر گرفتن سلسله‌مراتب گروهی است. در عصر کنونی، آن دسته از رسانه‌های جمعی می‌توانند بیشترین تأثیر را بر مخاطب داشته باشند که زمینه‌های اعتماد به خود را فراهم سازند. رسانه‌ها از طریق پیام‌رسانی صحیح در فرایند شکل‌گیری افکار عمومی راجع به خود تأثیرگذارند و از این طریق مخاطب را به سمتی سوق می‌دهند که با پذیرش رسانه برایش منزلت و اعتباری قائل شوند و به پیام‌هایش اعتماد کنند. در واقع رسانه باید انعکاس‌دهنده واقعیت باشد.

همچنین در شاخص‌های گرایش، نتایج تلویزیون برابر بود و عرق ملی (وطن‌پرستی و ملی‌گرایی) در اولویت اول، عدالت‌خواهی و حق‌طلبی در اولویت دوم، خوداتکایی در اولویت سوم، خانواده‌مداری در اولویت چهارم و اخلاق دین‌مداری در اولویت پنجم قرار



گرفت. مهم‌ترین عامل وحدت ملی که باعث می‌شود در سایه آن تمامیت ارضی ما حفظ و از کیان کشور دفاع شود وطن‌دوستی و عرق ملی است. جبهه استعمار که منافع خود را در سلطه‌پذیری و عقب‌ماندگی ملت‌ها می‌بیند، این‌همه استقلال و پیشرفت را بر نمی‌تابد و همواره در حال بمباران افکار عمومی جهت کم‌رنگ کردن و بی‌اهمیت جلوه دادن توان داخلی است. این امر از طریق رسانه و پخش برنامه‌های مخالف با انقلاب صورت می‌گیرد و افراد به‌خصوص جوانان را هدف قرار داده است.

در منش‌ها نیز در بررسی تلویزیون، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی در اولویت اول، وجدان‌کاری و انضباط اجتماعی در اولویت دوم، پرهیز از مصرف‌گرایی بی‌رویه در اولویت سوم و مشارکت و همدلی در اولویت چهارم قرار گرفتند. رسانه‌ها به‌عنوان یکی از اجزای قدرتمند جامعه مدنی و تأثیرگذار بر افکار عمومی نقش‌های سیاسی و غیرسیاسی مهمی بر عهده دارند که یکی از عمده‌ترین آنها واداشتن حکومت به پاسخگویی است. اینکه از رسانه‌ها به‌عنوان رکن چهارم مردم‌سالاری نام برده می‌شود بدان خاطر است که در کنار ارکان سه‌گانه دیگر بین اقشار عمومی، فعالیت گروه‌ها و انتخابات سهم عمده‌ای در مردمی ساختن حکومت‌ها و ممانعت از فاصله میان جامعه و حکومت دارند. از طرفی حق پاسخگویی برای ایجاد تعادل میان دو ارزش ایجاد شد: آزادی اطلاعات و حق دسترسی به اطلاعات صحیح. رسانه‌ها ممکن است خواسته یا ناخواسته اطلاعات تحریف‌شده و گمراه‌کننده‌ای منتشر کنند و متعاقباً منافع مشروع دیگران را به خطر بیندازند. بر اساس نظریه مسئولیت اجتماعی، رسانه‌ها باید در عین پاسخگویی به نیازهای مخاطبان، در برابر فعالیت‌های خود مسئولیت نیز داشته باشند و وظایف اجتماعی خود را محدود به گیرندگان پیام یا مالکان رسانه‌ها ندانند.

بر اساس شاخص مصرف فرهنگی در تلویزیون، فرهنگ دیجیتال در اولویت اول، ارتقای فرهنگی در اولویت دوم و افزایش برنامه‌های فرهنگی در اولویت سوم قرار گرفت. توسعه و انتشار رسانه‌های دیجیتالی به سراسر جهان با مرکزیت این رسانه‌ها در فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مردم و سازمان‌های بسیاری از کشورها به‌خصوص کشورهای توسعه‌یافته به اوج خود رسیده است؛ مثلاً در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته رایانه و تلفن همراه هرچه بیشتر در ارتباطات، رأی‌دادن، خرید، تجارت، اطلاعات، کار و حتی بازی افراد ضروری و واجب‌تر می‌شود. علاقه‌مندان به فناوری اطلاعات استدلال می‌کنند این چنین کشورهایی در عصر جامعه اطلاعاتی زندگی می‌کنند که به‌عنوان جامعه فراصنعتی تعریف می‌شود. به‌طوری‌که در

آن صنایع سرویس‌های اطلاعاتی و فناوری ارتباطات و اطلاعات جدید ساکن‌دار فرایندهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جوامع هستند. بی‌تردید برخورد عمومی جامعه با هر پدیده‌ای مدرن و نو در آغاز با مقاومت و نوعی نگرانی روبه‌رو است، اما گذر زمان و قدرت جریان‌های نوظهور به‌عنوان نیاز زندگی بشر، خود را به‌تدریج بر جوامع تحمیل می‌کنند و حتی سنتی‌ترین جامعه به ناگزیر آن پدیده نو را می‌پذیرد. در ایران نیز با اینکه رسانه‌های دیجیتالی در ابتدای کار خود قرار دارند؛ اما مردم ایران با این فناوری‌ها عجین شده‌اند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد رسانه‌های دیجیتال تأثیرهای مثبت و پیامدهای منفی بالفعل و بالقوه‌ای را در زندگی مردم داشته و دارد و لذا مهم این است که بتوانیم به شیوه‌ای مفید از رسانه‌های دیجیتال استفاده کنیم یعنی از فرصت‌های بسیاری که در اختیار ما قرار می‌گیرد استفاده کنیم و از خطرهایی که در اثر استفاده نادرست یا استفاده بیش‌ازحد بروز می‌کند اجتناب کنیم.

از نظر شاخص امنیت شخصی در تلویزیون، عدالت قانونی در اولویت اول و حق تصمیم‌گیری و انتخاب در اولویت دوم قرار گرفت. انتظاری که جوامع در برخورد با رسانه‌های جمعی دارند این است که دردها و مشکلات جامعه را بازگو کنند و این انتظار اساس اولیه شکل‌گیری مفهوم عدالت رسانه‌ای است. رسانه‌ها، بیشتر از آنکه از واقعیت الهام بگیرند، از خاستگاه و مطالبات طبقات اجتماعی حاکم بر خود الهام می‌گیرند و عمده حاکمان و مدیران رسانه‌ها هم کسانی هستند که وابسته به یک طبقه اجتماعی خاص هستند؛ فرقی هم نمی‌کند در رسانه‌های دولتی باشند یا خصوصی. این در حالی است که رهبر معظم انقلاب بارها بر اهمیت موضوع رعایت عدالت اجتماعی در رسانه تأکید کرده‌اند.

از جهت شاخص فرآورده در تلویزیون، تولیدات دیداری و شنیداری در اولویت اول و تولیدات مکتوب در اولویت دوم و تولیدات صوتی در اولویت سوم قرار گرفت. رسانه‌های دیداری - شنیداری و مشخصاً رادیو و تلویزیون در نشر سریع و لحظه‌ای اطلاعات، کوتاه کردن فواصل هزاران کیلومتری فوق‌العاده مؤثرند. با توجه به تأثیر زیادی که حواس دیداری و شنیداری در ایجاد یک نگرش و یک تغییر در افراد دارند، نقش این ابعاد از رسانه در توسعه فرهنگ و تغییرات فرهنگی افراد غیرقابل‌اجتناب است.

در بعد ارتباطات در تلویزیون همچنین تعداد شبکه‌ها در اولویت اول، میزان تعامل در اولویت دوم و میزان دسترسی در اولویت سوم قرار گرفت. همان‌گونه که بیان شد، جهان با ورود به عصر رسانه‌ها و شکل‌گیری جامعه اطلاعاتی دوران جدیدی را آغاز کرده است و کارکرد رسانه‌ها در عصر اطلاعات و ارتباطات در همه ابعاد زندگی



اجتماعی و فرهنگی انکارناپذیر است در چنین جامعه‌ای رسانه‌ها با تولید و توزیع مطلوب اطلاعات نقش زیادی در بالا بردن آگاهی‌های گوناگون بر عهده می‌گیرند و جامعه را در نیل به توسعه همه‌جانبه یاری می‌کنند. با توجه به این امر و در راستای این موضوع که مخاطبان رسانه‌ها افرادی با ویژگی‌های شخصیتی و خواسته‌های گوناگون هستند، تعدد شبکه‌ها و به تبع آن تعدد در اهداف و برنامه‌های ارائه‌شده، می‌تواند مخاطبان بالاتری را جذب کند و ارتباطات بیشتری را حاصل کند.

در بُعد دستاورد در تلویزیون، بالا بردن سواد رسانه‌ای در اولویت اول، تکثیر برنامه‌های استانی و برون‌استانی در اولویت دوم و ساخت برنامه به زبان‌های گوناگون در اولویت سوم قرار گرفت؛ اما در رادیو نتایج متفاوت بود و ساخت برنامه به زبان‌های گوناگون در اولویت دوم و تکثیر برنامه‌های استانی و برون‌استانی در اولویت سوم قرار گرفت. رسانه‌ها عنصر جدایی‌ناپذیر زندگی انسان‌ها شده‌اند. آنها با احاطه بر تولید و توزیع اطلاعات و حضور فراگیر آن در میان جوامع، مخاطبان را در معرض حجم وسیع اطلاعات قرار می‌دهند. برای اینکه بتوان مخاطبانی داشت که در کنار بهره‌گیری آگاهانه و فعالانه از این رسانه‌ها بتوانند خود را در برابر چالش‌ها و پیامدهای مخرب آنها در زندگی محافظت کنند باید سواد جدیدی ایجاد کرد که از آن با نام سواد رسانه‌ای یاد می‌شود. کارشناسان مهم‌ترین هدف سواد رسانه‌ای را رشد و گسترش تفکر انتقادی و دادن قدرت کنترل به افراد در استفاده از برنامه‌های رسانه می‌دانند و فهم و تفسیر صحیح پیام‌های رسانه و تجزیه و تحلیل آنها و آماده‌سازی افراد برای زندگی در جوامع مردم‌سالار را در اولویت بعدی قرار می‌دهند و کمترین نتیجه سواد را در یادگیری درباره تاریخ رسانه می‌دانند.

در نهایت در بُعد نیروی انسانی نیز در تلویزیون نتایج نشان داد آموزش جذب هنرمندان در اولویت اول آموزش و جذب علاقه‌مندان در اولویت دوم قرار گرفت. هنرمندان می‌توانند در نقش گروه‌های مرجع بر ایجاد تغییرهای فرهنگی و نگرشی مؤثر باشند. هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند بدون گروه مرجع زیست کند؛ چراکه این گروه‌ها عناصر هویت‌بخش و محرک جامعه هستند. حالت طبیعی برای اعضای یک گروه پایبندی به گروه خودی و سنجش گروه غریبه بر مبنای معیارهای گروه خودی هست. در این وضعیت، نسبتی بین اعضای جامعه و مرجعیت‌های درون‌گروهی به صورت طبیعی برقرار می‌شود؛ اما همیشه تعدادی از اشخاص و خرده گروه‌هایی به گروه‌های مرجع برون‌گروهی تمایل می‌یابند. در این شرایط اگر نسبتی تخصص‌آمیز و تضادگونه بین چهارچوب‌های ذهنی و عینی مرجعیت‌های غریبه با نوع داخلی آن برقرار شود در

آن صورت موضوع به مسئله تبدیل می‌شود و آسیب‌های فزاینده‌ای بین افراد مذکور و جامعه پدیدار می‌شود.

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، پیشنهادهای زیر به مدیران و متصدیان تلویزیون ارائه می‌شود:

- به نظر می‌رسد با کاهش تصدی‌گری دولت در تلویزیون و تأسیس سازمانی برای هماهنگی سیاست‌گذاری‌های رسانه‌ای، با ایجاد نگاه‌ها و ایده‌های گوناگون، در حوزه تولید محتوا در تلویزیون، فضاها و موضوع‌های متنوع مورد توجه قرار می‌گیرند؛ زیرا به نظر می‌رسد در حال حاضر، تکرار سوژه‌ها و موازی‌کاری در برنامه‌سازی و سریال‌سازی، مخاطبان تلویزیون را خسته کرده است.

- با نیازسنجی‌های منظم و مکرر، زمینه برای شناخت نیازهای فرهنگی حقیقی شهروندان و پاسخگویی به این نیازها از طریق برنامه‌های تلویزیون فراهم شود.

- پیشنهاد می‌شود برنامه‌ریزی متعادل و متوازن، جدول پخش زمانی مشخص، استفاده دائمی از مشاوران حوزه روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، ارتباطات و رسانه در دستور کار قرار گیرد؛ زیرا قطعاً منجر به بهبود در کیفیت برنامه و سریال‌ها خواهد شد.

- پیشنهاد می‌شود رسانه‌ها از پخش برنامه‌هایی با مضمون هویت ملی در ساعت‌های خاصی از شبانه‌روز، جهت ایجاد عرق ملی در شهروندان به‌خصوص نوجوانان و جوانان استفاده کنند. برنامه‌هایی که نمایانگر هویت ملی و ایرانی و تاریخ و فرهنگ کهن ملت ایران باشد می‌تواند ارزش‌های لازم را در افراد ایجاد یا تقویت کند.

- پیشنهاد می‌شود روابط عمومی صداوسیما جمهوری اسلامی ایران با افزایش شبکه‌های قابل دسترسی، همچون شبکه‌های اجتماعی، برقراری ارتباط افراد را رسانه را بیشتر کند تا افراد بتوانند نظرها، پیشنهادهای و انتقادهای خود را به‌خوبی به سازمان منتقل کرده و از طریق توجه به نیازهای فرهنگی شهروندان، و برآورده‌ساختن آن نیازها طی فرایند برنامه‌سازی، زمینه توسعه فرهنگی در این بخش را فراهم کنند.

- پیشنهاد می‌شود مدیران و کارکنان سازمان صداوسیما از طریق بالا بردن سواد اطلاعاتی کارکنان مجموعه‌ها سعی در ارتقای سطح برنامه‌ها و به‌تبع آن ارتقای فرهنگی مخاطبین از طریق ترغیب آنان به مصرف بیشتر کالاهای فرهنگی گام بردارند.



فهرست منابع

- آقاجانی، نفیسه (۱۳۹۵). بررسی نقش و جایگاه رسانه تلویزیون در تحقق اهداف توسعه فرهنگی کشور. سومین همایش بین‌المللی مدیریت رسانه، اسلامشهر.
- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی توسعه تهران. تهران: کیهان.
- از مجموعه فرهنگ و توسعه یونسکو (۱۳۹۷). بعد فرهنگی توسعه به سوی رهیافتی عملی. ترجمه صلاح‌الدین محلاتی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- الیاسی، حمید (۱۳۶۸). واقعیت‌های توسعه‌نیافتگی. تهران: سهامی انتشار.
- امیرانتخابی، شهرود؛ صالحی امیری، سیدرضا؛ سلطانی‌فر، محمد و رضایی، علی‌اکبر (۱۳۹۴). ارائه الگویی جهت سیاست‌گذاری فرهنگی رسانه‌ها در ایران. راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال پنجم، (۱۷)، ۱۱۳-۱۲۹.
- بهزادی، کامران؛ امام‌قلی‌زاده، سعید و رضوی، حمیدرضا (۱۴۰۰). شناسایی مؤلفه‌های توسعه فرهنگی یک مطالعه کیفی پیرامون مراکز فرهنگی با رویکرد تجزیه و تحلیل سلسله‌مراتبی. نشریه مطالعات هنر اسلامی، ۱۸(۴۴)، ۹۱-۱۰۱.
- پژوهنده، محمدحسین (۱۳۸۰). توسعه فرهنگی و فرهنگ توسعه در اسلام. پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ۷(۲)
- پورمحمد، محمدحسین؛ رحمان‌زاده، سیدعلی و کاوسی، اسماعیل (۱۳۹۸). نقش رسانه ملی در توسعه شهر خلاق. مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۱۱(۲)، ۱۵۷-۱۶۶.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۹۴). توسعه فرهنگی ضرورت توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی. فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۲۲(۲)، ۱-۲۳.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۷۳). جامعیت مفهوم توسعه. مجموعه مقاله‌های سمینار جامعه‌شناسی و توسعه. تهران: سمت.
- خجسته باقرزاده، حسن (۱۳۹۸). شناسایی عوامل کلیدی رسانه‌ای در سیاست‌گذاری برای رادیو - تلویزیون ایران. فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، ۴(۴)، ۱۳۷-۱۰۹.
- خواجانه‌نوری، نسترن و زادفرج، زهرا (۱۴۰۱). بررسی نقش صداوسیما در انتشار تنوع فرهنگی (با تأکید بر توسعه مشارکتی). فصلنامه رهپویه ارتباطات و فرهنگ. ۳۳(۳)، ۳۳-۴۵.
- رحمان‌زاده، سید علی و غفاری معین، زهرا (۱۳۹۰). بررسی نقش رسانه ملی در توسعه ارتباطات بین فرهنگی در میان اقوام ایرانی از دیدگاه صاحب‌نظران.

فصلنامه مطالعات رسانه‌ای. (۲)۶، ۲۴۱-۲۷۵.

رضایی، مصطفی؛ بنی‌هاشمی، سیدمحسن و علیشیری، بهرام (۱۴۰۰). ارائه الگوی مطلوب مدیریت ارتباط رسانه ملی با اقوام ایرانی. *مطالعات رسانه‌ای*، ۱۶(۵۲)، ۴۳-۶۷.

زعفریان، رضا؛ خرمی، زهرا و الیاسی قنبر، محمدی (۱۳۹۰). شناسایی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های نقش تلویزیون در توسعه فرهنگ کارآفرینی. *فصلنامه مطالعات بین‌رشته‌ای در رسانه و فرهنگ*. ۱(۲)، ۶۷-۸۶.

سام بند، میثم؛ صالحی صدقیانی، جمشید و قایدی، محمدرضا (۱۳۹۸). نقش تلویزیون در توسعه توانمندسازی فردی. *مطالعات میان‌رشته‌ای ارتباطات و رسانه*، ۵(۱۱)، ۳۶-۱۱.

شاوردی، تهمینه؛ خضری، زهرا و قاسمی، عاصمه (۱۴۰۰). تأثیر رسانه‌های جمعی در بازنمایی انتقال ارزش‌های فرهنگی اجتماعی زنان. *مطالعات فرهنگی اجتماعی حوزه*، ۵(۱۰)، ۵-۲۶.

شریعتی، شهروز و سلیمانی‌پور، زهرا (۱۳۹۴). تضمن‌های بنیادین الگوی اثربخش اسلامی و ایرانی پیشرفت. *فصلنامه مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی*. ۳(۶)، ۴۹-۷۲.

عزیزی، حسن؛ شفیعی، اسماعیل و گلشنی، علیرضا (۱۳۹۷). تحقق توسعه سیاسی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. *دوفصلنامه مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی*، سال ششم، (۱۱)، ۱۵۷-۱۸۳.

فرهنگی، علی‌اکبر (۱۳۸۸). *ارتباطات انسانی*. تهران: دانشگاه آزاد. فیلیپ اسمیت، دانیل (۱۳۸۷). *درآمدی بر نظریه فرهنگی*. ترجمه پویان، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

قاضیان، حسین (۱۳۷۸). *تحولات ساختاری در بازار کالاهای فرهنگی*. رسانه، (۳۹). قاضیان، حسین (۱۳۸۲). *بن‌بست سیاست فرهنگی در ایران امروز*. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.

گراوند، مجتبی و فرهاد، پروانه (۱۳۹۵). *توسعه فرهنگی و بررسی ویژگی دیدگاه امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه)*. *پژوهشنامه متین*، ۲۰(۷۸)، ۱۲۷-۱۴۵.

گرچی‌بندی، پریسا (۱۳۹۱). *توسعه فرهنگی در برنامه‌های کودک سیما*. *دوفصلنامه تفکر و کودک*، ۳(۶).

مرزبان، اسماعیل؛ قدمی، محسن؛ صالحی امیری، سیدرضا و طلوعی، عباس (۱۴۰۰).

تبیین فرایندهای اصلی مدیریت استراتژیک متعادل در رسانه ملی. مدیریت فرهنگی، ۱۵(۵۲)، ۱۲۵-۱۴۴.

مظفر، حسین؛ رضائیان، مهدی؛ حاجی پروانه و الهام‌بخش، مجید (۱۳۹۸). طراحی مدل سیاست‌گذاری فرهنگی رسانه ملی. فصلنامه علمی مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی، ۳(۱۲)، ۷۵-۱۰۸.

مکویل، دنیس (۱۳۸۸). درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعیت. ترجمه پرویز اجلالی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه.

نایبی، هوشنگ و آغاز، محمدحسن (۱۳۸۸). فرهنگ، رسانه و نقش سیاست‌های رسانه‌ای در توسعه فرهنگی کشور. ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال سوم، (۳۱) و ۳۲، ۴۱-۵۲.

نصف‌بیگی، رضا و عزیزآبادی فراهانی، فاطمه (۱۳۸۷). طراحی مدل اندازه‌گیری تأثیر رسانه ملی در توسعه فرهنگی. مجله مدیریت فرهنگی، (۲)، ۱-۲۲.

وثوق، منصور؛ آرام، هاشم و سلمانی، گودرزی (۱۳۹۱). بررسی موانع ساختاری در جهت شکل‌گیری و ارتقاء توسعه فرهنگی در ایران؛ چالش‌ها و راهکارها. مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال چهارم، (۳)، ۸۱-۹۶.

وینر، مایرو (۱۳۸۸). مشارکت سیاسی، بحران فرایند سیاسی. ترجمه غلامرضا خواجه سروی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

یسری، مهدی؛ فکوهی، ناصر و صالحی امیری، سید رضا (۱۳۹۷). ارائه الگوی مدیریت توسعه فرهنگی کلانشهر. مطالعات توسعه اجتماعی ایران، (۴) ۱۰، ۵۱-۶۲.

Vera Sigre-Leirós (2020). Binge-watching in times of COVID-19: A longitudinal examination of changes in affect and TV series consumption patterns during lockdown. February 2023 *Psychology of Popular Media*, 12(2), 173-185.

Fayziyeva, F. H. (2021). *The Role of Television in the Uzbek Culture*.

Gebru Kahsay Kiflu; Adem Chanie Ali & Hagos Nigusie (2022). *Media and public sphere in Ethiopia: Mediated deliberations in public and commercial television programs*. (n.d.).

Gerbner, G.; Gross, L.; Morgan, M. & Signorielli, N. (1994). *Growing up with television: The cultivation perspective*. In J. Bryant & D. Zillmann (Eds.), *Media effects: Advances in theory and research* (pp. 17-41). Lawrence Erlbaum Associates, Inc.

Hutchison, D. (1999). *Media policy*. black well.

Kankala, E. (2011). *Culture in development cooperation, Publications of the Ministry on Education and Culture*. Helsinki.

Karyn Riddle, Nicole Martins. (2021). *A Content Analysis of American*

- Primetime Television: A 20-Year Update of the National Television Violence Studies.*
- Katz, G. T. (2010). Voracious Cultural Consumption: The Intertwining of Gender and Social Status. *Time and Society*, (19).
- Kiflu, Gebru Kahsay; Adem Chanie Ali & Hagos Nigussie, (2022). *Media and public sphere in Ethiopia: Mediated deliberations in public and commercial television programs.* (n.d.).
- Liao, LL. Chang, LC. Lee, CK. et al. (2020). The Effects of a Television Drama-Based Media Literacy Initiative on Taiwanese Adolescents. *Gender Role Attitudes*, 219-231.
- Mahkamovich, M. I. (2022). *The Role of the Media in Preventing Ideological Threats in the Republic of Uzbekistan.*
- Onyenankeya, a. S. (2022). Community radio acceptance in rural Africa: *The nexus of language and cultural affinity.*
- Zichen He, Danian Li. (2021). *Application of Big Data Technology in the Development of Network Radio and Television Station.*

References

- Aghajani, Nafiseh (2015). Investigating the role and position of television media in realizing the country's cultural development goals, the third international media management conference, Islamshahr. (In Persian)
- Beheshti, Seyed Alireza and Momeni Noorabadi, Mehdi (2017). The role of media literacy and information literacy on the redefinition of national identity in Iranian society with an emphasis on symbolization on television, the second international conference on media and information literacy on the topic of family, Tehran. (In Persian)
- Elyasi, Hamid (2018). The realities of underdevelopment, Tehran, publishing company. (In Persian)
- Ezekia, Mostafi & Ghaffari, Gholamreza (2014). Development Sociology, Tehran, Kayhan Publications. (In Persian)
- Fabrizio, Claude; Dezio, Dominik & others (2008). the cultural dimension of development: towards a practical approach; From the UNESCO Culture and Development Group, translated by Salah Mehlati (1379), Tehran, Shaheed Beheshti University Publications. (In Persian)
- Farhani, Ali Akbar (13881). Human Communication, Tehran Azad University, 108. (In Persian)
- Giddens, Anthony (1379) Sociology, translated by Manucher Sabouri, 6th edition, Tehran: No publication. (In Persian)
- Ground; Mojtabi, Farhad, Parvaneh (2015). Cultural development and examination of the characteristics of Imam Khomeini's (pbuh) perspective, *Matin Research Journal*, 20(78), 127-145. (In Persian)
- Ha Barmas, Jurgen (2004), Structural Transformation of the Public Domain, translated by Jamal Ahmadi, Tehran: Afkar. (In Persian)
- Marzban, Ismail; Gadami, Mohsen, Salehi Amiri, Daneshyar, Seyed Reza & Toloui, Abbas (1400). Explanation of the main processes of balanced



- strategic management in the national media, *Journal of Cultural Management*, 14(52), 126-145. (In Persian)
- McQuail, Dennis (1383). An introduction to the theory of population communication, translated by: Parviz Ajjali, Tehran Media Studies, (33). (In Persian)
- Miriosfi, Seyyed Jalil & Bakhshandeh, Hossein (2019). Identifying and prioritizing effective mass media factors in the development of the political culture of championship sports, *Sports Management Journal*, 12(2), 501-520. (In Persian)
- Mohammadzadeh, Farhanaz & Aliabadi, Gita (2018). Evaluation of media literacy of Tehrani citizens (case study of districts 1 and 20 of Tehran), the first international conference on modern researches in psychology, counseling and behavioral sciences, Tehran. (In Persian)
- Muqar Sheikhan, Mohammad; Babran, Siddiqa & Kia, Ali Asghar (2019). The role of national media in the development of intercultural communication, *Media and Culture Journal*, 1(10). (In Persian)
- Muzaffar, Hossein; Rezaian, Mehdi, Haji Parvaneh, Abbas Ali & Elhambakhsh, Majid (2018). Designing the cultural policy model of the national media, *Scientific Quarterly of National Defense Strategic Management Studies*, 12(3), 108-75. (In Persian)
- Pourmohamed, Mohammad Hossein, Rahmanzadeh, Seyed Ali, Kaousi, Ismail (2018). The role of national media in the development of the creative city, *Iranian Social Development Studies*, 11(2), 157-166. (In Persian)
- Robertson, Roland (1380). *Globalization: Social theories and global culture*, translated by Kamal Poladi, Tehran: third edition. (In Persian)
- Turabi, Yusuf; Esmaili, Hossein & Bahrami, Siavash (2019). National media and management of dealing with cultural and social threats, *Scientific Quarterly Journal of Social Security Studies*, 11(63), 122-97. (In Persian)
- Tusli, Gholamabas (2013). comprehensiveness of the concept of development, collection of articles of sociology and development seminar, second volume, Tehran, organization for the study and compilation of humanities textbooks of universities ("Samet"). (In Persian)
- Wathouq, Mansour; Aram, Hashem & Salmani, Goudrez (2013) Investigating the structural barriers in the direction of the formation and promotion of cultural development in Iran; challenges and solutions, *Journal of Social Development Studies of Iran*, 4(3), 82-96. (In Persian)
- Wiener, Mayro (2008). political participation, crisis of the political process, translated by Gholamreza Khawaje Sarvi, Tehran: Strategic Studies Research Center Publications. (In Persian)

سنجش تأثیر رابطه رفتارهای غیراخلاقی بر کاهش اعتماد اجتماعی شهروندان به حکمرانی خوب؛

مطالعه موردی: کلان شهر مشهد

تکتم نبی زاده

دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
nabizadeht@yahoo.com

محمد توحیدفام

دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران. tohidfam_m@yahoo.com

علی اصغر داوودی

گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، مشهد، ایران. ndavoudi@gmail.com

سوسن صفاوردی

دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران. soo.safaverdi@iauctb.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر آزمون نظریه حکمرانی خوب و اعتماد عمومی شهروندان به سازمان‌های دولتی و خدمات عمومی با نقش تعدیل‌گری رفتارهای غیراخلاقی است. روش پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی؛ از نظر ماهیت، علی و برحسب نحوه گردآوری داده‌ها در دسته پژوهش‌های توصیفی قرار دارد و از نظر نحوه تحلیل داده‌ها از نوع پژوهش‌های همبستگی و مبتنی بر مدل‌سازی معادلات ساختاری می‌باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه شهروندان بالای ۲۰ سال شهر مشهد می‌باشد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها با توجه به پیمایشی بودن پژوهش، پرسشنامه بود که شامل ۴۸ گویه و ۴ پرسش جمعیت‌شناختی بود و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای SPSS و Smart-PLS استفاده شده است. با عنایت به سؤال اصلی پژوهش، نتایج حاصل از فرضیه‌ها نشان می‌دهد که حکمرانی خوب بر (داوردی و رضازاده، ۱۳۹۲) اعتماد اجتماعی شهروندان تأثیر مستقیم و مثبت دارد لیکن رفتارهای غیراخلاقی بر اعتماد عمومی شهروندان تأثیر مستقیم و منفی داشته و به همین دلیل نیز به‌عنوان یک متغیر تعدیل‌گر بیش از نیمی از رابطه میان حکمرانی خوب و اعتماد اجتماعی را به خود اختصاص داده و سبب کاهش شدت همبستگی میان حکمرانی خوب و اعتماد اجتماعی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: حکمرانی خوب، اعتماد اجتماعی، رفتارهای غیراخلاقی، سازمان‌های عمومی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۲ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۱/۰۸/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۰۱

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال ۱۲، شماره ۲، پیاپی ۴۷، تابستان ۱۴۰۲، صص ۷۱۵-۷۴۴

مقدمه و بیان مسئله

اعتماد عمومی شهروندان یکی از ارزشمندترین سرمایه‌های اجتماعی در جوامع امروزی است که مخدوش شدن آن هزینه بسیار سنگینی بر نظام سیاسی تحمیل می‌کند. دولت‌ها می‌کوشند اعتماد عمومی شهروندان را به خود جلب کنند؛ بی‌اعتمادی شهروندان به سازمان‌های دولتی، به حضور نیافتن آنها در صحنه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی منجر خواهد شد (Ruscio, 1996). به نقل از: مولوی و دیگران، ۱۳۹۶، ص. ۵۷۲). به عبارتی دیگر اعتماد اجتماعی یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی و زمینه‌ساز مشارکت و همکاری میان اعضای جامعه می‌باشد. اعتماد مبادلات را در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سرعت می‌بخشد. اعتماد عمومی، بنیان بسیاری از تعاملات و کنش‌های روزمره در جوامع انسانی، چه در ارتباط میان فردی و چه در ارتباطات اجتماعی بین گروه‌هاست (Master & Resnik, 2013, p. 324). از طرف دیگر اعتماد به‌عنوان پایه و اساس تعاملات و روابط اجتماعی خاصه در روابط بین مردم و حکومت اهمیت بسیاری دارد (جهانگیری و ابوترابی زارچی، ۱۳۹۱، ص. ۵).

وقتی سخن از اعتماد عمومی به میان می‌آید یعنی عامه مردم انتظار دارند مقامات و کارکنان سازمان‌های دولتی با اقدام‌های خود در تعامل با عامه که در این تعامل، نوعی عدم اطمینان و عدم شناخت از نحوه انجام امور در سازمان‌های دولتی وجود دارد، به انتظارات آنها پاسخ دهند (الوانی و دانایی‌فرد، ۱۳۸۰، ص. ۹). به عبارت دیگر، اعتماد عمومی به‌معنای انتظار عموم از دریافت پاسخ مثبت به خواسته‌هایشان از طرف متولیان امور عمومی می‌باشد (Waheduzzaman, 2018). به نظر رابرت بهن^۱ (۱۹۹۵) اعتماد یکی از سه مسئله بزرگی است که اندیشمندان و صاحب‌نظران علوم اجتماعی و سیاسی همواره با آن مواجه بوده‌اند. فقدان این عنصر به محدود شدن انعطاف و آزادی عمل منجر می‌شود. اعتماد نقش روابط غیررسمی را ایفا می‌کند و به عدم وابستگی به مقررات و رویه‌های رسمی و قانونی می‌انجامد. به نظر می‌رسد در اکثر جوامع به دلیل وجود مجموعه‌ای از عوامل مانند از خودبیگانگی، فقدان سرمایه اجتماعی، وجود رسانه‌های انتقادی و به‌ویژه عدم پاسخگویی نهادهای

1. Robert Behen



دولتی، اعتماد مردم به دولت و سازمان‌های دولتی کاهش یافته است. این مسئله در صورت بی‌توجهی در بلندمدت آسیب‌های فراوانی را در پی خواهد داشت (زاهدی و دیگران، ۱۳۹۰، ص. ۷۰).

به‌طور خلاصه اعتماد اجتماعی به‌عنوان بخشی از واکنش فرد در قبال دیگران و بخشی از برهم‌کنش بین کارگزاران اجتماعی است که بر اساس آن، یک کنش‌گر در رابطه با دیگر گروه‌ها و کارگزاران، رفتار آنها را قبل از وقوع، پیش‌بینی و فعالیت خود را بر اساس آن طراحی می‌کند. بررسی متون نظری موجود در زمینه اعتماد و اعتماد اجتماعی، نشان‌دهنده نبود تعریفی جامع از معنای این واژه است (زاهدی و دیگران، ۱۳۹۰، ص. ۷۰).

مؤلفه‌های زیادی وجود دارد که اعتماد اجتماعی شهروندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ حکمرانی خوب یکی از این مؤلفه‌هاست. مهم‌ترین مؤلفه برای تقویت اعتماد اجتماعی، حکمرانی خوب به‌شمار می‌آید. از سویی، یکی از پیشایندهای اعتماد اجتماعی حکمرانی خوب یا به‌عبارتی، بهره‌گیری از قدرت سیاسی، اعمال کنترل بر جامعه و مدیریت منابع برای توسعه اجتماعی و اقتصادی، یا مدیریت کارآمد عمومی از راه برپاکردن یک حکومت با قواعد و قوانین مشروع و قانونی در راستای پیشبرد ارزش‌های اجتماعی فرد و گروه‌ها است (سردارنیا و دیگران، ۱۳۸۸، ص. ۱۳۳).

کمیسیون مستقل حکمرانی خوب در خدمات دولتی (لندن) در سال ۲۰۰۳ شاخص‌ها و استانداردهای حکمرانی خوب را طی بیانیه‌ای منتشر کرد که جهت سنجش حکمرانی خوب در سازمان‌ها از مؤلفه‌های نتیجه‌گرایی، اثربخشی نقش‌ها و وظایف، ارتقای ارزش‌ها، شفاف‌سازی و پاسخگویی استفاده کرده است (Sapru, 2014). پاسخگویی، الزام به اینکه مقامات بر اساس قدرت و وظایف‌شان به ذی‌نفعان جواب دهند، بر مبنای انتقادات عمل کنند. پاسخگویی دارای دو بعد می‌باشد: جوابگویی و قابلیت مجازات که به آن قابلیت کنترل هم گفته می‌شود. شفافیت به معنای وجود اطلاعات قوی و در دسترس برای بازیگران داخل و خارج از عملیات دولت می‌باشد که این اطلاعات در ارزیابی عملکرد مؤسسه‌ها تأثیرگذار است (Mibagheri, 2013). اثربخشی نقش‌ها و وظایف به معنای استفاده درست از منابع موجود برای تأمین نیازهای شهروندان، ارائه خدمات شهری و رضایت مردم می‌باشد. ارتقای ارزش‌ها، نشانه حکمرانی خوب در توسعه ارزش‌های مشترک، خط‌مشی‌ها و زیرساخت‌های رفتاری است که از کارگزاران به کارکنان و اعضای سازمان انتقال داده می‌شود. نتیجه‌گرایی، نشانه یک هدف روشن حکمرانی خوب است (Negobo &

Others, 2015 به نقل از: احمدی، ۱۴۰۰، صص. ۳-۴).

باتوجه به نوشته‌های ماکس وبر، مقامات سازمان‌های دولتی مالک مقام‌های سازمانی خود نیستند؛ مالکیت این مقام‌ها متعلق به مردم است (علیزاده فرمی، ۱۳۹۸، ص. ۵). در موقعیت‌هایی، قدرتی که مردم در اختیار مقامات منتخب خویش قرار داده‌اند، مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد. منابع دولتی گاهی برای تأمین منافع شخصی مقامات به کار می‌رود (Zhang, 2005). تصمیم‌های غیراخلاقی و گاهی اوقات غیرقانونی مقامات دولتی را می‌توان سوءاستفاده از اعتماد عمومی تلقی کرد (جابرانصاری و دیگران، ۱۳۹۵، صص. ۱۲۱-۱۲۲). اقدامات غیراخلاقی شامل فساد و خیانت می‌باشد. فساد مفهومی بسیار وسیع است که پیامدهای اقتصادی زیادی دارد، چون فساد مانع رشد اقتصادی می‌گردد. فساد سرمایه‌گذاری را از داخل کشور و همچنین خارج از کشور کاهش می‌دهد. فساد رفتار غیراخلاقی است که حقیقت را نقض می‌کند. والدمن (۱۹۷۴) فساد را این‌گونه تعریف می‌کند که یک مقام رسمی از صلاحیت، موقعیت یا قدرت خود سوءاستفاده می‌کند و در نتیجه برخی از قوانین موجود در کشور خود را نقض می‌کند. عمل فاسد معمولاً به صورت مخفی انجام می‌شود و برای کسب ثروت شخصی از ثروت یا وضعیت یا در انتخاب خانواده، دوستان، گروه‌های قومی یا مذهبی است (بشیری و دیگران، ۱۳۹۹). با وجود رابطه قوی بین حکمرانی خوب و اعتماد شهروندان، می‌تواند براحتی با پیدایش فساد در معرض نابودی قرار گیرد. فساد نه تنها اعتماد اجتماعی را خاموش می‌کند، بلکه توسعه ملی، سیاسی و اقتصادی را محدود می‌کند. با کاهش سطح اعتماد در میان مردم، سرمایه‌گذاری، اطاعت از قوانین و مقررات کاهش، و هزینه‌های معامله افزایش یافته و مانع کسب‌وکار و فعالیت‌های اقتصادی می‌گردد (Yousaf & et al., 2015) به نقل از: علیزاده فرمی، ۱۳۹۸، صص. ۵-۶).

با توجه به تمهیدات فوق، نسبت سازه حکمرانی خوب با سازه اعتماد اجتماعی شهروندان نسبت به سازمان‌های عمومی کلان‌شهر مشهد سؤال اصلی این پژوهش می‌باشد و آیا اینکه سازه رفتارهای غیراخلاقی در این رابطه می‌تواند نقش میانجی داشته باشد، نیز یکی از مهم‌ترین سؤال‌های این پژوهش می‌باشد.

۱. اهداف و پرسش‌های پژوهش

هدف اصلی این پژوهش سنجش تأثیر رابطه رفتارهای غیراخلاقی بر کاهش اعتماد اجتماعی شهروندان به حکمرانی خوب در کلان‌شهر مشهد می‌باشد. همچنین

سنجش حکمرانی خوب و رابطه آن با اعتماد اجتماعی شهروندان، رابطه حکمرانی خوب با رفتارهای غیراخلاقی، سنجش رفتارهای غیراخلاقی و رابطه آن با اعتماد اجتماعی شهروندان و در نهایت سنجش نقش میانجیگری رفتارهای غیراخلاقی و چگونگی رابطه آن با حکمرانی خوب و اعتماد اجتماعی شهروندان از دیگر اهداف فرعی این پژوهش می‌باشد.

بر اساس اهداف فوق و با توجه به تأملات پژوهشی مطرح شده در مقدمه، پرسش اصلی پژوهش حاضر بدین نحو قابل صورت‌بندی است: آیا حکمرانی خوب بر اعتماد شهروندان با توجه به نقش تعدیل‌گری رفتارهای غیراخلاقی تأثیر معناداری دارد؟ بر اساس پرسش فوق، پرسش‌های فرعی بدین ترتیب است:

- ۱- آیا حکمرانی خوب بر اعتماد شهروندان تأثیر معناداری دارد؟
- ۲- آیا رفتارهای غیراخلاقی بر اعتماد شهروندان تأثیر معناداری دارد؟
- ۳- آیا حکمرانی خوب با مداخله رفتارهای غیراخلاقی بر اعتماد شهروندان تأثیر معناداری دارد؟

۲. فرضیه‌های پژوهش

با توجه به پرسش نظری مطرح شده در مباحث پیشین و مبانی نظری که در این زمینه بیان شد می‌توان فرضیه‌های زیر را مطرح کرد:

- ۱- حکمرانی خوب بر اعتماد شهروندان تأثیر مثبت و معناداری دارد.
- ۲- رفتارهای غیراخلاقی بر اعتماد شهروندان تأثیر منفی و معناداری دارد.
- ۳- تأثیر حکمرانی خوب بر اعتماد شهروندان با مداخله رفتارهای غیراخلاقی مثبت و معناداری است.

۳. پیشینه پژوهش

مبحث حکمرانی خوب اگرچه در دهه‌های اخیر مطرح شده است، اما مورد توجه بسیاری از پژوهشگران و صاحب‌نظران حوزه علوم نظری می‌باشد؛ با این حال جنبه‌های مختلفی از آن هنوز هم مغفول واقع شده است. از میان پژوهش‌های انجام شده داخلی و خارجی به بیان چند مورد که مرتبط به این پژوهش است، بسنده می‌کنیم.

امیرعبداله‌یان و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر اعتماد شهروندان نسبت به دولت» به بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر اعتماد مردم نسبت به ادارات برق استان سمنان پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که

تأثیر حکمرانی خوب و ابعاد آن بر متغیر اعتماد مورد تأیید است. سردارنیا و همکاران (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی بر اعتماد سیاسی؛ مطالعه موردی: شهرهای مشهد و سبزوار» و با سنجش ۲۱ نهاد دولتی به این نتیجه رسیدند که قدرت تبیین متغیرهای مربوط به حکمرانی خوب به‌منظور تبیین اعتماد سیاسی در جامعه مورد مطالعه بالاتر است. مولوی و همکاران (۱۳۹۶) پژوهشی تحت عنوان «ارتقای اعتماد عمومی شهروندان: بررسی نقش حکمرانی خوب و خدمات دولت الکترونیکی» انجام دادند. نتایج پژوهش نشان داد که از بُعد ذهنی تمایل شهروندان به مشارکت در مدیریت شهری بالاست و بستری بسیار مناسبی برای مشارکت در شهر مورد مطالعه وجود دارد. سلطانی و چارکی (۱۳۹۶) پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر اعتماد شهروندان به سازمان‌های خدمات محور» در شهر بوشهر انجام داده و به این نتیجه رسیدند که از میان عوامل تأثیرگذار بر متغیرهای اعتماد شونده، متغیر پاسخگویی، وجدان کاری، رفتار احترام‌آمیز و برخورد منصفانه و از میان عوامل تأثیرگذار بر متغیرهای اعتماد کننده، تجربه مراجعه به شهرداری، تحصیلات و روحیه همکاری از مهم‌ترین عوامل تغییر مثبت و ارتقای سطح اعتماد شهروندان به شهرداری بندر بوشهر است. احمدی (۱۴۰۰) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی نظریه حکمرانی خوب بر پایه اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی» به این نتیجه می‌رسد که بین پنج مؤلفه نتیجه‌گرایی، اثربخشی نقش‌ها و وظایف، ارتقای ارزش‌ها، شفاف‌سازی و پاسخگویی در مبحث حکمرانی خوب تفاوت معناداری وجود دارد. امان‌پور و لطیفی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «اثرات حکمرانی خوب شهری و اعتماد اجتماعی در بهبود کیفیت بافت‌های فرسوده شهری؛ مطالعه موردی: منطقه ۱۵ کلان‌شهر تهران» به تبیین رابطه بین شش بُعد شفافیت، مشارکت، قانون‌مندی، پاسخگویی، کارایی و عدالت پرداخته که بُعد عدالت با ضریب معناداری ۰/۹۹ و ضریب بتای ۰/۳۳۴ دارای بیشترین سهم و تأثیرگذاری بر روی کیفیت بافت‌های فرسوده شهری می‌باشد. حرمت و اسماعیل (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «تأثیر پاسخگویی بر اعتماد عمومی و اعتماد سیاسی؛ مورد مطالعه: سازمان‌های دولتی ایران» انجام دادند. یافته‌های نهایی پژوهش از وجود رابطه معنادار میان یک مدل سه‌وجهی ادراک عمومی از سطح پاسخگویی سازمان‌های دولتی، سطح اعتماد عمومی به سازمان‌های دولتی و سطح اعتماد سیاسی به دولت حکایت دارد. شرعی (۱۳۹۵) در اثری با نام «بررسی رابطه بین حکمرانی خوب و رضایت‌مندی ارباب‌رجوع دستگاه‌های دولتی استان خراسان

جنوبی» به این نتیجه می‌رسد که در کل بین حکمرانی خوب و رضایت‌مندی ارباب رجوع رابطه معناداری وجود ندارد. یگانگی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «اولویت‌بندی شاخص‌های حکمرانی خوب در سازمان‌های کارا» انجام دادند که نتایج مطالعه حاکی از آن است که از میان شش شاخص مطرح شده حکمرانی خوب به ترتیب: پاسخگویی، قانون‌گرایی و ارزش‌گرایی در اولویت‌های اول تا سوم قرار می‌گیرند. زیاری و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی تحت عنوان «سنجش میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری بر اساس الگوی حکمرانی خوب شهری؛ مطالعه موردی: شهر یاسوج» به این نتیجه رسیدند که از بُعد ذهنی تمایل شهروندان به مشارکت در مدیریت شهری بالاست و بستر مناسبی برای مشارکت در شهر مورد مطالعه وجود دارد؛ اما در بُعد عینی مشارکت شهروندان از سطح حداقلی پیروی می‌کند. جابرانصاری و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «عوامل زمینه‌ای مؤثر بر اعتماد عمومی به سازمان‌های دولتی» انجام دادند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که عواملی نظیر: اعتماد به دولت، اوضاع اقتصادی، رسانه‌ها، صنعتی شدن، جرم و جنایت، مدیریت دولتی نوین اگر چه در اختیار سازمان‌های دولتی نیستند؛ اما بستر اعتماد عمومی به سازمان‌های دولتی را شکل می‌دهند. در این پژوهش درعین حال از مکتوب علیزاده فرمی (۱۳۹۸) با عنوان «بررسی رابطه بین حکمرانی خوب و اعتماد شهروندان استان گیلان» بهره گرفته شده است؛ زیرا وی تلاش کرده تا رابطه بین متغیر اعتماد و حکمرانی خوب را مورد سنجش قرار دهد.

یوسف و همکاران^۱ (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر اعتماد شهروندان پاکستانی» نتایج رابطه بین حکومت‌داری خوب و اعتماد شهروندان در جامعه را به‌درستی نشان داده‌اند. اسپیتری و بریگو گلیو^۲ (۲۰۱۸) در پژوهشی تحت عنوان «آیا حکمرانی خوب بر ارتقای اعتماد نسبت به دولت تأثیرگذاری دارد؛ یک تحلیل تجربی» نشان دادند که صدا و پاسخگویی که شامل آزادی بیان و دخالت شهروندان در روند مردم‌سالارانه است، به‌طور قابل توجهی بر اعتماد نسبت به دولت تأثیرگذار هستند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که رشد تولید ناخالص ملی بر اعتماد به دولت ارتباط مثبت قابل توجهی دارد. الزهرانی^۳ (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر بر اعتماد شهروندان به تصویب دولت الکترونیکی»

1. yousaf & et al.

2. spiteri & briguglio

3. alzahrani

سعی می‌کند تا نشان دهد که عوامل فنی، ریسک و آژانس‌های دولتی تأثیر مثبتی بر اعتماد شهروندان نسبت به دولت الکترونیک دارد. صبری^۱ (۲۰۱۶) در مقاله‌ای با عنوان «حکمرانی خوب، مؤسسات و عملکرد عمومی مشارکت خصوصی» نشان می‌دهد که نهادهای حکومت‌داری خوب و به‌طور خاص کیفیت تنظیمات خوب، کارایی اداری و استقلال اثر مثبت واضحی بر رشد سرمایه‌گذاری دارد. خالید و همکاران^۲ (۲۰۱۶) در پژوهشی تحت عنوان «ارزیابی تجربی حکمرانی خوب در بخش دولتی مالزی» به این نتیجه رسیدند که تعداد کمی از مردم در بخش دولتی مالزی رفتارهای غیراخلاقی می‌کنند. همچنین در میان گروه‌های خدماتی، گروه مهندسی مدیریت عالی در بالاترین سطوح مدیریت می‌باشد، درحالی‌که گروه خدمات بهداشتی در سطح پایین مدیریت حکمرانی خوب را انجام می‌دهد.

مهم‌ترین وجه تمایز این پژوهش با آثار قبلی، ایضاً این موضوع است که اولاً، هیچ‌یک از این آثار تاکنون از دستگاه مفهومی و سه‌وجهی «حکمرانی خوب، اعتماد اجتماعی و رفتارهای غیراخلاقی» بهره نبرده‌اند. به‌عبارتی دیگر مطالعات در حوزه حکمرانی خوب، رفتارهای غیراخلاقی و اعتماد عمومی در قالب یک مدل در ایران انجام نگرفته است. ثانیاً، پرداختن به این موضوع با توجه به آمارها و روش‌های جدید از ابداعات این پژوهش می‌باشد.

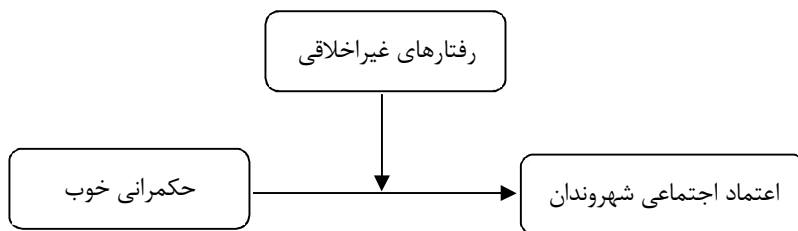
در پژوهش، مدل مفهومی کاربردهای گوناگونی در متن و زمینه خلق معرفت جدید و درک زندگی اجتماعی دارد. استفاده از مدل در یک تحقیق موجب غنا و مشروعیت بخشیدن به پژوهش می‌شود (بلیکی، ۱۳۹۵، ص. ۲۱۵). مدل‌ها چهارچوبی مفهومی یا نظری فراهم می‌آورند و می‌توانند نمایانگر سازوکار یا ساختار تبیینی فرضیه‌واری باشند که شاید با استفاده از تشبیه و تمثیل به‌دست آیند، یا می‌توانند روشی برای سازماندهی نتایج پژوهش و ارائه آنها باشند (بلیکی، ۱۳۹۵، ص. ۲۱۶)؛ بنابراین کار پژوهشی با یک مدل از جهان اجتماعی و سیاسی یا حوزه مطالعاتی آغاز می‌شود و بازمودی است از طرز تفکر فرد درباره ساختار و عملکرد جهان واقعی. به‌طور خلاصه مدل مفهومی یا الگوی نظری حاوی سازه‌های مفهومی و ایده‌های تبیینی است که پشتوانه‌ای برای برساختن و آزمون فرضیه‌ها فراهم می‌کند. مدل مفهومی این پژوهش برساخته مدل تحقیق یوسف و همکاران^۳ (۲۰۱۵)

1. sobry

2. khalid & et al.

3. yousef & et al.

می‌باشد؛ که در این مدل اعتماد اجتماعی شهروندان به‌عنوان متغیر وابسته و رفتارهای غیراخلاقی به‌عنوان متغیر میانجی و درنهایت حکمرانی خوب به‌عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است؛ بنابراین در این پژوهش، با استفاده از این مدل به بررسی رابطه بین حکمرانی خوب و اعتماد اجتماعی شهروندان به سازمان‌ها و خدمات عمومی کلان‌شهر مشهد با نقش میانجی رفتارهای غیراخلاقی پرداخته می‌شود. مدل مفهومی پژوهش حاضر و روابط متقابل فی‌مابین سازه‌های نظری در شکل زیر (شکل ۱) نشان داده شده است.



شکل (۱): مدل مفهومی پژوهش

۴. چهارچوب مفهومی

۴-۱. مبانی نظری

پیکره نظری این پژوهش بر مبنای نظری حکمرانی خوب^۱ استوار شده است. حکمرانی خوب به‌عنوان الگویی نوین در توسعه، توسط بانک جهانی و برنامه توسعه سازمان ملل در سال ۱۹۸۹ مطرح شد. این سازمان، حکمرانی خوب را به‌عنوان ارائه امور عمومی کارآمد، نظام قضائی قابل اعتماد و بوروکراسی پاسخگو تعریف کرده که به موجب آن، دستیابی به توسعه پایدار در گرو همکاری همه ارکان جامعه خواهد بود و حکمرانی خوب در پیاده‌سازی آن مهم خواهد بود (Kaufmann & et al., 2010, p. 29). الگوی حکمرانی خوب می‌تواند نظریه‌ای نوین در پاسخگویی به انتظارات و مسئولیت‌های جدید باشد. الگویی که می‌تواند راه برون‌رفت از وضعیت فعلی و روشی برای عرضه خدمات عمومی باشد (Grindle, 2012, p. 2). حکمرانی خوب را می‌توان مفهوم جدیدی دانست که از پیوند میان سیاست و اداره کردن جامعه به‌وجود آمده است و هدف آن افزایش کارآمدی یک نظام سیاسی برای اداره

1. Good Governance

بهرتر جامعه است (دقتی و دیگران، ۱۳۹۹، ص. ۴). الگوی حکمرانی خوب از دو نظریه سیاسی نشئت گرفته است: یکی دیدگاه نئولیبرالیسم که به معنای حداقل دخالت دولت و حداکثر دخالت سازمان بازار می‌باشد؛ و دیگری، دیدگاه سوسیال دموکراسی که به دنبال شناخت و بهره‌گیری از کارایی بازار در شرایطی است که بر استانداردهای عدالت اجتماعی و بر بهبود اقتصادی درازمدت استوار می‌باشد (عبداللهی، ۱۳۹۰، صص. ۳۴-۳۶).

پس از اینکه دولت‌ها به‌خصوص در اواخر قرن بیستم و آغاز قرن بیست‌ویکم با چالش‌های جدیدی روبرو شدند، الگوی حکمرانی خوب به‌مثابه راهکاری جدید جهت خروج از این چالش‌ها ارائه شد. از لحاظ تاریخی مفهوم حکمرانی، مفهوم تازه‌ای نیست و قدمت آن به قدمت تاریخ تمدن بشر بازمی‌گردد و بسته به سطح آن (ملی، منطقه‌ای و محلی) مجموعه‌ای از بازیگران رسمی و غیررسمی را دربرمی‌گیرد که بر جریان تصمیم‌گیری تأثیرگذارند. حکمرانی را می‌توان «نفوذ هدایت‌شده در فرایندهای اجتماعی» (صحرائی و محمودی‌نیا، ۱۳۹۷، ص. ۲۰۸) تعریف کرد که سازوکارهای مختلفی در آن درگیر هستند؛ برخی از این سازوکارها بسیار پیچیده‌اند و فقط از بازیگران بخش دولتی سرچشمه نمی‌گیرند. این نکته قابل ذکر است که تمام تعاریف حکمرانی بیانگر مفهوم وسیع‌تری از حکومت هستند؛ کاربرد جدید این واژه فقط بازیگران و نهادهای دولت را شامل نمی‌شود، بلکه سه نهاد حکومت، جامعه مدنی و بخش خصوصی را هم دربرمی‌گیرد (صحرائی و محمودی‌نیا، ۱۳۹۷، ص. ۲۰۸).

حکمرانی خوب به‌عنوان الگویی جدید در توسعه پایدار انسانی با سازوکاری تعاملی در سه بخش: دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی به‌شمار می‌رود. از آنجاکه هر یک از این سه حوزه ضعف‌ها و قوت‌هایی دارند حکمرانی خوب را به‌ویژه در ارتباط با الزام توسعه پایدار به منزله وجود یک ارتباط سازنده میان این سه حوزه می‌دانند (Hunther & Shah, 2006). دولت محیط سیاسی و حقوقی مناسب به‌وجود می‌آورد، بخش خصوصی اشتغال و درآمد ایجاد می‌کند و جامعه مدنی هم تعامل سیاسی و اجتماعی گروه‌های فعال را برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تسهیل می‌نماید. وظیفه حکمرانی خوب نیز فراهم کردن زمینه همکاری و هماهنگی هرچه بیشتر این سه بخش با یکدیگر است. در چنین اوضاعی، روابط هم‌افزا بین بازیگران و همکاری و همراهی آنان با یکدیگر ضامن حکمرانی خوب در کشور و جامعه سیاسی به‌شمار می‌رود. این روابط بهینه می‌تواند در شکل سرمایه اجتماعی یک جامعه تعریف گردد که به این سبب کشورها بتوانند از همه



توانمندی‌های خود در توسعه همه‌جانبه استفاده نمایند و جامعه مدنی استحکام یافته به همراه دولتی مدرن، قوی و توسعه‌خواه، می‌تواند بسترهای شکل‌گیری یک حکمرانی خوب و در نتیجه توسعه همه‌جانبه را با حداقل زمان و آسیب ممکن جلو ببرد (Huang & Ho, 2017, pp. 272-260)؛ بنابراین، حکمرانی خوب یکی از موضوعات جدیدی است که با هدف توسعه یافتن در جامعه، مسیری در جهت بهبودیافتگی و توسعه دنبال و به کار گرفته می‌شود. با به‌کارگیری حکمرانی خوب می‌توان زمینه‌های لازم را برای پویایی جامعه و حرکت آن، در جهت توسعه کشور فراهم کرد. دولت به‌عنوان یکی از منابع سرمایه اجتماعی در شکل‌گیری اعتماد اجتماعی در کشور دارای نقش کلیدی می‌باشد و در نهایت از وجود چنین سرمایه‌ای در جامعه منتفع می‌شود (Morrissey, 2016, pp. 437-445).

حکمرانی خوب به‌عنوان یک مسئله توسعه، به‌طور گسترده برای بهبود نتایج اجتماعی، اقتصادی و اثربخشی به‌عنوان ابزاری مؤثر برای غلبه بر چالش‌های چندبعدی در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه دنیا وجود دارد. در واقع، مفهوم حکمرانی خوب بُعد کیفی حاکمیت است که نشان‌دهنده شکل‌گیری مؤثر، کارآمد، مشارکتی یا مردم‌سالارانه دولت است که وظیفه مدیریت شفاف و مسئولانه منابع انسانی، طبیعی، اقتصادی و مالی برای توسعه عادلانه و پایدار را برعهده دارد (Rahman, 2016, p. 40). حکمرانی خوب با مباحثی همچون: کاهش مداخله دولت در تصمیمات اقتصادی، کوچک‌سازی بخش عمومی و شفافیت و کارآمدی دیوان دولتی، بازار آزاد و حذف یارانه‌های غیرضروری و تغییر این فرایند با اقتصاد جهانی مرتبط شده است (Najem, 2003, p. 1).

محاسبه کیفیت حکمرانی خوب نیازمند شاخص‌ها و معیارهای کمی مناسبی است که بتوان با استفاده از آنها نحوه اثرگذاری مؤلفه‌های حکمرانی خوب را بر اعتماد شهروندان بررسی کرد. در پاسخ به این نیاز سازمان‌های متعدد بین‌المللی با برشمردن ویژگی‌های متنوع برای کیفیت حکمرانی به تهیه شاخص‌هایی اقدام کرده‌اند (ر.ک: World Bank, 2019؛ صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۱۹؛ Unecscap 2009؛ کمیسیون اقتصادی اتحادیه اروپا^۱، ۲۰۰۷). بانک جهانی حکمرانی را به‌عنوان سنت و نهادهایی تعریف می‌کند که با آنها قدرت به‌منظور مصلحت عمومی در یک کشور اعمال می‌شود و مشتمل بر سه مؤلفه می‌باشد:

1. <https://datacatalog.worldbank.org/dataset/world-wide-governance-indicators>

۱- فرایندی که صاحبان قدرت از طریق آن انتخاب می‌شوند، بر آنها نظارت می‌شود و سرانجام تعویض می‌شوند. دو شاخص «حق اظهارنظر» و «پاسخگویی» و همین‌طور «ثبات سیاسی» ذیل این مؤلفه قرار می‌گیرند.

۲- مؤلفه دوم ظرفیت و توانایی دولت برای اداره کارآمد منابع و اجرای سیاست‌های درست است و دو شاخص «اثربخشی دولت» و «کیفیت قوانین و مقررات» را دربرمی‌گیرد.

۳- احترام شهروندان و دولت به نهادهایی که تعاملات اجتماعی و اقتصادی میان آنها را اداره می‌کنند، مؤلفه دیگری است که شاخص «حاکمیت قانون» و «مهار فساد» در آن جای می‌گیرد (صحرائی و محمودی‌نیا، ۱۳۹۷، ص. ۲۱۰).

بنابراین یک مبنای اساسی برای تعیین ویژگی‌های حکمرانی خوب شاخص‌های هشت‌گانه‌ای است که در برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP) و بانک جهانی مطرح شده است. این شاخص‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: ۱- مشارکت، ۲- حاکمیت قانون، ۳- شفافیت، ۴- مسئولیت‌پذیری، ۵- اجماع‌سازی، ۶- عدالت و انصاف، ۷- کارایی و اثربخشی، ۸- پاسخگویی (World Bank, 2019).^۱

از نظر کمیسیون اقتصادی و اجتماعی ملل متحد برای آسیا و اقیانوسیه، شاخص‌های حکمرانی خوب عبارت‌اند از: مشارکت، پاسخگویی، شفافیت، انعطاف‌پذیری، اثربخشی، حاکمیت قانون و کنترل فساد (Unecscap, 2009). سازمان ملل، شاخص‌ها را پاسخگویی، اجماع‌محوری، قانون‌مداری، کارایی و اثربخشی، عدالت و برابری، مسئولیت‌پذیری و شفافیت دانسته است و پنج اصل حکمرانی خوب از نظر برنامه توسعه سازمان ملل عبارت‌اند از: مشروعیت و صدای مردم، رهبری، عملکرد، پاسخگویی و عدالت و انصاف (Graham & Others, 2010, pp. 6-10). مشارکت، انطباق با قانون، شفافیت، پاسخگویی، انصاف و کارایی عنوان می‌کند (کمیسیون اقتصادی اروپا، ۲۰۰۷، ص. ۱۳). همان‌طور که اشاره شد به لحاظ نظری محاسبه کیفیت حکمرانی نیازمند شاخص‌ها و معیارهای کمی مناسبی است که بتوان با استفاده از آنها نحوه اثرگذاری مؤلفه‌های حکمرانی خوب را بر اعتماد اجتماعی شهروندان (با نقش متغیر تعدیل‌گر رفتارهای غیراخلاقی) بررسی کرد. در این پژوهش با جمع‌بندی تمامی تعریف و شاخص‌بندی‌های فوق، ساده بودن

1. <https://worldbank.org/dataset/world-wide-governance-indicators>

2. https://ec.europa.eu/economy_finance/publications/european_economy/2007/index_en.htm

مدیریت، شفافیت، پاسخگویی، اجرای قانون و مسئولیت‌پذیری شاخص‌هایی هستند که برای سنجش سازه حکمرانی خوب مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

۲-۴. تعریف عملیاتی سازه‌های مفهومی

۲-۴-۱. اعتماد اجتماعی

روتر (۲۰۰۷) اعتماد اجتماعی را به‌عنوان انتظارات کلی که می‌توانیم به گفتار، وعده‌و وعیدها، عبارت‌های شفاهی و کتبی دیگران تکیه کنیم، تعریف می‌نماید (سلطانی و چارکی، ۱۳۹۶، ص. ۱۶). لوهمن اعتماد را مترادف با «انتظارات یا باورهایی که افراد دوست دارند به دیگران به طریقی قابل پیش‌بینی و نه صرفاً در راستای منفعت شخصی خود نشان دهند» (زاهدی و دیگران، ۱۳۹۰، ص. ۷۱) معرفی می‌نماید. در این پژوهش اعتماد اجتماعی شهروندان از طریق سنجه‌هایی مانند کیفیت خدمات عمومی، پارتنری، وعده‌های سیاست‌مداران سنجیده شده است (Yousaf & et al., 2015).

۲-۴-۲. حکمرانی خوب

حکمرانی خوب، واژه‌ای است که حاکی از تغییر پارادایم نقش دولت و حکومت‌هاست. حکمرانی فقط درباره دستگاه‌ها یا بازیگران دولتی نیست، بلکه از آن مهم‌تر درباره کیفیت حکمرانی است که توسط شاخص‌ها، سنجه‌ها و ابعادی تشریح می‌شود. به‌عبارتی حکمرانی خوب را مدیریت اثربخش منابع اقتصادی و اجتماعی یک کشور می‌دانند، به‌طوری که چنین مدیریتی شفاف، پاسخگو، عدالت‌جو و باز باشد (Grindle, 2012, p. 30). در این پژوهش حکمرانی خوب از طریق سنجه‌هایی همچون ساده بودن مدیریت، شفافیت، پاسخگویی، اجرای قانون و مسئولیت‌پذیری سنجیده شده است (Yousaf & et al., 2015) به نقل از: علیزاده فرمی، ۱۳۹۸، ص. ۱۰).

۲-۴-۳. رفتارهای غیراخلاقی

به معنای هر اقدامی است که اخلاقی نباشد. در این مطالعه رفتارهای غیراخلاقی شامل دو مؤلفه مهم فساد و خیانت است. فساد رفتار نادرستی است که حقیقت را نقض می‌کند. فساد معمولاً به‌صورت مخفی انجام می‌شود که برای هدف شخصی مانند به‌دست‌آوردن ثروت یا موقعیت یا انتخاب خانواده، دوستان، گروه‌های قومی یا مذهبی است. در این پژوهش رفتارهای غیراخلاقی از طریق سنجه‌هایی مانند فساد و

بی‌نظمی سنجیده شده است (Yousaf & et al., 2015) به نقل از: علیزاده فرمی، ۱۳۹۸، ص. ۱۱).

۵. روش پژوهش

الف) روش پژوهش: در این پژوهش با هدف بررسی توزیع ویژگی‌های یک جامعه از روش پیمایشی استفاده شده است. در پژوهش پیمایشی، پارامترهای جامعه بررسی می‌شوند و علاوه بر توصیف، به تبیین پدیده‌ها نیز پرداخته می‌شود؛ بدین صورت که فرضیه‌هایی ساخته شده، سپس آزمون می‌شوند (دواس، ۱۳۹۲، ص. ۲۱). در این پژوهش، اعتماد اجتماعی شهروندان به‌عنوان متغیر تابع و رفتارهای غیراخلاقی به‌عنوان متغیر میانجی و درنهایت حکمرانی خوب به‌عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است. سازه‌ها و متغیرهایی مانند جنسیت، سن، تحصیلات و سابقه کار متغیرهای جمعیتی‌اند.

ب) جامعه آماری این پژوهش را افراد بالای ۲۰ سال در کلان‌شهر مشهد تشکیل می‌دهد. حجم نمونه نیز با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر برآورد شده و از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شده است.

پ) نحوه جمع‌آوری داده‌ها: ابزار گردآوری اطلاعات این پژوهش، پرسشنامه برساخته محقق است که تا حدودی در آن از پژوهش‌های پیشین نیز استفاده شده است. این پرسشنامه حاوی ۴ گویه عمومی و ۴۸ گویه بسته در قالب طیف لیکرت و همچنین شامل گویه‌ها و اطلاعات جمعیت‌شناختی پاسخگویان است (میلر، ۱۳۹۳، ص. ۲۰۸).

ت) اعتبار (روایی) و پایایی پژوهش: برای سنجش روایی از آماره آلفای کرونباخ و جهت سنجش پایایی پرسشنامه از آماره پایایی ترکیبی استفاده شده است. برای به‌دست آوردن روایی بالا، ساختن معرف و گویه‌هایی که توانایی سنجش متغیرها را داشته باشند از موارد ضروری یک پژوهش می‌باشد. برای این امر در ابتدا گویه‌هایی ساخته شده و به چند استاد و همچنین به چند دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی داده شد تا نمرات خود را به گویه‌ها بدهند. در مرحله بعد برای به‌دست آوردن پایایی، گویه‌ها (سؤال‌ها) به‌صورت آزمایشی (به تعداد ۳۰ پرسشنامه) در جامعه آماری توزیع و تست مقدماتی شده (پیش‌آزمون) و آزمون تحلیل عاملی بر روی آنها انجام شد. در مرحله بعد آزمون پایایی و درنهایت اصلاح نهایی بر روی پرسشنامه

انجام شد. برای ارزیابی پایایی سنج‌ها نیز از دو ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی استفاده شده است. مقادیر شاخص آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی در جدول زیر، ذکر شده است (بین صفر تا یک) و نشان‌دهنده این است که تمامی سازه‌های پژوهش از تأیید پایایی مناسب مدل برخوردار است.

جدول (۱): آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی سازه‌های مدل پژوهش

سازه‌های مدل پژوهش	ضرایب آلفای کرونباخ	ضریب پایایی ترکیبی
حکمرانی خوب	۰/۷۹۵۲۱۳	۰/۷۷۵۱۸۰
رفتارهای غیراخلاقی	۰/۷۷۴۵۹۸	۰/۷۶۳۳۵۵
اعتماد اجتماعی شهروندان	۰/۸۰۹۰۹۷	۰/۸۲۴۳۲۴

ث) روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: مدل‌سازی مسیری - ساختاری (رویکرد مبتنی بر وارینانس) و مدل معادلات ساختاری (رویکرد مبتنی بر کواریانس) یکی از اصلی‌ترین روش‌های تجزیه و تحلیل ساختار داده‌های پیچیده و چندمتغیره است که ویژگی اصلی آنها، تجزیه و تحلیل همزمان چندین سازه (متغیر) مستقل و وابسته است (محسنین و اسفیدانی، ۱۳۹۳، ص. ۱۸)؛ بنابراین در این پژوهش با توجه به مدل‌های پیچیده فوق‌الذکر هم از نرم‌افزار SmartPLS و هم از نرم‌افزار SPSS برای تجزیه و تحلیل داده‌ها به‌ویژه یافته‌های توصیفی استفاده شده است.

ج) بررسی نرمال بودن توزیع متغیرهای پژوهش: قبل از بررسی فرضیه‌ها لازم است طبیعی بودن متغیرهای مطالعه، بررسی شود. آزمون کولموگروف - اسمیرنوف جهت بررسی طبیعی بودن متغیرها به کار می‌رود. هنگام بررسی طبیعی بودن داده‌ها فرض صفر مبتنی بر اینکه توزیع داده‌ها طبیعی است در سطح خطای ۵ درصد آزمون می‌شود؛ بنابراین اگر آماره آزمون بزرگ‌تر مساوی ۰/۰۵ به دست آید، در این صورت دلیلی بر رد فرض صفر مبتنی بر اینکه داده‌ها طبیعی است، وجود نخواهد داشت. به عبارت دیگر، توزیع داده‌ها طبیعی خواهد بود. برای آزمون نرمالیت فرض‌های آماری به صورت زیر تنظیم می‌شود:

H0: توزیع داده‌های مربوط به هر یک از متغیرها طبیعی است.

H1: توزیع داده‌های مربوط به هر یک از متغیرها طبیعی نیست.

جدول (۲): نتایج آزمون نرمالیت

نتیجه	درجه معنی‌داری	متغیرهای مدل
طبیعی	۰/۱۰۲	حکمرانی خوب
طبیعی	۰/۰۸۹	رفتارهای غیراخلاقی
طبیعی	۰/۰۷۸	اعتماد شهروندان

همان‌طور که مشخص است از آنجاکه آماره آزمون بزرگ‌تر مساوی ۰/۰۵ برای کلیه متغیرهای مطالعه به‌دست آمده است، در این‌صورت دلیلی برای رد فرض صفر مبتنی بر اینکه داده‌ها طبیعی است وجود نخواهد داشت؛ به‌عبارت‌دیگر توزیع داده‌ها طبیعی هستند.

۶. یافته‌های پژوهش

۶-۱. توصیف آماری سازه‌های پژوهش

نتایج بررسی سازه‌ها و متغیرهای جمعیت‌شناختی در جدول شماره ۳ خلاصه شده است. توزیع متغیرهای چهارگانه جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان در جدول حاکی از نحوه پراکندگی جمعیتی پاسخ‌دهندگان از نظر: جنسیت، سن، تحصیلات و سابقه کار به شرح زیر می‌باشد:

جدول (۳): وضعیت پاسخگویان از نظر متغیرهای جمعیت‌شناختی

متغیر	فراوانی	درصد معتبر	درصد معتبر تجمیعی
جنسیت	زن	۲۱۱	۵۵
	مرد	۱۷۳	۴۵
سن	زیر ۲۵ سال	۵۸	۱۵,۱
	۲۵ تا ۳۰ سال	۵۷	۱۴,۸
	۳۰ تا ۳۵ سال	۸۳	۲۱,۵
	۳۵ تا ۴۰ سال	۱۲۷	۳۳,۱
	بالای ۴۰ سال	۵۹	۱۵,۶
تحصیلات	دیپلم و فوق دیپلم	۹۷	۲۵,۵
	کارشناسی	۱۲۲	۳۳,۱
	کارشناسی ارشد	۱۲۱	۳۱,۴

متغیر	فراوانی	درصد معتبر	درصد معتبر تجمیعی
دکتری و بالاتر	۴۴	۱۲	۱۰۰
سابقه کار	زیر ۵ سال	۲۸,۵	۲۸,۵
	۵ تا ۱۰ سال	۱۳۳	۳۶
	۱۰ تا ۱۵ سال	۵۹	۱۵,۹
	۱۵ تا ۲۰ سال	۳۶	۸,۵
بالای ۲۰ سال	۳۹	۱۱,۱۰	۱۰۰

۱-۶-۱. سازه مفهومی «حکمرانی خوب»

مطابق جدول زیر میانگین امتیاز سازه «حکمرانی خوب» از نظر پاسخ‌دهندگان ۳/۰۷۹۱، انحراف معیار ۵/۱۳۳۴ و واریانس برابر ۰/۲۶۴ می‌باشد. میانگین به‌دست آمده اندکی بالاتر از میانگین مورد انتظار (امتیاز ۳) است و همچنین کمترین امتیاز مربوط به سازه حکمرانی خوب از نظر پاسخ‌دهندگان معادل ۱/۷۷ و بیشترین امتیاز معادل ۴/۷۷ می‌باشد. برای به‌کارگیری روش حداکثر درست‌نمایی، باید مطمئن شد داده‌ها توزیع طبیعی داشته باشند، که برای آزمون طبیعی بودن چندمتغیره از دو شاخص چولگی و کشیدگی استفاده می‌شود که اگر مقدار آنها در دامنه ۱- تا ۱+ باشد، داده‌ها طبیعی است (Schumacker & Lomax, 2004, p. 69). از آنجایی که مقدار ضریب چولگی و مقدار کشیدگی در دامنه ۰/۵- و ۰/۵+ قرار دارد؛ بنابراین توزیع داده‌ها از توزیع طبیعی پیروی می‌کند.

جدول (۴): توصیف آماری متغیر حکمرانی خوب

سازه مفهومی	تعداد	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف معیار	واریانس	چولگی	کشیدگی
حکمرانی خوب	۳۸۴	۱/۷۷	۴/۷۷	۳/۰۷۹۱	۵/۱۶۶۴	۰/۲۶۴	۰/۱۴۲	۰/۰۶۹

جدول (۵): توصیف متغیر ابعاد حکمرانی خوب

تعداد	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف معیار	واریانس
۳۸۴	۱	۵	3/3917	.66888	.357
۳۸۴	۱	۴,۶۰	3/2570	.49033	.488
۳۸۴	۱	۴,۷۸	3/2017	.54539	.529
۳۸۴	۱	۵	3/1496	.69876	.214
۳۸۴	۱	۵	3/1233	.48877	.367

۱-۲. سازه مفهومی «رفتارهای غیراخلاقی»

مطابق جدول زیر میانگین امتیاز سازه «رفتارهای غیراخلاقی» از نظر پاسخ‌دهندگان ۳/۳۳۶۶، انحراف معیار ۰/۵۶۱۹۶ و واریانس برابر ۰/۳۱۶ می‌باشد. میانگین به‌دست آمده اندکی بالاتر از میانگین مورد انتظار (امتیاز ۳) است و همچنین کمترین امتیاز مربوط به سازه رفتارهای غیراخلاقی از نظر پاسخ‌دهندگان معادل ۱/۶۹ و بیشترین امتیاز معادل ۴/۶۲ می‌باشد. از آنجایی که مقدار ضریب چولگی و مقدار کشیدگی در دامنه (۰/۵- و ۰/۵+) قرار دارد؛ بنابراین توزیع داده‌ها از توزیع طبیعی پیروی می‌کند.

جدول (۶): توصیف آماری متغیر رفتارهای غیراخلاقی

سازه مفهومی	تعداد	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف معیار	واریانس	چولگی	کشیدگی
رفتارهای غیراخلاقی	۳۸۴	۱/۶۹	۴/۶۲	۳/۳۳۶۶	۰/۵۶۱۹۶	۰/۳۱۶	-۰/۳۳۰	۰/۰۳۱

جدول (۷): توصیف متغیر ابعاد رفتارهای غیراخلاقی

	تعداد	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف معیار	واریانس
فساد	۳۸۴	۱	۵	3/9614	.64326	.452
بی‌نظمی	۳۸۴	۱	۴,۳۶	3/6241	.48731	.302

۱-۳. سازه مفهومی «اعتماد اجتماعی»

مطابق جدول زیر میانگین امتیاز سازه «اعتماد اجتماعی شهروندان» از نظر پاسخ‌دهندگان ۳/۵۲۳۵، انحراف معیار ۰/۵۶۶۱ و واریانس برابر ۰/۳۲۱۶ می‌باشد. میانگین به‌دست آمده اندکی بالاتر از میانگین مورد انتظار (امتیاز ۳) است و همچنین کمترین امتیاز مربوط به سازه اعتماد اجتماعی شهروندان از نظر پاسخ‌دهندگان معادل ۱/۸۱ و بیشترین امتیاز معادل ۵ می‌باشد. از آنجایی که مقدار ضریب چولگی و مقدار کشیدگی در دامنه (۰/۵- و ۰/۵+) قرار دارد، بنابراین توزیع داده‌ها از توزیع نرمال پیروی می‌کند.

جدول (۸): توصیف آماری متغیر عمومی سازمان‌های دولتی

سازه مفهومی	تعداد	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف معیار	واریانس	چولگی	کشیدگی
اعتماد شهروندان	۳۸۴	۱/۸۱	۵	۳/۵۲۳۵	۰/۵۶۶۱۵	۰/۳۲۱	-۰/۲۸۳	۰/۰۰۸

جدول (۹): توصیف متغیر ابعاد اعتماد عمومی سازمان‌های دولتی

سازه مفهومی	تعداد	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف معیار	واریانس
کیفیت خدمات‌دهی	۳۸۴	۱	۵	3/2019	.5326	.354
پارتنری	۳۸۴	۱	۴,۸۳	3/7052	.4985	.387
وعده و قول	۳۸۴	۱	۵	3/6945	.6875	.298
اطلاعات و دانش	۳۸۴	۱	۵	3/3322	.5678	.398

۲-۶. تحلیل استنباطی داده‌ها (آزمون مدل اندازه‌گیری در حالت تخمین استاندارد و اعداد معناداری)

مدل‌سازی معادلات ساختاری به روش پی‌ال‌اس (PLS) شامل دو مرحله آزمون مدل اندازه‌گیری و آزمون مدل ساختاری می‌باشد. آزمون مدل اندازه‌گیری شامل بررسی پایایی و روایی تشخیصی می‌باشد. برای بررسی پایایی مدل به روش PLS ملاک‌های مختلفی وجود دارد که عبارت‌اند از: الف) پایایی هر یک از گویه‌ها و سازه‌های مشاهده‌شده؛ ب) اعتبار مرکب هر یک از سازه‌ها (CR)؛ و ج) میانگین واریانس استخراج شده (AVE). برای سنجش اولین ملاک پایایی، به بررسی پایایی هر یک از گویه‌ها می‌پردازیم. اگر بارهای عاملی هر گویه بر سازه مربوط به خود معنی‌دار باشد، می‌توان استدلال نمود که گویه‌ها از اعتبار کافی برخوردار می‌باشند. در جدول زیر بارهای عاملی و عدد معناداری گزارش شده‌اند. مقادیر بار عاملی بیشتر از ۰/۵ و مقادیر اعداد معناداری بیشتر از ۱/۹۶ قابل قبول می‌باشند.

جدول (۱۰): معیارهای برازش مدل پژوهش

ابعاد	حکمرانی خوب				
	AVE	CR	R2	بار عاملی	عدد معناداری
شفافیت	۰/۸۷۹	۰/۹۳۷	۰/۸۲۰	۰/۷۵۸	۳/۹۳۶
پاسخگویی	۰/۶۹۱	۰/۸۹۹	۰/۷۱۵	۰/۵۹۶	۶/۱۴۷
مسئولیت	۰/۵۲۱	۰/۷۸۲	۰/۸۰۰	۰/۸۶۵	۲۷/۲۰۶
حکم قانون	۰/۶۱۹	۰/۸۲۳	۰/۶۵۳	۰/۸۷۹	۰۲۸/۴۶۲
سادگی مدیریت	۰/۶۹۳	۰/۸۷۰	۰/۷۵۳	۰/۶۳۵	۴/۰۲۵

اعتماد عمومی سازمان‌های دولتی						ابعاد	سازه
معنی‌داری	عدد معناداری	بار عاملی	R2	CR	AVE		
تأیید	۱۱/۹۶۷	۰/۷۰۴	۰/۶۷۰	۰/۹۳۵	۰/۸۲۸	کیفیت خدمات‌دهی	
تأیید	۴۹/۴۳۳	۰/۸۶۲	۰/۷۹۳	۰/۸۶۹	۰/۶۲۹	پارتنری	
تأیید	۶/۱۹۲	۰/۵۶۵	۰/۷۶۱	۰/۸۷۵	۰/۷۸۸	وعده و قول	
تأیید	۱۷/۲۲۹	۰/۷۹۰	۰/۷۲۹	۰/۸۷۰	۰/۷۷۰	اطلاعات و دانش	

رفتارهای غیراخلاقی						ابعاد	سازه
معنی‌داری	عدد معناداری	بار عاملی	R2	CR	AVE		
تأیید	۳۷/۹۰۸	۰/۹۷۴	۰/۷۶۲	۰/۹۰۹	۰/۷۷۱	فساد	
تأیید	۳/۱۸۴	۰/۸۵۷	۰/۸۶۶	۰/۹۰۶	۰/۷۶۳	بی‌نظمی	

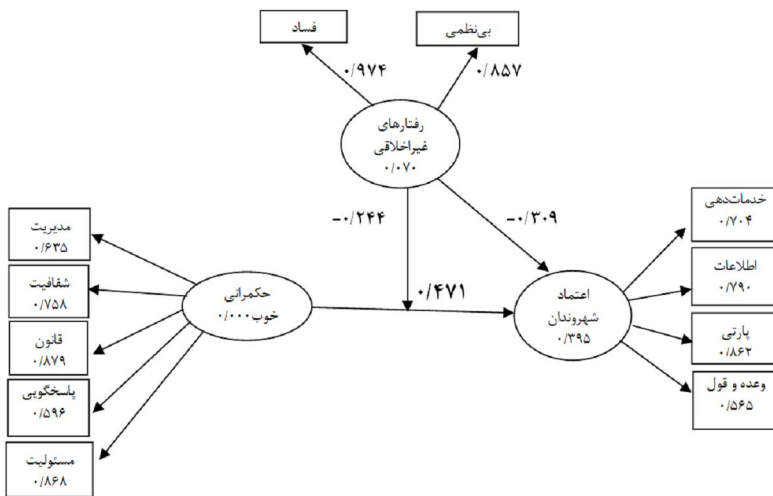
همان‌طور که در جدول بالا مشخص است کلیه ابعاد (متغیرهای آشکار پژوهش) از نظر میانگین واریانس استخراج شده (AVE) از وضعیت قابل قبولی برخوردار هستند (بالتر بودن تمامی مقادیر از ۰/۵). معیار پایایی ترکیبی (CR) نیز مقادیر بالاتر از ۰/۷ را نشان می‌دهد که این امر نیز برازش خوب مدل را تأیید می‌کند. با توجه به معیار بار عاملی نیز مشاهده می‌شود تمامی مقادیر ارزشی بالاتر از ۰/۴ را اختیار کرده‌اند و از این لحاظ نیز برازش مدل مناسب است. در نهایت نیز کمترین مقدار R2 برای متغیرها و سازه‌های مدل، به میزان ۰/۶۵۳ (بعده حکم قانون) شده است که با توجه به معیار چین (۱۹۹۸) برازش بالاتر از متوسط دارد و برای سایر متغیرها این برازش کاملاً قوی است.

پس از آنکه مشخص شد مدل پژوهش از برازش مناسبی برخوردار است، در ادامه میزان بار عاملی بین سازه‌های پژوهش که در قالب فرضیه‌ها آورده شده است، بررسی می‌شود. همچنین جهت تصمیم‌گیری در رابطه با تأیید یا رد فرضیه‌های پژوهش ضرایب معناداری (T-Value) نیز تأیید می‌شود. معیار پذیرفتن یک فرضیه، میزان ضریب معناداری از مقدار بحرانی ۱/۹۶ و همچنین مثبت بودن میزان بار عاملی است و در تحلیل‌های بعدی در مدل باقی می‌مانند.

۳-۶. مدل پژوهش در حالت تخمین ضرایب استاندارد

در حالت تخمین استاندارد مقدار بین متغیرهای آشکار و مکنون، برابر با همان

ضرایب همبستگی یا بارهای عاملی بوده و اگر بین دو متغیر مکنون در نظر گرفته شوند، همان ضرایب مسیر یا بتاهای استاندارد شده رگرسیونی هستند. بارهای عاملی مدل در حالت تخمین استاندارد میزان تأثیر هر کدام از متغیرها و یا گویه‌ها را در تبیین واریانس نمرات متغیر یا عامل اصلی نشان می‌دهد. در حالت برآورد استاندارد امکان مقایسه بین متغیرهای مشاهده شده تبیین کننده متغیرهای پنهان وجود دارد. نتایج تحلیل عاملی تأییدی متغیرها حاکی از آن است که مدل اندازه‌گیری متغیرها مناسب و کلیه اعداد و پارامترهای مدل معنادار است (عادل و دیگران، ۱۳۹۱). نتایج مدل اندازه‌گیری حاکی از وجود روابط همبستگی مثبت و معناداری بین متغیرها در مدل است. باتوجه به نمودار زیر می‌توان بارهای عاملی هر یک از گویه‌های پژوهش را مشاهده نمود. مقدار تعیین عددی بین صفر و یک است، که هر چه به سمت یک نزدیک شود، مقدار تبیین واریانس بیشتر می‌شود.



منبع: (بر اساس جدول داده‌ها)

نمودار (۱): مدل پژوهش در حالت تخمین ضرایب استاندارد

۷. بررسی فرضیه‌های پژوهش

نتایج تمام فرضیه‌ها در قالب جدول شماره (۱۱) ارائه شده است. این جدول مقادیر ضریب مسیر استاندارد و مقدار آماره معنی‌داری را نشان می‌دهد.

جدول (۱۱): خلاصه نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها

نتیجه	معناداری	ضریب مسیر استاندارد B	فرضیه‌ها
تأیید	۰,۰۰۰	۰/۴۷۱	۱- حکمرانی خوب بر اعتماد شهروندان تأثیر مثبت و معناداری دارد.
تأیید	۰,۰۰۱	-۰/۳۰۹	۲- رفتارهای غیراخلاقی بر اعتماد شهروندان تأثیر منفی و معناداری دارد.
تأیید	۰,۰۰۱	۰/۲۲۷	۳- تأثیر حکمرانی خوب بر اعتماد شهروندان با مداخله رفتارهای غیراخلاقی مثبت و معناداری است.

با توجه به نتایج حاصل شده از مدل‌سازی معادلات ساختاری، مقدار ضریب مسیر استاندارد بین سازه حکمرانی خوب و اعتماد شهروندان برابر با ۰/۴۷۱ بوده که نشان از تأثیر حکمرانی خوب بر اعتماد شهروندان دارد. میزان معناداری رابطه صفر بوده که نشان از تأیید فرضیه و وجود رابطه مثبت مستقیم میان دو متغیر دارد. در نتیجه می‌توان با حداقل ۹۹ درصد اعتماد پذیرفت که حکمرانی خوب بر اعتماد شهروندان تأثیر مثبت و معناداری دارد (فرضیه اول).

مقدار ضریب مسیر استاندارد بین سازه رفتارهای غیراخلاقی و اعتماد شهروندان برابر با -۰/۳۰۹ - بوده که نشان از تأثیر منفی رفتارهای غیراخلاقی بر اعتماد شهروندان دارد. میزان معناداری نیز کمتر از ۰/۰۱ است که حاکی از تأیید فرضیه دوم دارد و بر اساس آن می‌توان با حداقل ۹۹ درصد اعتماد پذیرفت که حکمرانی خوب بر اعتماد شهروندان تأثیر منفی و معناداری دارد.

در نهایت مقدار ضریب مسیر استاندارد بین سازه حکمرانی خوب و اعتماد شهروندان با مداخله رفتارهای غیراخلاقی برابر با ۰/۲۲۷ و میزان معناداری نیز کمتر از ۰/۰۱ که نشان از تأیید فرضیه سوم پژوهش دارد.

نتیجه‌گیری

حکمرانی خوب از جمله مباحث نوپا است که در دو دهه اخیر توجه محافل علمی و بین‌المللی جهان را به خود معطوف نموده است. این پژوهش درصدد بررسی چگونگی ارتباط میان حکمرانی خوب و اعتماد اجتماعی شهروندان به سازمان‌های دولتی و خدمات عمومی با نقش میانجی رفتارهای غیراخلاقی بوده و تلاش دارد تا وجود تأثیر معنادار بین این سازه‌ها و متغیرها را آزمون نماید.

در این پژوهش با توجه به سطح اندازه‌گیری، حجم نمونه‌ها، پیشینه نظری (نبود



دانش نظری از نظر مدل‌ها) و تحلیل‌های علی - پیشگویانه، پیچیدگی مدل (مدل با تعداد زیادی متغیر، معرف و روابط) و وجود سازه‌های ترکیبی در مدل، رویکرد مبتنی بر PLS، انتخاب و اثر معناداری نیز میان متغیرهای مستقل و وابسته برقرار شده است. نتیجه مهم پژوهش حاضر، فرضیه سوم می‌باشد که در آن از ترکیب فرضیه اول که حاکی از تأثیر مثبت حکمرانی خوب بر اعتماد شهروندان بوده و فرضیه دوم که تأیید نموده بود رفتارهای غیراخلاقی تأثیر منفی بر اعتماد شهروندان داشته، میزان خالص تأثیرگذاری حکمرانی خوب بر اعتماد شهروندان بررسی شده و مشخص شد که بیش از ۵۲ درصد از تأثیر مثبت حکمرانی خوب بر اعتماد شهروندان توسط تأثیر منفی رفتارهای غیراخلاقی حذف شده و ضریب تأثیر از ۰/۴۷۱ به ۰/۲۲۷ کاهش پیدا نمود. این موضوع و سنجش تأثیر متغیر رفتارهای غیراخلاقی بر اعتماد شهروندان مشخص می‌سازد که تا چه اندازه ابعاد تشکیل‌دهنده رفتارهای غیراخلاقی (فساد و بی‌نظمی) محل حکمرانی خوب بوده و اعتماد شهروندان را نیز تحت تأثیر می‌گذارد.

پیشنهاد‌های آتی پژوهش

- ۱- عوامل موقعیتی و متغیرهای جمعیت‌شناسی منجر به تفاوت اعتماد شهروندان می‌شود که در این پژوهش بررسی نشده است؛ لذا به محققان آتی پیشنهاد می‌گردد پژوهشی مجزا به بررسی عوامل موقعیتی و متغیرهای جمعیت‌شناسی بر اعتماد اجتماعی شهروندان بپردازند.
- ۲- پژوهش حاضر تنها در مقطع زمانی خاصی بررسی شده است؛ از این‌رو انجام پژوهشی مشابه در بازه زمانی طولانی‌تر می‌تواند نتایج حاصل از پژوهش را تحکیم و تقویت سازد.
- ۳- باتوجه به اینکه جامعه موردنظر از سازمان‌های عمومی در کلان‌شهر مشهد بوده است؛ بنابراین، این موضوع می‌تواند محدودیتی در تعمیم نتایج آن پژوهش به دیگر سازمان‌ها و حتی دیگر مناطق کشور باشد. در نتیجه پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی جامعه‌های آماری گسترده‌تر مورد آزمون قرار گیرد.

فهرست منابع

- آذر، عادل؛ غلامزاده، روسل و قنواتی، مهدی (۱۳۹۱). *مدل‌سازی مسیری - ساختاری در مدیریت*. تهران: نگاه دانش.
- احمدی، شهرزاد (۱۴۰۰). بررسی نظریه حکمرانی خوب بر پایه اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی. *فصلنامه چشم‌انداز حسابداری و مدیریت*، ۴(۴۴)، ۱-۱۲.
- اصغری، حرمت و اسدی، اسماعیل (۱۳۹۲). تأثیر پاسخگویی بر اعتماد عمومی و اعتماد سیاسی (مورد مطالعه سازمان‌های دولتی ایران). *فصلنامه خط‌مش‌گذاری عمومی در مدیریت*، ۴(۱)، ۵۳-۷۵.
- امان‌پور، سعید و لطیفی، امیر (۱۳۹۵). اثرات حکمرانی خوب شهری و اعتماد اجتماعی در بهبود کیفیت بافت‌های فرسوده شهری (مطالعه موردی منطقه ۱۵ کلانشهر تهران). *نشریه مدیریت شهری*، ۸(۲۸)، ۱۳-۲۹.
- الوانی، مهدی و دانایی‌فرد، حسن (۱۳۸۰). *مدیریت دولتی و اعتماد عمومی*. *فصلنامه دانش مدیریت*، سال دوم، (۵۵)، ۵-۲۸.
- امیرعبداللهیان، سمیه؛ صانعی، مهدی و صدری، محمد فاضل (۱۳۹۵). بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر اعتماد شهروندان نسبت به دولت. *سومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و اقتصاد با محوریت اقتصاد مقاومتی*، ۱-۲۸.
- بشیری، سعید؛ ابطحی، سیدمصطفی و مرشدی‌زاد، علی (۱۳۹۹). نقش فضای مجازی بر وضعت شفافیت در ایران. *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، سال دهم، (۳۴)، ۱۲۷-۱۵۶.
- بلیکی، نورمن (۱۳۹۵). *طراحی پژوهش‌های اجتماعی*. ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نی.
- جابرانصاری، محمدرضا؛ نجف بیگی، رضا و الوانی، سیدمهدی (۱۳۹۵). عوامل زمینه‌ای مؤثر بر اعتماد عمومی به سازمان‌های دولتی. *دوفصلنامه مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایران*، سال چهارم، (۸)، ۱۱۲-۱۲۴.
- جهانگیری، جهانگیر و ابوترابی زارچی، فاطمه (۱۳۹۱). تحلیل عوامل مرتبط با اعتماد سیاسی دانشجویان؛ پیمایشی در میان دانشجویان شیراز. *دوفصلنامه دانش سیاسی*، سال هشت، (۲)، ۵-۲۴.
- داوردی، علی و رضازاده، آرش (۱۳۹۲). *معادلات ساختاری با نرم‌افزار اسمارت پی ال اس*، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.



دقتی، عادل؛ یعقوبی، نورمحمد؛ کمالیان، امین‌رضا و دهقانی، مسعود (۱۳۹۹). طراحی الگوی استقرار و توسعه حکمرانی خوب الکترونیک با استفاده از رویکرد فراترکیب. *پژوهش‌های مدیریت در ایران*، ۲۴(۲)، ۱-۳۴.

دواس، دی. اس. (۱۳۹۲). *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*. ترجمه هوشنگ نایبی، تهران: نی.

زاهدی، شمس‌السادات؛ خانباشی، محمد و رضایی، الهام (۱۳۹۰). افزایش اعتماد عمومی برپایه ارتقای فرهنگ پاسخگویی. *پژوهش‌نامه مدیریت اجرایی*، ۳(۵)، ۶۹-۹۴.

زیاری، کرامت‌الله؛ نیک پی، وحید و حسینی، علی (۱۳۹۲). سنجش میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری بر اساس الگوی حکمرانی خوب شهری (مطالعه موردی شهر یاسوج). *نشریه مسکن و محیط روستا*، ۱۴۱(۱)، ۶۹-۸۶.

سردارنیا، خلیل‌الله؛ قدرتی، حسین و اسلام، علیرضا (۱۳۸۸). تأثیر حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی بر اعتماد سیاسی؛ مطالعه موردی: شهرهای مشهد و سبزوار. *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال پنجم، (۱)، ۱۳۵-۱۶۵.

سلطانی، ایرج و چارکی، امان (۱۳۹۶). بررسی عوامل مؤثر بر اعتماد شهروندان به سازمان‌های خدمات محور؛ مطالعه موردی: شهرداری بندر بوشهر. *ماهنامه شباک* (شبکه اطلاعات کنفرانس‌های کشور)، سال دوم، ۳(۳)، ۱۵-۲۹.

صحرائی، علیرضا و محمودی‌نیا، امین (۱۳۹۷). الگوی حکمرانی خوب: چهارچوبی برای تحلیل اقتصاد سیاسی دوران هاشمی رفسنجانی. *فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، ۸(۲۸)، ۲۰۷-۲۲۸.

عبداللهی، محمد (۱۳۹۰). *علل و موانع قانون‌گرایی در ایران*. تهران: طرح نو.

علیزاده فرمی، مجتبی (۱۳۹۸). *بررسی رابطه بین حکمرانی خوب و اعتماد شهروندان/ استان گیلان*. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت دولتی). دانشگاه پیام نور، رشت، ایران.

محسنین، شهریار و اسفیدانی، محمدرحیم (۱۳۹۳). *معادلات ساختاری مبتنی بر رویکرد حداقل مربعات جزئی*. تهران: مؤسسه کتاب مهربان نشر.

مولوی، زینب؛ حسینی ابوعلی، معصومه و جعفری، سیدمحمدباقر (۱۳۹۶). ارتقای اعتماد عمومی شهروندان: بررسی نقش حکمرانی خوب و خدمات دولت الکترونیک. *مدیریت سرمایه اجتماعی*، ۴(۴)، ۵۷۱-۵۹۴.

میلر، هربرت (۱۳۹۳). *راهنمای سنجش و تحقیقات اجتماعی*. ترجمه هوشنگ نایبی،

تهران: نی.

یگانگی، عاطفه؛ الوانی، مهدی و معمارزاده طهران، غلامرضا (۱۳۹۵). اولویت‌بندی شاخص‌های شاخص‌های حکمرانی خوب در سازمان‌های کارا (مطالعه موردی شعب بانک رفاه استان قزوین). نشریه خط‌مشی‌گذاری عمومی در مدیریت، ۲۱(۷)، ۹-۱.

- alzahrani, latifa; wafi al-karaghoulis & vishanth weereakkody (2017). Analysing the critical influencing trust in e-government adoption from citizens perspective: systematic review and a conceptual framework. *international business review*, (26), 164-175.
- briguglio, marie & spiteri, jonathan (2018). *governance nd regulations contemporary issues*. emerald publishing limited.
- Graham, Paul; Stefan Gilbert & Idasa Karin Alexander (2010). *The Development and Use of Governance Indicators in Africa A Comparative Study*. Production by Idasa Publishing Department.
- Grindle, M. S. (2012). Good enough Governance revisited. *Development Policy Review*, 25(5), 533-574.
- Huang, C. J. & Ho, Y. H. (2107). Governance and Economic Growth in Asia. *North American Journal of Economics and Finance*, (39), 260-272.
- Hunther, J. & A. Shah (2006). Applying a Simple Measure of Good Governance to The Debate on Fiscal Decentralization. Available at: www.econ.worldbank.org.
- Khalid, maizatul akmar; alam, mahkoudul & jamaliah, said (2016). Empirical assessment of good governance in the public sector of Malaysia. *economics and sociology*, (4), 289-304.
- Kaufmann, D.; Institution, B.; Kraay, A. & Mastruzzi, M. (2010). The Worldwide Governance Indicators: Methodology and Analytical Issues. *Global Economy and Development*, 1-29.
- Master, Z. & Resink, D. B. (2013). Hype and Public trust in Science. *Science Ethics*, 19(2), 321-335.
- Mibagheri, Farid (2013). *Political Culture and Its Impact on Politics the Case of Iran*. Political Culture Case Studies Conflict Studies Research Centre. Published By: Defence Academy of the United Kingdom, available at: <https://www.files.ethz>
- Morrissey, O. (2016). Governance Private Investment and Foreign Direct Investment in Developing Countries. *World Development*, 40(3), 437-445.
- Najem, Tom Pierre (2003). Good Governance: The Definition and Application of the concept In: *Good Governance in the Middle East Oil Monarchies*. London: Routledge Curzon.
- Ngobo, P. V. & Fouda, M. (2015). Is 'Good' governance good for business? A cross-national analysis of firms in African countries. *Journal of World Business*, 47(3), 435-449.
- rahman, lutfor (2016). Governance and good governance: a theoretical

- framework. *public policy and administration research*, (10).
- Sobry, mohyamed ismail (2016). Good governance institution and performance of public private partnerships. *International journal of publice sector management*, (28), 566-582.
- Sapru, R. K., Sapru, Y. (2014). Good Governance through E- Governance with Special Reference to India. *Indian Journal of Public Administration*, 60(2), 313-331.
- Schumacker R. E. & Lomax R. g. (2004). *Abegginers guide to structural equation modeling*. 2nd., New Jersey: Lawrence Erlbaum Associates.
- Unecscap (2009). What is Good Goernance?. Available At:www.unecscap.org/fileadmin/DAM/ceci/publications/ppp.pdf at:<http://www.unedcup.org>.
- Waheduzzaman (2018). *People's Participation for Good Governance: A Study of Rural Development Programs in Bangladesh*. PhD. thesis, Victoria University, Faculty of Business and Law, available at: <https://www.anzam.org/wp-content/uploads/pd>.
- yousaf, momna; freeha, ihsan & abida, ellahi (2015). Exploring the impact of good govrtnace on citizens trust in pakistan. *government information quarterly*, (33).
- Zhang, J. (2005). Good Governance through E-Governance? *Journal of Egovernment*, 2(4), 39-71.

References

- Adeleh, Deghati; Nor mohammad, Yaghoobi; Amin reza, Kamaliyan & Masoud, Dehghani (2020). Depldesigning a model for the establishment and development of electronic good governance using a meta combination approach. *journal of rare researches in iran*, 2(24), 35. (In persion)
- Ali, Davari & Arash, Rezazadeh (2013). Structural equations with PLS software. production by publications of sociologist. Tehran. (In persion)
- Ali Reza, Sahrayi & Amin, Mahmoudinia (2018). The good governance model is a farmwork for political economy analisis during Hashemi Rafsanjani era. *quarterly journal of strategic studies of public policy*, 28(8), 42. (In persion)
- Doas, DC (2013). Navigation social research; translated by Hoshange Naybi. Production by publication niy. Tehran. (In persion)
- Eraje, Soltani & Aman, Charki (2017). Investigating factors affecting citizens trust in service oriented organizatons; case study of Bandar Bushehre municipality. *Shabak monthly*, 3(2), 22. (In persion)
- Shahrzad, Ahmadi (2021) Examining the theory of good goernance based on public trust and social capital. *accounting perspective quarterly*, 44(4), 1-12. (In persion)

- Graham, Paul; Stefan Gilbert & Idasa Karin Alexander (2010). The Development and Use of Governance Indicators in Africa A Comparative Study. Production by Idasa Publishing Department.
- Grindle, M. S. (2012). Good enough Governance revisited. Development Policy Review, 25(5), 533-574.
- Herbert, Miler (2014). Guide to social assessment and research, translated by Hoshang, Naybi. Production by naye publications. Tehran. (In Persian)
- Huang, C. J. & Ho, Y. H. (2017). Governance and Economic Growth in Asia. North American Journal of Economics and Finance, (39), 260-272
- Hunther, J. & A. Shah (2006). Applying a Simple Measure of Good Governance to The Debate on Fiscal Decentralization, Available at: www.econ.worldbank.org
- Jaber, Ansari, Mohammad reza, Najaf bygi & Mehdi Alvani (2016) Factors affecting public trust in government organization. two quarterly studies on the model of Islamic progress in iran, 8(4), 112-124. (In persian)
- Jahangir, Jahangiri & Fatemeh, Abotorabi Zarchi (2012). Analysis of factors related to students political trust; a survey among Shiraz students. two quarterly of political knowledge, 2(8), 5-24. (In persian)
- Khalil Allah, Sardarniya, Hosyn, Ghodratty & Ali Reza, Aslam (2009). The effect of good governance and social capital on political trust; a case study of the cities of Mashhad and Sabzevar. journal of political sciences, 1(5), 135-165. (In persian)
- Kaufmann, D.; Institution, B.; Kraay, A. & Mastruzzi, M. (2010). The Worldwide Governance Indicators: Methodology and Analytical Issues. Global Economy and Development, 1-29.
- Master, Z. & Resink, D. B. (2013). Hype and Public trust in Science, Science Ethics, 19(2), 321-335.
- Mibagheri, Farid (2013), Political Culture and Its Impact on Politics the Case of Iran, Political Culture Case Studies Conflict Studies Research Centre. Published By: Defence Academy of the United Kingdom, available at: <https://www.files.ethz>
- Mojtaba, Alizadeh (2019). Examining the relationship between governance and citizen trust in Gillan province. masters thesis, payam noor university. (In Persian)
- Mohammad, Abdolahi (2011). Causes and obstacles of legalism in iran. production by new design publications, Tehran. (In persian)
- Morrissey, O. (2016). Governance Private Investment and Foreign Direct Developing Countries. World Development, 40(3), 437-445.
- Najem, Tom Pierre (2003). Good Governance: The Definition and Application of the concept. In: Good Governance in the Middle East Oil Monarchies, London: Routledge Curzon.
- Ngobo, P. V. & Fouda, M. (2015). Is 'Good' governance good for business? A cross-national analysis of firms in African countries. Journal of World Business, 47(3), 435-449.

- Norman, Bliky (2016). social reserch design.prodouction; translated by Hassan ChavoaShian production by publication niy. Tehran. (In persion)
- Said, Bashiri; Mostafa, Abtahi & Ali, Morshedizad (2020). The role of virtual space on the state transparency in iran. Culture in Azad university, 34(10), 40. (In persion)
- Sapru, R.K. & Sapru, Y. (2014). Good Governance through E- Governance with Special Reference to India. Indian Journal of Public Administration, 60(2), 313-331.
- Schumacker R. E. & Lomax R. g. (2004). Abegginers guide to structural equation modeling, 2nd., New Jersey: Lawrence Erlbaum Associates.
- Shahryar, Mohsenin & Mohammad Rahim, Asfandiyani (2017). Structural eqations basedon partial least sqares approach. Production by mehraban book institute.Tehran. .(Persian)
- Shams Sadat, Zahdi; Mohammad, Khanbashi & Alham, Rezayi (2011). increasing public trust based on improving the accountability culture”journal of executive management; 5(3), 72. (In persion)
- Smith, B. C. (2007). Good Governance and Development. Palgrave: Macmillan.
- Unecescap (2007). Guide Book on Promoting Good Governance in Public Private Partnerships United Nations. New York and Geneva.
- Unescap (2009). What is Good Goernance?“. Available At:www.unecscap.org/fileadmin/DAM/ceci/publications/ppp.pdf at:<http://www.unedcup.org>.
- Waheduzzaman (2018). People’s Participation for Good Governance: A Study of Rural Development Programs in Bangladesh, PhD thesis, Victoria University, Faculty of Business and Law, available at: <https://www.anzam.org/wp-content/uploads/pd>.
- Zeynab, Molavi; Masoume, Hosyni & Seyd Mohammad Bagher, Jafari (2017). promotin of public trust of citizens :examining the role of good governance and e-government services. journal of social capital management, 4(4), 594-571. (In Persian)
- Zhang, J. (2005). Good Governance through E-Governance? Journal of Egovernment, 2(4), 39-71.

راهبردهای ساخت تمدن سعادت‌مندانانه بر مبنای آراء فارابی^۱

ریحانه داودی کهکی

دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
reihaneh.davoodi65@gmail.com

سید عباس ذهبی

استادیار گروه فلسفه، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
falsafeh100@gmail.com

بابک عباسی

استادیار گروه فلسفه، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
babbasi@gmail.com

چکیده

این پژوهش با هدف دستیابی به مؤلفه‌های تمدن سعادت‌مندانانه در آراء فارابی و دستیابی به الگویی معادل‌سازی‌شده با عصر حاضر انجام گرفته است. چراکه برای ساخت یک تمدن در شرایط‌گذار امروز، نیازمند دانش و فرهنگ در بستر نگاه واقع‌بینانه فلسفی هستیم و ساخت تمدنی جایگزین بدون اتکا به سنت ممکن نیست. یافتن الگویی منعطف و پایدار برای تعالی انسان در بستر جامعه‌ای نیکبخت، آمل نهایی این نگاره است. روش پژوهش بر اساس مطالعه کتابخانه‌ای آثار و آراء فارابی و سپس تحلیل و الگوسازی آن با توجه به مفاهیم و عناصر امروزی است. در نتیجه پژوهش به این مطلب رسیدیم که فارابی به‌عنوان فیلسوفی تمدن‌ساز در طرح مدینه فاضله خود، برای تمدن و فرهنگ، معیاری مبتنی بر دیدگاه ساخت‌گرا، مدل‌نیازها و دیدگاه اصالت فرد در ضمن جمع ارائه می‌دهد. این شبکه پایدار ساختاری بر اساس نظام معرفتی، قانونی و فرهنگی خاص اوست که ضمن مرتفع ساختن کلیه نیازهای افراد، به نیاز اساسی او در جهت نیل به سعادت در پرتو کمال اخلاقی پاسخ بنیادین می‌دهد به‌گونه‌ای که اندیشمندان اجتماعی، سیاسی و فرهنگی می‌توانند با معیار قرار دادن این الگو، راهبردهای علمی و عملی متناسب با شرایط و ویژگی‌های هر جامعه‌ای را طراحی کنند و در نهایت به این نکته رهنمون شوند که با وجود التقاط و درهم‌تنیدگی فرهنگی در عصر انتقال با الگوی برگرفته از طرح زنده و پویای مدینه فاضله فارابی در ساخت تمدن سعادت‌مندانانه مبتنی بر غایت بشر، می‌توان طرح تمدن جایگزین را ایجاد کرد.

کلیدواژه‌ها: اخلاق، تمدن، سعادت، فارابی، فرهنگ، مدینه فاضله.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۷ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۱

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال ۱۲، شماره ۲، پیاپی ۴۷، تابستان ۱۴۰۲، صص ۷۴۵-۷۷۰

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان «مبانی هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی اخلاق از منظر فارابی: با تأکید بر سعادت جمعی» است.

مقدمه و بیان مسئله

بحث سعادت بحثی آشنا و غریب است، به این معنا که هر فردی نشانی از آن در خود دارد؛ ولی کنه حقیقتش پنهان از نظرهاست. گاه به خواهش‌های فرد تنزل یافته چون اندیشه سوفسطائیان و گاه با همه آنچه برای او خوب است چون اندیشه سقراط دور از دسترس همگان قرار گرفته است. از زمان تشکیل شهرها اندیشمندان در یافتن آن میان جمع و فرد اتفاق نداشته‌اند چون افلاطون (۴۲۷-۳۴۷ ق.م). آن را در آرمان شهر خود ترسیم کرده‌اند یا چون ارسطو (۳۸۴-۳۲۲ ق.م). در تعالی عقل فرد به تنهایی. فرجام انسان در پرتو انسان‌سازی و تمدن‌سازی دو رکن اساسی در اندیشه هر اندیشمندی ریشه در نگرش او نسبت به کل هستی دارد.

آرمانشهر افلاطون یک شخصیت زنده و پویا که بتواند بدون قانون اخلاقی، آزادانه مسیر توسعه را طی کند نبود. او شهر ایدئالی را ترسیم می‌کند که برای رشد همگان باید طبق مشیت و عنایت الهی فیلسوفان حقیقی قوانین اساسی شامل رستگاری وضع و اجرا شود. از طرف دیگر چون اعضای جامعه موجوداتی عقلانی هستند باید مورد تربیت حقیقی متضمن خیر قرار گیرند. او حکومت حقیقی را بر اساس معرفتی می‌داند که تنها فیلسوف قادر به دستیابی به آن است (کاپلستون، ۱۳۷۵، صص. ۲۵۷-۲۶۶).

ارسطو زندگی نیک را صرفاً در مدینه میسر می‌داند و چون زندگی نیک غایت طبیعی انسان است مدینه را باید اجتماعی طبیعی دانست. او با این دیدگاه سعی داشت از آرمانگرایی افلاطون فاصله گرفته و تشکیل مدینه را در طبیعت انسان معرفی کند. ارسطو به دیدگاه افلاطون در آرمان‌شهر معتقد نبود نه در ضروری بودن آن و نه در مطلوبیت آن. او بر خلاف افلاطون همه شهروندان را در دستیابی به حکمرانی مدینه سهیم می‌دانست و حاکم اصلی را حاکم طبیعی برمی‌شمرد که از لحاظ منزلت، برتر از همه باشد. در اندیشه او غایت مدینه و غایت فرد برهم منطبق‌اند و وقتی فرد به غایت خاص خود برسد آنگاه مدینه سعادت‌مند است (کاپلستون، ۱۳۷۵، صص. ۴۰۱-۴۰۹).

در مکاتب بعد از افلاطون و ارسطو اندیشه آرمانشهر و سعادت‌مندی انسان از زوایای دیگری مطرح گشت؛ اما در بین فلاسفه مسلمان فارابی مؤسس فلسفه



اسلامی نظریه سعادت فرد در گرو سعادت جمع را با نگاه به اصل فراطبیعی بودن آن در دل طبیعت مطرح می‌کند. این درهم‌تنیدگی به‌گونه‌ای جلوه می‌کند که در مسیر یافتن حقیقت سعادت به علم مدن می‌رسد. او با نگاه عمیق فلسفی خود به سعادت این امر را از برداشت‌های عرفی جدا می‌سازد و با ترسیم آن در زندگی طبیعی بشری، از زیست حکیمانه به زیست در حکمت عبور می‌کند. به‌طوری‌که الگوی تمدن‌سازی او نتیجه الگوی سعادتمندی اوست و قابلیت ارتقای فرهنگ و سنت طایفه‌ها در اقالیم مختلف در ادوار تاریخ را دارد. او با بهره‌گیری از ژرفای اندیشه فلاسفه گذشته حکمت خود را چنان پایه‌ریزی می‌کند و آن را در خدمت نظام حکمی خود قرار می‌دهد و تمام نظام فکری خود را در خدمت سعادت، که راهی جز زندگی در حکمت برای رسیدن به سعادت باقی نمی‌گذارد.

در دیدگاه او اندیشه که بخش اصلی سازنده حکمت است آنچنان در حصار میزان منطق روان است که در برخورد با نیازهای فرهنگی ریشه‌دار و نوظهور به خلق جدید می‌پردازد و با انعطاف خود قابلیت سازواری در مبناهای بنیادین را دارد. اهمیت غور در دیدگاه فارابی از جهت یافتن ساختاری منعطف برای پویایی تمدن و همچنین انسان‌سازی برای نیل به غایت اصلی او در این ساختار است. فارابی با بهره‌مندی از افکار اساتید سلف خود طرح پویا و زنده‌ای را مطرح می‌سازد که بعد از اندیشمندان مسلمان دیگر چون اخوان الصفا، ابن رشد، خواجه نصیرالدین طوسی، نظامی گنجوی و ابن خلدون نیز از آن سخن رانده‌اند.

در شرایط گذار فرهنگ و تمدن امروز، فراگیری رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی و التقاط فرهنگی و اجتماعی جوامع مختلف، ضرورت بازتولید و ایجاد پویایی در فرهنگ و تمدن اسلامی بسیار مهم است. این ساخت و بازتولید نیازمند زیرساخت‌های عمیق فلسفی است که در پرتو هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی و درنهایت نگاه جامع و کامل به انسان و غایت او طرح‌ریزی و اجرا شود. فارابی به‌عنوان مؤسس فلسفه اسلامی نظرات بی‌بدیل و جامعی در این عرصه بیان داشته است که ضمن مشخص ساختن جایگاه انسان در هستی بیکران، غایت و سعادت او را در جامعه‌ای پویا و زنده تبیین می‌کند. این جامعه ذی‌حیات علاوه بر کمال و سعادت خود با ظهور و بروز فضیلت در ابعاد مختلف برای انسان، کمال و سعادت انسان را به رهبری رئیس آن تضمین می‌کند. گرچه نظرها و آراء فارابی به لحاظ تاریخی، فرهنگی و آیینی با جامعه ایرانی قرابت دارد، ولی طرح او به‌عنوان یک فیلسوف برای تمامی انسان‌ها فارغ از زمان و مکان قابل استفاده است چراکه بینش عمیق او در انسان‌شناسی، هستی‌شناسی و



معرفت‌شناسی فرازمان و فرامکان است و الگوی حاصل از آن با تطابقی بر مفاهیم و مسائل موجود روز قابلیت استفاده و بهره‌برداری دارد.

۱. اهداف پژوهش

در این نوشتار در پی دستیابی به الگوی پویا از آراء فارابی جهت دستیابی به تمدنی که ضامن سعادت افراد باشد هستیم.

۲. سؤال‌های پژوهش

۱- الگوی سعادت‌مندی فارابی چیست؟

۲- بر مبنای الگوی سعادت فارابی، تمدن سعادت‌مندان چگونه و با چه مؤلفه‌هایی ساخته می‌شود؟

۳- بر اساس الگوی سعادت فارابی تمدن سعادت‌مندان چگونه از افول خودداری و خود را باز تولید می‌کند؟

درنهایت بعد از پاسخ به سؤال‌های فوق، و نتیجه‌گیری از آراء فارابی به بیان راهبرد و پیشنهادهایی برای ایجاد و بازسازی تمدن‌های موجود و پویایی در آنها بر اساس آراء و اندیشه فارابی بیان شده است.

۳. پیشینه پژوهش

تاکنون پیرامون دیدگاه فارابی در مورد انواع مدن، ویژگی‌ها و ساختارهای سیاسی آن نوشتارهای مختلفی در جهات گوناگون نوشته شده است که می‌توان آنها را با توجه به کلیدواژگان این نوشتار در چند دسته کلی قرار داد:

۱- مسئله سعادت: سعادت در اندیشه فارابی مورد واکاوی متفکران بسیاری قرار گرفته است. به طوری که حسن قاسم پور کتابی با عنوان «فارابی و راه سعادت» (کاوشی در باب اخلاق فضیلت از نگاه فارابی) مبحثی از مباحث مسیر سعادت او را مورد مطالعه قرار داده است (۱۳۹۰). همچنین مقالات متعدد پیرامون سیاست، اخلاق و سعادت در اندیشه فارابی توسط پژوهشگران به رشته تحریر درآمده است که برخی از آنها عبارت‌اند از: «فارابی و مسئله سعادت» نوشته سید آصف احسانی (۱۳۹۹)، «سعادت انسان و نقش دین در آن از دیدگاه فارابی» نوشته یار علی کرد فیروزجانی (۱۳۸۹)، «تحلیل و نقد نظریه سعادت فارابی» نوشته محسن جوادی (۱۳۸۲).



۲- مسئله سیاست: محسن مهاجرنیا کتاب مفصلی را تحت عنوان «اندیشه سیاسی فارابی» به این امر اختصاص داده است (۱۳۸۰) و همچنین مقالاتی در این باب به تحریر اندیشمندان درآمده است که برخی از آنها عبارت‌اند از: «اندیشه سیاسی فارابی» نوشته محمد جواد اطاعت (۱۳۷۹)، «آرام‌ن شهر فارابی، جامعه مطلوب از دیدگاه فارابی و جایگاه تعلیم و تربیت در آن» نوشته نورالدین محمودی (۱۳۹۱).

۳- ارتباط سعادت و سیاست: نحوه ارتباط سعادت و سیاست در دیدگاه فارابی نیز نظر برخی از اندیشمندان را به خود جلب کرده است و پیرامون آن مقاله‌های درخور نگاشته شده است مانند: «رابطه سعادت و سیاست از دیدگاه فارابی» نوشته اعلی تورانی، سیده نرجس تورانیان و ام‌البین مرتضوی (۱۳۹۱).

۴- مقایسه آراء فارابی در سعادت و سیاست با دیگر اندیشمندان: مقاله‌هایی چون: «سعادت در اندیشه فارابی و توماس آکویناس» نوشته حسن مجیدی (۱۳۹۲)، «اسباب و عوامل سعادت در آراء فارابی، ابن سینا و خواجه نصیرالدین طوسی» نوشته مرتضی یوسفی‌راد (۱۳۹۷)، «مدینه فاضله در اندیشه سیاسی فارابی و افلاطون» نوشته محمدباقر حسنی (۱۳۸۹) و «فارابی، سیاست ارسطو و پولس فارسی» نوشته مریم اردستانی (۱۳۸۰) از جمله مقاله‌های علمی - پژوهشی در این باب هستند.

اما در این نوشتار با بررسی الگوی سعادت و تمدن‌سازی فارابی قصد داریم نحوه نیل به سعادت را در نگاهی کلان به مدینه فاضله او بیابیم. بدین‌منظور از بررسی انواع مدینه فاضله و غیرفاضله و جزئیات مسیر سعادت عبور کرده و به تطبیق الگو پرداخته‌ایم تا نحوه سازواری تمدنی پویا با طوایف مختلف فرهنگی بر اساس زیرساخت‌های حکمت را نشان دهیم و همچنین روشن سازیم چگونه افراد در نهاد تمدن جریان‌ساز می‌گردند و این جریان چگونه سبب تعالی اشخاص می‌گردد. دو مقاله «باز اندیشی نظریه سعادت در فلسفه اسلامی» نوشته عبدالرحیم حسنی (۱۳۸۹) و «نظریه ابداعی فارابی در تربیت سیاسی و اهمیت آن در عصر حاضر» نوشته محسن ایمانی و صدیقه سروش (۱۳۸۸) از جهاتی دیگر به درک بیشتر و بهتر این نوشتار و ضرورت بازاندیشی آراء فارابی در موضوع‌های سعادت انسان، اخلاق و تمدن رهگشا خواهند بود.

۴. تعریف مفاهیم

۴-۱. ظهور و حیات تمدن

تا دوره حیات فارابی (قرون ۳ و ۴ق) نظریه‌های متعددی پیرامون تشکیل اجتماعات بشری مطرح بوده است. فارابی در آثار متعدد خود به فراخور نظریه‌ها را برشمرده و در رد یا اصلاح آنان کوشیده است و در نهایت نظریه خود را بیان داشته است. نخست باید توجه داشت واژه اجتماع در دیدگاه فارابی با آنچه امروزه رایج است تفاوت دارد بدین سبب لازم است تعریف او از اجتماع را با مفهوم متناظر آن در امروز بیان کنیم.

۴-۲. تعریف اجتماع

فارابی تشکیل اجتماعات را در کتاب تحصیل السعاده بر مبنای فطرت طبیعی آدمی می‌داند به همین جهت او را حیوان انسی یا حیوان مدنی می‌نامد (فارابی، ۱۹۹۵، ص. ۴۴). او در همین کتاب اشاره دارد که با براهین عقلی نیز آدمی متوجه می‌گردد که برای دستیابی به اهداف خود لاجرم به سایر انسان‌ها نیازمند است (فارابی، ۱۹۹۵، ص. ۴۳). در کتاب السیاسه المدنیه تشکیل جماعات را برای انجام امور خود و دستیابی به کمالات ضروری می‌داند (فارابی، ۱۳۶۴، ص. ۶۹). او هیچ‌یک از مبانی فطری، طبیعی، عقلی و ضروری را در مراتب مختلف گردهمایی انسان‌ها کافی نمی‌داند، بلکه معتقدست تمامی این مبانی در شکل‌گیری و بقای انواع جماعت مؤثر است. بدین معنا که در نهاد آدمی طبیعت انس به سایر انسان‌ها گزارده شده است و او بنا به فطرت خویش این نیاز را احساس می‌کند و در مسیر تکاملی و بقای خویش به ضرورت این امر به‌طور عقلی پی می‌برد و همچنین با مدد عقل به ارتقای این اجتماعات می‌پردازد. او برای توضیح معنای اجتماع در کتبی چون آراء اهل المدینه الفاضله (فارابی، ۱۳۷۴، ص. ۱۱۴)، فصول منتزعه (فارابی، ۱۳۶۴، ص. ۲۳) اجتماع را به بدن آدمی تشبیه می‌کند که دارای اجزاء مختلف و مستقل است که در عین حال با نظم و همکاری یکدیگر در ائتلافی سازوار در جهت غایتی مشخص که همان سلامت بدن است، با هم در ارتباط مؤثر قرار دارند.

در این دیدگاه اجتماع ابزار رسیدن به اهداف است. فارابی چون آدمی را در دو ساحت عالم ماده و فرای ماده می‌داند اهداف او را نیز در دوساحت قرار می‌دهد (فارابی، ۱۹۹۵، ص. ۴۲). اهداف مادی همان حفظ بقا است و اهداف دیگر مربوط به کسب کمالات می‌گردد. در اندیشه او آدمی برای دستیابی به هر دو هدف به تشکیل



اجتماعات نیازمند است. از این رو تعریف اجتماع در دیدگاه فارابی ناظر به غایت است. می‌توان تعریف او از اجتماع را در جمع آثارش این‌گونه بیان داشت؛ هر اجتماعی از گروه هم آمدن انسان‌ها تشکیل می‌شود که در جهت دستیابی به هدفی مشترک، اعضای آن با انسجامی درونی به همکاری یکدیگر می‌پردازند. با توجه به اهداف پراکنده در بین انسان‌ها اجتماعات گوناگونی تشکیل می‌گردد که برخی طبیعی و گریزناپذیر و برخی خواست‌اوست.

۳-۴. تفاوت اجتماعات

فارابی اجتماعات را بر دو مبنای کمی و کیفی به دسته‌هایی تقسیم می‌کند. از منظر کمی به شهر در اندازه کوچک، امت در اندازه متوسط، و اجتماع امم یا معموره الارض را به‌عنوان کمال اجتماعات معرفی می‌کند (فارابی، ۱۳۶۴، ص. ۶۹). با تطبیق این تقسیم‌بندی مراد او از شهر در معنای امروزی به افراد یک ملیت یا کشور گفته می‌شود و امت در تطبیق با حکومت‌های منطقه‌ای است و معموره الارض ناظر بر حکومتی جهانی است. فارابی سایر اجتماعات کوچک‌تر از شهر را در نهایت نقص و نارسایی می‌داند و آنها را در خدمت کوچک‌ترین واحد اجتماع رسا یعنی شهر قرار می‌دهد. بدین جهت مراد ما در این نوشتار از شهر همان افراد تحت یک ملیت می‌باشد و مراد از اجتماع هر یک از سه مورد فوق است.

فارابی فیلسوفی به‌شدت غایت‌گراست. از این رو مدائن را به جهت کیفی متناسب با غایتی که دنبال می‌کنند در دو دسته فاضله و غیر فاضله قرار می‌دهد و غیر فاضله را به جاهله، ضاله و فاسقه تقسیم می‌کند (فارابی، ۱۹۶۴، ص. ۸۷). در منظر او شهر موجودیست زنده و پویا که دارای تولد، تحول و ممات است به‌همین جهت نوع دیگری از مدینه را که استحاله یافته مدینه فاضله است با عنوان مدینه مبدله معرفی می‌کند (فارابی، ۱۳۷۴، ص. ۱۲۷). هدف گردهمایی مدینه فاضله دستیابی به سعادت قصوی است و باقی هر سعادت را جز آن مقصد خود قرار داده‌اند. او کوچک‌ترین اجتماع کامل بشری را شهر در نظر می‌گیرد و نظریه‌های خود را بر آن استوار می‌گرداند در حالی که اندیشه‌اش ناظر بر حکومتی جهانی است. چراکه غایت تمامی بشر را فقط کسب سعادت بر مبنای شوقی فطری در نهاد آدمی در تمامی ادوار و اقالیم می‌داند (فارابی، ۱۳۷۴، صص. ۳۷-۳۸).

پذیرش اصل تفاوت در جوامع بشری، قدرت و انعطاف‌پذیری هر شهری را پایه‌ریزی می‌کند. چراکه بقای حیات در جوامع به میزان انعطاف‌پذیری آنها است.

دریافت ریشه این تفاوت‌ها برای ارتقای کیفی شهر ضروریست. از این‌رو فارابی در جوامع بزرگ متشکل از امم مختلف دو دسته خَلق و عادت طبیعی را در ایجاد سبک زندگی خاص آنان تعریف می‌کند. تأثیر افلاک بر شکل‌گیری امت‌های گوناگون به جهت نژاد متفاوت و همچنین وضعیت اقلیمی آنان به جهت آب‌وهوا و نوع تغذیه آنان، سرشت و عادات متفاوتی را برای هر امت ایجاد می‌کند. البته میزان تأثیرگذاری افلاک بر امم در همین حد محدود می‌گردد؛ اما در هر امتی هر انسانی نیز با انسان دیگر تفاوت دارد که این تفاوت سرشتی بر اثر اعطای عقل فعال بر هر فرد است (فارابی، ۱۹۶۴، ص. ۷۰).

گرچه در شکل‌گیری شهر جغرافیا و اقلیم تأثیرگذار است، اما این تمامی آن را تشکیل نمی‌دهد چراکه فارابی معتقد است هر جامعه‌ایی که ظهور می‌کند نخست با درک نیاز همکاری انسان‌ها برای حیات مادی است؛ اما برای حفظ آن و رسیدن به غایت اصلی خود که به‌طور فطری در نهاد او گزارده شده به کمک بیشتری نیاز دارند. اهداف مدنظر آدمی در او شوق انجام افعال و همکاری را ایجاد می‌کند. او معتقد است اهداف آدمی بر اساس ادراکات او شکل می‌گیرد. برخی از این ادراکات از طریق حس و برخی از طریق تخیل او صورت می‌گیرد. بر اساس این ادراکات خواست یا اراده در آدمی ایجاد می‌گردد. این نوع اراده و خواست در تمامی انواع حیوان مشترک است. اما اختیار نوع خاصی از اراده است که فقط در میان انسان ناطق و بر اساس ادراکات عقلی صورت می‌گیرد (فارابی، ۱۳۷۴، ص. ۱۰۰ و فارابی، ۱۹۶۴، ص. ۷۲).

اراده مشترک مانند سایر حیوانات سبب حفظ بقای مادی می‌شود؛ اما اختیار سبب ارتقا کیفی زندگی می‌گردد و پاسخگوی نیاز فطری کمال‌جویی آدمی است. یافتن کمالات در اندیشه فارابی در دو جهت تعریف می‌شود یکی با هدف نافع بودن دیگری در جهت یافتن زیبایی. اهداف نافع که در جهت کامیابی لذت باشند از دیدگاه او مسیر شقاوت است اما اهداف نافع در جهت کسب زیبایی مانند یافتن خود زیبایی است. پس از این جهت کسب هر کمالی در جهت زیبایی یا خود زیبایی باشند لاجرم به مقصد نهایی سعادت می‌رسد و در میان علوم فقط فلسفه یا همان حکمت است که توانایی درک زیبایی را دارد (فارابی، ۱۳۷۱، ص. ۶۴). بدین جهت هر اجتماعی برای نیل به سعادت لاجرم باید از فلسفه مدد گیرد.

اگر تمدن را پدیده‌ای متشکل از تمامی رویدادهای انسانی در نظر بگیریم که دارای یک ذهنیت حاکم بر تمامی تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی



است که در محدوده زمانی رخ می‌دهد پس تمدن یک پروسه محسوب می‌گردد که هویتی جدای از اشخاص اجتماع دارد (خرمشاد و کیانی، ۱۳۹۱، صص. ۳۱-۳۲).

با تطبیق تمدن بر شهر می‌توان این‌چنین برداشت کرد که هر شهری با توجه به غایتی که در نظر اوست تمدنی را در طول تاریخ شکل می‌دهد. در واقع هر شهری با تولد تمدنی متولد می‌گردد و با افول آن زایل می‌گردد. چراکه هر تمدن در نهاد خود برخاسته از حالتی ذهنی برگرفته از غایتی معین است. نوع مقصد از منظر فارابی ناظر بر سیطره‌های ذهنی بر کل زندگی افراد و شهرهاست. بدین جهت تمدن سازنده نوع شهر قرار می‌گیرد که ممکن است در ادوار تاریخی مختلف، شهرها، تمدن‌های گوناگونی را تجربه کنند. اگر تمدنی با غایت سعادتمندی باشد مدینه فاضله شکل می‌گیرد و اشخاص در مدینه نیز به سعادت نهایی خواهند رسید. بدین جهت فارابی با مبنای فطری، طبیعی، ضروری و عقلی بودن تشکیل مدینه و در نظر گرفتن غایت اصلی او یعنی سعادت، مدینه فاضله‌ای را طراحی می‌کند که الگوی سعادت هر شخص در دل جماعت معین می‌گردد. مدینه فاضله‌ای که ظهور و بروز آن با تمدن حاکم بر شهر است.

۵. روش پژوهش

برای دستیابی به الگوی تمدن سعادتمندانه فارابی، با مطالعه کتابخانه‌ای و تحلیل متن اصلی نوشتارهای فارابی ابتدا تعریف او از اجتماع مدنی، تفاوت اجتماعات، فضیلت نظری و فضیلت فکری را با مفاهیم جدید جامعه، دولت، تمدن و فرهنگ معادل‌سازی کرده‌ایم. در این مرحله روش تحلیل کیفی، توصیفی و مقایسه‌ای را برای دستیابی به مطلوب مورد استفاده قرار داده‌ایم. تطبیق واژگان مورد استفاده فارابی در آثارش با واژگان امروزی با حدود و فصول آن کاری دشوار است که نیازمند بررسی جامع اندیشه و تسلط بر ادبیات کلامی و نوشتاری فارابی دارد. سپس بر اساس جمع‌آوری داده‌های کتابخانه‌ای بر اساس منابع اصیل و دسته اول آثار فارابی به طراحی الگو از آراء پرداخته‌ایم. لازم به ذکر است که تطبیق دادن آراء فارابی در زمینه یافتن سعادت انسان در طرح او بر مبنای مدینه فاضله به علت پیوند عمیق آراء او با هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی نیاز به بازخوانی و بازاندیشی آثار او دارد.

۶. یافته‌های پژوهش

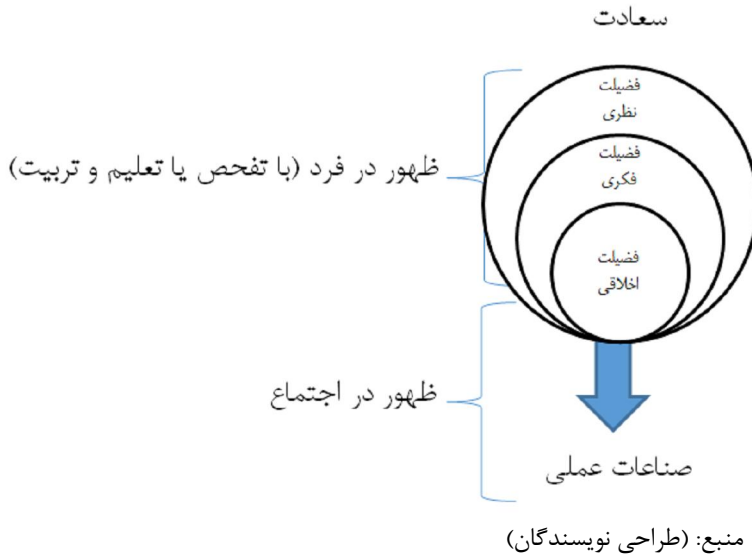
۶-۱. سؤال اول: الگوی سعادت فارابی چیست؟

فارابی در اکثر آثار خود شارح سعادت است. چراکه شوق فطری برخاسته از معلومات نخستین اهدایی از عقل فعال در تمامی انسان‌هایی که دارای فطرتی سلیم هستند وجود دارد که او را به سمت یافتن کمال برتر سوق می‌دهد (فارابی، ۱۹۶۴، ص. ۷۵)؛ اما خیرات و کمالات بسیاریند و ممکن است آدمی برترین خیر را با سایر کمالات و خیرات اشتباه گیرد. او غایت‌انگاری هر چیزی به‌جز سعادت قصوی را مسیر ضلالت می‌داند. بدین‌جهت مسیری را برای آگاهی از این خیر مطلق بیان می‌کند که از رهگذر کسب فضائل است. او در کتاب تحصیل السعاده بیان می‌دارد:

«موارد انسانی که در هر امت یا اهالی شهری ایجاد گردد سعادت دنیا و سعادت قصوی را در دو حیات برایشان فراهم می‌کند در چهار چیز است: فضائل نظری، فضائل فکری، فضائل خلقی و صناعات عملی» (فارابی، ۱۹۹۵، ص. ۲۵).

مهیا بودن بستر کسب فضائل در مدینه فاضله است که موجب می‌گردد افراد مدینه با توجه به غایت در کسب فضائل کوشا باشند. فارابی مشخص می‌سازد که با توجه به تفاوت استعدادهای فطری افراد همه نمی‌توانند به تمامی فضائل درنهایت کمال خود نائل آیند. چراکه میل فطری به شناخت سعادت همگان را به کنه و مسیر نیل بدان رهنمون نمی‌سازد و ممکن است کمالات دیگر را با آن خیر مطلق اشتباه گیرند؛ اما این امر سبب نمی‌شود تا سعادت به‌عنوان امری مجهول در پرده ابهام باقی بماند. فرد یا افرادی که طبعاً دارای استعداد فطری در دریافت عقلی معارف حقیقیه و امکان استعدادی انتقال این امور را به سایر افراد جامعه دارند وظیفه روشنگری و رهبری سایر افراد اجتماع را به عهده می‌گیرند. از این افراد به رؤسای مدائن نام می‌برد. رئیس مدینه به مدد استعداد طبیعی و با جهد در کسب فضائل به دریافت حقیقی از سعادت می‌رسد و سپس او سبب تکوین مدینه می‌گردد (فارابی، ۱۹۶۴، صص. ۷۵-۷۶). فارابی رئیس مدینه را به قلب در بدن مثال می‌زند که در ابتدا با شکل‌گیری آن سایر اعضاء شکل و نظام می‌گیرند و با پویایی او حیات دارند (فارابی، ۱۳۷۴، ص. ۱۱۴).

طرحواره سعادتمندی فارابی بدین صورت قابل بیان است:



شکل (۱): طرحواره سعادتمندی فارابی

باید توجه داشت که الگوی سعادتمندی فارابی بر مبنای هستی‌شناسی او و بر اساس روش خاص معرفت‌شناسی است که برای دستیابی به هر کدام از فضائل الگو و روش خاص نظام‌مندی دارد و تأثیر و تأثر هر کدام بر نفس انسان جهت نیل به کمال و سعادت مشخص است که در این نوشتار مجال شرح آن نیست. در این پژوهش سعی در استفاده از الگوی حاصله برای ایجاد راهکار در بازسازی تمدن سعادتمندانه داشته‌ایم و از بیان مطالب بیشتر پرهیز شده است.

۲-۶. سؤال دوم: بر مبنای الگوی سعادتمندی فارابی، تمدن سعادتمندانه چگونه و با چه مؤلفه‌هایی ساخته می‌شود؟

فارابی در طرح سعادتمندی خود مؤلفه‌هایی را مطرح می‌سازد که در ادامه برای پاسخ به این سؤال به توضیح آنها براساس تعبیر معادل‌سازی شده پرداخته شده است.

۱-۲-۶. فضیلت نظری مؤلفه اصلی ساخت فرهنگ

علوم نظری اقدم و اشرف بر علوم عملی است. ساخت تمدنی نوین بر مبنای ایجاد و

مرمت زیرساخت‌های نظری به جهت دستیابی به الگوی نظری واحد امری ضرور است. در پی کسب فضیلت نظری است که به سعادت و مسیر رسیدن به آن، در دل ایجاد تمدن سعادت‌مندانه مطروحه فارابی مشخص می‌گردد. چراکه نظام عملی او برگرفته از هستی‌شناسی عمیق اوست و بدون آن دستیابی به سعادت حقیقی امکان‌پذیر نیست. در دیدگاه فارابی دستیابی به فضیلت نظری به دنبال کسب حق‌الیقین از علوم نظری آغاز می‌گردد. هر اجتماعی بر مبنای لایه‌های عمیق معرفتی خود که برگرفته از هستی‌شناسی و انسان‌شناسی است، مظاهر خاصی بروز می‌دهد. بدین جهت فارابی فضیلت نظری را از معلومات اولیه (علوم متعارفه یا مشهوره) آغاز می‌کند و با گسترش آگاهی در علوم دیگر به شناخت هستی و انسان می‌پردازد.

فارابی در ضمن بیان علوم نظری به نقش محوری زبان اشاره می‌کند و همان‌گونه که در کتاب الحروف در بندهای ۸۳ و ۸۴ اشاره دارد ضمن بیان مشکلات ترجمه از زبانی به زبان دیگر با کلماتی که دلالت‌های یکسانی دارند، مشکل الفاظ در زبان طبیعی را برای توضیح مفاهیم فراطبیعی مطرح می‌سازد که در نتیجه برای حل این مشکل به جعل لغات بدون نظیر آن در طبیعت یا با کارکردی متفاوت در طبیعت می‌پردازد (فارابی، ۱۳۴۹، صص. ۱۱۲-۱۱۳). او به نقش شفاف‌سازی، تعریف و بازتعریف مفاهیم اهتمامی خاص دارد چراکه رئیس مدینه با ادراکات عقلی خویش از اتصال با ساحت عقل فعال به حقایق موجودات و مبادی هستی پی می‌برد و برای ایجاد هماهنگی و وحدت بین آحاد مردم لازمست تا این الگوی نظری را به آنها منتقل سازد. گفتگوی عمیق در بعد نظر نیازمند آن است تا رئیس مدینه با توجه به اختلاف وجودی افراد به تبار کلام آنان نیز آشنا باشد. و بتواند با الفاظی که دلالت معنایی درست را دارند معلومات عقلی خود را با اعضای شهر به اشتراک گذارد. به همین دلیل فارابی علم زبان را مقدم بر هر علمی قرار می‌دهد که هم برای رئیس مدینه در ارتباط با اعضای شهر لازم است و هم برای اعضای شهر در کسب معارف ضرورت اولیه دارد (فارابی، ۱۳۷۱، ص. ۷۳).

گرچه دریافت رئیس مدینه از مبادی دریافتی عقلی است اما برای آموزش آن به افراد اجتماع در قالب تعلیم و تربیت لازمست تا روشی متناسب با ادراکات اعضای شهر در نظر گرفته شود چراکه انسان‌ها به لحاظ قدرت و سرعت در استنباط، تعلیم و تربیت با هم متفاوت‌اند (فارابی، ۱۹۶۴، صص. ۷۵-۷۶). فارابی در کتاب تحصیل السعاده، تعلیم را از دو راه ممکن می‌داند؛ اگر ذات چیزی به‌طور عقلی مورد تعقل قرار گیرد و با براهین یقینی تصدیق شود آنگاه علوم فلسفی حاصل می‌شود و اگر

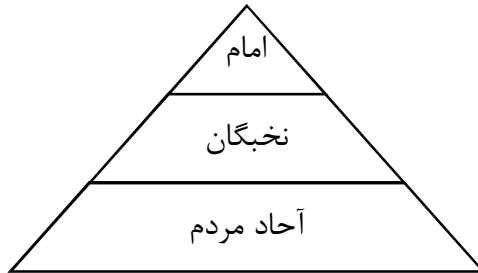
صورت مثالی آن تخیل شود و تصدیق به آنچه خیال آن صورت گرفته از طریق اقناعی روی دهد، معلومات حاصله ملت (دین، شریعت) نامیده می‌شود. فلسفه ذائقه مشهوره و برانیه ملکه ایست که از خود معلومات گرفته شده و طرق اقناعی در آن لحاظ می‌گردد. او در توضیح بیشتر مطلب بیان می‌دارد که هر حقیقتی که فلسفه به صورت معقول ارائه می‌دهد، ملت آن را متخیل می‌نماید و با امور مبادی مدنی آن را حکایت می‌نماید. دستیابی به حقیقت اشیاء از طریق اتصال به عقل فعال فقط خاص فیلسوف و نبی است. روش فیلسوف روشی برهانی و روش نبی روشی خطابه‌ای - اقناعی است.

عقلانی بودن روش فیلسوف و تخیلی بودن روش نبی به معنای برتری فیلسوف بر نبی نیست؛ چراکه اولاً، دریافت حقیقت در هر دو از یک منشاء است. ثانیاً، روش ادراک هر دو در تبدیل عقل بالقوه به عقل مستفاد در اتصال به عقل فعال است ولی روش تعلیم آنها به آحاد مردم روش‌های متفاوتی است. فیلسوف ممکن است به ادراک کلیات عقلی نایل آید ولی توانایی تعلیم بر دیگران به روشی غیر عقلی نداشته باشد اما نبی از زبان رمز، اشاره، کنایه، تشبیه و تمثیل بهره می‌برد و تمثلات همان معلومات عقلی را با اموری که در مبادی مدنی نظیر آنهاست حکایت می‌کند (فارابی، ۱۹۹۵، صص. ۸۷-۹۰). در بین فیلسوفان و آحاد مردم درجاتی وجود دارد که هر کس به مقتضای استعداد فطری خویش بهره‌ای برده است. که رئیس مدینه هر کدام که باشد ضروریست به شیوه درست به آگاه‌سازی اعضای جامعه بپردازد. به همین جهت خطابه نبی نیز دارای درجه و مراتب است چنانچه خطبه‌ای از خطابه حضرت علی بن ابیطالب (علیه‌السلام)، برهان برهان‌هاست (داوری اردکانی، ۱۳۷۸، ص. ۱۲۱).

فارابی در نظام سیاسی خویش، سلسله مراتبی را برای ارتباطی عمیق با تمامی اعضای مدینه طراحی می‌کند تا به سهولت امور بیفزاید. نظام سیاسی او در شهرها برگرفته از نظام آفرینش بعد از سبب نخست است. او سه دسته را در بین اعضای مدینه مشخص می‌کند؛ طبقه رؤسا، طبقه متوسط و طبقه خدمتگزار. ارتباط رؤسا با طبقه خدمتگزار را به دست طبقه متوسط می‌سپارد که رئیس طبقه خدمتگزار و مروس طبقه رؤسا قرار می‌گیرند. بدین ترتیب طبقه رؤسا با کمک طبقه متوسط که همان نخبگان هر شهری محسوب می‌گردند به آموزش و روشنگری طبقه خدمتگزار می‌پردازند.

این طبقه‌بندی نه به معنای ارزش‌گذاری بر افراد به سبب میزان بهره‌مندی از سعادت است بلکه به سبب میزان بهره افراد از اعطای عقل فعال است و در جهت بهره‌مندی بیشتر افراد از فضائل است. چراکه در دیدگاه فارابی استعداد فطری افراد به

معنای داشتن فضیلت نیست، بدین جهت فارابی ضرورت آموزش را مطرح می‌سازد (فارابی، ۱۳۶۴، صص. ۳۱-۳۲). اتحاد نظر بین رئیس مدینه با نخبگاه سبب اتحاد در بین اعضای شهر می‌گردد و این امر برای ساخت هر تمدنی و دوام آن بسیار ضروریست که فارابی با قرار دادن رؤسای مختلف در هر بخشی از شهر اندیشه زیبای رئیس اول را نیکو در اذهان اعضای شهر می‌اندازد و در نتیجه به امور آنان رسیدگی می‌کند.



منبع: (طراحی نویسندگان)

شکل (۲): طرز حواره هرم سلسله‌مراتب در مدینه فارابی

فارابی معتقد است جنبه دیگر در انتقال مفاهیم رئیس مدینه رابطه بر مبنای محبت است که در کنار مقام اثبات جایگاه او به‌عنوان رئیس مدینه، مقام ثبوت را برای او فراهم می‌آورد. او سه دسته محبت ارادی را در شهرها ترسیم می‌کند؛ محبت بر مبنای فضیلت، منفعت و لذت؛ عدل را تابع محبت قرار می‌دهد. وقتی رئیس مدینه فضائل نظری دریافته خود را با اعضاء مدینه در میان گذارد - از آنچه آغاز و سبب آفرینش است تا غرض دستیابی سعادت و شیوه طی این مسیر - محبت در فضیلت حاصل می‌گردد. سپس اعضاء در یاری یکدیگر با هم همکاری می‌نمایند و محبت در منفعت مشترک صورت می‌گیرد و در نهایت شادی حاصل از همکاری و غایت زیبا محبت دیگر را ایجاد می‌کند (فارابی، ۱۳۶۴، صص. ۷۱-۷۲). او این رابطه محبتی را از اصل آفرینش که بر مبنای تعشق است الگوبرداری کرده است. همان‌گونه که آفرینش نتیجه تعشق در ذات سبب نخست است و نه هدفی برای او، محبت بین رئیس مدینه و مردم آن مدینه، محبت ناشی از اشتراک در فضیلت است. این محبت ناشی از افق اندیشه سبب اشتراک در ابداع مدینه، غایت و مسیر رهگذر به غایت می‌گردد.

در دیدگاه فارابی عدل به تبعیت از محبت حاصل از اشتراک فضیلت در مدینه فاضله ایجاد می‌گردد تا مردمان شهر اطمینان یابند که هر کس سهم خود را از



خیرات مشترک چون سلامت، ثروت، کرامت، جایگاه و تمامی خیرات مشترک دیگر به قسط و تناسب شایستگی دریافت می‌دارند. فارابی در ادامه گسترش معنای عدل به دو موضوع قانون و ثبات اشاره دارد (فارابی، ۱۳۶۴، ص. ۷۴). که این دو سبب ایجاد اطمینان، آرامش و آسایش در بین اعضای شهر می‌گردد و از پایه‌های اساسی برای رشد تمدن‌ها محسوب می‌شود.

۲-۲-۶. فضیلت فکری و راهبردهای تمدن‌سازی

فضیلت نظری حاصل از بنیادهای معرفتی در سازوکاری عمیق با سازمان‌های علمی هر شهر سبب پویایی و انعطاف در تمدن و در نهایت تداوم حیات آن می‌گردد. بدین‌صورت که سازمان‌های علمی که در دست نخبگان است و مرکز آموزش به اعضای جامعه، پل ارتباطی رئیس‌مدینه با اعضای جامعه محسوب می‌گردد. فضیلت نظری که به ایجاد نظریات بر مبنای بنیادهای معرفتی خود پرداخته است سازوکاری برای اجرایی شدن در مدینه لازم دارد و این سازوکار از طریق کسب فضیلت فکری ایجاد می‌گردد.

بدین‌منظور فارابی علوم را از منظر کاربرد به دو دسته نظری و عملی تقسیم می‌کند. علوم عملی نیز بر مبنای دو کارکرد دیگر قوه ناطقه (مهنی و مروی) به دو دسته علم نظری ناظر بر عمل و علم عملی تقسیم می‌شود. فضیلت فکری برگرفته از علوم ناظر بر عمل با فعلیت قوه مرویه حاصل می‌شود. قوه مرویه امکان تشخیص اعمال زیبا از نازیبا، صواب از ناصواب را دارد. آنچه از مرویه بالفعل حاصل می‌گردد اموریست که پیش‌بیشتر مردم شهرت دارد و همچنین آنچه با تجربه‌های مختلف به‌دست آمده است (فارابی، ۱۳۶۴، صص. ۵۹-۶۰). پس با استفاده از قوت نیروی فکریه، زیبا از نازیبای آنچه در بین اقوام رواج یافته با فضیلت نظری حاصل شده سنجیده می‌شود. توسط رؤسا ناصواب آن پالایش و صواب آن تقویت می‌گردد. همچنین افعال اختیاری زیبا را در بین آن امت ایجاد می‌کند. آدمی بر اساس شوق برخاسته از این تشخیص و آگاهی است که به افعال خود می‌پردازد.

نیروی فکریه با در نظر گرفتن غایت، اموری را که برای رسیدن به غایت نافع‌اند را مقدم قرار می‌دهد. اگر فرض بر این باشد که نیروی نظری در بدو امر اشیاء طبیعی را درست شناسایی کرده باشد آنگاه نیروی فکریه غایت نافع را در نظر می‌گیرد که منجر به امور خیر می‌گردد و فضیلت فکری حاصل می‌گردد. اما اگر نیروی نظری در مقدمات یا استنتاجات مسیر درستی را نپیموده باشد آنگاه امور غیرنافع یا اموری که

در نافع بودن آنها شک است در نظر گرفته می‌شود و نیروی فکریه به فضیلت فکری نمی‌انجامد و نیرویی که غایت شر یا مضمون دارد را ایجاد می‌کند (فارابی، ۱۹۹۵، ص. ۵۶). بر این اساس نیروی فکری کاملاً در راستای نیروی نظری قرار می‌گیرد و فضیلت نظری، به فضیلت فکری می‌انجامد.

فضیلت فکری قسمی از نیروی فکری است که ناظر بر عمل مشخص است که کلیات آن در علوم نظری به‌دست آمده بود و حاصل نمی‌شود مگر با کسب تجربه و پیمودن مسیر خطا و ثواب، چراکه افراد در یک امت هم دارای تفاوت نژادی هستند و هم دریافت‌های متفاوت از عقل فعال دارند. بدین جهت متناسب عادات طبیعی و ادراک خود برداشت متفاوتی از فضائل نظری دارند و در نتیجه عملکرد آنان نیز متفاوت می‌شود. لازمست هم در پی ایجاد خلق جدید در بین مردم هر شهر متناسب دریافت‌های فطری هر کس آگاهی لازم به او داده شود و هم عادت نادرست پالایش گردد.

اگر فرهنگ را مفهومی گسترده از ارزش‌های اجتماعی و هنجارهای اجتماعات بشری در نظر بگیریم که برخاسته از باورها و دانش اعضای اجتماع است که منجر به عادات و خلق‌های اعضاء و در نتیجه وضع قوانین و ایجاد صناعات می‌گردد (آشوری، ۱۳۵۷، ص. ۳۹). مجموعه فضیلت نظری و فضیلت فکری در مدینه فاضله سازنده فرهنگ حاکم بر مدینه است. بر مبنای اندیشه فارابی ساخت فرهنگ‌ها با آموزش اعضای مدینه توسط نخبگان که منطبق با نظریات رئیس مدینه است، راهی مشترک در اندیشه، زندگی و کنش‌های اعضاء ایجاد می‌کند. بدین معنا فرهنگ در رأس ایجاد یک تمدن قرار دارد که منجر به سازگاری اعضاء مدینه با نیازهای فطری و کمالی آنان با توجه به اقلیم‌های متنوع می‌گردد. این‌چنین ممکن است یک فرهنگ واحد در مدینه در اقالیم متنوع بروزات متفاوتی داشته باشد.

فضیلت فکری در تقویت نیروی فکری اعضای مدینه در سازمان‌های علمی توسط نخبگان بوقوع می‌پیوندد. غفلت از عرصه آموزش اعضای مدینه سبب گرفتاری به انواع تنش‌های فرهنگی و تمدنی می‌گردد. درعین حال اگر ارتباط بین اعضای مدینه با رؤسا و رئیس مدینه برقرار نباشد آنگاه گفتگوهای علمی در سطوح مختلف از بین می‌رود و موضوعات جدید که نتیجه ساخت فرهنگی و تمدنی نوین است حل نشده باقی می‌ماند و رؤسا از پردازش نظریه‌های علمی باز می‌مانند چراکه موضوعی برای نظریه‌پردازی نمی‌یابند. این مسئله ضرورت اساسی ارتباط رؤسا با اعضای جامعه توسط آموزش در کانون‌های علمی را نشان می‌دهد. این‌چنین لازمست تا دو دسته نظریه‌پردازی را در هر مدینه داشته باشیم. دسته اول نظریات مبتنی بر بنیادهای



معرفتی که توسط رئیس مدینه از کسب فضیلت نظری او حاصل می‌گردد و نظریه‌هایی که توسط نخبگان با توجه به شرایط و مسائل پیش آمده در بین اعضای جامعه در نقاط مختلف و زمان‌های متفاوت ایجاد می‌گردد، که نظریه‌های نخبگان برگرفته از نظریه‌های رئیس مدینه و ناظر بر مسائل پیش روست. این چنین لازمست تا عادات و خلق‌هایی در بین اعضا ایجاد گردد و یا ملکاتی از بین برود.

۶-۲-۳. فضیلت اخلاقی و بروز فرهنگ

از منظر فارابی ایجاد خُلق گرچه ابتدا به صورت استعداد فطری در نهاد هر شخص است اما این استعداد فطری برای او فضیلت یا رذیلت محسوب نمی‌گردد. مثال او در این زمینه شخصی است که استعداد در نویسندگی دارد اگر این استعداد را با یادگیری خوب نوشتن به کار گیرد به طوری که همواره از او نوشته‌های خوب ایجاد گردد آنگاه است که فضیلت نویسندگی را به دست آورده است. فارابی بیان می‌کند شاید افراد، افعال نیکو یا قبیحی را بر اثر هر امری غیر از اختیار انجام دهند چون آن امور برگرفته از شوق برخاسته از ادراک عقلی نیست پس قابلیت سنجش را ندارد. استعدادهای فطری فقط زمینه انجام افعال را آسان تر می‌کنند (فارابی، ۱۹۶۴، ص. ۳۱).

دو شرط آگاهی و مداومت برای ایجاد خُلقی که قابلیت ستایش یا نکوهش را داشته باشد الزامیست. اینکه فرد بداند چرا آن عمل را انجام می‌دهد و نیز بداند از کجا می‌داند که این امریست زیبا، تأکید بر آگاهی شخص بر فضیلت نظری و فضیلت فکری از عمل خویش را دارد (فارابی، ۱۳۷۱، ص. ۴۲). چون ممکن است فردی فعلی را بر اثر اجبار انجام دهد که به محض رفع آن اجبار از انجام آن فعل دست بکشد. از این رو اخلاق از منظر فارابی تماماً اکتسابی می‌گردد (فارابی، ۱۳۷۱، ص. ۴۵). یا ممکن است فردی خوی و صفتی را به علت شرایط اقلیمی خاص خود داشته باشد ولی از لحاظ فکری بر نحوه اجرای آن در هر زمانی آگاه نباشد یا سبب اشتباهی را برای انتخاب آن در نظر گرفته باشد. فارابی مثال صفت شجاعت را بیان می‌دارد که ممکن است فرد شجاع از ترس پلیدی‌های بزرگ‌تر به پلیدی‌های کمتر روی آورد و ترک شادی و خوشی خود را کند و این را خیری برای خود پندارد. در حالی که کنه سعادت امری نیست که با چیزی جایگزین گردد او خود غایتی است که نهایت همه خیرات است که با امر دیگری معاوضه نمی‌گردد (فارابی، ۱۳۶۴، ص. ۸۲). پس آنچه فرد شجاع با این انگیزه طلب کرده است سعادت نیست.

آن دسته از خُلق‌ها فضیلت محسوب می‌شوند که دارای اعتدال باشند. در دیدگاه

فارابی اعتدال و در نتیجه اخلاق نسبی می‌گردد؛ اما این نسبی بودن متوجه قسمت عملی است و راه به بخش نظر ندارد. او از این مثال برای بیان منظور خود استفاده می‌کند؛ صبر میانه حالت زیاده‌روی در غضب و حالت هرگز خشمگین نشدن از چیز است (فارابی، ۱۳۶۴، ص. ۳۶) و خود غضب اعتدالش به حسب مغضوب، آنکه مورد غضب قرار گرفته، هدف از آن خشم، زمان و مکان آن متفاوت است (فارابی، ۱۳۶۴، صص. ۳۸-۳۹).

با توجه به تعریف او از اخلاق هرگاه شخص به فضیلت فکری رسید و توانست خُلُقی را در خود ملکه گرداند آنگاه در زمان‌ها و مکان‌های مختلف بروزات معتدلی از آن را دارد. ملکه شدن در دیدگاه فارابی حالتیست که جداسازی آن خوی از فرد یا ممکن نباشد یا بسیار سخت و آن فعل دائماً و با فاصله اندک از او سر بزند (فارابی، ۱۳۷۱، ص. ۴۵). حال تمامی ملکات این چنین است. پس لازمست که خُلُق اشخاص متناسب با اقلیم و زمان خود تنظیم گردد. ایجاد اعتدال در عمل و منش اشخاص برگرفته از قوت گرفتن نیروی فکر است قوت نیروی فکر نیز به میزان تجربه‌ورزی او بستگی دارد. افراد هر شهر گرچه به سبب سرشتی دارای عادات و سبک‌های زندگی خود هستند؛ اما اگر به مبنای رفتار و کارهای خود آگاه نباشند و قدرت تمییز صواب از ناصواب را نداشته باشند نه تنها قدرت بازآفرینی و تجدید عادات جدید را ندارند بلکه طبق دیدگاه فارابی با این افعال خنثی راه به سعادت نخواهند برد. وابستگی فضیلت اخلاقی به فضیلت فکری خود سبب تفکر نقادانه در امور می‌گردد که نتیجه آن پیشرفت و کسب کمالات بیشتر است. به نظر می‌رسد دیدگاه فارابی در ایجاد تمدن سعادت‌مندان بر مبنای ایجاد ملکات اخلاقی با رویکرد عقلیست که در هر طایفه و اقلیمی به مقتضای خوی افراد آن طایفه بروز متفاوتی دارد ولی چون بر مبنای معلومات عقلی سنجیده می‌گردد و درست از نادرست پالایش می‌گردد پس در مسیر سعادت است، و اخلاقی عمل کردن بر مبنای معلومات عقلی درست، همان دینداری محسوب می‌گردد.

۴-۲-۶. صناعات عملی و پیشرفت مدن

در پی ملکه شدن اندیشه‌ها و خوی‌های نیکو، صنایع ایجاد می‌گردد. اگر هر شخص بر مبنای استعداد ذاتی، زیبایی‌های آن را کسب کند صناعات به برترین شکل خود ایجاد می‌گردد. جلوه شهودی فضیلت‌های قبل در مدن با صناعات مشخص می‌گردد. پیشرفت صناعات هم نتیجه کسب فضائل نظری، فکری و اخلاقی است و هم مؤثر در



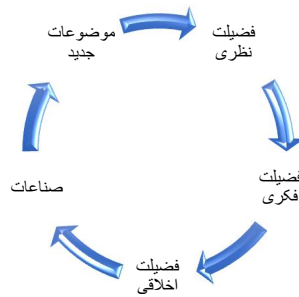
آنها؛ چراکه کمالات متعددی برای آدمی از پیشرفت در علوم مختلف حاصل می‌آید و هم پیشرفت علوم مختلف مسائل جدیدی را در امور نظری مطرح می‌سازد که زمینه پیشرفت در ابعاد نظری، فکری و اخلاقی می‌گردد. این رابطه اساسی بین امور مادی و معنوی پویایی و چرخش در اجتماع را سبب می‌گردد. تقویت شاخص‌های کیفی زندگی افراد جامعه با پیشرفت همه جانبه در تمامی فضیلت‌ها میسر است.

بر اساس الگوی سعادت فارابی، تمدن‌ها در گستره فرهنگ سعادتمندی دو نوع سعادت را دربرمی‌گیرند؛ سعادت در دنیای مادی که به سعادت قصوی در عالم فرای طبیعت متصل است. از منظر فارابی هر فعلی که برای غایت زیبا باشد خود نیز زیباست. او این چنین کمالات مادی را به غایت کمالات پیوند می‌دهد و امور معنوی را حاکم بر امور مادی می‌گرداند (فارابی، ۱۹۶۴، ص. ۷۲). صناعات عملی ابزار تحقق سعادت در دنیای مادی هستند و شامل سبک زندگی، پیشرفت علوم و فنون، امنیت و آسایش‌اند. پیشرفت همه‌جانبه این امور منجر به ایجاد مسائل جدید در حوزه اخلاق سپس نیروی فکری و در نهایت احتیاج به نظریات مبنایی جدید است. در دیدگاه فارابی دریافت معلومات جدید برای موضوع‌های حاصل‌شده، انتقال آن معلومات، عادت‌سازی و در نهایت ایجاد صناعات جدید در هر تمدنی به فردی خاص متناسب با استعداد فطری او بستگی دارد. از طرف دیگر مبرهن است که قوت رئیس مدینه در کسب فضائل نظری به نظریه‌های جدید ختم می‌شود که در سیر کسب سعادت به پیشرفت در صناعات می‌انجامد.

۳-۶. سؤال سوم: براساس الگوی سعادت فارابی تمدن سعادتمند چگونه از افول خودداری و خود را باز تولید می‌کند؟

فارابی با طراحی چرخه‌ای پویا و زنده سعی در بازآفرینی همواره تمدن سعادتمندانه دارد و این چنین از افول این تمدن جلوگیری می‌کند. چرخه پیشرفت تمدن در نگاه فارابی به این شکل قابل بیان است:





منبع: (طراحی نویسندگان)

شکل (۳): طرحواره پیشرفت تمدن

این تمدن پویا و زنده است که در سایه سعادت قصوی به ظهور می‌رسد و منجر به سعادت اشخاص در حیات دیگرشان می‌گردد. چنین پویایی و بازتولیدی در تمامی فضیلت‌ها سبب می‌گردد با توجه به هر دوره‌ای نیازهای اشخاص بازتعریف گردد و در چرخه اندیشه و عمل به پاسخگویی برخیزد. سعادت در دنیای مادی با شکل‌گیری هر چهار فضیلت به تمام و کمال در همه افراد مدینه از رئیس مدینه تا تک‌به‌تک اعضاء است. این مسیر اندیشه روان است که با چهارچوب فلسفی که حدود عقل را بامنتق معین می‌کند و جلوی انحرافات عقل را می‌گیرد میسر است که هم در کل مدینه جاریست و هم در تک‌به‌تک اعضاء جامعه.

فارابی برای هر تمدن هویتی جدای از افراد آن در نظر می‌گیرد که دارای آغاز و غایتی است. این هویت در عین مستقل بودن از افراد جامعه در تمامی افراد جامعه تأثیرگذار است. سؤال اینست که اگر تمدنی با هویت مستقل از اعضاء و همکاری تمامی اعضاء آن به سعادت می‌رسد سعادت قصوی برای شخص چگونه در آن تمدن مستقل، تحقق می‌یابد؟

مدینه فاضله کیفیتی خاص از زیست مردمانی است که در گذر زمان جایگزین یکدیگر می‌شوند و او همچنان ادامه دارد و تعالی می‌یابد. شاید چنین به‌نظر رسد که افرادی که جایگزین یکدیگر می‌شوند تا تحقق مدینه فاضله را به حد اعلی آن برسانند خود به کمال قصوی خویش نرسیده‌اند. در اندیشه فارابی سعادت قصوی امریست در لازمان و لامکان که در آن نوع انسان از اشخاص مکتسب فضائل در هر دوره زمانی و مکانی کامل می‌گردد. این درحالیست که او به رهایی از قفس تن رسیده باشد. فارابی در فصول منتزعه مشخص می‌کند منظور او از رهایی از تن مرگ



شخص نیست بلکه حالتی است که نفس شخص در کنش‌های خود برای تعالی به تن، کالبد و همچنین امور جسمانی محتاج نباشد (فارابی، ۱۳۶۴، صص. ۸۶-۸۷) این حالتی است که فارابی آن را سعادت قصوی می‌نامد:

«سعادت این‌چنین است که نفس انسان از کمال در وجود به حیثی برسد که در قوام خود (نفس) محتاج به ماده نباشد و این در (جمله) همه اشیاء بری از اجسام و در تمامی جواهر مفارق از مواد گردد و و در این حال دائماً و ابداً باقی می‌ماند» (فارابی، ۱۳۷۴، صص. ۱۰۰-۱۰۱).

آدمی به این حال دست نخواهد یافت مگر به مدد نیروهای جسمانی کالبد خویش، طبیعت و افراد دیگر مدینه. همچنین آدمی در می‌یابد که افراد در مدینه علی‌البدل دارند و فردی جایگزین فرد دیگر می‌شود، در حالی که مدینه به حیات خویش ادامه می‌دهد؛ اما هر شخص در برهه زمانی و مکانی خاص خود در مدینه متناسب با آگاهی درونی خویش و عمل به آن آگاهی‌ها به سعادت قصوی خویش می‌رسد. این‌چنین هم شخص در تعالی مدینه مؤثر است و هم مدینه در تعالی شخص.

در نظام سلسله‌مراتبی فارابی تمامی اعضاء مؤثرند گرچه شاید کار برخی جلوه بیشتری داشته باشد و در ظاهر امر رئیس بر خدمتگزار غلبه داشته باشد؛ اما اگر توجه به اصل دستیابی به سعادت مدنظر گرفته شود که اساس آن چون اصل آفرینش بر محبت استوار شده است، آنگاه است که این رتبه‌بندی ارزش خود را از دست می‌دهد. چراکه چرخش این سیر صعودی به تک‌تک اعضای شهر، همبستگی و همکاری آنان در سایه محبت بسندگی دارد. به این معنا که هر شخص با کسب تمامی فضائل متناسب با استعداد و به مدد تلاش به کسب ملائک نیکو لاجرم به سعادت می‌رسد. او در فصول منتزعه با بیان دو دسته دانای به فضائل نظری که عامل به آن نیست و عمل‌کننده بدون دانایی، معتقدست کنشگر بی‌دانش به دستیابی سعادت نزدیک‌تر است تا داننده بی‌عمل، چراکه اندیشه امریست پیوسته و دستیابی به علوم نظری و بسندگی به آن زمینه تعالی شخص را ندارد (فارابی، ۱۳۶۴، صص. ۱۰۰-۱۰۱). از دیدگاه فارابی گرچه مظهر سعادت در پیشرفت همه جانبه در عالم ماده است؛ ولی اجتماعی سعادتمند است که بیشتر از داشته‌های تکنولوژیک و علمی خود، فهم از آن را داشته باشد. تأکید فارابی بر آگاهی از چرایی عمل‌کرد اشخاص و اینکه بداند از کجا این دانش بر او روشن گشته (به‌طور کلی آگاهی بر مبنای نظری) برخاسته از این امرست. او بدین‌جهت بهترین آگاهی را دریافت از فلسفه و حکمت می‌داند که به کنه زیبایی‌ها پی می‌برد. فارابی در کتاب

المه به این مسئله اشاره دارد که فلسفه همان شریعت یا ملت است که یکی از زبان فیلسوف و دیگری از زبان نبی با شرایط گفته شده بیان می‌گردد و تفاوتی بین این دو نیست. منشأ دریافت هر دو از حقیقتی واحدست و قواعد اخلاقی و قانونی موجود در هر دو بر مبنای معلومات عقل استوار می‌گردد.

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد با وجود انواع نظام‌های سیاسی مدینه فاضله‌ای که فارابی در کتب خود اعلام داشته دستیابی به تمامی آنها در الگوی کلی سعادت قرار دارند که این الگو برگرفته از نظام آفرینش است. الگویی که در مقیاس کوچک‌تر در مدینه اجرا می‌شود و در نهایت در خود فرد به منصف ظهور می‌رسد. بر این مبنای سازوکارها از مبدأ تا مقصد بر اساس نظام آفرینش و سلسله مراتب آن، جایگاه و نقش افراد مشخص می‌گردد و اگر هر کس بر این اساس این الگوی زنده و پویا سیر کند لاجرم به مقصد سعادت خواهد رسید. برپایی مدینه فاضله با تعالی عقل و سیطره عقلانیت بر زندگی بشری بر مبنای محبت است که به برپایی قسط و عدل می‌انجامد. او گرچه از عقل به عنوان ابزاری برای نفس در جهت دستیابی به سعادت بهره می‌برد؛ اما در نهایت سعادت را صرفاً عقلی نمی‌داند بلکه با بهره‌گیری از قدرت تفکر در انجام اعمال متناسب اخلاقی و تأمل در افکار و اعمال، حال نفس را در زندگی نخستین و پسین به آگاهی حقیقی او پیوند می‌زند.

می‌توان سیر این تکامل بشری در جامعه سعادتمند را در دیدگاه فارابی به اصل ارتباط بین طبقه رؤسا با نخبگان و مردم دانست که در این ارتباط هم شناخت رؤسا از فرهنگ و خرده‌فرهنگ‌های مردم، مطالبات و مشکلات و مسائل آنها ایجاد می‌شود و هم امکان انتقال فرهنگ سعادتمندان به مثابه روح حاکم بر جامعه سعادتمند صورت می‌پذیرد. با پیش‌فرض نظریه فارابی بر مدیریت‌پذیر بودن تمدن، تنها در صورتی این طرح می‌تواند نقش‌آفرین باشد که از فضای نخبگانی بیرون آید و با لایه‌های مختلف اجتماع تمدنی و آحاد مردم پیوند خورد.

پیشنهاد‌های راهبردی

از این رو راهکارها و راهبردهای زیر در جهت تحقق می‌تواند مثمرتر واقع شود؛

الف. راهبردهای فرهنگ محور

۱- شناخت انگاره‌ها، افکار، شبهات و به‌طور کلی نوع اندیشه و سبک زندگی مردم



در هر خطه‌ای در کشور با اجرای طرح‌های پژوهشی و پیمایشی مستمر.
۲- اهتمام به نقش اساسی آموزش از سمت رؤسا و نخبگان به آحاد مردم جهت آگاهی از مبانی فرهنگی و بنیادهای تمدنی خویش، توسط مراکز علمی به صورت مستمر و پایدار و ارتقای کمی و کیفی آن.

۳- ایجاد فضای گفتگو رؤسا با مردم جهت آگاهی رؤسا و نخبگان از شرایط و تحولات در سبک زندگی، فضای ذهنی مردم در هر طایفه، اقلیم و مذهبی، آشنایی کامل رؤسا با خرده فرهنگ‌های قومی و اقلیمی مردم جهت ارتقا خلق و خوی‌ها یا پالایش آنها با آموزش متناسب فرهنگ و سنت آنها با شناخت مشکلات، شبهه‌ها، درخواست و مطالبات آنها.

ب. راهبردهای اقتصادمحور

- ۱- استعدادیابی افراد کشور برای سوق دادن آنها در فرایند تمدن‌سازی با آموزش مناسب آن استعداد و ایجاد زمینه اشتغال در راستای همان استعداد.
- ۲- تأمین نیازهای مادی معلمان، مبلغان، اساتید، محققان و خطبا در راستای آگاه‌سازی آحاد مردم در تمامی مناطق کشور.
- ۳- ایجاد و توسعه مراکز خدمات آموزش عمومی.

فهرست منابع

- آشوری، داریوش (۱۳۵۷). مفاهیم و تعریف فرهنگ. تهران: رامین.
- احسانی، سید آصف (۱۳۹۹). فارابی و مسئله سعادت. *دوفصلنامه پرتو خرد*، (۱۱)، ۱۳۵-۱۵۴.
- اردستانی، مریم (۱۳۸۰). فارابی، سیاست ارسطو و پولس فارسی. *میراث شهاب*، (۲۵)، ۱۳۶-۱۴۲.
- اطاعت، محمدجواد (۱۳۷۹). اندیشه سیاسی فارابی. *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، (۱۵۹-۱۶۰)، ۱۲۰-۱۲۵.
- تورانی، اعلی؛ عمرانیان، نرجس و مرتضوی، ام‌البنین (۱۳۹۱). رابطه سعادت و سیاست از دیدگاه فارابی. *آموزه‌های فلسفه اسلامی*، (۱۰)، ۱۰۷-۱۲۰.
- جوادی، محسن (۱۳۸۲). تحلیل و نقد نظریه سعادت فارابی. *دوفصلنامه علمی هستی و شناخت*، (۵)، ۱۰۱-۱۲۰.
- حسنی، محمدباقر (۱۳۸۹). مدینه فاضله در اندیشه سیاسی فارابی و افلاطون.

- مطالعات تطبیقی قرآن و حدیث، (۸۹)، ۱۰۵-۱۴۲.
- خرمشاد، محمدباقر و کیانی، نیما (۱۳۹۱). تمدن اسلامی - ایرانی الهام بخش موج سوم بیداری اسلامی. *مطالعات انقلاب اسلامی*، (۲۸)، ۲۷-۵۰.
- داوری اردکانی، رضا (۱۳۷۸). *نگاهی دیگر به تاریخ فلسفه اسلامی*. تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- فارابی، محمد بن محمد (۱۳۴۹). *الحروف*. محسن مهدی، بیروت: دارالمشرق.
- فارابی، محمد بن محمد (۱۳۶۴). *فصول منترعه*. نجار فوزی متری، تهران: مکتبه الزهرا.
- فارابی، محمد بن محمد (۱۳۷۱). *التنبیه علی سبیل السعاده*. حقیقه و قدم جعفر آل یاسین، تهران: حکمت.
- فارابی، محمد بن محمد (۱۳۷۴). *آراء اهل المدینه الفاضله*. علی بو ملحم، بیروت: دار والمکتبه الهلال.
- فارابی، محمد بن محمد (۱۹۶۴). *السیاسه المدنیه*. نجار فوزی متری، بیروت: المطبعه الکائولوکیه.
- فارابی، محمد بن محمد (۱۹۹۵). *التحصیل السعاده*. علی بوملحم، بیروت: دار و المکتبه الهلال.
- کاپلستون، فردریک (۱۳۷۵). *تاریخ فلسفه یونان و روم*. ترجمه سید جلال مجتبوی، تهران: سروش.
- کرد فیروز جانی، یارعلی (۱۳۸۹). *سعادت انسان و نقش دین در آن از دیدگاه فارابی*. *فصلنامه تخصصی فلسفه و الهیات نقد و نظر*، (۶۰)، ۴۷-۶۰.
- محمودی، نورالدین (۱۳۹۱). *آرمان‌شهر فارابی*، جامعه مطلوب از دیدگاه فارابی و جایگاه تعلیم و تربیت در آن. *رشد آموزش علوم اجتماعی*، (۵۵)، ۱۶-۲۱.
- مقربى، نواب و پورحسن، قاسم (۱۳۹۰). *فارابی و راه سعادت* (کاوشی در باب اخلاق فضیلت از نگاه فارابی). تهران: مؤسسه بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- مهاجرنیا، محسن (۱۳۸۰). *اندیشه سیاسی فارابی*. قم: بوستان کتاب قم.
- یوسفی راد، مرتضی (۱۳۹۷). *اسباب و عوامل سعادت در آرای فارابی*، ابن سینا و خواجه نصیرالدین طوسی. *فصلنامه سیاست متعالیه*، (۶)، ۱۶-۳۶.

References

- Ardestani, M. (2001[1380]). *Fārābī seyasat-e Arasto va polse farsi* [Farabi, Politics of Aristotle an Persian Paul]. *Heritage of Shahab*: (25), 136-142. (In Persian)
- Ashouri, D. (1978 [1357]). *Mafāhīm va ta'rif-e farhang* [Concepts and definition of culture]. Tehran: Iran. Ramin. (In Persian)
- Capelston, F. (1996 [1375]). *Tārīkh-e falsafe-ye Yūnān va Rūm* [History of Greek and Roman Philosophy] (V1, S. J. Mojtaboi, Trans.). Tehran: Iran. Soroush. (In Persian)
- Davari Ardakani, R. (1999 [1378]). *Negāhī dīgar be tārīkh-e falsafe-ye eslāmī* [Another look at/A new view towards the history of Islamic philosophy]. Tehran: Iran. University of Tehran Publishing Institute. (In Persian)
- Ehsani, A. (2019[1399]). *Fārābī va masala-y sa'ādat* [Farabi and the problem of happiness]. *Partu Khord biannual journal*, (11), 135-154. (In Persian)
- Etaat, M. (2000[1379]). *Andishe seyasi Fārābī* [Farabi's political thought]. *Political-economic information*: (159-160), 120-125. (In Persian)
- Farabi, M. bin M. (1995 [1374]). *Ārā' ahl al-madīnah al-fāḍilah* [Views of the inhabitants of the virtuous city] (A. Bo Malhem, Trans.). Beirut: Lebanon. Dar wa-al-Maktabah al-Hilal. (In Persian)
- Farabi, M. bin M. (1995). *Taḥṣīl al-sa'ādah* [Pursuit of happiness] (A. Bo Malhem, Trans.). Beirut: Lebanon. Dar wa-al-Maktabah al-Hilal. (In Persian)
- Farabi, M. bin M. (1992 [1371]). *al-Tanbīh 'alā sabīl al-sa'ādah* [Guidance on the path to happiness] (J. Al-Yasin, Trans.). Tehran: Iran. Hikmat. (In Persian)
- Farabi, M. bin M. (1970 [1349]). *al-Ḥurūf* [The letters] (M. Mehdi, Trans.). Beirut: Lebanon. Dar al-Mashriq. (In Persian)
- Farabi, M. bin M. (1985 [1364]). *Fuṣūl muntaza'ah* [Selected chapters/Extracted sections] (N. Fouzi Metri, Trans.). Tehran: Iran. Maktabat al-Zahraa. (In Persian)
- Farabi, M. bin M. (1964). *al-Siyāsah al-madanīyah* [Civil politics] (N. Fouzi Metri, Trans.). Beirut: Lebanon. al-Matba'ah al-Kaulaity. (In Persian)
- Hasani, M. (2008). *Utopia in the political thought of Farabi and Plato. Comparative Studies of Quran and Hadith*: (89), 105-142. (In Persian)
- Javadi, M. (2008[1382]). *Tahlil va naghde nazareye sa'ādat-e Fārābī* [Analysis and criticism of Saadat Farabi's theory]. *Two-part scientific journal of existence and cognition*, (5), 101-120. (In Persian)
- Khorramshad, M. B. & Kayani, N. (2011). *Tamaddun-e eslāmī-īrānī elhām bakhsh-e mowj-e sevom-e bīdārī* [The Islamic-Iranian civilization: Inspiration for the third wave of awakening]. *Islamic Revolution Studies*, (28), 27-50. (In Persian)
- Kord Firouz Jani, Y. (2010[1389]). *Sa'ādat ensan va naghdshe den dar an az dedgahe Fārābī* [Human happiness and the role of religion in it from



- Farabi's point of view]. Specialized Quarterly Journal of Philosophy and Theology, Critique and Comment, (60), 60-47. (In Persian)
- Mahmoudi, N. (2012[1391]). Armanshahre Fārābī va jamematlob az didgahe Fārābī , jayghah-e talim va tarbiat dar an [Farabi's utopia, ideal society from Farabi's point of view and the place of education in it]. The growth of social science education, (55), 21-16. (In Persian)
- Moqrabi, N. & Pourhasan, Q. (2019). Fārābī va rāh-e sa'ādat (kāvoshī dar bāb akhlāq-e faḍīlat az negāh-e Fārābī) [Farabi and the path of happiness: Exploration of virtue ethics from Farabi's point of view]. Tehran: Iran. Sadra Islamic Wisdom Foundation Institute. (In Persian)
- Mohajernia, M. (2001 [1380]). Andīshe-ye siyāsī-e Fārābī [Farabi's political thought]. Qom: Iran. Boustān Qom. (In Persian)
- Torani, A.; Omranian, N. & Mortazavi, U. (2019[1391]). Rabete sa'ādat va seyāsāt az negahe Fārābī [The relationship between happiness and politics from Farabi's point of view]. Islamic philosophy teachings, (10), 120-107. (In Persian)
- Yousefi Rad, M. (2018[1397]). Asbab va avamele sa'ādat dar area Fārābī, Ibnesina & Khwaja Nasir al-Din Tusi [The causes and factors of happiness in the opinions of Farbi, Ives Sina and Khwaja Nasir al-Din Tusi]. Transcendent Policy Quarterly, (6), 16-36. (In Persian)



Strategies for building a prosperous civilization based on Farabi's views

Reihaneh Davoodikahaki

Student of Islamic Philosophy and Theology, Faculty of Law, Political Science and Theology, Tehran University of Science and Research, Tehran, Iran.
reihaneh.davoodi65@gmail.com

Seyedabbas Zahabi

Professor of Philosophy, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran (Corresponding author).
falsafeh100@gmail.com

Babak Abbasi

Professor of Philosophy, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.
babbasi@gmail.com

Abstract

This research has been done with the aim of achieving the components of a prosperous civilization in Farabi's views and achieving a model equated with the current era. Because to build a civilization in today's transitional conditions, we need knowledge and culture in the context of a realistic philosophical view, and it is not possible to build an alternative civilization without relying on tradition. Finding a flexible and stable model for human excellence in the context of a happy society is the ultimate hope of this painting. The research method is based on the library study of Farabi's works and opinions, and then analyzing and modeling it according to today's concepts and elements. As a result of the research, we came to the conclusion that Farabi, as a civilization-building philosopher, in his Utopia plan, provides a criterion for civilization and culture based on a constructivist perspective, a model of needs, and the perspective of the originality of the individual as well as the collective. This stable network is a structure based on his special epistemic, legal and cultural system, which while satisfying all the needs of people, gives a fundamental answer to his basic need to achieve happiness in the light of moral perfection in such a way that social, political and cultural thinkers can Placing this model, design scientific and practical strategies suitable to the conditions and characteristics of any society. And finally, be guided to the point that despite the cultural eclecticism and entanglement in the age of transition with the model taken from the living and dynamic plan of Farabi's utopia in the construction of a prosperous civilization based on the end of mankind, it is possible to create an alternative civilization plan.

Keywords: Al-Farabi, Civilization, Culture, Ethics, Happiness, Utopia.

Measuring the impact of unethical behaviors on the reduction of citizens' social trust in good governance; Case study: Mashhad metropolis

Toktam Nabizadeh

student of political science, Tehran, Iran (Corresponding author).
nabizadeht@yahoo.com

Mohammad Tohidfam

Department of Political Science, Azad University of Tehran, Tehran, Iran.
tohidfam_m@yahoo.com

Ali asqar Davoudi

Department of Political Science, Azad University of Mashhad, Mashhad, Iran.
ndavoudi@gmail.com

Soosan Safaverdi

Department of Political Science, Tehran Markaz, Tehran, Iran.
soo.safaverdi@iauctb.ac.ir

Abstract

The aim of the current research is to investigate the theory of good governance and citizens' public trust in government organizations and public services with the moderating role of unethical behaviors. The present research method is practical in terms of its purpose; In terms of its nature, it is causal and in terms of the method of data collection, it is in the category of descriptive research, and in terms of the method of data analysis, it is a type of correlational research based on structural equation modeling. The statistical population of the current research is all citizens over 20 years of age in Mashhad. The data collection tool was a questionnaire that included 48 items and 4 demographic questions, and SPSS and Smart-PLS software were used for data analysis. Regarding the main question of the research, the results of the hypotheses show that good governance affects the social trust of citizens (the first hypothesis), good governance affects unethical behaviors (the second hypothesis), unethical behaviors affect the public trust of citizens (the third hypothesis), and finally governance Good has a positive and significant effect on the social trust of citizens through the moderating variable of unethical behaviors (the fourth hypothesis).

Keywords: Good governance, Social trust, Unethical behaviors, Public organizations.

Identifying the role of radio and television programs in the cultural development of Tehran citizens

Zohreh Rahdar

Doctoral student in Communication, Department of Social Communication, Faculty of Humanities, Tehran East Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
z.rahdar20@gmail.com

Somayeh Tajik Esmaeili

Faculty member of Social Communication Department, Islamic Azad University, East Tehran Branch, Tehran, Iran (Corresponding author).
s.t.esmaeili@gmail.com

Mandana Saneie

Faculty member of Social Communication Department, Islamic Azad University, East Tehran Branch, Tehran, Iran.
mandanasanee@yahoo.com

Abstract

The aim of this study was to identify the role of television programs in the cultural development of Tehran citizens. This research is of applied type as well as mixed (qualitative-quantitative). The statistical population of the study consisted of 30 elites in the field of media and culture who were selected using snowball sampling. Also, in the statistical surveys section, the opinions of 384 Tehran citizens over 18 years of age were used. A researcher-made questionnaire was used to collect information, the validity of which was confirmed by face validity and its reliability was confirmed by using Cronbach's alpha coefficient. In this research, 9 indicators were extracted through qualitative methods, which are: attitude, orientation, character, cultural consumption, personal security of citizens, product, communication, achievement and manpower. AHP technique was used to analyze and rank the identified factors. Based on the results, in making TV programs to promote cultural development, the most influential sources, cultural activities and products in the second priority, attitude in the third priority, communication tools in the fourth priority, human resources promotion in the fifth priority and trends in the last priority they got.

Keywords: Culture, Cultural Development, Attitude, Mass media, Television, Telecast, Citizens of Tehran.

Identifying the dimensions and strategic components effective on the establishment of the talent management system in the organization (A case study of the headquarters offices of Tehran Agricultural Bank)

Bahram Alishiri

Department of Public Administration, Faculty of Management, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran (Corresponding author).

Bahramalishiri1350@yahoo.com

Hossein Salehzadehnobari

Staff expert of the central offices of Keshavarzi Bank, Tehran, Iran.

h-salehzadeh@agri-bank.com

Mahmod Modiri

Department of Public Administration, Faculty of Management, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran.

m_modiri@azad.ac.ir

Farzaneh Bigzadeh

Department of Public Administration, Faculty of Management, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran.

farzanehbigzadeh@yahoo.com

Abstract

He purpose of the current research is to identify and rank the dimensions and strategic components that are effective on the establishment of the talent management system in the Agricultural Bank as one of the organizations that provides the most monetary and financial services to customers in all parts of the country. . The method used in this article is based on its purpose, its application, in the field of exploratory descriptive studies. Using field studies and meta-combination method, the dimensions and components affecting talent management were identified and placed at the disposal of 15 experts in the banking field who were selected in a purposeful way and scoring was done using the Delphi method. Based on the results extracted from experts' scoring, the final dimensions and components were determined. Ranking of dimensions and components was done based on DEMATEL method and fuzzy network analysis process. Pairwise comparisons were made based on the opinion of experts. To analyze the data, the implementation of the calculations related to the fuzzy DEMATEL method and the fuzzy network analysis process were used in the EXCEL software. The results show that the effective dimensions in talent management are respectively: development, employment and maintenance; Identification, recruitment and evaluation; Determining the characteristics of talent; program evaluation; Strategies and organizational environment. Also, the effective components in the talent management process with priority weighting are: training and development; internal application; interpersonal characteristics; evaluation of processes; Formulation of strategy and policies communicated to the bank.

Keywords: Talent management, Talent management system, Establishment of talent management system, Talent management in the banking industry, agricultural Bank.

Evaluation of High School Textbooks in Terms of Attention to Food and Nutrition Literacy Factors

Sirous Mahmoudi

Assistant Professor of the Philosophy of Education, Department of Educational Sciences, Payam Noor University, Tehran, Iran.

mahmoudi.s@pnu.ac.ir

Abstract

Paragraph 6 of the General Policies on Population lays emphasis on the promotion of nutrition literacy within society. The present study aims to evaluate high school textbooks in terms of attention to the food and nutrition literacy factors. The research method here is content analysis. The statistical population incorporates all textbooks of the high school cycle. No sampling has been done for this research, in which the entire population has been surveyed. The measuring tool is the content analysis checklist developed by the researcher. The validity of the tool is determined using the face and content validity method and expert opinions while its reliability has been measured at 96% using the Scott's Pi statistic. The results have been examined using descriptive analysis indicators while the Chi-squared test has been used to compare the frequency of food and nutrition literacy factors in the three disciplines of humanities, natural sciences and mathematics. They showed that attention to the food and nutrition literacy factors in high school textbooks is far from enough with some factors having been neglected in the books. The findings of this research also showed that the frequency of food and nutrition literacy factors in the humanities' textbooks was significantly lower than in the natural sciences and mathematics textbooks.

Keywords: Food and Nutrition Literacy, High school, Population lays, Textbooks.

Investigating the state of culture economy in Ilam province and ways to strengthen it; by emphasizing the identification of local capacities

Aziz Kalantari

Director of Pemayish Gostar Ilam cultural-artistic institute, Ilam, Iran
(Corresponding author).

kalantari.aziz@gmail.com

Ali Hashemi

Master Of Cultural Studies, Tehran, Iran.

alhashemi91990@gmail.com

Abstract

The present research aims to investigate the state of the economy of culture in Ilam province and ways to strengthen it; it has been done by emphasizing the identification of local capacities in the qualitative paradigm and by thematic analysis method. The target community included all activists and experts in the field of culture and art in Ilam province, and sampling was done based on theoretical saturation with 35 samples. A semi-structured interview was used to collect data. The results showed that the most important areas with investment capacity based on the culture economy model in Ilam province are: literature area, handicraft area, visual arts area, customs area, theater area and music area. Currently, except for the field of drama and to some extent in the field of music, there is an unfavorable situation in other fields in the province. Obstacles and restrictions, including economic barriers; Organizational and managerial obstacles; social structural barriers; cultural structural barriers; barriers to marketing and advertising; Visible weaknesses in artists and... have been the most important obstacles in the way of improving the situation. In order to overcome these limitations, solutions can be proposed, including: 1-Change in management methods and policies, 2-Creating the necessary background and platform, 3-Financial support for the production of cultural and artistic works, 4-Improving the quality of artists' works, and 5-Adequate advertising and marketing and practical measures to sell works, including the establishment of various markets, the launch of various festivals and exhibitions, etc.

Keywords: Culture Economics, Culture and Art, Local Capacities, Ilam Province.

Identifying and analyzing the factors affecting the weak work culture among the youth of Ilam province

Homayoon Moradnezhad

Associate Prof., Department of entrepreneurship and rural development, Ilam University, Ilam, Iran.

h.moradnezhad@ilam.ac.ir

Abstract

Despite the economic advantages and trained manpower in Ilam province, the unemployment rate is high and the rate of entrepreneurial activities is low. The researcher's investigation shows that the low work culture among young people can be one of the reasons for the high unemployment rate in this province. The purpose of this study was to identify and analyze the factors affecting the weak work culture among the youth of Ilam province and using the descriptive-correlational methodology. The research had two statistical populations of youth and elites. Considering the social, economic and social characteristics, Ilam townships were divided into two groups and three townships were randomly selected from each group. Using Cochran's formula, 385 young people and 96 elite people were estimated as a statistical sample and studied by stratified random sampling with proportional assignment. Data collection tool was a researcher-made questionnaire whose validity was confirmed using the views of 3 faculty members of Ilam University and its reliability was confirmed using Cronbach's alpha. The results of path analysis also showed that political, economic and social injustice was the most important variable that both directly and indirectly affected the low work culture among the province's youth and the effect of other variables was due to the effect of this variable. Therefore, in order to improve the culture of work and effort and development of the province, the role of the variables of socio-political alienation and political, economic and social injustice should be paid more attention.

Keywords: work culture, socio-political alienation, political, economic and social inequality, the youth of Ilam province, and unemployment.

Identifying Participatory Governance Methods and its Socio-cultural Tools Using Content Analysis Approach

Seyed Mohsen Mirbagheri

Ph.D. in Management of Technology (MOT)-Iran University of Science & Technology (IUST), Tehran, Iran.

seyyedmohsen.mirbagheri@yahoo.com

Abstract

Participatory governance is one of the successful approaches in public management and community administration. This approach reduces many challenges and problems in society and leads to an increase in social capital. To solve complex and multi-layered social issues and problems, successful governments work hard to improve public participation. But sometimes the lack of knowledge of effective methods and tools in this approach makes it not optimally used. In this article, the methods and tools of participatory governance in the socio-cultural field are examined. The method of this research is content analysis and using this method, data has been collected and checked with the help of library and internet sources, and then, by analyzing the collected data, the methods and tools of participatory governance have been extracted. In the following, with the help of 32 experts and academic and organizational experts in this field, the desired components have been identified with 17 indicators and in two main categories of methods and tools. The findings show that 8 methods of voting, surveying and polling, consultation, collective decision-making, production of common literature, networking and team building, information sharing, and collective work are among the most important methods of implementing participatory governance and 9 tools such as social media, social innovators, voluntary groups, a system of criticisms and suggestions, virtual platforms, educational texts, art, commanding good and forbidding evil and holding meetings are among the most important social and cultural tools of participatory governance in the country.

Keywords: participatory governance, social and cultural institutions, methods and tools, content analysis.

Prioritizing Universities' training and counseling alternatives for newlywed students: a step in line with the law of protection of family and the youth of the population

Mahtab Pouratashi

Faculty member, Department of Comparative Studies in Higher Education, Institute for Research & Planning in Higher Education, Tehran, Iran.

m.pouratashi@irphe.ir

Abstract

One of the activities universities can do in accordance with the law of protection of family and the youth of the population is to train and improve the communication skills of newlywed students. Improving communication skills have a significant impact on the satisfaction and happiness of couples, and such training can be done in different ways such as lectures and meetings, holding training courses, and providing individual and group counseling. In this research, the three-level decision tree of goals, criteria, and alternatives and the hierarchical analysis technique were used to prioritize the criteria and alternatives for providing communication skills training and counseling to newlywed students. The data was collected by completing 15 questionnaires by professors with experience in the field of counseling and analyzed using Expert Choice statistical software. Based on the results of hierarchical analysis, the effect criterion (change of knowledge and skill) with a relative weight of 0.416 was superior to other criteria. By combining the weights, seven communication skills training and counseling alternatives were prioritized considering five criteria in the following order: 1) holding theoretical and practical short-term courses, 2) holding workshops (one or two days), 3) individual training and counseling, 4) holding meetings and face-to-face lectures with questions and answers, 5) holding webinars, 6) cultural and educational camps and 7) distributing books and Booklets.

Keywords: the law of protection of family and the youth of the population, university, training, counseling, newlywed students, communication skills.

Meta-Analysis of the Relationship between Social Capital and Social Health: Researches in the Period of 2011-2021

Akbar Zolfaghari

Assistant Professor of Political Science-Development, Department of Political Science, Faculty of Law and Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran (Corresponding author).

akbarzolfaghari@pnu.ac.ir

Azadeh Ghayumi

M.Sc., Curriculum Planning, Department of Curriculum Planning, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Payame Noor University, Tehran, Iran.

azadehghayumi1398@gmail.com

Abstract

Introduction: Social health is a multi-dimensional concept that includes community health, physical health, and mental health, which is affected by various factors, including social capital. Therefore, the aim of the current research is to meta-analyze the relationship between social capital and social health, in order to estimate the size of the effect of social capital on social health.

Method: The statistical population of the research is the research conducted in the period of 2011-2021 on the subject of social capital and social health. 12 studies that had suitable characteristics to enter the meta-analysis were selected by purposive sampling. In order to analyze the data, the second edition of comprehensive meta-analysis software has been used. Due to the heterogeneity of the studies, the random effects model was used to combine the results and reach the effect size.

Results: The estimated effect size is 0.497 which is in the medium to high confidence range according to Cohen's interpretation system. Due to the heterogeneity of studies, the variables of "unit of analysis, geographical area and time of studies" were analyzed as a moderating variable. Social capital in the north of the country has been more than other parts of the country, also the results showed that social capital has increased its impact on social health over time.

Discussion: One of the basic preconditions in the social health of individuals in society and, consequently, the all-round growth and development of societies, is to benefit from the basic parameters of social capital.

Keywords: Social Capital, Social Health, Meta-Analysis, Effect Size, Community Development.

Recognition of the meaning and concept of national wealth in the eighty-third principle of the Constitution

Shahab Talaie Shokri

Faculty of Islamic Studies, Culture and Communication Imam Sadegh University, Tehran, Iran (Corresponding author).

shahab_talaie@yahoo.com

Saeed Shafia

Expert, Tourism and Cultural Heritage, Research Center of the Islamic Consultative Assembly, Tehran, Iran.

s.shafia@usc.ac.ir

Abstract

Article 83 of the Constitution is one of the principles on which supplementary laws and regulations have not yet been adopted, and its definition and criteria for measurement are still unclear. According to this principle, government buildings and property that are in the category of national treasures cannot be transferred without the opinion of the Islamic Consultative Assembly. Cultural heritage administrators have at times decided on three approaches: "experimental", "community" and "relying on world records". Decisions made about these treasures, due to the lack of a proper mechanism for recognition and assignment, can lead to the destruction of the original or part of the works. This qualitative study provided the possibility of answering the research questions by using library studies and interviews and by snowball sampling method after conducting 21 interviews and using the detailed parliamentary debates on Article 83. This study summarizes the definition of national luxury and unique luxury and suggested that inter-agency committees be formed to identify national wealth in order to provide the basis for decision-making without orientation and conflict of interests. Also, the scope of Article 83 of the Constitution to include non-governmental property and the protection of the owners of these treasures or the purchase of national treasures by the government.

Keywords: National treasure, unique, Semantic recognition, Cultural heritage, Article 83Constitution.

Preventive social and cultural components of committing green crimes (case study: Kashan city)

Zahra Nouri

PhD. student of social issues of Iran, Kashan University, Kashan, Iran.
nouri.z@grad.kashanu.ac.ir

Mohsen Niazi

Faculty member of Social Sciences, Kashan University, Kashan, Iran
(Corresponding author).
niazim@kashanu.ac.ir

Abstract

The environment and necessity of preserving it, is important and vital issues of the present era. It is one of the dimensions of achieving sustainable development. Then, the lack of human life and societies without having a healthy environment is obvious to everybody. The aim of present study is to identify and investigate the social and cultural factors of committing environmental crimes of Kashani citizens by mixed method (qualitative-quantitative). In the qualitative section by using semi-structured interview method, theme analysis and MAXQDA software, social and cultural factors related to green crimes were identified. Then, in the quantitative part, the existence, direction and coefficient rate of independent variables with dependent variable were evaluated using survey method and questionnaire. The minimum number of samples was estimated to be 358 according to Cochran formula. However, at the discretion of the supervisor, the samples were upgraded to 481 people. After collecting data, they were analyzed by SPSS 22 software. The results of correlation tests indicate that the variables of citizenship culture, environmental awareness, religiosity and national identity are related to committing environmental crimes. Moreover, the results of regression analyses shows that all the independent variables have the significant and reverse influence on green crimes. Thus, by promoting the culture of citizenship, environmental awareness, religiosity and national identity, committing environmental crimes will reduce. Therefore, citizenship and environmental education to public and getting familiar with Islamic and Iranian identity is suggested in order to prevent environmental crimes.

Keywords: Environmental crimes, national identity, environmental awareness, citizenship culture, religiosity.

Contents

Preventive social and cultural components of committing green crimes (case study: Kashan city)	372
<i>Zahra Nouri and Mohsen Niazi</i>	
Recognition of the meaning and concept of national wealth in the eighty-third principle of the Constitution	399
<i>Shahab Talaie Shokri and Saeed Shafia</i>	
Meta-Analysis of the Relationship between Social Capital and Social Health: Researches in the Period of 2011-2021	423
<i>Akbar Zolfaghari and Azadeh Ghayumi</i>	
Prioritizing Universities' training and counseling alternatives for newlywed students: a step in line with the law of protection of family and the youth of the population	455
<i>Mahtab Pouratashi</i>	
Identifying Participatory Governance Methods and its Socio-cultural Tools Using Content Analysis Approach.....	483
<i>Seyed Mohsen Mirbagheri</i>	
Identifying and analyzing the factors affecting the weak work culture among the youth of Ilam province	527
<i>Homayoon Moradnezhad</i>	
Investigating the state of culture economy in Ilam province and ways to strengthen it; by emphasizing the identification of local capacities	565
<i>Aziz Kalantari and Ali Hashemi</i>	
Evaluation of High School Textbooks in Terms of Attention to Food and Nutrition Literacy Factors.....	605
<i>Sirous Mahmoudi</i>	
Identifying the dimensions and strategic components effective on the establishment of the talent management system in the organization (A case study of the headquarters offices of Tehran Agricultural Bank).....	641
<i>Bahram Alishiri, Hossein Salehzadehmobari, Mahmood Modiri and Farzaneh Bigzadeh</i>	
Identifying the role of radio and television programs in the cultural development of Tehran citizens	673
<i>Zohreh Rahdar, Somayeh Tajik Esmaili and Mandana Saneie</i>	
Measuring the impact of unethical behaviors on the reduction of citizens' social trust in good governance; Case study: Mashhad metropolis.....	715
<i>Toktam Nabizadeh, Mohammad Tohidfam, Ali asgar Davoudi and Soosan Safaverdi</i>	
Strategies for building a prosperous civilization based on Farabi's views	745
<i>Reihaneh Davoodikahaki, Seyedabbas Zahabi and Babak Abbasi</i>	



Institute for Strategic
Research

Publisher
**Institute for Strategic
Research
Expediency Council**

Managing Director
**Dr. Mohammadreza
Majidi**

Editor-in-Chief
**Dr. Gholamreza
Jamshidiha**

Deputy editor
Dr. Iman Irfan Mensh

Internal Director
Dr. Maryam Fakhri

Layout and Graphics
Reza Abdollahi Bejandi

Editor
Reza Diba

ISSN: **2251-7081**
Electronic ISSN
2588-655X

Publication
**Information for
Strategic Research**

Quarterly of The Socio-cultural Strategy Journal 47

Vol. 12 - No. 2 - Issue. 47 - July 2023

Editorial Board

Dr. Gholamreza Jamshidiha

Dr. Mohammad Bagher Khorramshad

Dr. Seyyed Mohammad Hosseini

Dr. Bahram Bayat

Dr. Ibrahim Fayaz

Dr. Hamid Parsania

Dr. Seyed Saeed Zahid Zahedani

Dr. Hossein Bostan (Najafi)

Dr. Abdulhossein Kalantari

Dr. Gholamreza Tajbakhsh

This journal is printed according to letter No. 90/25595, dated 12 December 2011

According to letter No 2/18/3511, dated 2 June 2013 of the Ministry of Science, Research and Technology, The Socio-cultural Strategy Journal has been accredited as a scientific-research Journal since spring 2012.

Address: No. 10, between 4th and 65th alley, North Mossadegh St, Mirdamad, Tehran, Iran

Postcode: 1591816911

Tel: +98 21 22258921

Fax: +98 21 22258921

Website: rahbordfarhangi.csr.ir **Email:** rahmagiran@gmail.com

Price: 200000 Rials